



مرکز تحقیقات اسلامی

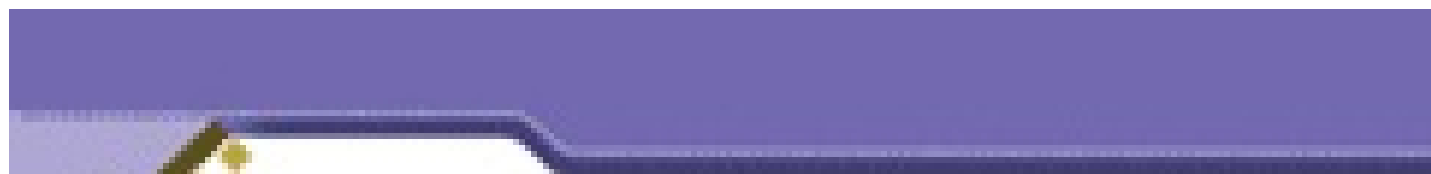
اصفهان

گامی



عمر الکریم
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



چهارمین اثر نویسندگان

hodhodbook.ir

مجموعه آموزش عالی امام خمینی (ره)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات همایش صدف کوثر

نویسنده:

ناصر رفیعی محمدی

ناشر چاپی:

جامعة المصطفی (صلي الله عليه وآله) العالمية

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
مجموعه مقالات همایش صدف کوثر جلد ۲	۲۴
مشخصات کتاب	۲۴
اشاره	۲۴
فهرست اجمالی	۲۸
فهرست مطالب	۳۰
سخن دبیر علمی همایش	۶۳
زندگی خدیجه کبری علیها السلام ، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران)	۶۵
زندگی خدیجه کبری علیها السلام	۶۵
چکیده	۶۵
مقدمه	۶۵
۱. ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾	۶۶
۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾	۷۰
۳. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾	۷۲
۴. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾	۷۳
۵. ﴿السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ﴾	۷۴
اشاره	۷۴
۱-۵-سیقت در ایمان	۷۴
۲-۵-اولین نمازگزار	۷۵
۳-۵-اولین بیعت کننده با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله	۷۶
۶. ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ﴾	۷۶
۷. ﴿وَلَيْسَتَغْفِرَ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾	۷۷
۸. ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَعْدُوِّ وَالْأَصَالِ﴾	۷۸
۹. ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾	۷۹

۸۰	۱۰. (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ)
۸۰	نتیجه
۸۲	منابع
۸۵	شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات: احمد جاوید انوری
۸۵	اشاره
۸۵	چکیده
۸۶	مقدمه
۸۶	معرفی حضرت خدیجه علیها السلام
۸۷	ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام در روایات
۸۷	۱. القاب حضرت خدیجه علیها السلام در روایات
۸۷	۱-۱- ام المؤمنین
۸۷	۱-۲- سرور زنان
۸۸	۱-۳- صدیقه
۸۸	۱-۴- طاهره
۸۹	۲. ویژگیهای دنیوی حضرت خدیجه علیها السلام
۸۹	۱-۲- جزء چهار زن برتر
۹۰	۲-۲- مادر حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام علیهم السلام
۹۲	نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام
۹۲	تنها حامی پیامبر
۹۲	اشاره
۹۳	۳. جایگاه و مقام معنوی و ویژگی های اخروی حضرت خدیجه علیها السلام
۹۳	اشاره
۹۴	۳-۱- نخستین بانوی نمازگزار
۹۴	۳-۲- سلام و درود خداوند
۹۵	۳-۳- مالک قصرهای بهشتی
۹۶	نتیجه

۹۸	منابع
۱۰۰	حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم: طاهره ماهرزاده
۱۰۰	اشاره
۱۰۰	چکیده
۱۰۰	مقدمه
۱۰۳	شناخت اجمالی حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۳	القاب حضرت خدیجه علیها السلام
۱۰۴	شرافت یافتن حضرت خدیجه علیها السلام با همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۱۰۴	مفهوم شناسی صالح
۱۰۷	ویژگی صالحان در قرآن کریم
۱۱۰	سرعت گرفتن و سبقت در خیرات در قرآن
۱۱۲	سیره حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگامی و سبقت در خیرات
۱۱۲	اولین زن مسلمان
۱۱۳	پیشتازی در نماز
۱۱۵	اولین مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۶	اولین بخشنده مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۱۸	اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر ولایت و خلافت
۱۱۸	عفیف و حافظ خود و اموال در غیبت همسر
۱۲۰	خلود در بهشت
۱۲۱	بشارت جبرئیل حضرت خدیجه علیها السلام را به بهشت
۱۲۱	نتیجه
۱۲۳	منابع
۱۲۵	معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پورفرد، شایسته غلامعلی دهکردی
۱۲۵	چکیده
۱۲۶	مقدمه
۱۲۷	معیارهای ازدواج از نگاه قرآن

- ۱۳۶----- معیارهای ازدواج از نگاه اهل بیت علیهم السلام
- ۱۳۶----- اشاره
- ۱۳۸----- الف) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نمایان است:
- ۱۴۲----- ب) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله خدیجه علیها السلام نمایان است:
- ۱۴۵----- معیارهای عُرفی غیر قابل اعتنا
- ۱۴۶----- نتیجه
- ۱۴۸----- منابع
- ۱۵۰----- ویژگیهایی از حضرت خدیجه علیها السلام: محمد فاکر میبیدی
- ۱۵۰----- اشاره
- ۱۵۰----- چکیده
- ۱۵۱----- مقدمه
- ۱۵۱----- ۱. بینش عمیق اعتقادی
- ۱۵۲----- ۲. بصیرت اجتماعی
- ۱۵۵----- ۳. پایداری در برابر سرزنش ها
- ۱۵۷----- ۴. ایثارگری در راه خدا
- ۱۶۰----- ۵. پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۱۶۲----- ۶. مشکل گشایی از پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۱۶۳----- ۷. مخاطبه سلام الهی
- ۱۶۴----- ۸. تسلی و امداد الهی به حضرت خدیجه علیها السلام
- ۱۶۶----- ۹. تفکر درست اقتصادی
- ۱۶۷----- ۱۰. دوست داشتنی و فرزند داری
- ۱۶۹----- ۱۱. عطوفت بر فرزند
- ۱۷۰----- ۱۲. شایستگی مادری حضرت زهرا علیها السلام
- ۱۷۱----- نتیجه
- ۱۷۲----- منابع
- ۱۷۵----- الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در زمینه همسر داری: ثریا شاعیدی

۱۷۵	اشاره
۱۷۵	چکیده
۱۷۵	مقدمه
۱۷۷	نمونه هایی از آیین همسرمداری به سبک حضرت خدیجه علیها السلام
۱۷۷	۱. معیار ارزشی در گزینش همسر
۱۸۰	۲. روابط عاطفی و احساسی متقابل
۱۸۱	۳. اطاعت پذیری زن از شوهر
۱۸۴	۴. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر
۱۸۸	نتیجه
۱۹۰	منابع
۱۹۲	ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه سلطان محمدی
۱۹۲	چکیده
۱۹۳	مقدمه
۱۹۴	الگو در لغت
۱۹۴	اشاره
۱۹۵	الف) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اعتقادی
۱۹۵	اشاره
۱۹۵	۱. تحقیق مستلزم پرسش
۱۹۷	۲. استواری و استقامت اعتقادی
۱۹۹	۳. تسلیم بودن در برابر دستورهای الهی
۲۰۰	۴. حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی
۲۰۱	۵. بیعت با علی علیه السلام
۲۰۲	ب) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد عبادی
۲۰۲	۱. توحید در عبادت
۲۰۵	۲. داشتن دعای خالصانه
۲۰۶	۳. جدیت و دوام در عبادت

- ج) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد خانوادگی ۲۰۹
- اشاره ۲۰۹
۱. نگرشی ارزشی به زندگی ۲۱۰
۲. رعایت حریم و عفاف در گفت و گو با نامحرم ۲۱۳
۳. احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده ۲۱۴
۴. رعایت ادب در طول زندگی ۲۱۸
۵. پرهیز از دنیا طلبی و تجمل گرایی ۲۲۰
- د) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد فعالیت های اجتماعی ۲۲۱
- ه) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اقتصادی و کارآفرینی ۲۲۳
- اشاره ۲۲۳
۱. بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات ۲۲۳
۲. مدیریت اقتصادی ۲۲۵
۳. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی ۲۲۵
۴. اصل نظارت و کنترل در مدیریت ۲۲۵
۵. شناخت زمان و مکان و اوضاع بازار در پرتو آگاهی و مشاوره ۲۲۶
۶. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی ۲۳۰
۷. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای ۲۳۱
۸. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع ۲۳۲
۹. کارآفرینی با معنویت و بشردوست ۲۳۳
- و) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد سیاسی ۲۳۵
- اشاره ۲۳۵
۱. اعتقاد به مشارکت در امور سیاسی ۲۳۶
۲. مشارکت عملی در امور سیاسی ۲۳۷
۳. ایستادگی و مقاومت هنگام تحریم و محاصره شعب ابی طالب ۲۳۷
۴. سرپرستی و تربیت جانشین نبوت ۲۳۹
۵. تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب ۲۴۰

- ۲۴۱ ۶. تلاش مستمر در راه تربیت و سازندگی نزدیکان
- ۲۴۳ نتیجه
- ۲۴۴ منابع
- ۲۴۷ حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام: علی کریمی جهرمی
- ۲۴۷ اشاره
- ۲۴۷ نسب رفیع و ریشه خانوادگی
- ۲۴۷ مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۴۸ حرز حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۴۹ شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۴۹ اشاره
- ۲۴۹ ۱. اسلام آوردن او و بناگذاری بر اطاعت محض از مکتب مقدس و توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۲۴۹ ۲. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با وجود پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ۲۵۰ ارزش ها از نظر حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۵۲ شخصیت خدیجه علیها السلام در کلام حضرت ابی طالب
- ۲۵۴ خدیجه علیها السلام در کلام امیر مؤمنان
- ۲۵۵ سلام رساندن خدا به حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۵۶ علاقه مندی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام
- ۲۵۸ رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با دوستان و علاقه مندان خدیجه علیها السلام
- ۲۶۰ افتخار حضرت زهرا علیها السلام به مادرش خدیجه علیها السلام
- ۲۶۰ احتجاج امام حسین علیه السلام و بیان شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۶۱ گریه و مناجات شبانه امام حسین علیه السلام سر قبر خدیجه علیها السلام
- ۲۶۳ صلوات بر حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۶۵ نام حضرت خدیجه علیها السلام در دعا
- ۲۶۶ نام حضرت خدیجه علیها السلام ای در زیارت ها
- ۲۶۷ روایاتی در شأن و مقام خدیجه علیها السلام
- ۲۶۸ گوشه هایی از آداب و ایثار و وفای حضرت خدیجه علیها السلام

- ۲۷۱ وفات و وصایای دلسوزانه حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۷۴ بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله: سید محمدرضا عالمی
- ۲۷۴ چکیده
- ۲۷۵ مقدمه
- ۲۷۶ وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و اله قبل از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۷۸ وضعیت مالی حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله
- ۲۸۲ روابط مالی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام پس از ازدواج
- ۲۸۴ استقلال مالی مقدمه استقلال همه جانبه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۸۷ نتیجه
- ۲۸۹ منابع
- ۲۹۲ فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام: فرمان علی سعیدی
- ۲۹۲ اشاره
- ۲۹۲ چکیده
- ۲۹۲ مقدمه
- ۲۹۳ زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۹۶ حضرت خدیجه علیها السلام جزو اولین ها
- ۲۹۷ کمک مالی حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
- ۲۹۷ فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام
- ۲۹۹ مسلمان شدن زید بن حارثه در کنار امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام
- ۳۰۰ ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ۳۰۱ پیوندی که به بشریت انجامید
- ۳۰۴ حفظ اسلام در طول سه سال به طور پنهانی
- ۳۰۵ نقش اموال حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام
- ۳۰۷ نتیجه
- ۳۰۸ منابع
- ۳۱۱ حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده: قاسم صفری جوادی

- ۳۱۴ انبیا انسان های صاحب اراده
- ۳۱۵ زنان صاحب اراده در قرآن
- ۳۱۶ چهار زن کامل بهشتی
- ۳۱۷ حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده
- ۳۱۷ نتیجه
- ۳۱۹ منابع
- ۳۲۰ مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان: الهام خبازی نژاد
- ۳۲۰ اشاره
- ۳۲۰ چکیده
- ۳۲۱ مقدمه
- ۳۲۲ خدیجه علیها السلام، همسری نمونه
- ۳۲۴ حضرت خدیجه علیها السلام، مادر دوازده معصوم علیهم السلام
- ۳۲۶ حضرت خدیجه علیها السلام، مادر مومنان
- ۳۲۷ حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی با اخلاص
- ۳۲۷ حضرت خدیجه علیها السلام، اول زن تصدیق کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۳۳۰ وفادار به بندگی انفاق کننده قرینه حبیب اله السماء
- ۳۳۲ ابلاغ سلام خداوند متعال و جبرئیل بر خدیجه علیها السلام
- ۳۳۴ حافظ دین خدا و یاور رسول خدا صلی الله علیه و اله
- ۳۳۷ رحلت حضرت خدیجه علیها السلام
- ۳۳۸ منزل اخروی حضرت خدیجه علیها السلام
- ۳۴۰ حضرت خدیجه علیها السلام در ادعیه، زیارات و خطبات
- ۳۴۰ اشاره
- ۳۴۰ الف) دعای ندبه
- ۳۴۰ ب) خطبه امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه
- ۳۴۱ ج) خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا
- ۳۴۱ د) خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید

۳۴۲(ه)خطبه حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم
۳۴۲ نتیجه
۳۴۳ منابع
۳۴۵ حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی: فهمیه خوش کلام، توبیاس مارتین اشنايدر
۳۴۵ چکیده
۳۴۵ مقدمه
۳۴۷ نقش اجتماعی
۳۴۸ سرمایه اجتماعی
۳۴۸ چارچوب نظری
۳۵۰ ابعاد سرمایه اجتماعی
۳۵۰ اشاره
۳۵۱ ۱. اعتماد اجتماعی
۳۵۱ ۲. اعتماد میان نژادهای مختلف
۳۵۲ ۳ و ۴. مشارکت سیاسی عادی و نقادانه
۳۵۲ ۵. مشارکت مدنی
۳۵۳ ۶. رهبری مدنی
۳۵۴ ۷. پیوندهای اجتماعی غیررسمی
۳۵۵ ۸. بخشش و روحیه داوطلبی
۳۵۵ ۹. مشارکت مذهبی
۳۵۵ ۱۰. عدالت در مشارکت مدنی
۳۵۶ ۱۱. تنوع معاشرت ها و دوستی ها
۳۵۶ نتیجه
۳۵۸ منابع فارسی
۳۶۱ منابع لاتین
۳۶۳ نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی: عباس علی مشکاتی سبزواری
۳۶۳ اشاره

۳۶۳	مقدمه
۳۶۳	اشاره
۳۶۴	۱.نگاهی اجمالی به شخصیت و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام
۳۶۷	۲.مروری بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی
۳۷۱	۲-۲-نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مرحله ایجاد انقلاب نبوی
۳۸۳	منابع
۳۸۴	بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمود سامانی
۳۸۴	چکیده
۳۸۵	مقدمه
۳۸۵	اشاره
۳۸۵	الف)دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۳۸۵	اشاره
۳۸۶	۱.خدیجه علیها السلام از بهترین و برترین زنان
۳۸۷	۲.نخستین زن مسلمان
۳۸۷	۳.بهترین مشاور
۳۸۸	۴.بهترین جده
۳۸۸	۵.مباهات فرشتگان به خدیجه علیها السلام
۳۸۹	دیدگاه اهل بیت علیهم السلام
۳۸۹	اشاره
۳۸۹	۱.امیرمؤمنان علی علیه السلام
۳۹۰	۲.امام مجتبی علیه السلام
۳۹۰	۳.امام حسین علیه السلام
۳۹۱	۴.امام سجاد علیه السلام
۳۹۱	۵.امام صادق علیه السلام
۳۹۲	ب)دیدگاه صحابه درباره حضرت خدیجه علیها السلام
۳۹۲	اشاره

۳۹۲ ۱. دیدگاه ام سلمه:

۳۹۲ ۲. جابر بن عبدالله انصاری:

۳۹۳ ۳. ابوهریره:

۳۹۳ ۴. عبدالله بن زبیر:

۳۹۳ (ج) دیدگاه اندیشه وران اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام

۳۹۳ ۱. ابن اسحاق (۱۵۱ ق):

۳۹۳ ۲. ابن هشام (م ۲۱۳ ق):

۳۹۴ ۳. بلاذری (م ۲۷۹ ق):

۳۹۴ ۴. زبیر بن بکار (م ۲۵۶ ق):

۳۹۴ ۵. حافظ عبدالعزیز جَنابِذی حنبلی:

۳۹۴ ۶. ابن جوزی (۵۹۷ ه ق):

۳۹۴ ۷. ابن اثیر (۶۳۰ ق): وی می گوید:

۳۹۶ ۸. سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ ق):

۳۹۶ ۹. ابن سیدالتاس (م ۷۳۴ ق):

۳۹۷ ۱۱. ذهبی (م ۷۴۸ ق):

۳۹۸ ۱۲. ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق):

۳۹۸ ۱۳. عمر رضا کحاله:

۳۹۸ ۱۴. علی ابراهیم حسن: وی می نویسد:

۳۹۹ ۱۵. عبدالله علایلی:

۳۹۹ ۱۶. عمر ابونصر از دانشمندان معاصر لبنانی: می گوید:

۴۰۰ ۱۷. سلیمان کتانی:

۴۰۰ (د) دیدگاه متفکران شیعی درباره حضرت خدیجه علیها السلام

۴۰۰ ۱. هشام بن محمد کلیبی (۲۰۴ ق): وی می گوید:

۴۰۱ ۲. سید عبدالحسین شرف الدین:

۴۰۱ ۳. حضرت آیت الله خامنه ای:

۴۰۲ نتیجه

۴۰۳	منابع
۴۰۶	حضرت خدیجه علیها السلام منتظر واقعی: فاطمه صالحی
۴۰۶	اشاره
۴۰۶	چکیده
۴۰۶	مقدمه
۴۰۸	مفهوم شناسی بعثت و ظهور
۴۰۹	شباهت های بعثت و ظهور و نقش حضرت خدیجه علیها السلام
۴۱۰	بعد اعتقادات حضرت خدیجه علیها السلام
۴۱۱	شناخت امام
۴۱۲	حدیث ثقلین و حضرت خدیجه علیها السلام
۴۱۴	بعد اجتماعی انتظار و حضرت خدیجه علیها السلام
۴۱۵	استراتژی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۱۶	دشمن شناسی
۴۱۶	مفهوم شناسی انتظار
۴۱۷	لایه های انتظار
۴۱۷	اشاره
۴۱۷	۱.نمای توحید
۴۱۷	۲.پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا
۴۱۸	۳.قدرت و سیاست
۴۱۸	۴.احیا و اجرای دیانت پایبندی به دین و ارزش های آن
۴۱۸	۵.انتظار
۴۱۹	ویژگی های منتظران با رویکرد به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
۴۱۹	تقیه حضرت خدیجه
۴۲۰	یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در کلام خدا
۴۲۱	یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۲۲	ویژگی های نفسانی یاران امام

- ۴۲۳ ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام
- ۴۲۳ مأموریت یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۴۲۴ نتیجه
- ۴۲۶ منابع
- ۴۲۷ آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری
- ۴۲۷ اشاره
- ۴۲۷ مقدمه
- ۴۲۸ هدف داری در آفرینش انسان
- ۴۲۸ رابطه نیاز و هدف
- ۴۲۹ نیاز به آرامش و سکون
- ۴۲۹ دامنه سکون خواهی و راه وصول به آن
- ۴۳۰ نوع پناه ها
- ۴۳۱ آیت سکون در ازدواج
- ۴۳۱ آیتی نمونه در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام
- ۴۳۲ شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام
- ۴۳۲ خوی و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام
- ۴۳۳ اندیشه ورزی حضرت خدیجه علیها السلام
- ۴۳۳ تقدیر آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۴۳۴ شنیده ها و یافته ها
- ۴۳۵ شیدایی و دلدادگی
- ۴۳۵ سنت شکنی سنگین
- ۴۳۶ خواستگاری و ازدواج
- ۴۳۷ زندگی مشترک
- ۴۳۸ بعد معنوی ازدواج او
- ۴۳۸ باور حضرت خدیجه علیها السلام
- ۴۳۹ یار همراه و دل دار

۴۴۰	نقش حضرت خدیجه علیها السلام
۴۴۲	شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام
۴۴۵	رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام
۴۴۶	وفاداری حتی پس از وفات
۴۴۷	نتیجه
۴۴۸	منابع
۴۵۱	بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام: مریم مظفری
۴۵۱	اشاره
۴۵۱	چکیده
۴۵۱	مقدمه
۴۵۲	مفهوم شناسی
۴۵۲	۱. منزلت
۴۵۲	۲. معنوی
۴۵۲	معرفی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۵۵	بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام
۴۵۵	اشاره
۴۵۵	۱. حضرت خدیجه علیها السلام مصداق برخی آیات در تفاسیر فریقین
۴۵۸	۲. دیدگاه راویان شیعه و اهل تسنن در مورد مقام حضرت خدیجه علیها السلام
۴۶۰	۳. مباحث امامان علیهم السلام و بزرگان به وجود حضرت خدیجه علیها السلام
۴۶۱	۴. فرستادگان ویژه الهی
۴۶۱	۵. کفن بهشتی
۴۶۲	نتیجه
۴۶۳	منابع
۴۶۶	دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی
۴۶۶	اشاره
۴۶۶	چکیده

۴۶۷	مقدمه
۴۶۹	مفهوم شناسی
۴۶۹	اشاره
۴۶۹	الف) کتاب الانوار البکری (قرن ۷)
۴۷۱	ب) حضرت خدیجه علیها السلام
۴۷۱	مروری بر شعر زنان در عصر جاهلیت
۴۷۳	متن اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب الانوار
۴۸۱	نقد اشعار و انطباق با گزارش های معتبر تاریخی
۴۸۱	اشاره
۴۸۲	الف) ارزیابی بیرونی
۴۸۲	اشاره
۴۸۲	۱. سند و اصالت اشعار
۴۸۳	۲. زمان و زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار
۴۸۳	۳. سابقه بانو خدیجه علیها السلام ای در سرودن شعر
۴۸۵	ب) ارزیابی درونی
۴۸۵	۱. طرح و ساختار اشعار
۴۸۵	۲. ناسازگاری مضامین اشعار با گزارش های معتبر تاریخی
۴۸۶	۳. راهاصات ساختگی در اشعار
۴۸۶	اشاره
۴۸۷	۱-۳- سخن گفتن شتر
۴۸۷	۲-۳- احترام مار عظیم الجثه به پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۸۸	۴. نکات در خور توجه در محتوای متن
۴۹۰	نتیجه
۴۹۱	منابع
۴۹۴	حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن: محمد علی رضایی اصفهانی
۴۹۴	اشاره

۴۹۴	چکیده
۴۹۵	مقدمه
۴۹۵	پیشینه
۴۹۷	بسامد آیات
۴۹۷	اشاره
۴۹۷	دسته اول: آیاتی که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آن هاست
۴۹۷	اشاره
۴۹۸	۱.آیه ام المؤمنین
۴۹۹	۲.آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۹۹	۳.آیات ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله
۵۰۰	۴.آیه حجاب
۵۰۱	دسته دوم: آیاتی که در شأن نزول آن ها به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است
۵۰۴	دسته سوم: آیاتی که به جایگاه و مقام حضرت خدیجه علیها السلام مرتبط است
۵۰۵	دسته چهارم: آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به صورت قضایای شخصیه است
۵۰۵	اشاره
۵۰۶	۱.آیات تحریم
۵۰۷	۲.آیات ازدواج زینب و زید
۵۰۸	تفسیر مهمترین آیه مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام (ام المؤمنین)
۵۰۹	نکات آیه
۵۱۳	نتیجه
۵۱۴	منابع
۵۱۷	خدیجه و بدء الوحی: صفورا سالاریه
۵۱۷	اشاره
۵۱۷	چکیده
۵۱۷	مقدمه
۵۲۱	نقد سندی

الف) از حیث سلسله سند ----- ۵۲۱

۱. عایشه ----- ۵۲۱

۲. عبدالله بن زبیر ----- ۵۲۱

۳. عروہ بن زبیر ----- ۵۲۱

۴. اسماعیل بن ابی الحکیم ----- ۵۲۲

۵. وهب بن کيسان ----- ۵۲۲

۶. عبید بن عمیر ----- ۵۲۳

۷. ابن عباس ----- ۵۲۳

۸. عبدالله بن شداد الهاد اللیثی ----- ۵۲۳

۹. ابو میسرہ ----- ۵۲۳

۱۰. عبدالله بن الحسن ----- ۵۲۴

ب) از حیث اعتبار ستجی راوی ----- ۵۲۵

اشاره ----- ۵۲۵

۱. عایشه ----- ۵۲۷

۲. عروه بن زبیر ----- ۵۲۸

۳. زهری ----- ۵۲۸

اشاره ----- ۵۲۸

۴. عبید بن عمیر ----- ۵۲۹

۵. اسماعیل بن ابی الحکیم ----- ۵۲۹

جمع بندی نقد سندی ----- ۵۲۹

تعارض محتوا ----- ۵۳۱

نقد درونی ----- ۵۳۱

اشاره ----- ۵۳۱

۱. مکان دیدار با جبرئیل ----- ۵۳۱

۲. در بیان حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در ملاقات با جبرئیل در ابتدای وحی ----- ۵۳۳

۳. انتساب توهم پیامبر صلی الله علیه و آله به کاهنیت ----- ۵۳۳

۴. حالت جبرئیل در هنگام نزول وحی ۵۳۴
۵. فشار جبرئیل ۵۳۴
۶. واکنش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با پیامبر صلی الله علیه و آله ۵۳۵
۷. امتحان حضرت جبرئیل توسط حضرت خدیجه علیها السلام ۵۳۵
۸. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط حضرت خدیجه علیها السلام ۵۳۷
- نقد بیرونی (تعارض روایات با قرآن) ۵۳۹
- ترجمه لفظ آیات قرآنی است. شرح و تفسیر نیست. ۵۴۱
- تعارض با شخصیت خدیجه علیها السلام ۵۴۵
- نتیجه ۵۴۷
- منابع ۵۴۹
- خدیجه کبری علیها السلام مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله: سید محمد نجفی یزدی ۵۵۳
- درباره مرکز ۵۶۸

مشخصات کتاب

مجموعه مقالات همایش

صدف کوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد دوم

دبیر علمی همایش ناصر رفیعی محمدی

مسئول همایش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همایش: محمد صادق دهقان نژاد

جامعه الزهراء علیها السلام، مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران مجتمع عالی بنت الهدی پژوهشگاه قرآن و حدیث

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2

مجموعه مقالات همایش

صدف كوثر

حضرت خدیجه علیها السلام

جلد دوم

ص: 3

دبير علمى همائش ناصر رفيعى محمدى

مسئول همائش: محمد جواد زارعان

مدیر اجرایی همائش: محمد صادق دهقان نژاد

* اعضاء شورای علمى (به ترتيب الفبا):

رسول عبداللهى

على نقى خداييارى

قاسم جوادى (صفرى)

محمد جواد زارعان

محمد على رضاى اصفهانى

محمد عظيمى

مهدى قائمى اميرى

ناصر باقرى بيدهندي

ناصر رفيعى محمدى

*مراكز همكار

جامعة الزهراء عليها السلام، مركز مديريت حوزه علميه خواهران مجتمع على بنت الهدى پژوهشگاه قرآن و حديث

خيراندیش دیجیتالی: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم شهناز محققیان

ص: 4

سخن دبیر علمی همایش...24

زندگی خدیجه کبری علیها السلام ، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران)...25

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات: احمد جاوید انوری...45

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم: طاهره ماهروزاده...60

معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پور، فرد شایسته
غلامعلی دهکردی...84

ویژگی هایی از حضرت خدیجه علیها السلام: محمد فاکر میبیدی...109

الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در زمینه همسررداری: ثریا شاعیدی...134

ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام علیها السلام: فاطمه سلطان محمدی...151

حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام: علی کریمی جهرمی...206

بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله: سید محمد رضا عالمی...233

فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام: فرمان علی سعیدی: 251

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده: قاسم صفری جوادی...270

مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان: الهام خبازی نژاد...279

حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی: فهیمه خوش کلام، تویاس مارتین اشنایدر...304

نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی: عباسعلی مشکانی سبزواری...322

بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمود سامانی...364

حضرت خدیجه علیها السلام المنتظر واقعی: فاطمه صالحی...364

آیتی نمونه از سکون بخشی از دواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دلداری پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری...385

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام: مریم مظفری...408

دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و اله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی...423

حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن: محمد علی رضایی اصفهانی...450

خدیجه و بدء الوحی: صفورا سالاریه...473

خدیجه کبری علیها السلام و مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صلی الله علیه و اله: سید محمد نجفی یزدی...506

سخن دبیر علمی همایش...24

زندگی خدیجه کبری علیها السلام ، تجلی گاه آیات قرآن...25

مقدمه...25

1. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)...26

2. (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)...30

3. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ)...32

4. (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)...33

5. (السابقون السابقون اولئك المقربون)...34

1-5- سبقت در ایمان...34

2-5- اولین نمازگزار...35

3-5- اولین بیعت کننده با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...36

6. (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ)...36

7. (وَلْيَسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَحِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ)...37

8. (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)...38

9. (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)...39

10. (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ)...40

نتیجه...40

منابع...42

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات...45

مقدمه...46

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام...46

ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام در روایات...47

ص:7

1. القاب حضرت خدیجه علیها السلام در روایات...47

1-1 - ام المؤمنین...47

1-2 - سرور زنان...47

1-3 - صدیقه...48

1-4 - طاهره...48

2. ویژگی های دنیوی حضرت خدیجه علیها السلام...49

1-2 - جزء چهار زن برتر...49

2-2 - مادر حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام علیهم السلام...50

نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام...52

تنها حامی پیامبر...52

3. جایگاه و مقام معنوی و ویژگی های اخروی حضرت خدیجه علیها السلام...53

1-3 - نخستین بانوی نمازگزار...54

2-3 - سلام و درود خداوند...54

3-3 - مالک قصرهای بهشتی...55

نتیجه...56

منابع...58

حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم...60

مقدمه...60

شناخت اجمالی حضرت خدیجه علیها السلام...63

القاب حضرت خدیجه علیها السلام...63

شرافت یافتن حضرت خدیجه علیها السلام با همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...64

مفهوم شناسی صالح...64

ویژگی صالحان در قرآن کریم...66

سرعت گرفتن و سبقت در خیرات در قرآن...69

ص: 8

سیره حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگامی و سبقت در خیرات...71

اولین زن مسلمان...71

پیشتازی در نماز...72

اولین مدافع پیامبر صلی الله علیه و اله...74

اولین بخشنده مالی به پیامبر صلی الله علیه و اله...75

اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر ولایت و خلافت...77

عقیف و حافظ خود و اموال در غیبت همسر...77

خلود در بهشت...79

بشارت جبرئیل حضرت خدیجه علیها السلام را به بهشت...80

نتیجه...80

منابع...82

معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام...84

مقدمه...85

معیارهای ازدواج از نگاه قرآن...86

معیارهای ازدواج از نگاه اهل بیت علیهم السلام...95

الف) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و اله نمایان است...97

ب) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله خدیجه علیها السلام نمایان است...101

معیارهای عرفی غیرقابل اعتنا...104

نتیجه...105

منابع...107

ویژگی هایی از حضرت خدیجه علیها السلام...109

1. بینش عمیق اعتقادی...110
2. بصیرت اجتماعی...112
3. پایداری در برابر سرزنش ها...114
4. ایثارگری در راه خدا...116
5. پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله...119
6. مشکل گشایی از پیامبر صلی الله علیه و آله...121
7. مخاطبه سلام الهی...122
8. تسلی و امداد الهی به حضرت خدیجه علیها السلام...123
9. تفکر درست اقتصادی...125
10. دوست داشتنی و فرزند داری...126
11. عطوفت بر فرزند...128
12. شایستگی مادری حضرت زهرا علیها السلام...129
- نتیجه...130
- منابع...132
- الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام کبری در زمینه همسر داری...134
- مقدمه...134
- نمونه هایی از آیین همسر داری به سبک حضرت خدیجه علیها السلام...136
1. معیار ارزشی در گزینش همسر...136
2. روابط عاطفی و احساسی متقابل...139
3. اطاعت پذیری زن از شوهر...140
4. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر...143

نتیجه...147

منابع...149

ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام...151

ص: 10

الگو در لغت...153

الف) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اعتقادی...154

1. تحقیق؛ مستلزم پرسش...154

. بحار الانوار، همان، ج 18، ص 228...155

2. استواری و استقامت اعتقادی...156

3. تسلیم بودن در برابر دستورهای الهی...158

4. حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی...159

5. بیعت با علی علیه السلام...160

ب) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد عبادی...161

1. توحید در عبادت...161

2. داشتن دعای خالصانه...164

3. جدیت و دوام در عبادت...165

ج) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد خانوادگی...168

1. نگرشی ارزشی به زندگی...169

2. رعایت حریم و عفاف در گفت و گو با نامحرم...172

3. احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده...173

4. رعایت ادب در طول زندگی...177

5. پرهیز از دنیا طلبی و تجمل گرایی...179

د) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد فعالیت های اجتماعی...180

ه) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اقتصادی و کارآفرینی...182

1. بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات...182

2. مدیریت اقتصادی...184

3. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی...184

ص: 11

4. اصل نظارت و کنترل در مدیریت...184
5. شناخت زمان و مکان و اوضاع بازار در پرتو آگاهی و مشاوره...185
6. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی...189
7. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای...190
8. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع...191
9. کار آفرینی با معنویت و بشردوست...192
- (و) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد سیاسی...194
1. اعتقاد به مشارکت در امور سیاسی...195
2. مشارکت عملی در امور سیاسی...196
3. ایستادگی و مقاومت هنگام تحریم و محاصره شعب ابی طالب...196
4. سرپرستی و تربیت جانشین نبوت...198
5. تربیت مونس و غمخوار نبی مکرم صلی الله علیه و اله و همسر وصی انقلاب...199
6. تلاش مستمر در راه تربیت و سازندگی نزدیکان...200
- نتیجه...202
- منابع...203
- حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام...206
- نسب رفیع و ریشه خانوادگی...206
- مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام...206
- حرز حضرت خدیجه علیها السلام...207
- شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...208
1. اسلام آوردن او و بنا گذاری بر اطاعت محض از مکتب مقدس و توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله... 208

2. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام و با وجود پاک پیامبر اسلام صلی اللہ علیہ و آلہ...208

ارزش ها از نظر حضرت خدیجه علیها السلام...209

ص: 12

- شخصیت خدیجه علیها السلام در کلام حضرت ابی طالب...211
- خدیجه علیها السلام در کلام امیر مؤمنان...213
- سلام رساندن خدا به حضرت خدیجه علیها السلام...214
- علاقه مندی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام...215
- رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله با دوستان و علاقه مندان خدیجه علیها السلام...217
- افتخار حضرت زهرا علیها السلام به مادرش خدیجه علیها السلام...219
- احتجاج امام حسین علیه السلام و بیان شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...219
- گریه و مناجات شبانه امام حسین علیه السلام سر قبر خدیجه علیها السلام...220
- صلوات بر حضرت خدیجه علیها السلام...222
- نام حضرت خدیجه علیها السلام در دعا...224
- نام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت ها...225
- روایاتی در شأن و مقام خدیجه علیها السلام...226
- گوشه هایی از آداب و ایثار و وفای حضرت خدیجه علیها السلام...227
- وفات و وصایای دلسوزانه حضرت خدیجه علیها السلام...230
- بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله...233
- مقدمه...234
- وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام...235
- وضعیت مالی حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله...237
- روابط مالی پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام پس از ازدواج...241
- استقلال مالی مقدمه استقلال همه جانبه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله...243
- نتیجه...246

منابع...248

فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام...251

مقدمه...251

ص: 13

زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام...252

حضرت خدیجه علیها السلام جزو اولین ها...255

کمک مالی حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله...256

فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام...256

مسلمان شدن زید بن حارثه در کنار امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام...258

ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله...259

پیوندی که به بشریت انجامید...260

فداکاری مالی حضرت خدیجه در شعب ابی طالب...261

حفظ اسلام در طول سه سال به طور پنهانی...263

نقش اموال حضرت خدیجه در گسترش اسلام...264

نتیجه...266

منابع...267

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده...270

انبیا انسان های صاحب اراده...273

زنان صاحب اراده در قرآن...274

چهار زن کامل بهشتی...275

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده...276

نتیجه...276

منابع...278

مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان...279

مقدمه...280

ﺧﺪﯨﺠﻪ ﻋﻠﯿﮭﺎ ﺍﻟﺴﻼﻡ، ﮬﻤﺴﺮﯨﻦ ﻧﻤﻮﻧﻪ...281

ﺣﻀﺮﺖ ﺧﺪﯨﺠﻪ ﻋﻠﯿﮭﺎ ﺍﻟﺴﻼﻡ ﻣﺎﺩﺭ ﺩﻭﺍﺯﺩﻩ ﻣﻌﺼﻮﻡ ﻋﻠﯿﮭﻢ ﺍﻟﺴﻼﻡ...283

ﺣﻀﺮﺖ ﺧﺪﯨﺠﻪ ﻋﻠﯿﮭﺎ ﺍﻟﺴﻼﻡ، ﻣﺎﺩﺭ ﻣﻮﻣﻨﺎﻥ...285

ﺼ: 14

حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی با اخلاص...286

حضرت خدیجه علیها السلام، اول زن تصدیق کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله...286

وفادار به بندگی انفاق کننده قرینه حبیب اله السماء...289

ابلاغ سلام خداوند متعال و جبرئیل بر خدیجه علیها السلام...291

حافظ دین خدا و یاور رسول خدا صلی الله علیه و آله...293

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام...296

منزل اخروی حضرت خدیجه علیها السلام...297

حضرت خدیجه علیها السلام در ادعیه زیارات و خطبات...299

الف) دعای ندبه...299

ب) خطبه امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه...299

ج) خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا...300

د) خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید...300

ه) خطبه حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم...301

نتیجه...301

منابع...302

حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی...304

مقدمه...304

نقش اجتماعی...306

سرمایه اجتماعی...307

چارچوب نظری...307

ابعاد سرمایه اجتماعی...309

1. اعتماد اجتماعی...309

2. اعتماد میان نژادهای مختلف...310

3 و 4. مشارکت سیاسی عادی و نقادانه...311

ص: 15

5. مشارکت مدنی...311

6. رهبری مدنی...312

7. پیوندهای اجتماعی غیر رسمی...313

8. بخشش و روحیه داوطلبی...314

9. مشارکت مذهبی...314

10. عدالت در مشارکت مدنی...314

11. تنوع معاشرت ها و دوستی ها...315

نتیجه...315

منابع فارسی...317

منابع لاتین...320

نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی...322

مقدمه...322

1. نگاهی اجمالی به شخصیت و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام...323

2. مروری بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی...326

1-2- نهران و نهاد مرحله ایجاد انقلاب نبوی...326

2-2- نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مرحله ایجاد انقلاب نبوی...330

2-2-2- حمایت مالی مستقیم و غیر مستقیم...331

3-2-2- ایستادگی و مقاومت در تحریم و محاصره شعب ابی طالب...332

4-2-2- سرپرستی و تربیت جانشین و وصی نبوت...336

5-2-2- تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب...337

6-2-2- ارائه الگوهای انسانی طراز اسلام و انقلاب اسلامی...340

منابع...342

بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام...343

مقدمه...344

ص: 16

الف) دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره خدیجه علیها السلام...344

1. خدیجه علیها السلام از بهترین و برترین زنان...345

2. نخستین زن مسلمان...346

3. بهترین مشاور...346

4. بهترین جده...347

5. مباحث فرشتگان به خدیجه صلی الله علیه و آله...347

دیدگاه اهل بیت علیهم السلام...348

1. امیر مؤمنان علی علیه السلام...348

2. امام مجتبی علیه السلام...349

3. امام حسین علیه السلام...349

4. امام سجاد علیه السلام...350

5. امام صادق علیه السلام...350

ب) دیدگاه صحابه درباره حضرت خدیجه علیها السلام...351

ج) دیدگاه اندیشه وران اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام...352

د) دیدگاه متفکران شیعی درباره حضرت خدیجه علیها السلام...358

نتیجه...360

منابع...361

حضرت خدیجه علیها السلام منتظر واقعی...364

مقدمه...364

مفهوم شناسی بعثت و ظهور...366

شباهت های بعثت و ظهور و نقش حضرت خدیجه علیها السلام...367

بعد اعتقادات حضرت خديجه عليها السلام...368

شناخت امام...369

حديث ثقلين و حضرت خديجه عليها السلام...370

ص: 17

بعد اجتماعی انتظار و حضرت خدیجه علیها السلام...372

استراتژی حضرت خدیجه علیها السلام...373

دشمن شناسی...374

مفهوم شناسی انتظار...374

لایه های انتظار...375

1. نمای توحید...375

2. پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا...375

3. قدرت و سیاست...376

4. احیا و اجرای دیانت پایبندی به دین و ارزش های آن...376

5. انتظار...376

ویژگی های منتظران با رویکرد به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...377

تقیه حضرت خدیجه...377

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در کلام خدا...378

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف...379

ویژگی های نفسانی یاران امام...380

ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام...381

مأموریت یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف...381

نتیجه...382

منابع...384

آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله... 385

مقدمه...385

هدف داری در آفرینش انسان...386

رابطه نیاز و هدف...386

نیاز به آرامش و سکون...387

ص: 18

دامنه سکون خواهی و راه وصول به آن...387

نوع پناه ها...388

آیت سکون در ازدواج...389

آیتی نمونه در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام...389

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام...390

خوی و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام...390

اندیشه ورزی حضرت خدیجه علیها السلام...391

تقدیر آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله...391

شنیده ها و یافته ها...392

شیدایی و دلدادگی...393

سنت شکنی سنگین...393

خواستگاری و ازدواج...394

زندگی مشترک...395

بعد معنوی ازدواج او...396

باور حضرت خدیجه علیها السلام...396

یار همراه و دل دار...397

نقش حضرت خدیجه علیها السلام...398

شان و مقام حضرت خدیجه علیها السلام...400

رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام...403

وفاداری حتی پس از وفات...404

نتیجه...405

منابع...406

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام...408

مقدمه...408

ص: 19

مفهوم شناسی...410

1. منزلت...410

2. معنوی...410

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام...410

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام...412

1. حضرت خدیجه علیها السلام مصداق برخی آیات در تفاسیر فریقین...412

2. دیدگاه راویان شیعه و اهل تسنن در مورد مقام حضرت خدیجه علیها السلام...415

3. مباهات امامان علیهم السلام و بزرگان به وجود حضرت خدیجه علیها السلام...417

4. فرستادگان ویژه الهی...418

5. کفن بهشتی...418

نتیجه...419

منابع...420

دیرینه شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام)...423

مقدمه...424

مفهوم شناسی...426

الف) کتاب الانوار البکری (قرن 7)...426

ب) حضرت خدیجه علیها السلام...428

مروری بر شعر زنان در عصر جاهلیت...428

متن اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در کتاب الانوار...430

الف) ارزیابی بیرونی...438

1. سند و اصالت اشعار...438

2. زمان و زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار...439

3. سابقه بانو خدیجه علیها السلام در سرودن شعر...439

ص: 20

ب) ارزیابی درونی... 441

1. طرح و ساختار اشعار... 441

2. ناسازگاری مضامین اشعار با گزارش های معتبر تاریخی... 441

3. ارهاصات ساختگی در اشعار... 442

3-1- سخن گفتن شتر... 443

2-3- احترام مار عظیم الجثه به پیامبر صلی الله علیه و آله... 443

4. نکات در خور توجه در محتوای متن... 444

نتیجه... 446

منابع... 447

حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن... 450

مقدمه... 451

پیشینه... 451

بسامد آیات... 453

دسته اول: آیاتی که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آن هاست... 453

1. آیه ام المؤمنین... 454

2. آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله... 455

3. آیات ازدواج پیامبری صلی الله علیه و آله... 455

4. آیه حجاب... 456

دسته دوم: آیاتی که در شأن نزول آن ها به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است... 457

دسته سوم: آیاتی که به جایگاه و مقام حضرت خدیجه علیها السلام ای مرتبط است... 460

دسته چهارم: آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به صورت فضایی شخصیه است... 461

1. آيات تحريم...462

2. آيات ازدواج زينب و زيد...463

تفسير مهم ترين آيه مربوط به حضرت خديجه عليها السلام (ام المؤمنين)...464

ص: 21

نکات آیه...465

نتیجه...469

منابع...470

خدیجه و بداء الوحی...473

مقدمه...473

تقد سندی...476

الف) از حیث سلسله سند...476

1. عایشه...476

2. عبدالله بن زبیر...476

3. عروه بن زبیر...476

4. اسماعیل بن ابی الحکیم...477

5. وهب بن کیسان...477

6. عبید بن عمیر...478

7. ابن عباس...478

8. عبد الله شداد الهاد الیثی...478

9. ابو میسرہ...478

15. عبدالله بن الحسن...479

ب) از حیث اعتبار سنجی راوی...479

1. عایشه...480

2. عروه بن زبیر...481

3. زهری...481

4. عبيد بن عمير...482

5. اسماعيل بن ابي الحكيم...482

جمع بندي نقد سندي...482

ص: 22

تعارض محتوا...484

تقد درونی...484

1. مکان دیدار با جبرئیل...484

2. در بیان حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در ملاقات با جبرئیل در ابتدای وحی...486

3. انتساب توهم پیامبر صلی الله علیه و آله به کاهنیت...486

4. حالت جبرئیل در هنگام نزول وحی...487

5. فشار جبرئیل...487

6. واکنش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با پیامبر صلی الله علیه و آله...488

7. امتحان حضرت جبرئیل توسط حضرت خدیجه علیها السلام...488

8. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط حضرت خدیجه علیها السلام...490

تقد بیرونی (تعارض روایات با قرآن)...492

تعارض با شخصیت خدیجه علیها السلام...498

نتیجه...500

منابع...502

خدیجه کبری علیها السلام و مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صلی الله علیه و آله...506

فداکاری فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام...513

ص: 23

بررسی ابعاد شخصیت أم المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام از موضوعات مهم و شایسته تحقیق و بررسی است. مطالعه تاریخی زندگی آن بزرگوار نشان می دهد ایشان در دوران جاهلیت و پس از آن دارای فضایل اوصاف اخلاقی و کمالات معنوی فراوان بود شخصیتی که در جامعه خود به عنوان الگوی زن برتر تأثیر به سزایی در گسترش صفات نیک انسانی داشت.

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین لیبیک گوی، رسالت همسر و هم سرّ رسول خدا انیس تھی دستی کاشانه أم آبها و مادر امت بود نقش مهم او در پیش برد اسلام در دوران نونهالی و ظهور دین و حمایت بی دریغش از اندیشه های توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر کسی پوشیده نیست. مقام معظم رهبری مدظله می فرمایند:

جناب خدیجه علیها السلام حقیقتاً مظلوم است به خاطر این که شرف همسری پیغمبر در مورد ایشان یک ارزش مضاعف است دیگران مشرف به شرف همسری پیغمبر شدند، لکن این رنج هایی را که پیغمبر در عمده رسالت به آن ها مبتلا بودند ندیدند. جناب خدیجه علیها السلام دوران رنج پیغمبر را دوران سختی پیغمبر را تحمل کردند و دیدند.

علی رغم تلاش های درخور ستایشی که در معرفی این شخصیت آسمانی ارائه شده، پژوهش های جدید جامع و پویا هم چنان ضروری است تا ابعاد بیش تری از زندگی این شخصیت بزرگوار روشن شود و اندکی از غبار مظلومیت و غربت چهره نورانش زدوده گردد.

آن چه به مناسبت برگزاری همایش ملی صدف کوثر ارائه می شود گامی است کوچک در شناساندن حضرت خدیجه علیها السلام که شامل عناوین ذیل است:

1. مجموعه مقالات همایش صدف کوثر 3 جلد

2. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام علی (فارسی)، 2 جلد

3. شناخت نامه حضرت خدیجه علیها السلام (عربی - انگلیسی)، 1 جلد

4. أم المؤمنین خدیجه فی مصادر اهل السنة، 1 جلد.

امید است مجموعه آثار همایش مقبول درگاه الهی واقع شود و همگان مشمول عنایت و شفاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و همسر گرامیش ام الائمه حضرت خدیجه کبری علیها السلام واقع شویم از همه اساتید، فضلا و پژوهشگرانی که در نگارش مقاله همکاری داشته اند قدردانی می کنم به ویژه از اعضای کمیته علمی اساتید محترم آقایان ناصر باقری، بیدهندی مهدی قائمی امیری، محمدعلی رضایی اصفهانی قاسم، جوادی رسول، عبداللهی محمد عظیمی و علی نقی خدایاری که در ارزیابی و تدوین آثار همایش همکاری جدی داشته اند هم چنین از همکاری و زحمات کمیته اجرایی آقایان: مهدی، برزگر علی جعفری منش محمد مراد خان بابا علی اصغر شریفی نیا، محمد عظیمی، محمدباقر متولی ابوالحسن مهرورز و غلامرضا نصرتی قدردانی و تشکر می نمایم.

ربنا تقبل منا إنك انت السميع العليم

دبیر علمی همایش ملی صدف کوثر

ناصر رفاعى محمدى

17 ربيع الاول 1439

ص: 24

زندگی خدیجه کبری علیها السلام، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران)

زندگی خدیجه کبری علیها السلام

زندگی خدیجه کبری علیها السلام، تجلی گاه آیات قرآن: نظیفه سادات مؤذن (باران) (1)

چکیده

شخصیت برجسته و بی نظیر بانوی بزرگ اسلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام الگوی بی مانندی است برای کسانی که دنبال کسب کمال و سعادتند در این پژوهش، برآنیم که تجلی ده آیه از آیات نورانی قرآن کریم را در حیات مقدس این بانوی والا بررسی کنیم و جاری بودن اصول انسان ساز اسلام را در زندگی زیبای ام المؤمنین بکاویم در این میان آیاتی نیز هستند که ناظر به ویژگی های منحصر به فرد آن حضرتند و گویای شأن و مقام والای ایشان.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، آیات قرآن، حیات طیبه، جهاد با اموال، پاک دامنی، پناه یتیمان و درماندگان

مقدمه

حیات بشر همواره با آرزوی رسیدن به «کمال» و تلاش در مسیر دست یابی به آن گذشته است.

انسان ها در هر زمان و مکان و موقعیتی هدفی را برای خود ترسیم کرده و برای رسیدن به آن می کوشند تا برنامه های زندگی خود را بر اساس آن تنظیم سازند. این مسأله، از نظر آگاهانه بودن تنظیم ساختن و برنامه ریزی در انسان ها، به

ص: 25

درجات بسیار مختلف و با فراز و نشیب فراوان اتفاق می افتد؛ تا آن جا که عده ای را «بی هدف» و «ولنگار» می نامیم و عده ای دیگر را مذمت می کنیم که در سخت کوشی و تلاش برای رسیدن به هدف دچار افراط شده اند.

از سوی دیگر تشخیص این که «کمال حقیقی» و «مطلوب نهایی» بشر از این زندگی جهانی چیست خود اساسی ترین پرسش انسان هایی است که می خواهند آگاهانه زندگی کنند و ارزش و کرامت خود را پاس بدارند. در این میان آنان که دل در گرو خداوندگاری دارند رها از سرگردانی های دیگران کمال را در پیروی از دستورهای خداوند می جویند و هم و غم شان را در مسیر کشف خواسته های او و عمل به آن ها و «آن گونه شدن» صرف می کنند.

این پژوهش بر آن است تا در زندگی یک بانوی برگزیده که سال ها همراه و مونس رسول مکرّم اسلام صلی الله علیه و اله بود، جلوه های این «کمال جویی» را بیابد و به تماشا بگذارد. مصادیق این کمالات را از متن قرآن کریم برگزیدیم که کتاب سعادت و راهنمای مسیر خداجویی است. در این نوشتار خواهیم دید که زندگی خدیجه کبری علیها السلام حتی پیش از اسلام آوردن و حتی پیش از ازدواج با آن حضرت سرشار از جلوه های ناب کمال بوده است جلوه هایی که خود عامل انتخاب یتیم مدینه توسط بانوی ثروتمند قریش و سنت شکنی عجیب این بانوی صاحب کمال در خواستگاری از او گردید. جلوه هایی که در تمام لحظات زندگی آن بانو جریان داشتند و آن را به تجلی گاه آیات قرآن و آموزه ها و ارزش های والای اسلام، تبدیل کرده بودند.

اکنون با ذکر تعدادی از آیات نورانی قرآن کریم به بررسی مصادیق مضمون این عبارات آسمانی در متن زندگی بزرگ بانوی اسلام خواهیم پرداخت. باشد که قدر ناشناخته این انسان والا را از طریق اتصال او به کلام وحی بیشتر بشناسیم.

1. (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً)

* (مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً) (1)

ص: 26

«حیات طیبه»، یکی از تعابیر ویژه قرآنی است. بر اساس بیان آیه، هر کس ایمان داشته باشد و عمل صالح انجام دهد از این نوع خاص حیات بهره مند خواهد بود و در کسب این موقعیت میان زن و مرد تفاوتی نیست.

تعابیر مختلفی درباره چستی این نوع حیات در روایات و تفاسیر ذکر شده است. مرحوم طبرسی، برخی از آن‌ها را بدین صورت بیان می‌کند: رزق و روزی حلال؛ زندگی شرافتمندانه همراه با قناعت و خشنودی؛ بهشت پر طراوت و زیبا و زندگی خوش در آن جا زندگی خوش بختانه در بهشت برزخی (1) و برخی، دیگر حیات طیبه را عبارت می‌دانند از عبادت همراه با روزی حلال و توفیق بر اطاعت فرمان خدا و مانند آن.

حیات طیبه چنان معنای گسترده‌ای دارد که همه این معانی را در بر می‌گیرد؛ یعنی زندگی پاکیزه از انواع آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها، انواع نگرانی‌ها و هر چیزی که زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد.

در توصیف این مفهوم قرآنی گفته شده است:

اسلام مردم خود را خوش بخت و سعادت‌مند می‌خواهد. این سعادت فقط با پول به دست نمی‌آید؛ فقط با ذکر و عبادت هم به دست نمی‌آید؛ حیات طیبه، اسلامی زندگی‌ای است که در آن راه رسیدن به معنویت و اهداف و سر منزل‌های نهایی این راه از زندگی دنیایی مردم عبور می‌کند. اسلام دنیای مردم را آباد می‌کند؛ منتها آبادی دنیا هدف نهایی نیست هدف نهایی عبارت است از این که انسان‌ها در زندگی دنیوی از معیشت شایسته و مناسب، از آسودگی و امنیت خاطر و از آزادی فکر و اندیشه برخوردار باشند و از این طریق به سمت تعالی و فتوح معنوی حرکت کنند. حیات طیبه اسلامی، شامل دنیا و آخرت - هر دو - است. (2)

حیات طیبه یعنی زندگی گوارا یک ملت آن وقتی زندگی گوارا دارد که

ص: 27

1- تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 734. 735.

2- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با مردم رفسنجان، 1384/2/18

احساس کند و ببیند که دنیا و آخرت او بر طبق مصلحت او به پیش می رود و به سمت هدف های او حرکت می کند ... زندگی گوارا وقتی است که رفاه مادی با عدالت معنویت و اخلاق همراه شود. ... اسلام نمی گوید من می خواهم زندگی اخروی بعد از مرگ مردم را آباد کنم دنیای آن ها هر جور شد شد؛ این منطق اسلام نیست (1)

مرحوم علامه طباطبایی در مورد «حیات طیبه» بیانی عمیق و عالی دارند.

ایشان در تفسیر این آیه می فرماید:

مراد از احیاء بخشیدن و افاضه حیات و زندگی است و آیه شریفه دلالت دارد که خداوند سبحان، انسان با ایمانی را که عمل شایسته و صالح انجام می دهد با زندگی جدیدی که غیر از زندگی معمول مردم است اکرام می کند و آثار زندگی حقیقی که همان علم و قدرت است، با این زندگی جدید همراه و همگام است. این درک جدید باعث می گردد چنین فرد مؤمنی چیزها را چنان که هستند ببیند؛ یعنی می تواند امور و اشیا را به دو قسم حق و باطل تقسیم کند. سپس با قلب و روحش از امور باطل که در معرض فنا و زوال هستند که همان زندگی دنیوی است، رویگردان می شود و به آن پشت می کند و دل به زینتها و مظاهر فریبنده دنیا نمی بندد. چنین انسانی از بند تعلقات دنیوی رها می شود و شیطان نمی تواند او را خوار و ذلیل خود سازد و در بند خود گرفتار آرد. در مقابل، قلب و روحش به پروردگار باقی و جاوید، مرتبط و پیوسته می گردد و جزذات پاک او و قرب و جوار او را طلب نمی کند و جز از خشم و دوری از او، از چیزی هراس ندارد و در این هنگام برای خود زندگی پاک و جاودانه و بی زوال مشاهده می کند که کارگردان این زندگی و مدبر امور آن پروردگار بخشنده و مهربان اوست و در سراسر این زندگی معنوی و پاک جز زیبای و جمال چیزی مشاهده نمی کند (2)

با توجه به این، مطالب آیا جای تردیدی وجود دارد که زندگی خدیجه

زندگی خدیجه کبری علیها السلام، تجلیگاه آیات قرآن

ص: 28

1- سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، 1383/1/2

2- ترجمه تفسیر المیزان، ج 12، ص 492.

کبری علیها السلام مصداق حقیقی حیات طیبه بوده است؟ او که سراسر زندگی خود را از ایمان و عمل صالح سرشار کرده بود. بر اساس گزارش های تاریخی، می توان با اطمینان گفت که این بانوی با عظمت حتی پیش از بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آورده بود و از نخستین روزهای آشنایی با آن حضرت، می دانست که ایشان روزی به پیامبری برانگیخته خواهند شد و شاید مهم ترین دلیل ازدواج خدیجه با آن حضرت رسیدن به فوز ایمان آوردن به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود در ادامه، تنها به پاره ای از این گزارش ها بسنده می کنیم:

1. در سفر تاریخی خویند، پدر خدیجه علیها السلام با عبدالمطلب به یمن، سیف بن ذی یزن (پادشاه یمن) به عبدالمطلب می گوید: «تو پدر بزرگ پیامبر موعود هستی» و خویند این موضوع را با خانواده در میان می گذارد (1)
2. در سفر تجاری ابوطالب به شام راهبی به نام بحیرا، خبر از پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله می دهد و این خبر در مکه منتشر می شود. (2)
3. در سفری تجاری که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و با کاروان خدیجه می روند و برای او کار می کنند، راهبی به نام نسطور به میسره غلام خدیجه علیها السلام می گوید که این مرد پیامبر است و میسره این خبر را به آن بانو می رساند نیز گزارش می دهد به چشم خویش دیده است که دو فرشته بال های خود را سایبان او می کردند. (3)
4. یک بار هم یکی از احبار یهود پیامبر صلی الله علیه و آله را در خانه خدیجه دید و گفت: «او همان پیامبر موعود است که نشانه هایش را در تورات خوانده ام. بانویی از قریش با او ازدواج می کند که سرور بانوان بهشت است. مبادا از این شرف محروم شوی». (4)
5. ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه علیها السلام نیز به او گفته بود که حضرت

ص: 29

1- ابونعیم، دلائل النبوه، ج 1، ص 97.

2- سیوطی، الخصائص الکبری، ج 1، ص 155.

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 322

4- همان، ج 2، ص 6.

محمد صلی الله علیه و آله و همان پیامبر موعود است. (1)

همه این بشارت ها و خبر ها در کنار شناختی که حضرت خدیجه علیها السلام خود از ویژگی های برجسته پیامبر صلی الله علیه و آله را پیدا کرده بود او را بر آن داشت که این جوان به ظاهر یتیم و تهی دست را برای همسری خود برگزیند و از همان سال ها خود را آماده کند که به محض ابلاغ رسالت او ایمان بیاورد و اولین مسلمان تاریخ شود.

اعمال صالح این بانو نیز بر کسی پوشیده نیست و ما نیز در ضمن آیات بعدی به بیان پاره ای از آن ها خواهیم پرداخت.

آن چه در مباحث قبلی درباره حیات طیبه و ویژگی های آن گفته شد به روشنی در حیات خدیجه کبری علیها السلام مشهود است. بانویی که با اجابت دعوت خدا و پیامبر، حیات معنوی را به دست آورد؛ بانویی که هم دنیای آباد و پر رونقی داشت و هم برای آخرتش مژده بهشت و خانه ای از مروارید را از رسول صادق خدا صلی الله علیه و اله هدیه گرفته بود (2) از رزق و روزی حلال و قناعت و خشنودی و عبادت نیز برخوردار بود و حیاتی لبریز از معنویت و اخلاق داشت بیان علامه طباطبایی (رحمه الله) نیز به زیبایی در زندگی این بانوی آسمانی جلوه گر است. آن جا که زندگی با یتیم قریش را انتخاب کرد و با قدرتی که خداوند متعال به او داده بود در تشخیص حق و باطل آخرت را انتخاب کرد و به آن درجه ای رسید که در حیاتش جز قرب و جوار پروردگار را طلب نکند و مدیر و کارگردان زندگی اش هم حق تعالی باشد.

2. (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)

* (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ) (3)

«قرب الهی» و «کسب رضای خدای متعال» آرزوی هر مؤمن است و هر کسی

ص: 30

1- بحار الانوار، ج 16، ص 55.

2- (إن الله يرسل لها السلام و بشرها ببيت في الجنة من قصب لا صخب فيه ولا نصب). (ابن جوزی، تذکره الخواص، ص 272)

3- سوره مائده آیه 35

برای رسیدن به این آرزو در حد درک و توان خود می کوشد. خداوند متعال در این آیه مبارکه خود راهی پیش پای مشتاقان قرب می گذارد و از ایشان می خواهد تا علاوه بر رعایت پرهیزکاری واسطه ای انتخاب کنند که باعث شود مسیر رسیدن به حق کوتاه تر و ساده تر شود.

اگر هر انسانی در حد توان امروز خود «ابتغاء وسیله» می کند، «خدیجه کبری علیها السلام» در دوره ای می زیست که توفیق ابتغاء بهترین وسیله برای او فراهم شد و زیرکی و خلوص بیمانند او باعث گردید این امکان را قدر بشناسد و با یک سنت شکنی بی مانند در روزگار خود و در قوم و قبیله خود، بی وحشت از سرزنش ها حضرت محمد صلی الله علیه و اله را انتخاب کند پس از ازدواج نیز «جاهد و فی سبیل الله» را با اموال فراوانی که تقدیم اسلام نمود، به تجلی نشانند.

در اثبات این مطلب نقل دو عبارت از سخنان بانوی بزرگ اسلام کافی است. ایشان به صفیه، عمه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله علت اشتیاق خود به ازدواج با ایشان را چنین بیان کرد:

إني قد علمت أنه مؤيدٌ من رب العالمين؛ من يقين دارم که او مورد تأیید خداوند متعال است (1)

در این باره به شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز عرض کرد:

به خدا سوگند من با شما چنین رفتاری نمی کنم جز برای این که امید دارم شما همان پیامبری هستید که برانگیخته خواهید شد. (2)

از آن جا که انگیزه ای پاک و مقدس و الهی خدیجه را برانگیخته بود تا برای این پیوند تلاش کند این بانو از روش ها و واسطه های مختلفی یاری جست تا به این هدف مقدس برسد. لذا روزی «نفیسه» را مأمور کرد تا وعده دیدار با محمد امین صلی الله علیه و آله را فراهم کند و آشکارا به امین قریش پیشنهاد ازدواج داد. (3) هم چنین روزی خلعتی گران بها به صفیه داد و از او خواست تا برای این وصال

ص: 31

1- یعقوبی ، التاريخ، ج 2، ص 16.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 57.

3- ابن هشام، السیره النبویه ، ج 2، ص 15

تلاش کند. (1) روزی دیگر نیز خواهرش هاله را نزد عمار فرستاد تا زمینه این ازدواج را فراهم تر سازد. (2) وقتی امین جوان در پاسخ پیشنهاد او گفت: «تو صاحب مال و مکنت هستی و من چیزی از مال دنیا ندارم؛ من دنبال همسری مثل خودم هستم؛ خدیجه کبری علیها السلام با نهایت استغنا و اندیشه متعالی خود گفت: «من، خودم، ثروتم کنیزانم و آن چه در تصرفم است از آن شماست و تابع فرمان شما». (3)

آری این گونه آن بانو تمام تلاش خود را به کار گرفت تا بهترین وسیله ممکن را برای رسیدن به قرب الهی به دست آورد و در این راه هر چه در توان داشت به کار گرفت.

3. (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ)

* (إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ) (4)

«جهاد با اموال در راه خدا» از عبارت ها و مفاهیمی است که بارها در آیات متعدد قرآن کریم به آن اشاره و به اهمیت آن تأکید ویژه شده است. (5) به جرأت می توان گفت: یکی از بارزترین مصادیق این، جهاد را ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام به نمایش گذاشت. چنان که: در میان تاریخ نویسان مشهور است که: «کفاها شرفاً أن الاسلام لم يقم الا بمالها وسيف علي بن ابي طالب كما روى متواتراً؛ (6) در شرف و بزرگواری آن بانو همین بس که اسلام قوام نیافت، جز به مال و ثروت او و شمشیر علی بن ابی طالب علیه السلام چنان که این مطلب به تواتر روایت شده است».

این بزرگ بانوی آسمانی از همان آغاز زندگی مشترک تمام دارایی خود را

ص: 32

1- بحار الانوار، ج 16، ص 55.

2- همان، ص 58.

3- يعقوبي، التاريخ، ج 2، ص 16.

4- سوره حجرات، آیه 15

5- سوره توبه آیه 81 و 41 و 20، سوره انفال، آیه 74 و 72.

6- مامقانی، تنقيح المقال في علم الرجال، ج 3، ص 77

در اختیار محمد امین صلی الله علیه و آله قرار داد و حتی مهریه خود را هم از اموال خودش پرداخت کرد تا نهایت پاک باختگی خود در عشق به رسول خوبی ها را در تاریخ به نمایش بگذارد.

اموال ام المؤمنین، صرف کمک به مسلمانان مستضعف شد و در دوران سخت شعب ابی طالب، تنها پشتیبان آنان برای تأمین حداقل های مورد نیازشان بود. (1)

4. (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ).

* (الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (2)

آرامش یافتن با یاد خدا از وعده های خداوند به مؤمنان است. در تفسیر المیزان، نکاتی ذیل این آیه ذکر شده است؛ از جمله:

«ذکر» در این آیه، اعم از ذکر لفظی و غیر لفظی است و مقصود از آن مطلق انتقال ذهن و خطور قلب است. آدمی در زندگی خود هدفی جز رستگاری ندارد و تنها سببی که سعادت و شقاوت و نعمت و نعمت به دست اوست، همان خدای سبحان است که بازگشت همه امور به اوست. اوست که فوق بندگان و قاهر بر آنان و فعال مایشاء و ولی مؤمنین و پناهندگان به اوست؛ پس یاد او برای نفسی که اسیر حوادث است مایه آرامش است؛ پس هر قلبی به طوری که جمع محلی به الف و لام (القلوب) افاده می کند، با ذکر خدا اطمینان می یابد و اضطرابش تسکین پیدا می کند. این معنا حکمی است عمومی که هیچ قلبی از آن مستثنا نیست، مگر این که کار قلب به جایی برسد که در اثر از دست دادن، بصیرت دیگر نتوان آن را قلب ناامید نکته دیگر این که از ظاهر الفاظ، آیه انحصار فهمیده می شود چون متعلق فعل یعنی «بذکر الله»، بر خود فعل یعنی «تطمئن»، مقدم آمده نشان می دهد که دل ها جز به یاد خدا به چیز دیگری اطمینان نمی یابد. (3)

همسر پر معنویت رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی نورانی خود یاد خدا را جاری

ص: 33

1- بحار الانوار، ج 91، ص 1

2- سوره رعد، آیه 28

3- ترجمه تفسیر المیزان، ج 11، ص 486

ساخته بود و علاوه بر آن که از برکات نماز بهره داشت و از اولین نمازگزاران تاریخ اسلام بود دعاهایی مخصوص خود داشت که به صورت حرز نوشته و با خود همراه داشت. بعضی را نیز از رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آموخته و همواره می خواند.

حرز حضرت خدیجه علیها السلام و به نقل روایات از این قرار بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ اِسْتَعْنَيْتُ فَاغْنِنِي وَ لَا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ اَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ؛ (1)

به نام خداوند بخشنده بخشایش گر ای خدای زنده و زندگی بخش! ای خدای برپادارنده جهان هستی! من به مهر و محبت تو پناهنده شده ام؛ پس خودت پناهم بده و هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن مرا به حال خودم وا مگذار و تمام امور زندگی ام را اصلاح فرما!

ذکر دیگری نیز که زمزمه لبان مبارک خدیجه کبری علیها السلام بود، از این قرار است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا اللَّهُ يَا حَافِظَ يَا حَفِيظَ وَيَا رَقِيبَ (2)

هم چنین این بانوی بزرگ از رسول گرامی صلی الله علیه و آله خواست تا دعایی برای زمان طواف به او بیاموزد و آن، حضرت این دعا را به او آموختند: «اللهم اغفر لي ذنوبي و خطاي و عمدی و اسرافي في أمري....» (3)

5. (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ).

اشاره

* (السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ). (4)

اگر بنا باشد بر اساس دیدگاه این آیه مبارکه، سبقت در خیر را موجب تقرب بدانیم، به یقین حضرت خدیجه علیها السلام از سرآمدان مصادیق تقرب به پروردگار خواهد بود.

1-5- سبقت در ایمان

این بانوی تردید اولین مسلمان و ایمان آورنده به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و اله

ص: 34

1- همان، ج 91، ص 224

2- سید بن طاووس، مهج الدعوات، ص 17.

3- غالب السیلاوی، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره، ص 330.

4- سوره واقعه، آیه 10 و 11.

بوده است، چنان که پیامبر عظیم الشان خود تصریح فرمودند و خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام چنین گفتند: (ثُمَّ تَسْتَقْبِلُكِ أُمَّكِ خَدِيجَةُ أَوَّلُ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ وَمَعَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِأَيْدِيهِمْ أَلْوِيَةُ التَّكْبِيرِ)؛ (1) «آن گاه مادر ارجمندت خدیجه آن بانویی که اولین ایمان آورنده به خدا و پیامبرش بود به همراه هفتاد هزار فرشته به پیشواز تو می آیند که در دست شان پرچم های الله اکبر است».

دیگر معصومان علیهم السلام نیز بارها به این مسأله تأکید می کردند و به این که از فرزندان خدیجه کبری هستند که اولین ایمان آورنده به رسول خدا بود، مباحثات می کردند؛ از جمله امام حسن مجتبی علیه السلام در محاجه با معاویه به این مسأله اشاره کردند: «و جدتی خدیجه و جدتک فتیله». (2) امام حسین علیه السلام نیز در مقابل لشکر فاجر عمر سعد زمانی که خاندان خود را معرفی می فرمود و از آن تبه کاران اعتراف می گرفت، فرمود: (أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا)؛ (3) سپاهیان ظلم همگی این فرمایش را تأیید کردند.

2-5-اولین نمازگزار

نماز را شاید بتوان مهم ترین عبادت و مهم ترین رکن عملی اسلام دانست؛ چنان که در روایات آن را ستون دین و عامل و معیار قبولی یا رد سایر اعمال (4) معرفی کرده اند قرآن کریم نیز آن را عامل بازدارنده از فحشا و منکر خوانده است. (5)

در دوران دعوت مخفیانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، تنها سه نمازگزار در میان انسان های کره زمین وجود داشت و این افتخاری ماند، از آن خدیجه علیها السلام و امام علی علیه السلام بود که همراه رسول خاتمه صلی الله علیه و اله نماز به جای می آوردند. داستان

ص: 35

1- بحار الانوار، ج 8، ص 53-55

2- مفید، ارشاد، ص 173

3- سید ابن طاووس، اللهوف، ج 1، ص 53.

4- وسائل الشیعه، ج 3، ص 22، ح 10

5- (إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ) (سوره عنکبوت، آیه 45)

نماز سه نفره این بزرگواران در منابع مختلفی ذکر شده (1) و از متن و فضای روایات کاملاً مشخص است که حرکت ایشان در برگزاری نماز جماعت در صحن مسجد الحرام، واقعه ای بسیار عجیب و ناآشنا برای مردم بود و نمازگزاران، در این سه شخصیت بی مانند منحصر بودند، چنان که در متن این روایت عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و اله به آن تصریح می کند: (مَا عَلَى الْأَرْضِ كُلُّهَا أَحَدٌ عَلَى هَذَا الدِّينِ غَيْرُ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ)

محدث نوری نیز در مستمسک وسائل الشیعه می نویسد: (فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ صَلَّى مِنَ الرَّجَالِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمِنَ النِّسَاءِ خَدِيجَةَ)

3-5- اولین بیعت کننده با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله

حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید:

هنگامی که علی و خدیجه اسلام آوردند روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله آن دو را فراخواندند و فرمودند: «شما برای تقرب به درگاه خداوند متعال، اسلام را پذیرفته اید اکنون اگر در اسلام و ایمان خود استوار هستید با خدا و پیامبرش بیعت کنید تا به سلامت و رستگاری همواره اوج گیرید». آن گاه آن دو بیعت کردند که تا پای جان در راه اسلام فداکاری کنند (2).

6. (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ)

* (وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ) (3)

یکی دیگر از ارزش های مهم اسلامی و آموزه های این دین مبین، رسیدگی به یتیمان و درماندگان و مساکین است که جلوه های فراوانی از توصیه به این اصل در آیات متعدد قرآن کریم و نیز روایات و سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و امامان علیهم السلام مشهود است. (4)

در این زمینه روایات تاریخی گواهی می دهند که خانه خدیجه علیها السلام

ص: 36

1- الغدير، ج 3، ص 225؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 20؛ اعلام الوری ص 25؛ اسد الغابه، ج 3، ص 414

2- بحار الانوار، مجلسی، ج 18، ص 232

3- سوره ضحی آیه 10.

4- نک، امالی صدوق، ص 234؛ مجلسی، بحار الانوار، ج 72، ص 4 و 10 و 12 و 13؛ ثواب الاعمال، ص 181.

پناهگاه بی پناهان و یتیمان و مساکین بود. به حدی که به این بانوی بزرگ، لقب «ام الصعاليك» (مادر بینوایان) و «الایتام» (مادر یتیمان) داده بودند و همه می دانستند که هر گاه مشکلی برایشان پیش آمد می توانند درمان خود را در خانه پر مهرام المؤمنین بیابند؛ بانویی که نه تنها آنان را از جهات مادی تأمین و مشکلات شان را حل می کرد بلکه با محبت و مهر بی مانند خود مرهمی بر آلام دل های شان هم بود رفت و آمد مردم به منزل این بانو، به حدی چشم گیر بود که خود یکی از نشانه ها برای یافتن خانه خدیجه علیها السلام به شمار می آمد.

(1)

7. (و لِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ).

* (و لِيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ). (2)

قرآن کریم بارها بر حفظ پاک دامنی و نهی شدید از هر عملی که به این اصل فقهی و اخلاقی خدشه وارد کند توصیه کرده است. در قرآن کریم و در آغاز سوره مؤمنون آن جا که خداوند متعال صفات ایمان آورندگان به خدا و رسول را بر می شمارد می فرماید: (وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ) (3) پاک دامنی از خلقیات پسندیده و صفات عالیه انسانی است که با تقویت ملکه عفت، تمایلات جنسی انسان را تعدیل می کند و او را در مسیر حق و درست نگه می دارد.

خدیجه کبری علیها السلام این بانوی خردمند حجاز ملکه کمال و جمال، ثروت و اقتدار، شکوه و عزت و آزادگی در جهان عرب بود و در داشتن ملکه عفاف، به حدی رسیده بود که ابوطالب بزرگ، قریش او را در روزگار جاهلیت چنین توصیف کرد:

إن خدیجه إمراه کامله میمونه فاضله تخشى العار و تحذر الشنار؛

خدیجه بانویی است که در اوج خرد و کمال پر برکت و آراسته به خی رو

ص: 37

1- نک، اکرم السادات هاشمی نژاد سرور زنان جهان ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام کبری، ص 28؛ حسین تهرانی، خصائص

ام المؤمنین خدیجه الکبری، ص 410 و 541؛ علی کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز، خدیجه، ص 73

2- سوره نور آیه 33

3- سوره مؤمنون، آیه 5

خوبی زبینه و صاحب کرامت است. او به خوبی ها آراسته و از هر گونه نقطه منفی و عیب و عار به دور است. (1)

این بانو با وجود مدیریت مجموعه عظیمی از مردان که برای او تجارت می کردند و با استفاده از سرمایه وی فعالیت داشتند به جز موارد ضرورت خود با مردان هم کلام نمی شد و امور را با وساطت کارگزاران مورد اعتماد خود انجام می داد او هرگز در شب نشینی های آکنده از گناه آن روزگار که امری عادی و طبیعی برای ثروتمندان به شمار می رفت شرکت نمی کرد و با این که از طبقه اشراف و بزرگان شهر بود هرگز خود را به ناپاکی های این طایفه نیالود خدیجه علیها السلام چنان به این ویژگی ها شهرت داشت که به وی لقب «طاهره» داده بودند: (2) (وَ كَانَتْ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عِفَافِهَا). (3)

8. (فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ)

* (فِي بُيُوتِ أَدْنَى اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ) (4)

خداوند متعال در جهان آفرینش زمان ها و مکان هایی را شرافت خاص بخشیده و برای آن ها منزلتی ویژه قائل گردیده است. از جمله آن مکان ها بعضی از خانه هاست که آیه فوق به آن اشاره می فرماید. با توجه به آن چه در آیه قبل بیان شده بود (آیه 35) درباره چراغ فروزان و نوری پربرکت که باعث هدایت است، در این آیه می فرماید که آن چراغ و آن نور، در خانه هایی است که به اذن خدا بلندمرتبه شده و رفعت یافته اند. از منظر علامه طباطبایی (رحمه الله) مراد از «رفع بیوت» رفع قدر و منزلت و تعظیم آن هاست. عظمت و علونیز خاص خدای تعالی است و هیچ کس شریک او نیست، مگر آن که به او منتسب باشد؛ پس اذن خدا به این که این بیوت رفیع المقام باشند، به سبب این است که

ص: 38

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 56

2- مامقانی، تنقیح المقال، ج 3، ص 77.

3- زرقانی، شرح المواهب اللدنیه، ج 1، ص 199، به نقل از فروغ آسمان حجاز خدیجه، علی کرمی فریدنی، ص 41

4- سوره نور، آیه 36

این بیوت منتسب به خود اویند و علت رفعت این خانه ها، همان «یذکر فیها اسمہ» است. (1)

با توجه به نکات پیش گفته تردیدی نیست که خانه خدیجه علیها السلام از افضل آن خانه هاست. خانه ای که حتی پیش از قدم نهادن پیامبر خدا صلی الله علیه و اله در آن، به خانه پاکی و پروا مشهور و پناهگاه بی پناهان و نیازمندان و فقرا بود؛ خانه ای که مهد عشق به رسول عظیم الشان خدا بود و سپس منزلگاه وی گردید و از آن پس محل نزول فرشتگان و مهبط وحی گردید و محل آغاز سفر آسمانی پیامبر و معراج شد خانه ای که تا سال ها محل تعلیم و تربیت خردسالی تا نوجوانی حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بود خانه ای که محل تولد زهرای اطهر علیها السلام شد و چهار زن آسمانی در آن جا حاضر شدند تا خدیجه علیها السلام را در لحظه تولد کودک نورانی اش یاری کنند؛ خانه ای که هم اکنون هم مستحب است که در مراسم حج و تشریف به مکه مکرمه از آن بازدید شود «و يستحب في المكة التشرّف في منزل خديجه» (2).

9. (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ)

* (فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ) (3)

هم چنان که پروردگار رحمان در این آیه برای خلقت انسان به خویش مباحثات می کند به فرمایش نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله خداوند هر روز چندین بار به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان مباحثات می کند و می بالد. در دوره ای که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مأموریت یافتند که چهل روز از خدیجه علیها السلام دوری کنند و برنامه عبادی ویژه ای داشته باشند زمانی که برای دلداری خدیجه کبری علیها السلام برایش پیغام فرستادند این مژده را به وی دادند: (فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيُبَاهِيَ بَكِ كَرَامَ مَلَائِكَتَهُ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّارًا). (4)

ص: 39

1- ن ک، ترجمه تفسیر المیزان، ج 15، ص 175

2- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 20، ص 69

3- سوره مؤمنون آیه 14

4- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 78

10. (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ)

* (سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) (1)

مقام و شخصیت بیمانند خدیجه کبری علیها السلام ما به حدی است که بارها سلام خاص ربوبی به واسطه جبرئیل به ایشان ابلاغ شد و این معنا در روایات متعدد نقل گردیده است؛ (2) از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجتم این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه برسانی» (3)

نتیجه

خدیجه کبری علیها السلام بانوی والا مقامی بود که با انتخاب آگاهانه خویش مسیر کسب کمال و سعادت را برای خود هموار کرد و با استفاده از درایت کم نظیر خود، توانست حیات ارزشمند خویش را به تجلی گاه آیه های قرآن و آموزه های والای اسلام مبدل سازد آن چه در حجم اندک این مقاله گنجد، از این مصادیق والا اندکی است از بسیار:

- کسب «حیات طیبه» و ایجاد زندگی برجسته ای که از هر نظر شایسته یک مسلمان معتقد است؛

- انتخاب «وسیله» و «واسطه» ای بی نظیر برای قرب به بارگاه ربوبی (ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و آله با پیشنهاد و اصرار خود)؛

- جهاد با اموال در راه خدا و پیشگامی بی نظیر او در این راه؛

- سبقت در ایمان و نماز و بیعت با رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله

- جاری بودن یاد خدا در لحظه های حیات وی؛

- پناه دادن به یتیمان و بی پناهان و تأمین نیازهای مادی و روحی ایشان؛

ص: 40

1- سوره رعد، آیه 24

2- حسین تهرانی، خصائص ام مؤمنین خدیجه الکبری، ص 29-32.

3- همان، ص 7

- پاک دامنی و عفاف بی مانند او در دوران جاهلیت و بیداد گناه؛

- بنا نهادن خانه ای که مصداق خانه های برگزیده الهی بود و یاد خدا همواره در آن جریان داشت؛

- مباحث خداوند بر فرشتگان به واسطه وجود خدیجه کبری علیها السلام؛

- سلام مخصوص خدا بر خدیجه علیها السلام.

ص: 41

قرآن کریم.

1. ابن اثیر، اسد الغابہ فی معرفہ الصحابہ، بیروت: داراحیاء التراث العربی بی تا.
2. ابن جوزی، یوسف بن قراوغلی تذکرہ الخواص، قم: شریف، رضی 1376 ش.
3. ابن کثیر، البدایہ والنہایہ، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، 1408 ق.
4. ابن ہشام، السیرہ النبویہ، تحقیق طہ عبدالرئوف سعد، بیروت: دارالجبیل 1410 ق.
5. ابونعیم، دلائل النبوه، ج 1، بیروت: دار النفا نس، 1419 ق.
6. الاربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمہ، ج 2، بیروت: دارالضواء، بی تا.
7. الامین، سید محسن، اعیان الشیعہ، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات چاپ اول، 1403 ق.
8. امینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب والسنة والادب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیہ 1416 ق.
9. پاک نیا عبدالکریم «نگاهی به آموزه های تربیتی در زندگی حضرت خدیجه علیها السلام»، مبلغان، شماره 35، آذر 1381 ش.
10. تهرانی، حسین، خصائص ام المؤمنین خدیجه الکبری علیها السلام، قم: طوبای، محبت چاپ اول، 1387.
11. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1416 ق.
12. حکیم زاده فرزانه سبک زندگی رسول خدا با همسرانش، قم: انتشارات جامعہ الزهرا علیها السلام، 1393.
13. حیدری، احمد، بزرگ زنان صدر اسلام، ج 1، قم: زمزم هدایت، 1387 ش.

14. الخطيب، ياسين، الروضه الفيحاء في اعلام النساء، بي جا، مؤسسه الكتب الثقافيه، 2000 م
15. رسولى محلاتى سيد هاشم، خطبه عقد و مهریه حضرت خديجه عليها السلام، ناشر ديجيتال: مركز تحقيقات رايانه اى قائميه اصفهان
16. سيد بن طاووس، اللهوف في قتلى الطفوف، قم: الانوار الهدى، بي تا.
17. سيوطى، جلال الدين، الخصائص الكبرى، ج 1، بيروت: دالكتب العلميه 1424ق.
18. طباطبايى محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، مترجم محمد باقر موسى همدانى قم: جامعه مدرسين حوزه علميه قم دفتر انتشارات اسلامى 1374ش.
19. طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى باعلام الهدى، قم: مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، 1376.
20. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، محقق: ابراهيم، محمد، ابوالفضل، بيروت: بي نا بي تا.
21. كرمى فريدنى على فروغ آسمان حجاز خديجه عليها السلام، قم: نشر حاذق، چاپ اول، 1382ش.
22. مدرسى، سيد محمد تقى، زندگانى پیامبر گرامى اسلام محمد مصطفى صلى الله عليه و آله قم: انتشارات محبان الحسين عليه السلام، چاپ سيزدهم، 1389ش.
23. مامقانى، عبدالله بن محمد بن حسن، تنقيح المقال في علم الرجال، ج 3، نجف اشرف: مطبعه مرتضويه، 1352 ق .
24. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار تهران دار الكتب الاسلاميه، 1380 ق.
25. مفيد محمد بن محمد بن نعمان الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، قم: مؤسسه آل البيت، 1372.
26. مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه به قلم جمعى از نويسندگان، تهران: دار الكتب الاسلاميه، 1353ش.

27. مهدی پور علی اکبر «صدف، کوثر»، مبلغان، شماره 107، شهریور و مهر 1387 ش.

28. نجفی، محمد بن حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج 20، محقق ابراهیم سلطانی، نسب بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1362 ق.

29. نوری، حسین بن محمد تقی، مستمسک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، 1408 ق.

30. ورزنده، مهدی، ویژگی های شخصیتی حضرت خدیجه علیها السلام، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

31. هیکل، حسین، حیاة محمد صلی الله علیه و آله، قاهره: دارالکتب، بی تا.

32. یعقوبی، التواریخ، نجف: المكتبة الحیدریه، 1384 ق.

33. یوسفی غروی، محمد هادی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ج 1، قم: مؤسسه الهادی، 1417 ق

34. khamenei.IR (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای)

35. LIB ESHIA.IR (کتابخانه مدرسه فقاہت)

36. MAAREFQURAN.ORG (دانشنامه موضوعی قرآن، مرکز فرهنگ و معارف قرآن)

37. NOORLIB.IR (کتابخانه دیجیتال نور)

38. NOORMAGS.IR (پایگاه مجلات تخصصی نور)

*شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پرتو روایات: احمد جاوید انوری (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله یکی از شخصیت های مهم و برجسته در تاریخ صدر اسلام است فضایل و ابعاد شخصیت این بانو در روایات و سخنان بزرگان دینی مورد توجه بوده و در مناسبت های مختلف به بیان آن پرداخته اند پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از این بانو به بزرگی و کرامت یاد کرده اند و این بانو جزء چهار زن برتر عالم شمرده شده است. از طرف دیگر این افتخار را داشت که نسل جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله در نسل او باشد؛ لذا ائمه علیهم السلام این موضوع را جزء افتخارات خودشان دانسته و در مواقعی به بیان آن مبادرت ورزیده اند او اولین بانویی بود که اسلام آورد و به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام اقرار، نمود جزء اولین نمازگزاران بود و همه اموال خود را در راه اسلام مصرف نمود. شخصیت این بانو چنان بود که خداوند متعال توسط جبرئیل به او سلام رساند. ام المؤمنین صدیقه طاهره مبارکه و ... ، جزء القاب این بانو شمرده شده است در نگاه کلی روایات مربوط به این بانو در سه بخش القاب و ویژگی های دنیوی و ویژگی های اخروی می توان تقسیم نمود این تحقیق به بررسی شخصیت این بانو در روایات و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام می پردازد و با کاوش در منابع تاریخی و حدیثی به صورت کتابخانه ای مطالب را جمع آوردی می کند.

ص: 45

خدیدجه علیها السلام، القاب حضرت خدیجه علیها السلام، ویژگی های دنیوی، ویژگی های اخروی

مقدمه

در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام کم تر کسی از میان زنان، هم چون حضرت خدیجه کبری درخشیده است بانویی که بزرگ ترین افتخارش همسری پیامبر صلی الله علیه و آله بود. ایشان چنان شخصیتی داشت که حتی سال ها پس از رحلت وی، پیامبر صلی الله علیه و آله هر گاه نام او را می شنیدند اشک بر گونه های آن حضرت جاری می شد و در تمام عمر از او با احترام یاد می کردند

یکی دیگر از افتخارات این بانو پرورش سرور بانوان عالم دخت گران مایه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که مانند دژی یکتا در صدف خود بپرورانید. و او شخصیتی دارد که هم خود و هم دخت گرامی اش، جزء چهار زن برتر عالم هستند.

والایی مقام و منزلت این بانو همه را به تحسین و داشته است؛ لذا در این تحقیق، بنا داریم شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را از زبان بهترین و کامل ترین افراد بشر یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان بررسی نمایم؛ زیرا خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله به جهت این که از نسل این بانو هستند همواره افتخار نموده در مناسبت های گوناگون این موضوع را بازگو می کردند.

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه از تیره قریش بود که از سوی پدر در نیای سوم (قُصَیّ) و از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤَی) با نسب پیامبر صلی الله علیه و آله، پیوند می خورد. او دخت گرامی «خُوَیَلِد» فرزند اَسَد، فرزند عبدالعُزَی، فرزند قُصَی، فرزند کِلَاب، فرزند مُرّه،

فرزند کعب، فرزند لُوی، فرزند غالب، فرزند فِهر است. (1) مادرش، فاطمه، دخت زانده پسر اَصمّ، پسر رَواحه، پسر حَجَر، پسر عبد، پسر مَعِیص، پسر عامر، پسر لُوی، پسر غالب پسر فِهر است (2)

خُوَیله، قهرمان دلاوری بود که هنگام تهاجم «تُبَع»، پادشاه خودکامه، یمن، دست به شمشیر برد و در برابرش مردانه شمشیر زد و او را با ذلت از حریم کعبه دور ساخت. (3)

ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام در روایات

1. القاب حضرت خدیجه علیها السلام در روایات

1-1-ام المؤمنین

«ام المؤمنین» لقبی است که قرآن به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله داده، (4) اما می دانیم که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در یک مرتبه نبودند و از نظر ایمان و سبقت در اسلام متمایز از هم دیگر بودند. حضرت خدیجه علیها السلام برترین همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آمد؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله او را «برترین و بهترین امّهات مؤمنین» خواندند. (5)

1-2-سرور زنان

یکی از افتخارات این بانو پرورش شخصیتی مانند امیرمؤمنان علیه السلام است؛ زیرا ایشان در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله رشد کرد و تحت سرپرستی حضرت خدیجه سلام الله علیها قرار داشت لذا تعلق خاطر دو جانبه میان امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام برقرار بود؛ به همین منظور، وقتی خدیجه علیها السلام درگذشت امیرمؤمنان علیه السلام در شعری که در سوگ آن بانو سرودند از آن حضرت با عنوان «سیده التّسوان» تعبیر

ص: 47

1- ابن هشام، السیره النبویه، ج 2، ص 80

2- همان.

3- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 2، ص 296؛ سیلاوی، الانوار الساطعه، ص 9

4- سوره احزاب، آیه 6

5- سیلاوی، الانوار الساطعه، ص 226؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، ج 1، ص 52.

فرمودند. (1) امام کاظم علیه السلام نیز ایشان را «سرور زنان قریش» خواندند؛ (2) زیرا ایشان را در عهد جاهلی نیز رسیده نساء قریش می خواندند. (3)

3-1- صدیقه

صدیقه به معنای راست گو (4) فقط یک بار در قرآن درباره حضرت مریم علیها السلام به کار رفته است

(مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ)، (5) هم چنین صدیقه به کسی گفته می شود که کاری را تمام و کمال انجام دهد که از نظر مقام و مرتبه پایین تر از انبیا و پیامبران است (6) یا این که پیامبران الهی را تصدیق کند. (7) با توجه به این معانی پیامبر صلی الله علیه و اله در معرفی حضرت خدیجه علیها السلام خطاب به جبرئیل فرمودند: (هَذِهِ صِدِّيقَةٌ أُمَّتِي)؛ (8) «این صدیقه امت من است».

4-1- طاهره

پاک دامنی یکی از فضایل بسیار مهم به خصوص در بانوان است. پاکي از رذایل اخلاقی و گناه در هر مکان و محیطی فضیلت بسیار بزرگ شمرده می شود؛ لذا هنگامی که فضای گناه آماده شود و جامعه دچار مفساد گردد و بسیاری از رذایل در عرف مردم عادی جلوه کند و قبچی نداشته باشد، دوری از گناه و فساد در چنین وضعیتی فضیلت بسیار بزرگ شمرده می شود، لذا حفظ پاک دامنی در عصر جاهلی و قبل از اسلام ارزش فراوانی می یابد. حضرت

ص: 48

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 35، ص 143

2- حمیری، قرب الاسناد، ص 325

3- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 479

4- سوره مائده آیه 75

5- سهیلی، الروض الأنف، ج 2، ص 244، زرقانی، شرح مواهب اللدنیه، ج 1، ص 199

6- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 479.

7- طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ج 7، ص 355

8- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 2، ص 620

خدیجه علیها السلام در عصر جاهلی به «طاهره» شهرت داشتند؛ (1) زیرا او پاک ترین و عقیف ترین بانوی آن دوران بودند. (2)

القاب دیگری نیز به حضرت داده شده که در یکی از زیارت نامه های پیامبر صلی الله علیه و اله آمده است: «سلام بر... صدیقه طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه خدیجه کبری ام المؤمنین» (3).

2. ویژگیهای دنیوی حضرت خدیجه علیها السلام

2-1- جزء چهار زن برتر

پیامبر صلی الله علیه و اله در روایتی که در منابع فریقین آمده است چنین می فرماید:

(أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ وَفَاطِمَةُ وَ مَرْيَمُ وَ آسِيَةُ)؛ (4)

برترین بانوان بهشت؛ خدیجه، فاطمه، مریم و آسیه اند.

ابن حجر از علمای اهل سنت می گوید: «این حدیث، صریح است و قابل تأویل نیست». (5)

ابن کثیر شماری از فضایل ویژه حضرت خدیجه علیها السلام را برشمرده، سپس می گوید: «برخی از اهل سنت، غلو می کنند و عایشه را بدین سبب که دختر ابوبکر است بر خدیجه علیها السلام تفضیل می دهند» (6)

وی در ادامه نکته ظریفی را نقل می کند «قدر مشترک در میان مریم، آسیه و خدیجه این است که هر یک از آن ها پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است:

1. آسیه حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد، به

ص: 49

1- ابن حجر، الاصابه، ج 8، ص 60

2- زرقانی، شرح المواهب اللدنیه، ج 1، ص 199

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 189.

4- صدوق، محمد بن علی، الخصال، ج 1، ص 206.

5- ابن حجر، فتح الباری، ج 7، ص 135.

6- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 3، ص 129

او ایمان آورد.

2. مریم، حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث به او گروید.

3. خدیجه علیها السلام پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام داد و همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد». (1)

در روایت دیگری که امیر مؤمنان علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کنند به برتری این بانو چنین اشاره می فرمایند:

(خَيْرُ نَسَائِهَا خَدِيجَةٌ وَ خَيْرُ نَسَائِهَا مَرْيَمُ)؛ (2)

بهترین زنان، ایشان مریم (دختر عمران) و بهترین زنان ایشان خدیجه (دختر خویلد) است

مقصود از زنان اول زنان بنی اسرائیل و مورد دوم زنان این امت است.

2-2- مادر حضرت فاطمه علیها السلام و یازده امام علیهم السلام

از دیگر فضایل این بانو این است که یازده امام معصوم از نسل ایشان هستند و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله تنها از طریق ایشان ادامه یافت تا جایی که خود این بزرگواران به این مطلب همواره افتخار نموده و این مطلب را در حوادث سرنوشت ساز بیان فرموده اند. (3)

در دعاها و زیارت نامه ها عبارت های مشابه که نشان دهنده افتخار اهل بیت علیهم السلام به این موضوع است زیاد به چشم می خورد، مانند دعای ندبه که می فرماید:

(أَيْنَ الْمُنْصُورِ عَلَيَّ مَنْ اعْتَدَى عَلَيَّ وَ افْتَرَى ، أَيْنَ الْمُنْصُورِ الَّذِي يَجَابُ إِذَا دَعَا ، أَيْنَ صَدْرِ الْخَلَاءِ فِي ذُو الْبِرِّ وَ التَّقْوَى ، أَيْنَ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُنْصُورِ ، وَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى ، وَ ابْنِ خَدِيجَةَ الْعَرَاءِ ، وَ ابْنِ فَاطِمَةَ الْكُبْرَى) (4)

ص: 50

1- همان.

2- عسقلانی، ابن حجر، الإصابه، ج 8، ص 103.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج 4، ص 577

4- محمد بن المشهدی المزار الکبیر، ص 579

برخی روایات حکایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و اله قبل از به دنیا آمدن حضرت فاطمه علیها السلام این خبر را به خدیجه دادند که یازده امام از نسل ایشان هستند و ایشان از این موضوع اطلاع داشت:

أن خدیجه لما حملت بفاطمه علیها السلام كانت تحدّثها فی بطنها و تصبرها و كانت تکتّم ذلك من رسول الله صلی الله علیه و سلم فدخل علیها یوما فسمع خدیجه تحدث فاطمه فقال: یا خدیجه من تحدّثین؟ فقالت: الجنین الذی فی بطنی یحدّثنی و یؤنسنی، فقال: یا خدیجه هذا جبرئیل یخبرنی أنها انثی و أنها النسل الطاهر المیمونه؛ إن الله سیجعل نسلی منها و یجعل من نسلها أئمه و یجعلهم خلفائی فی أرضه بعد انقضاء وحیه (1) و قتی حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت فاطمه باردار شد، طفل در رحم مادر با او سخن می گفت ولی خدیجه علیها السلام این موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و اله مخفی می داشت تا این که روزی پیامبر صلی الله علیه و اله بر او وارد شدند و متوجه صحبت او گردیدند و سؤال کردند: «با چه کسی حرف می زنی؟» خدیجه علیها السلام گفتند: «با این جنین که در بطن من است». حضرت فرمودند: «ای خدیجه! جبرئیل به من خبر داد که او دختر است و نسل طاهر و با برکتی دارد. خداوند نسل مرا از او قرار داده و ائمه از نسل او هستند و آن ها را خلفای من بعد از انقطاع وحی قرار داد».

به باور برخی از سیره نویسان حضرت فاطمه علیها السلام تنها دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ایشان دختر دیگری نداشتند و تنها فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله هم که بعد از ایشان باقی ماند، حضرت زهرا علیها السلام بود این دسته از سیره نویسان معتقدند که دختران دیگر رسول خدا صلی الله علیه و اله، در حقیقت ربائب حضرت بودند و دختران خواهر حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می آمدند که بعد از مرگ والدین شان در منزل خدیجه علیها السلام بزرگ شدند و فرزند خوانده بودند. (2)

ص: 51

1- عاملی، حر، اثبات الهداه، ج 2، 195.

2- عاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من السیره النبوی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 2، ص 122 به بعد.

نقش اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام بردگان تحت شکنجه را خریداری می نمودند و بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می ساختند؛ به تهیدستان کمک می کردند و مهاجرانی را که مشرکان اموال آن ها را مصادره می نمودند، با مال خدیجه علیها السلام بی نیاز می کردند تا خود را به مدینه برسانند.

از همه مهم تر در ماجرای محاصره اقتصادی قریش که مدت 3 - 4 سال به طول انجامید همه اموال خدیجه علیها السلام صرف حمایت از محاصره شدگان و پیامبر صلی الله علیه و آله شد. بنابراین حمایت اقتصادی خدیجه علیها السلام، در واقع کلید مقاومت و شکستن این محاصره بود حضرت خدیجه علیها السلام توانست با بذل مال خویش یاران اسلام را که در آغاز حیات خود، چون شاخه نورسته بودند، در مقابل امواج خروشان دشمنان حفظ کند و زمینه رشد و شکوفایی اسلام و مسلمانان را فراهم نماید. به استناد تاریخ، رسول اعظم صلی الله علیه و آله تا زمانی که خدیجه کبری زنده، بودند به بینوایان کمک مالی می کردند.

سبط ابن جوزی از زهری نقل می کند: «به ما رسیده است که خدیجه از مال خودش به رسول خدا صلی الله علیه و اله چهل و چهار هزار درهم انفاق کرد» (1)

تنها حامی پیامبر

اشاره

قرآن افرادی را با عنوان «السابقون» (2) خوانده و آن ها را ستوده؛ زیرا آن ها در موقع تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آوردند و در حالی از آن حضرت دفاع کردند که شمار مسلمانان بسیار کم بود و اوضاع بسیار سخت و طاقت فرسایی بر مکه حاکم بود.

بی شک طبق گواهی تاریخ اولین بانویی که به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان آورد و به تصدیق آموزه های ایشان پرداخت حضرت خدیجه علیها السلام بود پس بر

ص: 52

1- سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ص 401

2- سوره واقعه، آیه 10

اساس آیات قرآن جزء مقربان است؛ زیرا در شرایط بسیار سخت، به حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله برخاست و در زمانی که همه از رسول خدا صلی الله علیه و اله رو برگرداندند، حضرت خدیجه علیها السلام حامی ایشان بود و زمانی که همه پیامبر صلی الله علیه و آله را تکذیب کردند این بانو پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق کرد و در پرتو بینش و بصیرت کامل به ایشان ایمان آورد.

در ماجرای ازدواج امیرمؤمنان علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام، روایت شده که تعدادی از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله نزد ایشان آمده، عرض کردند:

پدران و مادران ما به فدایت! ما برای کاری نزد تو گرد آمده ایم که اگر خدیجه در قید حیات بود از آن بسیار خوشحال می شد.

ام سلمه گوید:

چون نام خدیجه را در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله، بردیم گریست و فرمود: «خدیجه؟ چه کسی مثل اوست؟ هنگامی که همه مرا تکذیب کردند، او تصدیق کرد و مرا بر دین خدا یاری نمود و با مال خویش به من کمک کرد خداوند عزوجل به من دستور داد که خدیجه را به خانه ای در بهشت بشارت دهم که از زمرد ساخته شده و در آن نشانی از بانگ و فریاد و خستگی نیست».⁽¹⁾

3. جایگاه و مقام معنوی و ویژگی های اخروی حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

خدیجه علیها السلام که یار غم خوار پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت بود، پس از آن هم با تمام وجود حامی افکار و اندیشه های توحیدی آن حضرت محسوب می شد. در حساس ترین دوران زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، چه آن زمان که وجود مبارکش در آستانه نزول وحی قرار داشت و همه چیز دگرگون شده بود و چه آن زمان که وحی الهی بر قلب پاکش نازل می شد و جهانی را به لرزه در می آورد، همواره رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به خوبی درک می کرد آن حضرت را به درستی می شناخت و به امتیازات آن حضرت پی برده بود. رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله را به روشنی فهمید و آن

ص: 53

1- اربلی، کشف الغمه، ج 1، ص 350؛ عاملی، محسن الامین، اعیان الشیعه، ج 1، ص 312.

را با تمام جانش پذیرفت و با همه توان خود در راه تثبیت و گسترش آن ایستادگی کرد به راستی که کمتر همسری می تواند این چنین حساس فهمیده، با کمال و عمیق عالم و واقع بین باشد.

بنابراین یکی از امتیازات و ویژگی های برجسته حضرت خدیجه علیها السلام انتخاب هوشمندانه او و پیشتازی اش در گزینش اسلام و گرایش به پیام زندگی ساز و عدالت آفرین آسمانی بود که تحسین برانگیز و تاریخ ساز و الهام بخش است. اسلام آوردن خدیجه علیها السلام بر آغاز دعوت عمومی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله مقدم بود و حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین زن مسلمان به شمار می آمد. (1) هم چنین وی نخستین بانوی معتقد به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام بود که پیامبر صلی الله علیه و اله در شب ارتحالش فرمود: «باید به ولایت علی بن ابی طالب شهادت دهی!» خدیجه گفت: «به ولایت او ایمان آوردم و بیعت کردم!»

(... قَالَ يَا خَدِيجَهُ هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي قَالَتْ صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتَهُ عَلِيٌّ مَا قُلْتَ اللَّهُ هَدَى اللَّهُ وَ أَشْهَدُكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً عَلِيماً). (2)

3-1- نخستین بانوی نمازگزار

نماز در اسلام، جایگاه ویژه ای دارد و قرآن همواره نمازگزاران را ستوده و نماز را یکی از امتیازات ویژه مؤمنان برشمرده است. (3) حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بانوی نمازگزار بود که مدت ها با حضرت علی علیه السلام در کنار کعبه با پیامبر خدا صلی الله علیه و اله نماز بر پا می داشتند (4) و بعدها جعفر طیار نیز به آن ها پیوست. (5)

3-2- سلام و درود خداوند

یکی از امتیازات اسلام این است که در مسیر رسیدن به کمال و رشد معنوی،

ص: 54

1- بیهقی، دلائل النبوه، ص 19 عسقلانی، الإصابه، ج 8، ص 100

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 233

3- سوره مومنون آیه 2

4- کتر الفوائد، ج 1، ص 272

5- طبرسی، اعلام الوری، ج 1، ص 104.

هیچ فرقی میان مردان و زنان قائل نیست و به زن به عنوان یک انسان نگاه می کند؛ زیرا خداوند متعال تمام آن چه را که مرد برای رسیدن به مراتب معنوی نیاز دارد در زن نیز به ودیعه گذاشته است حضرت خدیجه علیها السلام با پرورش روح خود در سایه معنویت بی بدیل پیامبر صلی الله علیه و اله به جایگاهی معنوی دست یافت که کمتر زنی به آن می تواند دست یابد؛ لذا جایگاه این بانو چنان است که خداوند متعال جبرئیل را مأمور رساندن سلام خود به این بانوی با عظمت می کند:

(عَنْ زُرَّازَةَ وَ حُمْرَانَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسَدِّ لِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ حَدَّثَ أَبُو سَعِيدٍ الْخُدْرِيُّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِنَّ جَبْرَائِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي لَيْلَهُ أُسْرِيَ بِي حِينَ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جَبْرَائِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ قَالَ حَاجَتِي أَنْ تَقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنِّي السَّلَامُ وَ حَدَّثَنَا عِدَّةٌ ذَلِكَ أَنَّهَا قَالَتْ حِينَ لَقَّاهَا نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ لَهَا الَّذِي قَالَ جَبْرَائِيلُ فَقَالَتْ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ)؛ (1)

رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «جبرئیل در شب معراج، موقع برگشتن با من صحبت می کرد. به او گفتم: ای جبرئیل آیا حاجتی داری؟» او گفت: «حاجت من این است که سلام خداوند متعال و سلام مرا به خدیجه برسانی! زمانی که حضرت سلام خداوند و جبرئیل را ابلاغ فرمود، حضرت خدیجه علیها السلام عرضه داشت: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ وَ مِنْهُ السَّلَامُ وَ إِلَيْهِ السَّلَامُ وَ عَلَيَّ جَبْرَائِيلَ السَّلَامُ).

3-3- مالک قصرهای بهشتی

خداوند متعال در قرآن به مؤمنان وعده داده تا بهترین پاداش را به آنان اعطا کند. این پاداش ها در حقیقت فضل خداوند و رحمت بی نهایت حضرت حق به بندگان مؤمن و پارساست که در تمام عمر تلاش کردند تا شکر نعمت هایش را به جا آورند و در مسیر بندگی بکوشند؛ لذا بهشت نیز دارای مراتب است؛ زیرا مؤمنان در یک مرتبه قرار ندارند و پاداش همه مساوی نیست، بلکه هر کسی به

ص: 55

اندازه کوشش خود اجر دریافت خواهد کرد.

روایات زیادی در مورد شأن و منزلت اخروی حضرت خدیجه علیها السلام وجود دارد که یکی از آن‌ها نزد فریقین بسیار مشهور است و اکثر محدثان عامه و خاصه آن را از طرق مختلف نقل کرده اند و آن این حدیث است:

(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بَبَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ)؛

پیامبر صلی الله علیه و اله می فرماید: من مأمور شدم که به خدیجه بشارت دهم که خداوند قصری از نقره در بهشت برای او آماده کرده که هیچ گونه درد و رنجی در آن نیست

ابن حجر در شرح این حدیث از «سهیلی» نقل می کند که تعبیر «قَصَب»، از این جهت است که آن بانوی بزرگوار گوی سبقت را از همه بانوان جهان ربود و تعبیر «صَخَب» از این جهت است که حضرت خدیجه علیها السلام، هرگز با پیامبر صلی الله علیه و اله درگیر نشد صدایش را بلند نساخت و سر و صدا ایجاد نکرد و خانه را محیط امن و آرام قرار داد تعبیر «نَصَب» هم از این جهت است که وی بر خلاف برخی از همسران پیامبر صلی الله علیه و اله هرگز آن حضرت را نیاززد. بدین جهت خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود که محیط آرام، بی سر و صدا و بدون اذیت و آزار باشد. (1)

نتیجه

با توجه به ویژگی های شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ اسلام و روایات پیامبر صلی الله علیه و اله و اهل بیت علیهم السلام در مورد ایشان در می یابیم که این بانو در طول حیات پربرکت خویش در راه رشد و کمال روحی تلاش فراوان نمود و به درجات عالی انسانی هم به لحاظ دنیوی و هم به لحاظ اخروی دست یافت.

این بانوی فعال در عرصه های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی، توانست علاوه

ص: 56

بر رساندن خود به رشد معنوی و مادی در اجتماع نیز تأثیرگذار باشد و حتی آثار تلاش های ایشان در آینده جامعه نوپای اسلامی منشأ اثر شود.

حضرت خدیجه علیها السلام با حمایت های بی دریغ خویش از پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر مسلمانان و ایثار و فداکاری نشان داد که جنسیت در راه رسیدن به کمالات انسانی، مانع از رسیدن به مدارج بالا نیست و راه برای همه قشرهای جامعه باز است و کسانی می توانند به این جایگاه والا برسند که کوشش و ایثار را در پرتو معارف نورانی اسلام سرلوحه کار خویش قرار دهند.

ص: 57

1. ابن بابويه، محمد بن علی الخصال، علی، الخصال، مصحح، مصحح، علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین 1362 ش.
2. ابن کثیر، البدایه والنهایه، بیروت، مکتبه المعارف، 1408 ق.
3. ابن هشام، السیره النبویه، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجيل 1410 ق.
4. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمه، چاپ اول، قم: رضی، 1421 ق.
5. بیهقی دلائل، النبوه، چاپ اول، بیروت دارالکتب العلمیه، 1405 ق.
6. حمیری، عبدالله بن جعفر قرب الإسناد چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، 1413 ق.
7. راغب اصفهانی حسین بن محمد مفردات الفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دار القلم الدار الشامیه، 1412 ق.
8. زرقانی محمد بن عبد الباقي، شرح المواهب اللدنیه، مصر: دار الطباعه المیریه المصریه بی تا.
9. سبط بن جوزی، شرح حال و فضائل خاندان نبوت، ترجمه محمدرضا، عطایی چاپ اول مشهد آستان قدس رضوی، 1379 ش.
10. سهیلی، عبدالرحمان، الروض الأنف فی شرح السیره النبویه، چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی، 1412 ق.
11. سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد، بی جا 1421 ق.
12. طبرسی، فضل بن حسن اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ اول، قم: آل البيت، 1417 ق.
13. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران:

14. عاملى، حر، اثبات الهداه، چاپ اول، بيروت: اعلمى، 1425 ق.
15. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيره النبي الأعظم صلى الله عليه وآله، چاپ اول، قم: دارالحديث، 1426 ق.
16. عاملى، سيد محسن امين، اعيان الشيعه، بيروت: دارالتعارف، 1403 ق.
17. عسقلانى، ابن حجر، فتح البارى، بيروت: دارالمعرفه، بى تا.
18. عسقلانى، ابن حجر، الإصابه في تمييز الصحابه، بيروت: دارالكتب العلميه، 1415 ق.
19. عياشى، محمد بن مسعود، تفسير عياشى، چاپ اول تهران: المطبعه العلميه، 1380 ق.
20. كراجكى، محمد بن على كنز الفوائد، چاپ اول، قم: دارالذخائر، 1410 ق.
21. كلينى، محمد بن يعقوب بن اسحاق، الكافى، چاپ چهارم تهران: دار الكتب الإسلاميه، 1407 ق.
22. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، تهران: دار الكتب الاسلاميه، 1380 ق.
23. مشهدى، محمد المزار الكبير، چاپ اول، قم: قيوم، 1419 ق.

* حضرت خدیجه علیها السلام نمونه انسان صالح در قرآن کریم: طاهره ماهروزاده (1)

چکیده

خداوند در قرآن کریم سیمای صالحان را در بعد اعتقادی و رفتاری ترسیم نموده است. این مقاله به روش تحلیل محتوا به واکاوی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام پرداخته و با تحلیل سیره فردی و اجتماعی، حضرت به این نتیجه می‌رسد که آیات الهی در زندگانی این بزرگ بانوی جهان اسلام تجلی یافته و ویژگی و صفات سیمای انسان صالح معرفی شده در قرآن کریم در این بانوی گرامی مجسم شده است.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و اله، خدیجه علیها السلام، انسان صالح، سیره، قرآن.

مقدمه

در طول تاریخ بشری و جوامع انسانی هر گاه مردم اصول و ارزش های الهی را به فراموشی سپرده اند نوری ظاهر شده تا ظلمت جهل و بیراهه های گمراهی را پایان بخشد؛ از سر لطف و کرم حجتی را فرستاده است که چراغ هدایت شود و زنانی را برگزیده تا در پرتو این چراغ هدایت نورافشانی کنند و کمک ها رسانند و خدماتی انجام دهند.

حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که به پیامبر ایمان آورد و حضرت را در

ص: 60

تمام ارزش های الهی و انسانی و اجتماعی یاری رساند. او ترسیم انسان صالحی بود که در قرآن کریم نمود یافته است. در حقیقت حضرت خدیجه علیها السلام الگوی رفتاری و کاربردی انسانی صالح است که آیات قرآن کریم در همه اوقات زندگی اش جاری شده و جریان یافته است.

کتاب ها و مقالات متعددی درباره حضرت خدیجه نوشته شده است. تاریخ نویسان مطالب بسیاری در مورد این بانوی بزرگوار نقل کرده اند. برخی به مرور تاریخی زندگی حضرت از تولد تا وفات و برخی به القاب و صفات شخصیتی حضرت پرداخته اند در کتاب های روایی نیز روایات بسیاری از پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام رسیده که این بانوی بافضیلت را برترین و با کمال ترین زنان معرفی نموده اند. اما مطالب رسیده از آغاز تاکنون در توصیف این بانوی گرامی حق مطلب را ادا نکرده و بسیاری از زوایای شخصیت وجودی و کرامت های ایشان پنهان مانده است.

این نوشتار با رویکردی به آیات قرآن کریم در معرفی صالحان، ایشان را به عنوان الگوی عملی در نمایش انسان صالح از عصر بعثت تاکنون معرفی می کند. از جمله مباحثی که اهمیت این موضوع را بیان می کند، تبیین سیره فردی و اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام و تأثیری است که یک زن بر جامعه انسانی کوچک (خانواده) و جامعه انسانی بزرگ (اجتماع) دارد. نکته مهم عدم تفاوت در هویت انسان صالح و مهم نبودن جنسیت در صالح بودن در عمل و ایمان است، همان گونه که قرآن کریم می فرماید: (يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ). (1)

زن و مرد هر دو آفریده خلقت پروردگار هستند و عنوان انسان را می گیرند و در اطاعت اوامر و نواهی الهی یکسانند.

(وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ ... وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ ...) (2)

ص: 61

1- سوره حجرات ، آیه 94

2- سوره توبه، آیات 9 و 71.

و در سیر و سلوک، انسانی و برخورداری از پاداش و رسیدن به حیات طیبه نیز همانند یک دیگرند

(مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (1)

بدین ترتیب خداوند متعال در بیان ویژگی سیمای صالحان فرقی بین زن و مرد قائل نشده است (2) و هویت انسان صالح جنسیت بردار نیست و ایمان و عمل صالح، دو بال برای رسیدن به کمال و قرب الهی است.

حضرت خدیجه علیها السلام با بهره‌گیری از ایمان و عقل و تقوای خویش توانست به یاری حق بشتابد و رسول مکرم اسلام را مدد رساند و با تمام اخلاص فداکاری کند و در این راه جان فشانی نماید و نامی جاودانه در تاریخ از خود بر جای گذارد. زنان با ظهور اسلام جانی تازه یافتند و با رهبری رسول اکرم و الگوی زنان صالح هم چون خدیجه علیها السلام در صحنه‌های مختلف مسابقه رسیدن به کمال حاضر شدند و گاه گوی سبقت را از بسیاری از مردان نیز ربودند.

مقام و منزلت حضرت خدیجه علیها السلام و شناخت ویژگی صالحان، در حقیقت شناخت انسان و کرامت‌های انسانی است. به این جهت انسان می‌تواند در قرآن کاوش کند تا آگاهی‌های لازم در مورد زنان و مردان صالح را به دست آورد.

در ادامه این سؤال‌ها پیش می‌آید

1. ویژگی‌های اعتقادی صالحان چیست؟

2. ارزش‌های اخلاقی صالحان از دیدگاه قرآن چگونه است؟

3. سیره فردی و اجتماعی حضرت خدیجه علیها السلام چگونه ترسیم‌کننده انسان صالح در عرصه هستی است؟

شیوه این مقاله تحلیل محتوای قرآن کریم گزینش شد که به توصیف انسان صالح در دو بعد ایمان و عمل پرداخته است. سپس آیات را دسته‌بندی و عنوان‌گذاری نموده و با رجوع به تاریخ زندگانی حضرت

ص: 62

1- سوره نحل، آیات 16 و 7

2- سوره احزاب، آیات 35 و 36

خدیجه علیها السلام ضمن واکاوی شخصیت فردی و اجتماعی آن بزرگوار و تحلیل سیره فردی و اجتماعی حضرت تجلی آیات الهی در زندگانی این بزرگ بانوی جهان اسلام را بیان کرده است.

شناخت اجمالی حضرت خدیجه علیها السلام

شهر مکه در عربستان سال 55 قبل از بعثت، شاهد پا به عرصه گذاشتن نوزادی بود که در عصر خرافی آن روز باید به گور سپرده می شد. اما خانواده اش او را گرامی داشتند و نام دختر را خدیجه نامیدند آن حضرت، دختر خویلد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بود که جد چهارم پیامبر اسلام محسوب می شد (1).

مادر ایشان «فاطمه بنت زائده بن اصم بن رواحه بن حجر بن عبد بن معیض بن عامر بن لوی» بود که او نیز در «لوی» با حضرت رسول هم نژاد می گردد. (2) حضرت خدیجه علیها السلام در یکی از اصیل ترین خانه ها و خانواده ای فرهنگ ساز و بیگانه با آداب و رسوم خرافی آن، روزگار در کنار پدر و مادری نیک اندیش و آبرومند چشم به جهان گشود که در زندگی تاریخ سازش نشان داد که طینتی به زلالی آب زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و دور از دست رس دارد.

القاب حضرت خدیجه علیها السلام

القاب آن حضرت عبارتند از: «طاهره» (بانوی پاکیزه)، «سیده النساء القریش» (سرور زنان قریش)، «مبارکه» (بانوی پر برکت)، «سیده النساء العالمین» (سرور زنان عالم) «صدیقه» (بانوی راستی و درستی)، زکیه (پاک و بالنده از نظر جسم، روح و اندیشه) راضیه (خشنود از تدبیر و تقدیر حکیمانه خدا)، مرضیه (انسان شایسته ای که خدا از او خشنود است) کبری (بانوی ارجمند و بلند پایه)، «ام الیتامی» و «ام المومنین». (3)

ص: 63

1- امین، اعیان الشیعه، ج 6، ص 308

2- ابن هشام، سیره ابن هشام، ج 1، ص 201

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 21، ص 351 و ابن اثیر، اسد الغابه، ج 7، ص 78

شرافت یافتن حضرت خدیجه علیها السلام با همسری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام به واسطه خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله، از یک طرف و ملاحظه اخلاق حمیده ایشان در بازرگانی از طرف دیگر و شنیدن اخبار رسالت از علمای یهود و نصارا از سوی دیگر، عاشق معنوی پیامبر، شد. او در این جوان، صداقت، پشتکار و توانایی هایی می دید که خدیجه علیها السلام را شیفته حضرت می ساخت. شبی در عالم رؤیا دید که خورشید فروزان بر فراز مکه و خانه خدا، به آرامی می چرخید و به تدریج در خانه او فرود آمد؛ خواب خود را برای عمویش ورقه بن نوفل که از دانشمندان یهودی بود بیان کرد و از او خواست که تا آن را برایش تعبیر نماید. او گفت: «چنین می نگرم که با مردی بزرگ پیمان زندگی مشترک خواهی بست که شهرت و محبوبیتش جهان گستر خواهد شد». (1) خدیجه علیها السلام با تلاش پی گیر و مهیا کردن مقدمات عاقلانه به ویژه با تدبیر پسر عمویش، ازدواج با پیامبر را پیشنهاد نمود. (2)

مقدمه آشنایی حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله، تجارت بود اما آن چه موجب علقه و پیوند بین این دو گوهر می شد، شیفتگی خدیجه علیها السلام به امانت داری راست گویی و خلوص و صفای باطن حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. در واقع حضرت خدیجه علیها السلام او به علت زلالی باطن و پاکی طینت علقه معنوی و ارزشی به پیامبر صلی الله علیه و آله پیدا کرد که به شرافت همسری با رسول اکرم صلی الله علیه و آله انجامید.

مفهوم شناسی صالح

صلح چیزی است که از فساد سالم باشد اعم از این که در ذات رأی یا عمل باشد. صالح و فساد، متناقض یک دیگر است و با هم جمع نمی شود. (3) فساد مقابل صالح است و با اختلال در نظم و اعتدال اشیا حاصل می شود. فساد یا

ص: 64

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 6، ص 104

2- محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 235

3- مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج 6، ص 296

در وجود خارجی است یا در اعمال؛ یعنی ایجاد اختلال در اعمال و اخلال در امور یا در نظام تکوینی است یا در قوانین شرعی مثل فساد و اخلال در احکام الهی و قوانین دینی و مقررات اسلامی (1) بنابراین صالح بر خلاف این امور است.

در قرآن کریم صلح بر پانزده وجه آمده؛ از جمله:

1. ایمان؛ (2)

2. نیکوکاران؛ (3)

3. امانت دار؛ (4)

4. پرهیزکار (المتورعین)؛ (5)

5. وفا کنندگان به عهد (الوفاین)؛ (6)

6. اخلاص. (7)

صالحات نیز بر چهار وجه آمده است: (8)

1. طاعات؛ (9)

2. خالص؛ (10)

3. خیرات؛ (11)

4. ادای فرایض. (12)

حاصل مطلب آن که صالح، یعنی شایسته و خوب و نکته مهم این که از

ص: 65

1- همان، ج 9، 85 ذیل ماده فسد.

2- سوره یوسف، آیه 101

3- سوره اسراء، آیه 25

4- سوره کهف، آیه 82

5- سوره قصص، آیه 19.

6- سوره قصص، آیه 27

7- سوره کهف، آیه 110؛ سوره مائده، آیه 69

8- نیشابوری، وجوه القرآن، 351.

9- سورة بقره، آيه 25

10- سورة بقره، آيه 62

11- سورة حج آيه 50

12- سورة طه، آيه 182

هر گونه فساد اعم از اعتقادی یا رفتاری خالی است.

خداوند متعال آخرین مرحله کمال یعنی رسیدن به لقای پروردگار را بردو امر متوقف فرموده است؛ صالح بودن در عمل و اخلاص در توحید:

(فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛ (1)

پس هر کس به لقای پروردگار امید دارد باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در عبادت پروردگار شریک نکند.

صالحان کسانی اند که در علم و ایمان شان به خدا و آن چه از نزد خدا آمده و نیز در صداقت شهادت و توبه آنان خللی وارد نشده باشد و تمام عمر خود را در طاعت خدا و اموال شان را در راه رضای او صرف نمایند. (2)

واژه «صالحین» در قرآن کریم 21 بار تکرار شده است. خداوند در برخی آیات درخواست پیامبران الهی را مطرح می کند که آرزومند و مشتاق هستند که در زمره صالحان باشند. (3) نیز برخی پیامبران الهی و بندگان خاص را در زمره صالحان قرار می دهد و انتخاب می کند.

(4) (5)

ویژگی صالحان در قرآن کریم

انسان های صالح برترین رتبه و کمال انسانیت را دارند و افراد برگزیده ای هستند که قرآن کریم به توصیف و معرفی آنان پرداخته است؛ اوصافی همچون: مؤمنین، محسنین صدیقین، خاشعین، مستغفرین شاکرین توابین، متقین صادقین صابرين اولوالالباب و این نوشتار به عنوان «صالح» که وجه جامع تمامی اوصاف است، توجه دارد.

ص: 66

1- سوره کهف، آیه 110

2- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج 4، جزء 5، ص 114..

3- سوره شعرا، آیات 69 و 83؛ سوره نمل آیات 17 و 19؛ سوره یوسف، آیه 101.

4- خداوند در قرآن کریم پیامبرانی چون ابراهیم، اسحاق، یعقوب انبیا، 72. لوط انبیا 75 اسماعیل ادريس و ذوالکفل علیهم السلام، انبیا 85 و 86 و بندگان خاص خود افراد صالح و شایسته، انبیا، 105، نمل 19. پدر دو یتیم عصر موسی و خضر علیهما السلام، کهف، 82 را از صالحان دانسته است.

5- سوره انبیا آیات 72 و 75

بهترین آیاتی که از ویژگی های صالحان پرده برداشته و آنان را توصیف کرده، آیات 113 و 114 سوره آل عمران است که خداوند متعال خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله صفات بندگان صالح را بیان می فرماید:

(لَيْسُوا سَوَاءً ۗ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ)؛

آن ها همه یکسان نیستند؛ از اهل کتاب جمعیتی هستند که (به حق و ایمان) قیام می کنند؛ و پیوسته در اوقات شب آیات خدا را می خوانند؛ در حالی که سجده می نمایند؛ به خدا و روز دیگر ایمان می آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند؛ و در انجام دادن کارهای نیک، پیشی می گیرند؛ و آن ها از صالحانند.

این آیات شریفه ابتدا به صفات اعتقادی بندگان صالح می پردازد و سپس صفات رفتاری آنان را ذکر می کند

صفات اعتقادی شامل: ایمان به خدا و روز جزاست که از عمق وجود صالحان سرچشمه می گیرد.

صفات رفتاری نیز عبارتند از تلاوت آیات الهی در دل شب و خشوع و سجود در برابر پروردگار امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در امر خیر این ها از ایمان و اعتقاد صالحان گرفته می شود که هم چون میوه ای است از شجره طیبه که در درون شان ریشه دوانده است.

قرآن روح حق جویی و حقیقت طلبی صالحان را این گونه ترسیم فرموده است. در حقیقت نظام تربیتی، اسلام رفتار را از اعتقاد جدا نمی پندارد و این دورا به دنبال هم و در کنار هم ارزش می نهد. در حقیقت رفتار نیکو، از اعتقاد درست و ریشه ای ثابت و محکم خبر می دهد که در توفان حوادث تغییر نمی پذیرد. (1)

خداوند قرار گرفتن در زمره صالحان را ایمان به همراه عمل صالح بیان کرده،

ص: 67

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ)؛ (1)

کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام می دهند، آن ها را در زمره صالحان داخل خواهیم کرد.

عمل انسان حقیقت وجودی ایمان درونی را آشکار می کند و سعادت و شقاوت آدمی را رقم می زند. ایمان و عمل همچون دو بال، در پرواز انسان به سوی قرب الهی است که هر کدام به تنهایی قابلیت اوج گرفتن به کمال انسانی را فراهم نمی سازد.

حضرت خدیجه علیها السلام از جمله کسانی به شمار می آید که گویای صالحان در عصر رسالت نبی مکرم اسلام است و اسوه ای برای تمام عصر ها و نسل ها به شمار می آید گذری کوتاه و عمیق بر سیره ایشان در حوزه اعتقادات و رفتار، این نکته را نشان می دهد که شاخصه های اعتقادی و رفتاری ژرف اندیشانه این بانوی مکرم اسلام او را در زمره صالحان قرار داده است.

اصولاً هر کس می خواهد مصداق صالحان قرآنی باشد، باید تلاش کند تا این پنج ویژگی اعتقادی و رفتاری را داشته باشد:

1. ایمان به خدا و روز جزا؛

2. تلاوت آیات الهی در دل شب؛

3. خشوع و سجده در برابر پروردگار عالم؛

4. امر به معروف و نهی از منکر؛

5. سرعت در امر خیر.

سرعت در امر خیر که در آیه شریفه بیان شده سایه ای است بر تمامی شاخص های اعتقادی و رفتاری که طالبان قرب از همراهِان خود در ایمان و عمل صالح پیشی می گیرند. البته جهان هستی وسیع است و پیشی گرفتن هر کس، منوط به عقب ماندن دیگری نیست و همه می توانند در این میدان وارد شوند؛

ص: 68

ولی سرعت و سبقت یک جزء جدانشدنی دارد که آن سبک بودن و به دور بودن از تعلقات مادی است که حرکت را سرعت می بخشد حضرت خدیجه علیها السلام با ایمان و اعتقادی که در عمق وجودش راه یافته بود از هر گونه تعلق به دارایی و اموال بی شماری که سرمایه زندگی اش بود به دور بودند به همین سبب در پیشی گرفتن در خیرات در مرتبه عالی قرار داشتند.

سرعت گرفتن و سبقت در خیرات در قرآن

قرآن مجید در پنج آیه، مؤمنان را به مسارعت در خیرات و پیشی گرفتن از یک دیگر دعوت می کند و انجام دهندگان آن را از صالحان بر می شمارد:

1. همان گونه که گذشت در آیه 114 سوره آل عمران، در توصیف جمعی از مؤمنان راستین می فرماید: (وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ)؛ «آن ها کسانی هستند که در انجام دادن کارهای نیک بزرگ دیگر پیشی می گیرند و آن ها از صالحانند».

2. در سوره انبیاء آیه 90، در توصیف جمعی از پیامبران بزرگ مانند «زکریا» و «یحیی» می فرماید: (... إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ)؛ «آن ها در کارهای خیر به سرعت اقدام می کردند و بر دیگران پیشی می گرفتند».

3. در آیه 61 سوره مؤمنون در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است: (أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)؛ «آن ها که در کارهای نیک به سرعت اقدام می کنند و از دیگران پیشی می گیرند مشمول عنایت ما هستند».

در سوره مؤمنون آیات (57 - 61) ترسیم جالب و تنظیم کاملاً منطقی برای بیان صفات این گروه از مؤمنان پیشگام است:

(إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ؛ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ)؛

نخست از ترس آمیخته با احترام و تعظیم - که انگیزه ایمان به پروردگار و

نفی هر گونه شرک است- شروع می کند و به ایمان به معاد و دادگاه عدل خدا می انجامد که موجب احساس مسئولیت و انگیزه هر کار نیک است و مجموعاً چهار ویژگی و یک نتیجه را بیان می کند که همان سرعت گرفتن در خیرات است. (1)

4. در آیه 133 سوره آل عمران این مسأله به عنوان یک دستور عام خطاب به همه مؤمنان آمده است: (وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ)؛ «شتاب کنید و پیشی بگیرید برای رسیدن به آموزش پروردگارتان در رسیدن به بهشتی که وسعت آن به اندازه آسمان ها و زمین است که برای پرهیزکاران آماده شده است».

این آیه تلاش نیکوکاران را به یک مسابقه معنوی تشبیه کرده که آموزش الهی و نعمت های جاویدان بهشت، هدف نهایی آن است و می فرماید: (وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ)؛ «برای رسیدن به آموزش الهی بر یک دیگر سبقت بگیرید».

از آن جا که رسیدن به هر مقام معنوی، بدون آموزش و شست شوی از گناه ممکن نیست هدف این مسابقه معنوی در درجه اول مغفرت و دومین هدف آن بهشت است؛ بهشتی که وسعت آن پهنه آسمان ها و زمین است. در پایان آیه تصریح می کند: «این بهشت با آن عظمت برای پرهیزگاران آماده شده است. (2)

5. همین معنا در آیه 148 سوره بقره، با عنوان مسابقه در خیرات مطرح شده است: (فَاسْرِعُوا إِلَىٰ خَيْرَاتٍ)؛ «در نیکی ها و اعمال خیر بر یک دیگر سبقت جوید».

همان گونه که گذشت، حضرت خدیجه کبری علیها السلام گوی سبقت در خیرات را از دیگران ربود؛ او الگوی زنان مسلمان بود که در تمام عرصه های زندگی اش چونان صالحان اعتقاد داشت و چون صالحان رفتار می کرد و در طریق انسان صالح ثابت قدم بود.

ص: 70

1- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 14، ص 266

2- مکارم شیرازی، همان، ج 3، ص 92

سیره حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگامی و سبقت در خیرات

همسر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله گونه های فراوانی از سرعت در خیرات را در زندگی سراسر پربرکت خویش به نمایش گذاشته است: اولین زن مسلمان، اولین زن مدافع پیامبر، اولین بخشنده مالی به پیامبر اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر خلافت و جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله است

اولین زن مسلمان

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر با تماس هایی که با مسیحیان و اهل کتاب داشت اطلاعات وسیعی از کتاب های آسمانی و بشارت های صورت گرفته به ظهور پیامبر آخرالزمان به دست آورد و دریافت که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم کسی است که مهر نبوت را به همراه دارد؛ از این رو با کمال آگاهی و خردمندی به پیامبری او ایمان آورد

زهري گوید: «اول کسی که به رسول الله صلی الله علیه و آله ایمان آورد خدیجه بود. ابن شهاب نیز گوید: «حق سبحانه و تعالی قرآن را بر پیغمبر فرستاد و هدایت نمود و کسی غیر از خدیجه نزد پیامبر نبود» (1)

جبرئیل وحی الهی را بر قلب پیامبر صلی الله علیه و آله، چنین نازل کرد:

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ)؛

بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید همان کس که انسان را از خون بست های خلق کرد! (2)

نبی مکرم اسلام به منزل خدیجه علیها السلام وارد شدند و حضرت خدیجه علیها السلام در سیمای ایشان درخشندگی خاصی دید و از حضرت پرسید: (مَا هَذَا الثُّورُ؟)، فرمودند: (هَذَا نُورُ النَّبُوءَةِ قَوْلِي لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ)؛ «پیامبر خدیجه این نور رسالت است و بگو خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد

ص: 71

1- اربلی، کشف الغمة، ج 2، ص 76.

2- سوره علق، آیات 1 و 2

پیامبر خداست». (فَقَالَتْ طَالَمَا قَدْ عَرَفْتُ ذَلِكَ ثُمَّ أَسْلَمْتُ)؛ (1) خدیجه با تمام وجود یکتایی خدا و رسالت محمد را پذیرفت.

امیر مؤمنان در «خطبه قاصعه» می فرماید

روزی که رسول خدا به پیامبری رسید، نور اسلام به هیچ خانه ای وارد نشد جز به خانه پیامبر و خدیجه، و من سومین نفر آنان بودم که نور وحی و رسالت را می دیدم و عطر نبوت را استشمام می کردم. (2)

پیشتازی در نماز

خدیجه علیهما السلام نخستین زنی بود که به پیامبر اسلام ایمان آورد و نماز خواند و در امر اقامه نماز از پیشگامان این عرصه است:

(أَوَّلَ مَنْ صَلَّى مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بَعْدَ خَدِيجَةَ عَلِيٌّ وَقَالَ مَرَّةً أَسْلَمَ). (3)

ابن اثیر می نویسد:

تاجری به نام «عقیف» وارد مسجد الحرام شد و او از اجتماع و عبادت یک جمعیت سه نفری کاملاً در شگفتی ماند دید پیامبر با خدیجه و علی علیه السلام مشغول پرستش خدایند خدایی که مردم آن منطقه پرستش او را فراموش کرده و به «خدایان» پیوسته اند وی برای تحقیق با عموی پیامبر (عباس) ملاقات کرد و آن چه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید. وی گفت: «نفر نخست مدعی نبوت و پیامبری و آن زن همسر وی خدیجه و نفر سوم فرزند برادرم علی است». سپس افزود: «در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد، جز همین سه نفر»؛ «ما علمت علی ظهر الارض كلها علی هذا الذین غیر هولاء الثلاثة» (4)

خدیجه علیها السلام از نظر ایمان و عقیده به جایی رسید که خدا و پیامبر و ملائکه او را دوست داشتند و او را افضل زنان پیامبر و جزء برترین زنان عالم و جهان

ص: 72

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 18، ص 197

2- نهج البلاغه، 1379، خ 234

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 7

4- حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 115

معرفی می نمودند! پیامبر فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا مَرْيَمَ وَآسِيَةَ وَخَدِيجَةَ وَفَاطِمَةَ)؛ (1)

همانا خداوند از زنان چهار زن را برگزید که عبارتند از: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه.

خدیجه علیها السلام زنی است که پیامبر خدا، در حق او فرمودند:

(فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَبَاهِي بِكَ كَرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرًّا)؛ (2)

ای خدیجه! خداوند متعال هر روز به وجود تو چندین بار به ملائکه اش مباحثات می کند.

به گفته ابوسعید خدری، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی».

وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله که به زمین رسیدند سلام خدا و جبرئیل را ابلاغ نمود خدیجه گفت:

إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَ عَلِيٌّ جِبْرَائِيلُ السَّلَامُ. (3)

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای معرفی خویش و آگاه کردن سپاه دشمن به مادرش حضرت فاطمه علیها السلام و مادر بزرگ شایسته و فداکارش حضرت خدیجه علیها السلام اشاره نمودند و فرمودند:

«شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید که مادر من فاطمه زهرا علیها السلام دختر محمد مصطفی است؟!» گفتند: «آری» فرمود: «شما را به خدا قسم می دهم! آیا می دانید مادر بزرگ من خدیجه دختر خویلد، نخستین زنی است که اسلام را پذیرفت؟» گفتند «آری» (4)

ص: 73

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 2 / اربلی، كشف الغمة، ج 2، ص 71

2- مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 8.

3- بحرانی، البرهان في تفسير القرآن؛ ج 3 ص 493 اربلی، كشف الغمة، ج 2، ص 133؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج 16، ص 7 و ج 18 ص 385.

4- مجلسی، همان، ج 44، ص 318

آن حضرت در روز عاشورا، مادر بزرگش را با صفت ایمان و سبقت در اسلام معرفی می فرماید

این روایات پیام آور این نکته است که خدیجه علیها السلام جزء برترین زنان عالم و اولین کسی است که به خدا و رسولش به شایستگی ایمان آورد و در این مسیر تا سرحد کمال کوشش کرد این تلاش و باور اعتقادی که از جلوه های قرب الی الله، است قابلیت پیروی دارد

اولین مدافع پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول خدا در وصف خدیجه علیها السلام این چنین می فرماید:

والله که او به من ایمان آورد وقتی مردم کافر بودند و مرا جای داد وقتی مرا گذاشتند و مرا تصدیق کرد در وقتی که مردم قول مرا دروغ می پنداشتند و فرزندان از او روزی ام شد وقتی دیگران از ولد محروم بودند. (1)

تا یک ماه در صباح و رواح این را می فرمود. (2)

اولین حامی و مدافع رسول خدا ص خدیجه علیها السلام بود. آن هنگام که حضرت رسول صلی الله علیه و آله تنها و بی یاور بودند، حضرت خدیجه علیها السلام حامی، مدافع و یاور دلسوز نبی اکرم بود.

مجلسی می نویسد:

(كَانَتْ خَدِيجَةَ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ يَسْكُنُ إِلَيْهَا). (3)

خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا صلی الله علیه و آله و به وسیله یاری ها و حمایت ها و محبت های او آرامش و تسلی خاطر می یافت.

در سال ششم بعثت که پیامبر مأمور آشکار کردن رسالت خویش شدند در موسم حج بر بالای کوه صفا آمدند و با ندای بلند فرمودند: «ای مردم من

ص: 74

1- اربلی، کشف الغمة، ج 2، ص 79

2- نظیر این روایت را شیخ مفید نیز آورده است، (مَا أَبَدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ وَوَأَسَّتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ وَرَزَقَنِي اللَّهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَلَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا) مفید؛ 1413؛ ص 217.

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 19؛ ص 5.

رسول پروردگار عالمیان هستم». در این هنگام بت پرستان با چهره خشم آلود به او چشم دوختند و ابوجهل آن چنان سنگ به سوی آن حضرت انداخت که سر حضرت شکافت و سایر مشرکان نیز به دنبال ابوجهل آن حضرت را سنگ باران نمودند. خدیجه علیها السلام خود را به حضرت رساند و خون را از سر و صورت حضرت پاک نمود و او را دلداری داد. (1)

اولین بخشنده مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله

خدیجه تمام ثروت خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت تا در راه توحید و اعتلای کلمه حق مصرف گردد خانه ای که اطراف آن ها را کرسی های عاج نشان و صدف نشان پر کرده و حریرهای هند و پرده های زربفت ایران آرایش داده بود، بالاخره پناهگاه مسلمانان شد! حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله همه اموالش را قبل از اسلام و بعد از آن در اختیار پیامبر گذاشت تا آن حضرت هر گونه خواستند آن را در راه خدا به مصرف برسانند، به گونه ای که پیامبر بی نیاز شد خداوند در مقام بیان نعمت های خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ (2) «خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود».

تفسیرهای عامه و خاصه و روایات اهل بیت علیهم السلام، تصریح کرده اند که مراد از «بی نیاز ساختن پیامبر»، مال و بخشش خدیجه علیها السلام بود که همه را در طبق اخلاص گذاشت و برای پیشرفت دین مبین اسلام در اختیار پیامبر قرار داد.

فرات کوفی در تفسیر با استناد به کلامی از ابن عباس، خدیجه علیها السلام را عامل غنای پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته است:

عن ابن عباس رضی الله عنه: «و وجدك عائلا فاغنى بخديجه». (3)

برخی از مفسران (4) بی نیازی را اقتصادی دانسته اند؛ اما کلی بودن آیه و کلام

ص: 75

1- مجلسی، همان ص 5 و 8

2- سوره ضحی، آیه 8

3- فرات کوفی، تفسیر فرات الکوفی، حدیث 730

4- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج 4، ص 768 و طباطبایی، المیزان فی تفسیر

القرآن، ج 20، ص 311

امام رضا علیه السلام که فرمودند: (1) «خداوند با مستجاب نمودن دعای حضرت، ایشان را بی نیاز نمود». حضرت خدیجه علیها السلام را می توان عاملی بشری، انسانی و مادی برای فراهم نمودن بستر بی نیاز ساختن معنوی و مادی حضرت دانست

قرطبی نیز در تفسیر این آیه می نویسد:

شما را به واسطه خدیجه - رضی الله عنها- بی نیاز نمود. (2)

در جریان محاصره سه ساله پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در شعب ابوطالب یکی از عوامل پایداری و استقامت حضرت و مردم با ایمان بخشندگی و بزرگ منشی و سخاوت جناب ابوطالب و جهاد مالی خدیجه بود که گفته اند:

و من انفق ابوطالب و خدیجه جميع مالهما؛ (3)

ابوطالب و خدیجه برای نجات مردم همه ثروت و امکانات شان را در این راه خرج کردند.

بر این اساس، در تاریخ آمده است:

کفاها شرفا فوق شرفان الاسلام لم یقم الا بمالها وسیف علی بن ابی طالب؛ (4)

همین افتخار و شرافت برای خدیجه بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه و شمشیر علی.

ریشه این حوادث را باید در تاریخ زندگانی خدیجه جست و جو نمود. بی شک این نوع گذشت و فداکاری تا ریشه ثابت و پاک معنوی نداشته باشد، صورت نمی پذیرد در زیارت نامه حضرت می خوانیم:

السلام علیک یا من انفقت ماله فی نصره سید الانبیاء و نصرته ما استطاعت و دافعت عنه الاعداء؛

ص: 76

1- فیض کاشانی، تفسیر الصافی ج 4، ص 242..

2- قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج 20، ص 72، ابوالفتوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج 12، ص 115، طبرسی، 1372، ج 10، ص 506.

3- مجلسی، بحار الأنوار، ج 19، ص 16.

4- مامقانی، تنقیح المقال من فضل النساء، ج 3، ص 77

سلام بر تو ای کسی که ثروتش را در راه یاری سرور پیامبران ایشار کرد و آن حضرت را تا آخرین توان خود حمایت نمود و از گزند دشمنانش محافظت کرد.

اولین بیعت کننده با امام علی علیه السلام در امر ولایت و خلافت

تواضع و ولایت مداری حضرت خدیجه علیها السلام نیز از او الگویی نمونه از صالحان را به وجود آورده است.

حضرت علی علیه السلام در دامان رسول اکرم پرورش یافتند و در خانه خدیجه علیها السلام رشد کردند خدیجه علیها السلام از همان سال های اولیه، دعوت، با شناخت مقام والای امام علی علیه السلام با ابلاغ ولایت از جانب خداوند و پیشنهاد پیامبر ولایت و امامت ایشان را پذیرفت:

(يا خَدِيجَةُ هَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي قَالَتْ صَدَقْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَايَعْتُهُ عَلِيٌّ مَا قُلْتَ أَشَدَّ هِدَى اللَّهُ وَأَشَدَّ هِدْكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً عَلِيماً)؛

ای خدیجه! این علی مولاى تو و مولاى مؤمنان و امام ایشان بعد از من است. خدیجه امام علی علیه السلام را به عنوان جانشین و خلیفه بعد از پیامبر پذیرفتند و بیعت کردند

بدین سان خدیجه علیها السلام که خود از پیشگامان ایمان به خدا و رسول بود ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام را با جان و دل پذیرفت و این از روحیه ولایت مداری و تواضع این بانوی بزرگوار است. (1)

عقیف و حافظ خود و اموال در غیبت همسر

همسر گرامی رسول خدا نمونه بارز «زنان صالح» در آیه ذیل است:

(....فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ... (2)).

ص: 77

1- ابن طاووس، طرف من الأنباء والمناقب، ج 4، ص 6 و مجلسی، بحار الأنوار، ج 18، ص 232 و 233.

2- سوره نساء، آیه 24.

اطاعت پذیری از همسر تحمل تمام شداید و سختی ها، تبعیدها، تهدیدها و محاصره های سیاسی و اقتصادی آن، دوره نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام صبور، قانت فرمان بردار و «حافظات للغیب» بودند. زمان غیبت حضرت که بر امورات، تجارت، عبادت و برنامه های رسالت می پرداختند حضرت خدیجه علیها السلام با درک موقعیت مهم و حساس همسرش، با ایشان همراهی می کرد و ماندن در خانه را بر خارج شدن از خانه ترجیح می داد و در روزگار سختی شکیباترین و پر تحمل ترین مددکار پیامبر خدا بود و با روحیه بخشیدن به پیامبر صلی الله علیه و آله و در اختیار گذاشتن مال خود همواره به عنوان بهترین شریک و مشاور و پشتیبان پیامبر در کنار ابوطالب قرار داشت بدین سبب، سال وفات حضرت ابوطالب و حضرت خدیجه را «عام الحزن» (سال حزن و اندوه) پیامبر نامیدند.

واژه «طاهره» به معنای پاک منش از برجسته ترین لقب های دختر فرزانه حجاز است؛ زیرا آن حضرت با آن که در میان ناز و نعمت و اعتبار خانوادگی زندگی می کرد این امکانات هرگز نتوانست آن جوان پاک منش را دست خوش غفلت و یا سستی کند تا آن جا که در کتب تاریخی آمده است: «و كانت في الجاهلية الطاهرة؛ خدیجه علیها السلام در روزگار تیره و تاریک جاهلیت نیز پاک روش و پاک منش یا طاهره بود» (1)

پیامبر به امر الهی چهل روز قبل از تشکیل نطفه فرزندش حضرت فاطمه علیها السلام در محراب عبادت بودند و از خانه و همسرش دور حضرت خدیجه علیها السلام در خانه تنها بود ولی از منزل خارج نشد. نوشته اند این بانو سر خود را می پوشاند و پرده در را می انداخت و در خانه را می بست. (2)

این بانوی گرامی با آن که قبل از آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله مدیریت یک سازمان بزرگ اقتصادی را بر عهده داشت و مردان بی شماری در تشکیلات او

ص: 78

-
- 1- الحسون، اعلام النساء المومنات، ج 1، ص 326.
 - 2- حلی، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، ص 219.

بودند به قدر ضرورت با آنان برخورد نمی کرد و دامان عفاف را حفظ می کرد در شب نشینی های گناه آلود اشراف شرکت نجست و خود را آلوده نساخت و به هیچ وجه روش منحط جامعه را نپذیرفت و ذره ای به فرهنگ و رسوم رایج آن زمان دل نداد هر گاه زنی یا دختری به دنبال کمال و معنویت بود، به سرای او می شتافت و از وی درس می آموخت. یکی از دانشمندان اهل سنت در مورد حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد: «وَ كَانَتْ تُدْعَى فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عِفَافِهَا» (1)

این گونه خدیجه علیها السلام در روزگار تیره و تاریک جاهلیت به سبب پروا و معنویت بسیار، پاک روش و پاک منش یا طاهره خوانده می شود.

خلود در بهشت

جاودانه بودن در بهشت، از جمله ویژگی صالحان است که قرآن کریم بشارت داده است:

(وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا)؛ (2) و هم چنین کسانی که عمل صالح به جا آورند و با ایمان باشند اعم از مرد و زن آن ها وارد بهشت خواهند شد و کم ترین ستمی به آن ها نمی شود.

(وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا)؛ (3)

آن ها که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، به زودی در باغ هایی از بهشت وارد می شوند که نهرها از زیر درختان آن می گذرد این نعمت ها همانند نعمت های این دنیا زودگذر و ناپایدار نیست، بلکه مؤمنان برای همیشه در آن ها خواهند ماند. این وعده همانند وعده های دروغین شیطان

ص: 79

1- قسطلانی، المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه، ج 1، ص 116

2- سوره نساء، آیه 124

3- سوره نساء آیه 122

نیست، بلکه وعده ای است حقیقی و از ناحیه خداوند است. بدیهی است هیچ کس نمی تواند صادق تر از خدا و وعده هایش و سخنانش باشد؛ زیرا تخلف از وعده یا به خاطر ناتوانی است یا جهل و نیاز که تمام این ها از ساحت مقدس او دور است. (1)

آری به راستی که سرانجام نیک و خیر در انتظار صالحان است؛ کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند چه زن باشند و چه مرد. دیگر وابستگی های دنیوی و نژادی هم در این امر دخیل نیست، تنها آن چه انسان را انسانیت بخشید و تقرب به خدا جوید ایمان و عمل صالح است، ایمان و عمل بر مبنا و دستوره های مکتب توحیدی به انسان جاودانگی در بهشت را می بخشد.

بشارت جبرئیل حضرت خدیجه علیها السلام را به بهشت

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای رسول خدا! این خدیجه است! هر گاه نزد تو آمد بر او از سوی پروردگارش از طرف من سلام برسان و او را به خانه ای از یک قطعه (از زبرجد) در بهشت که در آن رنج و ناراحتی نیست، مژده بده!»

حضرت خدیجه علیها السلام از صالحانی است که در پیشگاه خداوند این چنین عظمتی دارد که بشارت در بهشت داده می شود و جبرئیل سلام رسان او از طرف خداوند می گردد.

نتیجه

مهم ترین ویژگی صالحان صفات اعتقادی و رفتاری است. این دو ویژگی، مهم ترین شاخصه های شایستگیان به شمار می آید این دو صفت، در واقع رکن اساسی صالحان از دیدگاه قرآن است. این صفات اعتقادی، ایمان به خدا و

ص: 80

ایمان به روز جزاء است که در عمق صالحان ریشه دارد

صفات رفتاری و گفتاری مانند تلاوت آیات الهی خشوع و سجود در برابر، پروردگار امر به معروف و نهی از منکر، سرعت در خیرات و بشارت به بهشت از دیگر ویژگی های صالحان است. از این رو در می یابیم که قرآن، ویژگی صالحان را به صورت کامل و جامع بیان فرموده و می توانیم با عنایت و تدبیر در قرآن و روایات به ویژگی انسان های صالح دست یابیم.

حضرت خدیجه علیها السلام از صالحانی بود که با این صفات و ویژگی ها شناخته شده است. در حقیقت صفات رفتاری این بانوی با کرامت در اجتماع انسانی و اخلاقی زبانزد عام و خاص بود این ثبات و دوام رفتاری در این که راه درست را پیموده از نظرها دور نمانده و حضرت را جزء صالحان قرار داده و او را ملقب به این القاب کرده است.

حضرت خدیجه علیها السلام بانویی بزرگوار و یار و مددکار نبی مکرم اسلام بود و نهال اسلام با فداکاری های او آبیاری شد. او جز خدمت به اسلام و اعتقاد خالص به خدا و رسولش هدفی نداشت؛ اولین کسی بود که به رسول خدا ایمان آورد و در کنار او نماز را اقامه کرد اولین مدافع دین خدا و رسول خدا بود و در این مسیر هر چه داشت دریغ نکرد در واقع حضرت خدیجه علیها السلام سیمای ترسیم شده انسان صالح در قرآن و الگویی بارز و مصداق انسان صالح برای تمامی انسان هاست.

ص: 81

1. ابن اثير، عزالدين، اسد الغابه، بيروت، انتشارات دار الفكر، 1409 ق.
2. ابن طاووس، على بن موسى، طرف من الأنباء و المناقب، مشهد، تاسوعا، 1420 ق .
3. ابن هشام محمد عبدالملك، سيره ابن هشام، مصر، شركه الحلبي 1355ق.
4. ابوالفتوح رازى حسين بن على، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، چاپ اول مشهد بنياد پژوهش های اسلامى آستان قدس رضوى، 1408 ق.
5. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمة، ترجمه و شرح زواره اى، تهران، انتشارات إسلامية، 1382 ش.
6. امين سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات، 1403ق.
7. آلوسى، سيد محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم و السبع المثاني بيروت دار الكتب العلمية، 1415 ق.
8. بحرانى، سيد هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، قم، مؤسسه بعثه، 1374 ش.
9. بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، بيروت، دار الاحياء التراث العربي، 1309 ق .
10. حسكاني، عبیدالله بن عبد الله ، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل تهران التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامي مجمع إحياء الثقافة الإسلامية ، 1411ق.
11. الحسنون ، محمد، اعلام النساء المومنات، بی جا، انتشارات اسوه، 1411 ق.
12. حلى رضی الدين على بن يوسف بن المطهر، العدد القوية لدفع المخاوف اليومية، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى، 1408 ق.
13. ذهبى شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ، سير اعلام النبلاء، بيروت، مؤسسه الرساله ، 1401 ق.
14. زمخشري، محمود، الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في

وجوه التأويل، بيروت، دار الكتاب العربي، 1407 ق .

15. طباطبائي، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامي جامعه مدرسين حوزه علميه قم، 1417 ق.

16. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1420 ق.

17. فرات، كوفي فرات بن ابراهيم تفسير فرات الكوفي، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامي، 1410 ق.

18. فيض كاشاني، ملا محسن، تفسير الصافي، تهران، انتشارات الصدر، 1415 ق.

19. قرطبي محمد بن احمد الجامع لأحكام القرآن، چاپ اول، تهران، انتشارات ناصر خسرو، 1364 ش.

20. قسطلاني، محمد، المواهب اللدنيه بالمنح المحمديه، بيروت، دار الكتب العلميه 1416 ق.

21. مامقاني، عبد الله، تنقيح المقال من فضل النساء، نجف، بي تا.

22. مجلسي، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بيروت، دار إحياء التراث العربي، 1403 ق .

23. محلاتي، ذبيح الله، رياحين الشريعة، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1404 ق.

24. مصطفوي، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، بيروت، دار الكتب العلميه، مركز نشر آثار علامه مصطفوي، 1430 ق .

25. مفيد، محمد بن محمد الإفصاح في الإمامه، قم، كنگره شيخ مفيد، 1413 ق.

26. مكارم شيرازي، ناصر، تفسير نمونه، تهران، تهيه و تنظيم احمد علي بابايي 1386 ش.

27. نيشابوري، اسماعيل بن احمد، وجوه القرآن، مشهد، مجمع البحوث الاسلاميه، 1380 ش.

معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پورفرد، شایسته غلامعلی دهکردی

*معیارهای الهی در ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام: امیرحسین بانکی پورفرد، شایسته غلامعلی دهکردی (1) (2)

چکیده

امروزه به دلیل بی توجهی به معیارهای الهی، شرایط ازدواج برای بخش زیادی از جوانان سخت گردیده و از طرفی آمار طلاق و نارضایتی خانوادگی روز به روز افزایش یافته است. با توجه به آن که، اسلام تمام نیازهای بشر را پاسخ می گوید، مسأله این تحقیق آن است که، اسلام چه معیارهایی را در ازدواج تأکید و تأیید می کند و در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام به آن توجه شده است. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و ابزار کتابخانه ای با استفاده از قرآن کریم و منابع روایی و تاریخی روشن می سازد که آرامش، انواع کفویت ایمان، تقوا، اخلاق مهربانی، امانت پاکی و پاک دامنی قوت فرمان برداری و اصالت، خانوادگی از معیارهای اساسی ازدواج هستند و تمکن مالی، دوشیزگی و سن شناسنامه ای از معیارهای عرفی به شمار می آیند که مدنظر اسلام نیست

واژگان کلیدی

ازدواج، معیارهای ازدواج، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، خانواده

ص: 84

1- عضو هیأت علمی دانشکده اهل البیت علیهم السلام دانشگاه اصفهان a.bankipoor@ahl.ui.ac.ir

2- کارشناس ارشد دانشکده اهل البیت علیهم السلام دانشگاه اصفهان shgdehkordi@gmail.com

ازدواج که مرحله ای از زندگی دنیوی به شمار می آید، قراردادی مشروع در شریعت اسلام است که دو فرد نا هم جنس و معمولاً بالغ را به هم پیوند می زند و برقراری ارتباط جنسی دائم یا موقت را میان آنان مجاز می گرداند.

دین اسلام که برای تمامی ابعاد زندگی انسان برنامه ریزی داشته توصیه ها و دستورالعمل هایی را در انتخاب همسر و تشکیل خانواده بیان نموده است. پیوند ازدواج در منابع دینی امر مقدسی شمرده شده و آن را عامل به آرامش رسیدن انسان ها دانسته اند که نشانه حکمت و رحمت خداوندی است؛ لذا خداوند به انسان ها اجازه داده تا با اختیار کامل در چارچوب، الهی همسر و همراه خود را در پیمودن ادامه زندگی خود انتخاب نمایند؛ حال آن که این اختیار در بدو تولد انسان برای انتخاب پدر و مادر وجود نداشته است پس این انتخاب باید به گونه ای باشد که تضمین کننده سعادت و خوشبختی دنیوی و نیز اخروی فرد باشد.

ازدواج امر پسندیده ای است که با طبیعت، فطرت، شرع و عقل مطابقت دارد؛ ازدواج امری است مقدس، حافظ بقای نسل و پاکی نسل، نشاط بخش، از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و نشانه خداست. برای دست یافتن به هدف ازدواج که طبق قرآن رسیدن به آرامش است فرد باید همسری را انتخاب کند تا او را در رسیدن به آن هدف یاری دهد پس برای انتخاب چنین همسری باید معیارهایی را در نظر گرفت؛ از قبیل، اعتقاد اخلاق فرهنگ و ظاهر تا انسان را در انتخاب درست و مناسب یاری دهد.

این انتخاب می تواند با معیارهای الهی و یا معیارهای مادی صورت پذیرد. طبعاً هر گاه دختر و پسر با معیارهای الهی ازدواج نمایند و طبق دستورالعمل دینی، زندگی را ادامه دهند از حکمت ها و عنایت هایی بهره مند خواهند شد که خداوند در پرتو چنین ازدواجی وعده داده است بنابراین باید تمایزی بین این دو دسته از معیارهای مادی و الهی قرار داد تا بهره بهتر از ازدواج به دست آورد.

یکی از دلایلی که ازدواج‌ها در جامعه کنونی بعضاً به شکست انجامیده و رضایت زوج را به دنبال نداشته و بی‌ رغبتی در جوانان به ازدواج را در پی داشته پیشی گرفتن معیارهای مادی بر معیارهای الهی است. در این مقاله با الگو گرفتن از ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام و انطباق آن با معیارهای الهی برگرفته از آیات و روایات به بازشناسی این معیارها پرداخته می‌شود.

در این نوشتار ابتدا معیارهایی که از آیات قرآن به دست می‌آید و سپس معیارهای برآمده از روایات با ازدواج مذکور مقایسه می‌شود و نهایتاً معیارهای عرفی تبیین می‌گردد که شرع آن‌ها را تأیید نمی‌کند باشد که با تأسی به سنت اسلامی، معیارهای درست جایگزین معیارهای غلط گردد

معیارهای ازدواج از نگاه قرآن

قرآن خود را (تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ) (1) معرفی نموده و قدر متیقن برداشت از این آیه، آن است که هر آن چه برای هدایت و سعادت انسان لازم است، در قرآن کریم بیان گردیده؛ لذا قطعاً ازدواج را که در منابع دینی به آن تأکید شده و از اموری است که در هدایت بشر تأثیر بسزا دارد در نظر داشته و معیارهایی برای انتخاب همسر و روابط میان آن‌ها بیان نموده است. در ذیل به بعضی از آیات مرتبط با ازدواج اشاره می‌شود و معیارهای برخاسته از آن با ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام مقایسه می‌گردد:

1. آرامش: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ)؛ (2)
«یکی از آیات الهی آن است که جفتی برای شما از جنس خودتان بیافرید که در کنار او آرامش یابید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود همانا در این امر برای مردم با خرد و

ص: 86

1- سوره نحل، آیه 98

2- سوره روم، آیه 12

خداوند در این آیه آفرینش همسر را از نشانه‌های خود معرفی می‌فرماید که انسان در کنار آن به آرامش لازم می‌رسد و هدف ازدواج و تشکیل خانواده را، رسیدن به آرامش می‌داند خانواده در اسلام، محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو فرد و محل انس افراد با یک دیگر است؛ بنابراین، آدمی کسی را باید همسر در نظر گیرد که او را به آرامش برساند آرامشی که در سایه آن انسان بتواند توانمندی‌ها و استعدادهایی را بشناسد که خداوند در وجودش به امانت نهاده و از آن‌ها در پیمودن این مسیر استفاده نماید وجود پیامبر صلی الله علیه و اله در کنار حضرت خدیجه علیها السلام، آرامشی به ایشان ارزانی داشت که به واسطه آن امانت و رسالتی را که خداوند بر عهده ایشان نهاده بود در اوایل بعثت با حداقل پیروان به طور احسن ادا کند؛ آرامشی که نشان از هماهنگی ساختار فکری، روحی و اعتقادی هر یک از آن‌ها بود «حضرت خدیجه علیها السلام یاور راستین اسلام بود و پیامبر صلی الله علیه و اله با وجودش احساس آرامش می‌نمود». (1)

2. بکتاپرست: (وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ ۚ وَ لِأُمَّةٍ مُّؤْمِنَةٍ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا ۚ وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ ۚ وَ لَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۗ وَ اللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ ۗ وَ يُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ). (2)

«با زنان مشرک ازدواج م کنید، مگر آن که ایمان آرند و همانا کنیزی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است، هر چند از حسن او به شگفت آید؛ و زن به مشرکان ندهید مگر آن که ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از مال و جمالش به شگفت آید. مشرکان شما را به آتش جهنم خوانند و خداوند به بهشت و مغفرت خود می‌خواند. خداوند برای مردم آیات خویش را بیان می‌فرماید؛ باشد که هشیار و متذکر گردند.

مسأله کفویت اعتقادی یکی از مهم‌ترین مسائلی است که باید در انتخاب

ص: 87

1- بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 18

2- سوره بقره، آیه 122

همسر بدان توجه داشت این کفویت به طور خاص در رابطه با زن موضوعیت می یابد. می یابد. این مسأله آن قدر مهم است که خداوند متعال در قرآن کریم بدان اشاره و تأکید دارد ازدواج زن و مرد، مقدمه ازدواج فکری و اخلاقی می گردد و نتایج این ازدواج در نسل و خانواده منعکس می شود. (1)

فرد دین دار زندگی خود را حول محور دین تعریف می کند و به تناسب درجه اعتقاد و پای بندی به دین و اخلاق مختصات زندگی خود را معین می سازد. این ها شاخصه هایی بود که پیامبر صلی الله علیه و اله در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام در نظر داشتند؛ زیرا خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که اسلام آورد و بعد از پیامبر صلی الله علیه و اله نماز گزارد. پیامبر صلی الله علیه و اله درباره وی فرمود:

او آن گاه به من ایمان آورد که تمامی مردم کافر بودند؛ آن گاه مرا پناه داد که تمامی مردم مرا رانده بودند؛ آن گاه مرا تصدیق نمود که تماماً مرا تکذیب می نمودند و هنگامی مرا روزی داد که همگی مرا محروم ساختند. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام نیز مشرک نبود و در دوره جاهلیت، به وی «طاهره» می گفتند. (3) طاهره به معنای پاک منشی است و می توان فهمید که آن، بزرگوار از یکی از ادیان الهی پیروی می کردند و به این موضوع تا حدی پای بند بودند که در میان مردم غوطه ور در فساد و بی بند و باری آن دوره، به «طاهره» ملقب شدند. او از کسانی بود که انتظار پیامبر جدید را می کشید و از ورقه بن نوفل که از دانشمندان و پسر عموی وی بود و نیز از دیگر علما، جوایب نشانه نبوت می شد. بر اساس روایات حضرت محمد صلی الله علیه و اله به حضرت خدیجه علیها السلام به جهت عقیده و اعتقاد او به توحید بوده است. (4)

3. کفویت اجتماعی: (قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبْتَهُ لُجَّةً وَ كَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ

ص: 88

1- طالقانی پرتویی از قرآن، ج 2، ص 131

2- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 21.

3- ابن اثیر، اسد الغابة، ج 5، ص 434؛ عسقلانی، الإصابة في تمييز الصحابة، ج 4، ص 182.

4- قمی، منتهی الأمال، ج 2، ص 75.

رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ أَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (1) «بلقیس را گفتند که در این قصر داخل شووی چون قصر را مشاهده کرد پنداشت که نهر آبی است و جامه از ساق پا برگرفت سلیمان گفت: «این قصری است از آنگینه صاف» بلقیس گفت: «بارالها سخت بر نفس خویش ستم کردم و اینک با سلیمان، تسلیم پروردگار عالمیان گردیدم».

از داستان هایی که خداوند در قرآن کریم برای پند آموزی بیان فرموده، داستان حضرت سلیمان علیه السلام و نعمت ملک عظیمی است که به او عطا فرمود در این داستان توصیف مالکیت او و نیز دعوت هایی بیان شده که برای اسلام آوردن مردم از فرمانروایان تمام سرزمین ها انجام داده است یکی از این فرمانروایان زنی سیاست مدار به نام بلقیس بود. این آیه از سوره نمل، بیان گر چگونگی دعوت او و نیز معجزاتی است که حضرت سلیمان علیه السلام برای اطمینان او در صداقت دعوی خویش آورده.

آلوسی در ذیل این آیه می آورد:

وقتی بلقیس ایمان آورد سلیمان به او گفت: «یکی از مردان قومت را انتخاب کن تا او را به ازدواج تو درآورم». بلقیس گفت: «آیا فردی مانند من با این مردان ازدواج کند در حالی که من دارای سلطنت و حکومت و... هستم؟» سلیمان دلیل بلقیس را پذیرفت و او را به همسری حاکم همدان درآورد. برخی گویند که بلقیس به همسری سلیمان درآمد و این مشهور است. (2)

بنابر روایت مذکور استدلال بلقیس و تأیید سلیمان به این مطلب رهنمون می سازد که در امر ازدواج، مرد باید از لحاظ موقعیت اجتماعی در حد زن باشد؛ زیرا اگر زن دارای موقعیت اجتماعی بالاتر باشد، یک نوع خلأ در مرد ایجاد می شود و نمی تواند جایگاه قومیت و ولایت خودش را برزن، درست اعمال کند و این خود زمینه تنش در خانواده را ایجاد می کند پس باید مرد از لحاظ

ص: 89

1- سوره نمل، آیه 44

2- آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج 1، ص 402.

اجتماعی کفوزن باشد.

خدیدجه علیها السلام بانویی خردمند دوراندیش و شرافتمند بود و از نظر نسب از زنان قریش برتر (1) او در اثر داشتن امتیازات اخلاقی و اجتماعی متعدد «سیده قریش» (2) نامیده می شد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز به «امین» معروف بودند و درست کاری و امانت وی شهره عام و خاص بود. ایشان موقعیت خانوادگی ممتازی داشتند و ابوطالب بزرگ، قریش عمو و سرپرست ایشان بود ابوطالب در خطبه عقد در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید

بدانید که پسر برادرم محمد بن عبدالله را به هیچ یک از قریش نمی سنجند، مگر آن که او زیادتی می کند و هیچ مردی، مردی را با او قیاس نکند، مگر آن که او عظیم تر است و او را در میان خلق، عدیل و نظیر نیست. (3)

این ویژگی ها از هماهنگی و توازن موقعیت اجتماعی آن دو خبر می دهد.

4. پاک و پاک دامن: (الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ)؛ (4) «زنان ناپاک از آن مردان ناپاک و مردان ناپاک از آن زنان ناپاک و زنان پاک از آن مردان پاک و مردان پاک از آن زنان پاک اینان از آن چه ناپاکان به آنان نسبت می دهند، مبرا هستند و برای آنان آمرزش الهی و روزی پر ارزشی است».

در این آیه، دو صفت «طیب» و «خبیث» برای زنان پاک و ناپاک آورده شده که رهنمونی است بر این که اعمال پاک از پاکان و اعمال ناپاک از ناپاکان است؛ پس می توان گفت اعمال ارتباط مستقیم با طینت و درون انسان دارند. پاکی و پاک دامنی هر یک از زن و مرد نیز نوعی کفویت را می رساند. در این امر نیز

ص: 90

-
- 1- ابن هشام، السیرة النبویة، ج 1، ص 002 - 102؛ بیهقی، دلائل النبوة، ج 1، ص 512؛ ابن اثیر اسد الغابة، ج 2، ص 93.
 - 2- حلبی، السیرة الحلبیة، ج 1، ص 422
 - 3- قمی، منتهی الآمال، ص 101 - 201
 - 4- سوره نور، آیه 62

حضرت خدیجه علیها السلام، زنی پاک دامن و عفیف بود و پیوسته دنبال شوهری متقی و پرهیزکار می گشت. (1) هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و مردی پاک و پارسا بودند.

5. تناسب جسمی و جنسی: (بِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَانْتَبُوا لِلَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَا قُوَّةٍ وَبَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ)؛ (2) «زنان شما محل بذرافشانی شمايند؛ پس هر زمان که بخواهید می توانید با آن ها آمیزش کنید و با پرورش فرزندان، صالح اثر نیکی از پیش برای خود بفرستید و از خدا بترسید و بدانید او را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان بشارت ده!»

تناسب جسمی و جنسی در این آیه بین زن و مرد گویای این امر است که خداوند در این آیه زن را به کشت زاری تشبیه فرموده که قابلیت بارور نمودن دارد و زمینه ایجاد و رشد فرزندان و نسل انسان می گردد. تناسب بین زارع و زمین زراعت، نشان از آن دارد که اگر این هماهنگی باشد محصول مفید و وافر به وجود می آید، ولی ناتوانی زارع و یا عدم قابلیت زمین برای زراعت، جواب گوی چنین زرعی نیست پس هماهنگی بین این دو برای رسیدن به آن هدف لازم است.

هماهنگی بین زن و شوهر در برآوردن نیازهای جسمی و جنسی یک دیگر برای این امر ضروری است تا بتوانند نسلی سالم تربیت کنند و بذرهای زندگی را از وجود خویشتن بارور نمایند. این هماهنگی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام وجود داشت ثمره این ازدواج میمون و پر عاطفه و محبت شش عالم فرزند بود که به ترتیب سن عبارتند از: قاسم که آن حضرت را به سبب این نام ابوالقاسم گویند؛ رقیه زینب و ام کلثوم پیش از بعثت و عبدالله که طیب و طاهر هموست؛ چه در زمان اسلام ولادت یافت و فاطمه علیها السلام پس از بعثت متولد شدند. (3) این هماهنگی آن قدر بود که در آن زمان که چند همسری امر متداولی، بود پیامبر صلی الله علیه و آله در طول 25 سال زندگی مشترک همسر دیگری نگرفتند.

ص: 91

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص 8.

2- سوره بقره، آیه 322

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 881؛ ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 2

6: قوی و امین: (وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْكُنُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يَصِيرَ الرِّعَاءُ وَأَبْوُنَا سَاحِبٌ كَبِيرٌ. فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ. فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا. قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ...); (1) «و هنگامی که به چاه آب مدین، رسید گروهی از مردم را در آن جا دید که چارپایان خود را آب می دهند و در کنار آنان دوزن را دید که گوسفندان خویش را از چاه دور نگاه می دارند. موسی به آن دو گفت: منظور شما از این کار چیست؟» گفتند: «ما آن ها را آب نمی دهیم تا چوپانان همگی خارج شوند و پدر ما پیر کهن سالی است.» موسی برای آن دو آب کشید و زیر سایه ای رفت و گفت: «پروردگارا من بدان چه از خیر بر من نازل می کنی نیازمندم در این هنگام یکی از آن دو دختر به سراغ او آمد، در حالی که با نهایت حیا گام بر می داشت. گفت: «پدرم از تو دعوت می کند تا مزد آب دادن گوسفندان را که برای ما انجام دادی به تو بپردازد...» یکی از آن دو دختر گفت: «ای پدر او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی آن کس است که نیرومند و درستکار باشد...» شعیب گفت: «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم...»

در این آیه داستان آشنایی دختران شعیب و حضرت موسی علیه السلام بیان شده که این آشنایی، مقدمه و زمینه ازدواج یکی از آن دختران با حضرت موسی علیه السلام شده فحوای داستان نشان می دهد که پیشنهاد ازدواج از ناحیه دختر شعیب به صورت غیر مستقیم با توصیف حضرت موسی علیه السلام به دو صفت قوی و امین در پیش پدر رخ داده است. این پیشنهاد در کمال حیا مطرح شد؛ لذا شعیب، پیشنهاد ازدواج دخترش را با موسی مطرح نمود قوت و امانت، دو معیار سنجیده برای زن در انتخاب همسر است؛ زیرا می خواهد به شوهری تکیه کند

ص: 92

که هم قوی باشد و هم قابل اعتماد و امین.

در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام نیز چنین شباهتی وجود داشت. خدیجه علیها السلام با دیدن قوت پیامبر صلی الله علیه و اله در اداره کاروان تجاری و امانت داری حضرت به وی متمایل گشت. گزارش میسر غلام خدیجه صلی الله علیه و اله به وی از مکارم اخلاقی و امانت داری در تجارت و صداقت و درست کاری پیامبر صلی الله علیه و اله، توجه خدیجه علیها السلام را به خود جلب کرد (1) و با فرستادن کنیزش غیر مستقیم آمادگی خود را اعلام نمود. خدیجه علیها السلام کنیزک خود را به نام نفیسه به سوی حضرت فرستاد تا سؤال کند از این که چرا ازدواج نمی کند. حضرت پاسخ آن را عدم تمکن برای ازدواج خواند نفیسه بیان داشت: «که اگر در این زمینه کفایت شود، ازدواج می کنید؟» حضرت از آن فرد پرسش می نماید و او نام خدیجه علیها السلام را بیان می کند. (2)

7. محافظ همسر: (هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ)؛ (3) «آن ها لباس شما هستند و شما لباس آن هایید».

لباس دارای ویژگی هایی است که از آن ها می توان خصوصیات همسر متناسب را دریافت لباس باید در طرح رنگ و جنس، مناسب انسان باشد. همسر نیز باید کفو انسان متناسب با فکر فرهنگ و شخصیت او باشد. زن و شوهر که حکم لباس برای یک دیگر را دارند باید از لحاظ فرهنگ خانوادگی و شخصیت اجتماعی هم شأن باشند باید انسان در لباس احساس راحتی کند و لباس محافظ او باشد همسر خوب در مقابل مشکلات و سختی های زندگی با ایفای نقش بجا می تواند کانون گرم خانواده را حفظ نماید.

تمام این ویژگی ها در زندگانی پیامبر صلی الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام نمایان بود. خدیجه علیها السلام و شخصیت اجتماعی والایی همانند پیامبر صلی الله علیه و اله داشت و با ایشان در پیشرفت اسلام همسو بود؛ در برابر سختی ها از پیامبر صلی الله علیه و اله پشتیبانی می کرد؛

ص: 93

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 97

2- مقدسی، آفرینش و تاریخ، ص 846.

3- سوره بقره، آیه 781

در محاصره مسلمانان که سه سال توسط مشرکان صورت پذیرفت با بذل اموال، خود آنان را یاری می داد (1).

8. مسلمان مؤمن فرمان بردار: (عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكَ أَنْ يُدِلَّهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكَ مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَاتِنَاتٍ تَأْتِيَنَّاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا)؛ (2) «امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق داد پروردگارش زن هایی را که بهتر از شما هستند، بدل قرار دهد که مسلمان و مؤمن، خاضع، توبه گر، عبادت کننده، مطیع خدا و باکره و غیر باکره باشند».

خداوند در سوره تحریم به سبب آزار و اذیت برخی از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله، آنان را به طلاق تهدید نمود و به این مناسبت ویژگی های زنان خوبی را که به جای آن ها نصیب پیامبر صلی الله علیه و آله می کند بدین شرح بیان فرمود: تسلیم امر خدا با ایمان قلبی به خداوند باشند حضرت خدیجه علیها السلام قبل از اسلام موحد و تسلیم امر خدا و متعبد و بردین حنیف ابراهیم بود و پس از آن با بعثت پیامبر اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و همراه ایشان و حضرت علی علیه السلام، اولین نمازگزاران در خانه خدا بودند. امیرالمؤمنین درباره غربت اسلام در آغاز بعثت می فرماید:

(وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا لِي اللَّهُ عَلَيْهِ ثَالِثُهُمَا)؛ (3) خانواده مسلمانی در اسلام، نبود جز خانواده ای که از پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام تشکیل یافته بود و من سومین نفر آن ها بودم.

ابن اثیر می نویسد:

تاجری به نام عقیف وارد مسجد الحرام شد و از اجتماع و عبادت یک جمعیت سه نفری کاملاً در شگفت ماند دید پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام مشغول پرستش خدایند خدایی که مردم آن منطقه پرستش او را فراموش کرده اند و به خدایان پیوسته اند وی برای تحقیق با عباس عموی

ص: 94

1- محلاتی، ریاحین الشریعة، ج 2، ص 112

2- سوره تحریم، آیه 5

3- شریف الرضی، نهج البلاغة، ص 103 - 003.

پیامبر ملاقات کرد و آن چه را دیده بود به وی گفت و از حقیقت امر پرسید. وی گفت: «نفر نخست مدعی پیامبری و آن زن همسر وی خدیجه علیها السلام و نفر سوم فرزند برادرم علی است. سپس افزود: «در روی زمین کسی را سراغ ندارم که پیرو این آیین باشد، جز همین سه نفر». (1)

ویژگی دیگر که برای بهترین همسر در سوره تحریم بیان شده، فرمان بردار بودن اوست. خدیجه علیها السلام با آن که از لحاظ سنی بزرگ تر از پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، در برابر ایشان فرمان بردار بود «خدیجه علیها السلام که از سرمایه فراوانی برخوردار بود، تمام سرمایه و اسناد دارایی خود را که در صندوقچه ای نگهداری می کرد در شب اول ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه آورد و در اولین سخنی که در بدو ورود به منزل همسر خود بیان فرمود، این بود که: «ای آقا! من خدمت گزار شما هستم و هر چه دارم همه مال شماست» و آن صندوقچه را در مقابل پیامبر نهاد». (2)

نتیجه آن که خدیجه علیها السلام هم فرمان بردار بود و هم با ایمان متواضع متعبد و دارای تمامی اوصافی که خداوند در این آیه برای همسران صالح پیامبر بیان فرموده است. پس از بیان همه ویژگی ها پشت سر هم، دو ویژگی را با عطف به بقیه اضافه نموده و آن دوشیزه بودن یا دوشیزه بودن است. حضرت خدیجه علیها السلام دوشیزه نبود و مطابق با این آیه شریفه دوشیزه بودن معیار منفی محسوب نمی گردد و جزء ضروری ویژگی های همسر خوب بیان نشده است. خدیجه علیها السلام پیش از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دو ازدواج داشتند. ازدواج نخست وی با ابوهاله و سپس با عتیق بن عابد بود. (3)

معیارهای ازدواج از نگاه اهل بیت علیهم السلام

اشاره

نکات دقیقی در روایات در مورد انتخاب همسر دیده می شود؛ برای نمونه، احساس سازگاری روحی خانواده خوب و شایسته داشتن و ترجیحاً

ص: 95

1- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص 8

2- مظاهری، تجلی حق، ص 72

3- ترجمه طبقات الکبری، ج 7، ص 62

در مورد انتخاب زن خوب به طور خاص تأکید زیادی شده است؛ زیرا او محل استقرار جان شریک مال و دارایی آگاه به راز و عقیده و گردن بندی است در گردن که می تواند ارزشی بالاتر از طلا یا پست تر از خاک داشته باشد. البته این انتخاب نباید برای خودنمایی باشد. مواردی که به عنوان معیار ذکر شده است عبارت اند از خوش نامی، حسن خلق، مادر، لایق، کفویت و همتایی، اصیل و ریشه دار از خانواده، خوب، مددکار بی در دسر پرزا داشتن دهان خوشبو، نرم خو مؤمن، شایسته کم خرج، متدین و زیبا.

و این گونه نباشد: بی تربیت لجباز ناسازگار نافرمان، کثیف، احمق بی بند و بار فتنه گر شهوت ران، شتابان در لذت حیوانی اهل حرام قهقهه زننده پلید تبهکار بدزبان بی حیا پر حرف مجنون نکوهیده دائم عزادار، منت گذارنده، ثروت درشت گوی زشت، کردار بدکاره و پر تقاضای طلاق. البته تأکید شده است که چند چیز نباید انگیزه ازدواج باشد که عبارتند از: دارایی، خاندان، زیبایی، لذت و قدرت

انتخاب شوهر نیز به گردن بند بندگی تشبیه شده که باید دقت بیش تری به آن کرد معیارهایی که برای شوهر در روایات آمده عبارتند از همتایی کفویت ایمانی پاک دامنی تمکن مالی شرافت، اسلامی، اخلاق، دین داری، امانت داری، تقوا، فرهنگ اعتقاد درست پاکیزه بودن سخی و دست و دل باز سلامت جنسی نیکوکار و پشتیبان پدر و مادر

مرد نیز نباید این گونه باشد: دروغ گو، تهمت زن، دشنام گوی، بخیل، دریغ کننده از کمک به دیگران کتک زننده بدرفتار، بداخلاق تنگ نظر دارای سوء تدبیر شراب، خوار دارای انحراف جنسی و دارای غیرت بی جا.

غالب این معیارها به گونه ای در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام متبلور بود که برای، نمونه به بعضی از آن ها اشاره می گردد:

الف) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله نمایان است:

1. دقت در انتخاب امام صادق علیه السلام می فرماید:

(انظُرْ أَيْنَ تَضَعُ نَفْسَكَ وَمَنْ تُشْرِكُهُ فِي مَالِكَ وَتُظْلِعُهُ عَلَى دِينِكَ وَسِرِّكَ فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَبِكْرًا تُنْسَبُ إِلَى الْخَيْرِ وَإِلَى حُسْنِ الْخُلُقِ)؛
(1)

بنگر جان را کجا قرار می دهی و چه کسی را در مال و دارایی ات شریک و چه فردی را بر این راز و امانت آگاه می کنی همسر انسان پناهگاه جان اوست.

حضرت خدیجه علیها السلام پناهگاه پیامبر صلی الله علیه و اله در تمامی رنج ها و سختی های دوران رسالت ایشان در مکه بود. دوره ای که مسلمانان در اقلیت و در اوج فشار و سختی بودند خدیجه علیها السلام امانت دار پیامبر صلی الله علیه و اله و رازدار رسالت او در سال های اولیه آن سختی ها بود.

2. گزینش مادر فرزند: حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اند.

(انكحوا الأكفاء وانكحوا فيهم واختاروا لنطفكم)؛ (2)

به همگنان زن بدهید و از همگنان همسر گیرید و برای داشتن فرزند بهتر و صالح، انتخاب و گزینش کنید.

حضرت خدیجه علیها السلام قرار بود کوثر و نسل پر برکت پیامبر صلی الله علیه و آله از وجودش به وجود آید؛ پس انتخاب حضرت خدیجه علیها السلام متفاوت است از همسران دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله که نسلی از آن ها باقی نماند حضرت خدیجه علیها السلام زنی سخاوتمند و دارای سجایای اخلاقی بود که نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از او ادامه یافت.

3. اصالت خانوادگی: پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند:

(انظُرْ فِي أَيِّ نِصَابٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ)؛ (3)

بنگر که فرزند نسل خویش را در چه ریشه ای قرار می دهی؛ زیرا رگ و ریشه،

ص: 97

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 323

2- همان، ص 233.

3- متقی هندی، کنز العمال في سنن الاقوال والافعال، ج 51، ص 558.

در روایت مشابه دیگر امام صادق علیه السلام فرمودند:

(تَزَوَّجُوا فِي الْحُجْزِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ)؛ (1)

با خانواده خوب و شایسته وصلت، کنید زیرا در رگ و ریشه اثر دارد.

حضرت خدیجه علیها السلام از سادات و دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب از تیره ای معروف و از محترمان قریش بود خویلد در دوره جاهلیت، مهتر طایفه خود بود. در جنگ فجار در روزی که به نام شمطه معروف بود و در آن روز قریش آماده جنگ با کنانه شد ریاست طایفه اسد را داشت. او با کسی که طالب خروج حجر الأسود از خانه کعبه بود به نزاع پرداخت و این موضوع، ممتاز بودن او در آن عصر را می رساند. هم چنین پسر عموی وی ورقه بن نوفل از کاهنان عرب بود و از کتاب های ادیان پیشین اطلاع داشت؛ لذا حضرت خدیجه علیها السلام از خانواده و تبار با اصالت عرب بود پیامبر صلی الله علیه و اله نیز از قبیله قریش و نواده عبد المطلب فرزند بنی هاشم بود که کلیدداری و سقایت حجاج را بر عهده داشتند. (2)

3. ازدواج غیر فامیلی رسول خدا صلی الله علیه و اله می فرماید:

(اغْتَرَبُوا لَا تُضَوُّوا)؛ (3) با بیگانه (غیر خویشاوند) ازدواج کنید تا فرزندان لاغر و تکیده به دنیا نیاورید

حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سابقه فامیلی نداشته اند؛ البته هر دو از قریش بودند و «نسب هر دو در قصی به هم می رسید». (4) آشنایی آن ها به سبب تجارتمی بود که حضرت محمد صلی الله علیه و اله برای حضرت خدیجه علیها السلام در دوران نوجوانی انجام داد و سود و سرمایه زیادی به دست آورد و این مقدمه آشنایی آن دو را فراهم نمود.

ص: 98

1- طبرسی، مکارم الأخلاق، ص 791

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 102.

3- شریف الرضی، نهج البلاغه، ص 001

4- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 02.

4. مهربان و مددکار و بی در دسر: امام صادق علیه السلام در مورد ویژگی های همسر نیکو می فرمایند:

(فَأَمْرَأَةٌ وَاوَدُ وَاوَدُ تُعِينُ زَوْجَهَا عَلَى دَهْرِهِ لِدُنْيَاةٍ وَآخِرَتِهِ وَلَا تُعِينُ الدَّهْرَ عَلَيْهِ)؛ (1)

بدان بهترین بانوان زنانی هستند که فرزند زیاد زاینده و برای شوهر مهربانند و در امر دنیا و آخرت مددکار آنانند و در زندگی برایشان مشکل نمی آفرینند.

خدیدجه علیها السلام با آن که از همسران قبلی خویش فرزندان داشت و در چهل سالگی با پیامبر صلی الله علیه و اله ازدواج کرد، دو دختر و چهار پسر از رسول خدا صلی الله علیه و سلم پیدا کرد. این نشان دهنده ویژگی اول این روایت است. او یاور راستین اسلام بود و پیامبر صلی الله علیه و اله با وجودش احساس آرامش می نمود او برای پیامبر صلی الله علیه و اله وزیری درست کار بود و با اموالش او را یاری بخشید. (2) او در تمامی مراحل زندگی یار و یاور پیامبر صلی الله علیه و اله بود. در عبادت های طولانی حضرت که بعضاً حدود چهل روز به درازا می کشید، در تمامی این مدت خدیجه علیها السلام تنها بود و اعتراضی به پیامبر صلی الله علیه و اله ننمود. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و اله را برای عبادت به غار حرا می رفتند غذای حضرت را توسط غلامش و یا حضرت علی علیه السلام، برای ایشان به بالای کوه می فرستاد. (3) خدیجه علیها السلام در تمامی مراحل زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله، زنی مددکار، مهربان و دلسوز بود.

5. مؤمن صالح: در روایت آمده است:

(أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَعِمَ انْكَحْ وَعَلَيْكَ بِذَوَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ يَدَاكَ وَقَالَ إِنَّمَا مِثْلُ الْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ مِثْلُ الْغُرَابِ الْأَعْصَمِ الَّذِي لَا يَكَادُ يَقْدَرُ عَلَيْهِ قَالَ وَمَا الْغُرَابُ الْأَعْصَمُ قَالَ الْأَبْيَضُ إِحْدَى رَجُلَيْهِ)؛ (4)

مردی نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آمد تا درباره ازدواج با ایشان مشورت کند.

ص: 99

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 323

2- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 28

3- محلاتی، ریاحین الشریعة، ج 2، ص 112.

4- طوسی، تهذیب الأحکام، ج 7، ص 104

حضرت فرمودند: «خدایت خیر دهد! با زنی مؤمن ازدواج کن. مثال زن دین دار و شایسته در کم یا بی چون کلاغی است که یک پایش سپید باشد».

سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله به این فرد در دوره ای بود که زنان زیادی مسلمان شده و تحت تربیت اسلام قرار گرفته بودند. با این حال پیامبر صلی الله علیه و آله چنین مثالی زدند؛ حال چه رسد به قبل از اسلام که زن مؤمن به ندرت پیدا می شد و خدیجه علیها السلام یکی از آن زنان بود. او زن مؤمنی بود که خداوند از زبان جبرئیل به او سلام رساند. (1) در روایتی بهترین زنان بهشت مریم دختران، عمران خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و آسیه دختر مزاحم همسر فرعون، معرفی شده اند. (2) خدیجه علیها السلام ام «المؤمنین» لقب دارد و این به سبب شایستگی و لیاقت وی است.

6. کم خرج: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

(أَعْظَمُ النِّسَاءِ بَرَكَةً أَيْسَرُهُنَّ مَوْتَةً)؛ (3) پر برکت ترین زنان، کم خرج ترین ایشان است.

حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله از تاجران و ثروتمندان مکه بود. او ثروتش را از راه ارث و تجارت به دست آورده بود؛ ولی بعد از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله تمام اموال خود را در راه پیشرفت اسلام هدیه کرد. وی توسط یکی از اقوامش تمام اموال خویش را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه نمود و او را مالک آن ها خواند. (4) او چنان اموال خود را خرج اسلام نمود که در زمان مرگ، از مال دنیا به اندازه تهیه کفنی برایش باقی نمانده بود. «خدیجه علیها السلام خجالت می کشید یکی از وصایایش را به همسرش بگوید؛ از این رو به حضرت زهرا علیها السلام که آن زمان دختر کوچکی بود گفت: «زهرا جان! من کفن ندارم به پدرت بگو عبايي را که در هنگام نزول وحی به سر می کشید کفن من قرار دهد». از این جمله می توان

ص: 100

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 8

2- صدوق، بحار الأنوار، ج 1، ص 602

3- نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج 41، ص 261

4- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 71

دریافت که سرمایه عظیم حضرت خدیجه علیها السلام در شعب ابی طالب به پایان رسیده بود. او که از تجار بزرگ به شمار می آمد، حال برای تهیه کفن هم با مشکل مواجه بود». (1)

ب) معیارهای انتخاب همسر که در انتخاب حضرت محمد صلی الله علیه و آله به وسیله خدیجه علیها السلام نمایان است:

1. اکتفا به اخلاق و دین: پیامبر خدا صلی الله علیه و اله فرمودند:

(إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِلَّا تَعْلَمُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ كَبِيرٌ)؛ (2)

هر گاه کسی نزد شما [به خواستگاری] آمد که اخلاق و دین او را می پسندید، به او زن دهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگ در زمین رخ خواهد داد.

آن چه در تاریخ نشان دهنده محرک خدیجه علیها السلام برای ازدواج با امین قریش بود یک سلسله جهات معنوی است نه جنبه های مادی:

اول، شنیدن سرگذشت سفر جوان قریش از غلام خود میسر در مورد نظر راهب شام نسبت به امین، قریش زمینه ایجاد شوق خدیجه علیها السلام به معنویت پیامبر صلی الله علیه و آله شد. آن چه را شنیده بود برای ورقة بن نوفل دانای عرب نقل کرد و او صاحب این کرامات را پیامبر عربی دانست. (3)

دوم آگاه شدن خدیجه علیها السلام از طریق دانای یهود در بیان علایم نبوت در وجود امین عرب از این که پدر و مادر او می میرند و جد و عموی وی او را حمایت می کنند و از قریش زنی انتخاب می نماید که سیده قریش است و اشاره به خدیجه علیها السلام می نماید و می گوید: «خوشا به حال کسی که همسری او را به دست

ص: 101

1- مظاهری، تجلی حق، ص 92

2- کلینی، کافی، ج 5، ص 743.

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 62

سوم، خواب دیدن خدیجه علیها السلام که خورشیدی بالای مکه چرخ می خورد و کمکم پایین می آید و وارد خانه او می شود زمانی که این خواب را برای ورقه نقل می کند، وی چنین تعبیر می نماید که با مرد بزرگی ازدواج می کند که شهرت او عالم گیر خواهد شد. (2)

بدین ترتیب، علل تمایل خدیجه علیها السلام مولود ایمان و اعتقاد او به معنویت جوان قریش بود.

2. دیانت و امانت؛ امام باقر علیه السلام و در نامه ای چنین نوشتند:

(مَنْ خَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيئُمْ دِينَهُ وَأَمَانَتَهُ فَرَوْجُهُ إِلَّا تَعَلَّوْهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفِي كَبِيرٍ). (3)

هر کس برای خواستگاری دخترتان نزد شما آمد و از نظر دیانت و امانت مورد پسند بود به او پاسخ مثبت دهید؛ و اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگ در زمین رخ خواهد داد.

گفتنی است علت شیفتگی خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز راست گویی امانت داری و اخلاق پسندیده وی بود (4)

3. دین و اخلاق علی رغم فقر امام رضا علیه السلام می فرمایند:

(إِنْ خَطَبَ إِلَيْكَ رَجُلٌ رَضِيَتْ دِينَهُ وَخُلِقَهُ فَرَوْجُهُ وَلَا يَمْنَعُكَ فَقْرُهُ وَفَاقَتُهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللَّهُ كَلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَقَوْلُهُ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ). (5)

اگر مردی نزد تو به خواستگاری آمد و دین و اخلاق او را پسندیدی، به وی زن بده و فقر و ناداری اش مانع تو از این کار نشود.

در نقل های تاریخی آمده است:

ص: 102

1- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 91

2- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 38

3- کلینی، کافی، ج 5، ص 743

4- سبحانی، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 77.

5- مجلسی، بحار الأنوار، ج 1، ص 273

وضع مالی و اقتصادی حضرت رسول صلی الله علیه و اله مرتب نبود و هنوز به کمک های مالی عمومی خود ابوطالب نیاز داشت. (1)

ابوطالب در سخن و خطبه ای که ادا کرد چنین فرمود:

پس بدانید که پسر برادرم محمد بن عبدالله را به هیچ یک از قریش نمی سنجدند، مگر آن که او زیادتی می کند و هیچ مردی، مردی را با او قیاس نکند، مگر آن که او عظیم تر است و او را در میان خلق، عدیل و نظیر نیست و اگر در مال کمی هست پس مال عطایی است از حق تعالی که جاری کرده بر بندگان به قدر حاجت ایشان و مانند سایه ای است که به زودی برگردد. (2)

خدیدجه علیها السلام که بانوی اول مکه و از لحاظ حسب و نسب و ثروت شخصیت برجسته ای بود (3) به فقر پیامبر صلی الله علیه و اله توجهی نداشت. او با آن که از ثروتمندان زنان قریش به شمار می رفت، قبلاً پیشنهاد ازدواج ثروتمندترین و متنفذترین رجال قریش را رد کرده بود بزرگان قریش همه علاقه مند به ازدواج با او بودند. (4) مردان نام داری هم چون عقبه بن ابی معیط ابوجهل و ابوسفیان از او خواستگاری کرده بودند و او موافقت نکرده بوده بودند و او موافقت نکرده بود. (5)

4. با تقوا: امام حسن علیه السلام به مردی که با ایشان درباره ازدواج دختر خود مشورت کرد، فرمودند:

(زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِي فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلِمْهَا)؛ (6)

او را به مردی بانقوا شوهر ده؛ زیرا اگر دختر تو را دوست داشته باشد گرامی اش می دارد و اگر دوستش نداشته باشد به وی ستم نمی کند.

تاریخ گواهی می دهد که ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 103

1- سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام ص. 08

2- قمی، منتهی الآمال، ص 101 - 201

3- خامنه ای شعاعی از نیر اعظم صلی الله علیه و اله ص 041.

4- طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج الامم و الملوک، ج 2، ص 791

5- مجلسی، بحار الأنوار، ج 61، ص 22

6- طبرسی، مکارم الأخلاق، ص 402

معیارهای عرفی غیر قابل اعتنا

در جامعه کنونی، بر معیارهایی تأکید می شود که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام و در سخنان ایشان سفارشی به آن ها نشده است. خداوند متعال قرآن کریم می فرماید: (وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا) (2) ما باید بر مبنای سنت ایشان حرکت کنیم در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و اله با حضرت خدیجه علیها السلام بعضی از معیارهای عرفی رعایت نشده که عبارتند از:

1. دوشیزه بودن دختر: در معیارهای عرفی رغبتی به ازدواج با بیوگان نیست؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و اله در اولین ازدواج خود که حدود 25 سال ادامه داشت، زنی را که پیش از آن دو بار ازدواج کرده بود به عنوان تنها همسر خویش انتخاب کردند که این خود می تواند درسی برای جوانان امروز باشد در جامعه کنونی، دختران زیادی هستند که به دلایل گوناگونی از جمله از دست دادن همسر خویش یا ازدواج های ناموفق مجرد مانده اند و این دختران با آن که جوانان و ویژگی های اخلاقی، ظاهری ایمانی و خانوادگی خوبی دارند تنها به علت آن که یک بار ازدواج کرده اند مورد انتخاب جوانان و خانواده های شان قرار نمی گیرند؛ در حالی که این ها با تجربه ای که از ازدواج قبلی داشته اند و عملکردی که از خود نشان داده اند می توانند همسران و مادران مناسبی باشند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله با ازدواج شان با حضرت خدیجه علیها السلام و به آخرین وصف اشاره شده در سوره تحریم در مورد بهترین زنان، پیامبر یعنی دوشیزه بودن یا نبودن ایشان جامه عمل پوشاندند.

2. تأکید بر تفاوت سنی: از معیارهای دیگر، عرفی تأکید بر تفاوت سنی و

ص: 104

1- سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، ص 18

2- سوره حشر، آیه 7.

بزرگ تر بودن پسر است؛ حال آن که پیامبر صلی الله علیه و اله خود نسبت به همسر خویش از لحاظ سنی پایین تر بودند. روایت مشهور و متواتر بر این است که هنگام ازدواج خدیجه علیها السلام چهل سال و رسول خدا صلی الله علیه و آله بیست و پنج سال داشت. (1) نکته مهم در این زمینه آن است که سن شناسنامه ای در ازدواج هیچ ملاک شرعی عقلی و علمی ندارد؛ بلکه آن چه در ازدواج می تواند مهم باشد، سن عقلی دو نفر است که پسر از نظر رشد عقلی در حدی باشد که بتواند مدیریت زن و خانواده را بر عهده گیرد و از نظر سن عقلی تناسب لازم میان زن و مرد وجود داشته باشد. در مورد زن سن جسمی یا پوستی و ظاهری ملاک است؛ بدین معنا که زن از نظر توان مندی و نشاط جوانی در حدی باشد که بتواند فرزندان را به وجود آورد و نیازهای همسرش را پاسخ گو باشد در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام، هر دو محرز بود؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و از لحاظ عقلی بالاتر از سن خود و حضرت خدیجه علیها السلام از نظر جسمی آن چنان بانشاط بود که توانست تا بیست سال بعد از این ازدواج فرزند آورد و پاسخ گوی نیازهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم باشد. (2)

3. تمکن مالی داماد: متقابلاً نیز حضرت خدیجه علیها السلام در انتخاب پیامبر، به بعضی از معیارهای عرفی پشت پا زد وی با آن که خیلی از اشراف و ثروت مندان خواستار ازدواج با او بودند، با حضرت محمد صلی الله علیه و سلم که یتیم بزرگ شده بود و در وضعیت ضعیف اقتصادی به سر می برد و هیچ تمکن و پشتوانه مالی نداشت ازدواج نمود و این جزبه جهت سجایای اخلاقی و درست کاری پیامبر صلی الله علیه و اله نبود.

نتیجه

در این مقاله با تحلیل آیات و روایات در زمینه ازدواج و گزارش های تاریخی از ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نتایج ذیل به دست آمد:

ص: 105

1- بلاذری، انساب الأشراف، ج 1، ص 901

2- میرشریف، پیام آور رحمت، ص 51

معیارهای قرآنی ازدواج عبارت اند از: آرامش یکتاپرستی، کفویت اجتماعی، پاک دامنی، تناسب جسمی و جنسی قوت و امانت محافظ بودن، مسلمان مؤمن و فرمان بردار بودن که همگی در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام نمایان است.

معیارهای روایی عبارتند از دقت در انتخاب گزینش مادر فرزند، اصالت خانوادگی، ترجیحاً غیر فامیل بودن مهربان و بی دردسر، مؤمن صالح، کم خرج، اکتفا به، اخلاق دین و تقوا که همگی در انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام آشکار است.

معیارهای عرفی نابه جا مانند دوشیزه بودن تأکید بر تفاوت سنی و تمکن مالی در ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام به آن ها توجه قرار نشده بلکه نقض گردیده است.

1. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (1415 ق)، بیروت، دار الکتب العلمیه.
2. ابن اثیر، اسد الغابۃ (1336)، تهران، المکتبه الإسلامیه
3. -الکامل فی التاریخ (1399 ق)، بیروت، دار صادر.
4. ابن بابویه، محمد بن علی، خصال (1362)، قم، جامعہ مدرسین
5. ابن واضح، تاریخ یعقوبی (1384 ق)، نجف، المکتبه الحیدریه
6. ابن هشام الحمیری المعافری، عبدالملک، السیره النبویه (1375 ق)، قاهره مطبعه مصطفی البابی الحلبي
7. (1375)، چاپ پنجم، مترجم: سید هاشم رسولی، تهران، انتشارات کتابچی
8. بلاذری، انساب الأشراف (1400 ق)، تحقیق احسان عباس، بیروت، دارالنشر شتاینر
9. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوه (1361)، مترجم: محمود مهدوی دامغانی، تهران انتشارات علمی و فرهنگی
10. حلبي، علی بن برهان الدین، السیره الحلبيه (بی تا)، بیروت، دار المعرفه.
11. خامنه ای، سیدعلی، شعاعی از نیر اعظم صلی الله علیه و آله (1385)، چاپ سوم، تهران، سروش
12. سبحانی، جعفر، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام (1377)، چاپ دهم، تهران، نشر مشعر
13. شریف الرضی محمد بن حسین، نهج البلاغه (1414 ق)، مصحح: فیض الإسلام، قم، هجرت.
14. - المجازات النبویه (1422 ق)، قم، دار الحدیث.
15. طالقانی، سید محمود پرتویی از قرآن (1362)، تهران، شرکت سهامی انتشار.

16. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق (1412 ق)، چاپ چهارم، قم، شریف رضی
17. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (بی تا)، بیروت، دار قاموس الحدیث.
18. طوسی، محمد بن الحسن، تہذیب الأحکام (1407 ق)، تہران، دارالکتب الإسلامیہ، چاپ چہارم
19. عسقلانی، ابن حجر، الاصابة في تمييز الصحابه (بی تا) بیروت، دار احیاء التراث العربی.
20. قمی، عباس، منتهی الآمال (1410 ق) چاپ شانزدهم، قم. ہجرت
21. - سفینہ البحار (1416 ق)، چاپ دوم، تہران، اسوہ
22. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی (1407 ق) چاپ چہارم، تہران، دارالکتب الإسلامیہ.
23. متقی ہندی، علی بن حسام، کنز العمال في سنن الاقوال والافعال (1397 ق)، تصحیح: صفوة السقا، بیروت، مکتب التراث الاسلامی
24. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار (1403 ق) چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
25. محلاتی، ذبیح اللہ، ریاحین الشریعہ (1396)، تہران، دارالکتب الإسلامیہ.
26. مظاہری حسین، تجلی حق (1389)، اصفہان، حدیث راہ عشق.
27. مقدسی، مطہر بن طاہر، آفرینش و تاریخ (1374)، تہران، آگہ.
28. میرشریفی، علی، پیام اور رحمت (1385)، تہران، سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ہا (سمت).
29. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (1408 ق)، قم، مؤسسہ آل البیت علیہم السلام.

*ویژگی‌هایی از حضرت خدیجه علیها السلام: محمد فاکر میبیدی (1)

چکیده

تاریخ اسلام، گواهی می‌دهد که حضرت خدیجه علیها السلام از آغاز بعثت نبوی تا آخرین لحظه زندگی نقش مؤثری در نشر رسالت و حمایت از پیامبر صلی الله علیه السلام را ایفا کرد اینک پرسش رخ می‌نماید که این بانو چه ویژگی‌هایی داشت که توانست به عنوان اولین زنان عالم اسلام و در ردیف چهار زن برتر عالم قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد این بانوی، کرامت شرافت و سیادت در عرصه‌های مختلف بینشی منشی و کنشی دارای ویژگی‌های یگانه‌ای بود که نه تشریحاً و تکویناً تکرارپذیر نیست. او در عرصه بینش دارای بینش عمیق اعتقادی و بصیرت درست بود در عرصه اخلاق پایداری در برابر سرزنش‌ها و نیز ایثارگری در راه خدا را در کارنامه خود داشت و در عرصه عمل و کنش پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ویژگی مشکل‌گشایی از ساحت نبوی را در برنامه خود داشت. وی در امر رسالت به وسیله ثروت خدادادی خود یاری پیامبر صلی الله علیه و آله را سرلوحه کار خود قرار داد این بزرگ، بانو به مقامی دست یازید که مورد عنایت الهی مخاطب مستقیم سلام الهی و از سروران زنان عالم شد. رابطه او با پیامبر و رابطه دو سویه محبتی بود؛ یعنی هم محب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هم محبوب او سرانجام به جایگاهی رسید که مدال شایستگی علیت برای بقای نسل مطهر نبوی دریافت نمود و کوثر نبوت به واسطه او محقق گردید.

ص: 109

بر اساس گزارش های تاریخی حضرت خدیجه علیها السلام این صدف کوثر نبوی نقش به سزایی در گسترش فرهنگ اسلامی داشته و دارای ویژگی هایی بوده که می توان گفت در فضای تاریخی و جغرافیایی ارباب قلم و اندیشه آن گونه که شایسته این بزرگ بانوی عالم اسلام بوده به آن توجه نکرده اند؛ از این رو، سزاست تا شخصیت وی کاوش گردد و ویژگی هایش تبیین شود تا آن چه در فضای بحرانی آغازین بعثت و در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله تجلی یافت به عنوان مدل و الگوی بصیرت و فضیلت به جامعه معرفی گردد.

در مقاله حاضر تلاش شده تا برخی از ویژگی ها و سجایای رفتاری آن با وی بزرگ با چاشنی آیات و روایات، تبیین و بررسی گردد.

1. بینش عمیق اعتقادی

عقیده یکی از مهم ترین نمادهای شخصیت انسان است که زیربنای رفتار گفتار و عملکرد وی را شکل می دهد. حضرت خدیجه علیها السلام یکی از کسانی بود که این مهم را به خوبی به منصفه ظهور گذاشت و با ایمان به همسر گرامی خویش در آغازین روزهای بعثت نبوی و تداوم آن تا واپسین روزهای زندگی، نام خود را به عنوان یار همیشگی آن حضرت به ثبت رساند. او لحظه ای در این مسیر دچار ضعف و سستی نشد. مهم تر این که نام وی به عنوان اولین ایمان آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله در تاریخ ثبت است. ابن اسحاق می نویسد:

کان أول من اتبع رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام بنت خویلد، زوجته، ثم کان أول ذکر آمن به علی و هو یومئذ ابن عشر سنین ...؛

اولین کسی که از پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی کرد همسرش خدیجه علیها السلام بود و اولین نفر از مردان که به آن حضرت ایمان آورد، علی علیه السلام که ده ساله بود... (1)

هر چند در جلوتر بودن خدیجه علیها السلام نسبت به امیر مؤمنان علی بن

ص: 110

ابی طالب علیه السلام نمی توان به سادگی پذیرفت؛ زیرا گزارش ها و روایات تاریخی، نشان می دهد که حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد، نه اولین فرد و اولیت مطلق را در شأن امام علی علیه السلام می دانند؛ حتی می توان و بلکه باید گفت امام علی علیه السلام هرگز کافر نبودند تا ایمان بیاورند امام سجاد علیه السلام در پاسخ به این پرسش که علی بن ابی طالب علیه السلام هنگام اسلام آوردن چندساله بودند؟ فرمود:

(أَوْ كَانَ كَافِرًا قَطُّ؟ إِنَّمَا كَانَ لِعَلِيٍّ حَيْثُ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، رَسُولَهُ عَشْرَ سِنِينَ، وَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ كَافِرًا، وَلَقَدْ آمَنَ بِاللَّهِ (تَبَارَكَ وَتَعَالَى) وَبِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَسَبَقَ النَّاسَ كُلَّهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ...)

علی علیه السلام کافر نبود. او هنگام بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و ده ساله بود و در آن هنگام الهیه کافر نبود. وی به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان داشت و در این امر از همه مردم پیشی گرفته بود. (1)

این کلام یعنی این که ایمان تکلیفی حضرت علی علیه السلام به ایمان فطری وی متصل بوده و هرگز دچار کفر نبوده تا پس از آن ایمان بیاورد (2)

به هر صورت حضرت خدیجه علیها السلام به قول اهل سنت اولین نفر و به قول شیعه، اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و حتی نگران اتصال و انقطاع وحی آن حضرت بود؛ چنان که هنگام تأخیر در وحی، پس از نزول آیه: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...) گفت: «شاید که خدایت تو را رها کرده است و دیگر پیامی برایت نمی فرستد!» در این هنگام آیه را نازل کرد و فرمود: (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى) (3) (4)

بیهقی نکته ای مهم در این زمینه دارد. وی می نویسد:

اولین بار که پیامبر صلی الله علیه و آله متوجه دریافت وحی شد، با خدیجه علیها السلام در

ص: 111

1- کلینی، کافی، ج 8، ص 339

2- ملاصالح مازندرانی، الکافی/الأصول والروضه، ج 12، ص 456.

3- سوره ضحی آیه 3.

4- قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 428

میان گذاشت. در لحظه دریافت خبر از پیامبر صلی الله علیه و آله، خداوند دو عنایت به حضرت خدیجه علیها السلام نمود: یکی این که وی را از تکذیب پیامبر صلی الله علیه و آله حفظ کرد. دوم این که او را موفق به تصدیق آن حضرت فرمود و این سخن بر زبانش جاری کرد: (أَبَشْرٌ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَصْنَعُ بِكَ إِلَّا خَيْرًا). (1)

یعنی در حقیقت حضرت خدیجه علیها السلام و در پرتو نور الهی، مصداقی از این آیه بود که فرمود: (أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ ذُورٍ مِّن رَّبِّهِ؟) (2) همان گونه که این بانوی بزرگوار عنوان امّ المؤمنین را دارد هر چند آیه شریفه: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ) (3) بعد از وفات وی نازل شده باشد.

2. بصیرت اجتماعی

بصیرت و شناخت یکی از ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام بود که در زندگی وی نقش مؤثری داشت. گفته اند هنگامی که روزگار ابوطالب سخت شد و مشکلات اقتصادی به آن ها روی آورد، ابوطالب پیشنهاد کرد که همانند دیگران، اموالی را از خدیجه علیها السلام [برای تجارت] بگیرد، اما پیامبر صلی الله علیه و آله حاضر نشدند خود را به خدیجه علیها السلام عرضه کنند! هنگامی که خدیجه علیها السلام از این گفتگو باخبر شد خود اقدام کرد و دو برابر اموالی را که به دیگران می داد در اختیار حضرت قرار داد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله را به امانت داری، راست گویی و اخلاق کریمانه می شناخت. (4) مهم این است که وقتی خدیجه علیه السلام به اخلاق کریمه پیامبر صلی الله علیه و آله پی برد، با توجه به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله، با ایشان مانند دیگر افراد برخورد نکرد، بلکه آن حضرت را شریک تجاری و در حقیقت طرف مضاربه خود نمود و در این مسیر به چند برابر سود دست یافت و با کراماتی که از ایشان می دید، زمینه ازدواج وی فراهم شد بیهقی در این باره می نویسد:

ص: 112

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 142

2- سوره زمر، آیه 22.

3- سوره احزاب، آیه 6.

4- طبری، تاریخ الطبری/ تاریخ الرسل و الملوك، ج 2، ص 280 و مرتضی عاملی، 1391: ج 1، ص 337-338

وقتی میسره غلام خدیجه علیها السلام از رفتار پیامبر صلی الله علیه و اله به وی گزارش داد، دنبال آن حضرت فرستاد و با عنوان پسر عمو، [چون در سلسله اجداد به یک نفر می رسند] رغبت خود را به وی نشان داد و گفت: «إِنِّي قَدْ رَغَبْتُ فِيكَ؛ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي، وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ وَسِيَّتِكَ فِيهِمْ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ، وَ حُسْنِ خُلُقِكَ، وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ؛ من به دلیل قرابت نسبت به من، و شرافت و وساطت تو در قومت و امانت داریت نزد مردم و اخلاق خوش و درستی در گفتار خواهان تو هستم» (1)

یعنی در یک طرف قرابت شرافت و وساطت، امانت، صداقت و حسن خلق قرار گیرد و در طرف دیگر نیز قرابت، شرافت و وساطت، به اضافه اموال زیاد. (2)

بر همین اساس هنگامی که ابوطالب برای خواستگاری از خدیجه علیها السلام نزد ورقه، پسر عموی خدیجه علیها السلام رفت پس از حمد و ثنای الهی خطاب به ورقه گفت:

إِنَّ ابْنَ أَخِي هَذَا - يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ - مِمَّنْ لَا يوزُنُ بِرَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ إِلَّا رَجَحَ بِهِ وَ لَا يَقَاسُ بِهِ رَجُلٌ إِلَّا عَظَمَ عَنْهُ وَ لَا عِدْلَ لَهُ فِي الْخَلْقِ وَ إِنْ كَانَ مُقْلًا فِي الْمَالِ فَإِنَّ الْمَالَ رِفْدٌ جَارٍ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ لَهُ فِي خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَغْبَةٌ وَ لَهَا فِيهِ رَغْبَةٌ وَ قَدْ جِئْنَاكَ لِنَخْطُبَهَا إِلَيْكَ بِرِضَاهَا وَ أَمْرِهَا وَ الْمَهْرُ عَلَيَّ فِي الْمَالِي الَّذِي سَأَلْتُمُوهُ عَاجِلُهُ وَ آجِلُهُ وَ لَهُ وَ رَبِّ هَذَا الْبَيْتِ حَظٌّ عَظِيمٌ وَ دِينٌ شَائِعٌ وَ رَأَى كَامِلٌ؛

این پسر برادر من (پیامبر) کسی است که هیچ مردی با وی توان برابری ندارد مگر این که برتری دارد؛ و با هیچ کس مقایسه نمی شود، مگر این که از او بهتر است در آفرینش همانند ندارد هر چند ثروتی ندارد؛ البته مال همانند سایه رفتنی است. وی خواهان خدیجه علیها السلام است و ما آمده ایم در صورت رضایت خدیجه علیها السلام از وی خواستگاری کنیم و مهریه او بر عهده من است.

سپس نوبت ورقه شد تا سخن بگوید با حالت شگفتی، از پاسخ به ابوطالب در ماند و نتوانست چیزی بگوید در این هنگام خدیجه علیها السلام رو به ورقه کرد و

ص: 113

1- بیهقی، دلائل النبوة، ج 2، ص 66

2- همان

گفت: «من نسبت به خودم اولاً هستم» و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله اظهار داشت:

﴿قَدْ زَوَّجْتُكَ يَا مُحَمَّدُ نَفْسِي وَالْمَهْرُ عَلَيَّ فِي مَالِي فَأُمْرُ عَمَّاكَ فَلْيُنْحَرْنَا قَةً فَلْيُولِمْ بِهَا وَ اذْخُلْ عَلَيَّ أَهْلِكَ﴾؛

ای محمد من خودم را به ازدواج تو در آوردم؛ مهریه نیز از مال خودم بر عهده خودم به عمویت بگو شتری را نحر کند و ولیمه بدهد و به خانه داخل شو (1).

این بدان معناست که هر چند طبع انسانی حکم می کند که مرد باید به خواستگاری زن برود چنان که ابوطالب نیز در مورد خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله چنین کرد - اگر موردی یافت شد که مناسب و با شناخت کامل مورد پسند بود، نباید آن را از دست داد؛ چنان که قرآن در جریان حضرت موسی و دختران شعیب می فرماید: (يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ)؛ [یکی از آن دو دختر] گفت «پدرم! او را استخدام کن! زیرا بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، آن کسی است که قوی و امین باشد [و او همین مرد است]» (2) نیز همین شیوه را اجرا کرد و گفت: (إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنْكَحَكَ إِحْدَى ابْنَتِي هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ)؛ «من می خواهم یکی از این دو دخترم را به همسری تو در آورم به این شرط که هشت سال برای من کار کنی و اگر آن را تا ده سال افزایش دهی محبتی از ناحیه توست» (3).

3. پایداری در برابر سرزنش ها

یکی از اموری که در زندگی ایمانی لازم و مؤثر است، نترسیدن از سرزنش ها در انجام دادن تکالیف و نیز در رسیدن به هدف مقدس است. امری که بسیاری از مؤمنان در موقع لزوم با آن مشکل دارند. این یک اصل قرآنی است. قرآن کریم در وصف بهترین بندگان خدا می فرماید: (... يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ

ص: 114

1- کلینی، کافی، ج 5، ص 375

2- سوره قصص، آیه 26

3- سوره قصص، آیه 27

لَوْمَةَ لَأِئِمٍ...» (و از سرزنش هیچ ملامت گری هراسی ندارند...)» (1) خدای سبحان در این آیه شش صفت برای گروهی از بندگان بر می شمرد که یکی از آن ها، نهراسیدن از سرزنش ملامت گران است. این موضوع برای حضرت خدیجه علیها السلام در دو موضع ظهور بیش تری داشت یکی در دفاع از آن حضرت و دیگری در ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله بدیهی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و همراهان اندک ایشان در آغازین سال های بعثت به شدت از طرف دشمنان سرزنش می شدند. قرآن با تعبیر «مستهزء» به این واقعیت اشارت، کرده، می فرماید: (إِنَّا كَفِينَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ...). (2) در تفسیر و شأن نزول این آیه می نویسند:

بعد از اعلام بعثت پیامبر صلی الله علیه و اله در روز دوشنبه خدیجه علیها السلام در روز سه شنبه، به آن حضرت ایمان آورد و در کنار علی علیه السلام به پیامبر و اقتدا کرد. این موضوع تا مدتی (سه سال) چندان علنی، نبود تا این که اراده الهی بر فراگیر شدن دعوت تعلق گرفت و چون افرادی هم چون ولید بن مغیره، عاص بن وائل اسود بن عبد المطلب، اسد بن عبد یغوث و حارث بن طلاله، خُزاعی پیامبر صلی الله علیه و اله و یارانش را مسخره می کردند، پیامبر صلی الله علیه و اله خوف این را داشت که مورد تمسخر آنان قرار گیرد؛ لذا این آیه نازل شد و به وی دستور داد که موضوع نبوت و رسالت را به صورت آشکار اعلام کند [و از غوغا و جنجال مشرکان نهراسد و به راحتی از کنار آن بگذرد] زیرا خدا خود دفع شر مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و اله را بر عهده گرفته است. (3)

طبق گزارش تاریخ و روایات، حضرت خدیجه علیها السلام از اولین کسانی بود که به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان آورد و طبعاً این بزرگوار آماج نکوهش ها و شماتت دشمنان بود و بر این موضوع صبر داشت.

در مورد دوم یعنی ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله نوشته اند:

اهل آثار و راویان اخبار اجماع دارند که هیچ کس از اشراف، سادات و

ص: 115

1- سوره مائده، آیه 54

2- سوره حجر، آیه 95

3- قمی، تفسیر قمی، ج 1، ص 379.

نجیب زادگان قریش نماند مگر این که از خدیجه علیها السلام خواستگاری کرد و خواهان همسری او شد، اما خدیجه علیها السلام به همه آن‌ها پاسخ منفی داد. هنگامی که رسول خدا با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد، زنان قریش بر او خشم گرفتند و رهایش کردند آنان به خدیجه علیها السلام گفتند: اشراف و امرای قریش از تو خواستگاری کردند با هیچ یک از آنان ازدواج نکردی اما با محمد، یتیم ابوطالب، فقیر بی مال ازدواج نمودی؟ (1)

این موضوع گواه است که خدیجه علیها السلام قبل از آن با هیچ کس ازدواج نکرده و هنگام ازدواج با پیامبر علیها السلام بکر بوده است.

از روایات استفاده می شود که این نکوهش ها تا سال ها پس از بعثت ادامه داشته است. طبق روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام، این موضوع هنگام ولادت حضرت زهرا علیها السلام به اوج خود رسید تا جایی که کسی حاضر نبود در وضع حمل به خدیجه علیها السلام کمک کند. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

(إِنَّ خَدِيجَةَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ هَجَرْتَهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكَرَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا سَلَّمْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَتَرَكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشَتْ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَام)

هنگامی که خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و اله خدا و ازدواج کرد، زنان مکه از اطرافش دور شدند و به وی سر نمی زدند و سلامش نمی کردند و حتی نمی گذاشتند کسی به وی سر بزند. (2)

در حقیقت قریشیان، خدیجه علیها السلام را تحریم روابط کردند و در محاصره ارتباطی قرار دادند.

4. اینثارگری در راه خدا

مقدس می نویسد:

جناب خدیجه علیها السلام در جایگاه وزیر برای پیامبر صلی الله علیه و اله ایفای نقش می کرد و با جان خود او را مساعدت و با مال خویش وی را کمک می کرد و با زندگی

ص: 116

1- مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم / سیره صحیح پیامبر اعظم، ج 1، ص 349

2- ابن بابویه، امالی، ص 594

با او، پشتیبان وی بود. (1)

وی در ادامه می نویسد:

خدیجه علیها السلام دارای جسمی، موزون جمال، شرافت و عقل بوده است.

در تفسیر این آیات شریفه که فرمود: (أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى، وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى، وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى). (2) و سخن از ایواء، هدایت و اغنای پیامبر صلی الله علیه و اله است، می توان گفت: اغنای پیامبر صلی الله علیه و اله در دو نوع متصور است: اغنای معنوی و اغنای مادی هر چند بپذیریم که اغنای معنوی آن حضرت به وسیله وحی و یا استجاب دعا انجام گرفته است؛ چنان که مفسران نیز بدان اشارت کرده اند؛ (3) بی شک اغنای مادی آن حضرت به وسیله اموال حضرت خدیجه علیها السلام صورت گرفته است؛ چنان که برخی از مفسران بر این عقیده اند علامه طباطبایی پس از معنا کردن «عائل» به فقیر بی مال و ثروت می نویسد:

فَأَغْنَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَا تَزَوَّجَ بِخَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَهَبَتْ لَهَا مَالَهَا وَكَانَ لَهَا مَالٌ كَثِيرٌ. (4)

برخی دیگر نیز همین دیدگاه را دارند. (5)

برخی از مفسران به نکته لطیفی اشاره کرده و ذیل آیه نوشته اند:

[خداوند] توجه خدیجه علیها السلام آن زن مخلص باوفا را به سوی تو جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد و بعد از ظهور، اسلام غنائم فراوانی در جنگ ها نصیب تو کرد، آن گونه که برای رسیدن به اهداف بزرگت بی نیاز شدی (6)

در حقیقت خداوند قلب خدیجه علیها السلام را برای هدف والای نبوی مسخر

ص: 117

1- مقدسی البدء و التاريخ، ج 5، ص 10

2- سوره ضحی آیه 6-8

3- قمی، تفسیر قمی، ج 2، ص 428

4- طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 20، ص 311

5- طبرسی، ج 10، ص 767 میدی، کشف الأسرار و عده الأبرار، ج 10، ص: 527 حقی برسوی: بی تا: ج 10، ص 458 و آلوسی، 1415: ج 10، ص 458.

6- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج 27، ص 105

پیامبر صلی الله علیه و اله کرد تا آن حضرت بتواند به هدف مهمش دست یابد.

به هر صورت مدال افتخار اغنای مادی اشرف مخلوقات و افضل انبیای الهی به گردن ایثارگر ترین زن عالم آویخته شد؛ ضمن این که حضرت خدیجه علیها السلام به این افتخار نمی کرد و خود را کنیز پیامبر صلی الله علیه و اله می دانست یعنی با ایثار در ایثار مدال خود را نیز با کنیزی آن حضرت بدل نمود مجلسی از جابر نقل می کند که خدیجه علیها السلام بعد از اجرای مراسم عقد، در حالی که ابوطالب قصد داشت پیامبر صلی الله علیه و اله را به خانه خویش ببرد خطاب به او عرضه داشت: (إِلَى بَيْتِكَ، فَبَيْتِي بَيْتُكَ، وَ أَنَا جَارِيَتُكَ). (1) و پیامبر صلی الله علیه و اله نیز وقتی عده ای در مقام اعتراض می گفتند: «چرا این قدر از خدیجه علیها السلام یاد می کنی، در حالی که بهتر از او به تو داده شده است؟» در حقش می فرمود:

(مَا أَبْدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبَنِي النَّاسُ، وَ وَاسْتَنِي بِمَالِهَا إِذْ حَرَمَنِي النَّاسُ، وَ رَزَقَنِي اللَّهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَ لَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا)؛

هیچ بدلی جایگزین وی نشده است! او مرا تصدیق کرد، هنگامی که مردم مرا تکذیب می کردند؛ او با مالش مرا کمک کرد، هنگامی که مردم مرا محروم می کردند، برای من فرزند آورد در حالی که هیچ کدام از همسران فرزندآوری نداشتند. (2)

گفتنی است فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله- به استثنای ابراهیم که از ماریه قطیبه بود همگی از خدیجه علیها السلام بودند. (3) در این جا دو نکته وجود دارد: نخست این که ابراهیم پسر ماریه در هیچده ماهگی از دنیا رفت و پیش از آن دیگر فرزندان پیامبر صلی الله علیه و اله از دنیا رفته بودند از این رو آن حضرت را ابتر نامیدند و قرآن دشمنش را ابتر نامید و فرمود: (إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ). (4) دوم این که در این میان، تنها حضرت زهرا علیها السلام که کوثر قرآن هستند و نسل پیامبر صلی الله علیه و اله از ایشان باقی

ص: 118

1- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار، ج 16، ص 4

2- مفید، الإفصاح في الإمامة، ص: 217

3- ابن اسحاق، سيرة ابن إسحاق، ج 2، ص 346

4- سوره کوثر، آیه 3

، ماند از حضرت خدیجه علیها السلام است. در نتیجه از میان همه همسران تنها از خدیجه علیها السلام یک دختر ماند و آن هم حضرت زهرا علیها السلام بود؛ یعنی مصداق عینی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و سلم که فرمود (وَرَزَقْنِي اللّٰهُ الْوَلَدَ مِنْهَا وَلَمْ يَرْزُقْنِي مِنْ غَيْرِهَا)، در حضرت زهرا علیها السلام تجلی یافت

5. پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و اله

یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام افزون بر پیشتازی در ایمان، اسلام، تصدیق نبوت و وحی پیشگامی در ادای نماز و اقتدای به پیامبر صلی الله علیه و اله است. شیعه و سنی بر این مسأله اجماع دارند که آن بانو جزء پیشگامان در این عرصه بودند. شیخ مفید می نویسد

یحیی بن عقیف از پدرش نقل می کند: «قبل از بعثت در مکه نزد عباس بن عبدالمطلب نشسته بودم که دیدم جوانی آمد و نگاهی به آسمان کرد و پس از آن رو به کعبه ایستاد تا نماز بگزارد در این هنگام، نوجوانی آمد و در سمت راست وی ایستاد؛ سپس زنی آمد و پشت سر آن دو قرار گرفت. وقتی جوان به رکوع می رفت آن نوجوان و زن نیز رکوع می رفتند و وقتی وی به سجده می رفت، آن دو نیز به سجده می رفتند». به عباس گفتم: «این کار عجیبی است!» گفت: «آیا می دانی که این جوان کیست؟ هَذَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ ابْنُ أَخِيّ او محمد بن عبدالله پسر برادر من است». بعد گفتم: «آیا می دانی این نوجوان کیست؟ هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ابْنُ أَخِيّ او علی بن ابی طالب پسر برادر من است»؛ آیا می دانی این زن کیست؟ «هَذِهِ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ؛ او خدیجه علیها السلام دختر خویلد است». عباس سپس ادامه داد «إِنَّ ابْنَ أَخِيّ هَذَا حَدَّثَنِي أَنَّ رَبَّهُ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَمَرَهُ بِهَذَا الدِّينِ الَّذِي هُوَ عَلَيْهِ وَ لَا وَاللَّهِ مَا عَلَيَّ ظَهَرَ الْأَرْضِ عَلَيَّ هَذَا الدِّينِ غَيْرُ هُوَ لِأَنَّ الثَّلَاثَةَ؛ این برادرزاده من می گوید خدایش خدای آسمان و زمین است که او را مأمور به این کار کرده است [نه خدایان متعدد ما] به خدا سوگند

طبری نیز جریان اقتدای خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و اله را بیان کرده و می گوید:

اجماع بر این است که اولین نفر از اهل قبله که دعوت پیامبر صلی الله علیه و اله را پاسخ داد، خدیجه علیها السلام بنت خویلد بود.

وی سپس می افزاید:

(ثُمَّ كَانَ أَوَّلُ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ عَلَيْهِ بَعْدَ الْإِقْرَارِ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْبَرَاءَةِ مِنَ الْأَوْثَانِ وَالْأَصْنَامِ وَ خَلْعِ الْأَنْدَادِ الصَّلَاةِ)؛

بعد از توحید الهی و تبری از بتها و شریک قرار دادن برای خدا اولین چیز از شریعت [احکام شرعی] که واجب شد نماز بود. (2)

طبعاً اولین کسانی هم که بدین شریعت عمل کردند، آن هایی بودند که به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان آورده بودند. طبق برخی از روایات هنگامی که نماز واجب شد جبرئیل کیفیت وضو را به پیامبر صلی الله علیه و اله یاد داد و خدیجه علیها السلام آن را از پیامبر صلی الله علیه و اله آموخت. متن روایت بنابر نقل طبری چنین است:

أَنَّ الصَّلَاةَ حِينَ افْتَرَضَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَتَاهُ جِبْرَائِيلُ وَهُوَ بِأَعْلَى مَكَّةَ، فَهَمَزَ لَهُ بِعَقِبِهِ فِي نَاحِيَةِ الْوَادِي، فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ عَيْنٌ، فَتَوَضَّأَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ لِيَرِيهِ كَيْفَ الطُّهُورُ لِلصَّلَاةِ، ثُمَّ تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا رَأَى جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَوَضُّاً، ثُمَّ قَامَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَلَّى بِهِ وَصَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِصَلَاتِهِ ثُمَّ انصَرَفَ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهَا لِيَرِيهَا كَيْفَ الطُّهُورُ لِلصَّلَاةِ، كَمَا أَرَاهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَوَضَّأَتْ كَمَا تَوَضَّأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ثُمَّ صَلَّى بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ كَمَا صَلَّى بِهِ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَصَلَّتْ بِصَلَاتِهِ؛

هنگامی که نماز بر پیامبر صلی الله علیه و اله واجب شد، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و اله بر بلندی مکه حضور داشت، جبرئیل نزد پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و در ناحیه وادی،

ص: 120

1- مفید، الإفصاح في الإمامة، ج 1، ص 30

2- طبری، تاریخ الطبری / تاریخ الرسل و الملوك، ج 2، ص 307

با بر زمین فشرود و چشمه آبی عیان شد و وضو گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله به آن می نگریست تا ببیند وضوی نماز چگونه است بعد جبرئیل نماز گزارد. پیامبر صلی الله علیه و آله هم نماز گزارد و جبرئیل بعد از نماز رفت. پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله نزد خدیجه علیها السلام آمد و همان گونه که از جبرئیل فراگرفته بود، برای خدیجه علیها السلام وضو گرفت تا آن را به وی تعلیم دهد. خدیجه نیز همان طور که یاد گرفته بود وضو گرفت و نماز را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جای آورد. (1)

بدین ترتیب جبرئیل معلم پیامبر صلی الله علیه و آله و پیامبر صلی الله علیه و آله معلم خدیجه علیها السلام معلم خدیجه بود.

6. مشکل گشایی از پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از نمادهای مهم در ارتباط زن و شوهری در فرهنگ اسلامی و الهی، همکاری هم کاری زن با شوهر به خصوص در یک امر مقدس است. به جرأت می توان گفت بعد از حضرت زهرا علیها السلام و هم کاری وی با امیرالمؤمنین علیه السلام، این ویژگی در حضرت خدیجه علیها السلام مشهود بوده است. ابن هشام در ردیف اوصاف حضرت خدیجه علیها السلام، پس از منزلت های معنوی چون: «اول من آمن» بودن خدیجه علیها السلام و تصدیق نبوت وحی و قرآن پیامبر صلی الله علیه و آله، چند نکته مهم را در وصف این بانوی کرامت و فضیلت بیان می دارد که هر کدام آن می تواند نمادی از سبک زندگی فرد مسلمان باشد از جمله:

1. با پیامبر صلی الله علیه و آله در امر رسالت هم کاری کرد؛

2. باعث کاهش سختی های پیامبر صلی الله علیه و آله شد؛

3. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ سخن ناراحت کننده ای از خدیجه علیها السلام نشنیدند؛

4. خدیجه علیها السلام فریاد رس پیامبر صلی الله علیه و آله در مشکلات و گرفتاری ها بود. (2)

خداوند منان به سبب این ویژگی عالی به وی سلام رساند و منزلی رفیع برای وی در بهشتش قرار داد که به بعضی از آن ها در عناوین بعدی اشارت خواهد شد.

ص: 121

1- طبری، تاریخ الطبری / تاریخ الرسل و الملوك، ج 2، ص 307

2- ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 140.

همان طور که اشاره شد خدای سبحان حضرت خدیجه علیها السلام را مخاطبه سلام خویش قرار داد ابن هشام در این باره می نویسد:

جبرئیل از سوی خدا برای خدیجه علیها السلام سلام فرستاد که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: (یا خدیجه علیها السلام، هَذَا جِبْرِيلُ يَقْرِنُكَ السَّلَامَ مِنْ رَبِّكَ)؛ ای خدیجه علیها السلام! این جبرئیل است که از جانب خدا برای تو سلام می فرستد». خدیجه علیها السلام در پاسخ گفت: (الله [هو] السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِيلِ السَّلَامُ)؛ خدا خود سلام است و سلام از اوست و سلام بر جبرئیل». (1)

اربعی نیز همین کلام را از ابن هشام نقل کرده، می نویسد:

(أَنَّ جِبْرِيلَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَقْرَى خَدِيجَةَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ رَبِّهَا السَّلَامَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ هَذَا جِبْرِيلُ يَقْرِنُكَ مِنْ رَبِّكَ السَّلَامَ قَالَتْ خَدِيجَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَمِنْهُ السَّلَامُ وَعَلَى جِبْرِيلِ السَّلَامُ). (2)

مجلسی نیز به نقل از عیاشی از ابوسعید خدری روایت می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(إِنَّ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِي لَيْدَةَ أُسْرِي بِي حِينَ رَجَعْتُ وَقُلْتُ يَا جِبْرِيلُ هَلْ لَكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ قَالَ حَاجَتِي أَنْ تُقْرَأَ عَلَيَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّي السَّلَامُ)؛ جبرئیل هنگام بازگشت از معراج در همان شب با من سخن گفت. به جبرئیل: گفتیم: «آیا حاجتی داری؟» گفت: «درخواست من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی». (3)

تردید وقتی یک انسان چنین رفتار شایسته ای با پیامبر صلی الله علیه و آله داشته باشد شایسته مخاطبه الهی و سلام خدایی می شود و خدای آن پیامبر برای او سلام می فرستد. گفتنی است در فرهنگ روایی اسلام سلام رساندن بر بندگان برای پیامبران خدا و به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وجود دارد و نسبت به غیر اولیاء

ص: 122

1- همان

2- اربعی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 30

3- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 7.

کامل الهی کمتر به چشم می خورد و یا اصلاً وجود ندارد. مگر در موارد اندک، از جمله زیارت برادر مؤمن که فقط برای خدا باشد. امام باقر علیه السلام فرمود:

خداوند فرشته ای را به زمین می فرستد و او در زمین راه می رود تا این که می رسد به در خانه ای که می بیند شخصی اذن ورود می خواهد فرشته می پرسد: «چه حاجتی داری؟» می گوید: «أُخِّ لِي مُسَلِّمٌ زُرْتُهُ فِي اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، قَالَ لَهُ الْمَلَكُ مَا جَاءَ بِكَ إِلَّا ذَاكَ! فَقَالَ مَا جَاءَ بِي إِلَّا ذَاكَ! فَقَالَ: إِيَّي رَسُولَ اللَّهِ إِلَيْكَ وَهُوَ يَقْرِيكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ وَجَبَتْ لَكَ الْجَنَّةُ...»؛

برادری [دینی] دارم که برای خدا به زیارتش رفتم. فرشته به وی می گوید: «فقط برای همین رفتی؟» پاسخ می دهد: «فقط برای همین.» فرشته می گوید: «من پیغام آور خدا به سوی تو هستم؛ خدا به تو سلام می رساند و می فرماید: بهشت بر تو واجب شد...» (1)

این روایت نشان می دهد که کار برای خدا موجب ارسال سلام الهی است. اما حضرت خدیجه علیها السلام با بزرگ ترین کار این چنینی، ملک مقرب الهی مستقیماً و عیناً سلام رسان الهی برای او شد و سلام مخصوص حضرت حق را برایش آورد.

8. تسلی و امداد الهی به حضرت خدیجه علیها السلام

پیش از این اشاره شد که حضرت خدیجه علیها السلام در مسیر حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله، متحمل سختی های فراوان شد. تا جایی که زنان قریش هنگام ولادت حضرت زهرا در بدرفتاری با وی از حد گذرانند امام صادق علیه السلام می فرماید:

(إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ هَجَرْتَهَا نِسْوَةٌ مَكَّةَ فَكَرَّ لَا يَدْخُلْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَسَلِّمْنَ عَلَيْهَا وَلَا يَتْرُكْنَ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسْتَوْحَشْتُ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا لِذَلِكَ...)

هنگامی که خدیجه علیها السلام با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ازدواج کرد، زنان مکه از اطرافش دور شدند و به وی سر نمی زدند و سلامش نمی کردند و حتی

ص: 123

نمی گذاشتند کسی به وی سر بزند؛ هنگامی که به حضرت زهرا باردار شد، تنها انیس و مونس وی جنین او بود.

(فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ كَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ تُحَدِّثُهَا مِنْ بَطْنِهَا وَ تُصَبِّرُهَا)؛

هنگامی که خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها السلام باردار شد، فاطمه در درون شکم با وی سخن می گفت و او را به صبر و شکیبایی توصیه می کرد حضرت خدیجه علیها السلام این امر را از پیامبر صلی الله علیه و اله پنهان می کرد تا این که روزی بر خدیجه علیها السلام وارد شد؛ (فَسَمِعَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ، فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ مَنْ تُحَدِّثِينَ قَالَتِ الْجَنِينِ الَّذِي فِي بَطْنِي يَحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي)؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و گفتگوی خدیجه علیها السلام با فاطمه علیها السلام را شنیدند و فرمودند: «ای خدیجه علیها السلام با چه کسی سخن می گویی؟» گفت: «جنینی که در شکم دارم با من سخن می گوید و او مونس من است». پس پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به خدیجه علیها السلام فرمود:

(یا خدیجه علیها السلام هَذَا جَبْرَيْلُ يَخْبِرُنِي [يَبْشِرُنِي] أَنَّهَا أَنْتِ وَأَنَّهَا التَّسْلَةُ الظَّاهِرَةُ المَيْمُونَةُ وَأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أَيْمَةً وَ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ)؛

ای خدیجه علیها السلام جبرئیل به من بشارت داد که این جنین دختر و نسل پاکیزه و مبارک است خداوند نسل مرا از او قرار داده و ائمه و خلفای الهی که بعد از انقطاع وحی می آیند، از اوست».

این جریان تحدیث فاطمه با مادرش تا هنگام ولادت ادامه داشت که فرمود:

(حَضَرَتْ وَلَاذُنُهَا فَوَجَّهَتْ إِلَى نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَ بَنِي هَاشِمٍ أَنْ تَعَالَيْنَ لِتَلِينَ مَنِّي مَا تَلِي النِّسَاءَ مِنَ النِّسَاءِ فَأَرْسَلَنَ إِلَيْهَا أَنْتِ عَصِيْبَتَا وَ لَمْ تُقْبَلِي قَوْلَنَا وَ تَزَوَّجَتْ مُحَمَّدًا يَتِيمَ أَبِي طَالِبٍ فَقَبْرًا لَا مَالَ لَهُ فَلَسْنَا نَجِيءٌ وَ لَا نَلِيٌّ مِنْ أَمْرِكَ شَيْئًا فَأَعْتَمَّتْ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ لِذَلِكَ فَبَيْنَا هِيَ كَذَلِكَ إِذْ دَخَلَ عَلَيْهَا، أَرْبَعُ نِسْوَةٍ مَرَّ طَوَالَ كَانَهُنَّ مِنْ نِسَاءِ بَنِي هَاشِمٍ، فَفَزِعَتْ مِنْهُنَّ لَمَّا رَأَتْهُنَّ فَقَالَتْ إِحْدَاهُنَّ لَا تَحْزَنِي يَا خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ! فَأَرْسَلْنَا لَنَا رَبِّكَ إِلَيْكَ وَ نَحْنُ أَخَوَاتُكَ أَنَا سَارَةُ وَ هَذِهِ آسِيَةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ وَ هِيَ رَفِيقَتُكَ فِي الْجَنَّةِ وَ هَذِهِ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ هَذِهِ كَلْتُومُ أُخْتُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ بَعَثْنَا اللَّهُ إِلَيْكَ لِنَلِي

(مِنْكَ مَا تَلِي النَّسَاءَ فَجَلَسَتْ وَاحِدَةً عَنْ يَمِينِهَا وَ أُخْرَى عَنْ يَسَارِهَا وَ الثَّالِثَةَ بَيْنَ يَدَيْهَا وَ الرَّابِعَةَ مِنْ خَلْفِهَا فَوَضَعَتْ فَاطِمَةَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً)؛

وقتی زمان ولادت فاطمه علیها السلام و نزدیک شد دنبال زنان قریش و زنان بنی هاشم فرستاد تا به خانه خدیجه علیها السلام بیایند و به وی کمک کنند زنان قریش پیام دادند: «تواز ما نافرمانی کردی و پیشنهاد ما را رد نمودی! و با محمد فقیر و یتیم ابوطالب ازدواج کردی؛ ما به کمک تو نمی آییم. لذا خدیجه علیها السلام غمگین شد. در این میان چهار زن گندم گون مانند زنان بنی هاشم بر وی وارد شدند خدیجه علیها السلام ابتدا ترسید و فزع کرد اما هنگامی که آن ها را دید یکی از آن ها به وی گفت: «خدیجه علیها السلام نترس! ما خواهران تویم من ساره هستم و این آسیه دختر مزاحم رفیق تو در بهشت است؛ آن یکی مریم دختر عمران و این یکی کلثوم خواهر موسی بن عمران است. خدا ما را برای کمک به تو فرستاده است». این چهار نفر یکی در طرف راست و دومی در طرف چپ سومی روبه رو و چهارمی پشت سر خدیجه علیها السلام نشستند و فاطمه طاهره مطهره به دنیا آمد (1)

در حقیقت حضرت خدیجه علیها السلام از یک سو حامل وجود ذی جودی چون فاطمه زهرا علیها السلام بود که هیچ زنی چنین شایستگی را نداشت و از سوی دیگر، به سبب این دختر و مادری وی مخدوم ولیات سیدات و سروران زنان عالم گردید.

9. تفکر درست اقتصادی

از ویژگی های رفتار خدیجه علیها السلام، ثروتمندی وی و درست هزینه کردن آن است. نوشته اند که خدیجه علیها السلام دارای ثروت زیاد و تاجری با شرافت بود و مردان زیادی از قریش برای وی تجارت می کردند. (2) اما مهم این است این ثروت که از راه تجارت به دست آمده در چه راهی هزینه شد دو نکته مهم در روش خدیجه علیها السلام وجود داشت:

ص: 125

1- ابن بابویه، أمالی، ص 594

2- طبری، تاریخ الطبری/ تاریخ الرسل و الملوك، ج 2، ص 280

الف) حمایت همه جانبه از شوهرش و آرمان های او؛

ب) هزینه کردن ثروت در راه نشر اسلام

گفتنی است کسب مال و هزینه شدن آن چهار صورت دارد:

1. کسب حلال و هزینه کرد حلال؛

2. کسب حلال و هزینه کرد حرام؛

3. کسب حرام و هزینه کرد حلال؛

4. کسب حرام و هزینه کرد حرام.

صورت چهارم بدترین حالت است و صورت اول بهترین حالت. صور دوم و سوم نیز با درصد خطای بالا روبه رو است. بر اساس آموزه های قرآن که فرمود: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ)؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از قسمت های پاکیزه اموالی که به دست آورده اید و از آن چه از زمین برای شما خارج ساخته ایم [از منابع، معادن، درختان و گیاهان] انفاق کنید! و برای انفاق به سراغ قسمت های ناپاک نروید در حالی که خود شما [به هنگام پذیرش اموال] حاضر نیستید آن ها را بپذیرید مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند بی نیاز و شایسته ستایش است» (1)

تنها صورت اول است که شایستگی انفاق در مسیر خدا را دارد و حضرت خدیجه علیها السلام این گونه عمل کرد و در حقیقت قبل از نزول آیه انفاق، با هدایت فطری، انفاق قرآنی انجام داد.

10. دوست داشتنی و فرزند داری

یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام که بخشی از سبک زندگی او را تشکیل می دهد و می تواند الگویی مناسب برای جامعه ایمانی امروزی باشد،

ص: 126

فرزند داری وی و توجه به تربیت آن است. بر اساس گزارش های تاریخی و گواهی احادیث در میان زنان پیامبر صلی الله علیه و آله تنها همسری که نسل آن حضرت به معنای عام را ماندگار نمود حضرت خدیجه علیها السلام است که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره اش تعبیر به «ولود» کردند. طبق روایت منقول از امام صادق علیه السلام پیامبر صلی الله علیه و آله وارد منزل شدند و دیدند که عایشه بر حضرت فاطمه علیها السلام فریاد می کشد و می گوید: «ای دختر خدیجه علیها السلام، مادرت را برتر از ما می دانی؟!» و ادامه داد: «أَيُّ فَضْلٍ كَانَ لَهَا عَلَيْنَا مَا هِيَ إِلَّا كَبَعْضِنَا؛ او چه برتری بر ما دارد؛ او هم مثل ماست؟»، و فاطمه زهرا علیها السلام به خاطر این برخورد می گرید! در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَارَكَ فِي الْوَدُودِ وَالْوَلُودِ وَإِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَحِمَهَا اللَّهُ وَوَلَدَتْ مِنِّي طَاهِرًا... وَوَلَدَتْ مِنِّي الْقَاسِمَ وَفَاطِمَةَ...) خدای تبارک و تعالی برکت را در [زن] دوست داشتی و فرزند دار قرار داده است و خدیجه علیها السلام [این چنین بود] برای من فرزندان چون طاهر قاسم و فاطمه را به دنیا آورد...» (1)

نکته قابل توجه این که هر چند پسران و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله همگی و حتی ابراهیم از دنیا رفتند فاطمه علیها السلام که از پیامبر و خدیجه علیها السلام باقی ماندند، منشأ بخش عظیمی از جمعیت روی زمین در روزگار حاضرند که درصد بالایی را تشکیل می دهد و کوشش نبوی را تحقق بخشیدند.

به هر صورت، یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام افزون بر ولود بودن، ودود بودن اوست. و دود به لحاظ ساختاری صفت مشابه است که می تواند به معنای اسم فاعل یعنی واژه و محب [به ضمیمه و کسر حا و باء مشدد] باشد (2) و هم می تواند به معنای اسم مفعول یعنی مودود و محبوب، از این رو، در معنای «هُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ» (3) می گویند به معنای «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (4)

ص: 127

1- مجلسی، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الاطهار، ج 16، ص 3

2- فیومی، المصباح المنیر، کلمه ودد

3- سوره بروج، آیه 14

4- سوره مائده، آیه 54

است. (1) بنابراین و دود بودن حضرت خدیجه علیها السلام یعنی که هم محبوب پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و هم محب آن حضرت زنان جامعه نیز با تاسی از این ویژگی می توانند در زندگی مشترک با شوهر هم محب باشند و هم محبوب؛ یعنی هم دوستدار باشند و هم دوست داشتنی.

در معنای و دود نیز گفته شده که این واژه به معنای «البعید من النفاق = دور از نفاق» است. (2) که در این صورت ویژگی دیگری برای حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می آید.

گفتنی است رابطه محبتی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام آن قدر عمیق بود که سال وفات آن بانو سال حزن نام گذاری شد.

11. عطوفت بر فرزند

امام باقر علیه السلام درباره گریه حضرت خدیجه علیها السلام در داغ فرزندش می فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از درگذشت پسرش، قاسم بر خدیجه علیها السلام وارد شدند و دیدند خدیجه علیها السلام گریه می کند فرمود: «چه چیز باعث گریه کردنت شده است؟» گفت: «با جریان شیر به یاد فرزندم افتادم». فرمود: (یا خدیجه علیها السلام أَمَا تَرْضَيْنَ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ تَجِيءَ إِلَى بَابِ الْجَنَّةِ وَهُوَ قَائِمٌ فَيَأْخُذُ بِيَدِكَ فَيُدْخِلُكَ الْجَنَّةَ وَيُنْزِلُكَ أَفْضَلَ لَهَا)، (وَذَلِكَ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَحْكَمٌ وَأَكْرَمٌ أَنْ يَسْلُبَ الْمُؤْمِنَ ثَمْرَةَ فُؤَادِهِ ثُمَّ يُعَذِّبَهُ بَعْدَهَا أَبَدًا)؛

ای خدیجه علیها السلام آیا نمی خواهی به این امر راضی باشی که در روز قیامت، به هنگام ورود به بهشت دستت را بگیرد و تورا به جای برتر بهشت ببرد... و این لطف به این علت است که خدا عز و جل برتر از این است که ثمره دل کسی را بگیرد و بعد او را عذاب کند».

(3)

آن چه در این جا مهم است این که زنی چون خدیجه علیها السلام کبری علیها السلام به یاد

ص: 128

1- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، کلمه ودد.

2- ابن مرزبان، الألفاظ (الكتابة والتعبير)، ج 1، ص 108

3- کلینی، کافی، ج 3، ص 218

فرزند از دست رفته اش می‌گیرد و با تذکر نبوی آرام می‌گیرد. این نیز بیان گر ایمان راسخ خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و تأثر پذیری از آن حضرت است. این نکته است که یک زن مؤمن اولاً ولود باشد و بی دلیل و یا به دلای واهی از فرزندار شدن جلوگیری نکند. ثانیاً برای از دست رفتن فرزند خود ناراحت و افسرده بشود. ثالثاً با تذکر ولی خود آرام گردد رابعاً امید و ایمان داشته باشد که این داغ فرزند و صبر بر آن پاداشی عظیم دارد تا جایی که ممکن است عذاب الهی از وی برداشته شود

12. شایستگی مادری حضرت زهرا علیها السلام

بی تردید حضرت زهرا علیها السلام به عنوان حلقه اتصال بین نبوت ولایت و امامت جایگاهی ویژه در نظام تکوین و تشریح دارند، ضمن این که این بانوی کرامت و شرافت که کوثر قرآن و سبب تداوم نسل نبوی بودند، فضیلت سیادت بر زنان عالم را نیز داشتند که در حدیث نبوی فرمود:

(إِنَّ عَلِيًّا وَصِيًّا وَ خَلِيفَتِي وَ زَوْجَتَهُ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ابْنَتِي)؛

همانا علی علیه السلام وصی و خلیفه من است و همسرش فاطمه دخترم سرور زنان جهانیان (1)

و نیز فرمود:

(وَأُمِّي ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَىٰ وَالْآخِرِينَ وَ هِيَ بَصْعَةٌ مِنِّي وَ هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ هِيَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي وَ هِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ جَنْبِي وَ هِيَ الْحَوْزَاءُ الْإِنْسِيَّةُ)؛

دخترم فاطمه سرور زنان عالمیان از اول تا آخر است؛ او پاره تن من نور چشم من و میوه دل من است؛ او روح من است که در تنم قرار دارد و او انسانی حوریه خصال است. (2)

آن چه در این جا اهمیت دارد این که ظرف تحقق وجودی چنین وجود

ص: 129

1- ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج 4، ص 179

2- ابن بابویه، امالی، ص 113

عظیمی کیست؟ کدام یک از زنان عالم شایستگی چنین فضیلتی را داشتند؟ مگر هر زنی می تواند دارای این ویژگی شود؟ کدام صدفی این کوثر و گوهر گران بها را در خود پرورش داد؟ این جاست که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی فرمودند:

(لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ بِيَدِي جِبْرَائِيلُ فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ فَنَاولَنِي مِنْ رُطْبِهَا فَأَكَلْتُهُ فَتَحَوَّلَ ذَلِكَ نُطْفَةً فِي صَدْرِي فَلَمَّا هَبَطْتُ إِلَى الْأَرْضِ وَافَعْتُ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامَ فَحَمَلْتُ بِفَاطِمَةَ فَقَاطِمَةُ حَوَراءُ إِنْسِيَّةٌ فَكَلَّمَا اشْتَقْتُ إِلَى رَائِحَةِ الْجَنَّةِ شَمِمْتُ رَائِحَةَ ابْنَتِي فَاطِمَةَ)؛

هنگامی که به آسمان عروج کردم جبرئیل دستم را گرفت و مرا وارد بهشت کرد و از رطب بهشت تناول نمودم و این مأکول، به نطفه ای در صلب من تبدیل شد و به خدیجه علیها السلام منتقل و او به فاطمه باردار گردید بنابراین، فاطمه حوریه ای است به صورت انسان هر وقت مشتاق رایحه بهشتی شوم دخترم فاطمه را می بویم. (1)

این صدف، کسی جز امّ المؤمنین خدیجه علیها السلام، و آن هم با مقدمات ملکوتی و عنایات الهی کس دیگری نیست و در حقیقت این یکی از امتیازات آن بانو به شمار می آید.

نتیجه

با مرور در گزارش های تاریخی و روایی مرتبط با حضرت خدیجه علیها السلام چنین استفاده می شود که این بانوی کرامت شرافت و سیادت، در عرصه های مختلف بینشی، منشی و کنشی دارای ویژگی هایی بعضاً منحصر به فرد بودند که نه تشریحاً و نه تکویناً تکرار پذیر نیست. وی در عرصه بینش، دارای بینش عمیق اعتقادی و بصیرت درست بودند در عرصه، اخلاق ایشان پایداری در برابر سرزنش ها و نیز ایثارگری در راه خدا را در کارنامه خود دارند. و در عرصه عمل و کنش پیشگام در اقتدا به پیامبر صلی الله علیه و آله و ویژگی مشکل گشایی از ساحت نبوی در برنامه خود داشتند که در امر رسالت به وسیله ثروت خدادادی با وی همکاری

ص: 130

کرد. این بزرگ بانوی اسلام به خاطر عقیده بصیرت و عمل، به جای دست یازید که مورد عنایت الهی مخاطب مستقیم سلام الهی و از سروران زنان عالم شد. رابطه این بانوی بزرگوار با پیامبر صلی الله علیه و آله، رابطه دوسویه محبتی بود؛ یعنی هم محب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و هم محبوب او و بالا-خره به جایگاهی رسید که مدال شایستگی علیت برای بقای نسل مطهر نبوی را دریافت نمود و به واسطه او، کوثر نبوت محقق گردید.

ص: 131

1. ابن إسحاق، محمد، سيرة ابن إسحاق / كتاب السير والمغازي، تحقيق سهيل زكار چاپ، اول، بيروت، دار الفكر، 1398ق.
2. ابن بابويه، محمد بن علی، أمالی، چاپ ششم کتابچی، تهران، 1376ش.
3. ابن بابويه، محمد بن علی من لا يحضره الفقيه، تحقيق على اكبر غفاري چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1413ق.
4. ابن هشام عبدالملك السيرة النبوية، تحقيق مصطفى سقا و ابراهيم أيارى و عبدالحفيظ شلبى، چاپ دوم، مصر، شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي و أولاده، 1375.
5. ابن مرزبان، محمد بن سهل، الألفاظ (الكتابة و التعبير)، تحقيق حامد صادق قنبي چاپ اول، عمان، دار البشير، 1412ق.
6. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه في معرفة الاثمه، بيروت، دارالكتب الاسلاميه، 1981م.
7. بيهقي، أحمد بن الحسين، دلائل النبوة، تحقيق عبدالمعطي، قلعجي چاپ اول دارالكتب العلمية دارالريان للتراث، 1408ق.
8. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشيعه، چاپ اول، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، 1409ق.
9. راغب، اصفهانی، حسين مفردات الفاظ القرآن، تحقيق عدنان داودى، چاپ اول، بيروت، دار القلم دمشق و الدار السامية، 1412ق.
10. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الطبري / تاريخ الرسل والملوك، و (صلة تاريخ الطبرى لعريب بن سعد القرطبي)، چاپ دوم، بيروت، دارالتراث، 1387ق.
11. فيومى، احمد بن محمد المصباح المنير چاپ دوم، ايران، منشورات دار الهجرة، 1414ق.

12. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق سید طیب موسوی جزایری، چاپ چهارم، قم، دارالکتاب، 1367 ش.
13. کلینی، محمد بن یعقوب کافی چاپ چهارم تهران دارالکتب الإسلامیه، 1365 ق.
14. مازندرانی، محمد صالح، الکافی الأصول والروضه، چاپ اول، تهران، المكتبة الإسلامية، 1382 ش.
15. مجلسی، محمد باقر، 1403، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت، داراحیاء التراث العربی بی تا
16. مرتضی عاملی، سید جعفر الصحیح من سیره النبی الاعظم سیره صحیح پیامبر اعظم، ترجمه محمد سپهری، چاپ اول، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1391 ش.
17. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.
18. مفید، محمد بن محمد، الإفصاح في الإمامة، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق.
19. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، مكتبة الثقافة الدينية، بور سعید، بی تا
20. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دار الکتب الإسلامیه 1374 ش.
21. میبدی، احمد بن ابی سعید رشید الدین، كشف الأسرار وعده الأبرار، تحقیق علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، 1371 ش.

*الگوی رفتاری حضرت خدیجه کبری علیها السلام در زمینه همسررداری: ثریا شاعیدی (1)

چکیده

لزوم شناخت الگویی کامل در تعاملات رفتاری همسران موجب استحکام و بالندگی مهم ترین نهاد جامعه یعنی خانواده می شود. درایت نواندیشی و معنویت جویی از مهم ترین اصول ارزشی در انتخاب شریک و همراه زندگی است این صفات به همراه اطاعت پذیری احترام و نگرش ارزش مدارانه به همسر، تنها نمونه هایی از جلوه های بارز همسررداری خدیجه کبری علیها السلام برای کسانی است که به نیک بختی و سعادت می اندیشند از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی، سیره رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان الگویی کامل و بی بدیل در همسررداری به جامعه معرفی سازد و مسبب تحکیم روابط بین زوجین و در نهایت خانوادهای با نشاط گردد

واژگان کلیدی

خدیجه کبری، الگو، رفتار، ارتباط همسررداری

مقدمه

سبک شوهررداری بانوان یکی از ابعاد مهم اثرگذار سبک زندگی اسلامی است که سهم والایی در نشاط و استحکام خانواده و در نتیجه اجتماع بشری دارد. همان که در لسان شریف پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که یکی از زنان مسلمان خدمت

ص: 134

آن حضرت مشرف شد و از علت معافیت زنان از جهاد پرسید، فرمودند: (جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ)؛ «جهاد زن خوب شوهرداری کردن است».⁽¹⁾

یکی از برنامه های تربیتی اسلام آموزش سبک شوهرداری به بانوان است. امروزه بسیاری از اختلافات ناهنجاری ها و مشاجراتی که طعم زندگی را به کام همسران و فرزندان شان تلخ کرده از نداشتن الگویی کامل برای اداره درست خانواده نشأت می گیرد.

اگر جامعه ای بخواهد بنای زندگی مشترک را با شالوده های متین بنا نماید باید الگوی برتر سبک رفتار زن با شوهر در خانواده ها را بشناسد و پس از شناسایی رفتاری او را سرمشق خویش قرار دهد و در جهت همانند شدن با او بکوشد.

حضرت خدیجه علیها السلام در طول 25 سال زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله در ترویج آیین شوهرداری اسلامی به عنوان اولین زن تشکیل دهنده خانواده مسلمان، کوشید تا با رعایت حقوق و آداب، همسررداری نهایت تلاش خویش را برای کسب خشنودی همسر و سازگاری با وی به عمل آورد.

این نوشته نگاهی است نو و زنده به سیره درخشان و الهام بخش این بانوی بزرگ در فضایی که آکنده از تعصب کور جاهلی و دنباله روی از رهبران تاریک فکر و ستم پیشه بود بانویی فرزانه که سمبل معنویت و اخلاق به شمار می آمد و مردم روزگارش او را پاک منش و پاک روش می شناختند.

بی تردید مهم ترین بخش زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، در پیوند ایشان با حضرت محمد صلی الله علیه و آله صورت می پذیرد ازدواج آن بانوی عاقل و کامل با پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و شریک آرمان ها و پشتیبانی های بی دریغ آن حضرت نقطه عطفی در تاریخ اسلام است که در شمار برترین زنان تاریخ ساز جلوه می کند. در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه علیها السلام را «صدیقه امت اسلامی» نامیدند: (هذه صدیقه امتی).⁽²⁾ به همین دلیل نوشتار حاضر با هدف

ص: 135

1- کلینی، کافی، ج 9، ص 370

2- ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 2، ص 62

درس آموختن و الگو گرفتن از سبک شوهرداری پرجاذبه حضرت خدیجه علیها السلام برای همه به ویژه دختران و زنان کمال طلب و روشن فکر تدوین شده است. چگونگی رفتار ایشان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله به عنوان رهبر امت اسلامی در زندگی مشترک، سؤال اصلی پژوهش حاضر است

پژوهش های فراوانی درباره این موضوع انجام شده است. از آثار مستقل درباره خدیجه کبری علیها السلام می توان به کتاب علی کرمی فریدنی (1382) به نام در فروغ آسمان حجاز اشاره کرد. وی در یکی از بخش های کتاب، به سه دهه زندگی و دغدغه های مشترک ایشان پرداخته است. استاد حسین تهرانی نی (1392) نیز در کتاب خصائص ام المومنین خدیجه الکبری علیها السلام، به بررسی شخصیت آن بانوی بافضیلت با ذکر ویژگی های وی همانند حسن رفتار با همسر راستی و درستی و مقاومت و صبوری پرداخته است. هم چنین مؤسسه سبطین مقاله ای با نام «ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و اله نگاشته»؛ اما هیچ یک از این پژوهش ها نگاه استقلالی به الگوی رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام در همسررداری ندارند در نوشتار حاضر با محوریت نمونه هایی از آیین همسررداری آن بانوی بافضیلت در پی نشان دادن الگویی درست از، همسری برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

نمونه هایی از آیین همسررداری به سبک حضرت خدیجه علیها السلام

1. معیار ارزشی در گزینش همسر

در گام نخست، استحکام خانواده، به جلوگیری از تشکیل خانواده ای سست بنیان و متزلزل وابسته است گزینش درست همسر مبتنی بر آموزه های، دینی به تشکیل خانوادهای پایدار می انجامد اهداف و انگیزه ها در پیوند دو انسان برای زندگی مشترک متفاوت است داشتن انگیزه ای الهی و معنوی و نه احساسی و مادی از نکاتی است که هم در متون دینی و هم از سوی صاحب نظران مسائل خانواده بر آن تأکید شده است؛ زیرا این امر، تأثیر

انکارناپذیری بر موفقیت و تداوم پیوند زوجین دارد هدف برخی مادی و رسیدن به جاذبه های ظاهری است و پاسخ گویی به نیاز جسم را پی می گیرند، اما برخی دیگر در اندیشه جاذبه های معنوی و یافتن مونسی امین برای پیمایش راه کمال و سعادت هستند.

ازدواج از دیدگاه اندیشه ویران و معنویت خواهان پاسخی است به نیازهای روحی و روانی و عاطفی انسان که قرآن کریم در این باره می فرماید: (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ)؛ «و از نشانه های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان تان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند».(1)

از بالا ترین فضایل حضرت خدیجه علیها السلام، به اندیشه بلند و بصیرت عمیق ایشان اشاره می توان کرد که در مراسم خواستگاری اش خطاب به حضرت محمد صلی الله علیه و اله، ملاک و معیار اصولی خود را این چنین معرفی می کند:

(يَا بْنَ عَمِّ! إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقِرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ)؛ (2)

ای پسر عمو! من به خاطر خویشاوندیت با من و شرف و امانت داریت در میان قوم خود و به جهت اخلاق نیک و راست گویت، به تو تمایل پیدا کردم

انگیزه های خردگرایانه و نوگرایانه خدیجه علیها السلام برای انتخاب شریک و هم‌تای زندگی به گواهی، تاریخ ایمان و آگاهی ژرف به تقوا و پاک دامنی و نجابت پیامبر صلی الله علیه و اله و آینده درخشان ایشان بود و هرگز این اصول و ارزش ها در زندگی پرفراز و نشیب او و توفان تاریک اندیشی ها، تابع احساسات و دست خوش آفت ها نگردید.

ص: 137

1- سوره روم، آیه 21

2- ابن هشام، سیره النبی، ج 1، ص 201؛ طبری، تاریخ طبری، ج 1، ص 521، اربلی، کشف الغمه فی معرفه الائمه، ج 1، ص 509.

گزینش شگفت و سرنوشت ساز بانوی با درایت، قریش ناشی از بینش و منش پاک و استواری بود. وی در پاسخ به گروهی از زنان قریش که او را به سبب این ازدواج سرزنش می کردند، فرمود:

ای زنان شنیده ام شما و شوهران تان در مورد ازدواج من با محمد صلی الله علیه و آله خرده گرفته اید و عیب جویی می کنید از خود شما می پرسم: آیا در میان شما، فردی مانند محمد صلی الله علیه و آله وجود دارد؟ آیا در شام و مکه و اطراف آن شخصیتی مانند ایشان در فضایل و اخلاق نیک سراغ دارید؟ من به سبب این ویژگی ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است. (1)

امام صادق علیه السلام در مورد انگیزه آن بانوی با فضیلت و معنویت در پیوند با پیامبر فرمودند:

او همان بانویی است که به سبب کمال جویی و آینده نگریش، خود را به همسری پیامبر آزادی درآورد؛ زیرا پرتوی از نویدها و بشارت های کتاب های آسمانی پیشین را از زبان دانایان و پارسایان روزگار خویش در وصف محمد صلی الله علیه و آله شنیده بود. (2)

ملاک و معیار خدیجه علیها السلام در انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله به همسری و ادامه زندگی با او مخالف معیارهای نظام اشرافی مکه و حتی با زندگی خانواده های معمولی بود. زندگی خدیجه علیها السلام در گذر از رفاه به فقر فقط قابل تحلیل با عشق خالص او به پیامبر صلی الله علیه و اله و آن هم نه عشق وصال بلکه عشقی تشنگی افزا و معرفت افزون بود. (3)

یک معیار ارزشی و خداپسندانه راز موفقیت و کامیابی در بنا نهادن نهاد متعالی خانواده است که مسیر زندگی را از بنیان دگرگون می کند و زوجین را به اوج می رساند.

ص: 138

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 81.

2- الحمیری، السیره النبویه، ص 325

3- زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام، ص 289

در نگرش اسلامی ارتباط عاطفی یکی از شاخص های مثبت همسری است. زن و مرد به گونه ای آفریده شده اند که به صورت زیستی - طبیعی دارای گرایش به روابط احساسی - عاطفی با یک دیگرند. این روابط، در ارتقای سلامت روحی و پرورش استعداد های تربیتی آنان بسیار مؤثر است و در کاهش اضطراب ها و آشفتگی ها نقش اساسی دارد خداوند حکیم در قرآن کریم، (1) یکی از اهداف تشکیل خانواده را پیوند مودت و رحمت بیان فرموده است. در روایات معصومان علیهم السلام، زنی ستوده شده که یار و یاور شوهرش باشد و روزگار را علیه او نشوراند. و در تنگنا های روحی همدم و مونس او باشد. چنین زنی از کارگزاران الهی شمرده شده است. (2)

مودت و رحمت میان زن و شوهر مقوله ای دو طرفه است؛ یعنی هر یک از زن و مرد، در ژرفای وجود خویش، به مهربانی از جانب دیگری نیاز دارند و این نیاز تنها با تشکیل خانواده و آمیزش آن دو برآورده می شود. پس در تشکیل خانواده تنها رفع نیاز جنسی مطلوب نیست؛ بلکه افزون بر رفع نیاز، نوعی نیاز به احسان و عطوفت از سوی همسران نسبت به همدیگر وجود دارد و هر دو از این رفع نیاز، احساس شادمانی می کنند، بی آن که هر گونه تلاش و تحمل رنج در این راه بتواند آن ها را دچار خستگی کند. (3)

بر همین اساس علامه محمد جواد مغنیه می گوید:

ازدواج مبادله روح با روح و عقد ازدواج پیمان مودت و رحمت است، نه مالک شدن جسم بر جان (4)

سر آغاز زندگی مشترک خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و اله، با تبلور و درخشندگی فراوانی همراه بود و هر روز زیبایی و لطافت بیش تری به خود می گرفت؛ زیرا

ص: 139

1- سوره اعراف، آیه 7 و 189؛ سوره روم، آیه 21

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 31

3- سید حسین هاشمی، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصل نامه پژوهش های قرآنی ش، 48، ص 88

4- مغنیه، سیره النبویه، ج 2، ص 451

آن‌ها زندگی مشترک را در فضایی آغاز کرده بودند که لبریز از عشق و معرفت و خداپرستی و نوع دوستی بود و در کران تا کران آن، مهر و عطوفت و ارزش‌های دل‌انگیز اخلاقی موج می‌زد نهایت خضوع و عشق خدیجه علیها السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله را در هنگام پایان یافتن مراسم عقد و ازدواج ایشان با ابراز «به خانه ات در آی که خانه من خانه توست و من کنیز تو» نمایان می‌گردد. (1) این عشق و علاقه یک طرفه، نبود بلکه محبت دو جانبه بود این واقعیت را ابوطالب در خطبه عقد چنین بیان کرد «و له فی الخدیجه رغبه و لها فیه رغبه». (2)

در روایات شیعه و اهل تسنن و نیز در کلام بزرگان و اندیشه وران، درباره شدت عشق خدیجه علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیرات گوناگونی به میان آمده است.

به گفته نویسنده مستدرک سفینه البحار، «فضایل حضرت خدیجه علیها السلام که در ابواب مختلف روایات آمده بیش از آن است که قابل شمارش باشد. حاصل توجه به این روایات پی بردن به راز عظمت او و شناخت شایستگی‌های اوست». (3)

خدیجه علیها السلام برترین همسر برای بزرگ‌ترین مرد به شمار می‌رفت. زندگی آنان سرشار از محبت و عشق صادقانه و وفاداری کامل و اخلاصی متقابل بود. آنان فرزندان صالح از دختر و پسر داشتند که روزی خداوند برایشان بود. (4)

به راستی شیفتگی و دلدادگی خالصانه، این دو انسان نمونه را که از نظر وضعیت زندگی کاملاً تفاوت داشتند به هم نزدیک ساخت و مهر و معنویت وصف ناپذیری را میان آنان پدید آورد که همواره در تاریخ اسلام از آن دو زوج کمال یافته به عنوان دو اسطوره عاشقی یاد می‌شود.

3. اطاعت پذیری زن از شوهر

در رویکرد، قرآنی تفکیک نقش‌ها و اطاعت پذیری زن در برابر مرد در پیوند

ص: 140

1- بحار الانوار، ج 17، ص 309

2- کلینی، کتاب النکاح، ح 9.

3- قمی، سفینه البحار، ص 572

4- عبد العال، تساء خالداً فی القرآن الکریم، ص 69

زوجیت، از یک سو بر تفاوت های طبیعی و از سوی دیگر، بر پایه دستورهای و فقهی و اخلاقی استوار است که در حقوق و تکالیفی پدیدار می شود که آن دو در قبال یک دیگر دارند. این نوع اطاعت پذیری که از ویژگی های طبیعی و زیستی- روانی ناشی می شود بر اساس توانایی ها و نیازمندی هاست و نمی تواند دلیلی بر ارزشمندی و فضیلت یک جنس بر جنس دیگر و نه تحقیر دیگری باشد. ایفای نقش ها در جایگاه همسری احساس رضایت و کمال به زن و مرد می دهد. بنابراین اسلام در پی نشان دادن الگویی درست از همسری برای ایجاد روابط سالم و سازنده است.

قرآن کریم می فرماید: (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...); «پس زنان صالح زنانی متواضعند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده حفظ می کنند».(1)

جمله (فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ)، لحن و تعبیری توصیفی دارد نه امری و دستوری در واقع حکم مربوط به شئون همسری و چگونگی روابط در خانواده است و می فرماید زنان صالح باید چنین و چنان باشند؛ یعنی همواره در اموری که به کام جویی شوهران مربوط می شود بر آنان واجب است که مراعات کنند و همه چیزهایی که به حق شوهران ارتباط دارد در غیاب آنان حفظ نمایند.(2)

خداوند سبحان در این آیه از زنان با اجلال و تکریم یاد کرده در مقابل قیم یا مدیر داخلی خانه بودن که برای مردان فقط وظیفه اجرایی است، درباره مزایای زنان می فرماید:

زنان صالح حق گرا، پیوسته در طاعت الهی پیرو پروردگار و به فرمان او، به پیمان زناشویی پای بندند و همواره از شوی خود فرمان می برند. اطاعت زن از شوهر در چارچوب زناشویی واجب است نه به طور مطلق در شئون زندگی نیز معیار و جوب اطاعت برای زن هماهنگی فرمان شوهر با دین

ص: 141

1- سوره نساء، آیه 34

2- طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 343

خدا و تنها در مواردی است که دستور شوهر با دین الهی موافق باشد، و گر نه نباید پیروی کند چون وی (زن) مطیع خداست. زن می تواند با شرط ضمن عقد وظایف خویش را مقید و محدود و دامنه حقوق و اختیارات شوهر را کوتاه سازد. (1)

هم چنین روایات متعددی بر لزوم یا مطلوبیت اطاعت زن از شوهر دلالت دارند از جمله زنی خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و از حق شوهر بر زن سؤال نمود؛ حضرت در پاسخ اطاعت از شوهر و ترک نافرمانی او را جزء حقوق شوهر بر زن به شمار آوردند. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام را مصداق بارز این آیه شریفه می توان بر شمرد که با بذل جان و مال در راه رسول خدا صلی الله علیه و آله را با کمال اخلاص اطاعت پذیری از همسر بزرگوار خود را در تاریخ بشریت جاودانه کرد چه منطبق و سندی شایسته تر از گواهی پیامبر صلی الله علیه و آله بر این منش هم دلانانه خدیجه علیها السلام که بارها فرمود:

والله ما اخلف لي خيرا منها، لقد آمنت بي إذ كفر الناس و آوتني إذ رفضني الناس و صدقتني إذ كذبني الناس و رزقت مني الولد حيث حرمتوه قالت فغدا و راح علي بها شهرا... (3)

به خدا سوگند که هرگز یار و همسری بهتر از خدیجه علیها السلام به من ارزانی نشد؛ زیرا او روزگاری که مردم نسبت به من کفر و نافرمانی ورزیدند، به راه و رسم من ایمان آورد؛ و هنگامی که مرا دروغ گو می شمردند، خالصانه و صادقانه رسالتم را گواهی کرد؛ آن گاه که مرا در محاصره قرار می دادند، ثروت و امکانات هنگفت خویش را در راه اهداف توحیدی و انسانی رسالت من قرار داد....

حضرت خدیجه علیها السلام، ملکه کمال یافته و مترقی قریش با وجود داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه در رفتار و مواجهه با همسر گران قدر خود عرضه داشتند:

ص: 142

1- جوادی آملی تسنیم، ج 18، ص 547-548

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 20، ص 40

3- ابن هشام، سیره النبی، ج 1، ص 240؛ بحار الانوار، ج 16، ص 12.

والله يا محمد إن كان مالک قليلا فمالی، کثیر، و من یسمح لك بنفسه کیف کیف لا یسمح لك بماله، و إنا و مالي و جوارى و جمیع ما املك بین یدیک و فی حکمک لا امنعک منه شیئا. (1)

به خدا سوگند ای محمد صلی الله علیه و آله اگر تو مالی نداری، من ثروت زیادی دارم، و کسی که خود را در اختیارت قرار داده است چگونه مالش در خدمت شما نباشد؟ من سرمایه ام کنیزانم و آن چه در اختیار دارم از آن شما و تحت امر شماست و هیچ منعی از طرف من نیست

بدیهی است چنین بانوی با عظمتی که وجودش سرشار از ادب و عاطفه و تواضع است، می تواند فضای خانوادگی را به بهترین شکل تلطیف نماید و «محبوبه المصطفی صلی الله علیه و آله» باشد و فاطمه زهرا علیها السلام را در دامن پاک و پر از مهر خود تربیت کند

4. نگرش ارزش مدارانه و تکریم شخصیت همسر

رعایت احترام و حفظ شخصیت همسر و خانواده او از عالی ترین شاخص های مثبت همسررداری در متون دینی است که به اصلاح روابط بین زوجین نظارت دارد. امروزه روان شناسان معتقدند یکی از تفاوت های روان شناسی زن و مرد نیاز زن به احترام و نیاز مرد به قدردانی است وقتی مرد در رفتارش به اندیشه ها و احساسات همسرش توجه می نند زن کاملاً مطمئن می شود که شوهرش برای او احترام قائل است. وقتی زن حس کند که مورد احترام شوهر قرار گرفته به راحتی از همسرش قدردانی می کند و از این طریق یکی از نیازهای اساسی او را برآورده می سازد. (2)

در آموزه های حیات بخش اسلام توصیه های ارزشمندی به مردان و زنان درباره تکریم همسر بیان شده است. امام صادق علیه السلام درباره حفظ حرمت مرد در حریم خانواده می فرماید:

ص: 143

1- بحار الانوار، ج 16، ص 55 - 56.

2- جان گریف، 1376، ص 188.

از رحمت و مغفرت پروردگار دور است زنی که شوهر خود را اذیت کند و سعادت مند، زنی است که شوهر خویش را اکرام و احترام کرده اذیتش نکند و از او در همه حالات اطاعت نماید! (1)

از طرفی در جهت گسترش فرهنگ اسلامی و هماهنگی افراد خانواده در کنار هم برای رسیدن به تعالی وظایفی را برای مردان نیز در قبال همسران مشخص کرده اند. برای نمونه پیامبر گرامی اسلام درباره اکرام زن می فرماید:

کسی که زنی را به همسری انتخاب می کند باید او را احترام کرده منزلت او را حفظ نماید. (2)

بر همین اساس حضرت خدیجه علیها السلام در کمال خرد ورزی و نگرش ارزش مدارانه با درک درست و عمیق روحیات رسول خدا صلی الله علیه و اله، در پی حفظ حرمت و تکریم جایگاه همسر سبک زندگی خود را مطلوب و هم گام با ایشان نمود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قبل از بعثت در هر ماه چند بار و نیز همه ساله ماه رمضان را در غار حرا به تفکر و عبادت خداوند می گذراندند. (3) و این عمل بعد از ازدواج نیز ادامه داشت لذا امام هادی علیه السلام می فرمود:

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از سفر تجاری، شام، درآمدشان را بین فقرا تقسیم کردند و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفتند و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شدند و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفتند و خدا را آن گونه که شایسته بود، عبادت می کردند. (4)

خدیجه علیها السلام با درک چنین روحیاتی از پیامبر صل الله علیه و اله، هرگز برای ایشان مزاحمتی ایجاد نمی کرد و همیشه با همدلی و همراهی ایشان را بدرقه می کرد، غذایش را به وسیله حضرت علی علیه السلام به بالای کوه می فرستاد و گاه خود نیز با حضرت

ص: 144

1- صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 561

2- بحار الانوار، 73، ص 363

3- ابن ابی الحدید، ج 13، ص 208

4- بحار الانوار، ج 16، ص 76

همراه می شد. علامه مجلسی به نقل از صحاح اهل سنت می نویسد:

در آن ماه رمضان که پیامبر صلی الله علیه و آله در کوه حرا به سر می برد و وحی و بعثت آغاز می شد حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان در حضورش بودند. برای نمونه تنها یکی از این عبادت های پیامبر صلی الله علیه و آله چهل روز به درازا کشید که خدیجه علیها السلام تمام این مدت را به تنهایی گذراند. چنین عبادت های طولانی به طور طبیعی می توانست موجب ناراحتی دل شوره و نگرانی های مختلفی برای خدیجه علیها السلام شود اما او نه تنها اعتراض نمی کرد بلکه با رسول خدا صلی الله علیه و اله و همراهی نیز می نمود. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله که خود متوجه نگرانی های خدیجه علیها السلام بود، عمار یاسر را نزد وی فرستاد و پیام داد که «ای خدیجه علیها السلام! گمان نکن کناره گیری من به جهت بی اعتنایی به توست، بلکه پروردگرم چنین فرمود تا امر خود را اجرا کند. جز خیر و سعادت فکر دیگری نکن! خداوند هر روز چند بار به خاطر تو به فرشتگان بزرگش مباحثات می کند پس وقتی شب شد در را ببند و در بستر خود استراحت کن!» (1)

بانوی با سخاوت، قریش زمانی که از طعنها و سرزنش های مردم درباره همسر والا مقامش شدیداً آزرده خاطر شد، برای فیصله دادن به همه بی حرمتی ها و بدگویی ها راجع به فقر و تنگ دستی محمد صلی الله علیه و آله، عموی خویش «ورقه» را به حضور خواست. آن گاه تمام اموال و امکانات خود را در اختیار او قرار داد تا آن ها را به عنوان هدیه به حضور پیامبر صلی الله علیه و اله ببرد و به او پیام برساند که «این ها هدیه ای است ناچیز؛ همه را به او بخشیدم و او میتواند در هر راهی که می پسندد مصرف نماید».

ورقه نیز برابر دستور او کنار کعبه آمد و در میان زمزم و مقام ابراهیم ایستاد و همگان را ندا داد:

هان ای مردم گواه باشید که خدیجه صلی الله علیه و آله خود و همه ثروت و چارپایان و نیز مهریه و هدیه هایش را به محمد صلی الله علیه و اله بخشیده تا تجلیل شایسته ای از

ص: 145

شان و شخصیت او به عمل آید و در عین حال عشق و علاقه خدیجه علیها السلام را به محمد صلی الله علیه و اله و بازگو کند. (1)

پانزده سال زندگی مشترک این بانوی پخته و با تجربه در کنار پیامبر صلی الله علیه و اله قبل از بعثت و کشف جوهره وجودی وی در این سال های متمادی و شناخت خصلت های پیامبر صلی الله علیه و اله در زمانی صورت گرفت که این صفات بر مردم پنهان بود. ایمان بانو خدیجه علیها السلام و به همسرش و تصدیق رسالت او بدون رسوخ کم ترین تردید، به سبب عشق به همسر و شناخت او نسبت به عظمت مقام انسانی پیامبر صلی الله علیه و اله بود. (2)

ابن حجر عسقلانی در وصف آن بانوی معنویت می نویسد:

از امتیازات خدیجه آن بود که پیامبر صلی الله علیه و اله را تکریم می کرد و سخن او را چه قبل و چه بعد از بعثت تصدیق می نمود هرگز با پیامبر صلی الله علیه و اله درگیر نشد؛ صدایش را بلند نکرد؛ خانه را محیط امن و آرام برای آن حضرت قرار داد. وی بر خلاف برخی همسران هرگز آن حضرت را نیاززد از این رهگذر خداوند قصری در بهشت به آن حضرت عطا فرمود. (3)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله با توجه به اخلاق عملی و رفتار آسمانی آن یار همدم و هم فکر خویش می فرمود:

من در زندگی مشترک به خاطر بینش و منش مترقی خدیجه علیها السلام به او عشق می ورزیدم؛ به همین جهت از بارگاه خدا خواستم که در سرای جاودانه نیز ما را همراه و هم نشین سازد؛ (... وَ كُنْتُ لَهَا عَاشِقًا فَسَأَلْتُ اللَّهَ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنِي وَ بَيْنَهَا...) (4)

بر اساس این اندیشه پاک و مقدس، هیچ زنی را همتای خدیجه علیها السلام قرار نمی داد (بثني عليها و يفضلها على سائر امهات المومنين و يبالح في تعظيمها). او را می ستود و بر سایر همسران خود برتری می داد و در بزرگداشت و تکریم او زیاد

ص: 146

1- همان، ص 22

2- بنت الشاطی، موسوعه آل النبی، ص 200

3- عسقلانی، فتح الباری، ج 7، ص 138

4- حاکم نیشابوری، ج 3، ص 182؛ بحرانی اصفهانی، عوالم العوام والمعارف والاحوال، ج 11، ص 39.

تلاش می نمود (1)

آن بانوی پاک سرشت سمبل معنویت و قداست در بارگاه قدسیان قرار، گرفت به گونه ای که روزی چندین مرتبه خداوند به وجود خدیجه علیها السلام بر فرشتگان گران مایه اش مباحث می کند (2) و فرشته وحی را مأمور می سازد تا به واسطه پیامبر صلی الله علیه و آله، حامل سلام الهی بر خدیجه علیها السلام باشد: «هذا جبرئیل یقرئک من ربک السلام قالت خدیجة الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام». (3)

سلام خداوند بر خدیجه علیها السلام مختص او و نه دیگران بود. این امتیاز به سبب بدی نرساندن به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خشمناک نکردن ایشان حتی برای یک لحظه بسیار اهمیت دارد به همین مناسبت پیامبر صلی الله علیه و آله با زنی دیگر در مدت حیات خدیجه علیها السلام ازدواج نکردند؛ زیرا از نظر ایشان مقام و مرتبه سایر همسران با قدر و منزلت خدیجه علیها السلام برابری نمی کرد. (4)

تحسین برانگیزترین امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام را در مطرح شدن ایشان به عنوان یکی از چهار زن برگزیده خدا در دو سرا می توان جستجو کرد. نهایت حسن رفتار خدیجه علیها السلام با همسر خویش برای بانوان مسلمان و حق مدار و تمام کسانی که دنبال زندگی ایده آل هستند می تواند تأثیر شگرفی در اصلاح روابط بین زوجین برای رسیدن به سعادت و خوشبختی باشد

نتیجه

همسرداری حضرت خدیجه علیها السلام، از جمله مباحثی است که به طور معمول در حاشیه زندگی نامه ایشان و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و مطرح شده و تاکنون به صورت مستقل بررسی نشده است. این موضوع حتی در آثاری که در مورد سیره ایشان است نیز به طور جدی پژوهیده نشده و غالباً نویسندگان به مشهورات

ص: 147

1- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 110؛ صحیح بخاری، ج 7، ص 107.

2- إنَّ الله عزَّوجلَّ لیباهی بکِ کرام ملائکته کلَّ یوم مرارا.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 11

4- حمیری، سیره النبویه، ج 1، ص 206.

بسنده کرده اند. دستاورد پژوهشی مقاله حاضر این است که تعاملات رفتاری خدیجه کبری علیها السلام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان اولین خانواده مسلمان، که بر محور آموزه های دینی شکل گرفته بود می تواند تأثیر فراوان در تقویت یا تضعیف نهاد مهم خانواده داشته باشد.

چگونگی رفتار حضرت خدیجه علیها السلام با رسول خدا صلی الله علیه و آله در زندگی مشترک، به عنوان الگویی کامل و بی بدیل، زمینه ساز استحکام روابط همسران و نشاط کانون خانواده خواهد بود معنویت خواهی و دین مداری از مهم ترین اصول ارزشی همسرگزینی ایشان در انتخاب یار و همراه زندگی است روابط عاطفی متقابل که ناشی از محبت و مودت بین زوجین است و اطاعت پذیری ایشان در برابر شوهر و هم چنین احترام و گرمی داشت ارزش مدارانه شخصیت همسر، تنها نمونه هایی از سبک شوهرداری خدیجه کبری علیها السلام است که در معرض دید همگان قرار داد تا نشان دهد که می توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی مثل رابطه زن و مرد از والاترین صفات کمالی برخوردار گردید و در ادامه یک دین و رسالت جهانی را تقویت کرد و موجب بالندگی هر چه بهتر آن شد و الگویی به وسعت همه جهان و همه از مننه برای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

1. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (1419 ق)، تفسير القرآن العظيم، بيروت: دار الكتب العلميه
2. ابن هشام عبدالملك، سيره النبي، بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.
3. اربلى، على بن عيسى (1401 ق)، كشف الغمه في معرفه الأئمه، بيروت: دار الكتب الاسلامى.
4. الحميرى، عبدالملك بن هشام (1405 ق)، السيره النبويه، بيروت، دار احياء التراث العربي.
5. بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (1382)، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال، قم: مؤسسه امام المهدي.
6. بخارى، محمد بن اسماعيل (2004 م)، صحيح البخارى، قاهره آفاق العربيه.
7. بنت الشاطى، عائشه (1387 ق)، موسوعه آل النبي، بيروت: دارالكتب العربي.
8. جوادى عاملى، عبدالله (1378)، تسنيم: تفسير قرآن كريم، قم: نشر اسراء.
9. حر العاملى، محمد بن حسن (1409 ق)، وسائل الشيعه، قم: مؤسسه آل البيت
10. زرگرى نژاد، غلام حسين (1378)، تاريخ صدر اسلام، تهران: سمتا.
11. صدوق، ابن بابويه (1406 ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشريف الرضى.
12. طباطبايى، سيد محمد حسين (1417 ق)، الميزان في تفسير القرآن، قم، جامعه مدرسين حوزة علميه قم.
13. طبرى، محمد بن جرير (1403 ق)، تاريخ طبرى، بيروت: مؤسسه الأعلمى

14. عبد العال، احمد جمال (1407 ق)، تساء خالادات في القرآن الكريم ، قاهره مكتبه الكليات الأزهرية.
15. عسقلاني، احمدبن على (1402 ق)، فتح الباری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
16. قمی، عباس (1414 ق)، سفینه البحار، قم: نشر اسوه.
17. کرمی فریدنی، علی (1385)، فروغ آسمان حجاز خدیجه ، قم: دفتر فرهنگی نسیم انتظار
18. کلینی، محمد بن یعقوب (1407 ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه
19. گریف، جان (1376)، مردان مریخی زنان ونوسی ترجمه سید رضا نیازی تهران: نشر پیکان
20. مجلسی، محمد باقر (1403 ق)، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
21. مغنیه، احمد (1414 ق)، سیره النبویه الشریفه ، بیروت: دار الصفوه
22. مغنیه محمد جواد (1424 ق)، الکاشف ، قم: دار الکتب الاسلامی.
23. هاشمی سید حسین (1385)، «قرآن و کارکردهای نهاد خانواده»، فصل نامه پژوهش های قرآنی سال دوازدهم، ش 48

*ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام: فاطمه سلطان محمدی (1)

چکیده

ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام و آشنایی با شخصیت مؤثر ایشان در پیشبرد اهداف اسلام و نیز ابعاد شخصیتی، اقتصادی و سیاسی این بانو در پژوهش حاضر بررسی می گردد. در این تحقیق روش جمع آوری مطالب به صورت کتابخانه ای است و برای جمع آوری اطلاعات به کتاب های متعدد مراجعه و از مطالب مورد نیاز استفاده شده است.

در این پژوهش از بانویی سخن به میان آمده که نخستین زن مسلمان نخستین همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و از هر جهت مظهر کمالات انسانی و ایثار و مقاومت بود همسری خردمند مدبر و مهربان مادر آزموده و فضیلت، پرور مجاهدی مقاوم و صبور ایثارگری مخلص و بی نظیر راست قامتی باعزت و نستوه یعنی مادر حضرت زهرا اطهر علیها السلام حضرت خدیجه کبری سلام الله علیها که به راستی زندگی سراسر درخشان، او عالی ترین الگو برای زنان با شخصیت است.

سخن گفتن درباره بانویی چون خدیجه سلام الله علیها کار ساده ای نیست و نمی توان با این قلم های ناتوان و درمانده در مورد چنین بانوی، با عظمتی قلم زد ولی امیدوارم در این تحقیق، دست کم نموداری کم رنگ از چهره تابناک آن بانوی بزرگ را ترسیم کرده باشیم.

حضرت خدیجه علیها السلام با مقایسه آغاز و پایان زندگیش به راستی بانویی تکرارناپذیر و نابغه بود و در همه، تاریخ، بانویی جز دخترش

ص: 151

حضرت زهرا علیها السلام سراغ نداریم که در کوران های شدید حوادث با ایثار و مقاومت و استقامتی عجیب همچون خدیجه سلام الله علیها به میدان زندگی وارد شود و همه هستی خود را بر طبق اخلاص نهد و فدای حق کند و سخاوتمندانه و با شهامتی وصف ناپذیر به دفاع از حق پردازد.

در این پژوهش به ویژگی های آن بانو در ابعاد اعتقادی، عبادی خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اشاره شده است.

واژگان کلیدی

اسلام زن، الگو، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام.

مقدمه

در قلب شبه جزیره عربستان در خانواده ای فرهنگ ساز و بیگانه با آداب و رسوم خرافی روزگار، دختری چشم به جهان گشود که در زندگی تاریخ سازش، نشان داد که ریشه ای به زلالی آب زمزم و فطرتی به زلالی آبشارهای بلند و دور از دست رس دارد پس از ولادت، او خاندانش بر خلاف رسم سپاه زمانه زنده به گور کردن دختران ولادت او را گرامی داشتند و پدر و مادرش «خویند» و «فاطمه»، در همان مراسم ساده و روح بخش، نام او را «خدیجه» به مفهوم گسسته و بیگانه از زشتی ها و ناپسندی ها برگزیدند. حضرت خدیجه علیها السلام پانزده سال قبل از ولادت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (55 سال قبل از بعثت) در شبه جزیره عربستان چشم به جهان گشود (1).

آن حضرت دختر خویند بن عبدالعزی ابن قصی بن کلاب بود. جناب قصی جد چهارم پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله به شمار می آید؛ بنابراین حضرت خدیجه علیها السلام نیز با چند واسطه دختر عموی پیامبر صلی الله علیه و اله بودند و از جهت ریشه خاندانی با یک دیگر متحد می شوند لذا سلسله نسب حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت اسماعیل علیه السلام و ابراهیم خلیل الله علیه السلام می رسد که جد 28 و 29 پیامبر صلی الله علیه و اله

ص: 152

بودند (1) و مادرش فاطمه دختر زانده بود. (2)

معنویت و معرفت والا قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری و آینده نگری آگاهی از آموزه های هدایت بخش پیامبران الهی و کتب آسمانی حق طلبی و حق شناسی، راست گویی و درست کاری شکیبایی و پایداری، ایثار و فداکاری و به طور کلی بینش و منش حضرت خدیجه علیها السلام در ابعاد گوناگون زندگی او را به صورت الگویی جاودانه برای کمال جویان طریق انسانیت جلوه گر می سازد.

در این مقاله سعی شده تا برخی از مهم ترین اوصاف و اعمال متعالی آن بانو به عنوان یک الگوی کامل در میان زنان ذکر شود؛ زیرا تعیین الگوهای درست و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز نشان دادن الگوهای نادرست و در هم کوبیدن بت های فکری و فرهنگی از مهم ترین روش های تربیتی است.

پیش از ورود به بحث، ابتدا لازم است تا واژه الگو از نظر لغوی بررسی گردد:

الگو در لغت

اشاره

الگو در لغت به معنای طرح، سرمشق، مقتدا، پیشوا، نمونه، مثال، مدل و غیره آمده است. (3) الگودر عربی به «أسوه و قدوه» تعبیر می شود؛ به معنای پیشوا، مقتدا؛ (4) اما در اصطلاح و در علوم گوناگون به معانی متفاوت و البته نزدیک به هم آمده است. الگو در فرهنگ و علوم اجتماعی، به انسانی کامل و رشد یافته ای گفته می شود که لیاقت سرمشق بودن دیگران را داشته باشد. در مورد انسان، الگوبه شخصیتی می گویند که به دلیل دارا بودن برخی ویژگی ها، شایسته تقلید و پیروی است. (5)

مقتدا یعنی خصلتی که شخص بدان لایق پیشوایی گردد. در قرآن کریم،

ص: 153

1- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ دوم، ص 29.

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، ج 8، ص 105

3- دهخدا، لغت نامه، ج 12، ص 17897

4- ابن منظور، لسان العرب، واژه اسوه.

5- ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج 8، ص 86

در سه مورد (1) این واژه به کار رفته است مانند (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ). (2)

از نظر قرآن، الگوی مثبت یعنی کسی که پیروی از او امکان ظهور استعدادها و توانمندی های فردی و اجتماعی را فراهم می کند.

الف) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اعتقادی

اشاره

از آن جا که جهان بینی انسان زیربنای اعمال و رفتار او را تشکیل می دهد تربیت فکری و اعتقادی نیز مقدمه ای برای تربیت وی در ابعاد مختلف اخلاقی سیاسی و... به شمار می آید؛ از این رو، ابتدا ویژگی اعتقادی آن حضرت بررسی می گردد.

1. تحقیق مستلزم پرسش

از ویژگی مهم زنان، الهی این است که اعتقادات خود را بر اساس تحقیق به دست می آورند و تحقیق مستلزم پرس و جو و دقت نظر عمیق است پس از این که به حقیقتی دست یافتند و معتقد شدند دیگر به این سادگی از آن دست بر نمی دارند و تا جایی که جان در بدن دارند، از آن دفاع می کنند.

حضرت خدیجه علیها السلام با وجود برخورداری از زر و زیور جمال و کمال، شهرت و آوازه، و اقتدار و استقلال هرگز به دام آفت های جاهلی گرفتار نگشت و پیوسته از فطرت حق طلب و حق پذیر بهره مند بود. روایت شده که پس از فرود آمدن پیامبری فرشته وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آوردن آیات قرآن خدیجه علیها السلام کم کم با آیات هدایت بخش و زندگی ساز قرآن و نیز با نام جبرئیل علیه السلام و جایگاه او در پیشگاه خدا آشنا گردید و روحیه حق طلبی او را بر آن داشت که به تحقیق در این زمینه پردازد تا آگاهانه و با تشخیص درست حق به پذیرش و پیروی از آن

ص: 154

1- سوره ممتحنه آیه 4 و 6؛ سوره احزاب، آیه 21

2- سوره احزاب، آیه 21

مبادرت نماید. بنابراین ابتدا به سراغ پسر عمویش «ورقه» رفت که از کشیشان و عالمان آزاداندیش مسیحی بود و درباره جبرائیل علیه السلام و حالاتی که از همسرش در هنگام دریافت وحی دیده بود سؤالاتی کرد ورقه به او گفت: «جبرئیل علیه السلام در سرزمینی نازل می شود که خداوند در آن پرستش گردد». و نوید داد که خیر عظیمی از سوی خدا نازل خواهد شد و محمد صلی الله علیه و اله آخرین فرستاده خداوند است که مژده آمدنش در تورات و انجیل داده شده است. سپس علایم او را از آن دو کتاب آسمانی برای خدیجه علیها السلام ذکر نمود. آن گاه خدیجه علیها السلام برای کسب آگاهی بیشتر به سراغ «عداس» یکی دیگر از پارسایان و کشیشان مسیحی رفت که پیرمردی سالخورده بود و نخست پیمان گرفت که موضوع مورد سؤال را نهان. دارد سپس درباره موارد یاد شده به مشورت با او پرداخت و او نیز شبیه به ورقه نظر داد.

پس از آن، جریان دیدار و مشورت با دو پارسای روزگارش را به اطلاع پیامبر صلی الله علیه و اله رساند و این بار به اتفاق یک دیگر به دیدار عداس آمدند و آن کشیش پارسا پس از گفتگو با رسول خدا صلی الله علیه و اله، از آن حضرت خواست تا لباسش را کنار زند و میان دو شانه اش را نمایان سازد پیامبر صلی الله علیه و اله جامه شان را کنار زدند و عداس چون علامتی را که می جست در میان دو شانه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم مشاهده کرد به سجده شکر افتاد و با اطمینان خاطر گفت که آن حضرت، همان پیامبری است که موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام آمدنش را نوید داده اند. (1)

بر این اساس، خدیجه علیها السلام هنگام استقبال از پیامبر صلی الله علیه و اله در خشنودی و معنویت خاصی در سیمای ملکوتی شان دید و از پیامبر پرسید: «مَا هَذَا النُّورِ؟» «این نور چیست!؟» پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

(هَذَا نُورُ النَّبُوَّةِ قَوْلِي لِإِلَهِ الْآلَاءِ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ)؛ (2)

ص: 155

1- بحار الانوار، همان، ج 81، ص 822

2- علی بن یوسف حلّی، العدد القویة، ص 237؛ زین الدین محمدبن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 48.

ای خدیجه! این روشنائی، فروغ تابناک رسالت است؛ پس اینک با تمام وجود بگو: خدایی جز خدای یکتا نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست.

این جا بود که حضرت خدیجه علیها السلام، احساس ویژه ای در دلش کرد و گفت: «من از زمان های گذشته در انتظار چنین روزی بودم و در این مورد مطالعه فکر کرده ام». پس با همه وجود به یکتایی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورد: (أَمَنْتُ وَ صَدَّقْتُ وَ رَضِيتُ وَ سَلَّمْتُ)؛ (1) «ای پیامبر خدا! من به آن چه خدا فرو فرستاده، ایمان آوردم و دین و آیین او را تصدیق نمودم و به گرایش به این راه و رسم خشنود گردیدم و در برابر فرمان خدا فرمان بردارم».

بدین ترتیب آن بانوی خرد و اندیشه با احساس اطمینان در دل حق جوی خویش و با ایمان کامل راه و رسم نجات بخش رسول خدا صلی الله علیه و آله را برگزید و تا پایان عمر شریفش در برابر حق تسلیم محض بود.

2. استواری و استقامت اعتقادی

اسلام عبارت است از اعلام قانون گرایی و فرمان برداری از حق و پذیرش ره آورد وحی و رسالت بر همین اساس امنیت انسان تضمین می شود؛ اما اگر این اعلام همراه با باور قلبی باشد از آن به ایمان تعبیر می شود و به دارنده آن مسلمان و با ایمان می گویند این تفاوت ها و نوشته ها برگرفته از آیه شریفه قرآن است که می فرماید:

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسَلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (2)

اعراب (بنی اسد و غیره که بر تو منت گذارده و) گفتند ما ایمان آوردیم، به آن ها بگو: شما که (ایمان تان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده اید ولی بگوید: ما اسلام آوردیم و اگر خدا و رسول وی را اطاعت

ص: 156

1- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 18، ص 232

2- سوره حجرات، آیه 14

کنید، او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست و از گناه گذشته شما می گذرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

زنانی که از هویت فکری مستقل برخوردارند و ساختار اعتقادی خود را بر پایه تحقیق بنا نموده اند دریافتن حقیقت از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و پس از رسیدن به آن بی درنگ دل را به آن می سپارند؛ به آسانی در برابر باورهای نادرست تسلیم نمی شوند و در دفاع از مبانی اعتقادی خویش از خطرهای استقبال می نمایند و تا پای جان از آن دست بر نمی دارند.

حضرت خدیجه علیها السلام این چنین بود یعنی قبل از تبلیغ اسلام، خودش پیامبر صلی الله علیه و آله را شناخته و به ایشان ایمان آورده بود اسلام و اسلام گرایی او نه احساسی بود و نه بر اساس پیروی از جریان محافظه کار و رایج جامعه و تاریخ و نه موسمی و فصلی و زودگذر؛ بلکه براساس آگاهی و شناخت و خردمندی و خرد ورزی و اخلاص و کمال طلبی بود لذا دوشادوش امیرالمؤمنین علیه السلام و هم فکر و هم رزم و هم اندیش با او اسلام آورد به پر فراز ترین مراحل ایمان اوج گرفت و در پیمایش راه کمال و جمال پس از امام علی علیه السلام، دست بیعت به پیامبر صلی الله علیه و آله داد.

ایشان به محض اطلاع از پیامبری آن حضرت با تمام تعصبات کاذب اجتماعی آن زمان خداحافظی کردند و افتخار اولین زن ایمان آورنده را نصیب خود نمودند. (1) البته این انتخاب به دلیل تعصبات قومی و فامیلی نبود، بلکه به جهت شناختی بود که از حضرت محمد صلی الله علیه و آله داشتند. (2)

این ویژگی خدیجه علیها السلام، در بسیاری از روایات بیان شده است؛ از جمله: پیامبر صلی الله علیه و آله بارها در برابر ادعای دروغین برخی از زنان خود در تجلیل از خدیجه علیها السلام می فرمود:

(ما أَبَدَلَنِي اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا لَقَدْ آمَنْتُ بِبِي حِينَ كَفَرَ النَّاسُ وَصَدَّقْتَنِي حِينَ

ص: 157

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 102

2- ابن هشام، سیره، ج 1، 240، 1

خداوند هرگز همسر و همراه و مشاوره بهتری از او (خدایچه) به من ارزانی نداشته زیرا در آن وضعیت بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد؛ و آن گاه که آنان مرا در رسالتم دروغ گو می دانستند، او با اخلاص و راستی مرا در دعوتم گواهی داد و....

در تاریخ هم چنین آمده است: (وَ جَاءَتِ النَّبُوَّةَ فَأَسْلَمْتُ فِيهَا أَوَّلُ امْرَأَةٍ آمَنَتْ بِهِ...؛) (2) «چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه علیه السلام به اسلام رو نمود. او نخستین بانویی است که ایمان آورد...».

عایشه می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و سلم از خانه بیرون نمی رفتند مگر آن که از خدیجه یاد می کردند و بر او به خوبی و نیکی مدح و ثنا می فرمودند. روزی از روزها غیرت مرا گرفت گفتم: «او پیرزنی بیش نبود و خدا بهتر از او را به شما عوض داده است». پیامبر صلی الله علیه و اله غضبناک شدند به طوری که موی جلوی سرشان از خشم تکان می خورد سپس فرمودند: «نه به خدا! بهتر از او را خدا به من عوض نداده ایمان آورد به من وقتی مردم، کافر گردیدند و تصدیق کرد مرا هنگامی که مردم مرا تکذیب می کردند و در اموال خود با من مواسات کرد وقتی مردم مرا محروم ساختند و خدا از او فرزندان روزی من کرد و از زنان دیگر محروم فرمود» (3)

3. تسلیم بودن در برابر دستورهای الهی

از آن جا که تدبیر همه بخش های مختلف جهان هستی تنها به دست خداوند صورت می پذیرد (4) انسان باید با ایمان کامل و اعتقاد راسخ تسلیم

ص: 158

1- محمد بن نعمان مفید، الافصاح في امامة امير المؤمنين، ص 217.

2- عبد الرحمان بن علی بن محمد، ابوالفرج، صفوة الصفوة، ج 2، ش 125، ص 7

3- قاموس الرجال، ج 10، ص 432

4- سوره نمل، آیه 25 و 26.

محض او شده در اجرای فرمان های خدا لحظه ای به خود تردید راه ندهد.

یکی از ویژگی های برجسته حضرت خدیجه علیها السلام تسلیم محض بودن او در برابر حق و اطاعت بی چون و چرا از دستورهای الهی بود. وی تجسم حقیقت و نمونه انسان کامل و تسلیم محض خدا بود در پرتو درست اندیشی و حق طلبی و ایمان و عملکرد شایسته و تلاش و اخلاص خویش به موقعیتی از باور و تصدیق اوج گرفت که به مقام والای «صدیقین» پرکشید و به جایی رسید که او را «صدیقه» گفتند در جایی از زیارت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله در این مورد آمده است:

السلام علی ازواجک الطاهرات الخیرات امهات المومنین، خصوصاً الصدیقه الطاهره، الزاکیه الراضیه المرضیه، خدیجه الکبری ام المومنین...؛ (1) سلام بر همسران پاک و نیکو کردارت که مادران مردم توحید گرا و با ایمان هستند؛ به ویژه بر آن بانوی تصدیق گر حق و عدالت؛ آن بانوی پاک سرشت و پاک منش؛ آن بانوی خشنود از مهر و لطف خدا و مورد پسند حق، خدیجه ارجمند، مام راستین و سرمشق درخشان مردم با ایمان و شایسته کردار

4. حق پذیری و تسلیم عملی در برابر انبیای الهی

پس از ایمان و اعتقاد راسخ به خدا و دل سپردن به او در اجرای فرمان ها و خواسته های الهی قدم بعدی آن است که به فرستادگان او ایمان آورد و اوامر آن ها را که شعبه ای از دستورهای الهی است، جامه عمل پوشاند. لذا می توان گفت: کسی که خود را به رسالت انبیاء معتقد دانسته اما از اوامر آن ها سرپیچی می کند در حقیقت طعم شیرین این اعتقاد را در کام خود احساس نکرده است.

از جمله اقداماتی که حضرت خدیجه علیها السلام انجام داد، تصدیق و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بود. این یکی از کارهای مهمی بود که آثار مثبت زیادی در جهت پیشبرد اهداف مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و ناکامی دشمنان و ایجاد سستی در عقاید خرافی آنان داشت روایات بسیاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل شده

ص: 159

که گویای اهمیت رویکرد خدیجه علیها السلام به ایشان در آن فضای جاهلی و غربت رسول اکرم صلی الله علیه و آله است. وقتی حتی بسیاری از بستگان پیامبر نیز آن حضرت را تنها گذاشتند و حتی کمر همت به نابودی او بستند خدیجه علیها السلام به حضرت محمد صلی الله علیه و آله روی آورد و با او پیمانی جاودانی بست و تا لحظه آخر زندگی بر عهد و پیمانش استوار ماند در روایتی آمده است:

پس از اسلام و ایمان آوردن و نماز خواندن امام علی علیه السلام و خدیجه علیا السلام، روزی پیامبر گرامی آن دو را صدا زدند و گفتند: «این فرشته وحی است که نزد من آمده می گوید: "اسلام و باور آن دارای شرایط و پیمان هایی است"». سپس در مورد یکتایی خدا صفات کمال و جمال او رسالت پیامبر فرود وحی و پیام آسمانی، ایمان به معاد و جهان پس از مرگ و پاداش و کیفر آن دنیا و دیگر اصول و فروع اسلام صحبت کردند و از آن دو پرسیدند: «آیا به همه آن چه برای شما گفتم گواهی می دهید؟» ابتدا امام علی علیه السلام و سپس خدیجه علیها السلام اقرار و اعلام کردند که باور عمیق دارند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به فرمان خدا دست مبارک را باز کردند و دست علی علیه السلام را در میان دست خود گذاشتند (1) و فرمودند: «علی جان! با من در مورد شرایط و مقررات اسلام بیعت کن که از من و آرمان من همان گونه دفاع کنی که از خود دفاع می کنی». امیرالمؤمنین علیه السلام غرق در شور و جذبه بودند که با چشمانی اشک آلود گفتند: «پدر و مادرم فدایت! به خواست خدا همان گونه که فرمودی با شما دست بیعت می دهم». سپس پیامبر صلی الله علیه و آله رو به خدیجه علیها السلام کردند و از او خواستند تا دستش را روی دست پیامبر صلی الله علیه و آله قرار دهد و همان طور بیعت کند او نیز با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت کرد.

5. بیعت با علی علیه السلام

شگفت آورترین صحنه زندگی خدیجه علیها السلام مربوط به قبول ولایت امیر مؤمنان علیه السلام و امامت اولاد آن حضرت است. این که در آن وقت به

ص: 160

قبول ولایت مکلف، نبود چون این تکلیف بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و جوب می یافت او در زمان ولادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از امامت ائمه اطهار که از نسل فرزندش هستند شنیده بود. لذا قدر و منزلت امیر مؤمنان علیه السلام را می دانست. علامه مجلسی در این باره می نویسد:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و اله همسر مهربانش را خواست او را در کنار خود نشانید و فرمود: «این جبرئیل است که می گوید اسلام شرطی دارد: اول، اقرار به یگانگی خداوند؛ دوم اقرار به رسالت رسولان؛ سوم، اقرار به معاد و عمل به اصول شریعت و احکام آن؛ چهارم اطاعت اولی الامر و ائمه طاهرین از فرزندان او همراه با برائت از دشمنان آن ها در پی این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و اله خدیجه علیها السلام به همه آن ها اقرار کرد و یک به یک تصدیق فرمود در مورد امیر مؤمنان علی علیه السلام رسول اکرم صلی الله علیه و اله و به خصوص به خدیجه علیها السلام فرمودند: (هُوَ مَوْلَاكَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ إِمَامُهُمْ بَعْدِي)؛ علی مولای تو و مولای مؤمنان و امام آن ها پس از من است».

رسول گرامی بعد از آن که عهد اکید از خدیجه علیها السلام گرفتند، اصول و فروع واجبات و محرمات را به وی آموختند آن گاه دست خود را بالای دست امیر مؤمنان علیه السلام گذاشتند و خدیجه علیها السلام دست خود را بالای دست پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و به این صورت بیعت کرد. (1)

از حدیث «ما کَمَلَ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا أَرْبَعٌ: أَسَدِيَّةٌ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، مَرِيْمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ» هم ظاهر می شود که آن بانوی بزرگوار، به تمام اصول و فروع دین اسلام ایمان آورد. (2)

ب) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد عبادی

1. توحید در عبادت

از اوصاف و ویژگی های زن نمونه و شایسته یاد بسیار و پیوسته خداوند در

ص: 161

1- سیلاوی، الانوار الساطعه، ص 339

2- ریاحین الشریعه، ج 2، ص 209، نقل از بحار الانوار، ج 6

زندگی است. خداوند این صفت را از نشانه های مؤمنان راستین برشمرده، از آنان چنین تمجید می فرماید:

(إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ... وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا)

مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان ... و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می کنند خدا برای همه آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

نماز و نیایش به معنای واقعی آن اگر در زندگی فردی خانواده جامعه و حکومت مخصوصاً در زندگی زناشویی از جایگاه معتبر و خالصانه و درستی برخوردار باشد و به عنوان مراسمی تشریفاتی و یا سوداگرانه به آن نگاه نشود، هم نشانه رابطه دوستانه آن نمازگزاران با خداست و هم دلیل بر ویژگی های معنوی حق طلبی، قانون مداری و بشردوستی آن هاست و هم اثر فوق العاده سازنده در بینش و منش و عملکرد و زندگی آن ها و نسل های شان دارد؛ زیرا این برنامه شبانه روزی در فرهنگ قرآن و روایات ما در حقیقت روح عبادت، جان پرستش، بارزترین نوع بندگی و خلوص پرواز روح و جان شیفته حق، معراج انسان در فضای بیکران معنویت کلید بهشت اوج گرفتن به قرب پروردگار و مهم ترین سفارش پیامبر صلی الله علیه و اله است. قرآن نیز می فرماید:

(وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ)؛ (1)

و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) بسته به جای آر که نماز اهل خود را از هر کار زشت و منکر باز می دارد و همانا ذکر خدا بزرگ تر است و خدا به هر چه کنید آگاه است.

در زمانی که مردم مکه در آتش گمراهی می سوختند، حضرت خدیجه علیها السلام اولین زنی بود که با ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله، یکتاپرستی و بندگی خویش را به

ص: 162

اثبات رسانید و با تأسی از همسر بزرگوار خویش در عبادت و اطاعت از دستورهای خدا به اوج قله های کمال و معنویت دست یافت نماز خواندن وی به همراه پیامبر اسلام و علی بن ابی طالب در کنار خانه خدا، آن هم در زمانی که کسی در روی زمین غیر از این سه نفر مسلمان نبود معروف است. (1)

عبدالله بن مسعود، نمونه ای از مشاهدات خود درباره ایمان خدیجه علیها السلام را آن زمان که هیچ کسی به پیامبر صلی الله علیه و اله ایمان نیاورده بود، این گونه بیان می کند:

نخستین چیزی که از اسلام دانستم این بود که با عموهایم و تعدادی از اعضای قبیله وارد مکه شدیم چون می خواستیم مقداری عطر بخریم ما را به عباس بن عبدالمطلب راهنمایی کردند. او بالای چاه زمزم، در کنار کعبه نشسته بود زمانی که پیش او نشستیم دیدیم مردی که دو لباس سفید پوشیده بود و گیسوان و ریش پرو دندان های سفید و ... داشت و چهره اش مثل ماه می درخشید از باب صفا وارد مسجد الحرام شد. در طرف راست او، یک نوجوان و پشت سرش، بانویی پوشیده را دیدیم. آن ها کنار حجر الاسود رفتند. ابتدا آن مرد به حجر الاسود دست کشید؛ سپس آن نوجوان و بعد آن بانو دست کشیدند آن گاه هر سه به طواف کعبه مشغول شدند. وقتی هفت بار طواف کردند کنار حجر اسماعیل آمدند و نماز جماعت خواندند. آن مرد هنگام، تکبیر دست هایش را تا کنار گوشش بلند می کرد تا به قنوت نماز رسیدند قنوت را طولانی کردند تا آن که نماز تمام شد من که چنین چیزی ندیده بودم از ابن عباس پرسیدم: «آیا دین جدیدی به مکه آمده است؟ من چنین دینی را در مکه ندیده بودم؟» گفت: «این مرد برادرزاده من محمد بن عبدالله است و آن نوجوان برادرزاده دیگرم علی بن ابی طالب و آن خانم هم همسر محمد، خدیجه دختر خویلد است. به خدا قسم غیر از این سه نفر کسی در روی زمین به این دین اعتقاد ندارد». (2)

ص: 163

1- شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج 13، ص 225

2- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 13، ص 225

دعا یا خواندن عاشقانه و خالصانه و پرشور خدا و راز و نیاز با آن سرچشمه زندگی و زیبایی و قدرت، نوعی پرستش و برترین نوع یکتاپرستی است؛ به همین جهت، دعا و نیایش جایگاه پرفرازی در زندگی دوستان خدا دارد. آنان به دعا خو می‌گیرند و با مناجات پرشور و شعور تا عرش خدا راه می‌یابند، با آن به اوج آرامش می‌رسند و گمشده دل ناآرام خود را در آن می‌یابند و آن را دانشگاه آزادی‌ها بی‌نیازی‌ها، استقلال‌ها برزندگی‌ها و خودسازی‌ها می‌بینند. حقیقت عبادت آن است که بنده خود را در مقام ذلت و عبودیت واداشته رو به سوی مقام رب خود آورد. بنابراین اعمال عبادی که با اعضا و جوارح عبد انجام می‌گیرد، مانند قیام رکوع و سجود همه برای مطلوبی بالاتر است؛ این که بندگی و ذلت عبودیت بنده را در برابر رب العالمین نشان دهد و عبد فقر و مملوکیت محض خود را در برابر عزت مطلق و غنای محض مجسم سازد. (1) همین اظهار عجز و ذلت لباس فخر و کرامت بر قامت انسان می‌پوشاند و او را تا مقام خلیفه الهی بالا می‌برد. لذا به جرأت می‌توان گفت: ارزش انسان، به میزان دعا و عبودیت اوست (قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ). (2)

حضرت خدیجه علیها السلام سرآمد زنان نیایش‌گرو دائماً به یاد خدا بودند و ذکر خدا را می‌گفتند؛ به طوری که ایشان دو حرز مخصوص خود داشتند و مرتباً آن ذکرها را زمزمه می‌کردند؛ (3) از جمله:

(بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ یا حی یا قیوم، بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِیْثُ فَاغْنِنِی، وَ لَا تَكْلِنِیْ اِلٰی نَفْسِی طَرْفَهُ عَیْنِ اَبَدًا، وَ اَصْلِحْ لِیْ شَأْنِی کُلَّهُ)؛

به نام خداوند بخشنده بخشایش‌گر! ای خدای زنده و استوار! به رحمت پناهنده شدم به من پناه بده و مرا هرگز به اندازه یک چشم برهم زدن به خودم وانگذار! همه حال و زندگی مرا سامان ببخش!

ص: 164

1- تفسیر المیزان، ج 18، ص 582

2- سوره فرقان، آیه 77

3- تفسیر المیزان، ج 18، ص 582

و دومین حرز ایشان:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ؛ یَا اللّٰهَ یَا حَافِظُ یَا حَفِیْظُ یَا رَقِیْبُ؛

به نام خداوند بخشنده بخشایش گر! ای خدا! ای نگهبان ای نگه دارنده مراقب و پاسدار! (1)

این بانو می دانست که زندگی که با یاد خدا، شیرین، زیبا و دلنشین و همراه با آرامش است. این ارتباط و یاد خدا مسلماً یک طرفه نیست. خداوند به یاد بنده اش است و بنده هم به فضل الهی از خدا تمسک می گیرد؛ لذا در معنویات و کمالات به چنان اوجی رسید که خداوند متعال در شب معراج به ایشان سلام رسانید رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «هَلْ لَّكَ مِنْ حَاجَةٍ؟ آیا حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حَاجَتَانِ تَقْرَأُ عَلَیْ خَدِیْجَةَ مِنَ اللّٰهِ وَ مِنْی السَّلَام...»؛ «حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی».

پیامبر صلی الله علیه و اله و وقتی به زمین رسیدند سلام خدا و جبرئیل را به خدیجه علیها السلام رساندند خدیجه علیها السلام گفت:

(إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّلَامُ، وَ مِنْهُ السَّلَامُ، وَ إِلَیْهِ السَّلَامُ، وَ عَلَیْ جِبْرِیْلَ السَّلَامُ)؛

همانا ذات پاک خدا سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی او باز می گردد و بر جبرئیل سلام باد (2)

3. جدیت و دوام در عبادت

برخی چنین می پندارند که عبادت تنها وسیله برای رسیدن به بعضی از مقامات روحانی و معنوی است و تا جایی کاربرد دارد که نیل به آن مقامات

ص: 165

1- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص 5؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی 302؛ سید بن طاووس، الإقبال، ص 137.

2- طوسی، امالی طوسی، ص 175؛ راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 2، ص 529؛ سید هاشم بحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن

حاصل نشده؛ بنابراین پس از رسیدن دیگر به بندگی و پرستش نیازی نیست و اصولاً در این مرحله تکلیف از انسان ساقط می‌گردد؛ کسی که خود را عبد خدا و فقیر محض و او را برطرف کننده همه نیازهای خود بدانند، در مسیر عبادت و بندگی حق، هیچ گونه خستگی و کسالتی در خود احساس نمی‌کند؛ زیرا او در آفرینش، هدفی جز عبادت نمی‌شناسد و کمالی جز قرب به حق سراغ ندارد.

قرآن کریم عبادت را هدف آفرینش انسان می‌داند (1) و برای انسان ارزش و هویتی جدا از دعا و عبادتش قائل نیست؛ (2) زیرا، انسان آن گاه می‌تواند باقی به بقای حق گردد که به فقر ذاتی اش به کمال مطلق و نامحدود آگاه شود و همواره به آن اذعان نموده از راه اظهار فقر و ناچیزی، خود با اتصال به ذات حق، کسب هویت نماید. پس اگر بنده در مرحله ای از مراحل سیر و سلوک، از بندگی و ذلت خود غافل شود و سر نیاز بر قدم بی نیاز نساید، بی تردید از هدف خلقت دور مانده و ره به سر منزل مقصود نخواهد برد. لذا در سیره هیچ یک از بزرگان دین دیده نمی‌شود که پس از رسیدن به مقامات عالی، روحانی از وظایف ظاهری خود دست برداشته تنها با اعمال، قلبی انکسار خود را در پیشگاه حق ابراز نمایند.

حضرت مریم علیها السلام پس از آن که به مقام منیع اصطفا و تطهیر از سوی خدا نائل شد، (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)، (3) مأمور به قنوت سجود و رکوع پروردگار گردید. (يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ)، (4)

«اصطفاء» از ماده «صفو»، به معنای برگزیدن صاف و خالص هر چیز است (5)

ص: 166

1- (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)، (سوره ذاریات، آیه 56).

2- (قُلْ مَا يَعْْبُؤَا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ)، (سوره فرقان، آیه 77)

3- سوره آل عمران، آیه 42

4- سوره آل عمران، آیه 43.

5- جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور، لسان العرب، ج 41، ص 264: «الصفوة: خيار الشيء و خلاصته و ما صفا منه»

و مراد از آن در آیات قرآن نوعی انتخاب و اختیار و برتری دادن فرد یا افراد بر دیگران توسط خداوند است. (1)

«قنوت» نیز گرچه در اصل به معنای طاعت است به هرگونه پایداری در راه دین نیز گفته می شود و حتی طولانی نمودن نماز را نیز قنوت خوانده اند. (2)

خداوند متعال در آن هنگام که مریم علیها السلام را الگوی همه مردم معرفی فرمود، قنوت و اطاعت دایم او از فرمان های الهی را به عنوان یکی از ملاک های این انتخاب مهم برشمرد: (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَ مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي... وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ). (3)

از این منظر حضرت خدیجه علیها السلام نیز دارای مقام اصطفای بود و به صراحت روایات، نه تنها برگزیده در بین همه زنان عالم بلکه برگزیده در میان تمامی انسان ها اعم از زنان و مردان به شمار می رفت.

رسول اکرم صلی الله علیه و اله همسر گرامی اش خدیجه علیها السلام را یکی از مصادیق این آیه معرفی می فرماید به نقل از امام علی علیه السلام، رسول خدا صلی الله علیه و اله پس از تلاوت آیه (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَ طَهَّرَكِ...) فرمود: «علی جان! بهترین زنان عالم چهار زن هستند: مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد، فاطمه دختر محمد، و آسیه دختر مزاحم». (4)

در روایت دیگر، نقل شده که روزی پیامبر خاتم صلی الله علیه و اله وارد خانه شدند و مشاهده کردند که فاطمه زهرا علیها السلام و عایشه در حال تفاخر هستند؛ به گونه ای که صورت هر دو سرخ شده است. حضرت با اطلاع از موضوع، رو به عایشه کردند و با استناد به آیه 33 سوره آل عمران که درباره اصطفای تعدادی از پیامبران الهی است برتری حضرت خدیجه علیها السلام او را نیز یادآور شده، فرمودند:

ص: 167

1- علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، 1417 ق، ج 3، ص 164

2- قنوت... والاصل فيه الطاعة، يقال قنوت يقنوت قنوتا ثم سمي كل استقامة في طريق الدين قنوتا وقيل لطول القيام في الصلاة قنوت. (معجم مقائیس اللغة، ج 5، ص 31).

3- سوره تحریم، آیه 11 و 12

4- محمد بن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 223.

يَا عَائِشَةَ أَوْ مَا عَلِمْتِ أَنَّ اللَّهَ اصَّ طَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ وَ عَلِيًّا وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ حَمُزَهُ وَ جَعْفَرًا وَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَى الْعَالَمِينَ (1) ای عایشه آیا نمی دانستی که خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران و علی و حسن و حسین و حمزه و جعفر و فاطمه و خدیجه را برگزید و بر همه جهانیان برتری داد! (2)

از این رو، آن بانوی برگزیده به عنوان سرور زنان عالم شناخته می شود. هم چنین در زیارت نامه اولاد ائمه علیهم السلام می خوانیم: (السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛ (3) «سلام بر خدیجه، سالار بانوان گیتی».

ج) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد خانوادگی

اشاره

«شوهرداری» بانوان یکی از ابعاد مهم سبک زندگی اسلامی است که سهم بسزایی در نشاط و تحرک خانواده و در نتیجه جامعه و حرکت آن به سوی کمال و سعادت دارد. همان که در لسان شریف پیامبر هنگامی که یکی از زنان مسلمان خدمت آن حضرت مشرف شد و از وجود مبارک ایشان درباره معافیت از جهاد زنان پرسید فرمودند: (جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ) «جهاد زن خوب شوهرداری زن است».

اگر جامعه ای بخواهد بنیان زندگی خانوادگی که نتیجتاً مستحکم شدن بنیان های زندگی اجتماعی را در پی دارد، با شالوده های متین و نامتزلزل بنا، نماید باید الگوی برتر برای سبک رفتار زن با شوهر در خانواده ها را بشناسد و پس از شناسایی آن را به منصفه ظهور برساند.

اسلام عزیز نمونه های متعددی در این زمینه نشان داده است یکی از مهم ترین آن ها زندگی پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و با حضرت خدیجه علیها السلام است.

ص: 168

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 73، ص 36

2- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج 1، ص 662.

3- بحار الانوار، ج 99، ص 272

زندگی اولین بانوی مسلمان با پیامبر صلی الله علیه و اله که اولین خانواده مسلمان را تشکیل داده بودند سراسر درس و پیام برای زندگی ها و خانواده های مسلمان است.

اگر زنان مسلمان در سبک زندگی اسلامی آن هم در بخش مهمی از آن مانند «شوهر داری»، روش های همسر داری را از حضرت خدیجه علیها السلام فرا بگیرند و آن را به کار ببندند، به یقین خواهند توانست گرم ترین و پر محبت ترین خانواده ها را پایه ریزی نمایند و خود الگویی برای دیگران شوند.

حضرت خدیجه علیها السلام که خود را اولین زن تشکیل دهنده یک خانواده مسلمان می دانست با شیوه های مختلف «سبک شوهر داری» زن مسلمانی را در معرض دید همگان قرار داد تا نشان دهد که می توان از گوشه یک محیط کوچک مانند منزل و محدودترین روابط اجتماعی مثل رابطه زن و مرد، یک دین و رسالت جهانی را تقویت کرد و موجب رشد هر چه بهتر آن شد و الگویی به وسعت همه جهان و همه از منتهای تقویت بنیان خانواده اسلامی بنا نهاد.

1. نگرشی ارزشی به زندگی

یکی از ویژگی های حضرت خدیجه علیها السلام درک ارزش های واقعی او در برابر فریبندگی های ظاهری و دنیوی بود. او معنای کمالات انسانی را به خوبی شناخت و چون توانست آن را تنها در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بیابد، حاضر شد تمام شخصیت و دارایی خود را برای درک آن فدا کند. او در این راه، هم از مال خود گذشت، هم از موقعیت اجتماعی اش

استقلال طلبی و استقلال اندیشی این بانو از لابه لای کردار شایسته اش پیدا می شود و این از برجستگی ها و امتیازات بلند او به شمار می رود؛ زیرا اگر انسان از نظر اندیشه مبتکر و مستقل نباشد، نمی تواند در میدان تجارت و مدیریت و حساس ترین لحظات تصمیم گیری به طور مستقل فکر و عمل کند.

حضرت خدیجه علیها السلام براساس این ویژگی ده ها خواستگار دارنده زر و زیور و کاروان تجار تی و صاحب امکانات را قبول نکرد و به همه آن ها «نه» گفت و

طوری عمل کرد که همه تصور کردند او تصمیم به ازدواج ندارد، اما وقتی با انسانی امین و پاک دل و متفکر و شایسته کردار و صاحب روحی بزرگ آشنا شد همه آداب و رسوم جاهلی و خرافی را زیر پا گذاشت و خود پیشنهاد ازدواج داد.

وقتی غوغایی به راه افتاد که دختر ثروتمند و مقتدری چون شما با جوان تهی دستی چون محمد صلی الله علیه و اله و نباید ازدواج کند با قدرتی استوار و خلل ناپذیر در مقابل آن ها ایستاد و همه ثروت و امکانات خود را به پیامبر صلی الله علیه و اله بخشید و نشان داد که حُسن انتخاب حُسن عاقبت، سعادت، شخصیت، عظمت و شکوه، چیزی است که برای به دست آوردن آن نه تنها پول و شهرت و قدرت مهم نیست بلکه باید از هستی گذشت. او در روزگار خود، از نظر ریشه و تبار از بهترین های قریش بود و از نظر امکانات از ثروتمندان آن ها به شمار می رفت. بسیاری از شخصیت های سرشناس عرب و عجم برای پیوند با او سخت می کوشیدند و خواستگار بی قرار او بودند اما به آنان پاسخ منفی داد و در همان حال خود با هوشمندی و آینده نگری به خواستگاری پیامبر صلی الله علیه و اله رفت. خدیجه علیها السلام نوع نگرش خود را هنگام ابراز تمایل به ازدواج این گونه با پیامبر صلی الله علیه و اله مطرح کرد:

یابن عمانی رغبت فیک لقرابتک و سعلتک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک؛ (1)

ای پسر عمو من به خاطر خویشاوندی، شرافت تو در بین مردم، امانت داری، خوش خلقی و راست گویی ات به شما تمایل یافتم

این نوع نگرش و رفتار، در جامعه ای که عموم توده ها، روابط خود را بر اساس ظواهر و زرق و برق های دنیوی پایه ریزی می کنند نمی توانست بدون پی آمدهای تلخ و ناگوار باشد؛ لذا به فاصله ای اندک از پخش خبر ازدواج وی با امین قریش، گروهی از زنان به عیب جویی از وی روی آوردند و در محافل خود او را سرزنش کردند. آنان می گفتند: «او با این همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که

ص: 170

جوانی فقیر است ازدواج کرد چه ننگ بزرگی!« خدیجه علیها السلام در مقابل این جهالت ها ساکت نشست و آن ها را به صرف ناهار دعوت کرد و بعد از پایان مراسم گفت:

ای زنان! شنیده ام شوهران شما (و خودتان) در مورد ازدواج من با حضرت محمد صلی الله علیه و اله خرده گرفته اید و عیب جویی می کنید. من از خود شما می پرسم: آیا در میان شما، شخصیتی مثل محمد صلی الله علیه و اله وجود دارد؟ آیا در گستره مکه و اطراف آن شخصیتی در فضایل و اخلاق نیک مانند او سراغ دارید؟ من برای این ویژگی ها با او ازدواج کردم و چیزهایی از او دیده ام که بسیار عالی است. پس شایسته نیست شما این گونه سخن بگویید و نسبت های ناروا به دیگران دهید.

زنان قریش بعد از این سخنان همگی سکوت اختیار کردند و به تدریج پراکنده شدند. (1)

این شیوه استدلال خدیجه علیها السلام، هر چند عمق ارزش گرایی در انتخاب ها را نشان می داد برای جامعه جاهل و متعصب آن روز قابل درک نمی نمود؛ لذا زنان لجوج قریش، به حالت قهر با او رفتار می کردند. آن ها دیگر به خدیجه علیها السلام نمی کردند و نزد او نمی رفتند، حتی تا سال پنجم بعثت که حضرت زهرا علیها السلام متولد شدند، نیز این شیوه رفتاری هم چنان پابرجا بود، لذا هنگام وضع حمل، او را تنها گذاشته پیام فرستادند که: «تو با ما مخالفت و با یتیم ابوطالب ازدواج کردی ما هرگز نزد تو نمی آییم و در هیچ کاری کمک نمی کنیم!!» این حجم از کینه ورزی ها دل خدیجه علیها السلام را آزرده تا آن جا که خداوند چهار بانوی پاکیزه (ساره، آسیه، مریم و صفورا دختر شعیب) را به یاری او فرستاد و به این سان خدیجه علیها السلام پاداش عشق و علاقه به کمالات انسانی را دریافت کرد و فرزندش فاطمه زهرا علیها السلام را به دنیا آورد (2)

ص: 171

1- بحار الانوار، ج 16، ص 81؛ ج 103، ص 374

2- بحار الانوار، ج 16، ص 80

2. رعایت حریم و عفاف در گفت و گو با نامحرم

در روا بودن اصل گفت و گو و سخن گفتن زنان با مردان بیگانه در فرهنگ الگویی تردیدی وجود ندارد؛ دلیل آن نیز صحبت و گفت و گوی دختران شعیب با حضرت موسی علیه السلام است. اما از همین سخن گفتن آنان می توان برداشت کرد که حیا و نجابت زنان، اقتضا می کند که هنگام صحبت با مردان، نخست به مقدار لزوم بسنده کرده بحث را به سخنان بی مورد و بی جا نکشانند؛ دوم این که لحن سخن گفتن خود را به گونه ای قرار دهند که از ایجاد هر گونه تحریک تطمیع و وسوسه در مخاطب جلوگیری شود؛ زیرا، عفت، یکی از صفات نفسانی است که شهوت نیروی سرکش را مهار می کند و تمام حرکات و گفتار و قلم انسان را کنترل می نماید تا آن چه را که دلش می خواهد نکند و هر چه را نفسش اراده کرد به قلم و زبان نیاورد و انجام ندهد لذا در کل، حیا برای هر انسانی نیکوست اما در بانوان و زنان نیکوتر و پسندیده تر است.

بررسی ویژگی های زنان نمونه در قرآن نشان می دهد که پاک دامنی و نجابت، از مهم ترین ویژگی های آنان به شمار می رود و سیمای آنان، گویای این حقیقت است که آنان در رویارویی با مردم و به ویژه مردان، بیگانه از شرم و حیای خاصی برخوردار بوده اند. این ویژگی شخصیتی در حضرت خدیجه علیها السلام نیز بسیار بارز بود از برجسته ترین لقب های او که به جهت نجابت، پاک منشی و پاک دامنی اش در عنفوان جوانی قریشیان به او دادند صفت «طاهره» است؛ (1) صفت زیننده ای که در سراسر زندگی پر برکت آن بانو علی رغم وجود ثروت و امکانات گسترده مالی و تشکیلات منظم تجاری و اقتصادی، جلوه ای کامل داشت آن بانو در زندگی شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت پرده و حجاب صحبت می کردند؛ حتی در جلسه خواستگاری شان به نقل، تاریخ از پشت پرده صحبت کردند مگر هنگام صحبت های آخر با پیامبر صلی الله علیه و اله. (2) او قبل

ص: 172

1- عبدالله بن محمد حسن مامقانی، تنقیح المقال في علم الرجال، ج 3، ص 77

2- محمد باقر مجلسی، همان، ج 16، ص 69؛ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج 2، ص 214

از ازدواج با رسول خدا صلی الله علیه و اله چنان در اوج نجابت و طهارت بود که ابوطالب علیه السلام بزرگ قریش و سالار بنی هاشم این گونه او را می ستاید:

(إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةً مِّمُّونَةٌ فَاصِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذِرُ الشَّنَارَ)؛ (1)

راستی که خدیجه بانویی است کامل و مبارک و صاحب فضل که از هر گونه عیب و عار پرهیز می کند و از هر نوع بدنامی و رسوایی دوری می گزیند.

از نمونه های دیگر عفت و حیا مخصوصاً در شب هایی که پیامبر صلی الله علیه و آله به امرالهی چهل شب دور از همسر خود بودند این بود که آن بانو سر خود را هنگام شب می پوشاندند و پرده در را می انداختند و در خانه را می بستند. (2) این ها همه نشانه های عفت و حیاست، آن هم در زمان جاهلیت که چنین رفتارهایی را نمی توان در شخصی سراغ گرفت.

3. احترام به همسر و حفظ آرامش در خانواده

ایجاد سکون و آرامش همسران در کنار یک دیگر یکی از اهداف مهم ازدواج بر شمرده شده است. وجود صفا یک رنگی و صمیمیت در خانواده، علامت توفیق ازدواج در رسیدن به اصلی ترین هدف و نشانه آن است که زن و مرد هر دو به وظایف خود در برابر همسر عمل می کنند در این میان با توجه به وجود عواطف بسیار قوی در زنان نقش آنان در تأمین بهداشت روانی خانواده چشم گیرتر است زن می تواند روحیه خسته و ناامید همسرش را در برابر مشکلات تغییر دهد و یا دست کم سنگ صبور ناراحتی های او باشد. (3) هم چنان که

ص: 173

1- بحار الانوار، ج 61، ص 65

2- علی بن یوسف حلی، العدد القویة، ص 219؛ سیلاوی، همان، ص 127

3- در روایت است که مردی به حضور رسول خدا صلی الله علیه و اله رسید و گفت همسری دارم که هنگام ورود به خانه به استقبال من می آید و چون از خانه خارج می شوم مرا مشایعت می کند و هر گاه مرا غمگین ببیند به من می گوید چه چیز تو را ناراحت کرده است؟ اگر به خاطر روزی، اندوهناکی آن را دیگری متکفل است و اگر نگران آخرت هستی خداوند هم و غم تو را زیادتر گرداند. رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: خداوند کارگزارانی دارد و او از کارگزاران خداست برای او نصف اجر یک شهید است (وسایل الشیعه، ج 20، ص 121).

می تواند در تضعیف روحیه همسرش نقش مؤثری داشته باشد و او را از خود رنجانده موجبات تزلزل نظام خانواده را فراهم کند.

زندگی خدیجه علیها السلام در آن دوران، سخت هر روز زیباتر و با لطافت تر می شد؛ زیرا فضای زندگی اش لبریز از عشق و خرد و خداپرستی و انسان دوستی و شایستگی و درایت بود او به همتای زندگی اش مهر و عشقی آسمانی داشت و حضرت را در اندیشه و کارها با تمام وجود یاری می کرد و در ابعاد مختلف، زندگی از نظر فرهنگی و اخلاقی و منش فردی و اجتماعی، با ایشان صحبت می کرد و در همه کارها با او دوستانه و قهرمانانه بود.

این ویژگی در خدیجه علیها السلام بسیار بارز بود؛ زیرا او از اندیشه و منش بالا و موقعیت شکوه بار همسر خود در بارگاه خدا و آینده درخشان ایشان آگاه بود. به خاطر همین مانند یک زن نواندیش و با ادب بلکه بهتر و بیش تر از آن، به همسرش احترام می گذاشت و در برابر او سرا پا گوش و هوش و عشق و حق شناسی بود و تلاش می کرد آن طور که باید و شاید قدرشناس باشد.

در این زندگی، حق شناسی و مهر و علاقه دوطرفه بود، هم خدیجه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را خردمندترین تواناترین گرامی ترین عزیزترین، امانت دارترین پاک ترین پروا پیشه ترین با معنویت ترین و آراسته ترین انسان ها می دید و هم حضرت محمد صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام عشق می ورزیدند و احترام می گذاشتند؛ احترامی که شایسته و بایسته و وصف ناپذیر بود.

خدیجه علیها السلام به رغم داشتن اموال فراوان و موقعیت اجتماعی ویژه، در برخورد با رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره حرمت ایشان را پاس می داشت و کوچک ترین رفتاری که نشانی از اظهار برتری دهد از خود بروز نمی داد جلوه ای عالی از این رفتار را می توان در ماجرای عروسی آن دو سراغ گرفت. آن گاه که مراسم عقد و جشن پایان یافت و پیامبر صلی الله علیه و آله می خواست به خانه عمویش ابوطالب برگردد، ملکه بطحا و بانوی قریش که اینک همسر او شده بود این گونه او را مخاطب قرار داد:

به خانه خودتان وارد شوید! خانه من خانه شماست و من کنیز شما هستم.

و البته این همه احترام و پاسداشت به سبب عقیده و ایمان او به توحید بود. (2) اشعاری که منسوب به آن حضرت، است این حقیقت را روشن می کند که چگونه یک زن مسلمان همسر خویش را خطاب می کند:

فلو أنئی امشیت فی کل نعمه *** و دامت لی الدنيا و ملک الأكاسره

فما سویت عندی جناح بعوضه *** اذا لم یکن عینی لعینک ناظره

یعنی اگر تمام نعمت های دنیا و سلطنت های پادشاهان را داشته باشم و ملک آن ها همیشه از آن من باشد به نظر من به اندازه بال پشه ای ارزش ندارد زمانی که چشم من به چشم تو نیفتد.

حضرت خدیجه علیها السلام هرگز از رنج ها و گرفتاری های راه رسالت، شکایتی نکرد و موجب تضعیف روحیه همسرش نشد و این همراهی و همدلی از کمک های مالی او نیز بالاتر بود. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز رسالت با دشمنان سرسخت اسلام مواجه گردیدند. حضرت خدیجه علیها السلام یار غم خوار پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بعثت بود و پس از آن هم با تمام وجود حامی افکار و اندیشه های توحیدی ایشان محسوب می شد و به دلیل داشتن موقعیت مقبول و ممتاز پناهگاهی برای آن حضرت به حساب می آمد علامه سید شرف الدین در این مورد می نویسد:

او مدت 25 سال با پیامبر صلی الله علیه و اله زندگی کرد بدون آن که زن دیگری در زندگی او شریک شود و اگر در حیات باقی می ماند پیامبر باز هم شریک دیگری انتخاب نمی کرد. او در تمام طول زندگی زناشویی، شریک درد و رنج پیامبر بود، زیرا با مال خود به ایشان نیرو می بخشید و با گفتار و کردار از حضرت دفاع می نمود و به ایشان در مقابل عذاب و درد کافران که در راه رسالت و ادای آن نصیبش می کردند تسلی می داد. او به همراه

ص: 175

1- بحار الانوار، ج 1، ص 4

2- سفینه البحار، ج 2، ص 570؛ مقرر، وقت الزهراء، ص 7

امیرالمؤمنین علی علیه السلام هنگام نزول نخستین وحی آسمانی به پیامبر صلی الله علیه و اله در غار حرا بود؛ به طوری که نوشته اند: «کانت خدیجه وزیره صدق علی الاسلام و کان رسول الله یسکن الیها؛ خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود و رسول خدا صل الله علیه و آله با [مهر و ملاطفت] او آرامش خاطر می یافت» (1).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما قبل از بعثت هر ماه چند روز و هر سال ماه رمضان را برای عبادت و نیایش عارفانه به غار حرا می رفتند و حضرت خدیجه علیها السلام نه فقط مانع اجرای برنامه عبادی همسرش و رفتن او به غار حرا نمی شد بلکه خود نیز مشوق آن حضرت بود و هر بامداد و شامگاه ایشان را بدرقه می کرد و هنگام بازگشت، به پیشوازش می رفت؛ گاه برایش آب و غذا می برد و مواظب بود تا خلوت عاشقانه همسرش را به هم نزنند و گاه غلامان و نزدیکان خود را در اطراف کوه حرا به مراقبت از جان گرامی پیامبر صلی الله علیه و اله می گماشت و خود به انتظار بازگشت محبوبش به سر می برد. (2) امام هادی علیه السلام فرمود:

پیامبر اسلام پس از سفر تجاری، شام در آمدش را بین فقرا تقسیم کرد و هر روز بامداد به فراز کوه حرا می رفت و به تماشای شگفتی های خلقت مشغول می شد و تحت تأثیر عظمت خدا قرار می گرفت و خدا را آن گونه که شایسته بود عبادت می کرد (3).

همراهی حضرت خدیجه علیها السلام و تلاش او برای کسب رضایت رسول اکرم صلی الله علیه و اله به حدی بود که وقتی هنگام وفات در ضمن وصیت هایش به پیامبر گفت: «من در حق شما کوتاهی کردم مرا عفو کن!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگز از تو تقصیری ندیدم و تو نهایت تلاش خود را به کار بردی و در خانه من بسیار خسته شدی!» (4).

به همین جهات بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز همواره در حیات و ممات آن

ص: 176

1- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج 1، ص 115

2- علامه امینی، الغدیر فی الکتاب و السنة، ج 3، ص 238

3- بحار الانوار، ج 17، ص 309

4- شجره طوبی، ج 2، ص 235

بانو، به او عشق می ورزیدند؛ چنان که روایت شده: (كَانَ لَهَا مُجِبًّا وَبِهَا وَامِقًا) (1) «پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به خدیجه علیها السلام محب و عاشق بودند».

4. رعایت ادب در طول زندگی

اگر به آمار اختلافات خانوادگی و طلاق و ناهنجاری های خانواده ها توجه شود، بخش زیادی از این مشکلات به رفتارهای زنان و دختران جوان بر می گردد و این همه به سبب ناآگاهی و بی توجهی به حقوق شوهران رعایت نکردن آداب معاشرت و ندانستن اصول شوهرداری در اسلام است.

بی شک هر زنی از شوهر خویش انتظارات و توقعاتی دارد، اما اگر این خواسته ها به صورت غیر مستقیم و با رعایت ادب انجام گیرد تأثیری فوق العاده در تحکیم روابط خانوادگی و افزایش محبت خواهد داشت.

با بررسی زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام می بینیم که آن بزرگوار این اصل را به خوبی رعایت می نمودند حضرت خدیجه علیها السلام خدمات زیادی را در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم انجام داد و صدمات فراوانی متحمل شد؛ از این رو، به صورت طبیعی می توانست انتظارات و توقعاتی نیز از آن حضرت داشته باشد، اما او هیچ گاه خواسته های شخصی خویش را به صورت مستقیم بیان نمی کرد، بلکه سعی می نمود آن ها را در قالب یک پیشنهاد و یا خواهش غیر مهم و در کمال ادب و احترام مطرح نماید.

ادب و احترام خدیجه علیها السلام و در لحظات آخر زندگی شان بسیار بارز است. او در آن لحظه نه خود را از خدا طلب کار می دانست و نه از پیامبر صلی الله علیه و اله حضرت خدیجه علیها السلام در آستانه، وفات هنگامی که وصیت های خود را بیان می کرد، آن ها را در قالب یک گفت وگویی صمیمانه و محبت آمیز مطرح نمود. وی خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: «یا رسول الله! چند وصیت دارم؛ البته من در حق شما کوتاهی کردم مرا عفو کنید. پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند:

ص: 177

هرگز از تو تقصیری مشاهده نکردم تو نهایت تلاش خود را به کار گرفتی و در خانه من زحمات و مشکلات زیادی را متحمل شدی و تمام دارایی خود را در راه خدا مصرف کردی.

پس از آن یک تقاضای مادی از همسرش داشت ولی احساس شرم و حیا به او اجازه مطرح کردن آن را نمی داد، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله آن بانو و دخترش حضرت فاطمه علیها السلام را تنها گذاشتند و بیرون آمدند او به دخترش گفت:

(یا حَبِیبِی وَ یا قُرَّةَ عَیْنِی! قَوْلِی لِاَبِیْکَ اِنَّ اَتَى تَقَوْلُ اَنَا خَائِفَةٌ مِنَ الْقَبْرِ اُرِیدُ مِنْکَ رَدَائِکَ الَّذِی تَلْبَسُهُ حِیْنَ نَزُولِ الْوَحْیِ تَکْفُنُنِی فِیهِ)؛

هان ای محبوب مادر و نور چشمم! به پدر گران قدرت بگو، مادرم می گوید من از خانه قبر، شب اول قبر و تنهایی در قبر نگرانم و می ترسم؛ از شما تقاضا دارم یکی از جامه های خود را که هنگام فرود فرشته وحی و دریافت پیام خدا و راز و نیازهای شبانه می پوشیدید به من هدیه کنید تا پس از، مرگ بدنم را با آن کفن کنم.

هم چنین از پیامبر صلی الله علیه و اله خواست که دعایش را بدرقه راه او کند و از درگاه الهی برایش آمرزش بطلبد و قبل از به خاک سپردنش لحظاتی خود پیامبر صلی الله علیه و اله در قبر او وارد شوند و با نماز و دعایش آن جا را پر از برکت کنند. (1)

حضرت فاطمه علیها السلام به نزد پدر آمدند و پیام مادر را رساندند. پیامبر صلی الله علیه و آله آن لباس را برای خدیجه علیها السلام فرستادند. هنگامی که حضرت فاطمه علیها السلام آن را آورد نشاط زیادی وجود خدیجه را فرا گرفت. آن گاه با دلی آرام چشم از جهان فرو بست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشغول تجهیز و غسل و حنوط وی شدند، هنگامی که خواستند خدیجه را کفن، کنند جبرئیل امین نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند سلام می رساند و می فرماید: کفن خدیجه به عهده ماست و آن یک کفن بهشتی خواهد بود». پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم اول با پیراهن خود و روی آن با کفن بهشتی خدیجه را کفن کردند.

ص: 178

برخوردار بودن دلیل بر اسراف و بی بند و باری نیست. حضرت خدیجه علیها السلام به لحاظ اقتصادی بسیار ثروتمند و برخوردار بودند اما زندگی بسیار ساده ای داشتند. داشتن ثروت از نگاه اسلام هیچ منعی ندارد، اما چقدر مجازیم که چنین ثروتی را خرج تجملات کنیم نکته مهمی است که حدود آن را می توان از سیره حضرت خدیجه علیها السلام دریافت.

تولید ثروت برای اداره جامعه اسلامی بسیار ضروری است. این تولید ثروت توسط افراد صورت می گیرد اما سیره حضرت خدیجه علیها السلام، نشان می دهد که موضوع اقتصاد و کسب درآمدهای شرعی و طاهر، نه تنها موضوعی فردی نیست، بلکه بسیار اجتماعی است و باید به اقتضائات جامعه اسلامی توجه کرد. تأکید قرآن بر تقبیح ثروت اندوزی این است که این ثروت باید در شکوفایی اقتصاد جامعه به کار گرفته شود و حضرت خدیجه علیها السلام دقیقاً به همین مبنای الهی که بر اساس آموزه های دین ابراهیمی بود، عمل می کردند و با رعایت ضوابط و دقت در امور تجاری، منافع شخصی را در نظر نمی گرفتند، بلکه این فعالیت ها را در خدمت شکوفایی اقتصادی جامعه انجام می دادند.

حضرت خدیجه علیها السلام پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، خانه ای باشکوه و مجلل داشت. او پس از ازدواج تمام این جلال و شکوه را به پای همسرش ریخت و آن خانه که پیش از طلوع اسلام پناهگاه مستمندان بود پس از اسلام پایگاه مؤمنان شد. پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام با رفتار خود در دوری از تجمل گرایی و با عمل به ساده زیستی الگوی پیروان و مسلمانان شدند.

قرآن کریم با اشاره به داستان برخی از زنان دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله و گرایش های مادی، آنان آن ها را مخیر ساخت که دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر صلی الله علیه و آله ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا و رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با پرهیز از رفاه زدگی و دنیا طلبی به زندگی ساده خود با رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه دهند:

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ
الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا). (1)

(د) ویژگی الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد فعالیت های اجتماعی

حضور زنان برگزیده الهی در متن جامعه و مشارکت با مردان در مقاطع بسیار حساس اجتماعی الگویی برای دیگران است. حضرت خدیجه علیها السلام نیز دارای این ویژگی بود مشارکت اجتماعی در برنامه های دینی و هدایت مردم به سوی خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یکی از اقدامات مهم آن بانو در اجتماع آن عصر بود. ایشان در مدتی که همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند، با زبان و عمل؛ مردم را به سوی خدا و حقیقت راهنمایی می کردند ایشان به همراه رسول اکرم صلی الله علیه و اله و حضرت علی علیه السلام مدت سه سال در تبلیغ عملی حضور داشتند که با این کار، جمعیت مسلمانان افزایش یافت و زمینه برای دعوت علنی آماده شد. علاوه بر تبلیغ عملی، خدیجه علیها السلام در مواردی هم در بین افراد به تبلیغ زبانی می پرداختند و کمالات پیامبر صلی الله علیه و آله را به مردم معرفی می کردند.

با مطالعه تاریخ اسلام، آن بخش از زندگی حضرت خدیجه علیها السلام بسیار برجسته می نماید که ایشان نه به عنوان، همسر بلکه به عنوان یک مسلمان رهبر و سکان دار جامعه اسلامی آن روز را در پیشبرد اهداف رسالتش یاری می نماید و همه توان خود را در این زمینه هزینه می کند برای نمونه، پیامبر صلی الله علیه و آله در ایام حج، بالای کوه صفا رفته با صدای بلند ندا دادند: «ای مردم! من فرستاده پروردگارم» آن گاه به کوه مروه رفتند و سه بار سخن پیشین را تکرار کردند. عرب های متعصب هر یک سنگی برداشته در پی حضرت روانه شدند. ابوجهل ملعون سنگی پرتاب کرد که به پیشانی پیامبر صلی الله علیه و آله اصابت کرد و خون از پیشانی مبارک شان جاری شد. پیامبر صلی الله علیه و آله به کوه ابوقییس رفتند؛ مشرکان

ص: 180

نیز در پی ایشان روانه شدند حضرت علی علیه السلام خود را به حضرت خدیجه علیها السلام رساندند و موضوع را با ایشان مطرح فرمودند اشک بر گونه های خدیجه علیها السلام جاری شد. ظرفی از غذا برداشت و با آن حضرت برای یافتن پیامبر صلی الله علیه و آله راهی کوه ها و دشت ها شدند جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد:

از گریه خدیجه علیها السلام ملائک به گریه آمدند. او را بخواه و سلام برسان و بگو خدا به تو سلام می رساند و او را به خانه ای بهشتی که از نور مزین شده، بشارت بده!

آن ها پیامبر صلی الله علیه و آله را یافتند و به خانه آوردند مردم به خانه خدیجه حمله ور شده، خانه را سنگ باران کردند. خدیجه علیها السلام بیرون آمد و گفت: «آیا از سنگ باران کردن خانه زنی که نجیب ترین قوم شماست، شرم ندارید؟»

مردم با شنیدن این سخنان پراکنده شدند و او برای مداوای همسرش به خانه بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله، سلام خدا را به وی رساندند.

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها از همه شئون و اعتبار اجتماعی خود برای دفاع از نبی مکرم اسلام مایه گذاشت بلکه در مواقع خطرناک و در صحنه های دشوار، حاضر می شد و به دفاع از حریم نبوی می پرداخت. ایشان در طول بیست و پنج سال زندگی با رسول خدا از هیچ کوششی دریغ نکرد و همواره همراه و هم سنگ پیغمبر بود. سه سال محاصره شدید اجتماعی و اقتصادی مسلمانان اوج فداکاری جناب خدیجه کبری به حساب می آید. او در سال هایی که مشرکان مکه بر تحریم اقتصادی و اجتماعی بنی هاشم هم پیمان شدند و آنان را در شعب ابی طالب محصور کردند و از هر گونه ارتباط آن ها با قبایل دیگر ممانعت نمودند با فرستادن نمایندگان از طرف خود سعی در متقاعد کردن ابوجهل داشت تا مانع ورود مواد غذایی به شعب ابوطالب نشود. وقتی از کار خویش نتیجه نگرفت، با کمک برادر زاده اش حکیم بن حزام، برای شعب آذوقه تهیه می کرد. (1) در این اوضاع سخت و طاقت فرسا، شخصیتی چون خدیجه کبری علیها السلام که در زمره ثروتمندان قریش، بود به رغم دارایی های فراوان خود، برای حفظ

ص: 181

1- ابن هشام، السیرة النبویة، ج 1، ص 379؛ بلاذری، انساب الاشراف، پیشین، ج 1، ص 272

ایمان و اعتقاد و انجام دادن وظیفه همه ثروتش را به پای پیامبر اکرم و در راه صیانت از شریعت خاتم ریخت و به آن جا رسید که نقل می کنند: رسول خدا و همسر بزرگ و عزیزش مشک را توی آب می گذاشتند و می مکیدند برای این که از آن چربی، مثلاً از آن چیزی که در مشک هست به آن ها برسد. (1)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و بارها از فداکاری آن بانویاد می فرمودند و بر این حقیقت که ایشان در راه اسلام چشمش را بر روی ثروت و سرمایه خویش پوشید تأکید می کردند

یاری و کمک خدیجه کبری در ادای قرض بدهکاران آزادی بردگان کمک به در ماندگان و فراهم نمودن امکانات ضروری زندگی برای مهاجران، همه از داشتن فعالیت های اجتماعی آن بزرگوار حکایت می کند (2)

ه) ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد اقتصادی و کارآفرینی

اشاره

اگر پژوهش گری به زندگی درخشان بانوی بزرگ تاریخ اسلام و عرب و موفقیت و شکوه او در ابعاد گوناگون زندگی بنگرد و راز استقلال و آزادی او را بجوید، همین دانش و هنر برنامه ریزی یگانه سازی نیروها، دمیدن روح انگیزش در کارکنان و قدرت کنترل کارها و اصلاح امور و دیگر هنرها و مهارت های مدیریت را در زیباترین شکل آن در منش و روش مترقی و با معنویت و زیبای او خواهد یافت. مدیریت آن بانو افزون بر اصول و ارکان مدیریت ظاهری و علمی و تجربی، مدیریتی، انسانی آزاد منبانه عادلانه و مدیریت بر قلب ها بود

1. بانویی اندیشمند و صاحب اعتبار و امکانات

اسناد روایی تفسیری و تاریخی بیان گر این حقیقت است که او بانویی، اندیشمند صاحب ثروت و امکانات بود و به تجارت گسترده ای اشتغال داشت و پس از ایمان به راه و رسم مترقی و انسان پرور پیامبر آزادی، تمام آن ثروت و

ص: 182

1- امام خمینی، صحیفه نور، ج 17، ص 474

2- رازی، ابوالفتوح، روضه الجنان، ج 19، ص 171

اعتبار و تجربه و کارایی را در اختیار پیشوای آزادی. نهاد لذا پیامبر صلی الله علیه و آله درباره نقش فداکاری او در پیشرفت معنویت و اخلاق فرمودند: (ما قامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ) (1)

اسلام پس از فرود بر قلب و زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، با دو عامل اساسی، گسترش و پایداری یافت: شهامت و فداکاری امام علی علیه السلام، و دیگر جهاد و فداکاری اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام. بر این اساس اندیشه و روان در این مورد می نویسند: «کفاها شَرَفًا فَوْقَ شَرَفِ أَنْ الْإِسْلَامَ لَمْ يَنْمُ إِلَّا بِمَالِهَا وَسَيْفِ عَلِيٍّ بْنِ طَالِبٍ كَمَا رُوِيَ مُتَوَاتِرًا» (2)

برای آن بانوی، فرزانه این شرافت و شکوه بس که راه و رسم عادلانه و بشر دوستانه اسلام و ایمان در برابر شرک و استبداد، جز در پرتو جاذبه پیامبر صلی الله علیه و اله و منش او جهاد خالصانه امیر مؤمنان و ثروت بسیار خدیجه علیها السلام قامت بر نیفراشت و گسترش نیافت.

حضرت رسول صلی الله علیه و اله نیز در قدر شناسی از بخشندگی و فداکاری هدف دار و جهاد اقتصادی بانوی خردمند حجاز در راه پیشرفت اندیشه آزادی بخش و انسان پرور دین خدا فرمود: (مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَالِ خَدِيجَةَ)؛ (3) هیچ ثروت و امکاناتی در زندگی اجتماعی و تربیتی ام به هدف های والای من بسان ثروت و امکانات «خدیجه» سود بخش و سودرسان نبود.

در جریان محاصره چند ساله پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه یاران در دره ابوطالب، یکی از عوامل پایداری پیامبر صلی الله علیه و اله و مردم آزادی خواه و به شکست کشاندن تلاش واپس گرایانه محافظه کاران و جریان های خمود و خشونت گرا، بخشندگی و بزرگ منشی ابوطالب و بلند نظری و جهاد اقتصادی خدیجه علیها السلام بود؛ (وَأَنْفَقَ أَبُو طَالِبٍ وَ خَدِيجَةُ جَمِيعَ مَالِهِمَا) (4)

ص: 183

1- محمد کاظم قزوینی، فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص 25

2- تنقیح المقال، ج 3، ص 77

3- بحار الانوار، ج 19، ص 63

4- همان، ص 16

2. مدیریت اقتصادی

او در مدیریت اقتصادی خویش عوامل اجرایی را از میان انسان های سالم و امانت دار و درست کار و ریشه دار به همکاری دعوت می کرد و خود از دفتر کارش، کاروان عظیم تجارتي را با سرانگشت نیرومند تدبیر و قدرت گره گشای مدیریت و درایت خویش به حرکت در می آورد و به کارهای اقتصادی خویش سامان می بخشید. داستان پیشنهاد ابوطالب به او برای گزینش حضرت محمد صلی الله علیه و آله به کار در کاروان تجارتي اش و استقبال آن حضرت از آن پیشنهاد در روایات آمده است.

3. اصل ایجاد انگیزه در مدیریت اقتصادی

او در آن روزگار فقدان درایت و مدیریت عادلانه و انسانی، از اصل ایجاد انگیزه در کارکنان و همکاران بهره می جست. پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام حق شناسی از بخشش و بزرگ منشی او در این راه چنین فرمودند:

(ما رأيتُ مِنْ صَاحِبِهِ لِأَجِيرٍ خَيْرًا مِنْ خَدِيحِهِ، مَا كُنَّا نَرْجِعُ أَنَا وَصَاحِبِي إِلَّا وَجَدْنَا عِنْدَهَا تُحْفَةً مِنْ طَعَامٍ تَحْبَأُهُ لَنَا) (1)

مدیر و کارفرمایی پر مهرتر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش ندیدم. هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، می دیدیم غذای گوارایی را که به اشاره او برای ما آماده شده بود به ما هدیه می نمود و با کارگزاران و زیر دستان، بزرگ منشانه و انسانی رفتار می کرد (2)

4. اصل نظارت و کنترل در مدیریت

برابر اسناد تاریخی و روایی موجود او در مدیریت موفق و مترقی خویش، از اصل نظارت و کنترل در مورد برنامه ها و مدیران و کارکنان خویش بهره

ص: 184

1- همان، ج 16، ص 10

2- همان، ج 43، ص 76

می جست. هم توجه جدی به رهاورد کار داشت و هم به صورت دقیق و پی گیر کارهای انجام شده را مقایسه می نمود و هم در صورت لزوم اصلاحات لازم را اعمال می کرد تا از اشتباه و انحرافی که در پروژه ها و برنامه ها و هدف ها پیش می آمد، جلوگیری کند.

داستان گماشتن «میسره» یا بازرس ویژه به نظارت بر منش و رفتار حضرت محمد صلی الله علیه و آله و دستور تهیه گزارش دقیق کتبی و نه شفاهی، برای او، در اسناد تاریخی آمده که در درایت و مدیریت او آن هم در آن زمان، جالب و آموختنی است.

5. شناخت زمان و مکان و اوضاع بازار در پرتو آگاهی و مشاوره

او در برنامه ریزی از مشاوران کاردان بهره می جست. او در انتخاب وقت و فرصت نوع کالا و مقدار آن حرکت و بازگشت و توقف کاروان را با آگاهی از زمان و مکان به گونه ای تنظیم و تدبیر می کرد که شگفتی همگان را بر می انگیخت و کاروان بزرگ تجارته اش همواره در راه بود و از یمن به حجاز و از حجاز به شام و دیگر مراکز مهم اقتصادی و مبادلاتی جهان عرب می رفت و سودی سرشار و عادلانه با خود می آورد.

اگر به وضعیت آن روز جهان و دنیای عرب و قلمرو حجاز و نیز اسارت و محرومیت کامل زن از حقوق انسانی و اجتماعی اش آشنا باشیم و زننده به گور شدن دختران را به خاطر بیاوریم، آن گاه اداره چنین شریان مهم اقتصادی به وسیله یک دختر هوشمند و پاک منش و به مدیریت توان مند و تدابیر ظریف و دقیق اقتصادی و اجتماعی، او ما را به شخصیت برجسته و ابتکار در کارها و روح مدیریت و سازنده او رهنمون می سازد و در می یابیم که به راستی او در آن روزگاران خردمندترین مدبرترین و کارآمدترین بانوی جهان خویش بود.

دکتر محمد عبده یمانی، دانشمند و روشن فکر عرب و وزیر فرهنگ پیشین

سعودی و برادر «زکی یمانی» وزیر نفت سابق آن کشور، در کتاب خویش (1) در وصف ایمان و اخلاص و شهامت و عظمت روحی و درایت و مدیریت و فداکاری آن بانو می نویسد:

خدیدجه این بانوی آگاه و پاک سرشت که حق گرای فضیلت طلبی نواندیشی و عشق به کمال و پیشرفت از ویژگی هایش بود از همان روزگار جوانی یکی از دختران نام دار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت. او در جهان عرب، نخستین زن توانمندی است که در اقتصاد و تجارت و مدیریت، درخشید و در این راه شخصیت منطقه ای و شهرت جهانی به هم زد؛ به گونه ای که نام بلند او در تاریخ عرب و در آثار و نوشته های تاریخ نگاران پیش از اسلام نیز با شکوه و عظمت و به عنوان یک قهرمان بزرگ ملی و یک مدیر توان مند کارآفرین و با درایت و معنویت آمده است.

و نیز می نویسد:

این بانوی بزرگ نه تنها انسانی پیشتاز و رشد یافته و آراسته به جمال و کمال و دارای خرد و روحی بزرگ بود بلکه فرشته ای پُرشکوه را در سیمای انسان می نمود او از شهامت و عظمت روحی و فکری و صف ناپذیری بهره مند بود. آیا در مورد هم اندیشی هم گرای همگامی و همراهی اندیشمندان و دلیرانه او با پیامبر آزادی و عدالت آن هم در آن دوران تیره و تاریک از بعثت اندیشیده اید؟ راستی چگونه این بانوی فداکار و آزادمش پیش از بعثت و پیش از آشکار شدن شکوه و عظمت آن حضرت و آینده درخشانش گویی بسان او می اندیشید و از استبداد و انحطاط و کج روی و نادانی جامعه و دنیای خویش ناراحت بود و راهی تازه و جامعه و جهانی نو و شرایطی آزاد و آباد و مردمی آگاه و عدالت جو و با معنویت می جست؟ او در راه همگامی و همراهی با پیامبر کارهای مخاطره آمیز حکیمانه و فداکاری هایی شجاعانه می کرد؛ برای نمونه با آن ثروت و اعتبار خود از خانه خویش - که نزدیک «مسجد الحرام» بود - راه می افتاد و با پیمودن مسافت زیادی تا

ص: 186

1- او کتاب هایی در مورد خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله نوشته از جمله: حقوق اهل بیت؛ خدیجه علیه السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و اله، و فاطمه علیها السلام دختر پیامبر صلی الله علیه و اله، که ترجمه سه عنوان از سه کتاب اوست.

غار حرا می رفت و برای پیامبر آب و غذا می برد و ایشان را در راه اوج و عرفان و نیایش و معنویت و به دوش کشیدن بارگران رسالت و به اهتزاز درآوردن پرچم نجات و رستگاری بشریت یاری و همراهی می کرد؟ (1)

نویسنده در کتاب دیگرش در بیان نقش تاریخ ساز و مترقی خدیجه علیها السلام، او را مام گران مایه توحید گرایان و کمال جویان همسر و همتای لایق پیامبر محبوب و شریک دغدغه ها و هدف های او و مادر دعوت نجات بخش اسلام عنوان می دهد. (2)

علامه قزوینی نیز در این مورد می نویسد:

مام گران مایه فاطمه علیها السلام و بانوی نوگرا و ارجمندی است به نام خدیجه علیها السلام؛ بانویی سپید چهره بلند قامت و زیبا که در میان جامعه و مردم، سخت پر شرافت بود و در کارها بسیار خردمند از هوش و درایت بهره ای بزرگ داشت و در شئون، زندگی از بینشی ژرف برخوردار بود در پرتو استقلال فکر و عمل و اعتماد به خود می زیست و به برکت مغز هوشمند خود چرخ های اقتصادی و تجاری گسترده خود را به حرکت آورده و به مقررات و مدیریت اقتصادی و کارآفرینی آگاه و کوشا بود این ها از صفات شایسته و ویژگی های آن بانوی بزرگ به عنوان یک انسان است. او بانویی بود که ثروت هنگفت خود را به شوی گران قدرش بخشید تا در راهی که می پسندد به کار گیرد بی تردید سرمایه عظیم اقتصادی آن بانوی فداکار در پیشرفت اسلام و برپایی جامعه جدید نقش اساسی داشت؛ زیرا اسلام در حال شکل گیری به امکانات اقتصادی نیازمند بود و خدا بر اثر درست اندیشی و اخلاص، خدیجه این افتخار را به او داد که ثروتش را برای پیشرفت دین و آزادی انسان مهیا ساخت و با تأمین نیاز اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و اله و نواندیشان همراه ایشان در آن مرحله حساس هدف پیامبر صلی الله علیه و اله که بر پای پایه های عدالت و آزادی بود استوار شد به همین جهت، پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

ص: 187

1- نقل به مضمون از سفرنامه استاد سبحانی سیمای فرزندگان، ص 362

2- فاطمه الزهرا، ص 114

«مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَدْ مِثْلُ مَا نَفَعَنِي مَالٌ خَدِيجَةٌ. (1) هیچ ثروتی بسان ثروت خدیجه برای اهداف بلند من سود بخش نیفتاد»

در آستانه ازدواج صلی الله علیه و آله پیامبر با خدیجه علیها السلام، وقتی ورقه بن نوفل پسر عموی خدیجه، سخن از فقر پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آورد، خدیجه علیها السلام فرمود: «اذا كان ماله قليلا فمالي كثيرا؛ اگر مال او اندک است مال من بسیار است» و شعری خواند که مصرع دومش این است: «فما المال الا مثل قلم الاظفار؛ ثروت در برابر او جز مانند گرفتن ناخن ها نیست»؛ یعنی ثروتم را از خودم جدا کرده، همه را در اختیار او قرار می دهم.

پیامبر صلی الله علیه و آله با بهره گیری از ثروت خدیجه علیها السلام، ضمن پرداخت قرض وام داران بردگان را آزاد و به در ماندگان کمک می کردند بار را از دوش آنان بر می داشتند و در رخدادهای ناگوار زندگی از آن مال پر سعادت به هر اندازه لازم بود، هزینه می کردند و زیر بال محرومان را می گرفتند آن حضرت در مکه به یاران آزادی خواه، اما تهی دست و زیر فشار کمک می کردند و امکانات هجرت مهاجران را فراهم می نمودند آن حضرت در حیات درخشان آن یار فداکار، آن چه صلاح می دانستند از دارایی اش هزینه می کردند و پس از رحلت او نیز خود و فرزندان او را به ارث بردند. (2)

علاوه بر آن حتی هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله (پانزده سال قبل از بعثت) با خدیجه علیها السلام ازدواج کرد روزی حلیمه سعديه مادر رضاعی پیامبر صلی الله علیه و اله به مکه آمد و از قحطی و خشک سالی آن سال شکایت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند و خدیجه علیها السلام چهل شتر و گوسفند به حلیمه بخشید. او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت پس از طلوع اسلام حلیمه به همراه شوهرش به مکه آمدند و مسلمان شدند به همین جهت، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

(مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ)

ص: 188

1- کر می فریدنی، سیما و سیره ریحانه پیامبر ص 86

2- طوسی، امالی، ج 2، ص 82.

اسلام پس از جاذبه مفاهیم و معنویت مقررات خود با شجاعت و شمشیر عدالت طلب علی علیه السلام و دارایی خدیجه علیها السلام در برابر فشار استبداد بر پای ایستاد و استواری یافت

زندگی و همگامی این بانوی بزرگ با پیامبر صلی الله علیه و اله، در خور هرگونه تحسین است. به همین دلیل آن حضرت پس از رحلت او نیز هر گاه نام بلندآوازه اش به میان می آمد برایش طلب آموزش می کردند و قلب مصفایش به یاد او می شکست و در اندوه آن یار مهربان و فداکار اشک می ریختند. (1)

بانو «قراعه» دانشمند مشهور، عرب می نویسد:

تاریخ در برابر شکوه و عظمت أم المومنین خدیجه علیها السلام سر فرود می آورد و در برابر او با نهایت فروتنی می ایستد و نمی داند که نام این بانوی بزرگ جمال و کمال را در کدامین فراز بلند خویش به ثبت برساند. (2)

نیز دکتر سعیده کرمی در این مورد می نویسد:

بیست و پنج بهار از عمر پر برکت پیامبر صلی الله علیه و آله می گذشت که با خدیجه علیها السلام - که برترین و والاترین دختر حجاز بود - پیمان زندگی مشترک بست و فصل تازه ای در زندگی شان آغاز شد. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام در نوع خود بی نظیر و دارای ویژگی هایی بی سابقه بود؛ زیرا این پیوند مبارک نه ثمره عشق زودگذر بود و نه برخاسته از انگیزه های مادی یا دیگر امور و اهداف رایج که در ازدواج چهره های سرشناس وجود دارد هدف های سیاسی نیز در امضا و تشکیل این زندگی و ساختار آن نقشی نداشت (3)

6. رعایت اصل پاک روشی و پاک منشی در مدیریت اقتصادی

حضرت خدیجه علیها السلام در کار تجارت و مدیریت خویش بر اساس همان بیبش و منش برجسته اش گام بر می داشت که پاک روشی، پاک منشی، راستی

ص: 189

1- فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، ص 25

2- نساء محمد صلی الله علیه و آله، ص 38

3- سعیده کرمی، نسیم بهشت، ص 47

و درستی عدالت خواهی و ستم ستیزی بود. او هرگز به هر قیمت و هر بهایی سود نمی جست و درآمد نمی خواست هرگز بسان برخی زورمداران و زرپرستان تجارت را وسیله ای برای به دست آوردن درآمدهای سرشار، اما ظالمانه و ضد مردمی و به هر شکل و از هر راه را نمی پسندید هرگز در اندیشه سودجویی های فردی و بی ضابطه و به بهای فقر و فلاکت مردم خویش نبود بلکه همواره در تلاش بود تا مدیریت اقتصادی و کار تجارت و بازرگانی اش از هرگونه تخلف اقتصادی و هر نوع آلودگی مالی و درآمدهای بادآورده و ظالمانه دور باشد.

از این زاویه او بر خلاف رسم رایج بازار روزگارش، از احتکار و انحصار کم فروشی و فریب از ربا خواری و سوء استفاده از فرصت و اعتبار و امکانات برای انباشتن دارایی دوری می جست و کار پرشرافت خویش را به این گناهان بزرگ آلوده نمی ساخت و به کارگران و کارمندان و مدیران تحت فرمانش نیز هشدار می داد که داد و ستد و سود و درآمد را در پرتو درایت و صداقت و هوشمندی و هنر و از راه های مشروع و عادلانه تجارت و صادرات و واردات و تولید و توزیع و خدمت به کشور و ملت خویش و تعهد و تخصص بجویند.

7. جلب اعتماد بازارهای داخلی و منطقه ای

حضرت خدیجه علیها السلام به دلیل بینش زیبا و منش متری و ویژگی های اخلاقی و انسانی و مدیریت و مهارت خردمندانه، نه تنها اعتماد بازارهای داخلی را جلب نموده، بلکه اطمینان بازارهای منطقه ای را نیز به دست آورد، و راه پیشرفت را برای دیگران هم گشود؛ لذا، موفقیت از پی موفقیتی دیگر و سود سرشار از پی سودی دیگر می رسید و کاروان های تجاری خدیجه مورد استقبال بازارهای، مصر، یمن، شام حبشه قرار می گرفت؛ زیرا او در خوش نامی و صداقت و امانت و جلب اعتماد گوی سبقت را از همگان ربوده بود (1).

ص: 190

8. آفرینش و امضای قراردادهای ابتکاری و متنوع

برابر اسناد موجود خدیجه علیها السلام مدیری آگاه و دل سوز و کارآفرین بود، به همین جهت قراردادهای ابتکاری و متنوعی با افراد می بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه آنان را به کار می گماشت. او برخی را که دارای روح ابتکار و استقلالی، بودند با اعطای سرمایه و تسهیلات با قراردادی شبیه مضاربه همراه کاروان خویش می فرستاد و برخی را به صورت کارمند و کارگر و کارگزار به کار می گماشت. در واقع آن حضرت در تجارت به دو طریق مردم را انتخاب می کردند: یک گروه که در مقابل اجرت معین و متناسب با سختی کار به آنان حقوق می دادند و گروه دوم به صورت مضاربه بود که سود حاصل از تجارت را به این افراد می دادند از این رو حضرت خدیجه علیها السلام، بر اساس سهمیه ای که قبلاً مشخص شده بود حقوق را پرداخت می کردند اما در زمانی که کاروان های تجاری دچار خسارت می شدند حضرت خدیجه علیها السلام خسارت مربوطه را متوجه اموال خود می دانستند و در واقع یک نوع بازار کار را برای افراد در دوران جاهلیت ایجاد کرده بودند. از این راه در درجه نخست بر مال حلال خویش می افزود و در درجه دوم خون مفید و ثروت سالم به اقتصاد جامعه، تزریق می کرد و در درجه سوم، گروهی را به سبب همراهی با کاروان بزرگ خویش اداره می کرد و برای آنان فرصت کار و اشتغال و درآمد می آفرید و در درجه چهارم نیازهای متنوع مردم به کالا و وسایل زندگی را برطرف می ساخت و بهتر و مطلوب تر از همه به ندای استقلال طلبی، آزاد منشی و آزادی خواهی ستم ستیزی و ناسازگاری خویش با روند ظالمانه روزگارش پاسخ می داد.

اگر وضعیت رباخواری آن روز جهان عرب و آیات قرآن در این زمینه را بنگریم که چگونه و در چند مرحله به جنگ این بلا و این آفت بزرگ اجتماعی و اقتصادی و روانی و اخلاقی رفته است، آن گاه بیشتر به عظمت این بانوی خوش فکر و روح خلاق و مبتکر او پی می بریم و با درایت و مدیریت تحسین بر انگیزش در اقتصاد و تجارت و کارآفرینی و پیشرفت آگاه می گردیم برای نمونه، در برخی از اسناد

تاریخی و روایی در مورد مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام و خدمات بشردوستانه او از زبان یکی از عموهای پیامبر در روزگار نوجوانی آن حضرت که جوای کار با شرایطی آزادمنشانه و تسهیلاتی بدون منت بود، چنین آمده است:

(أَمْضُوا بِنَا إِلَى دَارِ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ حَتَّى نَسْأَلَهَا أَنْ تُعْطِيَ مُحَمَّدًا مَالًا يَتَجَرَّبَهَا) (1)

باید به خانه خدیجه برویم و از او بخواهیم که سرمایه و تسهیلاتی در اختیار [حضرت] محمد قرار دهد تا وی با آن تجارت نماید.

9. کارآفرینی با معنویت و بشردوست

بر اساس اسناد تاریخی و روایی درایت و مدیریت تحسین برانگیز خدیجه در اقتصاد و تجارت، او را به اوج شهرت رساند و درست اندیشی، درست رفتاری و امانت وی را در سیمای کارآفرینی با معنویت شایسته کردار و بشردوست و خدمت گزار نیروی کار در مکه و حجاز مشهور کرد.

بی جهت نیست که وقتی فردی سرشناس و برجسته و آراسته به بلند نظری و شهامت و مناعت طبع همانند ابوطالب در تلاش یافتن فرصت کار و امکان اشتغال در جایی پر اعتبار و سالم برای برادرزاده جوان و ارجمند خویش است پیش از هر جا و هر کار و هر مؤسسه ای از تشکیلات اقتصادی و تجاری دخت فرزانه حجاز آگاهی و مدد می جوید و زمانی که به سبب خوش نامی خود و خاندانش بی درنگ پاسخ مساعد دریافت می دارد به برادرزاده ارجمندش می گوید:

محمد جان! برابر پیشنهادی که دریافت داشته ام مؤسسه اقتصادی و بازرگانی خدیجه در اندیشه یافتن مردی هوشمند و کارآمد و آراسته به اخلاق نیک و امانت است تا مدیریت کاروان بزرگ او به سوی شام را بر عهده وی . بسپارد به باور من فرصت خوبی است که شما خود را به آن مؤسسه و

ص: 192

مدیریت موفق آن معرفی نماید و برای این کار اعلام آمادگی کنید. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله با این پیشنهاد موافقت نمودند و در این اندیشه رفتند که چگونه میان مناعت طبع و روح بلند خود از یک سو و از سوی دیگر با درخواست کار از خدیجه، بدون هیچ آشنایی چهره به چهره و سابقه قبلی با مؤسسه او، هماهنگی برقرار سازند؟ هنوز در اندیشه حل این معما بودند که پیک خدیجه از راه رسید و در پیگیری گفتگوی ابوطالب در این مورد، حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برای آشنایی و مذاکره دعوت نمود. آن حضرت با فرستاده خدیجه به گفتگو نشستند و او ضمن دعوت حضرت به کار، خاطر نشان ساخت:

نیروی کار برای ما فراوان است اما آن چه مدیریت این مؤسسه تجاری را به شما علاقه مند ساخته و در اندیشه عقد قرارداد و سپردن مدیریت کاروان بزرگ بازرگانی خدیجه به سوی شام با شماست، همان گوهر اخلاق و معنویت و راستی و امانت و پاک منشی و شیوه شایسته و خوشنامی او در زندگی است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و جریان را با عمومی فرزانه و دل سوز خویش ابوطالب در میان نهادند و او گفت: (إِنَّ هَذَا الرَّزْقَ سَاقَةٌ اللَّهُ إِلَيْكَ) (2)

این رویداد، خوش وسیله و راهی است برای اشتغال و درآمد زندگی که خدای مهربان آن را به سوی توراوان ساخته است».

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ترغیب فرزانه، قریش به سوی مرکز تجاری خدیجه علیها السلام رفتند و ضمن دیدار با او و شنیدن شرایط و مقررات کار و حقوق و مزایای آن دریافتند که مدیریت بازرگانی خدیجه حاضر است دو برابر حقوقی که به دیگران می دهد به آن حضرت پردازد و دو غلام خویش را نیز برای انجام دادن فوری و دقیق تصمیمات او از آغاز تا انجام سفر تجاری به همراه ایشان گسیل دارد. آن حضرت نیز پس از مساعد و مطلوب دیدن شرایط و مزایا و منشا و رفتارها

ص: 193

1- همان

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 158 کامل ابن اثیر، ج 2، ص 24

آمدگی خود را برای همکاری اعلام داشتند.

چیزی نگذشت که کاروان بزرگ تجاری قریش به سوی شام حرکت کرد و کالای متنوع و مرغوب خدیجه علیها السلام نیز در قالب آن به راه افتاد. آن بانو افزون بر کالای کاروان مرکبی راهوار و مقداری کالای ارزشمند نیز در اختیار مدیر بازرگانی خویش قرار داد و به دو تن از چابک ترین باهوش ترین و ادب آموخته ترین غلامان خود نیز دستور داد تا در همه مراحل کار و سفر گوش به فرمان پیامبر صلی الله علیه و اله باشند و هر آن چه از او دیدند در خاطرات خویش بنویسند و به هنگام بازگشت به مدیریت مؤسسه بدهند

جالب است که کاروان با موفقیت و سودی رضایت بخش بازگشت. در همین نخستین سفر درایت و امانت پیامبر صلی الله علیه و اله در خشید و ابتکارات ایشان کارساز گردید و در نتیجه سود تجاری سرشاری را نصیب کاروان نمود. افزون بر آن، دو فرستاده خدیجه علیها السلام یک سره از امانت و معنویت و منش متریقی، و ادب و اخلاق آن حضرت خبر دادند و دخت ارجمند حجاز را برای همیشه شیفته اندیشه والا و شیدای منش زیبا و امانت و درستی او ساختند.

(ویژگی های الگویی حضرت خدیجه علیها السلام در بعد سیاسی

اشاره

نقش سیاسی زنانی نظیر حضرت خدیجه علیها السلام ممکن است نقشی متعارف- چنان که از این عبارت انتظار می رود - نباشد، اما هیچ کس در اهمیت و تعیین کننده بودن آن تردیدی ندارد این موضوع با رجوع به متون تاریخی و احادیث و روایات در همان نگاه اول رخ می نماید و نیز چنین ویژگی، شاید با مرور زندگی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام که 25 سال در بحرانی ترین دوران صدر اسلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و اله بود بیش از پیش جلوه گر شود. از این رو برای آشنایی بیشتر با ویژگی های سیاسی آن، حضرت مواردی را در این مورد بیان می کنیم و از سخنان مقام معظم رهبری که از نزدیک با بحث های سیاسی انقلاب آشنا هستند استفاده می کنیم:

ص: 194

یکی از مراحل حضور زن در صحنه سیاست آشنایی با فعل و انفعالات و جریان‌های سیاسی حاکم بر جامعه و موضع‌گیری مناسب در برابر این رخدادهاست. مرتبه اول موضع‌گیری نیز آن است که فرد از نظر قلبی، به جریان‌های سیاسی که بر اساس حق به وجود آمده، گرایش داشته و از فعالیت جریان‌های غیر منطبق با آن احساس ناخشنودی باطنی نماید. اعلان ایمان و پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله در دوران اختناق، یکی از بهترین و کارآمدترین موضع‌گیری‌های حضرت خدیجه علیها السلام در امور سیاسی بود. روشن است که این سختی‌ها در آغاز یک انقلاب به دلیل فقدان پشتوانه مالی و نظامی، کم و کیف بیشتری دارد و طبیعتاً اعتقاد به مشارکت و پیروی از یک رهبر در این ایام از ارزش و اهمیت والایی برخوردار است و در پیشبرد اهداف انقلابی رهبری تأثیر بنیادینی می‌گذارد. از این منظر ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در اولین ساعات بعثت و پیروی از آن حضرت و تحمل سختی‌های این مسیر اهمیت والایی دارد اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر امید هیچ پیروزی نیز در کار نیست خود بزرگترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می‌رود ایمان آوردن بعد از کسب پیروزی و قدرت، از لحاظ ارزش و تأثیر با ایمان و پیروی در آغاز انقلاب قابل مقایسه نیست.

رهبر معظم انقلاب با اشاره به اهمیت پیروی از رهبری یک انقلاب در دوران سختی و مرارت می‌فرماید:

وقتی که اوضاع خوب است کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده اند همه از اوضاع راضیند؛ می‌گویند خدا پدرش را بیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد. وقتی سختی پیدا می‌شود، همه دچار تردید می‌شوند. (1)

ص: 195

2. مشارکت عملی در امور سیاسی

حضرت خدیجه علیها السلام اولین شخصیتی بود که به حمایت تمام قد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله اهتمام نمود و در این راه جان و مال خود را فدا کرد. اهمیت حمایت های همه جانبه به خصوص حمایت مالی از نبی مکرم صلی الله علیه و اله در آغاز انقلاب نبوی آن گاه روشن می شود که بدانیم - به تعبیر رهبر معظم انقلاب - در دوران انقلاب و اختناق، نقش کمک های مالی نقشی بنیادین است. اگر کمک های مالی حضرت خدیجه علیها السلام در ابتدای انقلاب نبوی نبود، به احتمال زیاد فرآیند تکاملی آن در آغاز راه مختل می گردید:

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز اسلام ایمان آورد؛ بزرگ ترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد؛ اول مؤمن به اسلام او بود؛ بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد و تأثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق نقش کمک های مالی را به مبارزین تجربه کردند که اگر کمک های خدیجه صلی الله علیه و اله نبود، شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده ای به وجود می آمد. (1)

3. ایستادگی و مقاومت هنگام تحریم و محاصره شعب ابی طالب

تاریخ حکایت گر آن است که هر گاه ندایی و انقلابی در جهت حق طلبی و بر ضد ستمگری و استبداد قد بر افراشته مستکبران و مستبدان از هر راهی برای نابودی و خاموش کردن آن انقلاب بهره گرفته اند؛ از جمله: حملات سرد و گرم، مبارزات مخفی و عیان، تهاجم فرهنگی و نرم و نیز هجمه ها، هجمه اقتصادی در قالب محاصره و تحریم اقتصادی این ها مواردی است که امروز ملت مسلمان ایران نیز با آن مواجه هستند دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله نیز پس از ناکامی در متوقف کردن انقلاب نبوی، با استفاده از محاصره و تحریم اقتصادی-سیاسی و، فرهنگی، تلاش نمودند پیروان ایشان را از اطراف حضرت پراکنده سازند و انقلاب

ص: 196

1- خامنه ای، علی سخنرانی ایراد شده در تاریخ (1365/3/2).

الهی آن حضرت را از پای درآوردند. بر اساس گزارش های مسلم تاریخی ستمگران، مکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و وابستگان اطرافیان و پیروان حضرتش را در شعب ابی طالب تا سه سال تحت محاصره همه جانبه، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی قرار دادند یاران و پیروان صدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تکیه برای مان مستحکم، خویش در این راه ایستادند؛ ولی در عین حال سختی ها به دوش پیامبر صلی الله علیه و آله فشار می آورد. در همین اوضاع، حضرت خدیجه علیها السلام به حمایت همه جانبه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت و تمامی اموال خویش را در این راه تقدیم نمود. هم چنین در این مدت به حمایت عاطفی و معنوی از آن حضرت همت گمارد و همواره به آن حضرت دلگرمی بخشید و تنها مونس و غم خوار آن حضرت بود. در حقیقت اقدامات آن، بانو در این ایام بخشی معطوف به کل مسلمانان بود که به عنوان بانوی اول اسلام و مادر تمامی مؤمنان مادرانه به اوضاع مسلمانان رسیدگی می کرد و با هزینه کرد ثروت خویش روحیه پایداری را در آن ها زنده نگاه می داشت؛ بخشی دیگر نیز معطوف به شخص نبی مکرم صلی الله علیه و آله بود و به تعبیر رهبر معظم انقلاب حضرت خدیجه علیها السلام در تمام ایام عمر و خصوصاً در ایام سخت شعب ابی طالب «بزرگترین کمک روحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت».⁽¹⁾ این هر دو سنخ اقدام از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار در گذار از ایام محاصره و تحریم و پیروزی اولیه اسلام به شمار می رود.

رهبر معظم انقلاب در تبیین و تحلیل دوران محاصره و تحریم در شعب ابی طالب و مقاومت مسلمانان در این ایام و عامل این استقامت می فرماید:

همان ایستادگی اول، بعثت منجر می شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی طالب شوخی نیست؛ سه سال در یک دره ای در مجاورت مکه بدون، آب بدون گیاه در زیر آفتاب سوزان پیغمبر جناب ابی طالب، جناب خدیجه همه مسلمان ها و همه خانواده های شان توی این تکه - شکاف کوه - زندگی کردند راه هم بسته بود که برای این ها غذا

ص: 197

نیاید، خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود یعنی جنگ نبود می توانستند داخل شهر بیایند، اما تا می خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند ابوجهل و ابولهب و بقیه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آن ها خواستند جنسی را بخرند، شما وارد معامله شوید، دو برابر پول بدهید، جنس را شما بخرید و نگذارید آن ها جنس بخرند با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند این شوخی است؟ آن استقامت اولی آن عمود مستحکم این خیمه آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می آورد که آحاد صبر می کنند. شب تا صبح بچه ها از گرسنگی گریه می کردند که صدای گریه بچه ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش می رسید و ضعفای آن ها هم دل شان می سوخت؛ اما از ترس، اقویا جرأت نمی کردند کمک کنند. (1)

4. سرپرستی و تربیت جانشین نبوت

انقلاب هایی که با برنامه ریزی درست صورت می گیرد، از همان ابتدا مسأله جانشینی، رهبری یکی از دغدغه های رهبر آن و نیز انقلابیان است. در انقلاب نبوی نیز این امر اهمیت بسزایی داشت به گونه ای که اولین اقدام نبی مکرم صلی الله علیه و آله پس از علنی کردن دعوت خویش تعیین جانشین خود بود که در داستان دعوت سران و بزرگان، قریش حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و خود تعیین نمودند. جالب این جاست که این جانشین و پیامبر صلی الله علیه و آله، بنا به مصلحت الهی و نیز اطلاع الهی نبی مکرم صلی الله علیه و آله از وصایت حضرت علی علیه السلام از دوران طفولیت در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغوش گرم آن حضرت و دامن مطهر حضرت خدیجه علیها السلام تحت تربیت و رشد قرار گرفته بود. از این منظر نیز نقش حضرت خدیجه علیها السلام در جریان انقلاب نبوی نقشی بنیادین است؛ زیرا تربیت جانشین رهبری انقلاب تأثیر عمیقی در مراحل مختلف انقلاب - ایجاد،

ص: 198

استقرار و استمرار - دارد نقش این امر در ایجاد انقلاب آن جاست که برنامه ریزی انقلاب را به رخ می کشد که این انقلاب ابتر نیست که با رفتن رهبر از بین .برود بنابراین «ایجاد امید به آینده انقلاب» و در نتیجه پایداری و استقامت پیروان، نقش مهم این مسأله در ایجاد انقلاب است. در مراحل استقرار و توسعه انقلاب نیز اثر این مهم اثری عملی است که به طور فیزیکی و حضور شخص جانشین در رأس انقلاب و مدیریت آن خود را می نمایاند. حضرت خدیجه علیها السلام با نگاه داری مادرانه و تربیت درست حضرت علی علیه السلام، این خدمت کلان و با ارزش را به انقلاب نبوی عرضه کردند.

5. تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب

از دیگر خدمات چشمگیر حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و انقلاب الهی ایشان به دنیا آوردن و تربیت شخصیتی بود که بعدها به سبب خدمات بنیادینش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله لقب «ام اییها» را از جانب آن حضرت دریافت کرد. در واقع حضرت خدیجه علیها السلام با تربیت درست و دقیق حضرت زهرا علیها السلام علاوه بر خدمت به کل جریان انقلاب، نبوی برای دوران اولیه ایجاد آن نیز تأثیر شگرف داشت؛ رهبر معظم انقلاب با ادبیات، ذیل، به تبیین شخصیت و جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در فرآیند انقلاب نبوی در دوران خلأ وجودی حضرت خدیجه علیها السلام اشاره فرموده است:

در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند آن شرایط دشوار را تحمل .کرد پیغمبر تنهاست، بی غم گسار است همه به او پناه می آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزدايد؟ یک وقت خدیجه بود، که حالا- نیست ابوطالب بود که حالا نیست در چنین شرایط دشواری در عین آن گرسنگی ها و تشنگی ها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابی طالب که از دوران های سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در دره ای با همه مسلمانان معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می کردند این دختر مثل یک فرشته نجات برای ،پیغمبر مثل مادری برای پدر خود

مثل پرستار بزرگی برای آن انسان، بزرگ مشکلات را تحمل کرد. غم گسار پیغمبر صلی الله علیه و اله شد، بارها را بر دوش گرفت. (1)

6. تلاش مستمر در راه تربیت و سازندگی نزدیکان

در کلاس تربیتی آن بزرگوار زمینه مناسب و فضای مساعدی برای تغذیه، فکری، فرهنگی، اخلاقی و انسانی افراد دیگر نیز فراهم بود تا آنان در آن فرصت و فضای آزاد و آرام، امکان یابند تا ببیندیشند و تربیت شوند و راه زندگی را چنان برگزینند که به صورت انسان هایی خوش فکر و کمال طلب و آزادمنش سربر آورند؛ مانند خواهرزاده ها و فرزند خوانده هایش «رقیه»، «زینب» و «هند»، (2) که هر کدام در روزگار خود به برکت مراقبت و مدیریت خدیجه علیها السلام، راه شایستگی را انتخاب کردند و خوش درخشیدند؛ برای نمونه

1-6- «هند» یکی از خواهرزاده های خدیجه بود که فرزند خوانده او هم به شمار می رفت. وی در خانه و در قلمرو مراقبت و حمایت و آموزش و مدیریت آن بانو تربیت شد و به گونه ای در خودسازی و ایمان و ادب رشد نمود که در ردیف یاران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و اله به شمار آمد؛ به ویژه که سعادت داشت تا از بینش و منش پیامبر صلی الله علیه و اله نیز در فرصتی بسیار بهره مند گردد. (3)

او همان جوانمردی است که در شب تاریخی هجرت، پیشوای آزادی را با شهامت و اخلاص تا غار «ثور» هم راهی نمود و به فرمان حضرت به مکه بازگشت.

او یک شب پس از هجرت به همراه امیر مؤمنان را به طور نهانی به دیدار

پیامبر گرامی و در غار رفت و به دستور حضرت موظف گردید که به همراه امام علی مرکب و وسایل سفر آن حضرت برای هجرت را با ظرافت و رعایت

ص: 200

1- همان، (71/9/25)

2- تنقیح المقال، ج 3، ص 77.

3- بحار الانوار، ج 16، ص 148؛ اسد الغابه، ج 5، ص 72؛ سیره ابن هشام، ج 1، ص 187.

مسائل امنیتی فراهم آورد. (1) این تربیت یافته مکتب خدیجه علیها السلام پس از رویداد تاریخ ساز هجرت در هوای آموزه های رهایی بخش اسلام و پیامبر آزادی به مدینه شتافت و در صف آزادی خواهان و ستم ستیزان در جنگ های بدر و احد، مبارزه ها و فداکاری های خدایسندانه و تحسین برانگیزی نمود. او پس از رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و در غوغای انحصارگری و خشونت تشنگان قدرت - که خود را شیفته خدمت جا می زدند - راه درست هدایت را گم نکرد، بلکه در کنار سمبل عدالت و نفس نفیس پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و مورد خشم دنیاداران قرار گرفت و در جنگ جمل به شهادت رسید. (2)

2-6- «حارث»، نمونه ای دیگر از اثر پذیران و تربیت یافتگان خدیجه علیها السلام بود. او نیز بر اثر آموزش و عملکرد و مدیریت و مراقبت بانوی آزادی و معنویت، به شاهراه درستی گام نهاد و بر اثر خودسازی و خودشکوفایی و مراقبت، به گونه ای درست اندیشید و نیک رفتار نمود و خوش درخشید که نه تنها در زندگی، موفق و نیکو منش گردید که جان شیرین را در طبق اخلاص نهاد و به بارگاه خدای خویش هدیه کرد و به بیان برخی از پژوهشگران او نخستین شهید راه عدالت از مردان مسلمان گردید

3-6- از دیگر پرورش یافتگان مکتب مترقی و منش و مدیریت انسان پرور حضرت خدیجه علیها السلام، دختری است به نام «هند» که از خواهرزاده ها و فرزند خوانده های او به شمار می رفت. او در کنار دخت خردمند حجاز، به گونه ای به آگاهی و رشد رسید که پس از طلوع اسلام، بر اثر آن مایه های تربیتی و مهندسی روحی و معنوی به سوی حق و عدالت گرایید و خود را به گونه ای ساخت و به خودشکوفایی نایل آمد که در شمار یاران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله و یکی از بانوان نو اندیش و با معنویت به حساب آمد.

ص: 201

1- سفینه البحار، ج 2، ص 725.

2- سفینه البحار، ج 2، ص 725

حضرت خدیجه کبری علیها السلام بانوی بزرگی به شمار می‌آمد که از موقعیت‌های مادی و معنوی چشم‌گیری برخوردار بود. او بدون توجه به محدودیت‌های نادرست و با در نظر گرفتن شأن و ارزش اجتماعی و انسانی خود، توانست با مدیریت درست و با درک به موقع اوضاع جنبه‌های مختلف مکنون در وجود مبارک خود را پرورش دهد و ضمن ایفای نقش خاص خود به عنوان یک زن در تمامی عرصه‌های مهم جامعه آن روز جزیره العرب نقش درخوری ایفا نماید؛ یعنی ایشان در اقتصاد به عنوان تاجری موفق در فرهنگ به عنوان یک زن پیشرو در اجتماع به عنوان مدافع ارزش‌های والای انسانی در سیاست حامی مصلح و در خانواده به عنوان همسر و مادری، نمونه به ایفای نقش پرداخت و توجه به یکی از این جنبه‌ها بی‌توجهی به سایر جنبه‌ها را موجب نشد و در عین حال جنسیت بانوی بزرگ اسلام نیز باعث نگردید که ایشان در انجام فعالیت‌های خود دچار محدودیت شده و یا نیازمند تغییر الگوهای رفتاری گردد. این وضعیت، موجب گردید زنان مسلمان با الگوگیری از رفتار فردی و اجتماعی ایشان راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را با بهره‌گیری از الگویی در دست رس پیش روی خود داشته باشند و با پیروی از ایشان ضمن دست‌یابی به جایگاه شایسته به شکوفایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران اسلامی کمک نمایند و در تربیت نسلی پیشرو در عرصه بهسازی جامعه موفق باشند.

1. ابن ابي الحديد، عبدالحميد، شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، 1404 ق.
2. ابن اثير، الكامل في التاريخ، بيروت، انتشارات اساطير، 1370 ش.
3. ابن اثير، على بن محمد، أسد الغابه في معرفه الصحابه، دارالفكر، بيروت، 1409 ق.
4. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، هشت، مجلد نشر دار صادر، بيروت.
5. ابن شهر آشوب، محمد، مناقب آل ابي طالب، قم، انتشارات علامه، چاپ سوم، 1379 ق.
6. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع دار صادر، بيروت، 1414 ق.
7. ابن هشام عبدالملك، سيره النبويه، مترجم رسولی، هاشم، نشر كتابچی تهران، 1375 ش.
8. ابن جوزی، يوسف بن قزاوغلی، تذكره الخواص، نشر شريف رضی، قم، 1376 ش.
9. ابن شهر آشوب، محمد بن علی مناقب مصحح: رسولی هاشم، نشر علامه، قم، 1379 ق.
10. ابن طاووس، علی بن موسی مهج الدعوات و منهج العبادات، مترجم: ابوطالب، کرمانی محمد حسن نشر دار الذخاير، قم، 1411 ق.
11. ابوالفرج، عبدالرحمان بن علی بن محمد، صفوه الصفوه، بيروت، انتشارات دار المعرفه، چاپ دوم، 1399 ق.
12. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشم، 1381 ش.
13. الاصفهانی، ابو الفرج، مقاتل الطالبین، قم، مؤسسه دارالکتاب، چاپ دوم 1381 ش.
14. امینی، الغدير في الكتاب و السنه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1372 ق.

15. بحرانی هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه البعثه، قم، 1389 ش.
16. بکری، احمد بن عبد الله، الانوار فی مولد النبي صلی الله علیه و اله، قم، انتشارات شریف رضی، 1411 ق.
17. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم، 1431 ق.
18. حائری، محمد مهدی شجره طوبی منشورات المكتبه الحیدریه فی النجف، الطبعة الخامسة، 1385 ق.
19. حلّی علی بن یوسف، العدد القویہ لدفع المخاوف الیومیہ، محقق مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، 1408 ق.
20. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، 1377 ش.
21. رازی، ابوالفتح، روضه الجنان، به کوشش: محمد جعفر یا حقی، مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، 1371 ش.
22. راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، مؤسسه امام مهدی صلی الله علیه اله، قم، 1409 ق.
23. سیلاوی، غالب، الانوار الساطعه من الغراء الطاهره خدیجه بنت خویلد علیه السلام انتشارات محلاتی بی جا، چاپ دوم، 1383 ش.
24. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، 1417 ق.
25. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل والملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، نشر اساطیر، 1362 م.
26. طوسی، محمد بن حسن الأمالی، مترجم: حسن زاده، صادق، نشر اندیشه هادی، قم، 1388 ش.
27. طوسی، محمد بن حسن امالی، قم، انتشارات دار الثقافیه، 1414 ق.

28. عبدالله بن محمد حسن مامقانی، تنقيح المقال في علم الرجال، نجف، اشرف، مطبعة مرتضويه، 1352 ق.
29. قزوینی، محمداکظم، فاطمه الزهرا من المهد الى اللحد، دار الغدير قم چاپ اول، 1390 ش.
30. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم والآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار، نشر اسوه، قم، 1363 ش.
31. کر می فریدنی، علی، سیما و سیره ریحانه پیامبر انتشارات دلیل، ما تهران، چاپ دوم، 1382 ش.
32. کر می، سعیده، نسیم بهشت انتشارات نسیم انتظار، چاپ اول، 1388 ش
33. کفعمی، ابراهیم بن علی عامل مصباح، دارالکتب العلمیه، نشر بیضون، نجف اشرف، 1413 ق.
34. مامقانی، عبدالله، تنقيح المقال في علم الرجال، محقق: مامقانی، محی الدین مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، قم 1388 ش.
35. مجلسی، محمد، باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء بیروت لبنان، 1404 ق.
36. محلاتی، ذبیح الله، ریاحین الشریعه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، 1369 ش
37. مفید، محمد بن نعمان، الافصاح في امامه امیر المؤمنین، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول، 1413 ق.
38. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، بیروت، دارالجنان.
39. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله)، قم، 1375 ش.
40. موسوی مقرر، عبد الرزاق، مقتل الحسین، مترجم: عباس حاجیانی دشتی، انتشارات اسلامی، قم، چاپ هفتم، 1389 ش.

حضرت خدیجه علیها السلام مادر حضرت زهرا علیها السلام: علی کریمی جهرمی

اشاره

حضرت خدیجه علیها السلام یکی از صدف های نورانی و سراسر قداست است که درّی یگانه و بی نظیر و معصومه ای طاهره و مطهره مانند حضرت زهرا ی اطهر را متولد ساخت.

نسب رفیع و ریشه خانوادگی

به گفته یعقوبی، بانوی گرامی حضرت خدیجه علیها السلام در نسب نورانش با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قصی به هم می رسند؛ زیرا او جد چهارم پیامبر و جد سوم حضرت خدیجه علیها السلام بود و این سلسله نسب نورانی به بزرگ انبیای الهی ابراهیم علیه السلام منتهی می شود. (1)

پدر محترم او خویلد بن اسد بن عبد العزی ابن قصی بن کلاب بود که درباره اش گفته اند: او شریف و آقا کریم و بزرگوار و به جود و سخا مشهور بود.

مادر او نیز فاطمه بنت زائده بن اصم بود که درباره اش آمده: «کانت هذه السيّدة الفاضلة مثلاً للطهارة والعفة». (2)

مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام

او بانوی با فضیلت و ترسیمی برای عفت و پاکی بود: (وَ كَانَتْ تُدْعَى فِي

ص: 206

1- موسوعه سیره اهل بیت علیهم السلام، ج 1، ص 93، نقل از تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 118.

2- همان، ص 94

الجاهليَّة بالطَّاهِرَةِ لِشِدَّةِ عِفَافِهَا وَصِيَانَتِهَا). (1) او در عصر جاهليت و ميان آن مردم با واژه «طاهره» خوانده مي شد؛ زيرا به شدت عفاف و صيانت نفس و متانت داشت.

بعضي از بزرگان و مشاهير گفته اند:

خديجه عليها السلام در ميان آن مردم با عنوان «سيدة نساء قریش» (بانوی بزرگ زنان قریش) ناميده مي شد و اين به لحاظ صفات عاليه و کارهاي ارزنده و شريفش بود و خيرات و برکاتي که از او تراوش مي کرد. (2)

مطالعه حالات حرکات و کلمات آن بانوی گرامي و گفته بزرگان درباره ايشان ، انسان را به اين حقيقت مي رساند که او از آغاز، بانویی با ايمان و داراي اعتقادات درست و برگرفته از دين توحيدى حضرت ابراهيم خليل عليه السلام بوده است و ديده هاي او غير از ساير مردم محيطش بوده و مکرمت هاي اخلاقي و ملکات عاليه انساني در ديد او ارزش والايي داشته است.

حرز حضرت خديجه عليها السلام

سيد بن طاووس مي فرمايد:

حرز خديجه بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا حافظ يا حفيظ يا رقيب (3)

اين حرز حاكي از ايمان عميق و ريشه دار حضرت خديجه عليها السلام است که اسماء حسناى الهى و نام هاي مقدس خداوند را وسيله محافظت خود قرار داده بود و خويشتن را در پناه اسماء و صفات خداوند صيانت مي کرد

علامه مجلسي حرز ديگري براي او نقل کرده است:

(يا حَيُّ يا قَيُّومُ بِرَحْمَتِكَ اَسْتَغِيثُ فَاغْنِنِي وَ لا تَكِلْنِي اِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ وَ اَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ). (4)

ص: 207

1- ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 19

2- موسوعه سيرة اهل بيت، ج 1، ص 95

3- مهج الدعوات، ص 47

4- بحار الانوار، ج 91، ص 234

اما مرحوم سید بن طاووس در مهج الدعوات به همان حرز اول اکتفا کرده و دومی را حرز حضرت زهرا علیها السلام ذکر نموده است. حرز گرفتن و به پناه خدا رفتن و خویشتن را از فتن و آفات در پناه و نگهداری خدا قرار دادن کاشف از ایمان عمیق و یقین کامل به ذات لایزال الهی و نگهداری ذات مقدس اوست

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

بر حسب نوع زنان در تصمیم گیری و عزم جدی نوعی ضعف دارند و با اعتراض و سرزنشی که متوجه آن ها شود، از اراده و تصمیم خود بر می گردند یا حداقل مردد و مضطرب می مانند. در این میان حضرت خدیجه علیها السلام جزء آن نادر زنانی است که در مواقع مختلف و در مواضع حساس، با انواع سرزنش ها، قطع روابط اهانت ها و آزارهای مختلف مواجه گردید، ولی از اراده جازم و تصمیم قاطع خود برنگشت. در این مورد به نمونه هایی اشاره می شود:

1. اسلام آوردن او و بناگذاری بر اطاعت محض از مکتب مقدس و توحیدی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

این عمل بسیار صدا کرد و عکس العمل های نگران کننده به همراه داشت، انتقاد و عیب جویی و سخن پراکنی درباره این اقدام انقلابی و حرکت الهی بسیار شد او با بهانه جویی های جاهلان و احساسات بی ملاک و نابخردانه روبه رو بود که شاید یک فرد معمولی را همان روز اول از کار خود پشیمان می کرد و از راهی که رفته بود باز می داشت ولی حضرت خدیجه علیها السلام که حق را تشخیص داده و با بینش کامل آن را دریافته بود و اندک ضعف و اشکالی متوجه آن نمی دید، در برابر تمام مشکلات ایستادگی کرد و از همه آن تبلیغات سوء، به خوبی و با صلابت گذشت و نقشه های خائنان و متعصبان بیمایه را نقش بر آب نمود.

2. ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با وجود پاک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

این جریان با مشکلات فراوان روبه رو شد. سران قوم نمی پذیرفتند که آن بانوی والا مقام، ثروتمند و تاجر پر آوازه و مورد توجه با پیامبر اسلام ازدواج کند که جوانی تهی دست و یتیم بود که از سایه مدیریت پدر و مهر و محبت مادر

محروم بود و تحت کفالت حضرت ابوطالب علیه السلام زندگی می کرد. آن ها تعجب می کردند که چطور آن، بانو خواستگاران ثروتمند فراوان از داخل و خارج را رد کرده و به هیچ کدام روی خوش نشان نداده ولی پیامبر صلی الله علیه و آله را برای همسری انتخاب نموده و از ازدواج با او اظهار خشنودی کرده و به اقدام خود آن چنان دلگرم و مطمئن است که بدان افتخار می کند و ثروت کلان خود را در این راه هزینه می نماید. گروهی از زنان، قریش با حضرت خدیجه علیها السلام قطع رابطه کردند و ترجیح دادند که با این وضعیت دیگر هرگز با او رفت و آمد نداشته باشند؛ زیرا ازدواج بانوی سرشناس مکه و شخصیت پرآوازه جزیره العرب با جوانی تهی دست اصلاً برای آنان پذیرفتنی نبود ولی خدیجه علیها السلام که با تشخیص درست به این انتخاب صائب و جالب دست زده بود و نورانیت طهارت نفس، وزانت، امانت و صداقت پیامبر صلی الله علیه و آله را دیده بود و با تمام وجود به او ایمان داشت، همه آن نگرانی ها و سرزنش ها و قهرها را به جان خرید و با تمام وجود مقاومت کرد. این استقامت و این اراده قطعی و ثبات قدم در راه خدا جداً درسی ابدی برای همه است که باید آن را در مکتب حضرت خدیجه علیها السلام فرا گرفت؛ باید مردم مسلمان به ویژه بانوان درس ثبات قدم را از آن بانو بیاموزند؛ او که در راه خدا و حمایت از حق این چنین پا بر جا بود.

آری در هیچ یک از این دو مرحله بسیار دشوار، با وجود مشکلات ناهمواری های فراوان بلکه وصف ناپذیر کم ترین تزلزلی در اراده قوی و ایمان جازم آن بانوی با عظمت پدیدار نگردید و نیز با این حرکت الهی خود، درسی همیشه جاوید به زنان و دختران در حال انتخاب همسر داد که یک خواستگار پاک و شریف را به سبب کمی مال و یا تهی دستی رد نکنند

ارزش ها از نظر حضرت خدیجه علیها السلام

ای شگفت انگیز است در محیطی که نادانی، محض، حاکم بود و اوهام و خرافات شیوع فراوان داشت، حضرت خدیجه علیها السلام به ارزش های معنوی و

انسانی فکر می کرد ابن هشام از ابن اسحاق نقل می کند که خدیجه علیها السلام بانویی تاجر و دارای شرف و مال بود. مردها را استیجار می کرد و مال خود را به آنان می داد تا با ثروت او معامله و تجارت کنند. طبعاً مقداری از مال خود را برای آنان قرار می داد چون اطلاع یافت که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم دارای صفاتی بس عالی مانند راست گویی درست کرداری امانت داری است و از اخلاق بس نیکویی برخوردار است کسی را به حضور حضرت فرستاد و از ایشان خواست با سرمایه وی برای تجارت به شام بروند و بیش از مقداری که به دیگران می داد، به ایشان تقدیم کند. پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفتند و با مال خدیجه علیها السلام و غلام او به شام رفتند حضرت در این سفر، کالاهایی را که برده بودند، فروختند و متاع هایی که باید بخرند خریدند و به مکه برگشتند ضمناً غلام خدیجه علیها السلام کرامات زیادی از آن بزرگوار مشاهده کرد. خدیجه علیها السلام متاع هایی را که پیامبر صلی الله علیه و اله وارد کرده بودند با دو برابر قیمت یا نزدیک به آن فروخت میسر غلام خدیجه علیها السلام کرامات پیامبر صلی الله علیه و اله را برای او ذکر کرد؛ لذا خدیجه علیها السلام ایشان را خواست و ترویج خود را به آن حضرت پیشنهاد کرد و عرض کرد:

إِنِّي قَدْ رَغِبْتُ فِيكَ لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ شَرَفِكَ فِي قَوْمِكَ وَ أَمَانَتِكَ عِنْدَهُمْ وَ حُسْنِ خُلُقِكَ وَ صِدْقِ حَدِيثِكَ (1)

ای پسر عمو من به خاطر خویشاوندی با شما و این که میان قوم از شرفی خاص و منزلتی رفیع برخوردار می و برای امانت داری تو و اخلاق نیکو و صدق گفتارت به تو رغبت پیدا کردم و علاقه مند شدم.

بدین طریق آمادگی خود را برای ازدواج با آن حضرت اعلام کرد، چیزی که نزدیکان خدیجه علیها السلام تمنای آن داشتند و این آرزو را برای خود در دل می پروراندند.

باری پیامبر صلی الله علیه و اله پیشنهاد خدیجه علیها السلام و سخنان او را برای عموهای خود نقل کردند از این رو حمزه اقدام به خواستگاری کرد. (2) البته گفته اند کسی که با

ص: 210

1- اسد الغابه في معرفة الصحابة، ج 5، ص 435؛ بحار الانوار، ج 16، ص 9، با اندکی تفاوت

2- السيرة النبوية، ج 1، ص 199 - 201؛ كشف الغمة، ج 1، ص 509

پیامبر صلی الله علیه و آله به خواستگاری رفت ابوطالب بود و او خطبه ازدواج را خواند و شاید هر دو با آن حضرت رفته باشند بالاخره ابو طالب مسن تر از حمزه بوده است و اقدام او مناسب تر به نظر می آید.

عواملی که موجب شد آن بانو پیامبر صلی الله علیه و اله را در میان خواستگاران فراوان انتخاب کند عبارتند از:

1. خویشاوندی؛

2. داشتن شرف و اعتدال در میان قوم؛

3. امین و درستکار بودن؛

4. برخورداری از خلق و خوی نیکو؛

5. راست گویی در کلام.

لابد در کنار این امور گزارش های میسره راجع به کرامات و عنایاتی که از عالم غیب به آن حضرت می شده اثر خود را داشته است. ای کاش زنان مسلمان ملاکات خود را در انتخاب همسر از حضرت خدیجه علیها السلام ای فرا بگیرند و موهومات را ملاک انتخاب خود قرار ندهند.

شخصیت خدیجه علیها السلام در کلام حضرت ابی طالب

درباره ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله با خدیجه علیها سلام آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت ابوطالب فرمودند: «ای عمو! حاجتی از شما دارم». عرض کرد: «چیست؟» فرمود: «شما و عموهای دیگرم همین ساعت برخیزید و به نزد خویلد پدر خدیجه علیها السلام رفته و او را برای من خواستگاری کنید!» ابوطالب گفت: «ای حیب من رو به خواسته تو می آوریم [خواسته ات را اجابت می کنیم] و در امور خود از امر تو پیروی می کنیم!»؛ «و أنت تعلم إن خدیجة امرأة كاملة میمونة فاضلة تخشى العار و تحذر الشنار...»؛ (1) تو می دانی که خدیجه علیها السلام زنی کامل و مبارک و با فضیلت است. از عیب جویی اشخاص ترسان و از منقصت و

ص: 211

حضرت ابوطالب جناب خدیجه علیها السلام را با صفات کامله میمونه به معنای مسعوده، فاضله و کسی یاد می کند که از عیب گریزان و از حرف ها و گفتگو های مردم که حاکی از منقصت او باشد خائف است. شاید حضرت ابوطالب اشاره به این داشته که چون خواستگاران فراوان از طبقات ثروتمند را رد کرده و نپذیرفته ممکن است زبان اشخاص باز شود که آن همه خواستگاران را جواب گفت و تن به ازدواج با جوانی داد که پدر و مادر را از کودکی از دست داده و فاقد مال و ثروت است ولی با ارشادات شخص پیامبر صلی الله علیه و اله و بعضی از نزدیکان و اظهارات قبلی حضرت خدیجه علیها السلام خواستگاری صورت گرفت و ازدواج مبارک و مسعود انجام شد.

مورد دیگری که حضرت ابوطالب، مقام والا و شخصیت گرامی خدیجه علیها السلام را می ستاید، هنگام خواندن خطبه عقد بود. او بعد از ثنای الهی و ذکر نسب پاک خود و خاندانش و اتصال به حضرت ابراهیم علیه السلام و یادآوری نعمت های الهی و موفقیت امر ازدواج فرمود:

و بعد فاعلموا یا معاشر من حضر أن ابن اخینا محمد بن عبدالله خاطب کریمتکم الموصوفة بالسخاء و العفة و هی فتاتکم المعروفة المذكور فضلها الشامخ خطبها....؛ (1)

ای گروه حاضران بدانید که فرزند برادر ما محمد بن عبدالله از دختر بس بزرگوار شما که معروف به سخاوت و عفت است، خواستگاری می کند و خواهان ازدواج با دختر یاد شده است که فضیلت او زبانزد همگان و شأن او شامخ و بلند است ...

ببینید ابوطالب که خود شیخ و بزرگ بطحا، بود خدیجه علیها السلام را به چه صفاتی یاد کرد: کریمه یعنی بزرگوار موصوف به جود و سخا و دارای عفت و پاکی بانوی با نام و نشان که فضیلت و کمال او زبانزد مردم و مقام او شامخ و رفیع

ص: 212

است. راستی چه شأن و شرفی بالاتر از این که یک انسان بزرگ و گران قدر مانند ابوطالب، بانوی بطحا را این گونه می ستاید زنان و دختران مسلمان نیز بکوشند که اگر جایی سخن آن ها به میان آمد از حیا و پاکی آنان سخن بگویند.

خدیجه علیها السلام در کلام امیر مؤمنان

امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام، در یکی از خطبه های شریف شان از شخصیت والای حضرت خدیجه علیها السلام سخن می گویند و سابقه درخشان او را یاد آوری می فرمایند: ایشان در خطبه قاصعه ضمن بیان اوضاع و احوال آغاز اسلام می فرماید:

(وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا) (1)

خانه ای که اسلام در آن راه یافته باشد وجود نداشت؛ مگر خانه رسول الله . او بود و خدیجه علیها السلام و من نفر سوم آن ها بودم که اسلام را پذیرفتم.

افتخار برای حضرت خدیجه علیها السلام بس که یک مثلث مقدس توحید در قله تشکیل یافته بود و خداپرستی قائم به آن ها بود و لاغیر و یکی از سه ضلع این مثلث حضرت خدیجه علیها السلام به شمار می رفت؛ چنان که ضلع دیگر آن امیر مؤمنان علیه السلام و بالاخره ضلع دیگر خود وجود مقدس حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و اله بودند.

کدام صحابی و یار پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله افتخار دارد که در دوره ای که هیچ کس دعوت آن حضرت را اجابت، نکرد مانند حضرت خدیجه علیها السلام به این دعوت الهی پاسخ مثبت دهد؟ این مکتب مقدس در آن وضعیت پیچیده و دوران سخت و رنج آور یک رهبر داشت و دو پیرو یکی امام علی علیه السلام در ایام کودکی و دیگر حضرت خدیجه علیها السلام افتخار بانوان جهان.

در روایتی آمده که شخصی یهودی از امام علی علیه السلام راجع به ویژگی های

ص: 213

اوصیا پرسش کرد حضرت مطالبی را در جواب او فرمودند؛ از جمله:

من نخستین کس بودم که اسلام آوردند و ما سه سال به همین وضع گذرانیدیم و روی صفحه زمین کسی نبود که نماز بخواند و پیامبر را در آن چه از سوی خدا آورده بود تصدیق کند و شهادت به راستی او بدهد، غیر من و دختر خویلد (خدیجه) که خدا او را رحمت کند! (1)

سلام رساندن خدا به حضرت خدیجه علیها السلام

مقام معنوی حضرت خدیجه علیها السلام در نزد خداوند متعال بسیار عالی بود به طوری که روایات زیادی حکایت از سلام رساندن خداوند به او دارند. بر اساس یکی از روایات، جبرئیل به حضور پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله آمد و راجع به خدیجه علیها السلام پرسش کرد و او را نیافت. آن گاه به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «هنگامی که خدیجه علیها السلام آمد، به او خبرده که پروردگارش به او سلام فرستاده است». (2)

روایت دیگری را ابن هشام از شخصی که مورد وثوق او بوده نقل می کند:

جبرئیل به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: «سلام خدا را به خدیجه علیها السلام ابلاغ کن و او را از جانب پروردگارش سلام برسان!» رسول خدا به خدیجه علیها السلام فرمود: «این جبرئیل است که سلام پروردگارت را ابلاغ می کند». خدیجه علیها السلام را در جواب گفتند: الله السلام و منه السلام و علی جبرئیل السلام. (3) خداوند از هر عیب و نقصی مبرا است و سلام از اوست و سلام بر جبرئیل باد!

علامه مجلسی از تفسیر عیاشی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کند که ابوسعید خدری گفته:

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «شبی که مرا به معراج بردند، هنگامی که بازگشتم به جبرئیل گفتم: خواسته ای نداری؟ او گفت: "حاجت من این است که

ص: 214

1- بحار الانوار، ج 16، ص 2

2- همان، ج 16، ص 8

3- السیرة النبویة، ج 1، ص 257

سلام خداوند و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی" و چون پیامبر صلی الله علیه و اله با خدیجه علیها السلام ملاقات کرد و این پیام را رسانید خدیجه علیها السلام گفت: (إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جَبْرَائِيلَ). (1)

شایان ذکر است که روایات سلام فرستادن خدا بر خدیجه علیها السلام به وسیله جبرئیل منحصر به شیعیان و پیروان مکتب اهل بیت و عترت طاهره نیست بلکه اهل سنت نیز آن را نقل کرده اند؛ چنان که از سیره ابن هشام نقل کردیم و در صحیح بخاری از ابوهریره نقل کرده که جبرئیل نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آمد و عرض کرد:

یا رسول الله! این خدیجه علیها السلام است که می آید و با او ظرفی است که در آن نان خورش یا طعام یا آب است. اکنون هنگامی که به حضور شما آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من سلام برسان و او را به خانه ای در بهشت بشارت بده! (2)

آری! خدیجه علیها السلام بانوی سرفرازی است که پروردگار بزرگ به او سلام می رساند و جبرئیل، رئیس ملائکه و بزرگ ترین فرشته مقرب الهی بر او سلام می فرستد؛ قطعاً آن حضرت مورد سلام همه فرشتگان خدا در آسمان و زمین خواهند بود.

علاقه مندی عمیق پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام

مودت و علاقه مندی و پیوند روحی میان زن و شوهر از مطالب قطعی و تردید ناپذیر است و در قرآن کریم از آیات روشن بر تدبیر خالق متعال به شمار می آید محبت و علاقه مندی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام بسیار عمیق و محکم بود پیامبر بزرگوار با آن که ازدواج های مکرر کرده اند، تا زمانی که خدیجه علیها السلام در حیات بود هیچ همسری را انتخاب نکردند و همه آن ازدواج ها مربوط به بعد از وفات غم بار حضرت خدیجه علیها السلام بود؛ زیرا آن بانو پیکره فضایل و بزرگواری بود و حقاً که بهترین حمایت را نسبت به پیامبر نشان داد چنان که از

ص: 215

1- بحار الانوار، ج 16، ص 7

2- صحیح بخاری، ج 2، ص 315

بعضی از کلمات پیامبر صلی الله علیه و اله استفاده می شود گویا آن حضرت خود را مدیون خدیجه علیها السلام و فداکاری های او می دانستند و او را بانویی شایسته احترام و تجلیل می دیدند

بعد از ارتحال آن بانوی گرامی نام مقدس خدیجه علیها السلام از زبان پیامبر نمی افتاد؛ جای خالی او دل پیامبر را می آزرده و گاهی از یاد و نام او به گریه می افتادند و حزن و اندوه فراق خدیجه علیها السلام همه وجودشان را می گرفت

در حدیث اصابه آمده که عایشه می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و اله از خانه بیرون نمی رفت، مگر آن که نام خدیجه علیها السلام را به نیکی می برد و او را می ستود. (1)

از حضرت علی علیه السلام روایت شده که روزی پیامبر صلی الله علیه و اله نزد همسران شان نشسته بودند در این اثنا یاد خدیجه علیها السلام نمودند و گریه کردند. عایشه گفت:

چه چیز موجب می شود که بر پیرزنی سرخ رو از پیرزنان بنی اسد گریه کنی؟! پیامبر فرمود: (صَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَ آمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ وَ وُلِدْتُ لِي إِذْ عَقَمْتُمْ)؛ او مرا تصدیق کرد هنگامی که شما تکذیب کردید و به من ایمان آورد هنگامی که کفر می ورزیدید و برای من فرزند آورد، آن گاه که شما نازا بودید.

عایشه می گوید:

من بعد از آن روز همواره سعی می کردم که با یاد خدیجه علیها السلام به رسول خدا تقرب بجویم. (2)

نیز عایشه می گوید:

رسول خدا صلی الله علیه و اله همواره این گونه بودند که چون ذکر خدیجه علیها السلام می شد، از مدح او و استغفار برای او خسته نمی شدند روزی ذکر خدیجه علیها السلام را به میان آوردند، پس غیرت - عصبیت - مرا گرفت و گفتم: «خداوند عوض آن زن سالخورده [مرا] به تو عطا فرمود». این را که گفتم دیدم رسول خدا

ص: 216

1- الاصابة، ج 4، ص 270

2- بحار الانوار، ج 16، ص 8.

به شدت خشمگین شدند؛ من از سخن خودم پشیمان گردیدم و گفتم: «خداوندا! اگر خشم پیامبر را از بین ببری دیگر تا زنده ام از خدیجه علیها السلام به بدی یاد نخواهم کرد». رسول خدا که نگرانی مرا دیدند، فرمودند: «چگونه آن سخن را گفتی؟ به خدا او به من ایمان آورد وقتی که مردم کفر می ورزیدند، مرا پناه داد به هنگامی که مردم مرا طرد کردند؛ مرا تصدیق نمود وقتی که دیگران مرا تکذیب کردند و او از من بچه دار شد، آن گاه که شما از آن محروم شدید». عایشه می گوید: «فدا وراح علیّ بها شهراً» (1) بعد از آن پیامبر صبح و شام فضایل او را ذکر می کردند با این که چون ندامت مرا راجع به حضرت خدیجه علیها السلام دیدند، تا یک ماه صبح و شام به سوی من می آمدند تا به من لطف و احسان کرده باشند.

از این دسته روایات استفاده می شود که بیشترین حساسیت روی این علاقه قلبی و جدی رسول الله به خدیجه علیها السلام را عایشه داشته از این رو اکثر این روایات از اوست.

نکات خاصی را از روایت اخیر می توان استفاده کرد:

1. تعبیر عایشه این است که پیامبر از استغفار برای خدیجه علیها السلام او خسته نمی شدند. این تعبیر فوق آن است که بگویند پیامبر صلی الله علیه و اله بسیار یاد و ستایش از خدیجه علیها السلام می کردند.
2. پیامبر صلی الله علیه و اله از سخن دور از نزاکت عایشه چنان غضبناک شدند که عایشه از کار خود پشیمان شد و حتی متعهد گردید که اگر آرام شوند، هرگز تا زنده است خدیجه علیها السلام را به بدی یاد نکند.
3. جمله اخیر حاکی از این است که رسول خدا تا یک ماه صبح و شب آن جملات افتخار آمیز را درباره حضرت خدیجه علیها السلام تکرار می کرده اند.

رفتار پیامبر صلی الله علیه و اله با دوستان و علاقه مندان خدیجه علیها السلام

نه تنها خدیجه علیها السلام در نظر پیامبر بزرگوار محترم و مکرم بود، بلکه حتی با

ص: 217

دوستان آن بانو که در ایام حیات ایشان به خانه اش می آمدند، احترام ویژه ای قائل بودند. عایشه می گوید:

هر گاه رسول خدا صلی الله علیه و آله گوسفندی می کشتند می فرمودند: برای دوستان خدیجه علیها السلام بفرستید. روزی به سخن آدم پیامبر فرمود: «من دوست خدیجه علیها السلام را دوست دارم» (1)

در نقل دیگر آمده که پیامبر صلی الله علیه و اله بعد از وفات خدیجه علیها السلام هر گاه گوسفندی را قربانی می کردند، دستور می دادند نخست یک ران گوسفند را برای بانویی از بانوان مکه برند که دوست خدیجه علیها السلام بوده است. (2)

علامه مجلسی می گوید:

روایت شده که پیرزنی بر پیامبر صلی الله علیه و اله او وارد شد حضرت به او لطف و محبت کردند؛ هنگامی که آن زن رفت عایشه از علت این احترام و مهربانی نسبت به آن زن پرسید رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: (إِنَّهَا كَانَتْ تَأْتِينَا فِي زَمَنِ خَدِيجَةَ وَإِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ)؛ (3) این زن در زمان حیات خدیجه علیها السلام به خانه ما و نزد ما می آمد و همانا دوران گذشته و دوستان قدیمی را پاس داشتن و مراعات عهد و پیوند دوستی سابق از ایمان است.

سبحان الله! این زن در زمان خدیجه علیها السلام به خانه پیامبر می آمده و با خدیجه علیها السلام دوستی داشته کافی است که پیامبر صلی الله علیه و اله بعد از در گذشت خدیجه علیها السلام هم به یاد آن دوران یاد ماندنی و به یاد آن همسر وفادار و ایثارگر و نمونه، او را احترام و تکریم می کنند. انس بن مالک می گوید:

رسم پیامبر صلی الله علیه و اله این بود که هر وقت هدیه ای برایشان می آوردند می فرمود: (إِذْهَبُوا بِهَا إِلَى بَيْتِ فُلَانَةَ فَإِنَّهَا كَانَتْ صَدِيقَةً لِحَدِيجَةَ أَتَتْ تَحِبُّ خَدِيجَةَ)؛ (4) این را برای فلان زن، ببرید زیرا او دوست صمیمی خدیجه علیها السلام بود و همواره او را دوست می داشت

ص: 218

1- الاصابه، ج 4، ص 275

2- علی دوانی، تاریخ اسلام، ص 248

3- كشف الغمة، ج 1، ص 508؛ بحار الانوار، ج 16، ص 8.

4- سفینه البحار، ج 1، ص 385

و از این ها شگفت انگیزتر روزی خواهر خدیجه علیها السلام پس از وفات وی به خانه پیامبر صلی الله علیه و اله آمد و سلام کرد. حضرت جواب دادند و اشک در دیدگان شان حلقه زد. بعد از آن که او خدا حافظی کرد و رفت باز پیامبر صلی الله علیه و اله منقلب شدند و چون سبب را پرسیدند فرمود: «صدایش طنین آهنگ خدیجه علیها السلام داشت و چون نگرستم دیدم مانند خدیجه علیها السلام راه می رود». (1)

افتخار حضرت زهرا علیها السلام به مادرش خدیجه علیها السلام

حضرت زهرا اطهر علیها السلام که سیده زنان اولین و آخرین، به داشتن مادری همانند خدیجه علیها السلام و به فرزندی خود نسبت به آن بانوی گرامی افتخار کرده و او را مایه عزت و شرف خود دانسته اند. ایشان در کلام مخصوصی فرموده اند: «أَنَا ابْنَةُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ (2) من دختر خدیجه علیها السلام کبرایم».

احتجاج امام حسین علیه السلام و بیان شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

از اموری که روشنگر شخصیت درخشان حضرت خدیجه علیها السلام است، موضوع احتجاج حضرت سید الشهداء علیه السلام در صحنه کربلاست زیرا هنگامی که سرزمین کربلا به صورت یک منطقه نظامی از سپاه یزید و ابن زیاد در آمده بود و عرصه بر امام حسین علیه السلام کاملاً تنگ شده و کار عطش آن حضرت و اهل بیت و اصحاب آن بزرگوار بالا گرفته بود در برابر آن لشکر مسلح شیطانی ایستاده، بر قائمه شمشیر خود تکیه دادند و با بلندترین صدای شریف خود به آنان فرمودند: «شما را به خدا سوگند می دهم مرا می شناسید؟» گفتند: «آری تو فرزند رسول الله و نواده اویی» فرمود: «شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که جد من رسول الله صلی الله علیه و اله است؟ گفتند: «آری می دانیم» فرمود: «شما را به خدا سوگند! آیا می دانید! که پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام است؟ گفتند: «آری» فرمود: «شما را

ص: 219

1- علی دوانی، تاریخ اسلام، ص 248

2- موسوعة سيرة أهل البيت، ج 1، ص 98 - 99؛ الانوار الساطعة في خديجة، ص 36.

به خدا سوگند! آیا می دانید که مادر من فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله است؟ گفتند «آری» فرمود: شما را به خدا سوگند! آیا می دانید که جده و مادر بزرگ من خدیجه علیها السلام دختر خویلد نخستین شخص از زنان این امت در پذیرش اسلام است؟». عرض کردند «آری». (1)

تا آخر این خطبه که نام مقدس هر یک از بزرگان و مفاخر خاندان خود را ذکر کردند هر چند در دل های سیاه آنان اثری نکرد و هم چنان بر شقاوت و ناپاکی خود مقاومت کردند و اصرار ورزیدند. به هر حال از جمله مفاخری که امام برای خویشان ذکر کردند جده گرامی اش خدیجه علیها السلام و افتخارات ویژه او بود که فرمود: «جده من پیشگام بانوان این امت در اسلام بود».

و راستی چه افتخاری از این بالاتر که در محیط کفر و شرک و الحاد تا ندای روح بخش دعوت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و به اسلام بلند می شود برای پذیرش این دعوت مقدس حضور یابد و با آن که هیچ یک از زنان، اسلام نیاورده اند، او شهادتین بگوید و اسلام را با همه وجود بپذیرد و آن قدر فداکاری و همراهی و دل سوزی در این راه از خود نشان دهد که همه را حیران گرداند؟

آری داشتن این چنین مادر بزرگی برای امام حسین علیه السلام با آن که او خود مرکز مناقب و فضایل به شمار می آید افتخار آفرین است.

گریه و مناجات شبانه امام حسین علیه السلام سر قبر خدیجه علیها السلام

در کتب سیره و تواریخ نقل شده که حضرت امام حسین علیه السلام، هنگام شب با انس بن مالک راه می رفتند تا به قبر حضرت خدیجه علیها السلام رسیدند، حضرت امام حسین علیه السلام در آن جا گریه کردند. در این خبر نیامده که برای چه تا به قبر خدیجه علیها السلام رسیدند به گریه افتادند؛ آیا یاد از خوبی ها و گذشت ها و فداکاری های آن بانو برای پیامبر صلی الله علیه و آله موجب گریه و زاری امام شد و یا آن ده سال پر رنج که با پیامبر صلی الله علیه و آله و اله یک همراهی صمیمی و کامل داشت و قهراً

ص: 220

صدمات زیادی متوجه او گردید و درد و رنج هایی که از سفیهان قریش در مورد خود و شوهر پر افتخارش تحمل نمود، دلیل این گریه ها بود؛ و یا چون بهترین جا و خلوت ترین مکان برای مناجات با خدا و راز و نیاز بود و این گریه مقدمه نیایش و زاری به دربار الهی بود، در هر حال، این گریه، رمزدار و دارای پیام و بسیار ارزشمند و نکته دار بوده است.

انس می گوید: امام بعد از گریه به من فرمود: «از نزد من برو» و من در جایی رفتم که مخفی از آن بزرگوار بود و آن حضرت مشغول نماز شدند. نماز آن حضرت به طول انجامید و آن گاه شنیدم که با خدای تعالی مناجات می کرد و می گفت:

يَا رَبِّ يَا رَبِّ أَنْتَ مَوْلَاهُ *** فَارْحَمْ عُبَيْدًا إِلَيْكَ مَلْجَاةً

یا ذا المعالی علیک مُعْتَمِدِي *** طوبی لِمَنْ كُنْتَ أَنْتَ مَوْلَاهُ

طوبی لمن کان خادماً أرقاً *** یشکو إلى ذی الجلالِ بلُؤَاهُ

و ما به عِلَّةٌ وَلَا سَقَمٌ *** أَكْثَرَ مِنْ حُبِّهِ لِمَوْلَاهُ

إذا اشتكى بِنْتَهُ وَغُصَّتَهُ *** أَجَابَهُ اللَّهُ ثُمَّ لَبَّاهُ

إذا ابتلى بِالظُّلَامِ مُبْتَهَلًا *** أَكْرَمَهُ اللَّهُ ثُمَّ أَدْنَاهُ

پروردگار من! پروردگار من! تو مولای منی پس رحم کن بر بنده کوچکی که پناه او به سوی توست!

ای صاحب بزرگی ها و جلالت ها اعتماد من بر توست: خوشا به حال کسی که تو مولای او باشی!

خوشا به حال کسی که شب را با خوف و خشیت بیدار بماند و گرفتاری خود را به سوی خدای ذوالجلال شکایت کند! و هیچ گونه درد و بیماری بیش تر از حب و دلدادگی او به مولایش نباشد.

هنگامی که از ناراحتی و اندوه خود شکایت کند، خداوند او را اجابت کرده، پاسخ می دهد.

هنگامی که در تاریکی شب سرگرم ابتهال و التماس به درگاه خداوند شود خدا او را گرامی داشته به خویش نزدیکش می سازد.

انس می گوید: ناگهان [در پاسخ امام حسین علیه السلام] ندایی بلند شد:

لِيَبْكُ عَبْدِي وَ أَنْتَ فِي كَنَفِي *** وَ كَلَّمَا قُلْتَ قَدْ نَاهُ سَجَعَنَاهُ

صَوْتِكَ تَشْتَاقُهُ مَلَائِكَتِي *** فَحَسْبُكَ الصَّوْتُ قَدْ سَمِعْنَاهُ

دُعَاكَ عِنْدِي يَجُولُ فِي حُجْبٍ *** فَحَسْبُكَ السِّرُّ قَدْ سَفَرْنَاهُ

لَوْ هَبَّتِ الرِّيحُ مِنْ جَوَانِبِهِ *** خَرَّ صَرِيحاً لِمَا تَغَشَّاهُ

سَلْنِي بِلَا رَغْبَةٍ وَ لَا رَهَبٍ *** وَ لَا حِسَابٍ إِلَيَّ أَنَا اللَّهُ. (1)

بله ای بنده من! تو در حفظ و پناه منی و هر چه را گفتمی، شنیدم؛ فرشتگان من مشتاق صدای تو اند؛ پس کفایت می کند تو را این صوت دل نواز که ما آن را شنیدیم. دعای تو در حجاب های غیب جولان دارد، تو را کفایت می کند که ما ستر را کشف نموده و پرده را کنار زدیم

اگر باد از اطراف و جوانب این بنده ما بوزد مدهوشانه به خاک خواهد افتاد از بس که انوار جلال و جمال الهی او را فرا گرفته است.

بدون ترس و نگرانی و اضطراب و حساسی هر چه می خواهی از من درخواست کن که من خداوند یگانه ام.

آری امام حسین علیه السلام برای مناجات سر قبر مادر بزرگ خود را انتخاب می کنند و آن جا بود که از عالم غیب خدا با ایشان سخن گفت.

صلوات بر حضرت خدیجه علیها السلام

طلب درود و صلوات از خداوند بر پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و اله و دختر گرامی آن حضرت و نیز بر دوازده نور پاک عترت طاهره به صورت عام و خاص در ادعیه و زیارات وارد شده و مقصود از شکل عام، این است که پیامبر و آل او را ذکر می کنیم و خواستار درود الهی بر آنان می شویم و می گوئیم: «اللهم صل علی محمد و آل محمد».

و اما به صورت خاص یعنی صلوات بر هر یک از آنان یا بعضی از آنان به صورت ویژه، مثل «اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک و امینک و صفیک

ص: 222

«... یا این که «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى امیرالمؤمنین و وصیِّ رسول ربِّ العالمین»، یا «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرضا المرتضی الامام التقی التقی و حجَّتک علی مَنْ فَوْق الارض و مَنْ تَحْتَ الثرى الصدیق الشہید...» و همین طور راجع به امامان، دیگر البته صلوات بر آن بزرگواران به طور جداگانه در ادعیه و اذکار کم نیست؛ یک مورد آن صلوات بر حجج طاهره است که مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در اواخر مفاتیح ذکر کرده اند.

اتفاقاً در این صلوات های مقدسه صلوات بر بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیها السلام نیز آمده است. در بخش صلوات بر سیده نسوان فاطمه زهرا علیها السلام می خوانیم:

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصَّديقَةِ فَاطِمَةَ الرِّضِيِّهِ حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ)؛

بار خدایا درود و رحمت فرست بر صدیقه فاطمه پاک و منزّه، محبوب حبیب و پیامبر

در ادامه این دعا و صلوات آمده:

فصلِّ علیها و علی امّها صلاة تکرّم بها وجه محمد و تُقَرَّبها أعین ذرّيتها... خداوندا پس صلوات خود را بر فاطمه علیها السلام بفرست و نیز بر مادرش [خدیجه علیها السلام]، درودی که گرامی بداری با آن، وجود مقدس پیامبر را و روشن سازی دیدگان ذریه فاطمه علیها السلام را...

در مقام درخواست صلوات بر حضرت زهرا علیها السلام مادر او را نیز ضمیمه فرموده و برای این دختر و مادر پر افتخار درخواست صلوات و رحمت می شود خصوصاً که این صلوات با وصفی آمده که عین صدق و واقعیت است؛ زیرا می خوانیم: «صلواتی بر فاطمه و مادر او نثار کن که با آن شخصیت پدرش محمد صلی الله علیه و آله را گرامی بداری و دیده های ذریه او را روشن سازی» آری با صلوات و درخواست درود و رحمت بر روح پاک حضرت خدیجه علیها السلام، گرامی داشت شخصیت پیامبر بزرگوار اسلام صورت گرفته و آن حضرت سرافراز می شوند که مؤمنان از خدا بخواهند که صلوات بر روح پاک خدیجه علیها السلام بفرستند؛ چنان که سرافراز و سربلند می شوند که بر دختر شان فاطمه علیها السلام صلوات بفرستند.

باری حضرت خدیجه علیها السلام نیز با حجج طاهره در این امتیاز بزرگ شریک است که بسان آن عزیزان و بزرگواران که مورد صلوات هستند بر خدیجه علیها السلام نیز درود می فرستیم و بدین طریق به این مجموعه مقدس و الهی نزدیک می شویم و در نتیجه به خدای مهربان تقرب می جویم و موجب سربلندی و افتخار پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می شویم.

نام حضرت خدیجه علیها السلام در دعا

نام مقدس حضرت خدیجه علیها السلام نیز زینت بخش بعضی از دعاها مانند دعای شریف ندبه است. در این دعای مبارک، نام شریف آن بانوی دو سرا با توصیفی افتخارآمیز ذکر شده است:

این ابن النبی المصطفی وابن علی المرتضی و ابن خدیجة الغراء و ابن فاطمة الكبرى

زاده پیامبر مصطفی کجاست؟ زاده علی مرتضی کجاست؟ زاده خدیجه علیها السلام آبرومند و سفید روی کجاست؟ زاده فاطمه کبری کجاست؟

در این بخش وجود مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان فرزند و زاده خدیجه علیها السلام یاد کرده، سراغ او را می گیریم. ضمناً حضرت خدیجه علیها السلام را با عنوان غراء یعنی چهره نورانی و شاخص و مورد توجه همگان یاد می کنیم.

هم چنین امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند پیامبر و علی و فاطمه و فرزند خدیجه علیها السلام کبری هستند و خدیجه علیها السلام مادر بزرگ اعلای ایشان است. البته امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند و فرزندزاده بسیاری دیگر نیز هستند و این نسبت میان امام زمان و همه اجداد بالا و کسانی که با واسطه های فراوان به آن ها متصل می شوند برقرار است. چه شده که در کنار اسم پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا علیها السلام، تنها اسم حضرت خدیجه علیها السلام مقدم بر ذکر فاطمه طاهره آمده است؟ این ها نشان از ویژگی های خاصی دارد که در وجود پاک حضرت خدیجه علیها السلام جمع بوده با آن که از معصومان مصطلح نبودند.

این مطالب ایجاب می کند که مسلمانان، خصوصاً اهل فرهنگ و مطالعه و دقت نظر روی شناخت بیشتر این بانوی گرامی وقت بگذارند و مطالعات دقیق و عمیقی داشته باشند تا با شأن رفیع و جایگاه بلند آن بانو بیشتر آشنا شوند.

نام حضرت خدیجه علیها السلام ای در زیارت ها

از جمله مواردی که نام حضرت خدیجه علیها السلام در کنار اسامی طیبه معصومان و قرین آن ها ذکر شده بخشی از زیارت هاست که برای امامان معصوم و یا امام زادگان والا مقام مقرر شده که این خود حاکی از مقام والای آن بانوی فداکار اسلام است. اینک این موارد ذکر می شود:

1. در زیارت مخصوصه حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السلام- زیارت دوم از دو زیارتی که برای نیمه رجب ذکر فرموده اند و از شیخ مفید منقول است - خطاب به آن حضرت می گوئیم:

السلام علیک یابن محمد المصطفی السلام علیک یا بن علی المرتضی السلام علیک یابن فاطمة الزهراء السلام علیک یابن خدیجة الكبرى...

2. در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه عین همان جملات زیارت قبلی آمده است.

3. در زیارت هفتم از زیارت های مطلقه حضرت امام حسین علیه السلام نیز عین همان متن آمده است.

4. در زیارت اول از زیارات مطلقه امام حسین علیه السلام در قسمت زیارت فرزند شهید آن حضرت علی بن الحسین علیه السلام که پایین پای پدر بزرگوارش مدفون است، می خوانیم:

السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یابن امیرالمؤمنین السلام علیک یا بن الحسن والحسین السلام علیک یابن فاطمة و خدیجه علیها السلام...

5. در زیارت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام آمده:

السلام عليك يا بنت رسول الله السلام عليك يا بنت فاطمة و خديجة...

سلام بر توای فاطمه معصومه ای دختر پیامبر و سلام بر توای دختر فاطمه و خدیجه علیها السلام!

6. در زیارت حضرت حکیمه دختر حضرت امام محمد تقی علیه السلام که قبر شریفش پایین پا و چسبیده به ضریح حضرت هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام است، عین عبارت یادشده در زیارت حضرت معصومه علیها السلام آمده است.

7. در زیارت امام زادگان که در بخش ملحقات دوم یعنی آن چه به وسیله دیگران نه محدث قمی ملحق شده می خوانیم: زیارت دیگر از برای اولاد ائمه علیهم السلام می گویی:

السلام علی جدک المصطفی السلام علی ابیک المرتضی الرضا السلام علی السیدین الحسن و الحسین السلام علی خدیجة ام سیده نساء العالمین ، السلام علی فاطمة ام الائمة الطاهرین.

و چه لطیف و زیباست این جمله:

سلام بر خدیجه علیها السلام مادر بانوی جهانیان؛ سلام بر فاطمه مادر ائمه طاهرین

روایاتی در شأن و مقام خدیجه علیها السلام

روایات متعددی در شأن رفیع و مقام بلند حضرت خدیجه علیها السلام وارد شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ النِّسَاءِ أَرْبَعًا: مَرْيَمَ وَ آسِيَةَ وَ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ فَاطِمَةَ؛ (1)

خداوند از گروه زنان چهار زن را انتخاب و اختیار فرمود: مریم آسیه [زن فرعون]، خدیجه علیها السلام و فاطمه.

ابن عباس می گوید:

رسول خدا چهار خط روی زمین کشیدند و فرمودند: «می دانید که این

ص: 226

چیست؟» - منظور از این کار چیست؟ عرض کردند: «خدا و رسول او آگاهند». پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «افضل نساء الجنّة اربع: خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم امراة فرعون» (1).

علی بن عیسی اربلی از احمد بن حنبل از انس بن مالک نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حسبک من نساء العالمین: مریم بنت عمران و خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و آسیه امراة فرعون (2).

بس است تو را از زنان جهان این افراد: مریم دختر عمران، خدیجه علیها السلام دختر خویلد، فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و آسیه همسر فرعون

نیز از مسند احمد بن حنبل نقل می کند که پیامبر فرمود:

(أُمِرْتُ أَنْ أُبَشِّرَ خَدِيجَةَ بِنَيْتٍ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ)؛ (3)

من مأمور شدم - از سوی خدا- که خدیجه علیها السلام را به خانه ای - در بهشت - بشارت دهم که از لؤلؤ مجوّف ترتیب داده شده، نه در آن خانه ضجّة و اضطراب و سر و صدای مولود دشمنی است و نه تعب و رنج و ناراحتی.

از این رو آیات و روایات دیگر همگی از شأن رفیع و مقام والای حضرت خدیجه علیها السلام حکایت می کنند. او یکی از چهار زن قلمداد می شود که خدا آنان را از میان جامعه زنان اختیار فرموده و در مورد دیگر خدیجه علیها السلام یکی از چهار زن است که برترین و بالاترین زنان اهل بهشت هستند

گوشه هایی از آداب و ایثار و وفای حضرت خدیجه علیها السلام

زندگی خانوادگی حضرت خدیجه علیها السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مشحون از ادب و تواضع آن بانوی گرامی نسبت به همسر گرامی اش بود. او در مراحل مختلف، زندگی همواره به آن، بزرگوار وفادار و یار مهربان و حامی دلباخته و شبانه روزی آن

ص: 227

1- همان، ص 2

2- کشف الغمة، ج 1، ص 507

3- همان

حضرت بود و از هیچ گونه فداکاری برای پیامبر صلی الله علیه و اله دریغ نمی کرد؛ از جمله:

1. در جریان ازدواج او که چون حضرت ابوطالب آن خطبه معروف را خواند و عقد ازدواج انجام شد حضرت ابوطالب برخاست تا برود؛ پیامبر صلی الله علیه و اله نیز برخاستند که با عم گرامی خود بروند در این جا خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و اله عرض کرد:

الی بیتک و فبیتی بیتک و أنا جاریتک؛

کجا می روی؟ به خانه خودت بیا چه آن که خانه من خانه دوست و من کنیز توأم؟! (1)

این دو سه جمله از خدیجه علیها السلام که خود بانوی بزرگ بطحا بود، حاکی از اوج شخصیت و کمال و معرفت اوست.

2. در جریان بعثت که دشمنان امواج بلا و ناراحتی و ضرب و شتم را متوجه رسول خدا صلی الله علیه و اله کردند خدیجه علیها السلام بزرگ ترین خدمات را به آن حضرت عرضه کرد ابن هشام از ابن اسحاق نقل کرده که خدیجه علیها السلام، اول شخصی بود که به پیامبر صلی الله علیه و اله گروید و او را در همه آن چه از طرف خدا آورده بود، تصدیق کرد و او را در کارش یاری و حمایت نمود و این خود موجب شد که به لطف خداوند مشکلات پیامبر صلی الله علیه و اله تخفیف بیابد هر مرتبه که پیامبر صلی الله علیه و اله با مخالفان مواجه می شد و ایشان را رد می کردند و تکذیب می نمودند، این موضوع موجب اندوه پیامبر صلی الله علیه و اله می شد؛ ولی چون به خانه می آمد آن بانو اندوه پیامبر صلی الله علیه و اله را بر طرف می نمود و از تأثر خاطر وی می کاست و پیامبر صلی الله علیه و اله را به پایداری و مهم نشمردن مردم دلداری می داد. (2) در بعضی از تواریخ آمده که «تسرّه اذا نظر الیها»؛ پیامبر صلی الله علیه و اله هر اندازه هم که نگرانی و ناراحتی داشت، چون نگاه به خدیجه علیها السلام می کرد، غم و اندوه وی مرتفع می گردید».

3. خدیجه علیها السلام از اموال فراوانی برخوردار بود در حالی که حضرت

ص: 228

1- قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج 1، ص 140؛ بحار الانوار، ج 16، ص 4.

2- اعیان الشیعه، ج 6، ص 311 و 312

محمد صلی الله علیه و آله تهی دست بودند و این تهیدستی چرخ زندگی را مختل کرده بود، چه رسد به امر بسیار عظیم دعوت که قطعاً بحران مالی مانع پیشبرد و نفوذ و گسترش آن می گردید ولی حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ ترین ایثارگر جهان، همه ثروت انبوه خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله گذاشت و این مشکل بزرگ به وسیله آن بانوی ایثارگر حل شد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ (1) «و آیا پروردگارت تو را نادار و تهی دست نیافت پس تو را غنی و بی نیاز گردانید؟»

در این جا هر چند ممکن است مقصود این باشد که تو را عیالمنند دید که اهل عالم عیال و نان خور تواند و باید تغذیه روحی و معنوی شوند، از این رو تو را با یک جهان عالیه معارف و تعالیم الهی و خزائن علمی بی نیاز کرد که بتوانی همه را بهره مند سازی و پاسخ گوی همه باشی ولی این احتمال هم هست که مقصود همین فقر ظاهری باشد و بی نیازی آن حضرت همان ثروت کلانی باشد که حضرت خدیجه علیها السلام در اختیار رسول خدا گذاشت؛ چنان که این معنا در کلمات مفسران، آمده بلکه ظاهر کلام مفسر بزرگوار مرحوم نهایندی همین است.

روایت شده که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و غمناک نزد خدیجه علیها السلام نشسته بودند. خدیجه علیها السلام عرض کرد: «چرا اندوهگینی؟» فرمود: «فحطی در میان مردم آمده است و باید مال تو را به فقرا دهم تا مالت تمام شود و از تو خجل شوم و اگر چیزی به کسی ندهم از خدا می ترسم» خدیجه علیها السلام قریش را در منزل خود دعوت کرد ابوبکر می گوید: «خدیجه علیها السلام آن قدر اشرفی و طلا در میان مجلس ریخت که من کسانی را که در برابرم نشسته بودند نمی دیدم». پس خدیجه علیها السلام فرمود: «همه شاهد باشید که تمام این مال از حضرت محمد صلی الله علیه و آله است؛ خود داند نگاه دارد یا به دیگران ببخشد». (2)

ص: 229

1- سوره الضحی، آیه 8

2- تفسیر نفحات الرحمان، ج 5، ص 578؛ تفسیر کشاف زمخشری، ج 4، ص 768؛ تفسیر روح المعانی، ج 3، ص 162

بی تردید خدیجه علیه السلام بهترین یاور و حامی و همگام پیامبر صلی الله علیه و اله بود؛ او بهترین وزیر و هم فکر و موجب آرامش خاطر آن حضرت به شمار می رفت و از این رو درگذشت آن بانو، بزرگترین ضربه بر پیکر آن بزرگوار وارد کرد؛ خصوصاً که در همان دوران حامی غیور دوم خود یعنی حضرت ابوطالب را هم از دست داد؛ بر اثر این حادثه غمبار حزن و اندوه بر رسول خدا صلی الله علیه و اله بود ریش کرد به طوری که آن سال را «عام الحزن» نامیدند.

بر اثر این دو ضایعه شکننده کار جسارت دشمن به آن جا کشید که نادانی از سفهای قریش خاک بر فرق مبارک آن حضرت ریخت.

وفات و وصایای دلسوزانه حضرت خدیجه علیها السلام

بانوی اسلام بیمار شد و چون بیماریش شدت یافت، به پیامبر صلی الله علیه و اله عرض کرد:

«یا رسول الله! وصایای مرا بشنو: نخست این که من در حق شما کوتاهی کردم پس مرا عفو کن یا رسول الله!!». پیامبر صلی الله علیه و اله فرمود:

هرگز تو درباره من کوتاهی نکردی! بلکه تا آخرین مرتبه توانت پیش رفتی و در خانه من آخرین درجات رنج و درد را متحمل شدی و اموال خودت را بذل، نموده انفاق کردی و در راه خدا صرف و هزینه نمودی

عرض کرد:

«یا رسول الله! وصیت دوم من راجع به این دختر است - و اشاره به فاطمه علیها السلام کرد - زیرا او دختری بی مادر و غریب است مواظب باش هیچ یک از زنان قریش او را اذیت و آزار نکنند سیلی به چهره او نزنند و فریاد به روی او نکنند و هیچ عمل ناراحت کننده و رنجش آوری را در مورد او از خود نشان ندهند.

وصیت سوم را به دخترم فاطمه می گویم و او به شما منتقل خواهد کرد؛ زیرا از شما حیا می کنم» در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و اله برخاستند و از حجره خارج شدند و خدیجه علیها السلام، حضرت فاطمه علیها السلام را فراخواند و به او گفت: «دخترم! و

ص: 230

نور دیدگانم! به پدرت بگو: من از قبر می ترسم و میل دارم مرا در ردای خودتان که در وقت نزول وحی می پوشیدید کفن کنید!».

فاطمه بیرون آمد و این مطلب را به عرض پدر بزرگوار خود رسانید. پیامبر صلی الله علیه و آله برخاستند و ردای مخصوص را آوردند و به حضرت فاطمه علیها السلام دادند و ایشان آن را نزد مادر آورد. خدیجه علیها السلام از این موضوع بسیار شادمان گردید. باری چون خدیجه علیها السلام از دنیا رفت پیامبر شروع به غسل او کردند و تجهیزات او را انجام دادند و وی را حنوط کردند؛ هنگامی که خواستند او را کفن کنند جبرئیل امین نازل شد و عرض کرد: «یا رسول الله! خداوند به تو سلام می رساند و تو را به تحیت و اکرام اختصاص داده می فرماید: "ای محمد! کفن خدیجه علیها السلام نزد ماست، زیرا او مال خود را در راه ما بذل کرد»؛ "پس جبرئیل کفن مخصوص را تقدیم نمود و گفت: «این کفن خدیجه علیها السلام از کفن های بهشتی است و خداوند آن را به خدیجه علیها السلام هدیه کرده است».

پیامبر صلی الله علیه و اله همسر عزیز خود را در درای شریف خویش کفن کردند و بعد آن کفن را بر او پوشانیدند. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام در ماه مبارک رمضان سال دهم هجرت در 65 سالگی از دنیا رفت. حکیم بن حزام پسر برادر خدیجه می گوید:

پس پیکر او را از منزلش بیرون آوردیم و به سوی حجون بردیم و در آن جا دفن کردیم و پیامبر صلی الله علیه و اله در گودال قبر او فرود آمدند، ولی تا آن زمان نماز بر جنازه تشریح نشده بود تا بر پیکروی نماز بخوانند.

از حکیم بن حزام پرسیده شد: «این جریان در چه زمانی بود؟» گفت: «سه سال قبل از هجرت یا نزدیک به سه سال و کمی بعد از خروج بنی هاشم از شعب». (2)

داخل شدن پیامبر صلی الله علیه و آله در قبر حضرت خدیجه علیها السلام توجیهاتی دارد؛ از جمله:

ص: 231

1- شجره طوبی، ج 2، ص 252 المجلس السابع

2- بحار الانوار، ج 16، ص 13

1. ظاهراً برای آزمایش قبر و این که آیا متناسب با اندام خدیجه علیها السلام حفر و آماده نموده اند و یا این که متناسب با بدن خدیجه علیها السلام صورت نگرفته و از نظر طول یا عرض یا عمق، کمبودی دارد تا جبران کنند
2. شاید برای رفع وحشت همسر مهربانشان از این خانه جدید داخل رفتند و در قبر خوابیدند تا به برکت نزول پیامبر صلی الله علیه و آله و خوابیدن در آن جا، رحمت الهی بر قبر نازل شود و ورود در قبر و خوابیدن مستمر حضرت خدیجه علیها السلام آسان باشد و چنان که در حالات حضرت فاطمه بنت اسد مطلبی نقل شده که مؤید این احتمال است
3. رفتن آن حضرت در قبر خدیجه علیها السلام برای گرفتن بدن مبارک ایشان و گذاشتن در قبر باشد که روی قاعده، کسانی از بالا بدن را بلند کرده کسی از محارم میت از داخل، قبر بدن را می گیرد و با امداد نیروهای بالا جسد را در جایگاهش می گذارند.
4. ممکن است برای تلقین خدیجه علیها السلام به داخل قبر رفتند تا در مقام مواجهه با فرشتگان الهی بتواند سؤالات مقرر را پاسخ بگوید. آری آن بانوی گرامی، در حجونی که کوهی است در بالای مکه به خاک سپرده شدند.

*بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله: سید محمدرضا عالمی (1)

چکیده

ایثار اموال از مهم ترین جنبه های تأثیر گذاری حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله بود تا آن حضرت به عنوان یک مبلغ فکر و دغدغه ای مالی کم تری داشته باشند و با فراغ بال بیش تر به ابلاغ رسالت بپردازند در این نوشتار، با هدف بررسی تأثیر اموال حضرت خدیجه علیها السلام بر زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله، ابتدا به وضعیت مالی پیامبر صل الله علیه و اله قبل از ازدواج ایشان و مقایسه آن با دوران زندگی مشترک پیامبر صلی الله علیه و اله و حضرت خدیجه علیها السلام می پردازد تا بتواند میزان تأثیر ایثار اموال را در ابلاغ رسالت و در نتیجه پیشبرد اهداف اسلام و مسلمانان مشخص نماید در این تحقیق، سعی شده تا با استفاده از منابع دست اول و به شیوه اسناد و مدارکی (کتابخانه ای) داده های معتبر را گرد آورده به بررسی و تحلیل آن ها بپردازد؛ در نتیجه روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، ایثار اموال وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و اله، شعب ابی طالب، استقلال رسالت

ص: 233

شاید اولین مسأله ای که درباره زندگی حضرت خدیجه علیها السلام به ذهن متبادر می شود ثروت و میزان تأثیر اموال ایشان بر زندگی و رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله باشد. مسأله پیش دستی بسیار مغفول مانده و مطالبی که در کتاب ها و مقالات درباره ایشان یافت می شود بیش تر در حد توصیف مقدار اموال و ایثار ایشان در این زمینه است. شاید علت آن باشد که هر پژوهشگری که قصد ورود به این موضوع را داشته تصور کرده که درباره این مسأله، حتماً قبلاً مورد بحث و بررسی صورت گرفته و کار دوباره عبث است و به تحقیق در این باره نیازی نیست اما اگر پژوهشگر کمی در مقالات و کتاب هایی که درباره آن حضرت، نوشته، کاوش کند خلاف این تصور نمایان می شود بسیاری از توصیفات به راحتی پذیرفته شده اند و بارها در کتاب ها بدون هیچ نقد و بررسی دوباره نقل گردیده اند که شاید تحت هیمنه بزرگانی باشد که به نقل روایت وارده در آن موضوع پرداخته اند؛ مانند نویسندگان اعیان الشیعه، بحار الانوار، یا ریاحین الشریعه که این روایات ها را نقل کرده اند؛ اینان خود از کتاب های مشهور اهل سنت مانند طبقات الکبری و یا کتاب واقدی و ابن اثیر استفاده کرده اند، اما آن ها را بدون بررسی محتوایی و به همین مقدار که در این کتاب ها مطالب و توصیفات مطابقتی خواسته ایشان آمده است نقل کرده اند. پژوهشگران دیگر نیز اگر دنبال تحقیق درباره آن حضرت باشند باید دوباره به همان منابع اولیه اهل سنت هستند مراجعه کنند اما باید با توجه به اوضاع فرهنگی - اجتماعی دوران پیامبر صلی الله علیه و اله، به بررسی و نقد آن ها پردازند و سعی کنند به بازخوانی دوباره داده های تاریخی درباره حیات اقتصادی حضرت خدیجه علیها السلام با نگاهی کلاتر پردازند در این تحقیق سعی خواهد شد که به برخی از مشهورات در وضعیت مالی خدیجه علیها السلام و تأثیرات آن بر زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله و رسالت ایشان پرداخته شود.

وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و اله قبل از ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام

هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به دنیا آمدند، پدرشان در سفر تجاری به شام بود و در بازگشت از همین سفر در یثرب درگذشت و فرزند گرامی خویش را هیچ‌گاه ندید آن‌چه عبدالله برای فرزند خویش باقی گذاشت کنیزی به نام ام ایمن (برکه) پنج شتر و تعدادی گوسفند بود. پس از آن حضرت محمد صلی الله علیه و اله مستقیماً تحت حمایت جدش بزرگوارش عبدالمطلب قرار داشت که بزرگ قریش و مکه بود و او مخارجش را تأمین می‌کرد.

در هنگام وفات عبدالمطلب، هر چند ابولهب فرزند ثروتمند عبدالمطلب، خواستار سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله شد عبدالمطلب نپذیرفت و با گفتن این سخن که «شر خود را از او بازدار!» ترجیح داد که او را به ابوطالب عموی تنی ایشان بسپارد. (1) که نسبت به او رأفت و علقه بیش تری داشت. (2) ابوطالب ثروتمند نبود و زمانی که پس از وفات زبیر بن عبدالمطلب ریاست بنی هاشم را بر عهده گرفت، برای انجام دادن امور ریاست بنی هاشم به اموال تری احتیاج داشت؛ هر چند در زمان زبیر که پس از پدر به ریاست بنی هاشم رسیده بود نیز عملاً ابوطالب به رفق و فتق امور بنی هاشم می‌پرداخت. (3) در تمام دوران ریاست زبیر و هم‌چنین خود ابوطالب تا هنگام ازدواج حضرت محمد صلی الله علیه و اله، آن حضرت در خانه ابوطالب بودند و جزء عائله ایشان محسوب می‌شدند.

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز هر آن‌چه می‌توانستند برای کمک به مخارج ابوطالب انجام می‌دادند. بنابر برخی از روایات آن حضرت مدتی گوسفندان اهالی مکه را به چرا می‌بردند؛ (4) اما یعقوبی می‌گوید که پیامبر هیچ‌گاه اجیر کسی نشدند که برخی نویسندگان معاصر نیز بر آن تأکید دارند (5) در جمع کردن دو روایت، می‌توان

ص: 235

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 100

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 34

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 15، ص 219

4- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 125-126

5- نجاح الطائی، ازواج النبی و بناته، ص 21

چنین بیان کرد که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مدتی گوسفندان خاندان خود را که مربوط به ابوطالب، بود برای کمک به امور خانواده به چرا می بردند چنان که شواهدی نیز بر این مدعا وجود دارد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «بعث موسی علیه السلام و هو راعي غنم و بعث داود علیه السلام و هو راع غنم و أنا رعی غنم اهلی باجیاد» (1).

چوپانی پیامبر صلی الله علیه و آله مدت زیادی به طول نیجامید و تا هنگامی که آن حضرت به عنوان مضاربه با اموال خدیجه علیها السلام به سفر تجاری رفتند به تجارت و خرید و فروش در بازارهای مکه و تهامه مانند حباشه (2) و جرش (3) مشغول بودند و به کسب تجربه تجاری می پرداختند. خدیجه علیها السلام که در تجارت و سرمایه گذاری، تجاری زیرک، بود اموال و کاروان تجاری خویش را به افراد باتجربه در تجارت می سپرد. درباره کارهای تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج اطلاع چندانی در دست نیست؛ اما می توان شواهد و داده های مختصری عرضه کرد برای مثال واقدی نقل کرده که آن حضرت خدیجه علیها السلام در قرارداد تجاری با پیامبر گفت: «أَنَا أُعْطِيكَ ضِعْفَ مَا أُعْطِي قَوْمَكَ» (4) یا «غیره» (5) و بر این اساس قرار شد به پیامبر صلی الله علیه و آله دو برابر دیگران از سود تجاری پرداخت کند. لازمه این سخن آن است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله قبلاً نیز تجربه تجاری داشته که در آن با درصد خاصی از سود تجاری برای دیگران تجارت می کردند و خدیجه به عنوان جلب توجه پیامبر صلی الله علیه و آله برای عقد قرارداد با ایشان پیشنهاد بالاتری نسبت به دیگران به پیامبر صلی الله علیه و آله داده است.

در روایتی دیگر، زبیر بن بکار از واقدی نقل می کند که حکیم بن حزام

ص: 236

-
- 1- ابن قتیبه، المعارف، ص 144؛ ابو نعیم اصفهانی، دلائل النبوه، ج 1، ص 206؛ ابن سید الناس، عیون الاثر، ج 1، ص 68
 - 2- حُباشه بازاری بود که به مدت هشت روز در ناحیه مکه تشکیل می شد و از آن به عنوان بزرگ ترین بازارهای تهامه نام برده شده است. (البکری، معجم ما استعجم، ج 2، ص 418)
 - 3- این بازار در غیر موسم حج و در ماه رجب برگزار می شد و بازار بزرگی به حساب نمی آمد. (فاسی، شفاء الغرام، ج 2، ص 283).
 - 4- ابن سعد، همان، ج 1، ص 129؛ بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 97
 - 5- ابن بکار، نسب قریش، ج 1، ص 371

(برادرزاده خدیجه) مردی تاجر بود که هیچ بازاری در مکه و تهامه تشکیل نمی شد مگر که وی نیز در آن حضور می یافت. او می گوید:

در تهامه بزرگترین بازار حباشه بود و من در آن حاضر بودم در آن بازار از پیامبر صلی الله علیه و آله لباس خریدم و با خود به داخل مکه آوردم پس از آن بود که خدیجه به دنبال پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و از ایشان برای تجارت دعوت کرد. و... (1)

این نقل تاریخ نیز مؤید آن است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله قبل از کار و سا تجاری با خدیجه علیها السلام و هم چنین ازدواج با ایشان به تجارت و خرید و فروش کالا حداقل در بازارهای فصلی مکه و تهامه مانند حباشه می پرداخته اند. لقب امین که بارها در حوادث مختلف بر پیامبر صلی الله علیه و اله اطلاق شده است (2) نیز با کار تجاری تناسب بیشتری دارد و این موضوع را در ذهن برجسته می کند که آن حضرت در زمان کارهای تجاری خویش قبل از قرارداد با خدیجه از امانت داری برخوردار بوده و امین آن بانو در کالاهای تجاری و اموال تجاری محسوب می شده است. اگر چه تجارت را عمده شغل پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران قبل از ازدواج ایشان بدانیم در منابع تاریخی از پیامبر صلی الله علیه و اله به عنوان فردی ثروتمند یاد نشده است بر این اساس به نظر می رسد که پیامبر صلی الله علیه و اله در این دوران، به تجارتی محدود در حد اموال خویش و یا تجارت برای خاندان و خانواده خویش پرداخته اند.

وضعیت مالی حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله

حضرت خدیجه علیها السلام در هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و اله، از اوضاع مالی بسیار خوبی برخوردار بود و اکثر منابع تاریخی نیز به آن اشاره کرده اند. (3) درباره منبع اولیه ثروت آن بانوی بزرگوار بین تاریخ نگاران و سیره نویسان اختلاف نظر فراوانی

ص: 237

1- ابن اسحاق ، السیر والمغازی، ص 81؛ ابن هشام، السیره النبویه ، ج 1، ص 178؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 280؛ محب الدین طبری السمط الثمین، ص 51/52؛ الاربلی، کشف الغمه ، ج 2، ص 132.

2- محب الدین طبری ، السمط الثمین، ص 50

3- ابن سعد، الطبقات الکبری، ص 131

است. برخی آن را ارث از پدر و یا شوهران سابق ایشان و برخی نیز از فعالیت تجاری خود آن حضرت می دانند (1)

با توجه به جایگاه زن در دوره جاهلی ارث بردن از شوهر و حتی از پدر، با چالش هایی بزرگ روبه رو بوده است؛ زیرا ارث بردن دختر از پدر در بین عرب جاهلی ظهور و بروز کمی داشت و معمولاً پسران و خاندان، پدری اعم، پدر عمو و عموزاده بر این کار مقدم بودند ارث بردن از شوهر به طریق اولاً- میسر نبود؛ زیرا حتی خود زنان نیز جزو اموال وارث شوهر خویش محسوب می شدند اگر زن اولاد داشت جزو سهم الارث فرزند خویش آزاد بود و اگر فرزند نداشت، به عنوان ارث به فرزندان دیگر، شوهر از زنان دیگرش می رسید و او صاحب اختیارش می شد و معمولاً با مهریه ای که آن فرزند دریافت می کرد، او را به عقد کسی در می آورد و یا حتی خود با او ازدواج می کرد. (2) با این شرایط ارث بردن زن از شوهر، چگونه امکان داشت که خدیجه علیها السلام از ازدواج های قبل از پیامبر صلی الله علیه و اله- اگر ازدواج ها را بپذیریم - این مقدار ارث برده باشد که او را جزو ثروتمندان مکه قرار دهد. از سویی دیگر و بنابر منابع انساب و تاریخ عرب، آن حضرت خواهران و برادرانی داشت که هیچ گاه به لحاظ ثروت به خدیجه علیها السلام نمی رسیدند. هاله، خواهر خدیجه علیها السلام، از شرایطی برابر برای ارث بردن از پدر برخوردار بود. اما هیچ منبعی به اموال بسیار او اشاره نکرده است؛ در حالی که بانویی ناشناخته نبود و حتی بنابر برخی نقل ها به خرید و فروش محدودی در بازارهای مکه می پرداخت (3) و پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام زنده بود و پیامبر صلی الله علیه و اله او را بسیار گرامی می داشتند تا حدی که رشک دیگران را بر می انگیخت. (4) با این توضیحات، به

ص: 238

-
- 1- جواد فاضل، معصوم سوم فاطمه الزهرا، ص 10/11؛ حین علی شرهانی، حیاة السیدة خدیجه بنت خویلد من المهد الی اللحد، ص 117-120
 - 2- ابن حبیب، المحبر، ص 226، روایت ها و نقل هایی درباره این رفتارها در ذیل تفسیر برخی آیات سوره نساء نیز آمده است: نک آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن، ج 4، ص 242 بخاری، صحیح، بخاری، ذیل تفسیر آیه 19 سوره نساء.
 - 3- ابن بکار، منتخب ص 39؛ الهیثمی، مجمع الزوائد، ج 2، ص 212
 - 4- بخاری، صحیح بخاری، ج 4، ص 231؛ مسلم، صحیح مسلم، ج 7، ص 134

نظر می‌رسد خدیجه علیها السلام اگر هم از پدر و یا شوهران سابق خویش ارثی برده و اموالی به دست آورده به هیچ عنوان در حدی نبوده که وی را از ثروتمندان مکه به حساب آورند.

با توجه به جهات فرهنگی و اجتماعی، مکه حضرت خدیجه علیها السلام که در آن شهر به بزرگی و پاکدامنی و نجابت و شرافت نسب مشهور بود، (1) شرایط و توانایی های ویژه ای داشت که توانسته بود به این میزان از ثروت و مکنت و شرافت دست یابد و با تاجران بزرگ مکه رقابت کند. با توجه به شرافت و بزرگی نسب و جایگاه خاندان ایشان در بین عرب های قریشی و شخصیتی که این بانو داشت می‌توانست تمام این رسومات جاهلی را پشت سرگذارد. اگر در بین زنان قریش بررسی شود می‌توان زنان با نفوذ دیگری را نیز یافت که جایگاه مثبت و درخوری چون حضرت خدیجه علیها السلام نداشتند، اما دچار ضعف نیز نبودند از این زنان می‌توان به جایگاه هند جگرخوار همسر ابوسفیان و ام جمیل، خواهر ابو سفیان و همسر ابولهب و اقدامات آنان اشاره کرد که جایگاهی بس منفی در تاریخ صدر اسلام دارند؛ اما آنان اقدامات اجتماعی مهمی بر ضد اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دادند که شاید از بسیاری از مردان قریش ساخته نبود از زنان تاجر پیشه نیز می‌توان به أسماء بنت، مخربه مادر ابوجهل (عمرو بن هشام)، نام برد که به فروش عطرهایی می‌پرداخت که فرزندش عبدالله بن ابی ربیع (برادر مادری ابوجهل) از یمن برایش می‌آورد (2) و یا ام أنمار که به کار تجارت اشتغال داشت، (3) اما هیچ کدام از این زنان توان تجاری و اقتصادی قابل مقایسه با خدیجه را نداشتند.

اگر حضرت خدیجه علیها السلام جزو استثنائاتی محسوب شود که اوضاع فرهنگی و اجتماعی عرب جاهلی را به سنخه گرفته است می‌توان ثروت ایشان را ترکیبی از ارث و تجارت دانست که در ابتدا اموالی به ایشان به ارث رسیده بود و به واسطه

ص: 239

1- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 131

2- واقدی، المغازی، ج 1، ص 79؛ مصعب الزبیری، نسب قریش، ص 317/318.

3- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 317

فرستادن کاروان های تجاری به بازارهای عربستان و شام و دیگر نقاط، پیوسته در جهت افزایش سرمایه خویش حرکت می کرد تا جایی که خود را به عنوان یکی از ثروتمندترین افراد در بین قریش مطرح ساخت اکثر اموال خدیجه علیها السلام نیز در سایه همین تجارت به دست آمده بود باب آشنایی پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام نیز به واسطه سرپرستی یکی از این کاروان ها و امانت داری مثال زدنی اش باز شد.

بر اساس روایات، میزان ثروت حضرت خدیجه علیها السلام بسیار چشمگیر بود. علامه، مجلسی، روایاتی نقل کرده که بر اساس آن حضرت خدیجه علیها السلام ثروتمندترین فرد مکه بوده است. (1) کاروان ها و تجارت خانه های حضرت در کشورهای مصر حبشه و شام به تجارت برای خدیجه علیها السلام مشغول بودند و بیش از هشتاد هزار، شتر حمل و نقل کالاهای تجاری را بین این سرزمین ها و تجارت خانه ها بر عهده داشتند و غلامان و کارگزاران بسیاری به ایشان در این تجارت و کسب و کار گسترده، کمک می کردند. (2) توصیفات جالبی حتی درباره خانه ایشان در مکه وجود دارد. گویند این منزل از نظر مساحت به قدری بود که می توانست تمام جمعیت ساکن مکه را در خود جای دهد. روی خانه را با گنبدی از ابریشم آبی پوشانده بودند که بر روی آن خورشید و ماه و ستارگان به تصویر کشیده شده بود این گنبد احتمالاً حالتی خیمه مانند داشت و با طناب هایی از ابریشم به میخ های فولادی بسته و محکم شده بود (3) زهری نیز آورده که آن حضرت در راه ترویج اسلام چهل میلیون سکه طلا و نقره خرج کرده است. (4) البته با توجه به ظرفیت تجاری مکه و مردمانش و همین طور میزان کاروان هایی که در طول دوران جاهلی و سال های منتهی به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از مکه به اطراف و اکناف می رفتند و میزان کالاها و شترهایی که آن ها را حمل می کردند، به نظر می رسد

ص: 240

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 21

2- همان، ص 22

3- همان

4- جواد فاضل، معصوم سوم فاطمه الزهرا، ص 19

که هشتاد هزار شتر اندکی اغراق آمیز باشد. منزل آن بانو نیز با توجه به مکتب ایشان خانه ای فاخر بود اما خانه ای که بتوان تمامی اهل مکه را در آن گرد آورد و یا ... چندان درست به نظر نمی رسد. خانه عبدالله به جدعان که منابع تاریخی آن را بزرگ ترین و فاخر ترین منازل مکه می دانستند و بسیاری از جلسات مکه مانند حلف الفضول نیز در آن برگزار شده بود (1) هیچ گاه در موردش ادعا نشده که ظرفیت جای دادن تمامی اهل مکه را در زیر سقف خود داشته است.

روابط مالی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام پس از ازدواج

تقریباً تمام منابعی که به این دوره از زندگی پیامبر صلی الله علیه و اله اشاره کرده اند، اتفاق دارند که اموال حضرت خدیجه علیها السلام تماماً در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشته است. گویند خدیجه علیها السلام پس از ازدواج از پسر عمویش ورقه بن نوفل خواست تا کلیدهای تمامی اموالش را نزد پیامبر صلی الله علیه و اله برد و به ایشان بگوید که تمام اموال خدیجه هدیه ای به ایشان است و در آن هر گونه تصرفی که مایل است، می تواند انجام دهد. (2) بدیهی است خدیجه که اموال بسیاری داشت و بیش تر آن را در اثر تجارت کسب نموده بود پس از ازدواج از کار خود دست نکشید. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نیز پس از ازدواج، بی کار نبودند که فقط با استفاده از ثروت خدیجه علیها السلام بدون دغدغه به راحتی زندگی کنند و از اموال آن بانو مصرف نمایند. در واقع سرمایه دار و تاجر هر دو در یک خانه جمع شده بودند و چه بسا کار تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام رونق یافته و حتی از قبل بهتر شده بود. بر اساس روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله پس از ازدواج، بیش تر به خرید و فروش پارچه می پرداختند (3) البته نقلی هم درباره خرید و فروش حیوانات توسط آن حضرت گزارش شده است (4) بنابراین راز و نیاز و عبادت، پیامبر صلی الله علیه و آله را از کار

ص: 241

1- البیهقی، السنن الکبری، ج 6، ص 367؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 14، ص 130

2- بحار الانوار، ج 16، ص 71

3- ترمذی، السنن، ج 3، ص 568؛ ابن اثیر، اسد الغابه، ج 2، ص 493.

4- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 130

و پیشه خود غافل نکرد با این تفاسیر به نظر می رسد که اموال خدیجه علیها السلام در هنگام بعثت و تا سال های اول بعثت که پیامبر صلی الله علیه و اله زیر فشار مشرکان نبود و تحریم های گوناگون و محدودیت های پس از آن به وجود نیامده بود، بسیار بهتر از زمان ازدواج ایشان بود. این اموال در حدی رشد یافت که تنگناها و تحریم های سخت اقتصادی به واسطه این اموال حل و فصل می شد.

یکی از مهم ترین دوره های تأثیر اموال خدیجه علیها السلام در رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله را زمانی می توان دانست که مسلمانان و بنی هاشم در شعب ابی طالب در محاصره قرار گرفتند دشمنان پیامبر صلی الله علیه و اله تا سال هفتم هجری به هر حربه ای دست یازیدند و هر حيله ای به کار بردند نتوانستند پیامبر صلی الله علیه و اله را از انجام دادن وظیفه اش باز دارند، لذا تصمیم به قتل پیامبر صلی الله علیه و اله گرفتند. در مقابل این دسیسه مشرکان بنی هاشم با ریاست ابوطالب، تصمیم گرفتند که در شعب ابی طالب، در نزدیکی مکه داخل شوند و برای حمایت از جان پیامبر صلی الله علیه و اله آماده گردند. این تصمیم ابوطالب که پیامبر صلی الله علیه و اله را از دست رس مشرکان قریش خارج می کرد، بر والا مشرکان گران آمد و درصدد برآمدند که آنان را در محاصره اجتماعی و اقتصادی قرار دهند. (1) این محاصره که سه سال تمام به درازا کشید، از نظر مالی فشار بسیاری را بر بنی هاشم وارد کرد. در طی این سه سال، بنی هاشم نمی توانستند کار تجاری انجام دهند و مایحتاج خود را به طور معمول تأمین کنند. تحریم آن چنان همه جانبه بود که برای مقاومت در برابر آن نیاز به پشتیبانی مالی داشت که بتواند بدون هیچ چشم داشتی و با اخلاص و ورعی تمام، به بذل اموال برای محاصره شدگان بپردازد. در شعبی که گیاهی برای رشد و غذایی برای خوردن وجود نداشت و مایحتاج محاصره شدگان نیز کم نبودند، باید به صورت کامل از بازارها خریداری می شد فقط بذل اموال حضرت خدیجه علیها السلام آن ها را حفظ کرد. پیامبر صلی الله علیه و اله نتوانستند با این اموال مایحتاج بنی هاشم و مسلمانان را در طول محاصره تأمین کنند این تأمین به روالی عادی نبود، بلکه به نحوی بود

ص: 242

1- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 31؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 208/209.

که حتی در موسم حج که بنی هاشم از شعب خارج می شدند تا اموالی را از دیگر قبایل وارد شده به مکه خریداری کنند قریشان به معامله آن ها وارد می شدند و مداخله و کار شکنی می کردند تا قیمت ها را برای بنی هاشم بالا برند و توان خرید را از ایشان سلب نمایند (1) با این اوضاع سخت اقتصادی، اگر اموال خدیجه علیها السلام نبود، شاید تاریخ صدر اسلام پس از محاصره اقتصادی به گونه ای دیگر رقم می خورد. اموال خدیجه علیها السلام، مهم ترین منبع کمک رسانی مالی پیامبر صلی الله علیه و آله در این دوره بود، البته کسانی دیگر نیز به مدد بنی هاشم رسیدند؛ مانند حکیم بن حزام (2) برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام و نیز عباس بن عبدالمطلب کمک هایی می کردند (3) ولی اموال آن بانو در صد اعظم نیازهای مالی دوران محاصره را تأمین می کرد. اگر این اموال نبود پیامبر صلی الله علیه و آله امکان این که از منبعی دیگر و یا شهر و قبیله و سرزمین دیگری کمک مالی دریافت کنند وجود نداشت. بنابراین، جنبه اقتصادی محاصره شعب ابی طالب، با ایثار اموال خدیجه سامان یافت و توانست دین مبین اسلام را از گذرگاهی بسیار دشوار عبور دهد.

استقلال مالی مقدمه استقلال همه جانبه رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

استقلال همه جانبه شاید یکی از مهم ترین ویژگی های رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله باشد که استقلال اقتصادی را نیز در بطن خویش داشت.

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در زمان رسالت برای پشتوانه فعالیت خویش، نیاز مبرم به پشتوانه اقتصادی داشتند. فعالیت تبلیغی آن هم به گونه ای که تمامی اهالی و ساکنان محل تبلیغ، سعی در سرکوب رسالت و تبلیغ ایشان داشته اند، نیاز مالی زیادی را به دنبال می آورد. نیاز اقتصادی پیامبر صلی الله علیه و آله دو جنبه داشت: جنبه اول در جهت تأمین زندگی خویش و عدم وابستگی و نیاز مالی شخصی

ص: 243

-
- 1- ابن اسحاق، السیر و المغازی، ص 159؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج 1، ص 209؛ المقریزی، امتاع الاسماع، ج 1، ص 25.
 - 2- الشامی، سبل الهدی والرشاد، ج 2، ص 378
 - 3- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 235.

و جنبه دوم آن که پیامبر صلی الله علیه و آله در طول رسالت خویش در مکه باید به حمایت مالی مسلمانانی بر می خاستند که عمدتاً از طبقات ضعیف و مستمند جامعه بودند. نه در آن حد که ایشان را بی نیاز کند تا مسلمانان متهم شوند که به علت کمک مالی پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام آورده اند بلکه در آن حد که در مواقع ضرورت و در تنگناهای شدید مانند قضیه شعب، بتواند یاور مسلمانان باشد.

برای پاسخ گویی به نیازهای جامعه مسلمانان از نظر تئوری، می توان چند منبع را برای ایشان متصور بود:

یکی از راه های تأمین، مالی می توانست درخواست کمک از دولت ها و قدرت های مجاور و اطراف شبه جزیره عربستان باشد که از اوضاع سیاسی و مالی خوبی برخوردار بودند در این مورد با توجه به موقعیت دور افتاده مکه از این سرزمین ها و نبود انگیزه از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله برای این کار، به هیچ وجه تصور شدنی نیست. در منابع اولیه و هم چنین معاصر، حتی از سوی شرق شناسانی که به کم ترین شواهد تحلیل های فراوانی را در جهت سوق دادن اندیشه اسلام به خارج از شبه جزیره دارند (1) هیچ ادعای کمک مالی توسط این دولت ها به پیامبر صلی الله علیه و آله نشده است.

دومین منبع مالی متصور می تواند قبایل و طوایف داخل شبه جزیره عربستان باشند شاید با تصور این انگیزه که جامعه قریش را که زبانزد قبایل عرب و سرور ایشان شمرده می شد به اختلاف و دوگانگی دچار کنند و بتوانند در مقابل قریش، به جایگاه و منزلتی درخور دست یابند. تصور این منبع کمک نیز با توجه به سیطره کامل قریش بر مکه و هم چنین نبود انگیزه در پیامبر صلی الله علیه و آله در این زمینه و نبود هیچ گونه شاهد تاریخی در منابع باطل است؛ بنابراین تصور کمک مالی از این منبع آن هم در ابتدای رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه منتفی است.

کمک مالی طوایف قریش نیز منتفی است؛ زیرا تمامی قبایل قریش در رقابتی بس سنگین در بین خود دچار بودند و هیچ گاه طایفه های قریش بر نمی تابیدند

ص: 244

که کمک مالی خویش را نثار شخصی از طایفه دیگر کنند. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز اساساً هیچ گاه دست نیاز مالی به هیچ یک از این طوایف دراز نکردند.

چهارمین منبع مالی متصور برای پیامبر صلی الله علیه و آله کمک مالی طایفه بنی هاشم است که می توانستند پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان یکی از خویشان خویش، مدد رسانند تا هم پیامبر صلی الله علیه و آله به رسالت خویش برسد و هم ایشان در سایه این رسالت، به شرافت و بزرگی بیش تر دست یابند. شاید اگر پیامبر صلی الله علیه و آله واقعاً کمک مالی کسی را می پذیرفتند، همانا کمک مالی بنی هاشم بود؛ اما در اولین سال های رسالت همان طور که از قضیه انذار عشیره بر می آید بزرگان ثروتمند بنی هاشم از حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله سرباز زدند. در میان بنی هاشم، تنها کسی که در طول سال های حضور ایشان در مکه به حمایت شان برخاست ابوطالب بود. که او نیز به واسطه خرج های بسیار و کمی درآمد نمی توانست آن چنان از پیامبر صلی الله علیه و آله خصوصاً پس از رسالت ایشان حمایت مالی کند در میان بنی هاشم، با توجه به منابع تاریخی دو تن ثروتمندتر از بقیه بودند یکی ابولهب و دیگر عباس بن عبدالمطلب ابولهب که تاجر گوسفند بود و اوضاع مالی خوبی داشت، نه تنها به حمایت مالی نکرد که به روایت قرآن مجید (1) و تاریخ، از دشمنان سرسخت پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت و آشکارا از فعالیت های ضد تبلیغی در برابر اسلام خودداری نمی کرد حتی آن زمان که تمامی بنی عبدالمطلب به دستور ابوطالب رئیس بنی هاشم برای حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب جمع شدند، ابولهب خود را از ایشان جدا کرد و داخل شعب نشد (2) و حتی بر اساس تفکر و نظام قبیله ای مکه نیز به حمایت از افراد قبیله خود برخاست. چنین شخص معاندی، هیچ گاه به کمک مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله نیندیشیده است. عباس بن عبدالمطلب نیز بنابر اقوال مشهور تا زمان فتح مکه (سال هشتم هجری) اسلام نیاورد؛ (3) در نتیجه، کمک مالی وی به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز منتفی است. البته برخی منابع از کمک های

ص: 245

1- سوره مسد

2- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 1، ص 209

3- ابن هشام، السیره النبویه، ج 4، ص 400

گاه و بی‌گاه او در دوران محاصره شعب ابی طالب به مسلمانان سخن رانده اند، اما این نقد بسیار قوی نیز مطرح است که این نوع توصیفات مثبت درباره وی در دوران سلطه بنی عباس و از طریق قلم به دستان وابسته به ایشان مطرح شده باشد بنابراین حتی قابل‌تصورترین منبع کمک مالی به پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به این ترتیب منتفی می‌شود

با توجه به اوضاع مالی پیامبر صلی الله علیه و آله قبل از ازدواج ایشان و وضعیت منابع مالی متصور برای پیامبر صلی الله علیه و آله، جایگاه ثروت حضرت خدیجه علیها السلام و ایثار اموال ایشان در جهت فعالیت‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بسیار پررنگ‌تر می‌گردد. ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام جدای از آثار و برکات معنوی و دینی فراوان دیگر، به جنبه پشتیبانی مالی پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار اهمیت می‌یابد. این پشتیبانی، مالی استقلال مالی پیامبر صلی الله علیه و آله را در دوران منتهی به رسالت ایشان و هم‌چنین سال‌های بسیار سخت ده‌ساله ابتدایی رسالت‌شان در مکه، در پی داشت.

اموال خدیجه علیها السلام بی‌هیچ‌منتی در همان ابتدای ازدواج در خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت و پیامبر صلی الله علیه و آله در دوران رسالت نیز استفاده‌شایانی از آن اموال کردند این اموال باعث شد که آن حضرت از نظر مالی مستقل باشند و دست‌نیازشان را حتی در امور مهم مالی به سوی بنی‌هاشم قریش، طوایف و قبایل دیگر جزیره‌العرب و حتی دولت‌های مجاور دراز نکند. این استقلال، مالی به واسطه بذل اموال حضرت خدیجه علیها السلام بود و باعث شد، زمینه بسیاری از شبهاتی از بین برود که ممکن بود در اثر کمک‌های مالی دیگران به پیامبر صلی الله علیه و آله به وجود بیاید هیچ‌شرق‌شناس و یا معاند اسلام یافت نشده که براساس شاهدی تاریخی ادعا کند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به جهت کمک مالی دیگران در فلان رأی خویش تجدید نظر کرده و یا تغییر موضع داده‌اند.

نتیجه

با بررسی اموال حضرت خدیجه علیها السلام و تأثیر آن در رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله،

1. کارهای تحقیقاتی درباره اموال خدیجه علیها السلام و میزان تأثیر آن بر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله تاکنون علی رغم شهرت فراوان بسیار سطحی و ناچیز بوده است.
2. هر چند منبع اولیه ثروت حضرت خدیجه علیها السلام، دچار ابهاماتی است، به نظره می رسد وی توانسته از مقداری ارث در جهت کارهای تجاری استفاده کند و با ذکات تجاری خویش به اموال بسیاری دست یابد و به یکی از ثروتمندان و تاجران برتر قریش تبدیل گردد. بی شک آن بانو با توجه به جایگاه زن در بین عرب، جاهلی از استثنائات محسوب می گردد.
3. اموال حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج کلاً در اختیار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرار داشته و آن حضرت از ابتدا مجاز به هر گونه دخل و تصرف در آن به واسطه اجازه حضرت خدیجه علیها السلام بوده اند؛ اما در دوران پس از ازدواج، این گونه نبوده که پیامبر صلی الله علیه و آله با خیالی آسوده فقط به استفاده از اموال خدیجه علیها السلام پرداخته باشند، بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله به تجارت با اموال خدیجه علیها السلام و هم چنین اموال خویش پرداخته اند و ثروت آنان در سال های منتهی به بعثت و اندکی پس از آن نسبت به قبل از ازدواج ایشان رشد داشته است.
4. اموال آن بانو اگر هم تنها پشتوانه مالی پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده باشد، قطعاً اصلی ترین پشتوانه مالی پیامبر صلی الله علیه و آله در ابتدای رسالت ایشان تا سال دهم بعثت به خصوص در سال های محاصره اقتصادی و اجتماعی بنی عبدالمطلب در شعب ابی طالب بوده است.
5. حفظ استقلال مالی پیامبر صلی الله علیه و آله، مهم ترین اثر و نتیجه ایثار اموال از سوی خدیجه علیها السلام بوده که زمینه طرح هر شبهه مطرحی را از بین می برد. این جنبه استقلال رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، کمک شایانی به حفظ استقلال همه جانبه رسالت کرده است.

1. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه ، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بي جا، داراحياء الكتب العربيه، 1378 ق.
2. ابن اثير، عز الدين ابي الحسن على بن ابي الكرم محمد، اسد الغابه في معرفه الصحابه ، بغداد، مطبعه الشعب، 1970 م.
3. ابن اسحاق، محمد، السير والمغازي، تحقيق سهيل ، زكار، بيروت، دارالفكر، 1978 م.
4. ابن بكار زيبر منتخب من كتاب ازواج النبي، تحقيق اكرم ضياء العمري، السعودى، داراحياء التراث الاسلامى، 1981 م.
5. ابن حبيب، ابوجعفر محمد بن حبيب، المحبر، بيروت، المكتب التجاري 1361 ق.
6. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بيروت، دار صادر، بي تا.
7. ابن سيد الناس، عيون الاثر، بيروت، مؤسسه عزالدين للطباعة والنشر 1406 ق.
8. ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابي طالب، نجف، مطبعه الحيدريه، 1376 ق.
9. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم المعارف، تحقيق ثروت عكاشه، مصر، دار المعارف، 1969 م.
10. ابن هشام، السيره النبويه ، تحقيق محمد محيى الدين عبدالحميد، قاهره، مكتبه محمد على صبيح و اولاده، 1383 ق.
11. ابو نعيم الاصبهاني، احمد بن عبد الله ، دلائل النبوه، تحقيق محمد رواس حلب، بي نا، 1970 م.
12. اربلى، ابن ابي الفتح ، كشف الغمه ، بيروت، دار الاضواء، بي تا.
13. آلوسى، شهاب الدين محمود روح المعاني في تفسير القرآن و السبع المثاني

14. بخارى، محمد بن اسماعيل صحيح بخارى، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، 1401 ق.
15. بكرى، ابي عبيدالله بن عبد العزيز، معجم من استعجم من أسماء البلاد و الواضع، تحقيق: مصطفى السقا، قاهره بي نا، 1949 م.
16. بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، تحقيق محمدباقر محمودى، بيروت، 1974 م .
17. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين، السنن الكبرى، بيروت، دارالفكر، بي تا.
18. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، قاهره، نشر محمد عبدالمحسن الكتبى، بي تا.
19. شرهانى، حسين على، السیده خديجه بنت خويلد من المهد الى اللحد، بيروت، دارالبحار و دار و مكتبه الهلال، 2005 م.
20. صالحى الشامى، سبل الهدى و الرشاد، تحقيق شيخ عادل احمد عبد الموجود و شيخ على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1414 ق.
21. طبرى، محب الدين السمط الثمين في مناقب امهات المومنين تحقيق شيخ على عبدالعال الطهطاوى، بيروت، دارالكتب العلميه، 2005 م.
22. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الرسل و الملوك، تحقيق محمد ابوالفضل، ابراهيم، مصر، دار المعارف، 1968 م.
23. فاسى، تقى الدين محمد بن احمد شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، بيروت، دارالكتب العربيه، بيروت 1956 م.
24. فاضل، جواد، معصوم سوم فاطمه الزهرا عليها السلام، تهران، مؤسسه علمى، بي تا.
25. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، تحقيق عبد الرحيم الربانى الشيرازى بيروت، دار احياء التراث العربى، 1403 ق.
26. مسلم مسلم بن حجاج نيشابورى، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بي تا.

27. مصعب الزبيري، ابو عبد الله المصعب بن عبد الله ، نسب قريش مصر دار المعارف، 1953 م.

28. مقرزي، امتاع الاسماع بمال الرسول من الابناء و الاموال و الحفده و الامتاع، تصحيح محمود محمد شاکر قاهره بی نا، 1941 م.

29. نجاح الطايبي ازواج النبي و بناته ، بيروت (لندن)، دارالهدى لاحياء التراث، 1422 ق.

30. واقدی، محمد بن عمر ، تحقيق ، مدرسن جونس، قاهره، دار المعارف، 1964 م.

31. هيثمى نورالدين على بن ابى بكر مجمع الزوائد و منبع الفوائد ، بيروت، دار الكتب العلميه، 1408 ق.

32. يعقوبى، احمد بن ابى يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، بی تا.

ص: 250

*فداکاری های مالی حضرت خدیجه علیها السلام: فرمان علی سعیدی (1)

چکیده

عوامل و اسباب متعددی در رشد و پیشرفت دین مبین اسلام وجود داشته از جمله جناب حضرت خدیجه علیها السلام چون آن حضرت با فداکاری های، مختلف در زمینه های گوناگون از جمله اقتصادی و، مالی خدمات شایانی به دین اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در دورانی مبعوث به رسالت شدند که اوضاع مکه بسیار نامناسب بود و آن حضرت با مشکلات عدیده ای روبه رو بودند. در چنین دورانی این بانوی والا مقام مایه آرامش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران خفقان بود. حضرت خدیجه علیها السلام با فداکاری های، مالی نقش زیادی در گسترش اسلام ایفا نمودند. این مقاله به نقش ایشان در زمینه مالی و اقتصادی می پردازد.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام، مال و دارایی، همسر فداکار، اسلام.

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان برجسته در تاریخ اسلام به شمار می آید. ایشان اولین کسی بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد این بانوی بزرگوار خدمات ارزنده ای برای اسلام انجام داد. او زمانی به داد اسلام رسید که پیامبر صلی الله علیه و آله روزگار

ص: 251

سختی را پشت سر می گذاشتند و کفار قریش انواع و اقسام آزار و شکنجه ها را بر آن حضرت وارد می ساختند در چنین اوضاعی خدیجه تنها مونس و یاور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بود؛ زیرا در آن زمان یکی از تاجران و صاحبان ثروت فراوان بود و از طریق ثروت خویش به رشد اسلام کمک کرد این مقاله درباره فداکاری مالی حضرت خدیجه بحث خواهد کرد.

زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام

قبل از این که وارد بحث اصلی شویم، زندگانی و شرح حال این بانوایی بزرگوار را به طور اختصار بیان می کنیم.

خدیجه از پدر و مادری قریشی زاده شد. پدرش خویلد فرزند اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب بود و مادرش فاطمه بنت عامر بنت زائده بن اصمبن رواحه بن حجر بن معیص بن عامر بن لوی (1)

حضرت خدیجه علیها السلام در دوران سیاه جاهلیت و قحطی انسانیت، از زنان برجسته و ممتاز و صاحب کمال عصر خویش بود (2) او به دلیل عصمت و پرهیزگاری فوق العاده اش به «طاهره قریش» مشهور شد (3) و به جهت شأن و جایگاه رفیعش به «کبری» ملقب گردید (4) و چون در فضایل و کرامات انسانی سرآمد زنان عصر خویش بود به او «سیده نساء قریش» می گفتند وی به دلیل سبقت در پذیرش اسلام و حمایت های همه جانبه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ایثار اموال و دارایی های خود در راه اسلام و ده ها فضیلت دیگر، از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، به لقب «سیده نساء العالمین» مفتخر شد (5)

پیامبر هیچ گاه نام و یاد حضرت خدیجه علیها السلام را از نظر دور نداشتند، تا آن جا

ص: 252

1- ابن اسحاق، السیر و المغازی، ترجمه، رضیع الدین، 1360 ش

2- عبد الرضا عرب، تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دائره المعارف اسلام، 1387.

3- ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، 1321 ق

4- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، 1998 م

5- الاستیعاب، ج 4، ص 383

که عایشه گفته است:

رسول خدا هیچ گاه از منزل خارج نشد مگر آن که از حضرت خدیجه علیها السلام یاد می کرد و او را به نیکی می ستود جملات آن حضرت چنین بود: «او محبوبه من بود»؛ «محبت خدیجه رزق من بود. او صدیقه اَمّت من بود». و... (1)

هم چنین فرمودند:

خیر النساء العالمین اربع؛ مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم و خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و اله (2)

با مطالعه زندگی پر بار حضرت خدیجه علیها السلام این نکته به دست می آید که وی از جهات عدیده ای چون بذل مال و داشتن علم، عبادت، معرفت، صبر، شکیبایی حضانّت، اولاد تدبیر منزل و حسن شوهرداری بر آسیه و مریم برتری داشت.

او «ام المؤمنین» بود و در پذیرش اسلام تقدم داشت و یار غم خوار و پشتیبان پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحب قدر و شرف و منزلت بود.

محمد بن اسحاق گوید:

خدیجه دختر خویلد زنی، تاجر، صاحب شرف و مال دار بود و مال خود را از راه مضاربه به مردم می داد و تجارت می کرد و بخشی از سود آن مال را به معامله کنندگان می داد قریش جماعتی از اهل تجارت بودند، پس چون به خدیجه رسانیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله مردی است راست گو، امانت دار و دارای اخلاق نیکو کسی را نزد آن حضرت فرستاد و به او عرض کرد که چیزی از مال خدیجه بستاند و با آن به جانب شام تجارت نماید و به وی بیش تر از تاجران سود دهد و غلام خودش میسره را همراه او کند

و جنبادی به اسناد خود از ابن شهاب و او از زهری روایت کرده که چون پیامبر صلی الله علیه و آله به حد بلوغ رسید و او را چندان مال نبود، خدیجه دختر

ص: 253

1- البدایه والنهایه، ج 2، ص 74؛ تاریخ مدینه دمشق، ج 7، ص 118؛ ینابیع الموده، ج 2، ص 50.

2- ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، 1373

خوینلد پارهای مال به آن حضرت داد و...

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به اصحاب فرمودند:

آیا خیر کنم شما را به بهترین مردمان از روی جد و جده؟ گفتند: بلی یا رسول الله. فرمود حسن و حسین که جد ایشان رسول الله است و جده شان خدیجه بنت خوینلد. (1)

«كان أول من أسلم خديجة بنت خويلد من النساء، وعلی بن أبي طالب من الرجال» (2)

ابن عباس گوید:

رسول خدا چهار خط کشیدند سپس فرمودند: «بهترین زنان بهشتی مریم دختر عمران است و خدیجه علیها السلام دختر خوینلد و فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم زن فرعون» (3)

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ كَيْفَ كَانَتْ وِلَادَةُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ قَالَ نَعَمْ إِنَّ خَدِيجَةَ عَلَيْهَا رِضْوَانُ اللَّهِ لَمَّا تَزَوَّجَ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَجَرْتَهَا نِسْوَةً مَكَّةَ فَكَانَ لَا يَدْخُلُنَّ عَلَيْهَا وَلا يَسِّرُ لِمَنْ عَلَيْهَا وَلا يَتْرُكَنَّ امْرَأَةً تَدْخُلُ عَلَيْهَا فَاسَتْ مَوْحَشَتْ خَدِيجَةَ مِنْ ذَلِكَ فَلَمَّا حَمَلَتْ بِفَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ صَارَتْ تُحَدِّثُهَا فِي بَطْنِهَا وَتُصَبِّرُهَا وَكَانَتْ خَدِيجَةَ تَكْتُمُ ذَلِكَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْلَمَ فَدَخَلَ يَوْمًا وَاسَمَعَ خَدِيجَةَ تُحَدِّثُ فَاطِمَةَ فَقَالَ لَهَا يَا خَدِيجَةَ مَنْ يُحَدِّثُكَ قَالَتِ الْجَنِينُ الَّذِي فِي بَطْنِي يُحَدِّثُنِي وَ يُؤْنِسُنِي فَقَالَ لَهَا هَذَا جَبْرَائِيلُ بَيَّسَّرُنِي أَنَّهَا أَنْثَى وَ أَنَّهَا النَّسَمَةُ الطَّاهِرَةُ الْمَيْمُونَةُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَيَجْعَلُ نَسْلِي مِنْهَا وَ سَيَجْعَلُ مِنْ نَسْلِهَا أُمَّةً فِي الْأُمَّةِ يَجْعَلُهُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ بَعْدَ انْقِضَاءِ وَحْيِهِ (4)

خانه او دو علامت داشت اول قبه سبزی که بر بام آن بود؛ دوم آمد و شد و

ص: 254

1- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، 1410 ه.

2- الیعقوبی فی التاریخ، ج2، ص 17.

3- الخصال، ج 1 ص 226

4- زندگانی حضرت زهرا (ترجمه جلد 34 بحار الأنوار) ترجمه روحانی، ج 11، ص 3؛ بحار الأنوار، ج 61 ص 87-88

ازدحامی که در راه خانه وی به چشم می خورد و خدیجه هر ساعت از روز یا شب فقرا و ستم دیدگان را در خانه خود می پذیرفت؛ مهربانی می کرد؛ با آن ها سخن می گفت و به درد دل آنان گوش می سپرد دست نوازش به سر و صورت فرزندان یتیم می کشید و اشک چشم مادران را می سترد. سپس غلامش (میسره) را می خواند تا کیسه های پول را بیاورد و سپس در میان مستمندان تقسیم می کرد. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام جزو اولین ها

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مورد فضایل حضرت خدیجه علیها السلام می فرماید:

او اولین زنی بود که پیامبر خدا را تصدیق کرد نخستین زنی بود که در مکه با رسول خدا نماز به جماعت خواند؛ اولین زنی بود که دشمن را از رسول خدا دفع می کرد نخستین زنی بود که تمامی اموال خود را به رسول خدا بخشید و نیز در اسلام اول زنی بود که ایمانش به حد کمال رسید.

حضرت خدیجه علیها السلام در زمان خود به القابی چون «سیده قریش» و «مادر یتیمان» معروف بود. طبق احادیث شیعه و سنی معروفیت وی در زمان خود تنها به دلیل ثروت زیاد نبود بلکه در علوم و اطلاع از کتب روایت معروف بود و به عقل و کیاست مزیت تام داشت است؛ بدین لحاظ او را «طاهره مبارکه» یا «سیده نسوان» نیز نامیدند. (2) این زن والا مقام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تکیه گاهی برای محرومان و پناهی برای یتیمان بود به همین جهت نیاز تهی دست را برآورده می نمود و گرسنه را اطعام می کرد، برهنه را می پوشاند. وی در اخلاق و نسبت و ثروت میان قوم خود و همگانش منحصر بود. (3) هر پدری تلاش می کرد تا لقمه نانی برای رفع گرسنگی خانواده اش کسب کند یا زنی پس از مرگ شوهر بی پناه می ماند و در یک کلام هر رنج دیده ای، راه خانه خدیجه

ص: 255

1- خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام، ص 96 و 07

2- هاشم معروف الحسنى، خدیجه کبری و فاطمه علیها السلام، چاپ اول، 5831

3- علی محمد دخیل، خدیجه علیها السلام ص 13.

را پیش می‌گرفت و از جود و سخای وی مدد می‌جست و این زن گران‌قدر با اکسیر مهر و عطوفت خود، زخم‌های جسم و جان مجروحان را مرهم می‌نهاد. لذا القابی چون «طاهره» و «مادر یتیمان» شایسته وی بود. (1)

کمک مالی حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

وضعیت مالی پیامبر صلی الله علیه و آله خوب، نبود به همین جهت حضرت خدیجه ایشان را برای انجام دادن کارهای تجاری به استخدام گرفت و از این طریق از ایشان حمایت نمود روایات متعددی درباره کارکردن آن حضرت در کاروان تجاری خدیجه وجود دارد؛ از جمله زهری می‌گوید:

وقتی رسول خدا که به سن بلوغ رسیدند، مال زیادی نداشتند، خدیجه دختر خویند ایشان را اجیر کرد و برای تجارت به بازار (حباشه) فرستاد (2)

فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام اموال خود را برای گسترش دین اسلام و جذب افراد به این آیین نجات بخش در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله، قرار داد بعد از هجرت مسلمانان به حبشه، قریش عرصه را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یاران، ایشان، تنگ نمودند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اصحابش برای در امان ماندن از شر، قریش به شعب ابوطالب رفتند. در این زمان خدیجه هم همراه مسلمانان به شعب رفت و در کنار مسلمانان انواع سختی‌ها را تحمل کرد و اموالش را در این سال‌ها در اختیار مسلمانان قرار داد. (3) او تمام اموال و مایملک خود را به پیامبر هبه کرد (4) این فداکاری مالی باعث پیشبرد اهداف عالی اسلام شد.

یکی از ویژگی‌های حضرت خدیجه علیها السلام این بود که بر اثر تدبیر و کوشش در

ص: 256

1- ثریا مکنون و مریم صانع، پور بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص 09

2- طبری، تاریخ، ج 2، ص 124

3- عبد المنعم الهاشمی، أم المؤمنین خدیجه بنت خویلد، ص 88

4- السید نبیل الحسنی، خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امره، ج 1.1 2331 ق

تجارت و امور اقتصادی از ثروتمندان بی نظیر عصر خود بود. او در راه تحقق آرمان های آرمان های، اسلام همه ثروت خود را انفاق کرد ثروت خدیجه علیها السلام برای پیشبرد اسلام، بسیار مفید و مهم بود تا آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ ثروتی هرگز مرا آن گونه سود بخشید که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید (1)

محدثان و تاریخ نویسان، عوامل ثروت فراوان او را چنین تبیین کرده اند:

او زنی هوشمند بود. علاوه بر این که خود ثروتی کلان داشت پس از فوت دو شوهرش (البته این مسأله یعنی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله مورد اختلاف است) از ناحیه آن ها نیزارث هنگفتی به او رسید. او آن ثروت ها را راکد نگذاشت بلکه با تدبیر ویژه ای ثروت خود را به ثروتمندان سرشناس مختلف به عنوان مضاربه داد. از سوی دیگر، بردگان بسیار او در حرکت کاروان ها و کارهای تجارته نقش کارآمدی داشتند. همه این ها باعث شد که روزبه روز بر ثروت خدیجه علیها السلام افزوده شود به طوری که هشتاد هزار شتر در کاروان های متعدد اموال تجاری او را به مراکز اقتصادی جهان آن روز از، یمن، مصر، شام، طائف، عراق، بحرین عمان حبشه، فلسطین و... حمل و نقل می نمودند.

تاریخ نویسان مظاهر ثروت خدیجه علیها السلام را در سه مورد خلاصه کرده اند:

1. هشتاد هزار، شتر اموال تجارته او را به اطراف و اکناف جزیره العرب و خارج از آن مانند مصر، حبشه، روم، شام و... حمل و نقل می کردند.
2. بارگاهی از حریر سبز با طناب های ابریشم بر بام خانه با شکوهش برافراشته بود و در آن جا از زن و مرد پذیرایی می شد و او به زیردستان کمک های شایان می نمود.
3. چهار صد غلام و کنیز امور زندگی او را رسیدگی و سرپرستی می کردند و دستگاه عریض و طویل زندگی خدیجه علیها السلام را اداره می نمودند. (2)

ص: 257

1- طبرسی، فضل بن حسن، قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث، چاپ اول 7141 ه.

2- محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت، ص 43-53.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرزندی از خدیجه جز حضرت فاطمه علیها السلام نداشتند که بر سرشت و فطرت اسلام به دنیا آمده باشد پس از بعثت خداوند فقط فاطمه را به ایشان داد و بقیه فرزندان آن حضرت از خدیجه پیش از بعثت به دنیا آمده بودند.

مسلمان شدن زید بن حارثه در کنار امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام

زید بن حارثه سومین فردی بود که به اسلام گروید. (1) او اهل یمن بود که در عصر جاهلیت او را به مکه آوردند و در بازار عکاظ به عنوان برده در معرض فروش قرار دادند. حکیم بن حزام (برادرزاده خدیجه علیها السلام) مدتی قبل از بعثت او را برای خدیجه علیها السلام خرید؛ سپس خدیجه علیها السلام او را به پیامبر صلی الله علیه و آله بخشید. هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله به مقام نبوت رسیدند، زید را به اسلام دعوت کردند او بی درنگ دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله را پذیرفت و مسلمان شد. مطابق بعضی از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله که در بازار عکاظ برای خدیجه علیها السلام تجارت می کردند، او را که مردی زرنگ و چابک، بود برای خدیجه علیها السلام، خریدند، سپس خدیجه علیها السلام او را به آن حضرت بخشید و حضرت او را آزاد کردند. (2)

خدیجه یک سال پیش از هجرت از دنیا رفت و ابوطالب نیز در همان سال درگذشت با رفتن این دو نفر رسول خدا صلی الله علیه و آله از ماندن در مکه دلتنگ شدند و اندوه سختی ایشان را فرا گرفت و از کفار قریش بر جان خویش بیمناک شدند. از این رو به جبرئیل شکایت کردند پس خدای عزوجل به ایشان وحی فرمود: «از این سرزمینی که مردمش ستم کارند بیرون شو و به مدینه هجرت کن که در مکه یآوری برایت نمانده و در صدد جنگ با مشرکان باش.» (3)

نیز گفته اند: کنیه زید ابواسامه بود. وی اصلاً عرب به شمار می آمد و در غارتی که در زمان جاهلیت رخ داد، در هشت سالگی اسیر شد. خدیجه او را خرید و به بخشید و حضرت او را آزاد کرد و به فرزندی گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان اسلام،

ص: 258

1- نورالحسینی، المرعشی، احقاق الحق وازهاق الباطل

2- اسد الغابه، ج 2، ص 522؛ مجمع البیان، ج 8، ص 633.

3- کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، 4631 ش

میان او و حمزه برادری برقرار کرد و هنگامی که اسیر شد، پدرش شراحیل سخت ناراحت بود. بعد از این که خبر یافت خدیجه او را خریده، با برادرش به مکه آمد و بر پیغمبر صلی الله علیه و اله وارد شدند. او از حضرت درخواست کرد که فدیة بگیرد و زید را آزاد کند. پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: «من او را آزاد می گذارم هر کجا که خود می خواهد برود و هر کس را که خود می خواهد اختیار کند». سپس او را طلبیدند و فرمودند: «اینان را می شناسی؟» زید گفت: «آری، این پدر من است و آن دیگر عمویم». حضرت فرمودند: «از میان ما سه تن هر کس را می خواهی اختیار کن!» زید گفت: «من جز شما را نمی خواهم!» فرمود: «آیا برده بودن را بر آزادی و پدر و عمویت ترجیح می دهی؟» گفت: «آری» و به پدر و عمویش گفت: «من از این مرد چیزی دیده ام که ممکن نیست کسی را بر او ترجیح دهم!» پدر و عمویش مأیوس شدند. پس از آن پیامبر صلی الله علیه و آله زید را به حجر اسماعیل بردند و فرمودند: «ای حاضران! به شما اعلام می کنم که زید پسر خوانده من شد و از من ارث می برد و من نیز از وی ارث می برم». چون پدر و عموی زید این عمل پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدند خوشحال شدند و رفتند (1).

ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله

حضرت خدیجه علیها السلام پس از مرگ همسر دوم علی رغم داشتن خواستگاران فراوان از اشراف و ثروتمندان همواره از ازدواج سرباز می زد تا این که از طریق علمای یهود به وجود مهر نبوت در بین دو کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه شد و شیفته حضرتش گردید. سرانجام روزی ابوطالب به پیامبر صلی الله علیه و آله پیشنهاد کرد که مالی برای مضاربه از خدیجه دریافت نماید تا با آن تجارت کند پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پذیرفتند و پس از بستن قرارداد با خدیجه عازم سفر بازرگانی شدند در پایان سفر، «میسره» غلام، خدیجه از ویژگی های پیامبر گفت و بر شیفتگی وی افزود (2).

ص: 259

1- صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام، 1931 ش

2- عمر رضا کحاله، اعلام النساء، ج 1، ص 723

سیده قریش لحظه ای از فکر پیامبر صلی الله علیه و آله فارغ نشد و عشق ملکوتی وی به آن حضرت، آتش بر خرمن هستی او می زد. سرانجام به درخواست خواستگاران ثروتمندی چون عقبه بن ابی معیط، ابوجهل و صلت بن ابی ایهاب به دلیل این که گمراه بودند پاسخ رد داد و همسری حبیب خدا را پذیرفت که از مال دنیا چیزی نداشت. سپس ورقه پسر عموی خدیجه بزرگان عرب و صنایع قریش را بر در کعبه جمع کرد و گفت: «ای بزرگان قریش! آیا خدیجه را چگونه شناخته اید» گفتند: «در عرب و عجم نظیر او را نمی توان یافت». گفت: «رواست که بی شوهر زندگی کند؟» گفتند: «ملوک جهان طالب اویند، اما او حاضر نیست مخطوبه کسی گردد». ورقه گفت: «حال او مایل است با یکی از سادات قریش ازدواج نماید. بنابراین فردا برای این امر مبارک در خانه وی جمع شوید».

پیوندی که به بشریت انجامید

خانه خدیجه به بهترین شکل برای مراسم ازدواج آراسته شده بود. پیامبر و خدیجه در کنار یک دیگر نشستند و ورقه عمرو بن اسد رئیس قبیله و ابوطالب شاهد مراسم عقد بودند (1)

سرور کائنات حضرت محمد صلی الله علیه و آله در عظمت و شأن خدیجه می فرمایند:

خدیجه علیها السلام سابقة نساء العالمین إلی الإیمان بالله و بمحمد؛ (2)

خدیجه سبقت گیرنده زنان جهانیان در ایمان به خدا و محمد است.

و نیز فرمودند:

اسلام جز به شمشیر علی علیه السلام و دارایی خدیجه استواری نیافت.

این زن والا آن چنان در تمامی ابعاد وجود برجسته بود که شخصیتی چون پیامبر صلی الله علیه و آله قطب عالم امکان به شایستگی در کنار وی به آرامش دست یافتند و تا هنگامی که او در قید حیات بود همسر دیگری اختیار نکردند و پس از

ص: 260

1- محمد علی بحر العلوم، زنان صدر اسلام، ص 111

2- المستدرک، ج 3، ص 81

خدا هرگز زنی بهتر از خدیجه برای من جایگزین نکرد. او روزی به من ایمان آورد که دیگران مرا تکذیب می کردند و روزی ثروت خود را به پای من ریخت که دیگران ثروت شان را از من منع می نمودند. (1)

خدیجه بهترین مصداق کلام (و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (2) بود که با تمامی امکانات اعم از مادی و معنوی از پیامبر حمایت نمود و بهترین تسلی بخش همسرش در برابر ستم و دشمنی کفار بود. هنگامی که مشرکان به قصد جان پیامبر صلی الله علیه و آله خانه ایشان را سنگ باران می کردند خدیجه علیها السلام به اتفاق امیر مؤمنان علی علیه السلام خویشتن را سپر آن حضرت می کردند و عاقبت خدیجه گفت: «ای مردم قریش! شرمنده نمی شوید که خانه زنی را سنگ باران می کنید که نجیب ترین قوم شماست و از خدا نمی ترسید؟» سپس مشرکان به خانه های خویش بازگشتند.

در کتاب عقيله الوحي آمده:

ایمان خدیجه در تقویت اسلام بسیار مؤثر بود این زن از همه به پیامبر مهر نزدیک تر و محرم اسرار ایشان بود در زمانی که قریش از آداب و سنن جاهلی خود در مقابل دین حق دفاع می کردند، خدیجه عامل مؤثری در پایداری رسول خدا صلی الله علیه و آله بود همواره دل داری تسلی بخش خدیجه موجب می شد که پیامبر صلی الله علیه و آله غم های خود را فراموش کند.

فداکاری مالی حضرت خدیجه علیها السلام در شعب ابی طالب

یکی از فصول در خشان زندگی پربار خدیجه کبری، نقش وی در محاصره اقتصادی شعب ابی طالب بود:

خدیجه علیها السلام تمامی دارایی خود را به شعب نشینان بخشید و این چنین بود

ص: 261

1- خدیجه کبری و فاطمه زهرا علیهما السلام، ص 38

2- سوره روم، آیه 12

که حکیم بن حزام بن خویلد به اسم عمه خود خدیجه برای شعب نشینان گندم می برد مسلمانان سه سال زندگی وحشت بار را در این حصار پشت سر نهادند اگر ثروت خدیجه نبود از گرسنگی جان می دادند. او از روی صفا و سخاوت، تمامی دارایی خود را نثار دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله نمود تا این که خداوند گشایشی در کار آنان پیش آورد. (1)

خدیجه پس از ازدواج با پیامبر تمام دارایی اش را به ایشان بخشید (2) و کارهای تجاری را نیز به حضرت سپرد؛ حتی غلامان (مانند مسیره) و کنیزان خود را آزاد کرد. حلیمه سعدیه دایه حضرت رسول در ایام خشک سالی به منزل ایشان آمد. خدیجه برای تشکر از زحماتش وی را بسیار احترام کرد و چهل گوسفند و یک شتر نیز به او هدیه داد، ثوبیه کنیز ابولهب، (نخستین دایه پیامبر) نیز با آنان در ارتباط بود خدیجه حتی برای جبران خدمت وی و کسب رضایت پیامبر بارها تلاش کرد تا او را از ابولهب بخرد و آزاد کند، ولی موفق نشد. (3)

در مرحله دعوت علنی، هر گاه پیامبر صلی الله علیه و آله قریش را به اسلام و راه حق دعوت می فرمودند و آنان با بی توجهی، حضرت را مسخره می کردند، خدیجه با سخنان مهرآمیزش ایشان را دلدار می داد. به نظر عده ای از مفسران، آیه هشت سوره ضحی: «ای پیامبر! آیا تو را نیازمند نیافت پس بی نیاز و توان گر ساخت»، به این حمایت های مالی خدیجه اشاره دارد. (4)

اندک زمانی پس از شکست محاصره، اقتصادی خدیجه علیها السلام در 65 سالگی در رمضان سال دهم بعثت به فاصله سه روز بعد از وفات ابو طالب در گذشت. (5)

ص: 262

-
- 1- اعلام النساء، همان، ج 1، ص 133
 - 2- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 61، ص 17
 - 3- بلاذری، ج 1، ص 801-901 و ابن حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصابه.
 - 4- فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم: چاپ اول، 7141
 - 5- غلام علی حداد عادل دانشنامه جهان اسلام، ج 51، ص 442-542

حفظ اسلام در طول سه سال به طور پنهانی

وضعیت محیطی مکه و اطراف آن به گونه ای بود که اگر کسی اظهار اسلام می کرد با مرگ مواجه می شد بر همین اساس پیامبر صلی الله علیه و آله همراه علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و بعضی دیگر سه سال اسلام خود را پنهان نمودند و در تقیه به سر می بردند تا هنگامی که آیات 94 و 95 سوره حجر در مورد آشکار نمودن اسلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

(مَا أَجَابَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَحَدٌ قَبْلَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَدِيجَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ لَقَدْ مَكَثَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِمَكَّةَ ثَلَاثَ سِنِينَ مُخْتَفِيًا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ وَيَخَافُ قَوْمَهُ وَ النَّاسَ).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سه سال در مکه به طور پنهان می زیست و علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام با او بودند و اسلام خود را پنهان می نمودند و به شدت تقیه می کردند (1)

این فرمایش نیز بیان گر ایثار و مقاومت استوار حضرت خدیجه علیها السلام است؛ بانویی که به خاطر اسلام از همه شئون دنیا دست کشید و حاضر شد سه سال (یا پنج سال) در سخت ترین وضعیت در خفا زندگی کند و رنج ها و تلخی های تنهایی و احساس خطر شدید را تحمل نماید به راستی چه ایثار و مقاومتی بالاتر از این! (2)

هم چنین درباره ایشان فرموده اند:

(وَ كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا)؛

خدیجه علیها السلام وزیر راستین اسلام بود و پیامبر صلی الله علیه و آله به وسیله (یاری ها و محبت های) او آرامش و تسلی خاطر می یافت.

ص: 263

1- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، 5241 ق

2- کتانی سلیمان، فاطمه الزهراء و ترفی محمد، چاپ اول 2331 ق

نقش اموال حضرت خدیجه علیها السلام در گسترش اسلام

حضرت خدیجه علیها السلام از ثروتمندترین اشخاص در جزیره العرب بود. این بانوی والا مقام تمام ثروتش را برای گسترش اسلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داد؛ چنان که آن حضرت می فرمود:

(مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مَا نَفَعَنِي مَالُ خَدِيجَةَ)؛

هیچ مالی هرگز به من سود نبخشید آن گونه که ثروت خدیجه علیها السلام به من سود بخشید

به طور خلاصه اموال حضرت خدیجه در این موارد صرف می شد:

1. پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام بدهکاران را از قید بدهکاری آزاد می کردند و به تهیدستان کمک می نمودند، به بینوایان و یتیمان رسیدگی می فرمودند، مسلمانانی که از مکه به مدینه هجرت می نمودند، مشرکان اموال آن ها را مصادره می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله از اموال خدیجه علیها السلام به آن ها کمک می فرمود تا خود را به مدینه برسانند. پیامبر صلی الله علیه و آله هر گونه صلاح می دانستند، از اموال استفاده می نمودند.

2. همان گونه که گفته شد، حلیمه سعدیه روزی به مکه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و از قحطی و خشکسالی آن سال شکایت کرد پیامبر صلی الله علیه و آله این موضوع را با خدیجه علیها السلام در میان گذاشتند، خدیجه علیها السلام چهل گوسفند و شتر به حلیمه بخشید. او با شادمانی به سوی خاندانش بازگشت، سپس بعد از طلوع اسلام، حلیمه و شوهرش به مکه آمدند و مسلمان شدند.

3. در آستانه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه علیها السلام، وقتی ورقه بن نوفل سخن از فقر پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آورد، خدیجه علیها السلام گفت: «اگر مال او اندک است، مال من بسیار است» و شعری خواند که مصرع دومش این است: «ثروت در برابر او جز مثل گرفتن ناخن ها نیست»؛ یعنی ثروتم را از خود جدا کردم و همه را در اختیار او قرار دادم. لذا آن حضرت در مصرف آن اختیار تام داشتند.

4. در محاصره شعب ابی طالب بر اساس روایات ابوطالب و خدیجه همه

اموال خود را برای حفظ اسلام و محاصره شدگان، انفاق نمودند.

طبق برخی از روایات در ماجرای محاصره از اموال خدیجه علیها السلام دیگر چیزی باقی نماند و خدیجه گفت: «چیزی جز دو پوست باقی نمانده و هنگام استراحت یکی را زیرانداز و دیگری را روانداز خود قرار می دهیم».

لذا پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اسلام جزبه شمشیر علی علیه السلام و ثروت خدیجه علیها السلام بر پا نشد.

آری بیش تر ثروت خدیجه علیها السلام در دوران محاصره به مصرف رسید؛ زیرا عرصه بر بنی هاشم و پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب، بسیار تنگ شد. در این مدت ابوالعاص بن ربیع داماد خدیجه علیها السلام شترهایی را می آورد و با آن ها گندم و خرما حمل می کرد و با زحمت و خطر زیاد آن ها را به بنی هاشم می رسانید. محاصره شدگان شعب، هیچ گونه طعامی نداشتند و مصارف سه ساله آن ها از اموال خدیجه علیها السلام بود خدیجه علیها السلام با کمال ایثار و مقاومت از جان پیامبر صلی الله علیه و آله و بنی هاشم محافظت می کرد و دارایی اش را فدای آنان نمود.

آری چنین ایثاری بود که انفاق خدیجه علیها السلام را در پیشبرد اسلام با شمشیر امام علی علیه السلام برابر ساخت؛ همان شمشیری که طبق فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله یک ضربه آن در روز جنگ خندق بهتر از عبادت جن و انس معرفی شد. چنان که جهاد با مال در آیات متعددی از قرآن (مانند آیات 11 صف، 95 نساء، 44 و 81 و 88 توبه و 72 انفال) با جهاد با جان هم طراز قرار داده شده است.

بر همین اساس علامه مامقانی نویسنده رجال تنقیح المقال می نویسد:

همین افتخار و شرافت که برترین افتخار و شرافت است برای خدیجه علیها السلام بس که آیین اسلام پا نگرفت و کمر راست نکرد مگر با ثروت خدیجه علیها السلام و شمشیر علی علیه السلام، چنان که این مطلب به طور متواتر نقل شده است.

5. با بررسی روایات به این نتیجه می رسیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام ها را در همان موارد هشت گانه ای که در مورد مصرف زکات در آیه 60

ص: 265

سوره توبه آمده، به مصرف رسانیدند که عبارتند از: فقیران، تهی‌دستان، کارکنان جمع‌آوری زکات جلب محبت مخالفان آزادی‌برندگان، ادای دین بدهکاران، تقویت آیین خدا و در راه ماندگان

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام از زنان برجسته عالم به شمار می‌آید. ایشان اولین کسی بود که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد و در دوران رسالت، مؤنس و یار و مددکار پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

او در اوضاع بحرانی و سخت، شوهرش را تنها نگذاشت بلکه با تمام توان از حضرت دفاع نمود حمایت خدیجه علیها السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در زمینه‌های مختلف بود. او نقش برجسته‌ای در گسترش اسلام داشت. با توجه به این که حضرت خدیجه علیها السلام از نظر اقتصادی و مالی ثروتمند بود، تمام دارایی خود را فدای اسلام نمود در موارد مختلفی ثروت و دارایی حضرت خدیجه علیها السلام باعث شد که دین اسلام گسترش یابد.

ص: 266

1. ابن اسحاق، السير و المغازی، ترجمه رضیع الدین، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1360 ش.
2. ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، چاپ اول، بیروت: دار الفکر، 1998 م.
3. ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، پرفسور الدكتور بروکلمن، لیدن: چاپ اول، 1321 ق.
4. ابن کثیر دمشقی، ابوالفدا، البدایه و النهایه، چاپ اول، بیروت: المكتبه العصریه، 2005 م.
5. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمته، چاپ اول، قم: کتاب فروشی اسلامیہ 1410 ق.
6. ابن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت: محمد علی بجاوی، 1412 ق.
7. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، انساب الاشراف، سهیل زگار و ریاض زرکلی چاپ، اول، بیروت: دارالفکر، 1417 ق.
8. ثریا مکنون و مریم صانع، پور بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام، چاپ چهارم قم: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، 1374 ش.
9. حسین علی الشرهانی، السیده بنت خویلد من المهد الی الحد، چاپ اول، بیروت: مکتبه الهلال، 2005 م
10. السید نبیل الحسنی، خدیجه بنت خویلد امه جمعت فی امره، ج 1، چاپ اول بغداد: قسم الشؤون الفکرية والثقافية فی العتبه الحسینیه المقدسه، 1332 ق.
11. شیخ ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه چاپ ششم، قم: دارالکتب الاسلامیه، 1373 ش.
12. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعم، ج 2، چاپ دوم، ناشر: اسلامیہ

13. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین، عیون اخبار الرضا علیه السلام نجف: المطبعة الحیدریه، 1390 ش.
14. طبرسی، امین الاسلام علی الفضل بن الحسن، سید محسن امین، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1995 م.
15. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1988 م.
16. عبدالرضا، عرب، تصویر خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله در دائره المعارف اسلام، چاپ اول قم: انتشارات شیعه شناسی، 1387 ش.
17. عبد المنعم، هاشمی، ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد، چاپ اول، بیروت: دار و مکتبه هلال، 1421 ق.
18. غلامعلی حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ج 15، چاپ اول، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی، 1390 ش.
19. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری با اعلام الهدی، قم: چاپ اول، 1417 ق.
20. قندوزی حنفی سلیمان بن ابراهیم ینایع الموده، تحقیق، سید علی جمال اشرف الحسینی تهران: دارالاسوه لطباعه و النشر، 1430 ق.
21. کتانی، سلیمان، فاطمه الزهراء و ترفی محمد، چاپ اول، قم: مجمع العالمی لاهل البیت علیهم السلام، 1332 ق.
22. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضة من الکافی، ترجمه رسولی محلاتی چاپ اول، تهران 1364 ش.
23. مجلسی محمد باقر، بحار الانوار، ترجمه، روحانی چاپ ششم قم: دار الکتب الاسلامیه، 1373 ش.
24. محمد محمدی اشتهاردی، حضرت خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت، چاپ دوم تهران: مؤسسه انتشارات نبوی، 1384 ش.
25. نورالحسینی، المرعشی، احقاق الحق و ازهاق الباطل، چاپ اول، تهران:

کتاب فروشی اسلامیه بی تا.

26. هاشم معروف الحسنی، خدیجه علیها السلام کبری و فاطمه علیهما السلام، مترجم، دکتر علی شیخ الاسلامی، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی 1385 ش .

27. یعقوبی ابی یعقوب جعفر بن وهب ابن واضح تاریخ یعقوبی، تحقیق، عبدالامیر، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1413 ق.

ص: 269

حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده: قاسم صفری جوادی

*حضرت خدیجه علیها السلام انسان با اراده: قاسم صفری جوادی (1)

مقاله حاضر به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام با تکیه بر سخنرانی شهید مطهری می پردازد.

شهید مطهری، ضمن این که عده ای از انسان ها را برترین می داند که صاحبان همت عالی هستند؛ آن ها را به دو دسته تقسیم می کند: یک دسته بزرگ و بزرگوار و یک دسته فقط بزرگ؛ ولی هر دو دسته نسبت به بقیه انسان ها هر دو دسته برتر هستند؛ چون از همت و اراده والا برخوردارند. ایشان می فرماید:

بعضی ها اساساً یک داعیه جمع کردن ثروت در وجودشان هست که به کم قانع نیستند این نکته را هم عرض بکنم که گاهی از اوقات، بعضی از افراد بی همت به دلیل این که عرضه ندارند به دلیل این که همت ندارند به دلیل این که مرد نیستند وقتی آدمی را می بینند که دنبال کردن ثروت می رود هی تحقیرش می کنند به او می خندند آیات زهد را می خوانند دم از تقوا می زنند دم از زهد می زنند می خواهند مغالطه بکنند نه آقا او که دنبال جمع کردن ثروت می رود با همان حرص هم می رود با حالت دنیا پرستی می رود از توی ضعیف همت دون همت گدا صفت بالاتر است. (2)

هم چنین درباره مقام و جاه طلبی می فرماید:

ص: 270

1- عضو هیأت علمی جامعه المصطفی العالمیه

2- مرتضی مطهری، گفتارهای معنوی، ص 661.

مگر در این جهت مردم متساوی هستند نه در این که اسکندر مرد بلند همتی بوده می شود شک کرد؟ مردی بود که این داعیه در سرش پیدا شد که تمام دنیا را در زیر مهمیز و فرمان خودش قرار بدهد. اسکندر از یک آدم نوکر صفتی که اساساً حس سیادت و آقایی در او وجود ندارد؛ حس برتری طلبی در او وجود ندارد؛ همت (1) در وجودش نیست خیلی بالاتر است. نادرشاه و امثال او هم همین طور این ها را باید گفت روح های بزرگ (2)

دیکتاتور معروف ایتالیا یک وقتی به یک کسی از دوستانش گفته بود: من ترجیح می دهم که یک سال شیر زندگی کنم تا این که صد سال گوسفند زندگی کنم..... من با این شرط می توانم شیر باشم که مردم گوسفند باشند، اما اگر مردم این جمله را بفهمند آن ها هم می خواهند مثل من موسولینی باشند؛ مثل من شیر باشند. اگر آن ها هم بخواهند مثل من شیر باشند، دیگر من نمی توانم شیر باشم. آن ها باید گوسفند باشند که من شیر باشم». در این بزرگی هست اما بزرگواری نیست (3)

در بخش بزرگواری می فرماید که همت بزرگواران از بزرگان بیش تر است بزرگ فقط دنبال ثروت است اما بزرگوار دنبال ثروت است ولی خود زاهدانه زندگی می کند و ثروت را به دیگران می بخشد. او بی عرضه نیست که تلاش نکند. او اهل تبلی و تن پروری نیست. تلاش می کند اموال فراوان به دست می آورد؛ اما اراده ای بزرگ تر و همتی والاتر و آن را در اختیار دیگران می گذارد. وی در این بخش هم نکات متعددی آورده می گوید:

اما بزرگوار چگونه؟ بزرگوار می خواهد همه مردم شیر باشند؛ یعنی گوسفندی نباشد که دیگری طعمه اش کند. اصلاً می خواهد در زندگی در دنیا وجود نداشته باشد. این معنایش احساس بزرگواریست؛ احساس انسانیت است به تعبیر قرآنی احساس عزت است؛ احساس کرامت

ص: 271

1- در کتاب همتش است که به نظر می رسد اشتباه تایپی می باشد.

2- همان، ص 861

3- همان، ص 2-371.

نفس است که این کلمه کرامت در آثار اسلامی زیاد آمده کرامت همان مفهوم بزرگواری را دارد جمله ای هست از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که فرمود (إِنِّي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ). مکرر گفته ام: گاهی وقت ها در ترجمه فارسی این جمله را غلط ترجمه می کنند می گویند: پیغمبر فرمود که من مبعوث شده ام که اخلاق نیک را تکمیل کنم. نه این ترجمه رسایی نیست پیغمبر بیش تر از این گفت ... من مبعوث شدم که اخلاقی را تکمیل کنم که در آن روح مکرمت است؛ یعنی اخلاق بزرگواری، اخلاق آقایی اما نه آقایی به معنای آن سیادت که بر دیگری مسلط بشوم؛ آقایی ای که روح من آقا باشد و از پستی دنائت دروغ غیبت از تمام صفات رذیله احتراز داشته باشم. (1)

بعد نمونه هایی از اخلاق بزرگواری از امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام ذکر می کند درباره امام حسین علیه السلام می نویسد:

من یک وقتی کتاب هایی را که کلمات حضرت را نقل کرده اند مطالعه می کردم، دیدم عجیب است! با این که کلمات امام حسین آن قدر زیاد نیست، ولی هیچ مطلبی در کلمات ایشان به اندازه بزرگواری به چشم نمی خورد. اصلاً مثل این که روح حسین، مساوی است با بزرگواری (2).

از مجموعه سخنرانی، ایشان این نکته استفاده می شود که انسانیت انسان به تلاش و کوشش و همت و اراده اش است منتهی این انسانیت، یک موقع در حد اراده است که انسان ها بزرگ می شوند و یک وقت علاوه بر اراده به مراد هم نگاه می شود. هر چه انسان ها در مسیر اراده و مراد پیش روند انسانیت بیش تری دارند

شاید شعر اقبال لاهوری هم در ردیف سخن مرحوم مطهری باشد:

کافر بیدار دل نزد صنم *** به زدین داری که خفته در حرم (3)

ص: 272

1- همان، ص 2-371

2- همان، ص 281

3- کلیات اقبال، ص 534

در بین انسان ها قطعاً انبیا جایگاه ویژه ای داشته اند. آن ها انسان های هدف دار و صاحب اراده و تلاش گر بودند. آنان می خواستند وضع جامعه را بهتر کنند و انسان ها را به عبودیت خداوند (1) و به بر پا داشتن قسط فراخوانند. (2) اساساً انبیا صاحبان اراده ای هستند که باید با فرعون و نمرود و ابوجهل در جامعه در افتند؛ انسان هایی هستند که جامعه را به توحید فرا خوانند و از زشتی باز دارند و اگر این کار صد ها سال طول بکشد هم چنان مقاومت می کنند. (3) آنان در مسیر اهداف بلند خویش از هیچ تلاش فروگذار نمی کنند. البته قرآن بین این انبیا، چند نفر را به عنوان صاحب اراده و عزم معرفی می کند (4)

برخی از نکاتی که قرآن به عنوان ملاک برای عزم داشتن معرفی می فرماید غفران، صبر و تقواست. (5)

قرآن از بین پیامبران صاحب عزم دو نفر را به عنوان الگو معرفی می نماید: یکی حضرت ابراهیم علیه السلام (6) و دیگری پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم (7) پیامبران اولوالعزم هر یک به گونه ای در رسالت خود با مشکلات روبه رو شدند و شاید مشکل ترین آن ها حضرت عیسی علیه السلام باشد چون حضرت نوح علیه السلام با جامعه ای ملحد روبه رو بود که شب و روز آشکار و نهان آن ها را دعوت می کرد ولی ثمره آن گریختن آن ها بود. (8) سپس حضرت ابراهیم علیه السلام که او را از شیعیان نوح علیه السلام معرفی می نماید (9) در عین حال ابراهیم در درون خانه خویش با شرک روبه روست. (10) هم چنین در برابر

ص: 273

- 1- سوره نحل، آیه 63.
- 2- سوره حدید، آیه 52.
- 3- سوره عنکبوت، آیه 41
- 4- سوره احقاف، آیه 53.
- 5- سوره آل عمران، آیه 681؛ سوره، لقمان آیه 71؛ سوره شوری آیه 34
- 6- سوره ممتحنه، آیه 4 و 6.
- 7- سوره احزاب، آیه 12
- 8- سوره نوح، آیه 507 و 8.
- 9- سوره صافات، آیه 38.
- 10- سوره انعام، آیه 47؛ سوره زخرف، آیه 63

حاکم جامعه هم می ایستد (1) تا وقتی که بت ها را ابراهیم در هم می کوبد، جمع می شوند تا او را به آتش در افکنند و ابراهیم را بسوزانند. (2)

حضرت موسی علیه السلام سراغ فرعون آمد تا بنی اسرائیل را نجات دهد (3) او هم تهدید می شود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله هم آمدند سراغ کفار قریش تا آن ها را بیم دهند و به توحید خداوند متعال دعوت نمایند که (قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَقْلِحُوا) کار تمام انبیا سخت بود.

زنان صاحب اراده در قرآن

قرآن کریم در کنار مردان و پیامبران صاحب اراده، به معرفی زنان صاحب اراده نیز پرداخته است. در سوره تحریم چهار زن را به عنوان مثل برای کافران و مؤمنان مثال می زند (4) دو نمونه ای که برای مؤمنان ذکر می کند، یکی همسر فرعون است و دیگری حضرت مریم علیها السلام. (5) این دو الگو، اراده خویش را به بهترین وجه نشان دادند همسر فرعون می تواند پاسخ خوبی به بسیاری از بی ارادگی ها در بین ما انسان ها و مدعیان دین داری باشد که در چه موقعیت، سختی راه خویش را انتخاب کرد و اراده قوی داشت و انسان بودن خود را به اثبات رساند که کسی که اراده ندارد فاقد انسانیت است. لذا شاید دلیل نکوهش اکثریت ها توسط قرآن همین بی ارادگی باشد. (6) مهم ترین ویژگی حضرت مریم نیز پاک زیستن او بود قرآن بر طهارت او گواهی می دهد. (7)

ص: 274

-
- 1- سوره بقره، آیه 852.
 - 2- سوره، انبیا آیه 86؛ سوره عنکبوت، آیه 42
 - 3- سوره طه، آیه 42 و 34؛ سوره نازعات، آیه 71
 - 4- آیه درباره کفار به بحث جدا نیاز دارد که ان شاء الله در جایی دیگر به آن پرداخته خواهد شد.
 - 5- سوره تحریم، آیه 11 و 21.
 - 6- سوره بقره، آیه 342، 001؛ سوره اعراف، آیه 71، 781؛ سوره هود آیه 71؛ سوره یوسف، آیه 12، 83، 04، 86، 301؛ سوره رعد، آیه 1؛ سوره نحل آیه 83؛ سوره روم آیه 6، 03؛ سوره سبأ، آیه 82؛ سوره غافر، آیه 75، 95، 16؛ سوره جاثیه، آیه 62؛ سوره مائده، آیه 95، 301؛ سوره انعام، آیه 111، 73.
 - 7- سوره آل عمران، آیه 24

هم چنین در جریان تولد حضرت عیسی علیه السلام رنج های زیادی را تحمل کرد که قرآن اوج این مشکل را نشان می دهد: (قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَسِيًّا) (1) او نیز الگویی برای همه مؤمنان است که برای پاک زیستن باید سختی های زیادی را تحمل کرد

چهار زن کامل بهشتی

قرآن کریم دو زن را به عنوان مثل برای مؤمنان معرفی می فرماید. در روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برترین زنان بهشتی چهار نفر معرفی می شوند؛ یعنی دو نفر دیگر به نمونه های قرآن اضافه می کردند: یکی حضرت خدیجه علیها السلام و دیگری حضرت زهرا علیها السلام.

(حَطَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْأَرْضِ أَزْبَعَهُ خُطُوطٌ ثُمَّ قَالَ: أَتَدْرُونَ مَا هَذَا؟ قَالُوا: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَفْضَلُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَآسِيَةُ بِنْتُ مُرَاحِمٍ امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ) (2)

عن عائشه قالت الفاطمة عليها السلام ألا ابشرك أني سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول سيدات الجنة أفضل نساء الجنة أربع مريم بنت عمران و فاطمة بنت محمد صلى الله عليه و آله و خديجة بنت خويلد و آسية بنت مزاحم امرأة فرعون. (3) حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مَرْيَمُ ابْنَةُ عِمْرَانَ، وَخَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ، وَفَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآسِيَةُ امْرَأَةُ فِرْعَوْنَ. (4)

این چهار بانوی بزرگ اراده ای قوی داشتند و توانستند از انسانیت خود به نحو شایسته دفاع کنند

ص: 275

1- سوره مریم، آیه 32

2- مسند احمد حنبل، ج 4، ص 904.

3- مستدرک صحیحین، حاکم، کنز العمال متقی هندی

4- ترمذی حدیث 8783 بخاری حدیث 2343 و 1143 مسلم 342 و 1342

حضرت خدیجه علیها السلام الگوی بسیار مناسبی برای انسان هاست؛ زیرا در همه زمان ها انسان ها نیازمند به الگو هستند. آن بانو در جامعه ای زندگی می کرد که (وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ) (1) در این جامعه داشتن دختر به هیچ وجه افتخار نبود، بلکه هنگامی که بشارت فرزند دختر به آن ها داده می شد نه تنها خوشحال نمی شدند بلکه ناراحت می گشتند که نگه داشتن دختر خواری و ذلت را بپذیرند یا او را در زیر خاک پنهان کنند اما در چنین جامعه ای حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی از جهات زیادی الگو بود؛ از جمله: تربیت فرزند شوهرداری، تعامل با جامعه، تجارت، خرج کردن در راه هدف و فداکاری و ایثارگری در تمام شئون زندگی. چه همسری حاضر است تمام گذشته پر افتخار خویش را فراموش کند و حتی ذکری از آن به میان نیاورد بلکه تمام سرمایه اش را در اختیار همسر قرار دهد که در راه اهداف خود خرج کند خدیجه علیها السلام اولین زن مؤمن به پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در راه آن حضرت همه سختی ها را تحمل کرد و سخت ترین دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، زمانی بود که خدیجه علیها السلام در قید حیات بودند لذا آن بانو با اراده ای محکم، توانست الگوی زنان و مردان مسلمان و مؤمن باشد تا هم دنیایی آباد و هم آخرتی آباد داشته باشند.

نتیجه

مهم ترین ویژگی انسان این است که موجودی صاحب اراده است و این صاحب اراده بودن ارزش دارد و لو در راه ثروت اندوزی و کسب قدرت باشد البته اراده برتر آن است که در مسیر ماهداف والا تر قرار گیرد. قرآن در کنار پیامبران به ویژه انبیای اولوالعزم، زنانی را به عنوان مثال برای مؤمنان ذکر می کند. پیامبر

ص: 276

اسلام صلی الله علیه و آله در کنار دوزنی که قرآن مثال برای مؤمنان می آورد، دوزن دیگر را به عنوان الگو برای مؤمنان اضافه می کنند که از نظر جامعیت، زندگی حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به سه زن دیگر برتر است. این می تواند الگویی مناسب در جهات مختلف برای همه مؤمنان باشد.

ص: 277

قرآن کریم.

1. لاهوری، اقبال، کلیات اقبال لاهوری به کوشش اکبر دھاروند، چاپ دوم، تهران، انتشارات زوار، 1385 ش.

2. مطهری، مرتضی گفتارهای معنوی انتشارات صدرا، تهران، چاپ اول 1361 ش.

ص: 278

*مقام حضرت خدیجه علیها السلام در زیارت نامه ایشان: الهام خبازی نژاد (1)

چکیده

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بارها از حضرت خدیجه علیها السلام به نیکی یاد می کردند تا جایی که باطن حسادت ورز عده ای از نزدیکان شان آشکار شد با وجود این سؤالی که ذهن انسان حقیقت جو را به کاوش وامی دارد این است که چرا امروز زیارت نامه ای ماثور از حضرت خدیجه علیها السلام در دست نیست؟!

در کتاب های شیعه زیارت ماثوری برای حضرت خدیجه علیها السلام نقل نشده . است مرحوم علامه مجلسی از بیان نشدن زیارت ماثور برای عبد مناف عبد المطلب ابوطالب و خدیجه علیها السلام به رغم معروف بودن قبور و جایگاه رفیع آنان نزد شیعیان شگفتی خود را بازگو کرده و احتمال داده دلیل آن تقیه باشد در زیارت ماثوره معصومان علیهم السلام ، از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «خدیجه الکبری» و «الغراء» یاد شده؛ مانند دعای ندبه و زیارات متعدد امام حسین علیه السلام. در صلوات و زیاراتی از ائمه علیهم السلام از آن حضرت نیز یاد شده که می توان از آن ها به عنوان تنها صلوات و زیارات ماثور حضرت یاد کرد در زیارت نامه معصومان علیهم السلام از ایشان به نیکی یاد شده و این نشان از بزرگواری مقام و منزلت والای ایشان است. اما گویا اجحافی که در حق ایشان شده نشان از بغض و کینه ای دارد که در طول تاریخ با جعل روایات و احادیث و تحریف، تاریخ برای رسیدن عده ای به منافع دنیوی پدید آمده است

آن چه امروز برای ابلاغ سلام بر حضرت خدیجه علیها السلام در دست است،

ص: 279

برگرفته از آیات و روایاتی است که در حق این بانوی باکرامت بیان شده که البته دارای مضامین بلندی است. بررسی هر یک از عبارات آن می تواند کمک شایسته ای برای ایجاد و تعمیق معرفت نسبت به آن بزرگوار نماید.

در این مقاله سعی شده بخش هایی از زیارت نامه حضرت خدیجه علیها السلام که در برخی کتب ادعیه، آمده بررسی و آیات و روایات متناظر با آن بیان گردد.

واژگان کلیدی

زیارت نامه، حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، ادعیه، سلام، فضایل.

مقدمه

حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ بانویی است که در مناقب ایشان سخن ها گفته شده و قلم ها به نگارش درآمده است. مقام و منزلت این بانو، آن قدر والا است که علاوه بر تشیع دیگر فرق اسلامی هم بر این امر اذعان کرده اند. ایشان در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جایگاهی بس رفیع داشتند خداوند متعال به ایشان نزد فرشتگانش مباحثات نموده است. (1) بانویی که تأثیر فراوانی در تاریخ، به عنوان اولین زن مسلمان داشت و مصداق بارز توانگری بود که با عزم و اراده بر دهان جلوه های فریبنده دنیا لگام زد و تمام ثروت خود را به خدمت اسلام درآورد. حضرت خدیجه علیها السلام فردی بود که اصالت خانوادگی، اعتبار قبیله ای، ثروت فراوان و بسیاری از مؤلفه های دیگر نتوانست مایه کبر و غرورشان شود و پیوسته دنبال حق و حقیقت بود تا آن که به واسطه پاکی سیرت، خداوند متعال ایشان را بر زنان عالم برتری داد و شایستگی همسری خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و مادری ائمه اطهار علیهم السلام را نصیب ایشان نمود حضرت خدیجه علیها السلام، برای به دست آوردن مقام قرب الهی حاضر شد تمام داشته هایش را در طبق اخلاص

ص: 280

1- علامه حلی، العدد التقویه لدفع المخاوف الیومیه ، 1408ق.

گذارد و تقدیم به راهی نماید که اشاعه راه مقدس اسلام بود هر چند مقام این بزرگ بانو بر شیعیان پوشیده نیست در طول تاریخ بسیاری تلاش نموده اند تا منزلت ایشان را کم رنگ جلوه دهند اما بر اساس آیه (إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ) ایشان که مصداق بارز یاری گردین خدا بودند، از جان گذشتگی ایشان هرگز از صحنه تاریخ محو نخواهد شد و تأثیر شگرفت خود را تاکنون نمایان کرده است.

در ادامه، بخش هایی از زیارت آن بانوی بزرگ بررسی می گردد تا گوشه ای از فضایل ایشان روشن شود.

خدیجه علیها السلام، همسری نمونه

1. (السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ)

در ابتدای زیارت نامه حضرت خدیجه علیها السلام سلام برایشان به عنوان همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلام تأکیدی مجدد به عنوان همسر آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است.

درباره ماجرای ازدواج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن کریم و تاریخ سخن ها آمده که به اختصار به گوشه ای از آن اشاره می شود:

در سوره مبارکه فرقان آیه 74 به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان همسر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده است:

(وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ) اماما؛ پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!

«و عن الحاكم الحسكاني الحنفی عن ابي سعيد في قوله تعالى «هب لنا» الآية . قال النبي صلی الله علیه و آله: قلت يا جبرئيل من ازواجنا ؟ قال: خدیجه. قال: فاطمه و «قره عین». قال: الحسن والحسين. قال: (و اجعلنا للمتقين اماما) قال:

حاکم حسکانی از قرآن پژوهان نام دار اهل تسنن در این مورد آورده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمود:

پس از نازل شدن این آیات از فرشته وحی پرسیدم: منظور از «ازواجنا» کیست؟ پاسخ داد: «خدیجه علیها السلام است».

مرحوم فیض کاشانی در تأویل همین آیه می نویسد:

منظور از آن مقام والای، رسالت قرآن شریف و یار و مشاور پر اخلاص پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت خدیجه علیها السلام است که نسل سزاوار پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان است. (1)

خدیجه علیها السلام نخستین همسری بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از آغاز رسالت برگزیدند و مدتی طولانی نزدیک به 25 سال با وی زندگی کردند. با این که پیامبر صلی الله علیه و آله، پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام با برخی از زنان دیگر مانند عایشه صفیه، ام سلمه و ... وصلت نمودند در تمام مدتی که همسران دیگری در خانه داشتند باز از خدیجه به شایستگی یاد می کردند؛ نام ایشان را با احترام می بردند و همواره خاطره او را گرامی می داشتند؛ چنان که درباره اش می فرمود:

هرگز خداوند متعال بهتر از او را نصیب من نفرموده است. او روزی که من به کمک نیاز داشتم به یاری ام آمد و دستم را با مهر و عطوفت گرفت؛ روزی به من ایمان آورد که جهانیان به من کفر می ورزیدند و روزی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می کردند خداوند از او به من اولاد عنایت کرد. (2)

داوود ظاهری (م 270 ق) و ابن حجر عسقلانی (م 852 ق)، با مقایسه روایات اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام و دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام را برترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته اند. ابن عربی (م 638 ق) نیز

ص: 282

1- مهدی آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831

2- جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها، بی تا.

بر برتری حضرت خدیجه علیها السلام بر سایر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله ادعای اجماع کرده است (1)

حضرت خدیجه علیها السلام، مادر دوازده معصوم علیهم السلام

2. (السلام علیک یا امّ فاطمة الزهراء، السلام علیک یا ام الحسن و الحسین سیدی شبابِ اهلِ الْجَنَّةِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ یا اُمُّ الْأَیْمَةِ الطَّاهِرِينَ).

حضرت خدیجه علیها السلام بانوی پر برکتی بود؛ زیرا لیاقت یافت مادر حضرت زهرا علیها السلام باشد و ظرفیت آن را پیدا کرد که فاطمه علیها السلام و یازده امام معصوم علیهم السلام از نسل ایشان پدید آیند. (2)

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله بر حضرت خدیجه علیها السلام وارد شدند و هم سخنی ایشان با فرزندش را دیدند فرمودند: «خدیجه با چه کسی سخن می گویی؟» گفت: «کودکی که در شکم دارم با من انس گرفته و سخن می گوید». فرمود: «اینک جبرئیل علیه السلام مرا بشارت داد که او دختر و دارای نسل پاک و با برکتی است که خداوند نسل من و امامان این امت را از او قرار داده و آنان جانشین خدا بر زمین پس از پایان وحی خواهند بود». (3)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شکوه و عظمت حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان «ام الائمه» و سرچشمه کوثر الهی، خطاب به دخت فرزانه خویش حضرت زهرا علیها السلام فرمودند:

(إِنَّ بَطْنَ أُمَّكِ كَانَ لِلْإِمَامَةِ وَ عَاءٍ)؛

به راستی وجود گران مایه مادرت به عنوان جایگاه انوار امامت برگزیده گردید. (4)

ص: 283

1- سید محمد حسین جلال زاده میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931؛ نک: ذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص

511

2- محمدی اشتهاردی خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایشیار و مقاومت، 1377.

3- سید محمد حسین جلال زاده میبیدی خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 1395؛ نک: شیخ صدوق، الامالی، ص 593-

396.

4- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا علیها السلام

نکته قابل توجه آن است که برخی همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از همسران دیگرشان فرزند داشتند اما از آن حضرت، فرزندی نیاوردند! (1)

یکی از جنایات های منافقان در راه پرده پوشی حق، تحریف تاریخ زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام است. انتساب آن بانو به حضرت زهرا علیها السلام و هم چنین امیر مومنان علیه السلام و اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، اولین و مهم ترین علت این امر به حساب می آید؛ زیرا این انتساب، یکی از افتخارات ائمه اطهار علیهم السلام و باعث سرفرازی ایشان در مقابل دشمنان شان بود؛ به گونه ای که در مفاخره های اهل بیت علیهم السلام در مقابل دشمنان شان یکی از موارد افتخار داشتن مادری مثل حضرت خدیجه علیها السلام کبری بوده است. اما در مقابل آن چه همیشه باعث سرافکنندگی و مایه ننگ دشمنان ایشان بوده، حسب و نسب پست آنان و انتساب آنان به مادرانی خلاف کار و ناپاک بود؛ برای مثال، هند مادر معاویه از فواحش معروف زمان خود بود که روابط نامشروع وی با بسیاری از مردان قریشی و غیر قریشی در تاریخ به ثبت رسیده است یا صهاک جده عمر بن خطاب نیز آن گونه بود؛ تا جایی که مشاهده می کنیم گاهی در مجادلاتی که افرادی با وی داشتند برای آن که وی را شرمنده و سرافکننده کنند به حسب و نسب پست وی اشاره می کردند و از وی با عنوان «یا بن الصهاک الحبشیه» نام می بردند (2)

با این اوضاع روشن است که چرا منافقان وجود مادری مانند حضرت خدیجه علیها السلام را برای اهل بیت علیهم السلام بر نمی تابیدند به اذن الهی از بین همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، افتخار ما در ائمه علیهم السلام شدن و ادامه نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله فقط نصیب آن بانوی با کرامت و پاک دامن شد.

ص: 284

1- حسین تهرانی فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، 1394.

2- آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831

3. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنَاتِ)

لقب ام المومنین از جانب خداوند تعالی به ایشان عطا گردیده است؛ چنان که می فرماید: (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ...) (1) این آیه، بر مقام رسول الله دلالت دارد و همسران ایشان را از نظر احترام و رعایت شئون ادب در زندگی مادر معنوی و روحانی مؤمنان معرفی می فرماید. همان گونه که نبی الله پدر روحانی و معنوی امت است و این ارتباط و پیوند معنوی، تنها تأثیرش مسأله «حفظ احترام» و «حرمت ازدواج» با زنان پیامبر صلی الله علیه و آله است. اما در این جا کمی جای تأمل دارد و صاحب نظران باید در مقام مقایسه برآیند که آیا این وصف حضرت حق در خصوص همه همسران رسول صلی الله علیه و آله صادق است؟ آیا در میان همسران نبی صلی الله علیه و آله آن ها که اسرار ایشان را فاش می نمایند و آیات 3 و 4 سوره تحریم در شأن ایشان نازل می شود یا آن که از نبی صلی الله علیه و سلم بر وصی ایشان خروج می کند، با حضرت خدیجه علیها السلام در مقام معنوی ام المومنین برابرند؟ (2) لقب «ام المومنین» در مورد همه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله صادق نیست و ثبوتش، مشروط به رعایت تقواست یعنی آن ها مادامی «ام المومنین» هستند که تقوا را رعایت کنند؛ زیرا اگر غیر از این باشد، با آن چه خداوند در آیه دیگر فرموده: (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ) (3) منافات خواهد داشت؛ از این روی، خداوند این ویژگی را منوط به رعایت پرهیزگاری نموده و در همان سوره ای که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را «ام المومنین» خوانده می فرماید: (يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ) (4) یعنی ای همسران پیامبر! شما مثل سایر زن ها نیستید و به خاطر «ام المومنین» بودن بر بانوان دیگر برتری یافته اید اما این برتری شما منوط به

ص: 285

1- سوره احزاب، آیه 6.

2- هاشمی نژاد، سرور زنان جهان ام المومنین خدیجه کبری علیها السلام، 2931.

3- سوره حجرات، آیه 13.

4- سوره احزاب، آیه 32.

پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به آن بانوی معنویت و کمال فرمودند:

(یا خدیجه! أَنْتَ خَيْرُ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَفْضَلُهُنَّ وَ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛

ای خدیجه! تو بهترین مادر توحیدگرایان و آزادی خواهان و برترین آنان و سالار زنان گیتی هستی. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام، بانوی با اخلاص

4. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ الْمُخْلِصَاتِ)

پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم فرمود:

فرشته وحی نزد من آمد و گفت: «هان ای پیامبر خدا! این خدیجه است که بنده پر اخلاص بارگاه خداست» (3)

خلوص حضرت خدیجه علیها السلام، از همان ابتدا بر همه محرز بود. او خالصانه و بدون هیچ گونه چشم داشت تمام دارایی خود را در طبق اخلاص قرار داد و تقدیم رسول خدا صلی الله علیه و اله نمود و تمام ظواهر و تجملات دنیوی را فدای راه حق کرد.

حضرت خدیجه علیها السلام، اول زن تصدیق کننده رسول خدا صلی الله علیه و آله

5. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ الْحَرَمِ وَمَلَائِكَةَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَوَّلَ مَنْ صَدَّقَتْ بِرَسُولِ اللَّهِ مِنَ النِّسَاءِ)

در این قسمت بر حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اول زنی سلام می دهیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه را تصدیق نمود.

یکی از امتیازات برجسته حضرت خدیجه علیها السلام، پیشتازی ایشان در گزینش اسلام و گرایش به پیام زندگی ساز و عدالت آفرین آسمانی بود که سخت

ص: 286

1- تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، 1394.

2- کرمی فریدنی، 1389

3- کرمی فریدنی، 1389

تحسین برانگیز تاریخ ساز و الهام بخش است. (1)

احمد بن اسحاق یعقوبی می نویسد:

و کان اول من اسلم خدیجه بنت خویلد من النساء و علی بن ابی طالب من الرجال؛ حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین بانویی بود که مسلمان شد و حضرت علی علیه السلام نیز نخستین مردی بود که اسلام آورد. (2)

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(وَلَمْ يَجْمَعْ بَيْتٌ وَاحِدٌ يَوْمَئِذٍ فِي الْإِسْلَامِ غَيْرَ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَدِيجَةَ وَ أَنَا ثَالِثُهُمَا)؛

آن روز (روز بعثت) در اسلام جمع نشد، غیر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضرت خدیجه علیها السلام و من سومین نفر آنان بودم. (3)

که با تأمل در تفاسیر، پی می بریم سوره مطفین (آیات 18 - 28) به این نکته اشاره می کند.

(كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْإِنبِيَاءِ لَفِي عِلِّيِّينَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ * كِتَابٌ مَرْقُومٌ * يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ * إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ * عَلَى الْأَرَائِكِ يُنظَرُونَ. تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ. * يَسْتَقْوُونَ مِنَ رَحْمَتِهِ مَخْشُومٌ * خِتَامُهُ مِسْكٌ وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ * وَ مِرَاجُهُ مِنَ السَّمَاءِ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ)؛

آری، کم فروشی نکنند و از روز حساب غفلت نورزند که قطعاً سرنوشت نیکان در علین (مرتبه های والا و درجات قرب به خدا) است؛ چه چیز تو را آگاه کرده که علین چیست؟ فرجامی است حتمی و مشخص که مقربان درگاه خدا آن را می نگرند همانا نیکان در نعمتی فراوان به سر می برند. آنان در حجله ها بر تخت ها نشسته اند و بهشت و نعمت های آن را نظاره می کنند در چهره های شان طراوت نعمت را در می یابی از شرابی زلال و خالص که مَهر شده است در اختیارشان می گذارند شرابی که مهرش از مشک است؛ پس سبقت گیرندگان

ص: 287

1- تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام، 1394

2- احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، 4731

3- نهج البلاغه، ج 1، ص 202.

در دست یابی به مواهب، بهشتی به ویژه این، شراب باید بکوشند و بر یک دیگر سبقت گیرند. آمیزه آن از «تسنیم» است. آن چشمه ای که مقربان درگاه خدا از آن می آشامند.

و عن المجلسی (رحمه الله) عن جابر بن عبد الله رضی الله عنه النبی صلی الله علیه و آله قال: قوله عز و جل: (و مزاجه من تسنیم) قال: هو اشرف شراب فی الجنة یشر به محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و هم المقربون. السابقون: رسول الله صلی الله علیه و آله و علی بن ابی طالب و الائمه و فاطمه و خدیجه علیها السلام و و ذریتهم الذین اتبعوهم بایمان یتسنم علیهم من اعالی دورهم؛

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر این آیه فرمود: «مقربان بارگاه خدا و پیشتازان راه عدالت و آزادی عبارتند از: پیامبر صلی الله علیه و آله، امیر مومنان امامان اهل بیت علیهم السلام که پس از علی علیه السلام یکی پس از دیگری خواهند آمد، فاطمه علیها السلام دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و خدیجه بنت خویلد». (1)

خطبه بلیغه امام حسن علیه السلام، بیان گر فضل تقدم ایمانی حضرت خدیجه علیها السلام است، چنان که فرمود: قال الله جل شأنه: (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)، (2) فكان ابی سابق السابقون الی الله و ای رسوله و ذلک انه ام یسبقه الی الایمان احد غیر خدیجه علیها السلام فکما ان الله عز و جل فضل السابقین علی المتأخرین فضل سابق السابقین.

آن چه از احادیث و روایات و اعترافات دانشمندان اسلامی و همچنین شواهد تاریخی به دست می آید این است که حضرت خدیجه علیها السلام در پذیرفتن اسلام جزء پیشگام ترین افراد و به اصطلاح قرآن «وَ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» (3) هستند که در صدر اسلام ملاک مهمی برای برتری بوده است. (4)

هنگامی که به مناسبتی از خدیجه علیها السلام سخن به میان آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 288

-
- 1- آقا بابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831.
 - 2- سوره واقعه، آیه 10.
 - 3- سوره توبه آیه 100
 - 4- تهرانی فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام کبری علیها السلام، 1394.

فرمود: «خدیجه و این خدیجه؟ صدقتی حین کذبني الناس، و... (1) از خدیجه سخن گفتید؟ کجا همانند آن بانوی خرد و پروا پیدا می شود؟ او بود که در آن وضعیت بحرانی که مردم مرا در دعوت توحیدی و آزادی خواهانه ام، دروغ گو می انگاشتند، باشهامت و ابتکار و راستی مرا در دعوت و در زندگی ام گواهی کرد و... (2)

وفادار به بندگی انفاق کننده قرینه حبیب اله السماء

6. (الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ وَفَتْ بِالْعُبُودِيَةِ حَقَّ الْوَفَاءِ وَ اسَلَمَتْ نَفْسًا وَ انْفَقَتْ مَالَهَا لِسَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَرِينَةَ حَبِيبِ إِلَهِ السَّمَاءِ، الْمُرَوَّجَةَ بِخُلَاصَةِ الْأَصْفِيَاءِ، يَا ابْنَةَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ).

در سوره مبارکه ضحی آیه 6 آمده است (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ «آیا او تو را یتیم نیافت و پناه نداد؟!» شیخ صدوق (رحمه الله) در تفسیر این آیات می نویسد:

بدان دلیل آن حضرت یتیم خوانده شدند که در کران تا کران هستی بی نظیر و تک نسخه است؛ زیرا این واژه به مفهوم بی همانند آمده است. به همین جهت خدا با اشاره به نعمت های گرانس به او می پرسد «آیا خدایت تو را تک نسخه و بی همانند نیافت و پناه داد و برتری و شکوه تو را به مردم شناساند و تو را بلند آوازه ساخت؟!» و او را تنگ دست یافت و با ثروت هنگفت خدیجه علیها السلام بی نیاز گردانید.

بسیاری از مفسران برآنند که توان گری پیامبر صلی الله علیه و آله به مال خدیجه علیها السلام بوده و خداوند متعال در این آیه به کنایه از خدیجه علیها السلام و احسان او یاد فرموده است.

قرآن مجید در موارد متعددی از افرادی یاد کرده که برای اسلام از جان و مال خود مایه گذاشته و برای پیشرفت آن از هیچ کمکی دریغ نکرده اند. مثلاً برای تقدیر از کمک های بی دریغ ام المؤمنین خدیجه علیها السلام در سوره «الضحی» در آیه (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) از ثروت ایشان و بی نیازی رسول خدا صلی الله علیه و آله به واسطه آن

ص: 289

1- النمازی، ج 3، ص 36

2- کرمی فریدنی، 1389

ابوعبیده (نوه عمار یاسر) می گوید:

فرزند ابی رافع از پدرش پرسید: «مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله مال و ثروتی قابل توجه داشتند که دو شتر برای سفر خودش خریدند و به حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نیز سفارش نمودند توشه دیگر مهاجران را تهیه فرمایند؟» ابن رافع پاسخ داد: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هیچ ثروتی برای من سودمندتر از اموال حضرت خدیجه علیها السلام نبود». ابی رافع افزود: «از آخرین موارد مصرف اموال حضرت خدیجه علیها السلام، خرید توشه برای مسلمانان مستضعف بود که قصد داشتند به مدینه هجرت کنند سفر بیشتر مسلمانان با اموال حضرت خدیجه علیها السلام ممکن شد. آخرین اموال حضرت خدیجه علیها السلام همان قافله ای بود که حضرت امیرالمومنین آن را سرپرستی نمودند». (2)

حضرت خدیجه علیها السلام چنان در یاری دین خدا کوشید که آن چه داشت در طبق اخلاص قرار داد و تقدیم نمود؛ همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این موضوع تأکید می فرمایند:

(وَ أَرْزَيْتَنِي عَلَى دِينِ اللَّهِ وَأَعَاتَيْتَنِي عَلَيْهِ بِمَالِهَا)؛

در راه دین خدا و پیشرفت آن بار گران وزارت و یاری و همراهی مرا با درایت و توانمندی به دوش کشید و با دارایی هنگفت خویش مرا در راه هدف های خدایی و انسانی مدد رساند.

حضرت خدیجه علیها السلام با آن که قدرت مالی و شهرت و مقام داشت و با آن که قادر بود بهترین زندگی ها را داشته باشد و در کمال نعمت و رفاه و آسایش به سر برد، تمام مظاهر زندگی دنیوی را دور ریخت و در عوض با تمام ناملایماتی که بر زندگی هر دو سایه انداخته بود با تن دادن به تبعید و محاصره و حتی تحمل روزهای گرسنگی و شب های بیداری کنار آمد تا هر روز قدمی تازه در راه نیل

ص: 290

1- آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831.

2- ابراهیم قاسمی و رضا، فلاح خدیجه علیها السلام مروارید حجاز، 1391.

به اهداف عالیة اسلام و اجرای برنامه های قرآن و پیشرفت مکتب انسان ساز اسلام بردارد (1) تاریخ نویسان معتقدند اگر کمک های حضرت خدیجه علیها السلام عام، نبود ضربه های جبران ناپذیری به مسلمانان وارد می شد. از این روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره از فداکاری خدیجه علیها السلام یاد می کردند و وی را به سبب این همه ایثار و از خودگذشتگی می ستودند. (2)

ابلاغ سلام خداوند متعال و جبرئیل بر خدیجه علیها السلام

7. (السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ وَ بَلَغَ إِلَيْهَا السَّلَامَ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ).

حضرت خدیجه علیها السلام بزرگ بانویی بود که جبرئیل و از او بالاتر خداوند متعال بر ایشان سلام فرستاد و این نشان از جایگاه والای آن حضرت دارد. روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم هنگام دریافت دستور خدا برای انجام دادن یک برنامه چهل شبانه روزی پرستش و نیایش به یار زندگی اش چنین پیام فرستاد

(لَا تَطُنِّي يَا خَدِيجَةُ إِلَّا خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُبَاهِيَ بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا)؛ (3)

ای خدیجه! هرگز مپنداری که دوری گزیدن من از خانه برای یک برنامه عبادی و عرفانی به سبب کدورت از خانه و خانواده است؛ نه، بلکه حقیقت این است که پروردگارم مرا به این کار فرمان داده و من تنها به اجرای دستور می اندیشم و بس؛ از این رو این دوری گزیدن را جز به نیکی و خیر مپندار؛ زیرا خداوند هر روز چندین مرتبه به وجود شایسته تو بر فرشتگان گران مایه اش مباحثات می کند.

هم چنین فرمود:

فرشته وحی نزد من آمد و گفت: «هان ای پیامبر خدا! این خدیجه علیها السلام است که

ص: 291

1- جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه مادر ام اییها، بی تا.

2- سید رضی سید نژاد، اسوه های جاویدان، 1389

3- علامه مجلسی، بی تا، 1/1، جزء السادس عشر

بنده پر اخلاص بارگاه خداست. هنگامی که نزد آمد، سلام پروردگارت را به او برسان و به او مژده ده که در بهشت پر طراوت و زیبای خدا، سرایی شکوه بار در درون گوهری بزرگ و ناب برای او آماده است؛ سرایی که هیچ رنج و ناآرامی در آن نخواهد بود؛ «فاقرأ علیها السلام من ربها و منی و بشرها بیت فی الجنة من قصب لا صخب و لا نصب»⁽¹⁾.

ابن اسحاق سیره نویسنده قدیمی نیز اعتراف می کند که مقام معنوی و اخلاقی بی مانند خدیجه به جایی رسید که مورد عنایت الهی قرار گرفت؛ چنان که روزی جبرئیل هنگام نزول وحی گفت: «ای پیامبر، سلام پروردگار یکتا و سلام مرا به خدیجه برسان!» پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نیز به خدیجه فرمود: «ای خدیجه، اینک جبرئیل درود پروردگارت را به تو ابلاغ می کند». آن گاه خدیجه در پاسخ گفت: «خداوند خود سلام است و آغاز سلام و درود از اوست و درود و سلام بر جبرئیل»⁽²⁾.

روزی جبرئیل علیه السلام به صورت مردی با حضرت خدیجه علیها السلام رو به رو شد و درباره پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان پرسید حضرت خدیجه علیها السلام از او پرهیز کرد و ترسید که از دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله باشد که به دنبال آسیب زدن به حضرت بودند چون این مطلب را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان نهاد حضرت فرمود: «او جبرئیل علیه السلام بود و مرا فرمان داد که بر تو درود فرستم و تو را به خانه ای زرین در بهشت بشارت دهم»⁽³⁾.

پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام فرمودند:

خداوند عزیز و بلند مرتبه روزی چندبار به وجود تو بر فرشتگان مقربش مباحث می کند⁽⁴⁾.

امام باقر علیه السلام به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: 292

1- بیهقی، دلائل النبوه، 1405 ق

2- تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام 1394

3- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 1395، نک: ابن حجر، الاصابة، ج 8، ص 102

4- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 1395، رک: عاملی، الدر النظیم فی مناقب الائمة اللہامیم، ص 265

وقتی در شب معراج جبرئیل مرا به سوی آسمان ها برد و سیر داد، هنگام مراجعت به جبرئیل گفتم: «حاجتی داری؟» جبرئیل گفت: «حاجت من این است که سلام پروردگار و مرا به خدیجه علیها السلام ابلاغ کنی». پیامبر صلی الله علیه و آله نیز سلام خدا و جبرئیل علیه السلام را به خدیجه علیها السلام ابلاغ کردند. خدیجه علیها السلام گفت: «ان الله هو السلام و من السلام، و الیه السلام و علی جبرئیل السلام؛ خداوند سلام است و سلام از اوست و به او باز می گردد و بر جبرئیل نیز سلام باد» (1)

حافظ دین خدا و یاور رسول خدا صلی الله علیه و اله

8. (اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا حَافِظَةَ دِیْنِ اللّٰهِ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نَاصِرَةَ رَسُوْلِ اللّٰهِ)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اسلام با غربت و تنهایی آغاز گردید». در بدو بعثت هیچ یک از افراد با نفوذ مکه و اشراف و بزرگان آن حاضر به قبول اسلام و کمک به رسول خدا صلی الله علیه و سلم نشدند و همواره سعی در جلوگیری از ترویج آن در میان مردم می نمودند و تنها در میان بزرگان، قریش دو عمومی گرامی ایشان، حضرت ابی طالب علیه السلام و حضرت حمزه سیدالشهداء علیه السلام و هم چنین خدیجه کبری علیها السلام در تمامی لحظات تبلیغ در کنار ایشان و پشتیبان آن حضرت در این امر بودند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله به غیر از این بزرگواران هیچ یاور دیگری نداشتند و اشراف مکه مانند ابوسفیان ابوجهل، ابولهب و ... سعی در سنگ اندازی و کند کردن مسیر تبلیغ دین می نمودند و این کار آنان به صورت های گوناگونی بروز می یافت؛ گاهی تصمیم بر ترور ایشان می گرفتند و گاهی مسلمانان و پیروان ایشان را شکنجه و آزار می کردند که در آن ایام بیش تر از خانواده های فقیر بودند. زمانی هم با تحریم همه جانبه پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروان شان، اسباب هجرت ایشان را به شعب ابی طالب فراهم نمودند آن حضرت بعد از بعثت، سیزده سال در مکه به امر تبلیغ دین خدا مشغول بودند که لحظه لحظه آن با سختی ها و

ص: 293

1- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 1395، نک: عیاشی، تفسیر العیاشی، ج 2، ص 279؛ حسینی تهرانی، فضائل و مناقب ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام کبری، 1394.

مرارت های زیادی همراه بود اما وجود ذی وجود ام المومنین خدیجه علیها السلام در کنار ایشان و هم چنین کمک های مالی آن بانو و هم چنین حمایت های بی دریغ دو عموی گرامی ایشان حضور در مکه با آن وضعیت سخت را برای ایشان میسر نمود به گونه ای که بعد از رحلت ابوطالب و ام المومنین دیگر مکه برای ایشان جای امنی نبود و به مدینه هجرت نمودند چه خوب رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از زحمات ایشان قدردانی کرده اند هنگامی که سبب پایداری اسلام در مقابل آن همه توطئه های کافران و منافقان را یکی دارایی خدیجه کبری علیها السلام و دیگر شمشیر امیر مومنان علیه السلام یا بیان نمودند. (1)

یاری و حمایت حضرت خدیجه علیها السلام از همان ابتدای زندگی مشترک مثال زدنی است. ایشان درک بالایی از تمایلات معنوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند. هیچ گاه مزاحم خلوت گزیدن های ایشان نمی شدند هرگز خلوت انس و جهان با صفای حضرت را به خاطر زندگی خود بر هم نمی زدند هر گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به سوی غار حرا رهسپار می شدند ایشان را بدرقه می کردند و آن قدر می ایستادند و چشم به قامت حضرت می دوختند تا از نظر ناپدید می شدند گاهی برای آب، غذای سانی، نگرهبانی و مراقبت - گرچه از فاصله دور که به خلوت ایشان خللی وارد نشود افرادی را می گماردند. بنابراین نه تنها مزاحم کارهای عظیم عرفانی و معنوی ایشان نمی شدند بلکه یار صمیمی و استوار برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محسوب می شدند. (2) علامه مجلسی می نویسد:

در کتاب صحاح روایت شده در آن ماه رضانی که پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا به سر می بردند و آغاز وحی و بعثت شروع شد، حضرت علی علیه السلام، حضرت خدیجه علیها السلام و یکی از غلامان، در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند (3)

این است حماسه عرفانی و ملکوتی حضرت خدیجه علیها السلام علیها السلام در آستانه بعثت که

ص: 294

1- آقابابایی، سیری در زندگانی ام المومنین حضرت خدیجه علیها السلام، 8831.

2- محمدی اشتهاردی، خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و اسطوره ایثار و مقاومت، 1377.

3- نک: بحار الانوار، ج 51، ص 363.

همدم یار و مونس مخلص پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (1)

خدیجه علیها السلام برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمونه یک همسر فداکار و ایثارگر بود. از همان آغاز زندگی مشترک تا آخرین لحظه حیات پر ثمر خویش در تمام مدت بهترین یار و یاور و مهربان ترین مونس پیامبر صلی الله علیه و آله و محسوب می شد. در روزهای آرامش، نزدیک ترین همدم پیامبر صلی الله علیه و آله و در ایام دشواری و در گیرودار شداید، زندگی صبورترین و پرتحمل ترین مددکار و در تمام حوادث سخت و مصیبت های پی در پی، قوی ترین پشتیبان و هم قدم و همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود در تمام شداید و دشواری های بعد از بعثت تنها مونس پیامبر صلی الله علیه و آله و موجب تسلی خاطرش بود. (2)

خداوند رنج های دل پیامبر صلی الله علیه و آله از سخنان ناگوار انکار و تکذیب مشرکان را به وسیله خدیجه علیها السلام آرامش می بخشید وقتی آن حضرت به خانه وارد می شدند، آن بانو ناسازگاری و کار شکنی مشرکان را کم اهمیت جلوه می داد و با دل داری دادن و کاستن از رنج ها و اندوه پیامبر صلی الله علیه و آله دل حضرت را شاد و گام هایش را استوارتر می ساخت. (3) روزی پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام دریافت وحی بی تاب شدند مشرکان آن حضرت را مدهوش به نزد حضرت خدیجه علیها السلام آورده، گفتند: «با مردی دیوانه ازدواج کردی!» خدیجه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله را به سینه خود فشرد، سر آن حضرت را در دامن گرفت و دو چشم پیامبر صلی الله علیه و آله را بوسید و گفت: «با پیامبری که فرستاده الهی است ازدواج کردم!» (4)

حمایت های ابوطالب علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله قریش را به ترور ایشان مصمم ساخت. ابوطالب دو ماه پس از پایان تحریم ها در روزهای پایانی ماه صفر و پیش از هجرت رحلت کرد با رحلت، ابوطالب مشرکان به گونه ای به آزار

ص: 295

1- محمدی اشتهاردی، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت، 7731

2- جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام ابیها، بی تا.

3- جلال زاده میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931، رک: ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 42

4- جلال زاده، میبیدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 5931 رک بحرانی حلیة الابرار، ج 1، ص 76-86.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرداختند که پیش از آن جرأت آن را نداشتند. آنان حضرت را سنگ باران کردند و بین دو چشم حضرت را شکستند. حضرت از بیم آنان به کوه حجون پناه بردند با تاریک شدن هوا پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام به خانه بازگشتند مشرکان به خانه آن حضرت حمله نمودند و ایشان را سنگ باران کردند خدیجه علیها السلام ایثارگرانه در برابر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد و بدن خود را سپر بلای آن حضرت کرد و فریاد زد «زن آزاده را در خانه اش سنگ سار می کنند؟» (1)

خدیجه علیها السلام در هر حادثه ای که موجب ناراحتی پیامبر صلی الله علیه و آله می شد، باعث تسکین و رفع اندوه ایشان بود این برنامه تا پایان عمر حضرت خدیجه علیها السلام هم چنان ادامه داشت. (2)

رحلت حضرت خدیجه علیها السلام

9. (اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ تَوَلَّى دَفْنَهَا رَسُولُ اللَّهِ وَاسْتَوْدَعَهَا إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ).

با این که حضرت خدیجه علیها السلام نهایت فداکاری را برای اسلام نمود و پیامبر صلی الله علیه و آله و دائم به او مژده بهشت می دادند، از خدا هراسان بود و خود را بنده ناچیزی می دانست و از درگاه خدا می خواست که در عالم قبر و برزخ خشنود گردد و از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای دعا و طلب مغفرت برای خود داشت و از آن حضرت می خواست که هنگام مرگ و خاک سپاری، او را مورد لطف خاص قرار دهد در قبرش بخوابد و با این کار رحمت الهی را وارد قبر سازد و... (3)

در روایت آمده که صدیقه را جز صدیق غسل نمی دهد و لذا عیسی علیه السلام

ص: 296

1- جلال زاده، میدی، 5931، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت

2- محمدی اشتهاردی، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731 رک: بحار الانوار، ج 61، ص 01

3- محمدی اشتهاردی خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731

مادرش مریم علیها السلام را و امیر مومنان علیه السلام همسرش فاطمه علیها السلام را غسل دادند. (1)

طبق روایت مشهور هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام رحلت فرمود، فرشتگان رحمت از جانب خداوند کفن مخصوصی برای آن بانو نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله آوردند. این علاوه بر این که مایه برکت برای خدیجه علیها السلام بود مایه تسلی خاطر رسول خدا صلی الله علیه و اله گردید و قدردانی و تجلیل جالبی از طرف خداوند از حضرت خدیجه علیها السلام به عمل آمد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیکر مطهر ایشان را پوشانیدند و سپس پیکر ایشان را با همراهان به سوی قبرستان معلی بردند که در دامنه کوه حجون در بالای مکه قرار داشت تا در کنار مادرش حضرت آمنه به خاک بسپارند. رسول خدا صلی الله علیه و اله در میان قبر رفتند و خوابیدند سپس بیرون آمدند و آن گوهر پاک را در آن جا به خاک سپردند. (2)

منزل اخروی حضرت خدیجه علیها السلام

10. (اِنَّ اللّٰهَ جَعَلَكَ فِيْ مُسْتَقَرٍّ رَّحْمَتِهِ فِيْ قَصْرِ مِنَ الْيَاقُوْتِ وَالْعُقْبَانِ، فِيْ اَعْلٰى مَنَازِلِ الْجَنَانِ، صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند:

خدا به من فرمان داد که به او بشارت دهم که به پاس رنج و تلاش و مدیریت و فداکاری هایش خدا در بهشت پر طراوت و زیبا، خانه ای از گوهر گران بها برای او ساخته است؛ خانه ای پر شکوه و وصف ناپذیری که در آن، ناآرامی و هیاهویی خواهد بود و نه رنج و دردی. (3)

هنگامی که خدیجه علیها السلام وفات کرد حضرت فاطمه علیها السلام می گریستند و به رسول خدا صلی الله علیه و اله می گفتند: «مادرم کجاست؟» پس جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و اله

ص: 297

1- جلال زاده، میدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931، رک: کلینی، الکافی، ج 1، ص 254.

2- محمدی اشتهدادی خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و اله اسطوره ایثار و مقاومت 7731، رک: ریاحین الشریعه، لله ج، ص

3- کرمی فریدنی، 9831.

فروید آمد و عرض کرد: «به فاطمه بگو که خدای متعال برای مادرت خانه ای در بهشت از در و گوهر بنا کرده است که رنج و داد و بیدادی در آن نیست و او در کنار آسیه و مریم است». (1)

در کتاب الآحاد والمثانی از ابن ابی عاصم آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج، خدیجه علیها السلام را بر کرانه نهری از نهرهای بهشتی و در قصری زرین دید. (2)

مسلمانان در بهشتی بودن خدیجه علیها السلام اجماع دارند (3) جبرئیل علیه السلام به محضر پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و خدیجه علیها السلام را به قصری زرین در بهشت نوید داد. (4) در روایات آمده که حضرت خدیجه علیها السلام و چهارده معصوم در با فضیلت ترین و شریف ترین جایگاه بهشت که عدن است سکونت دارند. (5) هنگامی که حضرت خدیجه علیها السلام به شهادت رسیدند حضرت فاطمه علیها السلام در شهادت ایشان بسیار بی تاب بود. جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله فروید آمد و گفت: «به فاطمه علیها السلام بگو: خدای بلند مرتبه برای مادرت خانه ای زرین بنا نهاده که اندوه و هیاهویی در آن نیست. اتاق هایش از طلا و ستون هایش از یاقوت سرخ است و در جوار آسیه و مریم قرار دارد». (6)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:

جبرئیل نزد من آمد و گفت: «ای رسول خدا! این خدیجه علیها السلام است. هر گاه نزد تو آمد، بر او از سوی پروردگارش و از طرف من، سلام برسان: «وَبَشِّرِ بَيْتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ قَصَبٍ لَا صَخَبَ وَلَا نَصَبَ»؛ و او را به خانه ای از یک قطعه (از زبرجد) در بهشت مژده بده که در آن رنج و ناآرامی نیست». (7)

مطابق بعضی، روایات، آن حضرت فرمودند:

ص: 298

1- احمد بن ابی یعقوب، 4731.

2- جلال زاده میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت 5931، ر.ک: ابن ابی عاصم، ج 5، ص 183.

3- سید بن طاووس، الطوائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ج 1، ص 192.

4- بخاری، صحیح البخاری، ج 4، ص 192.

5- نک: کلینی، الکافی، ج 1، ص 135 - 235

6- جلال زاده، میبدی، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت، 5931

7- ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، 7041.

از طرف خداوند مأمور شده ام که خدیجه علیها السلام را به خانه ای بلورین مژده دهم که در آن رنج و ناآرامی نیست. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام در ادعیه، زیارات و خطبات

اشاره

زیارت مأثوری در مورد حضرت خدیجه علیها السلام در دست نیست، اما مقام شامخ حضرت خدیجه علیها السلام را در ادعیه ها سخنان معصومان و خطبه های بزرگان دین می توان مشاهده نمود در بیشتر زیارت نامه هایی که از طرف امامان معصوم علیهم السلام و اولیای خدا برای امامان و امام زادگان علیهم السلام تنظیم شده، از خدیجه کبری علیها السلام یاد گردیده و پس از سلام به پیامبران اولوالعزم، به ایشان سلام داده شده تا همواره یاد ایشان در خاطره ها تجدید گردد و زائران با ایمان به پیشگاه او سلام عرض کنند و او را در خانه خداوند واسطه قرار دهند.

الف) دعای ندبه

در بخشی از دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده است می خوانیم:

أَيُّ ابْنِ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَبْنِ عَلِيِّ الْمُرْتَضَى وَبْنِ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ؛

کجاست پسر پیامبر برگزیده و پسر علی پسندیده و پسر خدیجه بلند مقام.

ب) خطبه امام حسن علیه السلام در مقابل معاویه

در عصر خلافت امام حسن مجتبی علیه السلام هنگامی که معاویه بر اوضاع مسلط شد، در حضور مردم و امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، بر بالای منبر رفت و تا توانست به ساحت مقدس امیرالمؤمنین علی علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت.

ص: 299

1- محمدی اشتهاردی، خدیجه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت 7731؛ رک: کشف الغمه، ج 2، ص 17

امام حسن علیه السلام برخاستند و فرمودند:

ای آن که علی علیه السلام را به بدی یاد کردی! منم حسن و پدرم علی علیه السلام است و تویی معاویه، پدرت صخر است؛ مادر من فاطمه علیها السلام است و مادر تو هند؛ جد من رسول خدا صلی الله علیه و اله است و جد تو حرب «و جدتی خدیجه علیها السلام و جدتک فتیله...»؛ جد من خدیجه علیها السلام است ولی جد تو فتیله (زن زشتکار جاهلیت)؛ خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست و سابقه اش بد و دارای کفر و نفاق است

گروه های مختلفی که در مسجد بودند گفتند: «آمین». (1)

ج) خطبه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در خطبه ای خود را به دشمن معرفی کردند؛ از جمله فرمودند:

(أَشَدُّكُمْ اللَّهُ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدَّتِي خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟)

شما را به خدا سوگند می دهم! آیام می دانید که مادر بزرگ من خدیجه علیها السلام دختر خوید، نخستین زن این امت بود که اسلام را پذیرفت؟

همه حاضران گفتند «آری!». (2)

د) خطبه امام سجاد علیه السلام در مجلس یزید

امام سجاد علیه السلام در مجلس شاهانه یزید در دمشق در بخشی از خطبه خود چنین فرمودند:

أَنَا بَنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ مِنْ پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم!

ص: 300

1- مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، 7731 ه.ق.

2- محمدی اشتهاردی، خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و اله اسطوره ایثار و مقاومت 7731، رک: بحار الانوار، ج 44،

جالب این که لقب «کبری» را پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ایشان داده بودند. (1)

ه) خطبه حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم

حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم سال 61 قمری هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمدند مطالبی جان سوز فرمودند؛ از جمله: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ باد!» (2)

نتیجه

هر چند زیارت نامه مأثوری درباره حضرت خدیجه علیها السلام در دست نداریم آیات و روایات وارده در توصیف مقام و منزلت این بانوی بزرگ تاریخ بشریت، هرگز پوشیده نخواهد ماند. اگر چه دشمنان در طول تاریخ سعی در کم رنگ جلوه داده شأن این بزرگوار داشته اند ولی به راستی آثار و برکات تلاش های آن حضرت در گسترش دین مبین اسلام تا قیام قیامت باقی خواهد ماند و چراغ راه حق طلبان خواهد بود.

ص: 301

1- بحار الانوار، ج 44، ص 471

2- همان، ج 54، ص 95.

قرآن.

نهج البلاغه.

1. ابن بطریق ، یحیی بن حسن، عمدة عیون صحاح الأخبار فی مناقب إمام الأبرار، کتابخانه دیجیتال قائمیه
2. آقابابایی، مهدی، سیری در زندگانی ام المؤمنین حضرت خدیجه علیها السلام، چاپ: مهدی آقابابایی؛ نشر دیجیتال، اصفهان مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه 1388 ش.
3. بیهقی، احمد بن حسین، دلائل النبوه، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1405 ق.
4. تهرانی، حسین، فضائل و مناقب ام المؤمنین حضرت خدیجه کبری علیها السلام قم: طوبای محبت، 1394 ش.
5. جلال زاده میبدی، سید محمد حسین، خدیجه علیها السلام از ولادت تا شهادت . قم: انتشارات مشهور 1395 ش.
6. جمعی از نویسندگان حضرت خدیجه علیها السلام مادر ام اییها ناشر چاپی: التوحید، ناشر دیجیتال: کتابخانه دیجیتال قائمیه بی تا.
7. حلّی، رضی الدین علی، العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، قم: مکتبه آیت الله المرعشی، 1408 ق.
8. سید نژاد، سیدرضی، اسوه های جاویدان، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، 1389 ش.
9. قاسمی، ابراهیم، فلاح، رضا، خدیجه علیها السلام مروارید حجاز، قم: علامه بهبهانی، 1391 ش.
10. مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، بیروت: الوفا، بی تا.
11. محمدی اشتهاردی، محمد، خدیجه علیها السلام همسر پیامبر صلی الله علیه و آله اسطوره ایثار و مقاومت تهران: انتشارات نبوی 1377 ش.

12. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تهران: دار الکتب الاسلامیه، 1377 ق.
13. نمازی شیخ علی، مستدرک سفینه بحار. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسين، 1405 ق.
14. هاشمی نژاد، اکرم سادات، سرور زنان جهان ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام. تهران: نوآور، 1392 ش.
15. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، 1374 ق.

حضرت خدیجه علیها السلام و نقش اجتماعی ایشان در افزایش سرمایه اجتماعی: فهیمه خوش کلام، نویسنده اشنايدر

چکیده

سرمایه اجتماعی فضای روابط بین فردی است و نقش اساسی به عنوان یک مؤلفه مهم در پیشرفت هر جامعه ایفا می نماید و به ثروت نامرئی جامعه شهرت دارد بی شک کسانی بهترین تولیدکنندگان سرمایه اجتماعی هستند که روابطی موفق دارند از آن رو بدیهی است پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و خانواده ایشان بیشترین سهم را در افزایش سرمایه اجتماعی در تاریخ بشریت داشته اند لذا در این نوشتار به سیره حضرت خدیجه علیها السلام با لحاظ اوضاع خاص اجتماعی ایشان توجه شد این سیره می تواند مبنای کلیدی روابط اجتماعی مردم عصر حاضر باشد مقاله پیش رو با استفاده از روش کتابخانه ای و به شیوه تحلیلی - توصیفی به این سؤال می پردازد که حضرت خدیجه در افزایش سرمایه اجتماعی چه نقشی را ایفا کردند حضرت با بهره مندی از اعتماد، اجتماعی در نقش های مختلف از جمله کارآفرین شهروند و همکار و مشارکت های اجتماعی و مدنی توانستند سرمایه اجتماعی را افزایش دهند.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، سرمایه اجتماعی، نقش اجتماعی

مقدمه

ص: 304

با نگاهی گذرا به جوامع بشری از دیر باز تاکنون از سرمایه اجتماعی به عنوان یک شاخص مهم در پیشرفت و تکامل زندگی اجتماعی می توان نام برد. بر اساس چنین رویکردی سرمایه اجتماعی بحث تازه ای نیست و دارای قدمتی به طول تاریخ حیات بشر است. حال چرا امروزه سرمایه اجتماعی تا این حد اهمیت یافته و توجه بسیاری را به خود اختصاص داده است؟

حقیقت امر آن است که امروزه با پیشرفت علوم اجتماعی، مهم بودن فضای بین روابط فردی نسبت به قبل بر همگان مشخص گردیده است. از این رو، بسیاری از مطالعات حال، حاضر به سرمایه اجتماعی مربوط می شود و کاوش در جهت عملی نمودن آن است.

بی شک یکی از نقش ها در تعیین سرمایه اجتماعی هر جامعه، نقش شهروندی است. از ویژگی های شهروند مطلوب می توان مشارکت در امور اجتماعی، مسئولیت پذیری اخلاقی و اجتماعی را نام برد. با نگاهی گذرا به تجربه تاریخی بشر و با تکیه بر غنای اسناد که مهم ترین آن قرآن است، می توان حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان یک شهروند مطلوب و فعال معرفی نمود و از رفتار و سیره ایشان به عنوان الگویی مؤثر در روابط اجتماعی بهره های فراوان جست.

بر اساس برخی روایات ایشان شخصیتی بودند که خدا به وجودشان مباحثات می کرد: (1) (فَلَا تَطُنِّي يَا خَدِيجَةَ إِلَّا خَيْرًا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لِيُبَاهِيَ بِكِ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا) (2). این بانوی نواندیش و آزادی خواه دنیای عرب و اسلام، پیش از ظهور اسلام در جامعه خود از سویی بانوی خرد و شعور و اندیشه بود و از سویی، بانوی مدیریت و شکوه و درایت (3) از دگر سو، پس از ظهور اسلام، گسترش اسلام مرهون بخشش و جهاد مالی آن بانوی نمونه است تا آن جا که

ص: 305

1- کرمی فریدونی، فروغ آسمان حجاز خدیجه، ص 61

2- مجلسی بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج 87، ص 61؛ عاملی، موسوعه المصطفی و العتره فاطمه الزهراء، ص 32

3- کرمی فریدونی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، ص 51.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (مَا قَامَ وَلَا اسْتَقَامَ الدِّينُ إِلَّا بِسَيْفِ عَلِيٍّ وَ مَالِ خَدِيجَةَ) (1) و در جای دیگری فرمودند: (مَا نَفَعَنِي مَالٌ قَطُّ مِثْلَ مَا نَفَعَنِي مَالِ خَدِيجَةَ) (2)

این نوشتار ضمن تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی به بررسی نقش حضرت خدیجه علیها السلام در افزایش این سرمایه در ساحت نظری و عملی در یازده مؤلفه اعتماد، اجتماعی اعتماد میان نژادهای مختلف، مشارکت سیاسی عادی، مشارکت سیاسی، نقادانه مشارکت مدنی رهبری، مدنی پیوندهای اجتماعی غیررسمی بخشش و روحیه داوطلبی، مشارکت، مذهبی، عدالت در مشارکت مدنی و نوع معاشرت ها و دوستی ها پرداخته است بهره مندی از سیره حضرت خدیجه علیها السلام در عصر جاهلی و ظهور اسلام که شامل تمایزهای ویژه فرهنگی اجتماعی سیاسی و علمی است می تواند دستاورد بسیار مهمی برای زمان حاضر در پی داشته باشد که جامعه بشری بار دیگر در دوره گذار قرار گرفته است. دوران زندگی ایشان با توجه به اوضاع خاص سیاسی و اقتصادی، می تواند الگوی مناسبی در زمینه تولید و افزایش سرمایه اجتماعی باشد.

درباره پیشینه موضوع می توان گفت که تاکنون مقاله ای در حوزه سرمایه اجتماعی با الگوگیری از حضرت خدیجه علیها السلام الله به چاپ نرسیده است. مقاله ها و کتب متعددی درباره سرمایه اجتماعی به چاپ رسیده از جمله: سرمایه اجتماعی نوشته مهدی الوانی و علی رضا شیروانی، سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه، اثر کیان تاج بخش و مقاله هایی چون «مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی»، اثر غلام عباس توسلی و مرضیه موسوی.

نقش اجتماعی

«نقش» در دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی این گونه تعریف شده است:

ص: 306

- 1- عاملی، صفوة الصحيح من سيرة النبي الأعظم، ص 321؛ قزوینی، بی تا، 52
- 2- عاملی، موسوعه المصطفى والعترة فاطمه الزهراء، ج 4، ص 8؛ طوسی، 4141، 864.

افراد بر اساس شغل و وظیفه ای که اختیار می کنند نقش های متفاوتی را دارا می شوند نقش های اجتماعی پاسخی است به انتظارات پیرامون وظیفه و شغلی که فرد عهده دار آن است (1)

آلن بیرو، نقش اجتماعی را نحوه پاسخ به انتظار دیگران، تعریف می کند. (2)

نقش اجتماعی از نظر ساروخانی به معنای پدیده های نه فردی بلکه دقیقاً جمعی هستند. (3)

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی به عنوان توانایی افراد برای کار با یک دیگر در جهت اهداف عمومی در گروه ها و سازمان ها تعریف می شود (4) گوردن در فرهنگ جامعه شناسی خود می نویسد:

کلمن از سرمایه اجتماعی برای توصیف انواع روابط موجود میان افراد در درون خانواده ها و اجتماعات استفاده می کرد که گفته می شود تأثیر زیادی بر سطوح موفقیت تحصیلی دارند. (5)

از نظر پاتنام منظور از سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان های اجتماعی نظیر، اعتماد هنجارها و شبکه هاست که می توانند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ کارایی جامعه را بهتر کنند (6)

چارچوب نظری

هانی فان در سال 1916 اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای اولین بار در

ص: 307

1- شایان، دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، ص 543

2- بیرو، فرهنگ علوم اجتماعی، ص 377

3- ساروخانی، دایره المعارف علوم اجتماعی، ص 725

4- Fukuyama, 1999

5- گوردن فرهنگ جامعه شناسی، ص 1081

6- ازکیا غفاری، جامعه شناسی توسعه، ص 392.

مقاله ای مطرح کرد (1) پس از او شخصی به نام «ژان ژاکوب» این اصطلاح را به کار برد و منظورش این بود که در حاشیه نشین های شهر ویژگی هایی وجود دارد که آن ها می توانند به خوبی با هم دیگر ارتباط برقرار کنند و گروه هایی را تشکیل دهند که خودشان مسائل و مشکلات خودشان را حل کنند (2) پیر بورديو در سال 1972 اولین بار سرمایه اجتماعی را به طور سیستماتیک توضیح داد. (3) سپس گلن کارتمان لوری در سال 1977 سرمایه اجتماعی را از منظر مباحث اقتصاد درون شهری به چالش کشید. (4) جیمز کلمن در دهه 1980 فصل مهمی از کتاب بنیان های نظریه اجتماعی خود را به بحث سرمایه اجتماعی اختصاص داد و در سراسر کتاب نیز به توضیح عناصر و اجزای آن پرداخت. مفهوم سرمایه اجتماعی در دهه 1990 توسط بانک جهانی معروف شد. (5) در سال های اخیر، کلمن و پاتنام اعتبار و آوازه فراوانی به سرمایه اجتماعی بخشیدند. (6) سرمایه اجتماعی در سطح کلان مواردی از قبیل اعتماد اجتماعی، وفاق اجتماعی، انسجام و هم بستگی اجتماعی را شامل می شود (7)

نظریه رابرت پاتنام نظریه مورد استفاده در این مقاله است. پاتنام یکی از اندیشه وران و نظریه پردازان مفهوم سرمایه اجتماعی است. پاتنام سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می گیرد. (8) او تأثیر کارکرد دین بر سرمایه اجتماعی را فعالیت اجتماعی می داند. (9) او به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی

ص: 308

Ledere .1, 2005.3؛ Jans,2011،12 -1

Euler, 2006،11 -2

Gefken, 2012 -3

Haug, 1997.2 -4

5- پیراهری، «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید»، 1388.

6- شریفیان ثانی، «سرمایه اجتماعی، مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، 1380.

7- رضوانی گیل، کلانی، سرمایه اجتماعی، ص 95

8- خیر خواه بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان مطالعه موردی ادارات آموزش و پرورش استان کردستان، ص 20

9- علینی، 1391، 156.

در سطح منطقه ای و ملی و تأثیر آن بر نهادهای دموکراتیک می پردازد. (1) سرمایه اجتماعی در نظریه، پاتنام به معنای اعتماد هنجارها و شبکه های تسهیل کننده همکاری بین اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است. (2)

منابع سرمایه اجتماعی در دیدگاه، پاتنام متشکل از اعتماد، هنجارهای روابط زیر دستان متقابل و شبکه های افقی تعامل است که خود تقویت کننده و خود افزون هستند. از نظر او ویژگی باز تولیدی سرمایه اجتماعی، به تعامل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری اعتماد، بده و بستان و روابط، متقابل مشارکت مدنی و رفاه اجتماعی می انجامد. (3)

از دلایل انتخاب این دیدگاه می توان به مواردی از قبیل: تناسب نظریه با توجه به مصادیق مورد استفاده در مقاله و هم چنین کاربردی بودن این نظریه با توجه به هدف اصلی نوشتار اشاره کرد که بررسی نقش حضرت خدیجه علیها السلام در افزایش سرمایه اجتماعی است.

ابعاد سرمایه اجتماعی

اشاره

سرمایه اجتماعی در طبقه بندی های مختلف شامل ابعادی است که گروه کندی دانشگاه هاروارد کامل ترین آن را انجام داده است. متغیرهای اعتماد، هنجار تعهدات و روابط متقابل و تعیین هویت مشترک تا حدودی در این دسته بندی ملاحظه می شود که به شکل تطبیقی به انجام رسیده است. این گروه مطالعاتی (4) ابعاد یازده گانه ذیل را شناسایی کرده اند: (5)

ص: 309

-
- 1- خیر خواه بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان مطالعه موردی ادارات آموزش و پرورش استان کردستان، ص 20
 - 2- الوانی و شیروانی، سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه ها و کاربردها)، ص 29
 - 3- پاتنام، 1392، 306
 - 4- The Saguaro Seminar, America, 2000
 - 5- اعتماد اجتماعی؛ اعتماد میان نژادهای مختلف؛ مشارکت سیاسی عادی و نقادانه؛ مشارکت مدنی؛ رهبری مدنی؛ پیوندهای اجتماعی غیررسمی؛ بخشش و روحیه داوطلبی؛ مشارکت مذهبی؛ عدالت در مشارکت مدنی؛ تنوع معاشرت ها و دوستی ها

1. اعتماد اجتماعی

اعتماد از عناصر مهم اجتماع به شمار می آید؛ زیرا زمینه ساز مشارکت است و همکاری را تسهیل (1) می کند و باعث سرعت بخشی در زمینه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می شود.

اوسلانر با توجه به رابطه بین اعتماد و شبکه های اجتماعی استدلال می کند که اعتماد مشکلات افراد در مورد پیوند با دیگران را حل می کند. هم چنین اعتماد اجتماعی ما را نسبت به افرادی پیوند می دهد که با آن ها آشنا نیستیم. (2) با تکیه بر این تعریف می توان از جمله مصادیق رفتاری اعتماد را تمایل به ازدواج تمایل به انجام دادن معامله و تمایل به مشارکت نام برد. (3)

حضرت زینب علیها السلام در نقش های مختلف خود در جامعه با بهره گیری از، اعتماد موجب بالا بردن سرمایه اجتماعی شد برای مثال در نقش یک شهروند به پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشنهاد ازدواج کرد. (4) در جای دیگر در نقش مادری، پس از پرورش تعقل با و سپاری مهارت تربیتی به دست شان با اتکا به اراده و آزادی آن ها (5) نمونه هایی چون رقیه، زینب و هند را تربیت نمود که هر کدام در زندگی خوش درخشیدند و در نظر اندیشه وران و صاحب نظران در ردیف یاران بزرگ و با اخلاص پیامبرند. (6)

2. اعتماد میان نژادهای مختلف

این، بعد نسبت اعتماد را میان نژادهای مختلف جامعه بررسی می کند شعاع اعتماد به ویژه میان نژادهای گوناگون در فرهنگ های مختلف به

ص: 310

1- Braun 2005

2- امام جمعه زاده و مرندی، 1931

3- شریفی، 1387.

4- مقدسی، البدء و التاريخ، ج 4، 138؛ طبری، تاریخ طبری تاریخ الامم و الملوك، ج 2، ص 35

5- رحیمی منشور تربیت علوی بازخوانی یک نامه، ص 30

6- کریمی فریدونی، فروغ آسمان حجاز خدیجه، ص 102.

گونه های متفاوت دیده می شود. (1) بانوی خرد و اندیشه با اعتماد به نژادهای مختلف توانست به حفظ اسلام و گسترش آن کمک شایانی نماید. برای نمونه، در نقش یک دانش پژوه به محضر عالمان ادیان مختلف از جمله ورقه بن نوفل می رفت. (2) به عنوان یک مسلمان، اموالی را می پذیرفت که خواهرزاده اش ابوالعاص که در آن زمان کافر بود به شعب می رساند. (3) بعد از وفات ایشان زنی سیاه چهره نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و آن حضرت او را پاس داشتند و از دیدن او خوشحال شدند عایشه پرسید: «ای رسول خدا! چرا این زن سیاه چهره را چنین گرامی داشتید؟» آن حضرت فرمود: «زیرا این زن بارها نزد خدیجه می آمد». (4)

3 و 4 مشارکت سیاسی عادی و نقادانه

مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران در سیاست گذاری عمومی است و بیعت یکی از مصادیق بارز آن به شمار می آید. بانوی نواندیش و هوشیار عصر جاهلی اولین زنی بود که با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمود و اسلام آورد «ان اول من اسلم خدیجه» (5)

5. مشارکت مدنی

منظور آن است که افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروه های مذهبی، ادبی، هنری و غیره فعالیت می کنند. (6) بی شک یکی از نقش ها در تعیین سرمایه

ص: 311

1- زارعی، «اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی»، پژوهش نامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک ش 16، ص 76-89

2- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الاثمه الاطهار، ج 74، ص 193.

3- طبرسی، اعلام الوری با علام الهدی، ص 128

4- عجلونی، کشف الخلفاء و مزیل الالباس عما اشتهر من الاحادیث علی السنه الناس، ج 1، ص 409؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح بخاری، ج 10، 425.

5- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 6، 12؛ تتوی، احمد بن نصر الله، قزوینی، آصف خان، تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام)، ج 1، ص 257

6- الوانی نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 3-26

اجتماعی هر جامعه، نقش شهروندی است. حضرت در نقش یک شهروند، فعالیت های اجتماعی تأثیر گذاری داشتند. برای نمونه، منزل ایشان مرکز انجمن علمی و ادبی بود و حضور فعالی در انجمن ادبی داشتند. (1) ایشان در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله شعرهای زیبایی سروده اند. (2)

قلب المحب الی الاحباب مجذوب *** و جسمه بید الاسقام منهوب

وقائل کیف طعم الحب قلت له *** الحب عذب و لکن فیه تعذیب

اقدی الذین علی خدی لبعدهم *** دمی و دمی مسفوح و مسکوب

ما فی الخیام و قد سارت رکابهم *** الا محب له فی القلب محبوب

کانما یوسف فی کل ناحیه *** و الحزفی کل بیت فیه یعقوب (3)

و در جایی دیگر در نقش همکار در پاسخ درخواست همکارش ابوطالب برای پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

اگر از طرف شخص ناآشنا و منفور بود ما انجام می دادیم و الان که برای عزیزمان است حتماً هر کاری را که بتوانیم انجام می دهیم. (4)

6. رهبری مدنی

به میزان مشارکت افراد در گروه ها باشگاه ها انجمن ها و امور شهریا مدرسه و نظایر آن می پردازد و این سؤال را مطرح می سازد که فرد تا چه اندازه در این گروه ها و انجمن ها نقش رهبر را ایفا می کند. برابر اسناد تاریخی و روایی موجود، او در مدیریت موفق و مترقی خویش از اصول مدیریت اسلامی از جمله سنجش کارها بدون داشتن حب و بغض، نظارت و کنترل، روح صمیمت و یگانگی، انصاف، به خدمت گرفتن افراد لایق و تقسیم کار بهره در مورد برنامه ها مدیران و کارکنان خویش بهره می جست؛ برای، نمونه از میسر که همراه پیامبر بود، گزارش

ص: 312

1- امینی الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج 2، ص 38

2- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 29.

3- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 29.

4- یمانی، ام المومنین خدیجه علیها السلام بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی، ص 62

سفر تجاری شام را درخواست نمود. (1) پیامبر در مورد مدیریت ایشان فرمودند:

ما رأيت من صاحبة لأجير خيرا من خديجة؛ (2) ما كنا نرجع أنا و صاحبتي إلا وجدنا عندها تحفة من طعام تخبوه لنا؛ (3)

من مدیر و کارفرمایی پرمهر تر و حق شناس تر و بهتر از خدیجه نسبت به کارکنان و کارگزاران و همکارانش ندیدم هر گاه من و دوستم پس از کار، نزد او می رفتیم، غذای گوارایی را به ما هدیه می نمود که به اشاره او برای ما آماده شده بود.

7. پیوندهای اجتماعی غیررسمی

این بعد به سنجش جنبه های غیررسمی می پردازد؛ مانند تعداد دوستان یک فرد میزان معاشرت فرد با دوستان خود و دیدار از فامیل (4) حضرت مرادوات عاقلانه بسیاری داشتند؛ برای نمونه در نقش یکی از اعضای طایفه روزی در جمع زنان قوم خویش بود که مردی با صدای بلند رو به جمع حاضر گفت: «یکی از شما با یک پیامبر ازدواج می کنید!» در آن هنگام حاضران به آن مرد ناسزا گفتند و فقط آن بانوی خرد و اندیشه بر خلاف دیگران سکوت کرد. (5) روایت شده است که حلیمه سعیدیه در ایام خشک سالی به منزل خدیجه کبری آمد. آن بانوی را بسیار تکریم کرد و برای قدردانی از زحمات دایه همسرش چهل گوسفند و یک شتر به او هدیه داد. (6) هم چنین روایت کرده اند که خدیجه طاهره، ثوبیه کنیز ابولهب را گرامی می داشت شخصی که اولین بار به پیامبر شیر داده بود. (7)

ص: 313

1- ابن عساکر، تاریخ مدینه، دمشق، 317، کحاله، اعلام النساء في عالمی العرب و الاسلام، 327.

2- اربلی، کشف الغمة في معرفة الاثمه، ج 1، ص 480

3- ابن سید الناس، عیون الأثر في فنون المغازی و الشمانل و السیر، ج 1، ص 73.

4- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول سال دوازدهم ش 33-34، ص 26-3.

5- ابن سعد، الطبقات الکبری، ج 11، ص 6

6- بلاذری، انساب الاشراف، ج 1، ص 95.

7- بلاذری، همان، ج 1، ص 95-96

8. بخشش و روحیه داوطلبی

عضویت و همکاری با نهادهای خیریه و داوطلبانه یکی از روش های اندازه گیری روابط افراد جامعه است. (1) یکی از ویژگی های تحسین برانگیز بانوی حجاز بخشندگی او بود جهاد مالی و سخاوتمندانه حضرت خدیجه علیها السلام در راه تکوین اسلام بی شک او را از مصداق های والای همه آیاتی می گرداند که خداوند مؤمنان را در آن آیات به جهاد جان و مال ستوده است؛ برای نمونه، بسیاری از مفسران در تفسیر آیه (وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) نوشته اند: «ثروت حضرت خدیجه علیها السلام پیامبر را بی نیاز کرد». (2) هم چنین مردم به ایشان «ام الصعاليك و ام الایتام» می گفتند.

9. مشارکت مذهبی

مذهب و دین نقشی حیاتی در سرمایه اجتماعی دارد. افراد بر حسب دین و مذهب خود ممکن است منشأ مشارکت باشند مانند حضور و فعالیت در مساجد، اماکن مذهبی و زیارتی (3) در این بعد می توان به حضور حضرت خدیجه در نماز جماعت در نقش زن مسلمان اشاره کرد. (4)

10. عدالت در مشارکت مدنی

در برخی جوامع تمایل به سوی افراد ثروتمند تحصیلات عالی و نژاد خاصی است و بالعکس در برخی جوامع دیگر افراد فقیر در اولویت قرار دارند. (5) بانوی

ص: 314

-
- 1- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 26-3
 - 2- طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 10، ص 296.
 - 3- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 26-3.
 - 4- ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، ج 7، ص 80
 - 5- الوانی، نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم، ش 34 - 33، ص 26-3

خردمند حجاز برای برقراری عدالت اجتماعی در نقش کارآفرین عصر خویش، گام های مهمی در جهت یکسان سازی جامعه برداشت. وی قراردادهای مختلف ابتکاری و متنوعی با افراد می بست و با تسهیلاتی جالب و عادلانه آنان را به کار می گماشت. برای نمونه با محمدامین صلی الله علیه و اله قرارداد بست (1)

11. تنوع معاشرت ها و دوستی ها

میزان معاشرت و رفاقت فرد با طبقات مختلف اجتماعی، نژادها، اقوام و مذاهب و ادیان مختلف را می سنجد. (2) معاشرت و دوستی حضرت با مردم بسیار گسترده بود؛ از جمله با علما مانند ورقه بن نوفل (3) و با مستمندان (4).

دوستی های حضرت بسیار عمیق بود تا آن جا که پیامبر بعد از وفات ایشان هنگامی که گوسفندی ذبح می کردند، سهمی را برای دوستان خدیجه قرار می دادند. (5)

نتیجه

به منظور بررسی نقش اجتماعی حضرت خدیجه در افزایش سرمایه اجتماعی پس از مرور پیشینه نظری مرتبط با موضوع مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد مشارکت و عدالت شناسایی گردید. پس از تحقیق و تحلیل در کتب علوم اجتماعی تاریخی و روایی مشخص گردید حضرت نقش چشمگیری در افزایش سرمایه اجتماعی داشته اند.

ساختار نا به سامان فرهنگی جدای از فرهنگ جاهلی حاکم بر جزیره العرب

ص: 315

-
- 1- السیلاوی، الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة خدیجة بنت خویلد، ص 36
 - 2- الوانی نقوی، «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول سال دوازدهم ش 34 - 33، ص 26-3.
 - 3- بخاری، 1422، ج 6، ص 173؛ الساعاتی، الفتح الربانی لترتیب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی و معه بلوغ الأمانی من أسرار الفتح الربانی، ج 10، ص 174.
 - 4- مجلسی، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، ج 16، ص 22.
 - 5- امین، اعیان الشیعه، ج 6، ص 312؛ القاری، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج 11، ص 330.

نبرد رفتارهای زشت و عادات نا به هنجار حاکم بر جامعه، مظهر و پس ماندگی متأثر از فرهنگ جاهلی بود که همین عامل مهم ترین ریشه کندی آهنگ تحولات فرهنگی به شمار می آمد. امر دشوار فراگرد اجتماعی به تغییر مناسبات فرهنگی و جایگزینی ارزش های اسلامی به جای هنجارهای جاهلی، کاری بس دشوار و در ظاهر ناممکن بود.

حضرت خدیجه علیها السلام در نقش های مختلف توانستند سرمایه اجتماعی را افزایش دهند؛ از جمله:

1. بهره مندی از اعتماد اجتماعی در نقش هایی مانند کارآفرین، شهروند و همکار؛

2. با حسن ظن و اعتماد میان نژادهای مختلف در نقش هایی چون کارآفرین دانشجو و زن مسلمان؛

3. مشارکت سیاسی؛

4. مشارکت مدنی در نقش همکار؛

5. مدیریت کاروان، تجاری با به کارگیری اصول رهبری؛

6. ایجاد پیوندهای اجتماعی غیررسمی در نقش دوست؛

7. بخشش و روحیه داوطلبی در نقش همسر؛

8. مشارکت مذهبی؛

9. رعایت عدالت در نقش مدیریت؛

10. معاشرت گسترده با مردم.

ص: 316

1. اربلی، علی بن عیسی، كشف الغمة في معرفه الاثمه، قم: الشريف الرضي بی تا.
2. ازکیا، مصطفی و غلام رضا غفاری جامعه شناسی توسعه، تهران: کیهان، 1384 ش.
3. امینی، عبد الحسین، الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
4. ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت: دارالکتب العلمیه 1415 ق.
5. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح بخاری، بیروت: دار المعرفه، بی تا.
6. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت: دارالفکر، 1414 ق.
7. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الامائل او احتاز بنواحيها من واردیها و اهلها، بیروت: دارالکفر، 1418 ق.
8. ابن سید الناس، محمد بن محمد، عیون الأثر فی فنون المغازی و الشمائل و السیر بیروت: دار المعرفه، 1414 ق.
9. البنا الساعاتي احمد بن عبد الرحمان بن محمد، الفتح الرباني لترتيب مسند الإمام أحمد بن حنبل الشيباني و معه بلوغ الأمانی من أسرار الفتح الرباني، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
10. السیلاوی، غالب، الأنوار الساطعة من الغراء الطاهرة خديجة بنت خويلد بیجا غالب سیلاوی، 1421 ق.
11. القاری، علی، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، بیروت: دارالفکر، 1992 م.
12. الوانی، مهدی و علیرضا شیروانی، سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه ها و

13. الوانی، مهدی و میرعلی نقوی، «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه ها»، مطالعات مدیریت بهبود و تحول، سال دوازدهم، شماره 33-34: 26-3، 1381. ش.
14. امین، محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالمتعارف للمطبوعات، بی تا.
15. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دارالفکر، 1417 ق.
16. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم باقر ساروخانی، تهران: کیهان، 1375 ش.
17. پاتنام، رابرت دموکراسی و سنت های مدنی مترجم محمدتقی دل افروز تهران: جامعه شناسان، 1392 ش.
18. پیراهری نیر «سرمایه اجتماعی در نظریات جدید»، پژوهشنامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش 1: 111 - 110، 1388 ش.
19. تتوی، احمد بن نصرالله قزوینی، آصف خان تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام) تهران علمی و فرهنگی، 1382 ش.
20. حسینیان قمی، مهدی، زخم خورشید: کاوشی در زندگی حضرت زهرا، تهران: امیرکبیر، 1379 ش.
21. خیرخواه هوشیار بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه فکری سازمان مطالعه موردی ادارات آموزش و پرورش استان کردستان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، 1390 ش.
22. رضوانی گیل، کلانی غفار، سرمایه اجتماعی تهران: گوهر دانش، 1389 ش.
23. رحیمی، علیرضا، منشور تربیت علوی بازخوانی یک نامه، تهران: نهج 1393 ش.
24. زارعی، ایوب «اعتماد و نهادهای مدنی به مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی»، پژوهشنامه پژوهشکده تحقیقات استراتژیک ش 16: 89-76، 1387 ش.

25. ساروخانی، باقر، دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان، 1370 ش.

26. شایان، مهر علیرضا دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی تهران کیهان 1377 ش.

27. شریفیان ثانی مریم «سرمایه اجتماعی مفاهیم اصلی و چارچوب نظری»، نشریه فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی سال اول، ش 2: 18-5، 1380 ش.

28. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری با اعلام الهدی، قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، 1417 ق.

29. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بیروت: دارالمرتنی 1426 ق.

30. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری تاریخ الامم و الملوك، بیروت: دار الکتب العلمیه، 1408 ق.

31. طوسی، محمد بن حسن، امالی، قم: دار الثقافه، 1414 ق.

32. عاملی، جعفر مرتضی، صفوة الصحيح من سيرة النبي الأعظم، تهران: بعثه مقام معظم رهبری معاونت امور روحانیون، 1388 ش.

33. عاملی، جعفر مرتضی، الصحيح من سيره النبي الاعظم، صلى الله عليه و اله بیروت، بیروت: المركز الاسلامی للدراسات، 1427 ق.

34. عاملی، جعفر مرتضی، موسوعه المصطفى والعترة فاطمه الزهراء، قم: الهادی، 1415 ق.

35. عجلونی، اسماعیل بن محمد، كشف الخلفاء و مزيل الالباس عما اشتهر من الاحاديث على السنه الناس، بی جا: مكتبه العلم الحديث بی تا.

36. علینی، محمد، سرمایه اجتماعی در آموزه های اسلامی، قم: بوستان کتاب 1391 ش.

37. قزوینی، محمدکاظم، فاطمه الزهراء من المهد الى اللحد، بیروت: مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، بی تا.

38. کرمی فریدونی، علی، فروغ آسمان حجاز خدیجه علیها السلام، قم: نسیم انتظار، 1383 ش
39. کرمی فریدونی، علی، نیم نگاهی به مدیریت و کارآفرینی خدیجه علیها السلام، قم: نسیم، انتظار، 1389 ش.
40. کحاله، عمر رضا، اعلام النساء في عالمي العرب والاسلام، بیروت: مؤسسه الرساله، 1404 ش.
41. گوردن، مارشال، فرهنگ جامعه شناسی، مترجم حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان 1388 ش.
42. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت داراحیاء التراث العربی، 1403 ق.
43. محمد زاده، مرضیه، زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه، 1393 ش.
44. مصفا، نسرین مشارکت سیاسی زنان در ایران تهران: وزارت امور خارجه 1375 ش.
45. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء والتاریخ، مصر: مکتبه الثقافه الدینیه بی تا.
46. یمانی، محمد عبده، ام المومنین خدیجه بنت خویلد بانویی در قلب مصطفی، مترجم محمد ابراهیمی شیراز: ایلاف، 1388 ش.

منابع لاتین

Fukuyama, Francis. (1999). " Social Capital and Civil So- ciety" Prepared for delivery at the IMF.1 (International Monetary Fund Conference on Second Generation Reforms. Washington DC(October 1).
.https://www.imf.org/ external/pubs/ft /semi- nar/1999 /reforms/fukuyama.htm, accessed February 10,2011

- Lederer, Michael. (2005). Gemeinsam oder Einsam? Von der Funktion und Wirkung von Sozialkapital bei unterschiedlichen Theoretikern. Bregenz, Büro f. Zukunftsfragen
- Jans Manuel. (2011). Sozialkapital und Personalwirtschaft: Ein Modell zur Erklärung der Wirkungen des Beziehungs- und Organisationskapitals auf personalwirtschaftliche Funktionen und Zusammenhänge. München, Rainer HAMPP. <https://books.google.com/books>
- Euler, Mark. (2006). Soziales Kapital Ein Brückenschlag zwischen Individuum und Gesellschaft. Oldenburg, der Carl von Ossietzky Universität Oldenburg
- Gefken, Andreas (2012): Sozialkapital und soziale Ungleichheit – Theorien und Forschungsstand..5 Working Paper SW 2012-2 der Professur für Soziologie des sozialen Wandels, Fachbereich Sozialökonomie, Hamburg: Universität Hamburg
- Haug, Sonja. (1997). Soziales Kapital: Ein kritischer Überblick über den aktuellen Forschungsstand..6 (Mannheim. Mannheimer Zentrum für Europäische Sozialforschung (MZES
- Social Capital Community Benchmark Survey 2000. The Sauguro Seminar: Civic Engagement in America

*نقش و جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی: عباس علی مشکانی سبزواری (1)

انقلاب نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله (انقلاب نبوی)، هم چون هر انقلاب دیگری، از نقطه ای آغاز شد و با طی فرآیندی مشخص و مدون در مسیر اهداف خود و وصول بدان ها گام برداشت این فرآیند در یک تحلیل در سه مرحله قابل تحلیل است بعثت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، نقطه آغاز انقلاب نبوی بود که تا قبل از هجرت به مدینه مجموعاً پروسه ای سیزده ساله بود و «مرحله ایجاد انقلاب نبوی» به شمار می آید. پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه و ایجاد حکومت دینی و تشکیل نهادهای مختلف حکومتی، «مرحله استقرار انقلاب نبوی» آغاز گردید و پروسه استقرار انقلاب تا حجه الوداع ادامه یافت. حجه الوداع و واقعه شکوهمند غدیر و تعیین امیر مؤمنان علیه السلام به عنوان جانشین نبوت و آغاز سلسله امامت، نقطه پایانی مرحله استقرار و آغازین گام در مسیر (مرحله) «استمرار و توسعه انقلاب نبوی» به شمار می آید. پیامبر اکرم و اصحاب در هر یک از این، مراحل اقدامات مختلفی انجام داده و هر کدام از نقشی را بر عهده داشته اند. در این میان، نقش شخصیت هایی گران قدر مانند عبدالمطلب، ابوطالب، حمزه سیدالشهداء، فاطمه بنت اسد و حضرت خدیجه، در پیشبرد اهداف الهی نبی مکرم صلی الله علیه و آله از دیده ها پنهان مانده در حالی که نقش این بزرگواران

ص: 322

در مرحله ایجاد انقلاب، نبوی بنیادین و تاثیرگذار بوده است. نوشتار حاضر مروری اجمالی بر شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام و نیز نقش بی نظیر ایشان در مرحله آغازین انقلاب نبوی خواهد داشت؛ شخصیتی که در پرتو تحریف، به فراموشی سپرده شده و نقشی که در سایه حقد و حسد برخی، مغفول و مجهول مانده است! پرداختن به شخصیت این بانوی بزرگوار، علاوه بر تبیین حقایق تاریخی و غنا بخشیدن به «تراث شخصیتی» اسلامی و شیعی می تواند الگوی یک بانوی طراز اسلام و انقلاب اسلامی را به بانوان مسلمان در جوامع اسلامی عموماً و بانوان جامعه شیعی خصوصاً و بانوان ایران اسلامی بالاخص ارائه دهد؛ الگویی از یک بانوی مؤمن، ساده زیست فداکار، ایثارگر انفاق گر و حامی دین و نبوت و ولایت. گفتنی است این نوشتار با تأکید بر دیدگاه های رهبر انقلاب سامان یافته است.

1. نگاهی اجمالی به شخصیت و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام

بر اساس منابع تاریخی، حضرت خدیجه علیها السلام در خانواده ای موحد و مؤمن به آیین ابراهیم حنیف و در مکه دیده به جهان گشود. پدر گران قدر ایشان، «خُوَیَلِد» فرزند، آسَد و مادر بزرگوارشان، «فاطمه» دخت زائده، از موحدان مکه بودند که از لحاظ نسبی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیوند داشتند؛ بر این اساس، حضرت خدیجه علیها السلام از لحاظ نسبی از تیره قریش بود که از سوی پدر در نیای سوم (قَصَی) و از سوی مادر در نیای هشتم (لُؤَی) با پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پیوند نسبی می یافت. (1) اجداد این بانو نیز نسل اندر نسل از بزرگان و موحدان عصر خویش به شمار می رفتند. (2) آن بانو در زمان خود همچون آبا و اجداد خویش، از لحاظ حسب نسب و ثروت و شخصیت در زمره سرآمدان و بلکه در رأس آن ها قرار داشت؛ چنان که رهبر انقلاب در این باره می فرماید:

ص: 323

1- نک ابن هشام، السیره النبویه، ج 2، ص 8

2- نک، سیلاوی، الانوار الساطعه، ج 9؛ ازرقی، تاریخ مکه، ج 1، ص 149 و 226

خدیجه علیها السلام هم بانوی اول مکه و از لحاظ حسب و نسب و ثروت، شخصیت برجسته ای بود (1)

در منابع تاریخی و دینی نیز القاب و اوصاف گوناگونی برای آن بانو ذکر شده است. اولین کنیه آن بانورا باید از زبان قرآن شنید که او و دیگر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را «ام المؤمنین» لقب داده است. (2) هم چنین خدای متعال آن بانورا با عنوان «مبارکه» به حضرت عیسی علیه السلام معرفی فرموده است. (3) بر اساس روایات، در انجیل نیز با همین عنوان از آن بانو یاد شده است. (4) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز ایشان را «برترین و بهترین امهات مؤمنین» دانسته اند (5) و هنگام معرفی آن بانو به جبرئیل امین از ایشان با تعبیر «هذه صديقة أمتي؛ این صدیقه امت من است یاد فرمودند. (6) امام صادق علیه السلام می فرماید «مقصود از صدیقه، "معصومه" است». (7) امیر مؤمنان علیه السلام در وصف آن حضرت، از تعبیر «سيدة النسوان» استفاده نمودند (8) و امام کاظم علیه السلام، ایشان را «سیده قریش» نام نهاده اند. (9) پیش از اسلام نیز با عناوینی زیننده هم چون «سیده نساء قریش» (10) و «طاهره» (11) از ایشان یاد شده است. در یکی از زیارات نبی مکرم صلی الله علیه و آله نیز با اوصافی هم چون «صدیقه، طاهره، زکیه، راضیه، مرضیه خدیجه کبری و ام المؤمنین» به آن بانو سلام داده شده است. (12) در بیان و بنان و سیره نبوی نیز حضرت خدیجه علیها السلام از چنان قدر و

ص: 324

- 1- رهبر معظم انقلاب، 1379/2/23.
- 2- سوره احزاب، آیه 6
- 3- محدث قمی، کحل البصر، ص 70
- 4- مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 22
- 5- الانوار الساطعة، ص 226
- 6- ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج 2، ص 62
- 7- اصول کافی، ج 1، ص 459
- 8- بحار الانوار، ج 35، ص 143
- 9- قرب الاسناد، ص 252
- 10- زرقانی، شرح المواهب اللدنیة، ج 1، ص 199.
- 11- ابن حجر، الاصابة، ج 8، ص 60
- 12- بحار الانوار، ج 100، ص 189.

منزلی برخوردار است که هیچ یک از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نیز هیچ یک از بانوان امت اسلام به آن جایگاه رفیع نظر نتوانند داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مواقع مختلف و به ادنی بهانه ای به تعریف و تمجید و بیان فضایل آن بانو اهتمام داشتند (1) چندان که حقد و حسد برخی از همسران حضرت برانگیخته می شد. (2) برخی از بیانات آن رسول گران قدر درباره آن بانو که عموماً در منابع پیروان مکتب خلفا ذکر شده از قرار ذیل است:

«خدیجه علیها السلام صدیقه امت من است»؛ (3) «هر روز چندین بار خداوند به واسطه خدیجه بر فرشتگان مباحثات می کند»؛ (4) «خدیجه برترین امهات مؤمنین است»؛ (5) «هرگز خدا همسری بهتر از او برای من جایگزین نکرده است»؛ (6) «برترین بانوان، بهشتی خدیجه دخت خویند و فاطمه دخت محمد است»؛ (7) «خدیجه بر بانوان امت من برتری داده شده است»، (8) «خداوند محبت خدیجه را بر من ارزانی داشت»؛ (9) «خدیجه علیها السلام در ایمان به خدا و من گوی سبقت را از همه بانوان عالم ربود» (10) «خداوند شکم مادرت را (خطاب به حضرت فاطمه) ظرف امامت قرار داد، (11) و «مریم بهترین بانوان زمان خود و خدیجه بهترین بانوان زمان خویش است» (12)

ص: 325

- 1- رهبر معظم انقلاب، 1368/7/28.
- 2- صحیح بخاری، ج 5، ص 48.
- 3- البدایه والنهایه، ج 2، ص 62.
- 4- بحار الانوار، ج 16، ص 88.
- 5- الانوار الساطعه، ص 7.
- 6- فتح الباری، ج 7، ص 140.
- 7- همان، ص 139.
- 8- تاریخ دمشق، ص 74 و 84.
- 9- کفایة الطالب، ص 359.
- 10- حاکم نیشابوری، مستدرک، ج 3، ص 184.
- 11- مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 383.
- 12- صحیح بخاری، ج 5، ص 47.

2. مروری بر نقش حضرت خدیجه علیها السلام در فرآیند تکاملی انقلاب نبوی

چنان که گذشت، حضرت خدیجه علیها السلام در سال های آغازین انقلاب نبوی حضور فعال و فداکارانه ای داشت و متأسفانه ظلم ظالمان و نیز دست اجل، فرصتی بیشتر برای خدمت به اهداف الهی نبی مکرم را به آن بانو نداد. بر این، اساس ضروری است پیش از پرداختن به نقش ایشان «در مرحله ایجاد انقلاب نبوی»، به تحلیل این مرحله پرداخته سپس نقش آن بانو را تبیین و تحلیل نماییم.

1-2- نهران و نهاد مرحله ایجاد انقلاب نبوی

مرحله آغازین انقلاب نبوی با بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم آغاز می شود و تا آستانه هجرت به مدینه ادامه می یابد به تعبیر مقام معظم رهبری «دوران سیزده ساله مکه فصل اول دوران 23 ساله رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که مقدمه فصل دوم (دوره ده ساله مدینه و به اصطلاح دوران استقرار انقلاب نبوی) به حساب می آید (1) نقطه آغازین این مرحله نیز بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله است بعثت از لحاظ لغوی به معنای برانگیختگی است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با بعثتش برای ایجاد انقلابی عظیم در تاریخ بشریت برانگیخته شدند:

بعثت به معنای برانگیختگی است برانگیختگی یعنی چه؟ یعنی تحرک حرکت بعد از رخوت و سستی و رکود... در پیامبری، دو تحول و دگرگونی هست: اول در وجود خود پیامبر صلی الله علیه و آله بعثت، رستاخیز، انقلاب، تحول اول در درون و ذات خود پیامبر و در باطن خود نبی به وجود می آید... بعد همین سرچشمه همین، تحول همین، شور همین، انقلاب همین رستاخیز از این چشمه فیاض جوشان که روح نبی، است می ریزد به، اجتماع منتقل می شود به متن جامعه بشری... بعد از آن که در دل او انقلاب به وجود آمد به دست او در جامعه انقلاب به وجود می آید و بعثت به معنای واقعی تحقق پیدا می کند. (2)

ص: 326

1- مقام معظم رهبری، 1380/2/28

2- همو، 1353/7/11

قبل از تبیین این مرحله باید گفت که انقلاب نبوی، بیشتر با صبغه فرهنگی آغاز به فعالیت نمود و در ابتدای کار اقدامات فرهنگی و محتوایی و به تعبیر امروزی، تئوری فرهنگی در صدر برنامه های حضرتش قرار داشت. بر اساس این نظریه پس از آن که فکر و اندیشه و باور انسان تغییر کرد، رفتار و کردار او نیز تغییر خواهد نمود لذا تغییر در محتوای باطنی انسان ها عاملی سرنوشت ساز به شمار می آید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز مبتنی بر همین نظریه، نقطه آغاز انقلاب خود را انقلاب فکری و فرهنگی قرار می دهد. اقدامات ایشان در این مرحله در دو بخش تقسیم می شود: اقداماتی که به تغییر در افکار معطوف بود و اقداماتی که در جهت تغییر در رفتار انجام می گرفت. چنان که گذشت لازمه تغییر در رفتار تغییر در افکار است؛ منتها حوزه افکار و به تعبیر حکما، حوزه حکمت دو بخش دارد: حکمت نظری (علم به آن چه هست؛ مانند علم به وجود خدا و قیامت) و حکمت عملی (علم به بایدها و نبایدها). اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حوزه حکمت نظری در مرحله ایجاد انقلاب نبوی- که شاید بتوان این مرحله را مرحله انقلاب اعتقادی نام نهاد- از قرار ذیل است:

1-1-2- معرفی خدای متعال به مردم با تمامی ویژگی ها و صفات، نفی شرک و بسط تفکر خدا پرستی و توحید و مطرح کردن توحید در همه ابعاد آن و به عبارت دیگر، تغییر جهان بینی مردم (مبدأ شناسی)؛

2-1-2- توصیف موجودات روحانی عالم از قبیل فرشتگان و ملائکه (غیب شناسی)؛

3-1-2- توصیف وجود انسان و جایگاه عقل و نفس و روح او (انسان شناسی)؛

4-1-2- توصیف نبوت و رهبری و چگونگی وحی (راهنما شناسی)؛

5-1-2- توصیف، مرگ حیات اخروی و معاد (فرجام شناسی)؛

6-1-2- توصیف امت های خوب و بد گذشته و دعوت به تفکر در سرگذشت آن ها (امت شناسی).

غالب آیات مکی شامل مباحث فوق و نظایر آن است که در مرحله اول

انقلاب نبوی در مکه مکرمه بر حضرتش نازل شد و آن حضرت به تبیین و تفسیر آن‌ها مشغول بودند در حوزه حکمت عملی در دو بخش جداگانه می‌توان بحث نمود:

- بخشی که مربوط به امور فردی و به اصطلاح در جهت «فردسازی» است؛

- بخشی که به امور کلان و اجتماعی و به اصطلاح به «جامعه سازی» مربوط می‌شود. حکمت عملی در حوزه «فردسازی» مربوط به دوران سیزده ساله مکه و مرحله اول انقلاب نبوی است؛ زیرا شرایط و امکاناتی در مکه برای آن حضرت فراهم نبود تا گامی مؤثر برای جامعه سازی بردارند. در بخش حکمت عملی (قسمت مربوط به فردسازی) که آن حضرت به منظور تغییر در رفتار در مرحله ایجاد انقلاب نبوی عرضه نمودند به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

- ارائه افعال و گفتارهایی برای تعظیم و تمجید خداوند و عبادت او نظیر نماز (روابط میان انسان و خدا)؛

- ارائه مدل‌های رفتاری و گفتاری برای گرامیداشت هم‌نوعان و ایجاد روابط انسانی پایدار (روابط میان انسان‌ها با یکدیگر)

- بخشی از این مسائل در حیطه مسائل اخلاقی قرار می‌گیرد و بخشی در حوزه مسائل فقهی؛ از جمله سبقت جویی در خیر میانه روی وفای به عهد کظم غیظ صابر و صادق بودن و ویژگی‌هایی از قبیل تواضع، عدم تجسس در زندگی خصوصی افراد، پرهیز از غیبت و دروغ و تهمت، گذشت، خیرخواهی، خوش رفتاری مقاومت در برابر ظالمان دفاع از مظلومان، بزرگداشت پدر و مادر و کودک و زن و دختر و رعایت انصاف و عدل کمک به مستمندان و یتیمان ارزش دانستن، کار و رعایت بهداشت و این‌ها دستورالعمل‌ها و تغییراتی در عرصه‌های مختلف رفتاری بود. گفتنی است حکمت عملی با محوریت فردسازی به معنای پرورش، افراد به مرحله اول انقلاب نبوی اختصاص نداشته و در تمامی مراحل فرآیند تکاملی انقلاب نبوی جزء جدایی‌ناپذیر آن و هدف اول و اصلی آن است؛ به تعبیر مقام معظم رهبری:

هدف اولی پیغمبر هدف اصلی پیغمبر یک چیز است؛ در نیمه راه آن، هدف هدف های دیگری هم برای پیغمبر مطرح می شود... اما هدف اصلی پیغمبران الهی عموماً در چند کلمه قابل خلاصه کردن است: پیغمبران به این جهان می آیند تا انسان را به سر منزل تعالی و تکامل مقدرش برسانند» (1)

بیشترین توجه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مرحله اول از انقلاب بر پرورش افراد زبده و ممحض در اسلام بود. فرد سازی به معنای این که تک تک به سراغ افراد رفتن و به تربیت و هدایت آن ها پرداختن کاری دور از شأن و جایگاه انبیاست؛ چه ایشان درصدد بودند تا در مقیاسی کلانتر با فراهم کردن بستر مناسب و ایجاد جامعه الهی و توحیدی، گروه گروه به تربیت و هدایت افراد بپردازند، (2) اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در محیط جاهلی مکه و در مرحله ایجاد انقلاب، چاره ای جز این نداشتند که تک تک به سراغ افراد بروند و به اصطلاح آدم سازی فردی نمایند. این لازمه هر حرکتی است که قرار است از صفر شروع نماید. بنابراین مرحله اول انقلاب، نبوی به ناچار فرد سازی را در دستور کار خود قرار داده بود:

در محیط جاهلی مکه پیامبر وقتی می خواهد آدم درست بکند، مجبور است یکی یکی درست کند؛ برای خاطر این که برای ایجاد آن چنان نظامی یک عده خواص لازمند، یک عده سنگ زاویه و زیربنا لازمند. این ها قبلاً درست می شود و این منافات با نقشه کلی انبیا ندارد (3)

در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران سیزده ساله مکه، در فضایی که همه ارزش ها ارزش های جاهلی بود و تعصب ها غیرت ورزی های غلط کینه ورزی های عمیق، قساوت ها، شقاوت ها، ظلم ها و شهوت ها در آمیخته با هم بود و زندگی مردم را می فشرد و در خود احاطه کرده بود، در بین آن سنگ های خارا و نفوذ ناپذیر نهال های سبزی را به بار نشانند که هیچ طوفانی نمی توانست

ص: 329

1- همو، 1353/7/17.

2- همو، 1353/7/17.

3- همان.

آن‌ها را تکان بدهد. در این سیزده سال پایه‌های مستحکمی ایجاد شد که در مرحله بعد، یعنی استقرار انقلاب نبوی در مدینه بنای جامعه اسلامی و جامعه مدنی و نبوی، بر روی آن‌ها پایه‌گذاری گردید (1)

2-2- نقش حضرت خدیجه علیها السلام در مرحله ایجاد انقلاب نبوی

یکی از نمودهای بارز موفقیت نبی مکرم صلی الله علیه و آله در عملیات فردسازی تربیت و همراه کردن تعدادی از یاران بود که با جان و مال خود، در راه اهداف الهی آن حضرت حرکت کنند و از ایشان حمایت نمایند از جمله این شخصیت‌ها بانوی بزرگ اسلام حضرت خدیجه علیها السلام است. در ادامه، به برخی از اقدامات و تأثیرات آن حضرت در فرایند تکاملی انقلاب نبوی - که عموم آن‌ها به مرحله ایجاد و سپس مرحله استقرار انقلاب نبوی مربوط است - اشارتی خواهد شد

1-2-2- اعلام ایمان و پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دوران اختناق

برای شروع هر انقلابی، رهبر آن، ابتدا به پیرو و یار و یاور نیاز دارد. حضرت خدیجه علیها السلام به همراه حضرت علی علیه السلام، اولین کسانی بودند که به آن حضرت ایمان آوردند و در این راه تمام سختی‌ها را به جان خریدند. روشن است که اعلام ایمان و پیروی در آغاز انقلابی که رهبر آن هیچ قدرت و ثروتی ندارد و حتی در ظاهر امید به هیچ پیروزی نیز در کار نیست، خود بزرگ‌ترین حمایت برای رهبری آن انقلاب به شمار می‌رود؛ و گرنه ایمان آوردن بعد از کسب پیروزی و قدرت از لحاظ ارزش و تأثیر قابل مقایسه با ایمان و پیروی در آغاز انقلاب نیست. رهبر انقلاب با اشاره به اهمیت پیروی از رهبری یک انقلاب در دوران سختی و مرارت می‌فرماید:

وقتی که اوضاع خوب است، کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده‌اند همه از اوضاع راضیند؛ می‌گویند خدا پدرش را بیامرزد، ما را به این وضع خوب آورد وقتی سختی پیدا می‌شود، همه دچار تردید

ص: 330

روشن است که این سختی ها در آغاز هر انقلاب، به دلیل فقدان پشتوانه مالی و نظامی، از کم و کیف بیش تری برخوردار است و طبیعتاً پیروی از یک رهبر در این ایام ارزش و اهمیت والایی داشته در پیشبرد اهداف انقلابی رهبری تأثیر بنیادینی دارد از این منظر ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در اولین ساعات بعثت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و پیروی این هر دو از آن حضرت از اهمیت والایی برخوردار است رهبر انقلاب با اشاره به این مهم از قول حضرت علی علیه السلام نقل می کند:

و لم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله صل الله علیه و اله و خدیجة و انا ثالثهما؛

تنها خانه ای که اهل، آن مسلمان، بودند خانه ما بود؛ پیغمبر بود، خدیجه بود و من (2)

2-2-2- حمایت مالی مستقیم و غیر مستقیم

حضرت خدیجه علیها السلام اولین شخصیتی بود که به حمایت تمام قد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اهتمام نمود و جان و مال خود را در این راه فدا نمود. برخی از دانشمندان اهل سنت این ویژگی را یکی از قدر مشترک های آن بانو با حضرت آسیه و حضرت مریم دانسته اند:

قدر مشترک در میان، مریم آسیه و خدیجه این است که هر یک از این ها پیامبر مرسل را تحت کفالت خود گرفته است آسیه، حضرت موسی علیه السلام را کفالت و تربیت کرد و چون مبعوث شد به او ایمان آورد؛ مریم حضرت عیسی علیه السلام را کفالت نمود و بزرگش کرد و چون مبعوث شد، به او گروید؛ خدیجه علیها السلام نیز پیشنهاد ازدواج به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و داد، همه اموالش را در راه او تقدیم کرد و چون وحی بر آن حضرت نازل شد به او ایمان آورد. (3)

ص: 331

1- همو، 1377/2/7

2- همو، 1383/7/21.

3- البداية و النهایة، ج 3، ص 129

اهمیت حمایت های همه جانبه به خصوص حمایت مالی حضرت خدیجه از نبی مکرم در آغاز انقلاب نبوی، آن گاه روشن می شود که بدانیم در دوران انقلاب و اختناق، نقش کمک های مالی بنیادین است و اگر کمک های مالی حضرت خدیجه علیها السلام در ابتدای انقلاب نبوی، نبود، به احتمال زیاد فرآیند تکاملی انقلاب نبوی در آغاز راه مختل می گردید:

خدیجه کبری علیها السلام در آغاز اسلام ایمن آورد؛ بزرگ ترین حرکت را به عنوان یک بانوی کامله و عاقله و بزرگوار انجام داد اول مؤمن به اسلام او بود. بعد هم همه ثروت خود را در راه دعوت اسلام و ترویج اسلام خرج کرد و تأثیر این کار را کسانی می دانند که در مبارزات و دوران اختناق، نقش کمک های مالی را به مبارزین تجربه کردند؛ اگر کمک های خدیجه علیها السلام، نبود شاید در حرکت اسلام و پیشرفت اسلام یک اختلال و وقفه عمده ای به وجود می آمد. (1)

حمایت های مالی حضرت خدیجه علیها السلام از انقلاب نبوی، صرفاً به حمایت های مستقیم ختم نمی شود؛ حمایت های مالی غیر مستقیم ایشان در دوران سخت تحریم قریش نیز از ایجاد خلل در فرآیند انقلاب نبوی جلوگیری کرد. توضیح این که حضرت خدیجه پیش از ازدواج از تاجران نامی حجاز به شمار می رفت و روابط خوبی با دیگر تاجران داشت. وی در دوران سخت تحریم در شعب ابی طالب، از این روابط بهره می گرفت و به اصطلاح امروزی، تحریم های قریش را دور می زد این امر نیز نکته ای مهم در تحلیل نقش آن بانو در پیشرفت اسلام است که نباید از چشم دور بماند؛ چنان که رهبر انقلاب از این امر به عنوان یکی از مزایا و خدمات آن بانو به اسلام یاد کرده است. (2)

3-2-2- ایستادگی و مقاومت در تحریم و محاصره شعب ابی طالب

تاریخ حکایت می کند که هر گاه ندایی و انقلابی در جهت حق طلبی و بر ضد ستمگری و استبداد قد برافراشته است مستکبران و مستبدان، از هر راهی برای

ص: 332

1- رهبر انقلاب اسلامی، 1365/3/2

2- همو، 1368/7/28

نابودی و خاموش کردن آن انقلاب بهره گرفته اند. حملات سرد و گرم، مبارزات مخفی و عیان، تهاجم فرهنگی و نرم و... هجمه اقتصادی در قالب محاصره و تحریم اقتصادی از جمله این هجمه هاست همان که امروز ملت مسلمان ایران با آن مواجهند. از قضا دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز پس از ناکامی در متوقف کردن انقلاب نبوی با استفاده از محاصره و تحریم اقتصادی-سیاسی و فرهنگی تلاش نمودند پیروان ایشان را از اطراف حضرت پراکنده سازند و انقلاب الهی پیامبر صلی الله علیه و آله را از پای در آورند. بر اساس گزارش های مسلم تاریخی، ستمگران مکه در این تصمیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و ابستگان و اطرافیان و پیروان حضرتش را در شعب ابی طالب تحت محاصره همه جانبه ای قرار دادند محاصره، سیاسی فرهنگی و اقتصادی این محاصره تا سه سال ادامه داشت. در این مدت سختی ها و آسیب های فراوانی بر پیکر گروه اندک مسلمانان وارد شد. در این مدت تمامی دارایی حضرت خدیجه و حضرت ابوطالب خرج شد و ارتباط آن حضرت با بیرون از شعب به طور رسمی قطع گردید. در این میانه و در عین سختی ها و مشکلات بیماری ها و گرسنگی ها در آب و هوای طاقت فرسای حجاز یاران و پیروان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پای پس نکشیدند و با تمام سختی ها مقابله نمودند اهمیت این مقاومت زمانی هویدا می شود که به عمق سخن رهبر انقلاب در این زمینه دست یابیم:

وقتی که اوضاع خوب است کسانی که دور محور یک رهبری جمع شده اند همه از اوضاع راضیند؛ می گویند خدا پدرش را بیامرزد ما را به این وضع خوب آورد وقتی سختی پیدا می شود همه دچار تردید می شوند می گویند ایشان ما را آورد؛ ما که نمی خواستیم به این وضع دچار شویم! البته ایمان های قوی می ایستند. (1)

تاریخ نقل کرده که یاران و پیروان صدیق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تکیه برای مان مستحکم خویش در این راه ایستادند و مقاومت نمودند؛ ولی در عین حال،

ص: 333

«همه سختی ها به دوش پیامبر صلی الله علیه و آله فشار می آورد»⁽¹⁾ در این اوضاع، حضرت خدیجه تمام قد به حمایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرداخت و اموال خویش را در این راه تقدیم نمود همچنین در این مدت به حمایت عاطفی و معنوی از آن حضرت همت گمارد و همواره به آن حضرت دلگرمی می بخشید. رهبر انقلاب درباره وضعیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سختی های آن دوران می فرماید:

آن زمان که در شعب ابی طالب همه راه های عافیت بر مسلمانان و وجود مقدس نبی اسلام صلی الله علیه و آله بسته شده بود؛ نه امکانات زیستی نه امکانات، رفاهی نه آسودگی خاطر؛ دائم دغدغه تهاجم دشمنان، دائم خبرهای بد، صدای گریه کودکان از گرسنگی، بلند انواع ناراحتی هایی که در آن دره خشک وجود داشت و این عده خانواده مسلمان برای مدت سه سال مجبور به اقامت شده بودند - و چه سختی ها کشیدند و همه این سختی ها هم از مبدأ یکایک این انسان ها از کوچک و بزرگ حرکت می کرد و روی دوش پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می نشست؛ چون رهبر بود؛ چون همه به او متکی بودند همه دردها را پیش او می آوردند همه فشارها را او حس می کرد.⁽²⁾

در این میان حضرت خدیجه تنها مونس و غم خوار آن حضرت بود در حقیقت اقدامات حضرت خدیجه در این ایام بخشی معطوف به کل مسلمانان بود که به عنوان بانوی اول اسلام و مادر تمامی مؤمنان، مادرانه به اوضاع مسلمانان رسیدگی می کرد و با هزینه کردن ثروت خویش روحیه استقامت و پایداری را در آن ها زنده نگاه می داشت. بخشی دیگر نیز به شخص نبی مکرم معطوف بود و به تعبیر رهبر انقلاب حضرت خدیجه در تمام ایام عمر و خصوصاً در ایام سخت شعب ابی طالب، «بزرگ ترین کمک روحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رفت»⁽³⁾ این دو نوع اقدام از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار در

ص: 334

1- همان.

2- رهبر انقلاب اسلامی، 1376/6/26.

3- همو، 1377/2/7.

زمان محاصره و تحریم و پیروزی اولیه اسلام به شمار می رود رهبر انقلاب در تبیین و تحلیل دوران محاصره و تحریم در شعب ابی طالب و مقاومت مسلمانان در این ایام و عامل این استقامت می فرماید:

همان ایستادگی اول، بعثت منجر می شود به استقامت عجیب سه سال در شعب ابی طالب شوخی نیست؛ سه سال در یک دره ای در مجاورت، مکه بدون آب بدون گیاه در زیر آفتاب سوزان پیغمبر جناب ابی طالب، جناب خدیجه همه مسلمان ها و همه خانواده های شان توی این تکه- شکاف کوه - زندگی کردند راه هم بسته بود که برای این ها غذا نیاید خوراک نیاید. گاهی در ایام موسم - که بر طبق سنن جاهلی آزاد بود، یعنی جنگ نبود - می توانستند داخل شهر بیایند، اما تا می خواستند جنسی را در دکانی معامله کنند ابوجهل و ابولهب و بقیه بزرگان مکه به نوکرها و فرزندان خودشان سفارش کرده بودند که هر وقت آن ها خواستند جنسی را بخرند شما وارد معامله شوید دو برابر پول بدهید جنس را شما بخرید و نگذارید آن ها جنس بخرند با یک چنین وضعیت سختی سه سال را گذراندند. این شوخی است؟ آن استقامت، اولی آن عمود مستحکم این خیمه، آن دل متوکل علی الله است که چنین استقامتی را در فضا به وجود می آورد که آحاد صبر می کنند. شب تا صبح بچه ها از گرسنگی گریه می کردند که صدای گریه بچه ها از توی شعب ابی طالب به گوش کفار قریش می رسید و ضعفای آن ها هم دل شان می سوخت؛ اما از ترس اقویا جرأت نمی کردند کمک کنند اما مسلمان که بچه اش در مقابلش پرپر می زد - که چقدر در شعب، مردند چقدر بیمار شدند، چقدر گرسنگی کشیدند - تکان نخورد (1)

روشن است که وجود شخص خدیجه و نیز ثروت آن حضرت، چقدر در این ایام سخت تحریم و محاصره به داد مسلمانان رسیده و چه نقش تأثیر گذاری در پیشبرد اهداف عالی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم ایفا کرده است؛ چنان که به تعبیر رهبر انقلاب اگر حضرت خدیجه و ثروت آن بانو در این ایام سخت در اختیار

ص: 335

در تمام انقلاب‌هایی که با برنامه ریزی درست صورت می‌گیرد، از همان ابتدا یکی از دغدغه‌های رهبری انقلاب و نیز انقلابیون، مسأله جانشینی رهبری است. در انقلاب نبوی نیز این امر از اهمیت بسزایی برخوردار بود، به گونه‌ای که اولین اقدام نبی مکرم پس از علنی کردن دعوت خویش، تعیین جانشین برای خود بود که در داستان دعوت سران و بزرگان، قریش حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین و وصی خود تعیین نمودند. جالب این جاست که این وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بنابه مصلحت الهی و نیز اطلاع الهی نبی مکرم از وصایت حضرت علی علیه السلام، از دوران طفولیت در خانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در آغوش گرم آن حضرت و دامن مطهر حضرت خدیجه تحت تربیت و رشد قرار گرفته است. (2) از این منظر نیز حضرت خدیجه در جریان انقلاب نبوی، نقشی بنیادین داشت؛ زیرا تربیت جانشین رهبری انقلاب، تأثیر عمیقی در مراحل مختلف انقلاب- ایجاد، استقرار و استمرار- دارد نقش این امر در ایجاد انقلاب آن جاست که برنامه ریزی شده بودن انقلاب را به رخ می‌کشد که این انقلاب انقلابی ابتر نیست که با رفتن رهبر، از بین برود. بنابراین «ایجاد امید به آینده انقلاب» و در نتیجه پایداری و استقامت پیروان نقش مهم این مسأله در ایجاد انقلاب است. این مهم در مراحل استقرار و توسعه انقلاب نیز اثری عملی دارد که به طور فیزیکی و حضور شخص جانشین در رأس انقلاب و مدیریت آن خود را می‌نمایاند. حضرت خدیجه با نگاه داری مادرانه و تربیت درست حضرت علی علیه السلام، خدمت کلان و با ارزشی به انقلاب نبوی نمودند؛ تربیتی که حاصل آن به تعبیر رهبر انقلاب «شخصیتی مسلمان، انسانی کامل طراز عالی انسانیت و الگو»، «جوانی مؤمن

ص: 336

1- همو، 1365/3/2.

2- همو، 1383/7/21.

نورانی متصل به منبع وحی، مؤمن، واقعی، پرهیزگار و پاکیزه کامل» و «سردار طراز اول مؤمن طراز اول شاگرد طراز اول پیغمبر و عبادت کننده طراز اول در میان همه مسلمانان» بود و جملگی این امور مدیون زحمات و تلاش های حضرت خدیجه است که پا به پا و در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تربیت حضرت علی علیه السلام همت گمارده بود. (1)

5-2-2- تربیت مونس و غم خوار نبی مکرم صلی الله علیه و آله و همسر وصی انقلاب

از دیگر خدمات چشم گیر حضرت خدیجه به پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم و انقلاب الهی ایشان به دنیا آوردن و تربیت شخصیتی بود که بعدها به سبب خدمات بنیادینش به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، لقب «ام ایها» را از جانب آن حضرت دریافت و کرد در واقع حضرت خدیجه با تربیت درست و دقیق حضرت زهرا علیها السلام، علاوه بر خدمتی که به کل جریان انقلاب نبوی، نمود برای دوران اولیه ایجاد آن نیز تأثیر شگرف داشت؛ زیرا در مدت کوتاهی پس از محاصره و تحریم شعب ابی طالب، حضرت خدیجه، یار باوفا و مونس و غم خوار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اثر شدت آسیب های وارده و نیز حضرت ابوطالب دیگر حامی بزرگ آن حضرت از دنیا رفتند و در صف کم شمار اما مقاوم پیروان حضرت رخنه ای عظیم ایجاد شد که می توانست آسیب هایی جدی به جریان انقلاب وارد نماید. اما حضرت خدیجه علیها السلام، با پرورش و تربیت حضرت زهرا علیها السلام و حضرت علی علیه السلام، توانست برای این روزهای سخت و طاقت فرسای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یار، مونس و حامی تدارک ببیند. حضرت خدیجه علیها السلام با پرورش و تربیت حضرت زهرا علیها السلام خلأ وجودی خود و با پرورش و تربیت حضرت علی علیه السلام خلأ وجودی ابوطالب را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم پر نمود. رهبر انقلاب درباره نقش حضرت زهرا علیها السلام در دوران فقدان حضرت خدیجه علیها السلام و نقش و تأثیر آن بانو در فرآیند روبه جلو انقلاب نبوی می فرماید:

شما ببینید حضرت [فاطمه علیها السلام] چگونه زندگی کرده است! تا قبل از

ص: 337

ازدواج که دخترکی بود با آن پدر به این عظمت، کاری کرد که کنیه اش را ام اییها - مادر پدر - گذاشتند در آن، زمان پیامبر رحمت و نور پدید آورنده دنیای نو و رهبر و فرمانده عظیم آن انقلاب جهانی - انقلابی که باید تا ابد بماند - در حال برافراشتن پرچم اسلام بود بی خود که نمی گویند ام اییها! نامیدن آن حضرت به این کنیه به دلیل خدمت و کار و مجاهدت و تلاش اوست. آن حضرت چه در دوران، مکه چه در دوران شعب ابی طالب - با آن همه سختی ها که داشت - و چه آن هنگام که مادرش خدیجه از دنیا رفت و پیغمبر را تنها گذاشت، در کنار و غم خوار پدر بود دل پیغمبر در مدت کوتاهی با دو حادثه وفات خدیجه و وفات ابی طالب شکست به فاصله کمی این دو شخصیت از دست پیغمبر رفتند و پیغمبر احساس تنهایی کرد فاطمه زهرا علیها السلام در آن روزها قد برافراشت و با دست های کوچک خود غبار محنت را از چهره پیغمبر زدود. ام اییها؛ تسلی بخش پیغمبر این کنیت از آن ایام نشأت گرفت. (1)

ایشان در بیانی دیگر با ادبیات ذیل به تبیین شخصیت و جایگاه حضرت زهرا علیها السلام در فرآیند انقلاب نبوی در دوران خلأ وجودی حضرت خدیجه اشاره می کند:

دختری که در کوره گداخته مبارزات سخت پیغمبر در مکه متولد شد و در شعب ابی طالب یار و غم گسار پدر بود دختری حدوداً هفت-هشت ساله یا دو-سه ساله (بنابر اختلاف، روایات کم تر و بیش تر) در شرایطی که خدیجه و ابوطالب از دنیا رفتند آن شرایط دشوار را تحمل کرد پیغمبر تنهاست؛ بی غم گسار است همه به او پناه می آورند؛ ولی کیست که غبار غم را از چهره خود او بزدايد؟ یک وقت خدیجه بود که حالا نیست؛ ابوطالب بود که حالا نیست در چنین شرایط دشواری در عین آن گرسنگی ها و تشنگی ها و سرما و گرمای دوران سه ساله شعب ابی طالب که از دوران های سخت زندگی پیغمبر است و آن حضرت در دره ای با همه مسلمانان، معدود، در حال تبعید اجباری زندگی می کردند این دختر مثل

ص: 338

یک فرشته نجات برای پیغمبر؛ مثل مادری برای پدر خود؛ مثل پرستار بزرگی برای آن انسان، بزرگ مشکلات را تحمل کرد. غم گسار پیغمبر شد؛ بارها را بر دوش گرفت (1)

ایشان در بیانی دیگر این نقش را این گونه به تصویر می کشد:

این مخدره، بزرگوار در میدان های سختی که داشتند، مایه دل گرمی شوهر و پدرش بود. این بزرگوار در سال پنجم بعثت متولد شده است؛ یعنی در اوج و شدت دعوت پیغمبر؛ عین شدت و سختی و فشار این که شنیده اید در ولادت آن بزرگوار زن ها نیامدند خیلی معنا دارد! یعنی پیغمبر در حال مبارزه بود؛ آن چنان مبارزه ای که مردم مکه او را بایکوت کرده بودند. به، کل رابطه هاشان را بریده بودند برای این که او را زیر فشار قرار دهند و آن زن فداکار - خدیجه کبری علیها السلام - استقامت کرد و به پیغمبر دل گرمی داد. بعد هم این دختر رسید. این دختر در حالی که بزرگ می شد و به پنج - شش سالگی می رسید ماجرای شعب ابی طالب پیش آمد. در آن گرسنگی ها، سختی ها، فشارها غربت ها در آن روزهای داغ از آفتاب و شب های سرد از هوای آن منطقه در حالی که بچه ها با شکم های گرسنه و لب های تشنه جلو چشم شان پرپر می زدند سه سال پیغمبر، در بیابان های اطراف مکه این طور زندگی می کرد و این دختر در این دوران سخت فرشته نجات پیغمبر بود در همین دوران بود که خدیجه از دنیا رفت؛ در همین دوران بود که ابوطالب از دنیا رفت و پیغمبر تک و تنها ماند. در این حال این دختر بود که نوازشش می کرد، از او پذیرایی می کرد دل داری اش می داد و غبار غم و کدورت را از چهره او می زدود. (2)

در نهایت درباره نقش حضرت زهرا علیها السلام در این دوران می فرماید:

در چنین وضعیت سرشار از سختی و محنت و فشار و ناراحتی ناشی از دعوت در راه خدا و صبر در راه، او اتفاقاً در همین ایام جناب ابی طالب هم از دنیا می رود؛ جناب خدیجه کبری علیها السلام هم در مدت کوتاهی به رضوان الهی

ص: 339

1- همو، 71/9/25

2- همو، 1371/9/24.

می پیوندد و پیامبر تنهای تنهاست فاطمه زهرا علیها السلام این دختر چند ساله - حالا بنا به اختلاف، روایات، پنج ساله شش ساله، هفت ساله، ده ساله - تنها کسی است که پیامبر با این عظمت به او تکیه می کند. او مثل مادر از پدر بزرگوار خود پذیرایی می کند. (1)

6-2-2- ارائه الگوهای انسانی طراز اسلام و انقلاب اسلامی

یکی دیگر از تأثیرات حضرت خدیجه در فرایند تکاملی انقلاب نبوی، که تأثیر آن به همان زمان منحصر نیست و تمام تاریخ اسلام مادامی که نامی از اسلام باقی باشد- را شامل می شود ارائه الگوهای انسانی طراز اسلام است. با توجه به این که مهم ترین اقدام و فعالیت در مرحله آغاز انقلاب نبوی عملیات «فرد سازی» است حضرت خدیجه اولاً با تربیت دو انسان والا (حضرت زهرا و حضرت علی) به تمامی بشریت (چه زن و چه مرد) الگوی یک انسان طراز اسلامی حقیقی و ناب را ارائه کرده است. علاوه بر این که شخصیت خود آن حضرت نیز باید به عنوان یک الگوی مورد تأیید نبی مکرم اسلام و دیگر معصومان علیهم السلام مد نظر قرار گیرد. اگر زنان مسلمان و به خصوص زنان مسلمان ایران اسلامی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را به عنوان الگوی خویش انتخاب و بر آن حضرت اقتدا نمایند به یقین جامعه و نظام اسلامی در پیشبرد اهداف عالی اسلامی و انسانی خویش به موفقیت های چشم گیری دست خواهند یافت؛ چنان که حضور این بانوی بزرگ در فرآیند انقلاب نبوی، بیان گر تأثیر شگرف و بنیادین ایشان در موفقیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصول به اهداف اصلی خویش بوده که پیشتر به مواردی از این تأثیرات اشاره شد. امروز و با توجه به هجوم دشمنان اسلام از طریق زنان اگر زنان مسلمان به حضرت خدیجه علیها السلام و حضرت زهرا علیها السلام به عنوان الگو اقتداء کنند بی شک طرح استعمار در به چالش کشیدن اسلام و نظام اسلامی از مسیر توطئه در مسأله زن به جایی نخواهد رسید. به تعبیر رهبر انقلاب: «[مادامی که] آفتاب درخشان خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام

ص: 340

وزینب کبری علیها السلام می درخشد طرح های کهنه و نو ضد زن به نتیجه نخواهد رسید» و نتیجه اقتدا به این آفتاب های درخشان این بوده که «هزاران زن کربلایی ما نه تنها خطوط سیاه ستم های ظاهری را در هم شکسته اند بلکه ستم های مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده و نشان داده اند که حق کرامت الهی زن بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن ، هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است». اگر زن مسلمان ایرانی به حضرت خدیجه و اولاد گران قدر آن بانوی بزرگ اقتدا، نماید خواهد توانست «نماد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است بنمایاند». (1)

ص: 341

1- همو، 1391/12/16.

1. ابن حجر، الاصابه ، بيروت، دارالكتب العلميه 1835م .
2. ابن حجر، فتح الباری، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
3. ابن عساکر، تاریخ دمشق، داراحیاء التراث العربی، 1421 ق.
4. ابن کثیر، البدایه والنهایه ، بیروت ، مکتبه المعارف، 1408 ق .
5. ابن هشام، السیره النبویه ، تحقیق طه عبدالرؤف سعد، بیروت، دارالجمیل، 1410 ق.
6. ازرقی، تاریخ مکه ، تحقیق رشدی صالح ، محسن، مکه المکرمه، دار الثقافه 1398ق.
7. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت، دارالفکر، 1398 ق.
8. عباس علی مشکانی سبزواری ، «غدیر؛ سرآغاز مرحله توسعه انقلاب نبوی» روزنامه کیهان ، 1393/7/19
9. کلینی، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، دار الأضواء ، 1405 ق.
10. گنجی شافعی، کفایة الطالب، تهران، دار احیاء التراث اهل البيت، 1404 ق.
11. محدث قمی، کحل البصر فی سیره سید البشر، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1404 ق.
12. بیانات رهبر معظم انقلاب از سایت Khamenei.ir

*بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه‌ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام: سید محمود سامانی (1)

چکیده

شخصیت والای خدیجه کبری علیها السلام، موجب شده تا اندیشه واران مسلمان، اعم شیعه و سنی هم چنین برخی شرق شناسان، درباره ایشان اظهار نظرهایی داشته باشند در حالی که با استقصای صورت گرفته اثری که به صورت مستقل متکفل بحث از این دیدگاه‌ها و دسته بندی و گونه شناسی آن‌ها به لحاظ تاریخی، باشد موجود نیست از این رو مقاله، حاضر در صدد بررسی تاریخی گونه شناسی دیدگاه‌ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام است. هدف از این پژوهش آن است تا ضمن شناخت بیشتر با ابعاد شخصیت والای آن حضرت و الگو قرار دادن وی با انواع دیدگاه‌ها و وجه شباهت‌ها و احیاناً تفاوت‌های آن‌ها در نگرش به شخصیت آن حضرت آشنا شده افزون بر معرفی یکی از اسوه‌های زن در اسلام نقشی در همگرایی مسلمانان داشته باشیم که امروزه دشمن برای تفرقه میان آنان تلاش می‌کند این نوشتار به مهم‌ترین گونه‌های دیدگاه‌ها البته با سیر تاریخی اشاره می‌کند

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام اهل بیت علیهم السلام صحابه، اندیشه واران اهل سنت، متفکران شیعه

ص: 343

بررسی شخصیت و سبک زندگی نقش آفرینان بزرگ در تاریخ اسلام و شناخت راه و رسم آنان می تواند برای تمام انسان ها الگو باشد. در میان همسران رسول الله صلی الله علیه و آله، حضرت خدیجه علیها السلام شخصیتی است که به سبب ایثارگری در حد اعلا و تلاش فوق العاده در پیشبرد اهداف اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز متخلق به اخلاق الله بودن و سیره عبادیش موجب جلب توجه قشرهای مختلف به ویژه اندیشه وران اعم مسلمان و غیر مسلمان بوده است. آنان هر یک در وصف آن حضرت سخنانی گفته و دیدگاهی را عرضه کرده اند که درخور تأمل است؛ در حالی که به این موضوع یک جا و به صورت دسته بندی شده و با در نظر گرفتن سیر تاریخی دیدگاه ها پرداخته نشده است. از این رو، انعکاس و بازتاب این دیدگاه ها از هر قشر و مذهبی که غالباً نیز همگرایی در آن ها مشاهده می شود، کار مناسبی به نظر می رسد این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش هاست که دیدگاه های راجع به خدیجه کبری علیها السلام را چگونه می توان گونه شناسی کرد و هر گونه ای چگونه به وصف آن بانوی بزرگ پرداخته اند؟ نکات مشترک و احیاناً تفاوت این دیدگاه ها کدامند؟ فرضیه مقاله آن است که در تمام دیدگاه ها آن حضرت به عنوان برترین زنان در دانایی و پارساترین فرد در عصر خود معرفی گردیده و از ایشان ستایش شده است. نظر به گستردگی گونه ها درباره نخستین همسر رسول الله صلی الله علیه و آله مباحث این مقاله در محورهای ذیل سامان یافته است:

الف) دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام

پرداختن به دیدگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام از دو جهت اهمیت دارد: نخست آن که به لحاظ تاریخی پیامبر صلی الله علیه و آله نخستین کس از میان مسلمانان هستند که اظهار نظرهای ستایش آمیز و به حقی درباره همسرشان داشته اند و نظر ایشان دست کم برای مسلمانان باید فصل الخطاب باشد. ثانیاً دیدگاه اهل بیت علیهم السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام است به عنوان نزدیک ترین افراد به

وی و آگاه به آن چه در خانه می گذرد (اهل البیت ادری بما فی البیت)؛ از این رو، در این بخش جهت تیمن و تبرک و نیز رعایت سیر تاریخی عرضه دیدگاه ها از انعکاس دیدگاه نزدیک ترین فرد به آن بانوی مکرمه یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز می کنیم آن حضرت سخنان و اظهار نظرهایی بسیار ستایش آمیزی درباره ایشان داشته اند؛ از جمله:

1. خدیجه علیها السلام از بهترین و برترین زنان

در معرفی حضرت خدیجه علیها السلام با این، وصف روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که به مواردی از آن ها برای نمایاندن شخصیت و جایگاه نخستین زن، مسلمان اشاره می شود. به گفته ابن عباس رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط روی زمین کشیدند و فرمودند: «آیا می دانید این خطوط چیست؟» گفتند: «خدا و رسولش بهتر می دانند» فرمودند: «بهترین زنان بهشت خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمد مریم دختر عمران و آسیه دختر مزاحم و همسر فرعون هستند». (1) نیز ابن اثیر به سند خود از انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می کند «خیر نساء العالمین: مریم بنت عمران آسیه بنت مزاحم، خدیجه علیها السلام بنت خویلد و فاطمه بنت محمد». (2) هم چنین فرمودند: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: این خدیجه است که نزد تو می آید؛ از طرف پروردگار و من بر او سلام برسان و او را به خانه ای از جواهر در بهشت بشارت ده». (3) عایشه هم این روایت را نقل کرده است. (4)

ص: 345

1- المستدرک علی الصحیحین، ج 2، ص 497؛ مسند احمد، ج 1، ص 293 و 316 و 322.

2- الفصول المهمه، ج 2، ص 1168؛

3- «أتانی جبرئیل فقال هذه خدیجه فاقراً من ربها سلام و بشرها بیت فی الجنهمن قصب لا صخب و لا نصب». (انساب الاشراف، ج 2، ص 35؛ صحیح بخاری، ج 4، ص 278).

4- الاستیعاب، ج 4، ص 381.

2. نخستین زن مسلمان

خدیجه علیها السلام نخستین زنی بود که به رسول الله صلی الله علیه و اله ایمان آورد و این از ویژگی های معنوی آن بانوی بزرگوار بود وی ایمان آورنده واقعی به خدا و رسولش و باورمند به بهشت و دوزخ بود. در برخی منابع، آمده است:

(وَجَاءَتِ النَّبُوءَةَ فَأَسْلَمَتْ فِيهَا أَوَّلُ امْرَأَةٍ آمَنَتْ بِهِ ... (1))

چون امر نبوت ظاهر شد، خدیجه علیها السلام به اسلام رو آورد. او نخستین بانویی است که ایمان آورد...

یکی از حقایق دقیق تاریخی و روایی این است که خدیجه علیها السلام، نخستین بانویی بودند که به پیامبر صلی الله علیه و آله و پیام آسمانی ایشان ایمان آوردند. این ویژگی معنوی او به طوری معروف است که در میان تاریخ نگاران، محدثان و دانشمندان نظر مخالفی ندارد. (2) بنابه نقلی در آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله در بستر رحلت قرار گرفتند، حضرت زهرا علیها السلام بسیار پریشان و گریان بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله دختر خود را به وجود پر برکت امام علی علیه السلام دل داری دادند، و ضمن یاد از خدیجه علیها السلام فرمودند:

دل خوش دار که علی علیه السلام، نخستین شخص از این امت است که به ذات پاک خدا و رسولش ایمان آورد او و خدیجه علیها السلام مادر تو، اولین افرادی بودند که به اسلام پیوستند. (3)

3. بهترین مشاور

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بارها در برابر ادعای برخی از همسران خود در تجلیل از خدیجه علیها السلام می فرمودند:

(مَا أَبَدَ لِيَّيَ اللَّهُ خَيْرًا مِنْهَا لَقَدْ آمَنَتْ بِي حِينَ كَفَرَ النَّاسُ وَصَدَّقْتَنِي حِينَ

ص: 346

1- شیخ طوسی، امالی، ص 259؛ صفة الصفوة: ج 2 ص 7

2- تاریخ، یعقوبی، ج 2، ص 23 و 31 استیعاب، ج 4، ص 380.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 22، ص 522.

كَذَّبَنِي النَّاسُ...»؛ (1)

خداوند هرگز همسر و همراه و مشاوری بهتر از او به من ارزانی نداشته زیرا در آن وضعیت بحرانی که مردم به دعوت توحیدی من کفر می ورزیدند، او با شهامت و درایت به راه و رسم آسمانی من ایمان آورد و آن گاه که آنان مرا در رسالتم، دروغ گو می دانستند او با اخلاص و راستی مرا در دعوتم گواهی داد و....

4. بهترین جده

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد در حضور مردم در شأن حسنین علیه السلام مطالبی فرمودند؛ از جمله:

(أَيُّهَا النَّاسُ! أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ النَّاسِ جَدًّا، وَجَدَّةً)؛

ای مردم! آیا شما را خبر ندهم به بهترین انسان ها از جهت جد و جده؟ حاضران عرض کردند «آری، خبر بده!» فرمود:

الحسن و الحسين جدهما رسول الله وجدتهما خديجة بنت خويلد؛

آن ها حسن و حسین علیهما السلام هستند که جدشان رسول خدا محمد صلی الله علیه و اله و جده آن ها خدیجه علیها السلام دختر خویلد است (2)

5. مباحات فرشتگان به خدیجه علیها السلام

پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از بارداری خدیجه علیها السلام به فاطمه علیها سلام برای او پیام فرستادند. آن حضرت در چهل شبانه روز اعتزال از خدیجه علیها السلام توسط عمار یاسر به خدیجه علیها السلام چنین پیام دادند:

(إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبَاهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مِرَارًا)؛

همانا خداوند متعال به افتخار وجود تو هر روز به طور مکرر به فرشتگان

ص: 347

1- احمد بن حنبل، مسند، ج 6 ص 117، ح 24908.

2- تاریخ مدینه دمشق، ج 31، ص 922.

بزرگش افتخار می کند. (1)

دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

اشاره

پس از ذکر جملاتی از سخنان گهربار رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره حضرت خدیجه علیها السلام، به سخنان و دیدگاه برخی از اهل بیت علیهم السلام درباره آن بانوی بزرگ می پردازیم:

1. امیر مؤمنان علی علیه السلام

افزون بر آن که حضرت علی علیه السلام حضرت خدیجه علیها السلام را بزرگ حامی رسول خدا صلی الله علیه و اله و اسلام می دانستند، او را مادر پر مهر و مربی دل سوز و آموزگار لایق دوران کودکی خود می شناختند آن حضرت خدیجه علیها السلام را در همه فراز و نشیب های پس از بعثت و آغازین سال های دعوت آزادی بخش پیامبر صلی الله علیه و اله، هم رزم و همراه خویش در دفاع از قرآن و پیامبر صلی الله علیه و اله و اسوه مقاومت و ایثار می دانستند؛ امام علی علیه السلام در گفتار خود برایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام در همان روز بعثت یعنی دوشنبه و نماز خواندش در عصر همان روز صحه گذاشته اند. (2)

امام علی علیه السلام در سوگ جان سوز حضرت خدیجه علیها السلام در سال دهم بعثت که «عام الحزن» نام گرفت، به شدت گریستند و در سروده ای چنین فرمودند:

ای دو چشم من باران اشک از آسمان دیدگانم فرو بارید. خدا این گریه را در سوگ دو یار فداکار اسلام و دو پشتیبان بی همانند پیامبر صلی الله علیه و اله بر شما مبارک سازد. ای دو چشم من! در سوگ غم بار سالار حجاز ابوطالب و رحلت جان سوز سالار زنان که نخستین بانوی توحید گرا و پیشتاز ترین زن در راه آزادی بود و با پیامبر صلی الله علیه و اله نماز می گزارد، باران اشک فرو بارید. بر همان بانوی پر برکتی که خدا او را به سبب شایسته کرداریش به شاه راه فضیلت ها راه نمود.

ص: 348

1- بحار الانوار، ج 16، ص 78؛ الدر النظیم، ص 452

2- شرح نهج البلاغه، ج 13، ص 229، ج 4، ص 120.

امیر مؤمنان علی علیه السلام وجود خدیجه علیها السلام را جزو افتخارات اهل بیت علیهم السلام می دانستند چنان که در جواب نامه معاویه بدان اشاره فرمودند و آن بانوی بزرگ را فخر خاندان رسول الله صلی الله علیه و سلم معرفی کردند و در مقابل، «حماله الحطب» را از بنی امیه دانستند. (1)

2. امام مجتبی علیه السلام

در عصر امامت امام حسن علیه السلام، پس از آن که معاویه بر اوضاع مسلط شد به کوفه آمد و چند روز در آن شهر ماند و از مردم برای خود بیعت گرفت. پس از پایان کار بر بالای منبر رفت و خطبه خواند و آن چه توانست به ساحت مقدس امیر مومنان علی علیه السلام آن هم در حضور امام حسین علیه السلام جسارت کرد و ناسزا گفت. امام حسین علیه السلام برخاستند تا پاسخ معاویه را بدهند امام حسن علیه السلام دست او را گرفتند و نشانیدند و خود برخاستند و فرمودند:

ای آن که علی علیه السلام را به بدی یاد کردی! منم حسن و پدرم علی علیه السلام است و تویی معاویه و پدرت صخر است مادر من فاطمه علیها السلام و مادر تو هند جگرخوار است؛ جد من رسول خدا صلی الله علیه و اله و جد تو حریاست؛ جده من خدیجه (بانوی بزرگ اسلام) ولی جده توفتیه (زن زشت کار جاهلیت). است خداوند لعنت کند از ما آن کس که نامش پلید و حسب و نسبش پست تر است. (2)

3. امام حسین علیه السلام

در روز عاشورا امام حسین علیه السلام در معرفی خود به دشمن فرمودند «بدانید که جده من خدیجه علیها السلام دختر خویلد است!» (3)

ص: 349

-
- 1- نهج البلاغه، نامه 28، (ام جمیل عوراء خواهر ابوسفیان و همسر ابولهب است که قرآن کریم او را حماله الحطب خطاب کرده است)
 - 2- مقاتل الطالبیین، ص 70؛ الارشاد، ج 2، ص 15؛ شرح نهج البلاغه، ج 16، ص 47؛ کشف الغمه، ج 1، ص 509
 - 3- بحار الانوار، ج 44، ص 318 و 45، ص 6.

4. امام سجاد علیه السلام

ایشان نیز در مجلس شاهانه یزید در دمشق در خطبه معروف خود، این چنین خود را معرفی فرمودند: «أَنَا بَنُ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى؛ مِنْ پسر خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ اسلام هستم» (1)

5. امام صادق علیه السلام

در جواب پرسش ابان بن تغلب درباره شأن نزول آیه (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ...) فرمود:

ما اهل بیت هستیم و «ازواجنا» همان حضرت خدیجه علیها السلام و ذریاتنا حضرت فاطمه و «قره اعین» حسنین علیه السلام و مراد از (وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) علی بن ابی طالب علیه السلام است. (2)

منسوبان به اهل بیت علیهم السلام نیز به مناسبت های مختلف از حضرت خدیجه علیها السلام یاد کرده و به او فخر نموده اند، از جمله:

1. حضرت زینب علیها السلام را در کربلا- در روز یازدهم محرم سال 61 قمری، هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمدند مطالبی جان سوز گفتند، از جمله پس از ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، از خدیجه علیها السلام یاد کردند و فرمودند: «بابی خدیجه الکبری: پدرم به فدای خدیجه علیها السلام بانوی بزرگ باد!» (3)

2. محمد بن حنفیه از فرزندان امام علی علیه السلام در نزاع با ابن زبیر، وجود خدیجه را در تیره بنی اسد (چون خدیجه علیها السلام از آنان بود) مانع سخنان خود بر ضد بنی اسد می دانست (4)

3. زید بن علی علیه السلام که قیام بزرگی بر ضد حکومت طاغوتی هشام بن عبدالملک اموی به راه انداخت و سرانجام به شهادت رسید، در سخنی در برابر

ص: 350

1- مناقب، ج 4، ص 182؛ بحار الانوار، ج 45، ص 174

2- تفسیر قمی، ج 2، ص 117؛ تفسیر فرات کوفی، ص 295؛ شواهد التنزیل، ج 1، ص 539.

3- بحار الانوار، ج 45، ص 59؛ نفس المهموم، ص 342

4- مروج الذهب، ج 4، ص 97

دشمن، چنین احتجاج کرد:

(وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمَوَدَّةِ، أَبُونَا رَسُولُ اللَّهِ وَجَدَّتْنَا خَدِيجَةُ...)

و ما سزاوارتر به مودت و دوستی هستیم؛ زیرا پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله و جده ما خدیجه علیها السلام است. (1)

4. محمد نفس زکیه از نودگان امام مجتبی علیه السلام نیز در قیام بر ضد عباسیان و در مکاتبه با منصور عباسی به این نکته اشاره کرد که خدیجه علیها السلام که از برترین زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله بود جده ماست. (2)

ب) دیدگاه صحابه درباره حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

صحابه در تعریف عام به کسانی اطلاق می شود که در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله به ایشان ایمان آوردند و با ایشان ملاقات کردند و نیز مسلمان از دنیا رفتند. (3) از میان صحابه، برخی دوران زندگی خدیجه علیها السلام را در مکه مکرمه درک کردند و معاصر آن حضرت بودند و برخی نیز مانند انصار بدون این که ایشان را دیده باشند انعکاس دهنده فضایل خدیجه علیها السلام از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند. در این جا به چند نمونه از دیدگاه ها و روایت هایی که از زبان صحابه نقل شده اکتفا می کنیم:

1. دیدگاه ام سلمه:

وی از همسران بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله بود و روحیه پرسش گری بالایی داشت به موجب نقلی او به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد:

شما از خدیجه امری را ذکر نمی کنید مگر این که او آن چنان بود که می گوید جز این که به سوی پروردگارش شتافت. پس خداوند این را برای او گوارا کند و میان ما و او را در بهشت خود گرد آورد. (4)

2. جابر بن عبدالله انصاری:

وی در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله، سرور زنان جهان را

ص: 351

1- بحار الانوار، ج 27، ص 207.

2- البدایه و النهایه، ج 10، ص 85

3- الاصابه، ج 1، ص 158

4- کشف الغمه، ج 1، ص 487

خدیجه علیها السلام، فاطمه علیها السلام، مریم و آسیه معرفی نموده است. هم چنین به نقل از وی پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را از جمله زنان کامل در جهان و نیز از بهترین زنان معرفی فرمودند.

3. ابوهریره:

وی در، روایتی بهترین زنان جهانیان را فاطمه، خدیجه کبری علیها السلام دختر مریم دختر عمران و آسیه همسر فرعون دانسته است. (1)

4. عبدالله بن زبیر:

وی از صحابه خردسال رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و با آن که با خاندان رسالت دشمنی کرد، در گفتگویی که با حضور بنی امیه و برخی از اشراف قریش ترتیب داده شد به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان عمه اش افتخار نموده گفت: «الست تعلمان عمتي خدیجة سيدة نساء العالمین؛ آیا نمی دانی که عمه ام خدیجه علیها السلام سرور بانوان جهان است؟» (2)

ج) دیدگاه اندیشه وران اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام

1. ابن اسحاق (151 ق):

«خدیجه علیها السلام برای اسلام وزیر صداقت بود». (3) همو گفته است: «خدیجه زنی دوراندیش، شریف و خردمند بود با آن کرامتی که پروردگار آن را برای او خواسته بود». (4)

2. ابن هشام (م 213 ق):

وی نویسنده کتاب معروف السیره النبویه است که ضمن اشاره به نسب والای حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

خدیجه به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان آورد و آن چه را که از خداوند به پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده بود، تصدیق کرد. پس پروردگار بدین، امر بار اندوه را از پیغمبرش سبک، کرد و پیغمبر جوایی ناخوشایند و تکذیبی از برای رسالتش نشیند که او را غمگین، کند مگر این که خداوند آن را به وجود خدیجه علیها السلام برطرف ساخت، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او بر می گشت. (5)

ص: 352

1- الاستیعاب، ج 4، ص 1821؛ الاصابه، ج 8، ص 264.

2- بحرانی، حلیة الأبرار، ج 4، ص: 201.

3- اسد الغابه، ج 5، ص 439.

4- سیره ابن هشام، ج 1، ص 200.

5- سیره النبویه، ج 1، ص 275.

3. بلاذری (م 279 ق):

احمد بن یحیی بن جابر به نقل از محمد بن عمر، واقدی از مغازی نویسان و سیره نگاران مشهور متقدم می نویسد:

خدیده علیها السلام دختر خویند، زنی با اصل و نسب و تاجری ثروتمند بود. خدیجه بانویی، شریف، ثروتمند و دارای اعتبار در روزگار خود به شمار می رفت.

4. زبیر بن بکار (م 256 ق):

وی می گوید: «خدیده، در عصر جاهلیت «طاهره» خوانده می شد». (1)

5. حافظ عبدالعزیز جنابذی حنبلی:

خدیده علیها السلام زنی دورانیش و خردمند و شریف بود. او در آن روز از لحاظ نسب پاک ترین قریش و شریف ترین و ثروتمندترین آن ها بود همه قومش سخت بر ازدواج با او حریص بودند ولی او خودداری ورزید و ازدواج خود را به پیغمبر صلی الله علیه و سلم پیشنهاد کرد و گفت: «ای پسر عمویم! من به تو میل دارم به سبب خویشاوندی تو از من و شرف تو در قومت و امانتت نزد آن ها و خوش اخلاقیت و راستی گفتارت». (2)

6. ابن جوزی (597 ه ق):

جمال الدین ابوالفرج عبدالرحمان بن جوزی از دانشمندان برجسته اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام آورده است:

پیش گامان، در اسلام خدیجه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام هستند. (3)

وی می گوید:

چون امر نبوت ظاهر شد خدیجه به اسلام گروید. او نخستین بانویی است که به او ایمان آورد و پیغمبر هم با زن دیگر ازدواج نمود، تا این که او از دنیا رفت. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم از خدیجه اند. (4)

7. ابن اثیر (630 ق): وی می گوید:

خدیده زنی دورانیش خردمند و شریف بود با آن همه بزرگواری و کرامتی

ص: 353

1- سیر اعلام النبلاء، ج 2، ص 82؛ اسدالغابه، ج 5، ص 435؛ الاصابه، ج 4، ص 273.

2- علی محمد علی دخیل، خدیجه علیها السلام، ص 31.

3- الوفاء باحوال المصطفى، ص 163 و 164

4- صفوه الصفوه، ج 2، ص 2

که پروردگار برای او اراده کرده بود. پس خدیجه کسی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و اله فرستاد و ازدواج خود را به حضرت پیشنهاد نمود او شریف ترین زنان قریش از لحاظ نسب بود و از همه آن ها ثروتمند تر و شریف تر همه قوم او بر ازدواج با او حریص، بودند اگر بدین امر قدرت داشتند. (1)

8. سبط ابن جوزی (م 654 ق):

وی درباره حضرت خدیجه علیها السلام می نویسد:

این بانوی آگاه و پاک سرشت و این انسان شیفته معنویت که حق گرایی، فضیلت طلبی، نواندیشی عشق به کمال و رشد و پیشرفت از ویژگی هایش بود از همان روزگار جوانی نیز یکی از دختران نام دار و با فضیلت حجاز و عرب به شمار می رفت مهم تر از مکتب مادی، وی، ثروت بی پایان معنوی او بود. او با رد درخواست بزرگان و اشراف، قریش و انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان همسر خود نعمت برخوردار از ثروت مادی را با تضمین سعادت مندی آخرت و بهره مندی از نعمت های ابدی بهشت، کامل نمود و خردمندی اش را به رخ همگان کشید او برای دست یابی به این نعمت، اولین مسلمان و اولین تصدیق کننده پیامبر صلی الله علیه و آله شد و به همراه او اولین نماز را بر پا داشت

9. ابن سیدالناس (م 734 ق):

وی از سیره نویسانی است که درباره خدیجه علیها السلام می نویسد:

او زنی شریف و با درایت بود که خداوند خیر و کرامت برای او در نظر گرفته بود. به لحاظ، نسب در طبقه متوسط از انساب عرب جای داشت اما دارای شرافتی عظیم و ثروتی زیاد بود.

سهیلی شارح سیره ابن هشام گوید:

خدیجه صاحب خانه اسلام بود و آن گاه که او ایمان آورد، خانه اسلام روی زمین جز خانه او نبود (2)

همو گوید:

حضرت خدیجه سرور بانوان قریش به شمار می رفت و در جاهلیت و

ص: 354

1- الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 14.

2- الروض الانف، ج 2، ص 426

11. ذهبی (م 748 ق):

محمد بن احمد بن عثمان ذهبی از شاخص ترین 11.

دانشمندان و از پیش گامان رجالیان اهل سنت درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

ام المؤمنین و سرور زنان جهانیان زمان خویش است و او ام القاسم دختر خویلد بن اسد بن عبدالعزی بن قصی بن کلاب قریش اسدی و مادر فرزند رسول خدا صلی الله علیه و اله است. وی نخستین بانویی بود که اسلام آورد، و پیش از هر کس پیغمبر صلی الله علیه و اله را تصدیق نمود و به او پر دلی و شجاعت داد و او را به نزد پسر عموی خویش ورقه برد.

مناقب خدیجه فراوان است. او از میان زنان تنها کسی است که به مرحله کمال رسید او خردمند با جلال، متدین، پاک دامن بزرگوار و از اهل بهشت بود. پیغمبر صلی الله علیه و اله او را ستایش می کردند و بر دیگر زنان مؤمنان برتری می دادند و او را بسیار بزرگ می داشتند تا جایی که عایشه می گفت: «به زنی رشک نبردم آن چنان که به خدیجه حسد ورزیدم زیرا پیامبر صلی الله علیه و اله او را بسیار یاد می کرد».

دلیل بر این گرامی بودن آن است که حضرت پیش از او با زنی ازدواج نکردند. پیغمبر از او دارای فرزندان شدند و با وجود او همسر دیگری انتخاب نکردند و کنیزی نگرفتند، تا این که او دعوت حق را لبیک گفت. پس پیامبر صلی الله علیه و اله از فقدان او غمگین، گشتند زیرا او بهترین خویشاوند بود. از مال خویش به پیامبر صلی الله علیه و اله انفاق می کرد و آن حضرت برای او تجارت می نمودند، و خداوند به او فرمان داد که خدیجه را به خانه ای زبردین در بهشت بشارت دهد که در آن سر و صدایی و رنج و اندوهی نباشد وی در وصفی دیگر می نویسد:

خدیجه سرور بانوان بهشت فرزانه، قریش از تیره، اسد، جلیل القدر، متدین، خویشان دار بزرگوار از بانوان بهشتی و یکی از بانوانی بود که به قله کمال رسیده بودند (2)

ص: 355

1- همان، ج 1، ص 215

2- سیراعلام النبلاء، ج 2، ص 109

12. ابن حجر عسقلانی (م 852 ق):

وی از دانشمندان برجسته اهل سنت در سده نهم هجری است او درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

سرمشأ اهل البیت خدیجه علیها السلام است نه جزا و زیرا حسنین از فاطمه اند و فاطمه دختر اوست و علی هم در خانه خدیجه بزرگ شد و سپس با دختر او ازدواج کرد. (1)

وی در سخن دیگر، رفتار بزرگ بانوی اسلام در قبال رسول الله صلی الله علیه و سلم را چنین وصف کرده است:

خدیجه علیها السلام بر این حریص بود که رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله را به هر شکل ممکن جلب نماید و هرگز از او چیزی دیده نشد که موجب غضب آن حضرت، شود چنان که از دیگران دیده شد. (2)

هم چنین می نویسد:

خدیجه علیها السلام در نخستین لحظات بعثت رسالت آن حضرت را تصدیق نمود اعتقاد راسخ و ثبات قدم او نشان دهنده یقین کامل، عقل وافر و عزم راسخ او بود.

13. عمر رضا کحاله:

وی که دارای تألیفات و از اندیشه وران محسوب می شود درباره نخستین بانوی مسلمان می نویسد:

خدیجه علیها السلام در خانه مجد و سروری متولد شد و بر اخلاق پسندیده پرورش یافت و به دور اندیشی و خرد و پاک دامنی متصف گردید تا این که قومش او را در جاهلیت طاهره نامیدند. (3)

14. علی ابراهیم حسن: وی می نویسد:

هر گاه بخواهیم نمونه ای از یک همسر با اخلاص و پاک دامن و زنی باوقار و خردمند را نشان دهیم بهتر از خدیجه ام المومنین نمی توانیم پیدا کنیم. این بانوی بسیار خردمند، جاهلیت و اسلام را درک کرد و در هر دو دوره، از منزلتی ممتاز بهره داشت تا جایی که طاهره نامیده شد. پس او میان مال و

ص: 356

1- فتح الباری، ج 8، ص 138

2- همان

3- اعلام النساء، ج 1، ص 326.

جمال و کمال را در یک جا جمع کرد این صفات سه گانه هر گاه در یک جا جمع شوند- که معمولاً کم اجتماع می کنند- به زن آثاری از عظمت و بلندی مقام می دهند و حال خدیجه این چنین بود. هم چنین خدیجه علیها السلام نخستین بانویی بود که به اسلام گروید و از همان زمان با همسرش نماز می گزارد و او را با تشویق و شجاعت دادن یاری می نمود و از روح خود او را استواری و نیرو می بخشید. پیغمبر صلی الله علیه و آله بیرون می رفتند تا اسلام را به قوم یا داندلود بشارت دهند ولی از آن ها جز تکذیب و اهانت نمی دیدند. پس غمگین و ناامید به خانه بر می گشتند و خدیجه غم را از چهره او می زدود و نا امیدیش را به امید مبدل می ساخت و کار را بر او آسان می کرد. (1)

15. عبدالله عالیلی:

وی از دانشوران معاصر اهل سنت است که درباره قیام امام حسین علیه السلام نیز کتابی دارد به نام برترین هدف در برترین نهاد که در آن تحلیل های درخوری دارد او درباره حضرت خدیجه علیها السلام می گوید:

وی از دردهای مبارزه که بر پیغمبر وارد می شد استقبال می کرد و در امواج این مجاهده و پیکار دوشادوش با او در کمال فعالیت و شکیبایی و قاطعیت و خداجویی غوطه ور می گشت، بی آن که سست شود یا هراسی به دل راه دهد بلکه از این پل های غم و اندوه و حوادث سنگین، با تبسمی از بزرگواری و عظمت عبور می کرد آن چنان که نظیر این جز از سازندگان تاریخ سابقه نداشته است. او با سینه باز و گشاده و قامت شعله ور از، ایمان خود از طوفان حوادث استقبال می کرد بی آن که احساسی از بازتابی ویران گرو یا اضطرابی چون صاعقه داشته باشد. (2)

16. عمر ابونصر از دانشمندان معاصر لبنانی: می گوید:

خدیجه دختر خویلد بانوی جلیل القدر، عرب شرف نسب، کرامت گوهر بود و سروری قبیله و عزت عشیره و فراوانی مال به او ختم شده است. به همین علت نیاز تهی دست را بر طرف می کرد و گرسنه را اطعام می نمود برهنه را می پوشانید پس خدیجه در اخلاق و نسب و ثروت میان قوم خود

ص: 357

1- نساء لهن فی التاریخ الاسلامی نصیب، ص 21 - 23

2- مثلهن الاعلی خدیجه بنت خویلد، ص 98

17. سلیمان کتانی:

وی نویسنده مسیحی لبنانی است که درباره حضرت خدیجه می نویسد:

خدیجه دوستی خود را به همسرش بخشید، حال آن که احساس بخشش نمی کرد، بلکه احساس می کرد محبت از او می گیرد و همه سعادت را از او کسبی می کند. ثروتش را به او بخشید و حال آن که احساس نداشت که می بخشد، بلکه این احساس می کرد که هدایت را از او کسب می نماید که بر همه گنج های روی زمین برتری دارد پیغمبر نیز به او دوستی و قدرشناسی داد همین امر او را به عالی ترین درجه رسانید و او هم احساس نمی کرد که آن را به خدیجه داده است بلکه می فرمود: «ما قام الاسلام الا بسیف علی ثروه خدیجه»؛ «اسلام جز به شمشیر علی و ثروت خدیجه بر پا نشد». پیغمبر عمر و بهترین دوره جوانی خود را به او بخشید و به جای او همسر دیگری هم انتخاب نکرد تا این که او روی در نقاب خاک کشید و پیغمبر باز هم این احساس را نداشت که آن را به او بخشیده است، بلکه می گفت نه سوگند به پروردگار که بهتر از او به من نداده است. او به من ایمان آورد هنگامی که مردم مرا تکذیب کردند و با مال خویش مرا یاری نمود، هنگامی که دیگران مرا محروم کردند. (2)

(د) دیدگاه متفکران شیعی درباره حضرت خدیجه علیها السلام

1. هشام بن محمد کلبی (204 ق): وی می گوید:

رسول الله صلی الله علیه و آله خدیجه را دوست داشتند و به او احترام می گذاشتند و در همه کارها با او مشورت می کردند او وزیر صدق و راستی و نخستین کسی بود که به پیغمبر ایمان آورد و پیغمبر تا زمانی که خدیجه حیات داشت هرگز همسر دیگری برنگزیدند. همه فرزندان آن حضرت جز ابراهیم

ص: 358

1- فاطمه بنت محمد، ص 6

2- فاطمه الزهراء و ترفی عمد، ص 112

2. سید عبدالحسین شرف الدین:

وی می گوید:

خدیجه صدیقه این امت و از حیث ایمان به پروردگار، و تصدیق کتاب او، و یاری رسول خدا صلی الله علیه و اله نخستین کس است. او مدت 25 سال با پیغمبر صلی الله علیه و آله زندگی کرد، بی آن که زنی دیگر در زندگی او شریک باشد و اگر در حیات باقی می ماند پیغمبر باز هم شریک دیگری برای او انتخاب نمی کردند. او در تمام طول زندگانی زناشویی، شریک درد و رنج پیغمبر صلی الله علیه و آله بود. زیرا با مال خود به ایشان نیرو می بخشید، و با تمام گفتار و کردار از حضرت دفاع می نمود و به او تسلی می داد آن چه را که از عذاب و درد کافران در راه رسالت و ادای آن نصیبت می کردند. او با علی علیه السلام در غار حرا بود، هنگامی که اولین بار وحی نازل شد. (2)

3. حضرت آیت الله خامنه ای:

مقام معظم رهبری به زیبایی به نقش چشم گیر زنان دوران و الگوگیری از شخصیت بزرگ تاریخ اسلام اشاره می نمایند:

[مادامی که] آفتاب درخشان خدیجه کبری علیها السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و زینب کبری علیها السلام می درخشد طرح های کهنه و نوسلزن به نتیجه نخواهد رسید و نتیجه اقتدا به این آفتاب های درخشان این بوده که هزاران زن کربلایی ما، نه تنها خطوط سیاه ستم های ظاهری را درهم شکسته اند، بلکه ستم های مدرن به زن را نیز رسوا و بی آبرو کرده و نشان داده اند که حق کرامت الهی زن بالاترین حقوق زن است که در جهان به اصطلاح مدرن هرگز شناخته نشده و امروز وقت شناخته شدن آن است. اگر زن مسلمان ایرانی به حضرت خدیجه علیها السلام و اولاد گران قدر آن بانوی مکرمه اقتدا نماید خواهد توانست نماد بزرگ زن ایرانی مسلمان را به دنیا که سخت محتاج شناختن آن است، بنمایاند. (3)

ص: 359

1- تذکره الخواص، ص 312

2- عقيله الوحی، ص 20

3- پیام به کنگره «هفت هزار زن شهید کشور» 16 اسفند 1391

حضرت خدیجه علیها السلام شخصیتی بزرگ است که در طول تاریخ، همواره برجستگان او را ستوده اند با مرور بر دیدگاه ها و سخنان اندیشه وران و گروه های مختلف درباره آن، حضرت می توان به این نتیجه رسید که غالب دیدگاه ها درباره آن حضرت مثبت گرایانه و حاوی نکاتی است که برخی از آن ها را می توان چنین برشمرد برترین زنان جهان برترین زنان بهشتی، نخستین زن مسلمان برترین زن به لحاظ عفت، دوراندیش و نیکوکار، کارآفرین، شکیبیا و صاحب اندیشه برخوردار از شرافت و بزرگی زیباترین زنان قریش و وفاداری به همسر و اهداف و آرمان هایش در حد کمال تمام مسلمانان بر بزرگداشت آن حضرت و اقرار بر فضیلتش متفق القولند و کسی درباره آن بانوی بزرگ اسلام، خدشه نکرده و اختلاف ندارد

1. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، به كوشش محمد ابوالفضل، داراحياء الكتب العربيه، 1378 ق .
2. ابن اثير (م6300ق)، الكامل فى التاريخ، به كوشش عمر عبدالسلام، بيروت، دار الكتاب العربى، 1417 ق .
3. ابن اثير، (م6300ق)، اسد الغابه في معرفه الصحابه، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
4. ابن جوزى (م5970ق)، صفه الصفوه، بيروت، دارالفكر، 1413 ق.
5. ابن جوزى، يوسف بن قزاوغلى (م6540ق)، تذكره الخواص، قم، الرضى 1418 ق.
6. ابن حاتم العالمى (م6460ق)، الدر النظيم في مناقب الائمة عليهم السلام، قم، مؤسسه نشر الاسلامى، 1420 ق.
7. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على (م8520ق)، الاصابه في تمييز الصحابه، به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبد الموجود، بيروت، دارالكتب العلميه، 1415 ق.
8. -، فتح البارى بيروت، دارالمعرفه، بى تا.
9. -، (م852ق)، تقريب التهذيب، تحقيق مصطفى، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
10. -، (م852ق)، تهذيب التهذيب، بيروت، دارالفكر، 1404 ق.
11. ابن شهر آشوب (م588ق)، مناقب آل ابي طالب، به كوشش يوسف البقاعى، بيروت، دار الاضواء، 1412 ق.
12. ابن صباغ (م855ق)، الفصول المهمه به كوشش الغريرى، قم، دارالحديث، 1422 ق.
13. ابن صباغ مالكى، الفصول المهمه في معرفه الأئمه عليهم السلام، قم، دار الحديث،

14. ابن عبد، آلبر، الاستيعاب به كوشش على محمد وديگران، بيروت، دار الكتب العلميه، 1415 ق.
15. ابن عساکر، على بن حسن (م. 571 ق)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق على شيرى، بيروت، دار الفكر، 1415 ق.
16. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (م. 774 ق)، البدايه و النهايه، بيروت، مكتبة المعارف.
17. ابن هشام، سهيلي (م. 581 ق)، الروض الانف في شرح السيره النبويه، به كوشش عبدالرحمان الوكيل بيروت، دار احياء التراث العربي، 1412 ق.
18. احمد بن حنبل، مسند، ج 6 ص 117، ح 24908، ناشر: مؤسسة قرطبة، مصر، بى تا.
19. احمد بن يعقوب، تاريخ يعقوبى، بيروت، دار صادر، 1415 ق.
20. اربلى، على بن عيسى (م. 6930 ق)، كشف الغمه في معرفه الاثمه، بيروت، دار الاضواء 1405 ق.
21. اصفهاني، ابوالفرج، مقاتل الطالبين، به كوشش سيد احمد صقر، بيروت، دارالمعرفه بى تا
22. بخارى، صحيح به كوشش ابن باز بيروت، دارالفكر، 1418 ق.
23. بلاذرى، انساب الاشراف، به كوشش زكار، بيروت، دارالفكر، 1417 ق.
24. حسكاني، شواهد التنزيل به كوشش محمودى تهران وزارت ارشاد، 1411 ق.
25. ذهبى، محمد بن احمد (م. 7480 ق)، سير اعلام النبلاء، به كوشش گروهى از محققان، بيروت، الرساله، 1413 ق.
26. زرکلى، خير الدين (م. 1396 ق)، الأعلام، بيروت، دارالعلم للملايين 1347 ق.
27. سبط بن جوزى، تذكره الخواص (تذكره الخواص الاثمه في خصائص الاثمه)،

قم الشریف الرضی، 1418 ق.

28. طوسی، (م. 460 ق)، الامالی، تحقیق مؤسسه بعثت، قم، دار الثقافة، 1414 ق.
29. فرات الکوفی (م 3070 ق)، تفسیر، به کوشش محمد کاظم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1374 ش.
30. قمی، شیخ عباس (م 13590 ق)، نفس المهموم، نجف، مکتبه الحیدریه 1421 ق.
31. قمی، تفسیر، به کوشش جزائری، قم، دار کتاب، 1404 ق.
32. کحاله عمر رضا، اعلام النساء فی عالمی العرب والاسلام، دمشق، مکتبه الهاشمیه، بی تا.
33. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403 ق.
34. المزی، ابوالحجاج یوسف (م 7420 ق)، تهذیب الکمال، تحقیق بشار عواد، بیروت، الرساله، 1415 ق.
35. مسعودی، مروج الذهب، به کوشش مفید محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه بی تا
36. مفید (م. 413 ق)، امالی، به کوشش غفاری و استاد ولی، بیروت، دارالمفید، 1414 ق.
37. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، دارالمفید، 1414 ق.
38. یعقوبی، احمد بن اسحاق (م 2920 ق)، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر، 1415 ق.

ص: 363

* حضرت خدیجه علیها السلام منتظر واقعی: فاطمه صالحی (1)

چکیده

مقاله حاضر حول محور حضرت خدیجه علیها السلام و ویژگی های این بانوی بزرگوار و تطبیق آن ها با منتظران امام عصر است. ابتدا به تعریف بعثت و مفهوم شناسی ظهور و انتظار در جامعه جاهلیت و شباهت های آن در زمان، غیبت می پردازد و به منجی بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و اله اشاره می کند و این که بعثت به طور کامل تحقق نیافت و با ظهور منجی عالم بشریت تحقق خواهد یافت. همچنین عملکرد حضرت خدیجه علیها السلام بررسی شده تا الگویی عملی برای منتظران و راهکاری برای گذر از وضع موجود به وضع مطلوب معرفی سازد در ادامه مفهوم انتظار و تأثیر لایه های آن در زندگی اجتماعی بررسی می گردد همچنین به ویژگی های یاران امام زمان و مطابقت صفات آنان با رفتار حضرت خدیجه علیها السلام بر اساس آیات قرآن و روایات اشاره می شود و در آخر به مأموریت خاص یاران منجی و بررسی شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در پیروی از ولی امر می پردازد.

واژگان کلیدی

پیامبر صلی الله علیه و آله، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضرت خدیجه علیها السلام، منتظران، ظهور.

مقدمه

قلم را بر صفحه دل می فشارم تا تمثیلی بنگارم از گوهر ناب تاریخ که

ص: 364

چون آشکار گردند، دل ربایی کنند همچون حضرت خدیجه علیها السلام که یکی از مظلوم ترین شخصیت های عالم اسلام است که به سیره الهام بخش ایشان سخت نیازمندیم و دست انسان امروز از دامان بلندشان کوتاه است. روا نیست که این گوهرهای بی بدیل را که مخزن عرفان در این عصر پرنیازند، به این نسل عطشناک عرضه نکنیم.

جایگاه این بانوی بزرگوار به ده ها و صدها دلیل شاه نشین عمارت تاریخ است و بزرگ ترین وجه مظلومیتش این است که چون گنجی بی نظیر در تاریک خانه تاریخ خاک می خورند. امروز مناسب ترین زمان برای ارائه معارف ناب اسلامی و الگوهای عملی در قالب های دلنشین برای حل مشکلات بشر است؛ در این عصری که بینش ها رشد یافته و از نظاره مکاتب مادی و دنیایی به ستوه آمده و وجدان های بیدار از تماشای نابه سامانی های جوامع بشری به عذابی دردناک گرفتار شده و جان های هشیار از تنفس در فضای آلوده مفاسد اجتماعی به تنگ آمده و همگی در جستجوی راه نجات و آب حیاتند. و جای خالی موعود بیش تر از پیش احساس می شود نیاز به یافتن پناهگاهی امن و دژی استوار برای مردم از همان صدر اسلام احساس می شد. بر متعهدان مکتب الهی اسلام واجب است تا از بوستان باطراوت معنویت محمدی الگوهای مناسب را نشان دهند.

در این مقاله تلاش شده است تا درباره پاک ترین صادق ترین فهیم ترین کریم ترین استوارترین متشخص ترین مهربان ترین و مقتدرترین زن در مقطعی از زمان سخن به میان آید که زنان ارزشی ناچیز داشتند؛ او سمبل انسانی منتظر و یار باوفای امامش بود

لذا به دنبال معرفی ویژگی های خاص و معنوی بانویی برآمدیم که نخستین زن مسلمان و نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ مظهر کمال انسانی ایثار و مادر زهرای اطهر یعنی حضرت خدیجه کبری علیها السلام، فردی که پیامبر به او افتخار می کردند و او را آرامش بخش می دانستند. امید است ما هم با الگوگیری از این

بانو، مرهمی بر دل هزار چاک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشیم. تاریخ در حال تکرار است و ما باز در جاهلیت هستیم؛ جاهلیتی مدرنیته و نیازمند ظهور دوباره اسلام به دست فرزند پیامبر اسلام پس با نگاهی به گذشته می توانیم زمینه ساز این ظهور باشیم و حضرت خدیجه علیها السلام تنها زن یکه تاز میدان اسلام بود با بررسی شخصیت و رفتارهای حضرت خدیجه علیها السلام و بسط دادن آن در وظایف منتظران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارائه الگوی عملی از یک منتظر واقعی برای جامعه دوران غیبت امید است بتوانیم به ظهور هر چه زودتر منجی عالم بشریت کمک کنیم.

مفهوم شناسی بعثت و ظهور

موعود باوری و اندیشه منجی آخرالزمان از موضوعاتی است که در طول تاریخ وجود داشته و تأثیراتی بزرگ بر تحولات تاریخی گذاشته است. کتب تاریخی پیشین و بررسی پیشگویی های موجود در کتاب های مقدس، دو واقعه بزرگ را به عنوان نقطه عطف سرنوشت ساز بشریت عنوان کرده اند؛ یکی واقعه بعثت پیامبر آخر الزمان و دیگری ظهور منجی آخر الزمان و رسیدن بشر به مدینه فاضله.

بعثت (ب ع ث) یعنی رسالت فرستادگی و ارسال و ظهور یعنی آشکار شدن و ظاهر شدن.

بعثت نقطه آغاز اسلام است بعثت پیامبر خاتم پس از یک فترت شش صد ساله رخ داد و یهودیان همچون مسیحیان از آن آگاهی داشتند. به گفته قرآن اهل کتاب پیامبر را هم چون فرزندان خویش می شناختند. (1) اوصاف حضرت را در تورات و انجیل خوانده بودند و در او می یافتند. (2) همه پیامبران به رسالت حضرت بشارت داده بودند معتقدان آیین های آسمانی منتظر پیامبری بودند که انسان ها را به آیین توحید هدایت کند حضرت خدیجه علیها السلام با کسب اطلاعات از پسر عمویش (ورقه) که از عالمان بزرگ مسیحیت بود، با مطابقت

ص: 366

1- سوره بقره ، آیه 146؛ سوره انعام، آیه 20

2- سوره اعراف، آیه 13.

ویژگی های پیامبر با حضرت محمد صلی الله علیه و اله به سوی ایشان رفت.

آن حضرت پیامبر خاتم بودند اما راه ایشان بسته نشد، بلکه خط پیامبر در امامت امتداد یابد تا به امام عصر می رسد برنامه همان برنامه است و هدف و تعالیم یکی است. اما انسان 1400 سال پیش کجا و تنهایی و بی یآوری امام زمان کجا!! پیامبر در آن وضعیت سخت حضرت خدیجه علیها السلام را در کنار داشتند که درباره اش فرموده اند: «و کانت خدیجه و زیره صدق علی الاسلام و کان رسول الله سکن الیها» (1) وظیفه ما عبرت از تاریخ و الگوبرداری از آن است. با درک رابطه بعثت و ظهور هم چون خدیجه علیها السلام، می توانیم یار امام زمان خود باشیم.

شباهت های بعثت و ظهور و نقش حضرت خدیجه علیها السلام

این شباهت ها عبارتند از:

1. وجود جاهلیت در عرصه اجتماعی در عصر بعثت و عصر منتهی به ظهور حضرت خدیجه علیها السلام افکار و اندیشه هایش را در آن دوران به خرافات نیالود و توانست یار امامش باشد. در این عصر خرافات و جهالت، به گونه ای رواج یافته که تشخیص واقعیت دشوار می شود ولی یار واقعی و منتظر منجی، تحت تأثیر قرار نمی گیرد.

2. غربت اسلام: پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «اسلام آغازش با غربت بود و باز غریب خواهد شد و خوش حال کسانی که غریبه اند!» در تفسیر حدیث آمده، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله در فضای غریبانه و شرک آلود عربستان برانگیخته شدند و اسلام با سختی های بسیار توسعه و ترویج یافت، اسلام دوباره به دلیل انحرافات، غریب و ضعیف می شود و نیازمند افراد فداکار و با شهامتی هم چون حضرت خدیجه علیها السلام است.

3. بعثت و ظهور دو انقلاب بزرگ اسلامی برای احیای توحید به شمار می آیند. بنابراین می توان گفت پیامبر فردی از بین مردم بود که جامعه خود محور

ص: 367

را خدا محور کرد. این موضوع در زمان ظهور امام زمان هم محقق می شود و کسانی آن را درک می کنند که همچون حضرت خدیجه علیها السلام دارای بیش عمیقی باشند.

4. هدف بعثت این بود که فکر و اندیشه مردم قرآنی شود و در حقیقت زیبایی ظهور این است که مردم بر اساس قرآن می اندیشند؛ یعنی یقین پیدا می کنند که عزت به دست خداست حکومتش حکومت نبوی است و سیره و سنت پیامبر را احیا می کند

5. مهم ترین شباهت حکومت نبوی و مهدوی این است که مردم در عصر ظهور باید آن ها را یاری کنند کسانی که قبل از بعثت مژده ظهور پیامبر آخر الزمان را می دادند با تمسخر افراد نادان مواجه می شدند، اما دیری نگذشت که حقیقت به وقوع پیوست و انکارکنندگان روسیاه شدند. در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نادانان مژده دهندگان به ظهور را مسخره می کنند.

6. بعثت ظهور اولیه بود و هنگامی اتفاق افتاد که مردم با اسلام آشنا نبودند اما در عصر ظهور آشنایی نسبی جهانی با اسلام وجود دارد. البته در کنار این، آشنایی نوعی انحراف فراگیر جهانی هم نسبت به اسلام دیده می شود بر این اساس می توان کلمه ظهور را هم برای بعثت به کار برد و هم برای این دوره در بعثت ظهور دین صورت گرفت و در ظهور بعثت دین را شاهد هستیم، این دو دارای یک هدف هستند پرچم اسم، حتی سن و سال رهبران این دو مشابه است؛ لذا باید از یاران و همراهان پیامبر الگو گرفت و برای ظهور امام زمان مهیا شد نقش و رفتار حضرت خدیجه برای ما در این عصر بیش تر تجلی می کند.

بعد اعتقادات حضرت خدیجه علیها السلام

شناخت پروردگار، نخستین و مهم ترین وظیفه انسان است و تا شناخت او حاصل نشود، راه درست بندگی و اطاعت از او حاصل نخواهد شد. بی تردید اعتقادات بنیان اصلی زندگی انسان است اگر آدمی از اعتقادات درست و منطقی برخوردار باشد در عمل و گفتار دچار تناقض و بی هدفی نخواهد شد.

از نظر روایات و قرآن شناخت اوصاف خدا و اولیاء او که انسان های کاملی، هستند راه معرفت است.

البته این معرفت باید سازنده حرکت آفرین و هدایت بخش باشد. از امتیازات حضرت خدیجه علیها السلام این بود که افزون بر موقعیت فرهنگی و قدرت تجزیه و تحلیل رویدادهای جاری و آینده نگری و آگاهی از معارف پیامبران و کتاب های آسمانی خود نمونه ای مطرح برای عمل و منش بود، به گونه ای که پیامبر او را مانند حضرت مریم الگویی تاریخی می دانستند. این واقعیت، نکته ظریف اعتقادی قوی این بانوی بزرگوار را در ابعاد گوناگون نشان می دهد.

جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «حاجتی أن تقرأ علی خدیجه من الله و من الاسلام...»؛ حاجت من این است که سلام خدا و سلام مرا به خدیجه علیها السلام برسانی. وقتی پیامبر به زمین رسیدند سلام را رساندند و حضرت خدیجه هم سلام داد این دلیلی بر به یاد خدا بودن و اعتقادات قوی اوست. (1)

شناخت امام

شناخت، امام شرط اسلام واقعی است و امامت همان رهبری همه جانبه تمام ابعاد انسانی است امام رئیس حکومت و اجرا کننده عدالت است.

خداوند در آیه 124 سوره بقره می فرماید: (وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي طَبَّ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ)؛ «و هنگامی را به یاد آور که ابراهیم را پروردگارش با کلماتی آزمود و او آن ها را تمام کرد [خداوند] فرمود: [ای ابراهیم] من تو را امام قرار دادم. [ابراهیم] گفت: و از فرزندانم؟ [خداوند] فرمود: عهد من به ستم گران نمی رسد».

این آیه به مقام امامت اشاره می فرماید. این آیه نشان می دهد که مقام امامت از نبوت بالاتر است.

ص: 369

1- سید بن طاووس حسنی، منهج الدعوات، ص 5؛ ابراهیم بن علی عامل کفعمی، مصباح کفعمی، ص 2 و 3

، پیامبر امام بود و خدیجه علیها السلام با شناخت امام زمان خودش، توانست وظیفه خود را نسبت به آن ها ادا نماید.

او با پیشتازی در شناخت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و مقام و جایگاه ایشان و آگاهی باز نشانه ها و منطقه ظهورش در کتاب های آسمانی با اطمینان قلب و خالصانه به سوی حضرت رفت. کاری که در حال حاضر منتظران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید انجام دهند و جایگاه امام شان را بشناسند. حضرت خدیجه علیها السلام سرمشق مردم در امام شناسی بود. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند: (مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً)؛ (1) کسی که بدون شناخت امام زمانش از دنیا برود، با مرگ جاهلیت مرده است». این حدیث مشهور و مورد اتفاق شیعه و سنی، اهمیت شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نشان می دهد.

حضرت خدیجه علیها السلام در آن دوره در مسیر شناخت امام بود و اعمالش را در مسیر درست و منطقی به پیش برد.

حدیث ثقلین و حضرت خدیجه علیها السلام

بر اساس روایات شیعه و سنی، رسول گرامی فرمود:

(إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا)

من دو چیز گران بها را در بین شما قرار دادم: کتاب خدا و اهل بیتم را؛ مادامی که بدان ها تمسک ، جوید هرگز گمراه نخواهید شد و آن دو از هم دیگر جدا نمی شوند... .

تمسک به قرآن بدون محتوای آن معنا ندارد و نیز تمسک به امامان معصوم بدون معرفت و آگاهی به جایگاه رفیع و ویژگی های منحصر به فرد آنان که الگوی شریعتند ممکن نیست؛ از این جهت شناخت امامان معصوم لازم است. عترت طاهره بهترین مبین قرآن هستند و قرآن بهترین معرفت طاهره است.

ص: 370

حضرت خدیجه علیها السلام شاید اولین فردی باشد که به حدیث ثقلین عمل کرده و با معرفت به قرآن و شناخت امام و مهر سرشارش به امام علی علیه السلام و توفیق شرکت در تربیت (1) او، سعادت همراهی و هم فکری و عشق ورزی به اهل بیت را ثابت کرده باشد. حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بیعت کننده با امیر مؤمنان علی علیه السلام بود. بانوی کمال جوی حجاز از همان آغازین سال های بعثت، دل در گرو مهر امام علی علیه السلام نهاد و با ایشان به عنوان جانشین پیامبر و آموزگار دین و نمونه اسلام زنده و بالنده بیعت نمود این از دیگر امتیازات آن بانوی بزرگ در تمسک جستن به اهل بیت در زندگی پرافتخارش است. اسناد تاریخی و حدیثی در این مورد آورده اند:

ثم قال: (يا خديجة! هذا عليّ مؤلاكي و مؤلى المؤمنين و امامهم بعدى). قالت: صدقت يا رسول الله قد بايعته على ما قلت، أشهد الله و أشهدك بذلك و كفى بالله شهيداً). (2)

پس از دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیشتازی حضرت علی علیه السلام و خدیجه، روزی پیامبر اشاره به امیر مؤمنان فرمود:

ای خدیجه! این سمبل ایمان و آزادی سر مشق و سر رشته دار تو و از توحیدگرایان پس از من خواهد بود؛ در این مورد چه می اندیشی؟ او با سنجیده گویی و اخلاص پاسخ داد که «با او بیعت می کنم و خدا و پیام آورش را بر استواری این انتخاب و این بیعت به گواهی می گیرم و می دانم که گواهی خدا بسنده است».

این بانوی قریشی هیچ گاه از پشتیبانی نهضت و پیشوای آن دریغ نکرد و این همه شجاعت و ایثار حاصل نمی گردد مگر در زیر سایه عمل به حدیث ثقلین در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز رستگاری حاصل نمی شود مگر با تمسک به قرآن و عترت

ص: 371

1- الانوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص 335

2- بحار الانوار، ج 18، ص 231؛ اثبات الهداة، ج 1، ص 641؛ وسائل الشیعه، ج 1، ص 281

بشر پیوسته در آرزوی زندگی اجتماعی سعادت بخش بوده و به امید رسیدن چنین روزی قدم برداشته است. انتظار و موعد شناسی یعنی امیدواری به آینده ای روشن شناخت و اعتقاد به امام مانع همکاری با ستم گران می شود و منتظر واقعی هرگز با ستم سازش نمی کند منتظر واقعی می کوشد تا نه تنها برای جامعه ایمانی عنصر مفید و کارآمد باشد بلکه برای اصلاح دیگران هم تلاش می کند.

حضرت خدیجه علیها السلام یار و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در راه رشد و نجات جامعه بود. در آغازین روزهای دعوت پیامبر که بد اندیشان و مغرضان دل نازنین آن حضرت را می آزرند و با تحریم های بسیار سخت در شعب ابی طالب (1) آن ها را در این وضعیت دشوار قرار دادند حضرت خدیجه علیها السلام بسان آغازین روزهای زندگیش یار فداکار و آرامش بخش دل پیامبر صلی الله علیه و آله بود.

این بانوی بزرگوار انسانی نو اندیش و نوگرا بود که به اوضاع تیره و تاریک روزگارش خوش بین نبود و آن را نمی پسندید و در عمل با مردم زمانش بسیار متفاوت بود و به دلیل اعتقاد و شناخت عمیق به مصلح کل و اندیشه رهایی مردم از بلاهای جهل و شرک و استبداد و خشونت با ستم گران بیگانه (2) بود. این تفکر باعث شد که حضرت خدیجه علیها السلام قبل و بعد از ظهور اسلام در جامعه پراز فساد، دنبال فراهم آوردن زمینه برای ظهور منجی باشد و این بینش باعث شد تا در گرایش به آیین اسلام پیشتاز باشد. قرطبی می نویسد:

(خَدِيجَةُ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَصَدَّقَ مُحَمَّدًا فِيمَا جَاءَ بِهِ عَنْ رَبِّهِ وَآزَرَهُ عَلَى أَمْرِهِ) (3)

خدیجه نخستین کسی بود که به خدا و پیامبرش ایمان آورد و آن برنامه آسمانی را که حضرت محمد صلی الله علیه و سلم از سوی پروردگارش برای مردم آورده بود،

ص: 372

1- ابن سعد، پیشین ص 209 بلازی، پیشین، ص 233 - 234

2- بحار الانوار، ج 43، ص 3

3- الانوار الساطعه من الغراء الطاهرة، ص 204

با همه وجود گواهی نمود و او را در راه رساندن پیام خدا و ایجاد دگرگونی مطلوب یاری کرد و در این راه فداکاری و شکیب قهرمانانه ای نشان داد.

و این الگویی عملی برای منتظران ظهور است تا وزیر و یار و سرباز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در برپایی جامعه مهدوی باشد پیامبر می فرماید:

حضرت خدیجه را در میدان عمل یار و شریک دغدغه ها و وزیر کارآمد فرهنگی و انسانی و اجتماعی خویش برگزیدم (1)

استراتژی حضرت خدیجه علیها السلام

استراتژی یعنی هنر به کارگیری همه افراد و امکانات موجود برای نیل به هدفی کلان که این تعریف مسائل گوناگون را در بر می گیرد، از ساده ترین رفتارها تا تحقق حکومتی یکپارچه جهانی آموزه های مهدویت و منجی گرایی، ظرفیت و توانایی های فراوانی در برنامه راهبردی (استراتژیک) دارند که بانوی خردمند حجاز از جنبه های گوناگون در پیشرفت و استواری این استراتژی نقش آفرینی کردند؛ از جمله:

1. موضع گیری دلیرانه و کارساز در حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله وی برای پیامبر فرصت سازی نمود تا آیین آسمانی اش را همگانی سازد. (2)

2. امید دادن به حضرت محمد صلی الله علیه و آله در سخت ترین اوضاع و نوید دادن به او در برابر فشارها و زدودن گرد و غبار اندوه از دل بی کران پیامبر صلی الله علیه و آله.

3. پایداری و شکیب قهرمانانه در برابر توفان مشکلات و اطاعت محض از امام زمان خود

4. شرکت مستقیم در مبارزه بزرگ اسلام با کفر و استبداد و بیدادگری.

همان گونه که بیان شد، حضرت خدیجه علیها السلام در تمام دوران زندگی، لحظه ای از زیر چتر ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله خارج نشد و مطیع محض او بود و ولایت

ص: 373

1- بحار الانوار، ج 38، ص 85.

2- مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 58؛ از سخنان روشن گر و دلیرانه اوست که می گفت: «لا افلح من عادات یا محمد؛ ای محمد آن که با تو و آیین زندگی سر ناسازگاری داشته باشد، رستگار نخواهد شد».

او را قلباً و عملاً پذیرفته بود ولایت معانی مختلفی دارد، ریشه لغوی آن (ولی) به معنای قرب اتصال و پیوند دو یا چند چیز است. (1)

حضرت خدیجه علیها السلام پیرو ولایت بودند احترام به شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیروی از ایشان با توجه به موقعیت اجتماعی و اموال فراوان، نشان دهنده عقیده و ایمان او به توحید و پذیرش ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود. (2)

دشمن شناسی

شناخت دشمن، از ضروریات اولیه هر مبارزه است و از طریق آن می توان بقای جامعه را تضمین کرد. در طول تاریخ تمام شکست های جوامع ناشی از بی توجهی به دشمن بوده است. قرآن کریم مهم ترین ویژگی های دشمنان اسلام را پیمان شکنی خوی استکبار دنیا پرستی حسادت بدخواهی و ... می داند.

بانوی یکه تاز حجاز از همان آغاز زندگی با پیامبر صلی الله علیه و آله موضع و خط سیاسی خود را روشن نمود و از دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام برائت جست. حمایت همه جانبه از پیامبر آزادی در برابر تاریک اندیشان، نمونه ای از بیش عمیق حضرت خدیجه علیها السلام در برابر دشمنان اسلام بود. (3)

مفهوم شناسی انتظار

«الانتظارُ هی بیغیه نفسانیةٌ منها التَّهَيُّدُ لما تَنْتَظِرُهُ»؛ انتظار کیفیتی درونی و برانگیزاننده است که انسان را مهبیای استقبال از امر منتظر الیه می نماید انتظار کیفیتی درونی و صفتی نفسانی است که موجب خیزش و ایجاد آمادگی برای امر مورد انتظار در انسان می گردد؛ انتظار یعنی مطالبه و پی جویی برای ادراک چیزی که در آینده واقع می گردد به شکلی که گویا هر لحظه چشم به راه وقوع آن چیز است. انتظار یعنی چشم به راهی برای انجام دادن کاری که مورد نظر و

ص: 374

1- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 533

2- سفینه البحار، ج 2، ص 57؛ وفات الزهرا مقدم، ص 7.

3- سیره بن هشام، ج 1، ص 562.

لایه های انتظار

اشاره

انتظار مفهومی ذو مراتب و لایه لایه دارد که تبیین و کالبد شکافی آن، عمل و ولایت آن را روشن می سازد و میدان دید و نظرگاه واقعی منتظر را روشن و شفاف می نماید لایه های انتظار در شخصیت بزرگوار حضرت خدیجه علیها السلام عبارتند از:

1. نمای توحید

آن چه منتظر را به سوی یک انتظار فعال و یک نگرانی شدید می کشاند تسلط بر شرک و بت پرستی است.

شش قرن از نشر مسیحیت گذشته بود که پیامبر ظهور کرد و تمام آداب پیامبران (شریعت) گذشته تحریف و آمیخته به خرافات بود. بر اساس روایات وقتی قائم ظهور کند همگان گویند که دین جدید آورده است.

2. پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصاره تمام انبیا و اولیا

پیامبر صلی الله علیه و آله خاتم الانبیاء و تکمیل کننده آن ها بودند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مجری اهداف و اجرا کننده آرمان های انبیا و اولیاء الهی در طول تاریخ است. همراهی و یاری این دو بزرگوار فضیلتی است که نصیب هر کسی نمی شود. حضرت خدیجه علیها السلام همیشه دست پیامبر صلی الله علیه و آله را برای یاری می فشردند. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمایند:

(وَصَدَّقْتَنِي إِذْ كَذَّبْتُمْ وَآمَنْتَ بِي إِذْ كَفَرْتُمْ...)

آن گاه که شما دعوت آزادی مرا دروغ دانستید او به من ایمان آورد و مرا گواهی کرد (1)

ص: 375

این امتیاز حضرت خدیجه علیها السلام در تاریخ مشهود است. (1)

3. قدرت و سیاست

باز پس گیری قدرت از دست سفیهان و مبارزه و جدال حق و باطل که هنوز به نتیجه لازم نرسیده تا اسطوره این قدرت پس از ورود به عرصه اجتماعی - سیاسی آن در جهان اجرا کنند.

4. احیا و اجرای دیانت پایبندی به دین و ارزش های آن

حضرت خدیجه علیها السلام در ایمان راستین و نماز و بروز دین در جامعه پیشگام بود پیامبر صلی الله علیه و آله در شکوه ایمان امام علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام و پیشتازی شان به حضرت فاطمه علیها السلام فرمود:

(إِنَّ عَلِيًّا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَخَدِيجَةُ أُمَّكَ)؛ (2)

فاطمه جان! نخستین ایمان آورنده به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از این امت علی است و مادرت خدیجه.

5. انتظار

انتظار فضیلت و ارزش ها را در فرد منتظر افزایش می دهد و او را به کسب مکارم اخلاقی و دوری از رذایل ترغیب می کند بانوی بلندآوازه حجاز سرشناس و صاحب کمال و دارای امکانات گسترده بود اما پاک منش، خردمند شایسته کردار آینده نگر ژرف اندیش حق جو و آزادمش نیز بود؛ به همین دلیل به او «طاهره» می گفتند (3)

او چنان در اوج معنویت و فضائل اخلاقی بود که «ابوطالب» او را در روزگار جاهلیت این گونه وصف می کند:

ص: 376

1- سیره ابن هاشم، ج 1، ص 242.

2- بحار الانوار، ج 42، ص 502 .

3- سیره حلبی، ج 1، ص 132.

(إِنَّ خَدِيجَةَ إِمْرَأَةً كَامِلَةٌ مِّمْمُونَةٌ فَاصِلَةٌ تَخْشَى الْعَارَ وَ تَحْذَرُ الشَّنَارَ)؛ (1)

به راستی خدیجه بانویی است در اوج کمال پربرکت و آراسته به خوبی و از هر گونه نقطه های نازیبایی خویش به دور است.

ویژگی های منتظران با رویکرد به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

تقیه حضرت خدیجه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

خداوند از بنده مؤمنش قول گرفته که سختی ها را در دنیا به جان بخرد آن گونه که نان آوران خانه از زیردستان خود پیمان می گیرند که در غیبت او چهره چوب های مورد نظر را محترم دارند. هر چه به زمان ظهور نزدیک تر می شوید به افکار و اعمال تان پوشش تقیه بیش تر دهید. (2)

حضرت خدیجه علیها السلام در تصدیق و تأیید پیامبر با انفاق اموال، سختی های زیادی را تحمل کردند محاصره در شعب ابوطالب، نقش مهمی در کاهش قوای جسمانی خدیجه علیها السلام داشت به طوری که با فاصله اندکی پس از پایان محاصره وفات کردند.

بنت الشاطی از نویسندگان عرب در این باره می نویسد:

شخصی نبود که آن همه رنج برایش آسان باشد و از کسانی نبود که در جریان زندگی با تنگی معیشت خو گرفته باشد، اما در عین حال با وجود کهولت سن سختی هایی را که در اثر محاصره در شعب وارد می شد تا حد مرگ تحمل کرد. (3)

مجاهدت و دفاع از رسول خدا صلی الله علیه و آله، پذیرش اسلام در سال های جهل و گمراهی و نیز تقیه شدید در وضعیت وحشتناک آن عصر از ویژگی های آن بانوست امام صادق علیه السلام می فرماید:

ص: 377

1- همان.

2- بحار الانوار، ج 6.

3- خدیجه کبری علیها السلام نمونه زن مجاهد مسلمان.

پیامبر خدا پنج سال در مکه به طور پنهانی می زیست و علی و خدیجه با او بودند و اسلام خود را پنهان و به شدت تقیه می کردند (1)

این تفکر باعث شد که حضرت خدیجه علیها السلام قبل و بعد از ظهور اسلام در جامعه پر از فساد دنبال فراهم آوری زمینه برای ظهور منجی باشد لذا پیشتاز در گرایش به آیین اسلام شد این الگویی رفتاری برای منتظران ظهور است.

یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در کلام خدا

اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در کتاب های آسمانی گذشته چون تورات و انجیل با اوصاف بهتر از آن چه انسان مؤمن با آن توصیف می شود وصف شده اند. آنان افرادی هستند که در برابر کفار بسیار شدید و نسبت به هم بسیار مهربانند. کسانی که در بارگاه ملکوتی خداوند بسیار اهل رکوع و سجود هستند؛ کسانی که فضل و کرم و خشنودی خداوند را می جویند و در چهره های شان اثر سجده نمایان است:

محمد رسول الله و الذین هم اشداء علی الکفار و رحماء بینهم

محمد فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سر سخت و در بین خود مهربانند. پیوسته آن ها را در حال رکوع و سجود می بینی، در حالی که فضل خدا در رضای او را می طلبند نشانه آن ها در صورت شان از اثر سجده نمایان است این توصیف آنان در تورات است. اما توصیف ایشان در انجیل این است که آن ها همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته سپس به تقویت آن پرداخته نامحکم شده و بر پای خود ایستاده به قدری رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد کسانی از آن ها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی دارد (2)

ص: 378

1- کمال الدین ص، 197 نمونه هایی از مجاهدت این بانو در ماهنامه مبلغان، ش 11، ص 8 به بعد مطالعه کنید.

2- سوره فتح، آیه 92.

در آیه دیگر می فرماید:

آن هایی که تقوا پیشه کنند و زکات پردازند و آن هایی که به آیات ما ایمان آورند مقرر خواهیم داشت همان ها که از فرستاده خدا (پیامبر «امی») پیروی می کنند؛ (1) پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیل نزدشان است، بیابند آن ها را به معروف دستور می دهند و از منکر باز می دارد چیزهای پاک را برای آن ها حلال می شمرد و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن ها بود بر می دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و یاریش کردند و از نوری که به او نازل شد پیروی نمودند آنان رستگارانند (2)

کلام خداوند عزیز بهترین معیار برای شناسایی یاران پیامبر است. آنان دارای ویژگی هایی بودند؛ از جمله

1. سرسختی با کافران؛

2. مهربانی و رحمت با مؤمنان؛

3. نهایت خضوع در مقابل پروردگار عالم هستی در رکوع و سجده.

ریشه کنی ستم در صحنه عالم و تحقق آرمان حاکمیت توحید و عدالت در جهان افزون بر وجود رهبری شایسته و معصوم قانونی جامع و جهان شمول و فراهم آمدن زمینه ها و شرایط لازم به وجود یارانی، زبده، کاردان و لایق وابسته است.

یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند دسته اند: یاران خاص که در ستاد فرماندهی آن حضرت هستند و تعدادشان 313 نفر است که قرآن کریم در آیه 8 سوره هود از آنان به «امت معدوده» یاد می کند دسته دوم پس از دسته اول به یاری ایشان می آیند. حلقه سوم از یاران مؤمنان هستند که پس از شروع قیام به آنان می پیوندند و لحظه به و لحظه به لحظه بر تعدادشان افزوده می شود.

ص: 379

1- سوره اعراف، آیات 651 و 751

2- احمد علی علی امام ترجمه جهانگیری ولد بیگی عدالت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و ذکر فضایل آن ها

امام علی علیه السلام می فرماید:

وَلَهُ رِجَالٌ إِلَهِيُونَ يُقِيمُونَ دَعْوَتَهُ وَيَنْصِرُونَهُ هُمْ الْوَزَرَاءُ لَهُ يَتَحَمَّلُونَ أَثْقَالَ الْمَمْلُوكَةِ عَنْهُ وَيَعِينُونَهُ عَلَى مَا قَلَّدَهُ اللَّهُ

گروهی از مردان الهی گرد او می آیند دعوتش را بر پای می دارند و یاری اش می کنند آن ها وزیران او هستند که سنگینی مسائل کشوری را بر عهده می گیرند و او را در مسئولیت بزرگی که خداوند به عهده اش گذاشته یاری می کنند

ویژگی های نفسانی یاران امام

روایات متعدد به تبیین ویژگی های معنوی و نفسانی یاران خاص امام زمان پرداخته اند؛ مانند علم و معرفت، ایمان و خشیت الهی، طهارت، تقوا، زهد، بینش و بصیرت، عبادت و بندگی توجه به خدا و ذکر و نیایش و استغفار و شب زنده داری شرح صدر و صبر و شکیبایی.

طهارت و تقوا یک رکن مدیریت ایده آل است و اجتناب از هر گونه اختلاط با اهداف نامشروع ناپسند غیر اخلاقی است مدیر خوب هر کاری را بر عهده می گیرد و آن را با رعایت اصول اخلاقی انجام می دهد. یاران امام به جهت برخورداری از طینتی پاک و تقوایی ستودنی از انواع فسادها که حکومت ها دچار آن می شوند مبرا هستند فساد مالی فساد، کاری قرارهای نامشروع و ناموجه در زمینه های مسائل کاری و جاذبه های دنیایی، دل آنان را نمی لرزاند و در آنان تأثیر ندارد آن ها بر اصول خود پای بندند و پای خود را از مسیری که برایشان ترسیم شده، ذره ای کج نمی گذارند. امام حسن عسکری می فرماید:

(يِرَاءُهُمُ اللَّهُ مِنْ طَهَارَةِ الْوِلَادَةِ وَ نَفَاسِهِ التَّرْبِيَةِ مُقَدَّسَةً قُلُوبُهُمْ مِنْ دَسِّ النِّفَاقِ مُهَذَّبَةً أَفْنِدَتُهُمْ مِنْ رِجْسِ الشَّقَاقِ لِيَنَّهُ عَرَائِكُهُمْ لِلدِّينِ... يَدِينُونَ بِدِينِ الْحَقِّ وَ أَهْلِهِ....)

خداوند آن ها را با پاکی نطفه و پاکیزگی سرشته، پاک و پاکیزه نمود. دل های شان از آلودگی نفاق پیراسته قلب های شان از تیرگی اختلاف پاکیزه

روح و روان شان برای پذیرش احکام دین آماده به آیین حق گرویده و در راه اهل حق گام سپرده اند.

ویژگی های رفتاری حضرت خدیجه علیها السلام

ویژگی های عملی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می توان در دو محور بررسی کرد

یکی سادگی و بی پیرایگی که آنان جلال و جبروت و حشمت ظاهری ندارند از این رو در میان زمینیان ناشناخته اند.

دوم، جدیت در کار و تلاش به تعبیر شهید بهشتی، شیفتگان خدمتند نه تشنگان قدرت آنان برای کار در حکومت جهانی مهدی موعود و تحقق بخشیدن به منویات امام زمان سر از پا نمی شناسند.

حیا و عفت یکی از صفات عملی است که شهوت را مهار و تمام حرکات و گفتار و قلم را کنترل می کند. حضرت خدیجه علیها السلام در زندگی شان در برخورد با نامحرم همیشه از پشت حجاب صحبت می کردند (1) حتی در جلسه خواستگاری از پشت پرده صحبت کردند. همچنین چهل شبی که به امر الهی دور از همسر خود بودند، سر خود را هنگام شب می پوشاندند و پرده در را می انداختند و در خانه را می بستند (2)

مأموریت یاران خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

جنگ با ستم گران، مبارزه با انحراف ها و تحریف ها و برداشت های نادرست از دین، از مأموریت های مهم یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. عوامل اصلی این، انحرافات صاحبان زر (سرمایه داران و اشراف) صاحبان زور (حکومت های غیر اسلامی و به ظاهر اسلامی) و صاحبان تزویر (روحانیان وابسته به دنیا پرستی

ص: 381

1- محدث نوری، مستدرک وسائل الشیعه، ج 41، ص 302.

2- علی بن یوسف حلی، اسعد القویة، ص 219، یسلاوی، ص 127.

حضرت خدیجه علیها السلام در تمام زمینه‌های ظهور اسلام به مأموریت خود در حق امامش می‌پرداخت از جمله انیس و غم خوار پیامبر صلی الله علیه و آله بود و حجم سنگین فشارهای قریش و مشرکان بر آن حضرت را کاهش می‌داد پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:
(مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ بِمِثْلِ مَا أُوذِيَْتُ)؛ «هیچ پیامبری مثل من آزار ندید»

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

آزاری که قائم به هنگام قیام خویش از جاهلان آخر الزمان می‌بینید، به مراتب سخت‌تر است از آن همه که پیامبر صلی الله علیه و آله از مردم جاهلیت دیدند. پیامبر صلی الله علیه و آله به میان مردم آمد در حالی که آن‌ها سنگ و صخره و چوب و تخته‌های تراشیده (بت‌های چوبی) را می‌پرستیدند، ولی قائم که قیام کند مردم همه از کتاب خدا برای او دلیل می‌آورند و آیه‌های قرآن را تأویل و توجیه می‌کنند وظیفه یاران در این جا افشای خطوط انحرافی و جریانات فکری منحرف جنگ با افکار و اندیشه‌های نادرست آبادی سرزمین‌ها و برقراری عدالت است.

نتیجه

انتظار بسته‌ای اخلاقی است که خود حاوی ارزش‌ها و فضیلت‌های متنوع است که فرد منتظر در کسب این ارمغان‌ها تلاش می‌کند حضرت خدیجه علیها السلام که نمونه‌الگوی رفتاری برای زمان حال و شخص منتظر است. او دوران غیبت و جهالت و دوران ظهور و عدالت را درک کرد و الگوهای را برای منتظران ارائه کرد؛ از جمله:

ارتباط و مقام معیت [هر زمان به یاد امام بودن]؛

عبودیت و بندگی؛

درک ثواب مجاهدت در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع از شخص ایشان؛

آرامش؛

اقتدا به روش پیشوایان و درآمدن در خیل منتظران؛

تقویت مثبت اندیشی و مثبت رفتاری؛

درک پاداش شهادت؛

بردباری و تحمل بالا؛

فعالیت در مسیر خدا و اجر دو چندان؛

هم جواری با اهل بیت در بهشت؛

رشد عقلانی و فهم رشد یافته؛

رجعت و حضور در رکاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

دین محوری و تلاش ارزشی مداوم

ص: 383

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

1. ابن جنبل، احمد، مسند، بیروت، دارالفکر، 1425 ق.
2. اشتهااردی، محمد، حضرت خدیجه اسطوره مقاومت.
3. بحرانی، هاشم، تفسیر برهان، قم، اسماعیلیان.
4. حویزی، علی، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
5. رحمانی، همدانی بهجة قلب المصطفی.
6. الزهراوی عبدالحمید، خدیجه علیها السلام ام المؤمنین، قاهره، 1928.
7. سمرقندی، تفسیر عیاشی اسلامیة تهران
8. کرمی، فریدونی علی دیدار یاران
9. کرمی فریدونی، علی ظهور و سقوط تمدن ها از دیدگاه قرآن.
10. کرمی فریدونی، علی، فروغ آسمان مجاز خدیجه.
11. کرمی، علی ترجمه مجمع البیان، تهران، مؤسسه فراهانی
12. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار
13. وسائل الشیعه فی تحصیل احکام الشریعه، قم، مؤسسه آل بیت 1428.

آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری

اشاره

*آیتی نمونه از سکون بخشی ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام یار و دل دار پیامبر صلی الله علیه و آله: علی قائمی امیری (1)

مقدمه

آفرینش با همه وسعت و ابعادش و با همه ظرایف و ریزه کاری هایش، در بینش اسلامی امری هدف دار است. خدا آسمان و زمین و پدیده های هستی را به حق آفریده (2)، بازیچه (3)، بطلان و بیهودگی در آن راه ندارد. ممکن است از رمز و راز یا فلسفه آفرینش برخی از آن ها آگاه نباشیم، فراموش نباید کرد، ندانستن دلیل بر نبودن نیست چه بسیارند، امور پدیده ها و مسائلی که وجود دارند ولی ما از راز و رمز آن ها نا آگاهیم ولی ما را حق انکار نیست.

آری پدیده ها و جریانات خرد و کلان در جهان هستند که دست تقدیر حضرت باری تعالی آن ها را رقم زده و ما از راز آن ها بی خبریم. برخی از آن سرّها در سایه گذشت زمان شناخته می شوند و برخی در سایه تلاش ها و کشفیات علمی - و کشف رازها برخی دیگر ممکن است به طول عمر ما قد ندهد ولی در هیچ صورتی انکار فلسفه وجودشان در آفرینش جایز نیست؛ زیرا آن ها پدیده و ساخته حکیمی مطلق است.

ص: 385

1- سوره حجر، آیه 85

2- سوره انبیاء، آیه 16.

3- سوره ص، آیه 27

هدف داری در آفرینش انسان

انسان جزئی از جهان هستی به شمار می آید و قطعاً آفرینش او نیز هدف دار است انسان بر اساس آیات قرآن، عبث آفریده نشده است. (1) او را مهر عدم بطلان و بیهودگی در آفرینش (2) نیز در بر می گیرد. آفریده شد تا با طی طریق بر اساس فرمان مولایش به کمال دست یابد و به ابدیت برسد (3) و بدین سان به جریان ابدیت پیوند خورد و باقی بماند. در حدیث آمده: «خلقتم للقاء لا للنفاء». (4) وقتی آفرینش انسان هدف دار، باشد همه امورات حرکات موضع گیری ها خور و خواب، او زاد و ولدش اقتصاد و سیاستش و روابط مختلفش نیز باید هدف دار باشد تا بدین سان حیاتی مطابق ساختار خلقتش و در جهت خواست الهی بسازد.

رابطه نیاز و هدف

موجود زنده به ویژه، انسان موجودی به غایت نیازمند است آن چنان که لحظه ای نمی توان او را از نیازهایش جدا کرد نمونه روشن این نیاز دم و بازدم اوست که در هر دقیقه ای چندبار صورت می گیرد نیازهای او را از جهات مختلفی می توان بررسی کرد نوعی از آن، نیاز از اعماق وجود انسان سرچشمه می گیرد، مثل نیاز به حق دوستی نیاز به عدالت خواهی و نیاز به کمال و جمال. این نیازها موجب قیام و حرکتند و برای انسان در آن زمینه هدف یا اهدافی را به بار می آورند. این دسته نیازها را می توان نیازهای معنوی نامید. برخی از نیازها رنگ و هوای مادی دارند و امور زندگی دنیوی را سامان دهی می کنند و سبب ایجاد اهداف مادی هستند مانند نیاز به غذا و زرق و برق، نیازهای جنسی و غرایز که از جنبه های جسمانی ناشی می شود و آدمی خواستار رفع این نیازها و

ص: 386

1- سوره مومنون آیه 115

2- سوره ص، آیه 27

3- سوره ذاریات، آیه 56

4- آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، حدیث 326.

نیاز به آرامش و سکون

نیاز به آرامش و سکون از مهم ترین و مبنایی ترین نیازهای انسان به شمار می آید که از آغاز تا زمان مرگ با او همراه است؛ نعمتی ناشناخته که ارزش آن زمانی روشن می شود که آدمی فاقد آن باشد و یا آن را از دست بدهد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ». (1) امنیت روانی نیز از جمله آن ها به شمار می آید که عامل سکون است.

این نیاز برای همه انسان ها و در همه سنین قرار داده شده و همه به دنبال آن هستند کیست که از آن و از جلوه ها، معانی و مفاهیم آن بی نیاز باشد. قرآن در مورد درخواست حضرت ابراهیم علیه السلام از پروردگار در مورد کیفیت زنده شدن مردگان و تجسم آن ها می فرماید:

خداوند از ابراهیم پرسید: «آیا به زنده شدن ایمان نداری؟» ابراهیم پاسخ داد: «این درخواست برای اطمینان و آرامش قلبی است». (2)

دامنه سکون خواهی و راه وصول به آن

عوامل اضطراب و تزلزل در همه زمینه ها و موضوعات زندگی و برای همه انسان ها به صورتی وجود دارد که برای هر یک از آن ها راه های حل و وصول به آرامش از نظر دین و دانش مطرح است؛ یعنی آرامش طلبی خواسته و آرزوی همگانی است. این آرامش خواهی گاه به امور جسمانی مربوط می شود و زمانی به روان؛ گاهی برای عواطف است و در مواردی برای تأمین امور دنیوی و گاهی برای امور اخروی است گاهی انسان ها آرامش خواهی و سکون را از دست می دهند؛ زیرا خویشتن را در این جهان، وسیع تنها و بی پناه می بینند و زمانی

ص: 387

1- محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیره المغطین، ج 2 ص 472

2- سوره بقره، آیه 260

از این بابت احساس ناامنی دارند که دشمن را بسیار و یاران را اندک می یابند.

مردان بزرگ در برابر مسئولیت های بزرگ تر به ویژه آن گاه که رنگ و بوی فرمان الهی باشد، بر خود می لرزند؛ مثل زمان نزول فرمان رسالت بر پیامبر صلی الله علیه و آله در غار حرا که به خانه آمدند، ملحفه ای بر تن کشیدند و فرمان آمد: (يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ قُمْ فَأَنْذِرْ) (1) در تنگنای اضطرابات و دل نگرانی ها آدمی در جست جوی پناهگاه و سنگری آرامش بخش و پشتوانه ای مطمئن است.

نوع پناه ها

در دنیا فرق است بین عاقل و جاهل، مؤمن و کافر، دین محور و سکولار، اهل ذکر و اهل هوا و مصداق این ضرب المثلند که «الغریق یتشبث بکل حشیش». آنان به هر خار و خاشاکی در می آویزند تا شاید نجات یابند؛ به هر بند و تنیده ای متمسک می شوند که از تزلزل وجودشان جلوگیری کنند اما فرجام آنان غرق است و یا سقوط در چاه ویل اما بندگان محبوب خدا به فرموده امیر مومنان علیه السلام مصداق این معنایند: «قد البصر طریقه و سلک سیله و عرف مناره و قطع غماره و استمسک من العری با وثقها و من الحبال بآمتنها»؛ (2) «راه خویش را با دید درست از افقی بالا، برگزیده خستگی ناپذیر پیش می رود نشانه های آن را می شناسد و از امواج سرکش شهوات می گذرد و به استوارترین دستاویزها چنگ می زند».

دل را به یاد ذکر حضرت حق آرامش می بخشد (3) و دل را به پناهگاهی حصین می سپرد. در این میان و در عرصه جسم و روان به عاملی چون ازدواج شایسته روی می نهد.

ص: 388

1- سوره مزمل، آیات 1 و 2

2- نهج البلاغه، خطبه 278

3- سوره رعد، آیه 28

آیت سکون در ازدواج

ازدواج از عوامل مهم سکون در عرصه جسم و جان است که خداوند آن را از آیات خویش بر می شمارد مرد و زن که روزی نسبت به یک دیگر در بعد عاطفی بی اعتنا بودند، پس از پیمان، نکاح یار و دل دار هم می شوند، (1) آن چنان که دنیایی از سکون و آرامش در خویش احساس می کنند و به تصریح قرآن، حضرت باری این مودت را بین آن دو قرار می دهد

از شگفتی های این عاطفه سکون بخش این است که خداوند این آرامش را همراه با مودت ذر فرموده نه محبت. مودت در مفهوم، دوستی خالص و بی پیرایه و حتی یک طرفه است. آری انسان در سایه ازدواج از حالت تنهایی و بی کسی رهایی می یابد و هم سخن و همراز پیدا می کند و در دشواری ها و تنگناها احساس حمایت شدن دارد به گونه ای که حاضر است در راه دفاع از او جان را فدا کند نمونه بارز آن حمایت حضرت زهرا علیها السلام از شوی خویش است که جلوه های آن پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اکرم بیش تر نمود یافت

آیتی نمونه در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام

از ویژگی های تعالیم و احکام الهی قابلیت اجرا و عملی بودن است. خداوند حجت خویش را نه تنها برای پیامبران و معصومان، بلکه بر همگان تمام می کند.

این که ازدواج موجب آرامش خاطر است و این در سایه مودت و رحمت افاضی از جانب حضرت حق صورت می پذیرد نمونه ای است که سمبل آن قبل از اسلام در ازدواج حضرت خدیجه علیها السلام با حضرت محمد صلی الله علیه و آله دیده می شود. برای تشریح این مسأله باید ابتدا شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را شناخت

ص: 389

شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام

اوزنی از تبار عرب و از سلاله، قریش دختری از تبار سرشناس و فرزند خویلد بود که در سلسله انساب به جد چهارم پیامبر به نام قصی می رسید. (1) در مکه به دنیا آمد آن روز در مکه معروف به زنی، پاک نجیب و با عفت و معروف به «طاهره» بود. (2) پیش از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق بسیاری از نقل ها، دوبار با افرادی سرشناس (عتیق و ابو هاله) ازدواج کرد ولی از هیچ کدام از این دو فرزند دار نشد (3) او دارای ثروت بسیار بود آن چنان که در صف متمولان مکه درآمد (4) پس از آن دو، سران و معروفان بسیاری به خواستگاری او آمدند تا حدی که اصرار زیادی از سوی دیگران در این امر بود (5) اما او دست رد به سینه همگان زد و پذیرای آنان نشد. (6)

خوی و کمالات حضرت خدیجه علیها السلام

تاریخ نگاران سخنان بسیاری در ویژگی های او آورده اند؛ از جمله این که حضرت خدیجه علیها السلام زنی دور اندیش بود و اهل نظم و ضابطه، تیز و چابک قوی و نیرومند اهل شریف و گران قدر و اهل احسان در راه خداوند بود. چون تابعیت از دین خلیل داشت، اهل کرامت بود. از جنبه مال برتر از زنان بود؛ در حسن و جمال بر دیگران برتری داشت و در دوران جاهلیت او را «طاهره» می خواندند. (7) در بذل و عطا، مخصوصاً نسبت به دختران یتیم هیچ کس را نومید نمی کرد؛ او را همتی بلند و دستی گشاده بود عواطف او رقیق و دلش لبریز از محبت به محرومان بود؛ زنی خوش سخن و نیکو برخورد و مجلس او

ص: 390

- 1- علی بن محمد ابن اثیر جوزی، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 6، ص 78.
- 2- علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب، ج 3، ص 283.
- 3- ذهبی، تاریخ اسلام و وفات المشاهیر الاعلام، ج 8، ص 528
- 4- محمد ابن سعد، الطبقات الکبیر، ج 8، ص 18.
- 5- همان، ص 18
- 6- همان.
- 7- شافعی، السیرة الحلبیه، ج 1، ص 123.

برای دیگران جذاب و شاداب کننده بود. (1)

اندیشه ورزی حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت حضرت خدیجه علیها السلام مانند زنان عادی جامعه آن زمان نبود که سرگرم عیش و معیشت و خواب و زرق و برق و زینت و آرایش باشد و یا چون اکثر ثروتمندان، سرگرم روزمرگی و تفاخر مال و دارایی نبود. آن چه او را از دیگران ممتاز می ساخت، اندیشه ورزی اش درباره مسائلی و رای دنیا و وضع و آینده انسانیت و امر هدایت به ویژه در رسالت بود. (2)

او در دوران جاهلیت با برخی از علمای یهود و مسیحیت در ارتباط بود و از آنان پرسش هایی در این زمینه داشت از بستگانش ورقه بن نوفل و برخی از دانشمندان دیگر و گاهی کاهنان نشانه هایی از ظهور پیامبری در مکه می گرفت و هم چون پژوهشگری کنجکاو، شیفته چنین اطلاع و آگاهی بود. (3)

تقدیر آشنایی با پیامبر صلی الله علیه و آله

روزگار حضرت خدیجه علیها السلام بر این منوال می گذشت. او در عرصه اقتصاد فعال و در پی فعالیت هایی چون مضاربه و تجارت بود. برخی از افراد معروف با او همکاری می کردند و از سرمایه او به کسب و تجارت می پرداختند و از محل سود آن سهمی برای خود و سهمی را برای حضرت خدیجه علیها السلام می دادند. این روال همواره در زندگی اقتصادی او مطرح بود تا دست تقدیر الهی پیامبر صلی الله علیه و آله را در مسیر راه او قرار داد حضرت خدیجه علیها السلام که از قبل با نام و اخلاق و امانت داری پیامبر صلی الله علیه و آله آشنایی داشت، از این ابهام و اجمال و این حدس که او موعود بعثت است تقاضای همکاری در امر تجارت کرد. (4)

ص: 391

1- ابوالفداء، ابن کثیر، البداية والنهاية، ج 2، ص 61

2- مجلسی، بحار الانوار، 46، ص 14.

3- احمد بن حسین بیهقی، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ج 1، ص 250.

4- ذهبی، تاریخ اسلام و وفات المشاهیر الاعلام، ج 1، ص 63

او بدون دغدغه سرمایه را برای تجارت در اختیار آن حضرت نهاد و غلام خود میسر را برای آگاهی و کشف بیش تر از چند و چون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله همراه او کرد؛ به ویژه که شنیده بود در سفر قبل ایشان که به اتفاق عمویش ابوطالب در سفری تجاری بوده راهبی با او دیدار داشته و درباره آینده اش با ابوطالب سخن گفته و سفارش هایی کرده بود. (1)

شنیده ها و یافته ها

سفر تجاری انجام شد پیامبر صلی الله علیه و آله با سودی کلان و با امانت داری تمام حاصل تجارت را در اختیار حضرت خدیجه علیها السلام قرار داد و حضرت خدیجه علیها السلام نیز سهم حضرت را به وی تقدیم داشت میسر را برای گزارش آماده بود و حدس های حضرت خدیجه علیها السلام را به یقین نزدیک می کرد:

1. حاصل تجارت که در کمال امانت داری و پاکی انجام شد، برای حضرت خدیجه علیها السلام سودآوری بسیار داشت.
2. گزارش، میسر از اخلاق نیک صداقت و امانت داری پیامبر حکایت می کرد. (2)
3. ذکر داستان دیدار بحیرای راهب که با راهب سفر قبل به نام نسطور هم داستان است. او از بالای دیر پایین آمد و به صراحت تمام اخبار از موعود بعثت داد (3)
4. حضرت خدیجه علیها السلام از دور مشاهده کرد که پیامبر می آید و ابری بالای سر او در حرکت است؛ بدینسان اطمینان یافت که او فردی ویژه است.
5. با تحقیق و پرسش از ورقه نشانه هایی از منجی را در وجود پیامبر صلی الله علیه و آله می دید. (4)

ص: 392

1- ابوالفداء، ابن کثر، البدایة و النهایة، ج 2، ص 294

2- فضل، کیمانی، رحمت عالمیان، ص 142.

3- نعمان بن محمد بن حیوان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج 1، ص 185.

4- نعمان بن محمد بن حیوان، شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار، ج 1، ص 185.

6. صفات پیامبر صلی الله علیه و آله مانند صداقت، ذکاوت، اخلاق خوش طهارت نفس وقار و نجابت در روابط و آمد و شدها و.... حضرت خدیجه علیها السلام را شیفته او کرد. حضرت خدیجه علیها السلام به پاس حسن عمل در تجارت به او چهار شتر بخشید و میسره را به یمن گزارش های صادقانه اش آزاد ساخت. (1)

شیدایی و دلدادگی

این مجموعه، سبب شد در حضرت خدیجه علیها السلام نوعی شیفتگی در ازدواج با محمد صلی الله علیه و اله به وجود آید و او را به دلدادهای سخت مبدل سازد، اما سه مانع بزرگ در این راه وجود داشت:

1. تفاوت سن که حدود پانزده سال بود حضرت خدیجه علیها السلام چهل ساله و حضرت محمد و 25 ساله بودند.

2. او به علت ازدواج پیشین بیوه بود و پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز همسری اختیار نکرده بود. (2)

3. وجود سنتی دیرین در بین همه اقوام و طوایف که مردان به خواستگاری زنان می روند و پیامبر صلی الله علیه و آله را اندیشه خواستگاری در سر نبود.

4. ثروت حضرت خدیجه علیها السلام که با زندگی متوسط پیامبر صلی الله علیه و آله سازگاری نداشت و ازدواج ها در آن عصر کاملاً طبقاتی بود ولی حضرت خدیجه علیها السلام به این امر نمی اندیشید (3)

سنت شکنی سنگین

سرانجام تصمیم بر این شد تا پیوند با این درّ گران بها را از دست ندهد، اگر چه به سنت شکنی سنگین بینجامد؛ لذا برای این کار اقدام کرد. تاریخ نویسان در این زمینه دو گونه نظر داده اند:

ص: 393

1- محمد حسین هیکل، حیات محمد صلی الله علیه و اله، ص 98

2- همان، ص 84-82.

3- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه و اله، ج 1، ص 272

1. او زنی از دوستان و محرم راز خود را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد تا آمادگی خود را در زمینه ازدواج به ایشان اعلام دارد و آن زن چنین کرد برخی نوشته اند آن زن صفیه و از بستگان پدری پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آن حضرت در جواب فقر خود و عدم تناسب در این کفویت را مطرح کردند و از جانب حضرت خدیجه علیها السلام جواب شنیدند که امور مالی برایش اهمیت ندارد (1).

2. برخی نوشته اند: «و عرضت نفسها علی النبی صلی الله علیه و آله»؛ خود را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و عرضه کرد و گفت: «ای پسر عمو (اشاره به جد چهارم پیامبر - قصی - که جد حضرت خدیجه علیها السلام نیز بوده است نه به سبب قرابت تو با من به تو علاقه مند و دل بسته ام، بلکه به خاطر شرف و امانت داری تو نزد مردم، به خاطر اخلاق نیکویت و صدق گفتارت دوست دار توام)». (2) رسول خدا صلی الله علیه و آله با حیای تمام از تفاوت طبقاتی خود با او سخن گفتند در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام آن را هیچ به حساب آورد و حاصل سخن، رضایت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. (3)

خواستگاری و ازدواج

بر اساس توافق با پیامبر صلی الله علیه و آله بنا شد خواستگاری از حضرت خدیجه علیها السلام اتفاق افتاد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را با ابوطالب در میان نهادند و عمویش نیز از این امر استقبال کرد و با جمعی از بزرگان به خواستگاری حضرت خدیجه علیها السلام رفتند. گرچه برخی معتقدند که خواستگاری را با پدر حضرت خدیجه علیها السلام مطرح کردند درستی این نظر مورد تردید است؛ زیرا طبق شواهدی، پدر ایشان در آن زمان فوت کرده بود

ص: 394

1- محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 21.

2- سید محسن امین، اعیان الیشعه، ج 6، ص 310؛ ابن صباغ مالکی، الفصول الهممة في معرفة الائمة، ص 121

3- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 125.

مهریه اش بیست شتر اعلام شد که ابوطالب عهده دار تأدیه آن شد. (1) خطبه عقد را هم ابوطالب خواند. (2) دیگر بستگان هم چون عموی او عباس نیز حضور داشتند شاعران در مدح این پیوند شعرها سرودند. پیامبر صلی الله علیه و آله به درخواست حضرت خدیجه علیها السلام وارد خانه او شدند و زفاف در همان منزل صورت پذیرفت. (3) زندگی مشترک به صورتی نمونه آغاز شد و تا سال دهم بعثت ادامه یافت. بنا به نقل هایی حضرت خدیجه علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله شش فرزند داشت: دو پسر و چهار دختر که کوچک ترین دختر او حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بودند. (4) فرزندان او عبارتند از، قاسم عبدالله زینب کلثوم، رقیه و حضرت فاطمه که همه آن ها به جز فاطمه علیه السلام قبل از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفتند در واقع او تنها یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله بود. البته حضرت زهرا علیها السلام حدود سه ماه پس از رحلت پدر به علت صدمات و جراحات وارده از سوی دشمن به شهادت رسیدند. (5)

زندگی مشترک

حضرت خدیجه علیها السلام پس از ازدواج همه مال و دارایی خود را در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد و در راه پیشبرد دین بذل کرد تا هر گونه حضرت مصلحت دیدند آن را صرف کنند و ایشان را از کار تجارت معاف داشت تا زندگی را در راه خدمت خلق و عبودیت صرف کند که بسیار بدان مشتاق بود.

او می دانست پیامبر صلی الله علیه و آله را شوقی شدید در خدمت به خلق و اجرای عدالت است عضویت او در حلف الفضول جلوه ای از روحیه خدمت رسانی بود نیز می دانست که او را شوق شدید در عبودیت است ارتباط با معبود، پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 395

1- رسولی محلاتی، زندگی محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، ص 98

2- همان.

3- محمد ابن سعد، طبقات الکبری، ج 8، ص 20؛ ابن صباغ، السیره الحلبیه، ج 1، ص 139.

4- رسول محلاتی، زندگی محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، ص 135

5- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم صلی الله علیه و آله، ج 1، ص 273

را به خود مشغول و حضرت خدیجه علیها السلام را شادمان می ساخت و این همان امری بود که شوق ازدواج را در دل او بیدار ساخت و پیامبر صلی الله علیه و آله در واقع کار دل او را انجام می داد. (1)

بعد معنوی ازدواج او

ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام بیش از این که رنگ و هوای مادی داشته باشد دارای رنگ و هوای معنوی بود؛ زیرا اگر حضرت خدیجه علیها السلام خواستار رسیدن به جنبه های مادی بود بایست با یکی از ثروتمندان و اشراف ازدواج می کرد حال آن که او دست رد به سینه همه آنان زد و تنها خواستار ازدواج با حضرت محمد صلی الله علیه و آله شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس اندیشه غالب در جاهلیت متهم بود به این که یتیم است و در آن روزگار از ایتم دوری می جستند زمینه اتهام به حدی بود که زنان بیوه که دارای فرزند یتیم بودند، نمی توانستند ازدواج کنند مگر آن گاه که فرزند خود را در ازدواج جدید با خود همراه نکنند. (2) حضرتش در چهل سالگی به نبوت رسیدند و یکی از علل نیز دعوت او، این بود که آن حضرت یتیم بودند اما حضرت خدیجه علیها السلام در همین فضای جاهلیت خواستار ازدواج با حضرت شده بود.

حضرت خدیجه علیها السلام در این ازدواج نه تنها به فکر مال و منال نبود، بلکه پس از ازدواج نیز مال و دارایی خود را بذل حضرت کرد این امر نشانی از دل دادگی حضرت خدیجه علیها السلام به معنویت پیامبر صلی الله علیه و آله و موافقت قلبی اش با آن حضرت بود و در واقع معنای زندگی را در کنار پیامبر درک می کرد. (3)

باور حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را باور داشت و دلش به پاکی

ص: 396

1- محمد حین هیکل، حیات محمد صلی الله علیه و آله ص 98

2- مسعودی علی بن حسین مروج الذهب، ج 3، ص 283

3- نک: ریاحین الشریعه، ج 2، ص 23

وصفای باطنی حضرتش آرام بود از این که او مرد خداست، دغدغه ای به خود راه نداد و پس از وصلت این باور در او تقویت می شد بدان حد که وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله با مأموریت رسالت خود از غار حرا به خانه آمدند و جریان امر را با حضرت خدیجه علیها السلام در میان نهادند او بی درنگ ایمان آورد، آن چنان که گویی سال ها منتظر چنین لحظه ای بود.

تاریخ او را نخستین زن مؤمن به اسلام معرفی می کند. (1) او مانند پیامبر صلی الله علیه و آله التزام عملی خود را به اسلام بدون نگرانی از سرزنش دیگران نشان می داد و مصداق «لا تخافون لامة لائم» (2) بود.

او به همراه حضرت علی علیه السلام و در پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار خانه کعبه و روبه روی انظار به نماز می ایستاد (3)

یار همراه و دل دار

توافق قلبی در این ازدواج کامل بود آن چنان که هرگز گرد پیشمانی و کدورت و یا سستی و مسامحه در آن راه نیافت. از همان آغاز زندگی، دست پیامبر صلی الله علیه و آله را در ادامه راه خداپسندانه اش باز گذاشت و حتی او را از کارهای روزمره و تهیه وسایل زندگی معاف کرد و در بسیاری از موارد همراه بود.

او با همراهی و دلداری با پیامبر صلی الله علیه و آله، زندگی را با مودت سامان داد و پس از نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، این همراهی آشکارتر شد دوران رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه با رنج ها و مصائب فراوان همراه بود زندگی آن حضرت پر از آزار و اذیتی بود که حتی در انبیای قبل مانند نداشت و دامنه این رنج ها به یاران نزدیک او نیز سرایت می کرد بدین سان برخی، یاران ناگزیر به هجرت به سوی حبشه شدند. گروهی از آنان تا سرحد مرگ از مشرکان آزار دیدند و برخی زیر شکنجه، مظلومانه به شهادت رسیدند؛ با همه این احوال، حضرت خدیجه علیها السلام همراهی دلسوز و

ص: 397

1- همان

2- سوره مائده، آیه 54

3- مسعودی علی بن حسین، مروج الذهب، ج 3، ص 282

استوار بود شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در این میان وضعیتی دشوار داشتند:

1. به جرم یتیم بودنش عده ای دعوت او را رد می کردند؛
2. در حین دعوت به دنبالش روان شده با دعوی آشنایی و حتی خویشاوندی با او، وی را ساحر و دروغ گو می خواندند؛
3. برخی حین عبور از کوچه از پشت بام خاک رویه بر سرش می ریختند (مثل ابولهب و همسرش)؛ (1)
4. گاه که او را تنها می یافتند با سنگ های خشن از او پذیرایی کرده توان راه رفتن از او سلب می کردند؛
5. سرانجام او را در شعب ابی طالب به مدت سه سال محبوس کردند و از دیدار مردم محروم داشتند. (2)

نقش حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام زنی از اشراف و در خدمت انسان ها بود و کم تر فقیری در مکه وجود داشت که از خوان نعمت او بی بهره باشد (3) به همین جهت حضور او در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله سبب می شد تا عوام در آزار پیامبر صلی الله علیه و آله ملاحظه کنند. شدت گرفتن رنج و آزار قریش بعد از درگذشت ابی طالب و شکایت حضرت از غم ها و رنج هایش به حضرت خدیجه علیها السلام سبب می شد تا حضرتش در کنار او آرام باشند و حضرت خدیجه علیها السلام با دل داری و آسان نمایی مشکلات، راه را بر قیام جهانی حضرت هموار سازد و همه و همه سبب اعتماد و وابستگی بیشتر پیامبر صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام بود. (4) بدین سان وجود او یک ضرورت در زندگی حماسی و پر رنج رسول خدا محسوب می شد که می توانست به واسطه ایمان و اخلاق و امکانات، مادی در امر رسالت او گشایش ایجاد کند.

ص: 398

-
- 1- نک: ابن اثیر، اسد الغابة، ج 5، ص 438
 - 2- ابن هشام، السيرة النبوية، ج 1، ص 279.
 - 3- علی محمد علی دخیل، خدیجه بنت خویلد، ص 43
 - 4- همان، ص 17 و 18

و این نیاز به یاری در آغاز هر نهضتی هویداست.

او علی رغم اموال و موقعیت اجتماعی اش در برخورد با رهبر بزرگ انقلاب جهانی اسلام حرمت داری و سپاس داشت جلوه این رفتار در ماجرای ازدواج او آشکار است. آن گاه که مراسم عقد پایان یافت، پیامبر صلی الله علیه و آله را به خانه خود این گونه دعوت کرد: «الی بیتک فیتی بیتک و انا جاریتک». (1) صد دریغ که این یاری در دهم رمضان سال دهم بعثت نقطه ای پایانی بر بیست سال همراهی حضرت خدیجه علیها السلام با رسول آسمانی بود؛ (2) فراقی که سبب شد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن سال را «عام الحزن بنامند. (3) پس به طور خلاصه می توان گفت نقش حضرت خدیجه علیها السلام در خدمت رسانی و آرامش بخشی پیامبر متعدد و متنوع بود؛ از جمله:

1. آرامش بخشی به پیامبر صلی الله علیه و آله در قالب حمایت خانوادگی؛ آن چنان که خانه برای پیامبر صلی الله علیه و آله مسکن بود یعنی محل سکون و آرامش روزها سختی های مردم را تحمل می فرمود و وقتی به خانه می رسید با دیدار حضرت خدیجه علیها السلام آرامش می یافت. این مصداق همان آیه قرآن است که فرمود: (لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا). (4)
2. گاهی حضرت خدیجه علیها السلام در پی دل داری رسول خدا صلی الله علیه و آله با او از هر دری سخن می گفت تا رنج روز و خستگی از انجام دادن رسالت را از دل و جان حضرت دور کند و پیامبر صلی الله علیه و آله با سخنانش آرامش می یافتند.
3. در پاره ای از موارد همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در کنار او از مردم کم تر اذیت می دیدند
4. گاهی دختر خردسالش حضرت فاطمه علیها السلام را به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله می فرستاد و هنگامی که دشمن خاکرویه بر سر او می ریخت، فاطمه علیها السلام با دست های کوچکش گرد و خاک از سر و روی پدر پاک می کرد و او را نوازش

ص: 399

1- بحار الانوار، ج 16، ص 4

2- همان، ج 2، ص 352

3- همان، ج 19، ص 21

4- سوره روم، آیه 21

5. در همه دشواری ها و محروم ماندن از حضور در جامعه به خاطر زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله در شعب ابی طالب با او همراه بود و در درد و رنج با او مشارکت داشت. این خود نوعی دلگرمی و احساس پشتیبانی برای پیامبر صلی الله علیه و آله ایجاد می کرد تا بدان حد که پس از وفات حضرت خدیجه علیها السلام احساس تنهایی و غربت نمود و نتوانست در مکه اقامت گزیند.

6. به فرموده شیخ صدوق (ابن بابویه)، فضیلت هایی که حضرت خدیجه علیها السلام در عرصه یاری پیامبر به دست آورد نشان داد در تاریخ بی نظیر است و این امری بود که رسول گرامی اسلام تا زمان وفات آن را به خاطر داشتند و از آن یاد می کردند

شأن و مقام حضرت خدیجه علیها السلام

درباره شأن حضرت خدیجه علیها السلام سخن ها بسیار است و به طور خلاصه به این موارد می توان اشاره کرد:

1. حضرت خدیجه علیها السلام در پیشگاه خداوند شأنی عظیم داشت آن چنان که جبرئیل در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشت: «خداى فرمان داد که من سلام خود را به تو اعلام دارم که به حضرت خدیجه علیها السلام برسانی». (1) همین سخن از زبان امام باقر علیه السلام به نقل از امام علی علیه السلام درباره حضرت خدیجه علیها السلام آمده است.

2. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله در بعضی امور با حضرت خدیجه علیها السلام مشورت می کردند و این نشان بزرگی برای اوست که طرف مشورت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.

3. عایشه نقل کرده که روزی خطاب به حضرت فاطمه علیها السلام گفته بود: «مادرت حضرت خدیجه علیها السلام را نسبت به ما و دیگر زنان پیامبر صلی الله علیه و آله فضلی عظیم بود و این امر مایه حسادت ما بود» حضرت فاطمه صلی الله علیه و اله گریستند و

ص: 400

رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: «چه چیز تو را به گریه انداخت؟» فاطمه جریان را بیان کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله به او دلداری دادند که مسأله همان است و از سخن عایشه خشمگین شد و خطاب به او فرمود: «ای حمیرا ساکت باش! حضرت خدیجه علیها السلام زنی، پاک طاهره و مطهره بود». (1)

4. امام علی علیه السلام می فرماید از رسول خدا شنیدم که فرمود: «بهترین زنان امت من حضرت خدیجه علیها السلام است». (2)

5. در صحیحین آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مانند حضرت خدیجه علیها السلام دارای رتبت مقام و عزت و ارجمندی نبود و او بر همه برتری داشت». (3)

6. اربلی از قول ابن هشام گوید: که جبرئیل به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: «من از جانب خدا فرمان دارم که سلام مرا به حضرت خدیجه علیها السلام برسانی» و پیامبر صلی الله علیه و آله سلام جبرئیل را به حضرت خدیجه علیها السلام اعلام داشتند و حضرت خدیجه علیها السلام فرمود: «والیه السلام و لله السلام و علی جبرئیل السلام». (4)

7. رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام فرمودند: «جبرئیل عهد خدا را به من اعلام داشت که خانه مادرت در بهشت بین خانه مریم و خانه آسیه زن فرعون است». (5)

8. بعضی از مفسران داستان حضرت خدیجه علیها السلام را در تفسیر این آیه ذکر کرده اند: (ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَّ جَرَوْه) (6) حضرت خدیجه علیها السلام در این آیه به عنوان اصل ذکر شده که از آن شاخه ها و میوه هایی چون امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و از نسل آن ها امامانی به وجود می آیند که هر کدام سمبلی از

ص: 401

1- شیخ صدوق، خصال، ص 404

2- محمد بن بطریق، ص 204

3- به نقل از: اللعمه البیضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص 4.

4- کشف الغمة، ج 1، ص 512؛ تفسیر البرهان، ج 2، ص 401

5- قاضی نعمان مغربی شرح الاخبار، ج 3، ص 17.

6- سوره ابراهیم، آیه 24

9. بعضی سعی کرده اند داستان حضرت خدیجه علیها السلام را بر اساس آیاتی از انجیل تطابق دهند و متذکر شوند که نسل پیامبران از سوی این بانوی بزرگوار تداوم می یابد. (2)

10. عایشه هر وقت نام حضرت خدیجه علیها السلام را از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله با ستایش می شنید حسادت زنانه اش تحریک می شد و به اشاره می گفت: «خداوند زنی جوان تر و بهتر از آن پیر نصیب شما کرده چرا آن قدر از او سخن می گوید؟» رسول خدا صلی الله علیه و اله غضبناک می شدند و سخن عایشه را رد می کردند که «این چنین نیست. خدای بهتر از او نصیب نکرد!» (3)

شأن حضرت خدیجه علیها السلام بسی بالا تر از آن است که در بین عبارات بتوان آن را گنجانند. او دلدادۀ پیامبر و یار و مونس او و عامل آرامش حضرت بود. نوازش های کریمانه اش نگرانی های رسول خدا صلی الله علیه و آله را برطرف می کرد و او را قدرت می بخشید تا به ادامه کار رسالت خود پردازد بی شک بخشی مهم از موفقیت های پیامبر صلی الله علیه و آله در گرو دلداری های حضرت خدیجه علیها السلام بود که تا زمان مرگش ادامه یافت و این غیر از سرمایه گذاری مادی همه مال و دارایی اش را در راه اسلام صرف کرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره او می فرمایند:

خدیجه علیها السلام و این خدیجه علیها السلام صدقتی حین کذبني الناس و ایدتی علی دین الله و اعانتی علیه بمالها ان الله عز و جل امرنی ان البشر خدیجه علیها السلام بیّت فی الجنة من قصب الزمرد لا صخب و لا نصب. (4)

مثل خدیجه علیها السلام پیدا نخواهد شد! حضرت خدیجه علیها السلام آن هنگام که مردم مرا تکذیب کردند مرا تصدیق نمود و مرا با ثروت خود برای پیشرفت

ص: 402

1- ایضاح المشکلات ، ص 183.

2- بحار الانوار، ج 21، ص 350.

3- همان، ج 16، ص 12.

4- همان، ج 43، ص 131.

دین خدا یاری نمود خدا به من بشارت داد حضرت خدیجه علیها السلام را به قصری زمره در بهشت

این کلام رسول خدا صلی الله علیه و اله درباره همان آرامش بخشی است که وقتی درباره نزول فرشته وحی و آیات اول سوره علق و اظهار ترس از حالات خود با حضرت خدیجه علیها السلام سخن گفت، همسرش با سخنانی دلنشین چنین به او دل داری داد: «بشر فوالله لا یخزیک الله ابدًا آنک لتصل الرحم و تصدق الحدیث و تحمل الكل و تکسب المعدوم و تقری الضیوف و تعین علی نوائب الحق» (1).

رابطه پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام

رابطه رسول خدا صلی الله علیه و آله با حضرت خدیجه علیها السلام- چه در دوران قبل از نبوت و چه بعد از آن- رابطه حرمت داری بود و در این رابطه علایق معنوی بیش از علایق جسمی و مادی است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دوست می داشتند نه برای آن که زوجه حضرت بود؛ زیرا بعدها با زنان متعدد و هر کدام بر اساس مصلحت ازدواج کردند که بعضی از آن ها دوشیزه بودند، ولی هیچ کدام از آن ها نتوانستند جای حضرت خدیجه علیها السلام را پر کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان او همسر دیگری اختیار نکردند و همواره او را از صمیم دل دوست داشتند و این علاقه صرفاً به خاطر همگامی حضرت خدیجه علیها السلام با ایشان در امر رسالت بود.

حضرت خدیجه علیها السلام در سن 65 از دنیا رفت در حالی که شش فرزند شامل دو پسر و چهار دختر برای رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها فرمود: «امید است که خداوند از آن چه را که فعلاً در جریان آن هستیم، خیر بیش تری را در این ازدواج نصیب ما کند!» (2).

حضرت خدیجه علیها السلام همه مال و ثروتش را بذل پیامبر صلی الله علیه و آله کرد تا جایی که

ص: 403

1- ذهبی، تاریخ اسلام روضیات المشاهیر و الاعلام، ج 8، ص 583

2- تاریخ یعقوبی، ج 1، ص 351.

دم مرگ کفن نداشت و پیامبر از این همه بذل در حیرت بودند که او این همه درد و رنج را به خاطر اسلام و در راه پیامبر صلی الله علیه و آله تحمل کرد. (1)

پیامبر صلی الله علیه و آله در طول زندگی با حضرت خدیجه علیها السلام همیشه مشارکت و پشتیبانی او را در امر رسالت احساس می نمودند و این سخن را بارها به حضرت فاطمه و زنان دیگر متذکر می شدند. روزی در خانه نشسته بودند که صدای هاله خواهر حضرت خدیجه علیها السلام را شنیدند و به یاد حضرت خدیجه علیها السلام گریستند که با اعتراض عایشه همراه شد که «تا کی می خواهید برای این پیرزن گریه کنید؟» پیامبر فرمود: «عایشه تو را به خدا سوگند می دهم که دیگر از این سخنان مگوی! کیست که بتواند جای او را در زندگی پر کند؟».

وفاداری حتی پس از وفات

از شدت شرمی که داشت، به حضرت فاطمه علیها السلام گفت: «به پدرت بگو مرا در پیراهن خود بپوشاند و دفن کند» پیامبر صلی الله علیه و آله از شنیدن این سخن بسیار متأثر شدند. لذا پس از درگذشت، او پیراهن خود را برتن او پوشاندند. و او را در قبر قرار دادند. پس از وفات هر گاه نامی از حضرت خدیجه علیها السلام به میان می آمد، رسول خدا بهترین ستایش را درباره او می فرمودند.

پیامبر صلی الله علیه و آله بارها او را نخستین زن مؤمن خواندند که این سندی مهم برای افتخارات حضرت خدیجه علیها السلام است. (2) هم چنین او را در تنگناها و دشواری های بسیار زندگی در عصر نبوت در مکه دانستند. (3)

سرانجام به او وعده زوجیت در بهشت را دادند که این امر را هم به او اعلام داشتند و هم بعدها به دخترش حضرت فاطمه علیها السلام (4)

ص: 404

1- بحار الانوار، ج 19، ص 20

2- قاضی نعمان، مغربی شرح الاخبار، ج 3، ص 20.

3- الطرائف، ج 1، ص 291؛ صحیح بخاری، ج 1، ص 231.

4- شرح الاخبار، ج 3، ص 17 و 101

داستان زندگی حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و روابط اخلاقی، انسانی، عاطفی و معنوی شان بیش از آن است که در کتاب ها به نگارش درآید اگر بنا باشد که همه اسناد تاریخ نگاران و سیره نویسان در این زمینه جمع گردد، دفتری جداگانه را می طلبد و حق این است فرصت و عمری در این راه سرمایه گذاری شود.

به حق باید گفت پیوند و وصلت این دو بزرگوار، به واقع آیتی از آیات بزرگ خداوند و حجتی از او برای بشریت بود تا درس عبرتی برای دوست داران شرف و فضیلت و عزت باشد.

قرآن كريم.

نهج البلاغه.

1. ابن اثير، اسد الغابة، ج 5، ص 438.
2. ابن صباغ مالكي، الفصول المهمة في معرفة الائمة، ص 121.
3. ابن هشام، السيرة النبويه، ج 1، ص 279.
4. ابوالفداء، ابن كثر، البداية و النهاية، ج 2، ص 294.
5. احمد بن حسين بيهقي، دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوي دامغانى، ج 1، ص 250.
6. آمدى، غرر الحكم و دررالکلم، حديث 326.
7. جعفر مرتضى عاملى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم صلى الله عليه و اله، ج 1، ص 272.
8. ذبيح الله محلاتى، رياحين الشريعة، ج 2، ص 746.
9. ذهبى، تاريخ اسلام روضيات المشاهير و الاعلام، ج 8، ص 583.
10. رسول محلاتى، زندگى محمد رسول الله صلى الله عليه و اله، ص 135.
11. سيد محسن امين، اعيان الشعه، ج 6، ص 310.
12. شافعى، السيرة الحلبيه، ج 1، ص 123.
13. شيخ صدوق، خصال، ص 404.
14. على بن حسين، مسعودى، مروج الذهب، ج 3، ص 283.
15. على بن محمد ابن اثير جوزى، اسد الغابة في معرفة الصحابة، ج 6، ص 78.
16. على محمد على دخيل، خديجه بنت خويلد، ص 43.
17. فضل، كيمانى، رحمت عالميان، ص 142.
18. قاضى نعمان، مغربى، شرح الاخبار، ج 3، ص 20.

19. مجلسی، بحار الانوار، ح 46، ص 14.

20. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 21، ص 350.

ص: 406

21. محمد ابن سعد، الطبقات الكبير، ج 8، ص 18.
22. محمد بن احمد، فتال نيشابورى، روضة الواعظين و بصيره المغطين، ج 2 ص 472
23. محمد حين هيكل حيات محمد صلى الله عليه و آله، ص 98.
24. مسعودى على بن حسين، مروج الذهب، ج 3، ص 282.
25. نعمان بن محمد بن حيوان، شرح الاخبار في فضائل الائمة الاطهار، ج 1، ص 185
26. يعقوبى، تاريخ يعقوبى، ج 1، ص 351.

ص: 407

*بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام: مریم مظفری (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام همسر رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سال های نخستین، اسلام در تمامی سختی ها و مشکلات تبلیغ اسلام در کنار همسر خود جان فشانی ایثار و صبر نمود علی رغم بی نیازی مادی و داشتن جاه و مقام در جامعه آن، روز تمامی مشکلات موجود را در راه اسلام به جان خرید معرفی شخصیت انسان های بزرگ برای الگوگیری کاری بس شایسته است لذا در نوشته پیش رو منزلت معنوی این بانوی فداکار بررسی می شود در این راستا به شیوه تحلیلی کتابخانه ای منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام بررسی و پژوهش گردید در منزلت معنوی حضرت این موارد به دست آمد: 1. مصداق برخی آیات و معرفی شدن وی توسط مفسران فریقین؛ 2. نام بردن از وی در روایات فراوان 3. مباحث کردن امامان علیهم السلام به وی 4. فرستادن خدا زنانی برای کمک به وی 5. فرستادن خدا کفن بهشتی برای وی .

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، منزلت، معنوی، قرآن کریم، پیامبر صلی الله علیه و آله

مقدمه

ص: 408

1- استاد و پژوهشگر و عضو گروه علمی زبان و ادبیات عرب مجتمع آموزش عالی شهید بنی الهدی.

حضرت خدیجه علیها السلام در روزهای نخستین اسلام که دشمنان با نیرنگ و نقشه های متفاوت در فکر آسیب رساندن به پیامبر صلی الله علیه و آله و بین بردن اسلام بودند در کنار آن حضرت بود و صبورانه مشکلات و درد و رنج های هجرت را در کنار همسر خود تحمل نمود. او هرگز از مشکلات شکایت نکرد و مال و ثروت خود را در آن وضعیت فوق العاده سخت در راه اسلام هزینه نمود. این بانوی بزرگوار دارای منزلت دنیوی و معنوی بود که در این مقاله به منزلت معنوی ایشان پرداخته می شود.

قرآن بر خلاف تصور برخی افراد که تنها مردان را الگوی افراد و جامعه می دانند، نمونه هایی از زنان وارسته و زنان گمراه را به جامعه و مؤمنان معرفی می کند. در سوره تحریم، آیات 11 و 12 می فرماید: (وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِزًّا مِثْلَ ابْنَةِ أَبِي لَهَبٍ وَابْنَةَ ابْنِ مَرْيَمَ إِنَّ ابْنَتَهُمَا كَانَ مِنَ الْبِغْيَانِ وَمِثْلَ لُوطِ ابْنِ مَرْيَمَ إِنَّ ابْنَتَهُمَا كَانَ مِنَ الْبِغْيَانِ)؛ (1) و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است در آن هنگام که گفت: "پروردگار! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش!" و هم چنین به مریم دختر عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما را از روح خود در آن دمیدیم. او کلمات پروردگار و کتاب هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود! این آیات نشان می دهد که زنان بزرگ نه تنها الگو برای زنان بلکه نمونه برای کل جامعه هستند. بنابراین بیان فضایل حضرت خدیجه علیها السلام می تواند برای تمامی افراد جامعه اسلامی راه گشا، باشد زیرا به شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه از کامل ترین زنان و بهترین الگوهایی به شمار می آید که فضایل او به حد کمال رسیده است.

برخی از مفسران فریقین در تفسیر برخی آیات وی را به عنوان مصداق آن آیه معرفی کرده اند در روایات فراوانی نیز نام این بانوی اسوه صبر و شکیبایی ذکر

ص: 409

شده است. کتاب های متعددی در مورد شخصیت ایشان نگاشته شده ولی در مورد منزلت معنوی این بانوی بزرگ آن طور که باید کار نشده است. مطالبی در کتاب ها به صورت پراکنده، آمده ولی به همه موارد اشاره نشده لذا جا دارد کتاب ها و مقالات در این زمینه نوشته شود و این شخصیت بزرگ به عنوان الگو برای همگان به طور کامل معرفی گردد. برای شناخت منزلت معنوی این بانوی ارجمند پس از مفهوم شناسی واژگان "منزلت" و "معنوی" و "معرفی این شخصیت"، در آیات و احادیث جست جو می نمایم.

مفهوم شناسی

1. منزلت

"منزلت" در لغت از "نزل" گرفته شده و به معنای مرتبه (1) درجه (2) مقام (3) و مکان فرود آمدن است (4).

2. معنوی

"معنوی" در لغت از "عنی" به معنای "قصد کرد" است. (5) معنوی هر چیزی خلاف مادیات و حالت نفس و باطن است؛ مانند «معنویات الجنود»؛ یعنی حالت درونی سربازان؛ این حالت تنها با قلب شناخته می شود (6).

معرفی حضرت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام دختر خویلد، بنابر اعتقاد بسیاری از تاریخ نگاران، 68 سال پیش

ص: 410

1- جوهری، الصحاح تاج اللغة والصحاح العربیه، ج 5، ص ص 1829.

2- زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 19، ص 711

3- قیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج 2، ص 106.

4- ابن منظور، لسان العرب، ج 11، ص 856.

5- اسماعیل صینی محمود، المکنز العربی المعاصر، ص 103.

6- زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 19، ص 711

از هجرت در مکه متولد شد (1) ولی برخی از آنان بر این باورند که این بانو 56 سال پیش از میلاد متولد شده است. (2) وی در خاندانی بزرگ دیده به جهان گشود و با اخلاق و صفات پسندیده و برجسته تربیت یافت. (3) تا آن جا که در روزگار جاهلیت از آن بانو با عناوین طاهره دخت پاک منش و سیده قریش یاد می شد (4) حضرت خدیجه علیها السلام دارای القاب بسیاری است که عبارت اند از:

1. طاهره: ایشان به سبب پاکی سرشت و منش به این صفت مفتخر گردیدند. هرگز بافته ها و حرکات ناشایست در محفل و سرای وی بر زبان جاری نمی شود (5) دانشمندان در کتب خود در مورد حضرت خدیجه علیها السلام نوشته اند: «و كانت فی الجاهلیه الطاهره» (6) وی در روزگار تیره و تاریک جاهلیت، "پاک روش" و "پاک منش" یا "طاهر" بود. «كانت خدیجه تدعی فی الجاهلیه الطاهره»؛ «نامش در جاهلیت "طاهره" بوده است». (7) یکی از دانشمندان اهل سنت در این مورد می نویسد: «و كانت تدعی فی الجاهلیه بالطاهره لشدة عفافها...»؛ خدیجه علیها السلام در روزگار جاهلیت به سبب عفاف پروا و معنویت بسیار "طاهره" خوانده می شد» (8)

2. صدیقه: در بخشی از زیارت نامه پیامبر صلی الله علیه و آله، به هنگام درود بر زوجات طاهرات از حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان صدیقه تعبیر شده است (9)

3. مبارکه: خداوند به حضرت عیسی علیه السلام وحی فرمود: نسل پیامبر آخرالزمان از بانوی مبارکه است. (10)

4. ام المؤمنین: این لقب در قرآن برای همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و در رأس آن ها

ص: 411

-
- 1- غروی نایینی نهله، محدثات شیعه، ص 157
 - 2- زرکلی، الاعلام قاموس تراجم، ج 2، ص 302.
 - 3- رحمانی همدانی، فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی صلی الله علیه و آله، ص 187
 - 4- کرمی فریدنی، فروغ آسمان حجاز، ص 40.
 - 5- همان، ص 36
 - 6- هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج 9، ص 218
 - 7- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج 2، ص 175.
 - 8- زرقانی، شرح العلامة الزرقانی علی المواهب اللدینه بالمنح الحمیده، ج 1، ص 199.
 - 9- مجلسی، بحار الانوار، ج 1010، ص 189
 - 10- همان، ج 43، ص 22

حضرت خدیجه علیها السلام به کار رفته است. (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)؛ (1) پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است و همسران او مادران آن‌ها [مؤمنان] محسوب می‌شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله بارها تصریح فرمودند که حضرت خدیجه علیها السلام برترین و بهترین همسران است. (2)

5 سایر القاب: در زیارت نامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله از حضرت خدیجه علیها السلام با عناوین: راضیه مرضیه و زکیه یاد شده است. (3) یتیمان او را "ام الیتامی"، بینوایان او را "ام الصعالیک"، مؤمنان او را "ام المؤمنین" و کوثر جاری خلقت نیز او را "ام الزهرا" یا سرچشمه کوثر می‌دانستند. (4)

حضرت خدیجه علیها السلام نخستین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله، مادر حضرت فاطمه علیها السلام و نخستین زن ایمان آورنده به اسلام است طبق باور تشیع و برخی دیگر از مسلمانان و تاریخ نویسان اسلامی خدیجه عزیزترین زن پیامبر صلی الله علیه و آله بود. به گفته عایشه، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خدیجه را بهترین همسر خود می‌دانستند. (5)

بررسی منزلت معنوی حضرت خدیجه علیها السلام

اشاره

حضرت خدیجه سلام الله علیها دارای منزلت معنوی فراوانی بودند از جمله:

1. حضرت خدیجه علیها السلام مصداق برخی آیات در تفاسیر فریقین

الف) (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُوَّةً أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)؛ (6) و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندان مان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان!». تفاسیر شواهد

ص: 412

1- سوره احزاب، آیه 6

2- کربلائی جواد بن عباس الانوار الساطعه فی شرح الزیاره الجامعه، ص 226.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 189

4- مهدی پور، سرچشمه کوثر ام المؤمنین خدیجه کبری، ص 15

5- احمد بن حنبل، مسند، ج 6، ص 117 .

6- سوره فرقان آیه 74

التنزيل القواعد التفضيل، (1) تفسير قمی، (2) تأویل الآيات الظاهره (3) "أزواجنا" در آیه شریفه را حضرت خدیجه علیها السلام دانسته اند.

زمانی که این آیه نازل شد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از جبرئیل پرسیدند: «کدام یک از همسرانم؟» جبرئیل پاسخ دادند: «خدیجه علیها السلام» پیامبر صلی الله علیه و آله از "ذریتنا" سؤال کردند؛ جبرئیل گفت: «فاطمه». هم چنین از "قره العین" سؤال کردند؛ جبرئیل گفت: «حسن و حسین علیهما السلام» (4)

(و وَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى) (5) «و تو را فقیر یافت و بی نیاز نمود». (توجه "خدیجه" آن زن مخلص با وفا را به سوی تو جلب نمود تا ثروت سرشارش را در اختیار تو و اهداف بزرگت قرار دهد و بعد از ظهور اسلام غنایم فراوانی در جنگ ها نصیب تو کرد، آن گونه که برای رسیدن به اهداف بزرگت بی نیاز شدی).

در تفاسیر مفاتیح الغیب، (6) تقریب القرآن، (7) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (8) مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، (9) فتح القدر، (10) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل (11) و لباب التأویل فی معانی التنزیل، (12) بی نیازی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به سبب ثروت حضرت خدیجه علیها السلام و غنایم جنگی دانسته اند. مرحوم شیخ صدوق در تفسیر این آیه می نویسد: «وجدك عائلا يقول فقيرا عند قومك يقولون لا مال لك فاغناك الله بمال خديجة...»؛ (13) و تو را تنگدست یافت و به

ص: 413

- 1- حسکانی، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج 1، ص 540.
- 2- قمی، تفسیر، ج 2، ص 118.
- 3- حسینی استرآبادی، تأویل الآيات الظاهره، ص 382.
- 4- مجلسی، بحار الانوار، ج 24، ص 136
- 5- سوره ضحی، آیه 8.
- 6- فخر الدین رازی، مفاتیح الغیب، ج 3، ص 199
- 7- حسینی شیرازی، تقریب القرآن إلى الأذهان، ج 5، ص 694
- 8- طبرسی، مجمع البیان، ج 10، ص 767
- 9- حائری تهرانی مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، ج 12، ص 168.
- 10- شوکانی، فتح القدر، ج 5، ص 559.
- 11- زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 4، ص 767.
- 12- بغدادی، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 4، ص 439
- 13- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 142.

وسيله ثروت هنگفت خديجه عليها السلام بي نياز گردانيد».

ج) (وَ السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ)؛ (1) «و (سومين گروه) پيشگامان پيشگامند آن ها مقرَّبانند!» در تفاسير نور الثقلين (2) و تفسير قمی (3) مصاديق "السابقون" را چهارده معصوم و حضرت خديجه عليها السلام بيان کرده اند:

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «السابقون؛ رسول الله صلى الله عليه وآله، علي بن ابي طالب، الائمة فاطمه و خديجه صلوات الله عليهم و ذريتهم الذين اتبعوهم بايمان يتسنم عليهم من اعالي دورهم؛

پيش تازان عبارتند از: پيامبر صلى الله عليه وآله، امير مؤمنان عليه السلام، امامان اهل بيت كه يكي پس از ديگري خواهند آمد فاطمه عليها السلام و خديجه بنت خويلد. (4)

د) (وَ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصَّ طِفْلاًكَ وَ طَهَّرَكَ وَ اصَّ طِفْلاًكَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)؛ (5) و (به ياد آوريد) هنگامي را كه فرشتگان گفتند: "اي مريم! خدا تو را برگزيده و پاڪ ساخته و بر تمام زنان جهان برتري داده است". تفاسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان (6) و مفاتيح الغيب (7) حديثي از پيامبر صلى الله عليه وآله آورده اند كه چهار زن را به عنوان كامل ترين زنان در عالم هستي معرفي فرموده كه عبارتند از: مريم دختر، عمران آسيه همسر فرعون خديجه دختر خويلد و فاطمه دختر محمد صلى الله عليه وآله. در تفاسير نور الثقلين (8) والتبيان في تفسير القرآن (9) حديثي از پيامبر صلى الله عليه وآله آمده كه «خديجه عليها السلام بر زنان امت من برتري دارد همان گونه كه حضرت مريم عليها السلام بر زنان عالم هستي برتري داشت» در تفسير لباب التأويل في معاني التنزيل (10) و الدر المنثور

ص: 414

1- سوره واقعه آيات 10 و 11

2- عروسی حویزی، تفسير نور الثقلين، ج 5، ص 535

3- قمی، تفسير، ج 2، ص 412

4- مجلسی، بحار الانوار، ج 3 و 24

5- سوره آل عمران، آيه 42.

6- نيشابوری، تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 2، ص 160.

7- فخرالدين رازی، مفاتيح الغيب، ج 8، ص 218

8- عروسی حویزی، تفسير نور الثقلين، ج 1، ص 336.

9- طوسی، التبيان في تفسير القرآن، ج 2، ص 456.

10- بغدادی، لباب التأويل في معاني التنزيل، ج 1، ص 244.

فی تفسیر المأثور (1) حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده که برتری حضرت خدیجه علیها السلام را با حضرت مریم علیه السلام یکسان دانسته است.

ه) (وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ، وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ، وَلَا الظُّلُّ وَالْحُرُّ، وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ وَ مَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ) (2) و نابینا و بینا هرگز برابر نیستند و نه ظلمت ها و روشنایی، و نه سایه (آرام بخش) و باد داغ و سوزان! و هرگز مردگان و زندگان یکسان نیستند! خداوند پیام خود را به گوش هر کس بخواهد می رساند، و تو نمی توانی سخن خود را به گوش آنان که در گور خفته اند برسانی!« در تفاسیر تأویل الآيات الظاهرة (3) والبرهان في تفسير القرآن (4) چنین آمده است:

و مَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ: فالأحياء على و حمزه و جعفر و حسن و حسين و فاطمه و خديجه عليها السلام و اموات كفار مكة؛

احياء و اموات برابر نیستند مصادیق احیا عبارتند از: علی حمزه، جعفر، حسن، حسین فاطمه و خدیجه و مصادیق اموات عبارتند از: کفار مکه

2. دیدگاه راویان شیعه و اهل تسنن در مورد مقام حضرت خدیجه علیها السلام

نویسنده مستدرک سفینه البحار در مورد فضایل حضرت خدیجه علیها السلام گفته است

روایاتی که در مورد فضایل حضرت خدیجه علیها السلام در ابواب مختلف وارد شده، بیش از آن است که قابل شمارش باشد.

برخی از این فضایل عبارتند از:

الف) رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: "ای رسول خدا! این خدیجه علیها السلام است؛ هر گاه نزد تو آمد بر او از سوی پروردگارش و از طرف

ص: 415

1- سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج 2، ص 23

2- سوره فاطر آیات 19-22

3- حسینی استرآبادی، تأویل، الآيات الظاهرة، ص 496

4- بحرانی، البرهان في تفسير القرآن، ج 4، ص 445.

ب) رسول اکرم صلی الله علیه و اله می فرمایند: قصری در بهشت برای حضرت خدیجه علیها السلام است که همه آن قصر از یک گوهر تو خالی است که از یک قطعه است نه این که از قطعه های مختلف ساخته شده باشد. (2)

ج) روزی پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیدگان خداوند را معرفی کردند تا این که فرمودند: «وَ خَيْرَتُهُ مِنَ النِّسَاءِ فَمَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ، اِمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ، وَ فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ وَ خَدِيْجَةُ بِنْتُ حُوَيْلِدٍ»؛ «برگزیدگان خدا از زنان عبارتند از: مریم، آسیه، فاطمه و خدیجه». (3)

زنان نمونه در جهان بسیارند ولی این چهار زن بر همگان برتری دارند در بررسی زندگی این چهار بانو به یکی از رازهای مهم برتر بودن آن پی می بریم و آن حمایت از رهبری است. آن ها در مورد استواری رهبری حق بسیار تلاش و ایثار نمودند تا آن جا که هر چهار نفر برای استواری مقام عظمای رهبری راستین به شهادت رسیدند با این تفاوت که آسیه علیها السلام و فاطمه علیها السلام آشکارا شهید شدند ولی شهادت مریم و خدیجه علیها السلام به تدریج و پس از تحمل محنت های بسیار انجام شد. بنابراین حمایت از رهبری راستین، راز و رمز اوج برتری است

د) رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند:

اشتاقت الجنة إلى اربع من النساء: مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم زوجه فرعون و هی زوجه النبی فی الجنة و خدیجه بنت خویلد زوجه النبی فی الدنيا و الآخرة و فاطمه بنت محمد؛

بهشت مشتاق چهار زن است: 1. مریم دختر عمران؛ 2. آسیه دختر مزاحم (همسر فرعون)؛ 3. خدیجه دختر خویلد همسر رسول خدا صلی الله علیه و اله در دنیا و آخرت؛ 4. فاطمه علیها السلام دختر حضرت محمد علیها السلام (4)

ص: 416

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 8

2- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 5، ص 438

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 100، ص 189

4- همان، ج 43، ص 53

ه) در بخشی از یکی از زیارت نامه های رسول خدا آمده صلی الله علیه و آله است:

السلام علی ازواجك الطاهرات الخیرات امهات المؤمنین خصوصاً الصدیقه الطاهره الزکیه الراضیه خدیجه الکبری ام المؤمنین؛

سلام بر همسران پاک و نیک تو! مادران مؤمنان به خصوص سلام بر بانوی راستین و پاک و پاکیزه خشنود و پسندیده خدیجه بانوی بزرگ مادر مؤمنان (1)

تعبیر به مادران مؤمنان از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از این جهت است که ازدواج با آن ها بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله حرام است. باید به حریم رحمت آن ها و پیامبر صلی الله علیه و آله احترام نهاد و با آن ها ازدواج نکرد.

3. مباحث امامان علیهم السلام و بزرگان به وجود حضرت خدیجه علیها السلام

الف) امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد فرمود: «شما را به خدا سوگند آیا می دانید که جده من خدیجه علیها السلام دختر خویلد است؟» (2) و نیز خطاب به دشمن فرمود: «آیا می دانید که من فرزند همسر پیامبر شما خدیجه علیها السلام هستم؟». (3)

ب) امام سجاد علیها السلام در مجلس شاهانه یزید در دمشق در آن خطبه معروف، ابتدا خود را چنین معرفی فرمودند: «أنا بن خدیجه الکبری؛ من پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم». (4)

ج) در دعای ندبه که از ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده، خطاب به ایشان چنین می خوانیم: «أین ابن النبی المصطفی و ابن علی المرتضی و ابن خدیجة الغراء؛ کجاست پسر پیامبر برگزیده صلی الله علیه و آله و پسر علی علیه السلام و پسر خدیجه بلند مقام علیها السلام؟». واژه "غراء" یعنی شامخ و ارجمند که در این جا به عنوان صفت

ص: 417

1- همان، ج 100، ص 189

2- همان، ج 44، ص 318

3- همان، ج 45، ص 6.

4- همان، ج 44، ص 174

برای حضرت خدیجه علیها السلام ذکر شده است. (1)

د) حضرت زینب علیها السلام در روز یازدهم محرم سال 61 قمری، هنگامی که کنار پیکرهای پاره پاره شهیدان آمدند و مطالبی جان سوز گفتند، پس از ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، از خدیجه علیها السلام یاد کردند و فرمودند: «بابی خدیجه الکبری؛ پدرم به فدای خدیجه بانوی بزرگ باد». (2)

4. فرستادگان ویژه الهی

هر کس در مسیر الهی حرکت کند خداوند هرگز او را رها نمی کند و تنها نخواهد گذاشت. نمونه بارز آن سرگذشت خدیجه کبرا علیها السلام است. هنگامی که وضع حمل آن بانو نزدیک گشت، به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد که مرا در این امر یاری نمایید؛ ولی آنان پاسخ دادند: ای خدیجه! چون در ازدواجت از سخنان ما سرپیچی نمودی و با محمد یتیم ازدواج کردی، ما نیز تو را یاری نمی کنیم». خدیجه از این پاسخ سخت ناراحت شد. در این هنگام چهار زن همانند زنان بنی هاشم وارد شدند در حالی که خدیجه از دیدن آن ها تعجب کرده بود یکی از آن چهار زن به خدیجه گفت: غمگین مباش! پروردگارت ما را برای یاری تو فرستاده است». (3)

5. کفن بهشتی

حضرت خدیجه علیها السلام در لحظات احتضار حضرت فاطمه علیها السلام را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله واسطه قرار داد تا از ایشان خواهش کند که عباي خود را کفن حضرت خدیجه علیها السلام قرار دهد. وقتی حضرت فاطمه س درخواست مادر را مطرح کردند، اشک از چشمان حضرت جاری گردید. چیزی نگذشت که جبرئیل نازل شد در حالی که کفنی از بهشت همراه خویش داشت که خداوند آن را برای

ص: 418

1- قیومی المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج 2، ص 445.

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 45، ص 59.

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 80؛ صدوق، امالی، ص 475

نتیجه

حضرت خدیجه علیها السلام دختر خویند، 68 سال پیش از هجرت در مکه متولد شد. وی در خاندانی بزرگ دیده به جهان گشود بروی لقب هایی چون طاهره صدیقه، مبارکه، ام المؤمنین، راضیه، مرضیه و زکیه نهادند. در تفاسیر شیعه و اهل تسنن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مصداق برخی آیات معرفی شده است. روایات فراوانی وارد شده که خداوند بر حضرت خدیجه علیها السلام می رساند و ایشان را گرامی می داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام نام بردن از برترین زنان جهان، از خدیجه علیها السلام یاد فرموده است. هم چنین در جایی دیگر بیان کرده اند: که بهشت مشتاق حضرت خدیجه علیها السلام است. امامان نیز به حضرت خدیجه علیها السلام مباحات می کردند و در برابر دشمن و یا سایر موارد خود را پسر خدیجه علیها السلام معرفی می نمودند. خداوند نیز عنایت ویژه ای به این بانو داشت، لذا هنگام وضع حمل ایشان بانوانی را برای کمک رسانی به این بانوی بزرگ فرستاد و هنگام وفات ایشان کفنی از بهشت فرستاد تا این بانورا با آن کفن کنند.

ص: 419

1. احمد بن حنبل (1421 ق)، مسند، بیجا مؤسسه الرساله، بی تا.
2. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابه، کتاب النساء، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، (بی تا)
3. - (1965 م)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
4. ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ق). لسان العرب، بیروت: دار الصادر.
5. اسماعیل صینی، محمود (1414 ق). المکنز العربی المعاصر، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون
6. بحرانی، سیدهاشم (1416 ق). البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
7. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد (1415 ق). لباب التأویل فی معانی التنزیل بیروت: دار الکتب العلمیه
8. جوهری، اسماعیل بن حماد (1376 ش). الصحاح: تاج اللغه و الصحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین
9. حائری تهرانی میر سید علی (1377 ش). مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر تهران: دار الکتب الاسلامیه
10. حائری، محمد مهدی (1382 ش). شجره طوبی بی جا مکتبه الحیدریه.
11. حسکانی، عبیدالله بن احمد (1411 ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
12. حسینی استرآبادی، سید شریف (1409 ق). تأویل الآیات الظاهره، قم: دفتر انتشارات اسلامی
13. حسینی شیرازی، محمد (1424 ق). تقریب القرآن إلى الأذهان، بیروت: دارالعلوم.
14. رحمانی، همدانی احمد (1378 ش). فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفى صلى الله عليه و اله تهران: انتشارات منیر

15. زبيدي، مرتضى (1414 ق). تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت: دار الفكر.
16. زرقاني محمد بن عبدالباقى (1417 ق). شرح العلامة الزرقاني على المواهب اللدینه بالمنح الحمديه، بيروت: دارالكتب العلميه
17. زركلى خيرالدين (1984م). الاعلام قاموس تراجم، بيروت: دارالعلم. للملايين.
18. زمخشري، محمود (1407 ق). الكشف عن حقائق غوامض التنزيل چاپ سوم، بيروت: دار الكتاب العربي
19. سيوطى، جلال الدين (1404 ق). الدر المنثور فى تفسير المأثور، قم: كتابخانه آيت الله مرعشى نجفى
20. شوكانى، محمدبن على (1414 ق). فتح القدير، دمشق و بيروت: دارابن كثير و دارالكلم الطيب.
21. طبرسى، فضل بن حسن (1372 ش). مجمع البيان، با مقدمه محمدجواد بلاغى چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
22. طوسى، محمد بن حسن (بى تا) التبيان في تفسير القرآن، بيروت: داراحياء التراث العربي.
23. عروسى حويزى، عبد على بن جمعه (1415 ق). تفسير نور الثقلين، قم: اسماعيليان
24. غروى نايينى، نهله (1375 ش). محدثات شيعه، تهران: دانشگاه تربيت مدرس.
25. فخرالدين رازى ابو عبد الله محمد بن عمر (1420 ق). مفاتيح الغيب چاپ سوم، بيروت: داراحياء التراث العربي.
26. فيومى، احمد بن محمد (1414 ق). المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: دار الهجره.
27. قمى، على بن ابراهيم (1367 ش). تفسير القمى، قم دار الكتاب.

28. كربلايى جواد بن عباس (1377 ش). الانوار الساطعه في شرح الزياره الجامعه ، قم ، شهر: رى دار الحديث
29. كرمى فريدنى على (1382 ش). فروغ آسمان حجاز، قم: نشر حاذق.
30. مجلسى، محمد باقر، (بى تا). بحار الانوار. تهران: مكتبه الاسلاميه .
31. مهدي پور، على اكبر (1387 ش). سرچشمه كوثرام المؤمنين خديجه عليها السلام كبرى عليها السلام، قم: سيمای آفتاب
32. نيشابورى، نظام الدين حسن بن محمد (1416 ق). تفسير غرائب القرآن و رغائب الفرقان بيروت: دار الكتب العلميه
33. هيثمى، على بن ابى بكر (1994 م) . مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قاهره: بى نا.

دیرینه‌شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی

اشاره

*دیرینه‌شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در تجلیل پیامبر صلی الله علیه و آله (در آستانه سفر به شام): ناهید طیبی (1)

چکیده

کاوش در سند و پیشینه گزارش‌های، تاریخی از مباحث مهم در شناخت درست رخدادها و انسان‌های تأثیرگذار در تاریخ است. دیرینه‌شناسی اشعار حضرت خدیجه علیها السلام که در 12 صفحه از کتاب الانوار ابوالحسن البکری (متوفای قرن 7) ثبت شده از مسائل مهم زیست‌نامه آن بانوی بزرگ است این اشعار بایست در آثار مهم پیش از وی با موضوع شعر و بلاغت زنان صدر اسلام مانند بلاغات النساء یا کتب سیره نبوی مانند سیره ابن اسحاق و طبقات ابن سعد، در ضمن سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌شد. بر اساس دستاورد تحقیق حاضر اشعار یاد شده نخستین بار در کتاب الانوار آمده و زمینه تاریخی آن سفر تجاری پیامبر صلی الله علیه و آله به شام بوده است. این اشعار و مطالب ضمنی، آن در بحار الانوار به طور کامل از الانوار نقل شده و حتی نویسنده الذریعه با استناد به همین اشعار بانورا «رقیقه الشعر» دانسته اما بررسی سندی و دلالتی این اشعار و مطالب پیرامون آن نیز عدم انطباق با گزارش‌های معتبر تاریخی و قصاص بودن ابوالحسن البکری و عدم استفاده سیره نویسان از قرن هفتم به بعد از مطالب، وی ساختگی بودن این مطلب را نشان می‌دهد انگیزه جعل بر ما معلوم نیست و نیازمند پژوهش مستقل در کتاب

ص: 423

الانوار است اما به نظر می‌رسد آگاهی بخشی به جامعه علمی و به ویژه تاریخ پژوهان نسبت به ساختگی بودن مطالب و اشعار یاد شده مانع نشر این گزارش‌های ساختگی گردد و ثمره آن ارائه نسخه صحیح و معتبر از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام باشد.

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام، کتاب الانوار ابوالحسن البکری، اشعار حضرت خدیجه علیها السلام، گزارش‌های ساختگی

مقدمه

شعر و شاعری از مشخصه‌های جامعه عرب در عصر جاهلیت بوده و وجود آثار فراوان در زمینه شعر و طبقات شاعران و اشعار درج شده در منابع تاریخی و سیره‌نگاری‌ها اهمیت این گونه ادبیاتی را نمایان می‌سازد نام‌های مردان و زنان شاعر و اشعار آنان در کتاب‌های مهمی چون الاغانی ابوالفرج اصفهانی طبقات الشعراء محمد بن سلام الجهمی (م 231) و جمهره اشعار العرب ابوزید محمد بن ابی الخطاب القرشی فهرست شده است. افزون بر این دو اثر در بلاغات النساء ابن طیفور (م 280) و معجم النساء الشاعرات فی الجاهلیه والاسلام نوشته مهنا، به طور خاص زنان خوش بیان و شاعر در جاهلیت و اسلام معرفی شده‌اند و بخش‌هایی از اشعار آنان آمده است. در کتاب الانوار البکری که از منابع سده هفتم هجری است، اشعاری از حضرت خدیجه علیها السلام قبل از ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله و هنگام سفر آن حضرت به شام نقل شده است. با وجود جایگاه آن بانو در تاریخ اسلام و نقش قدرتمند وی در تثبیت دین اسلام، یادکرد از اشعار وی در منابع خاصی مانند بلاغات النساء و کتب سیره نبوی و حتی منابع ادبی و روایی متقدم ضروری بوده است اما هیچ اثری از اشعار مذکور در این آثار و حتی آثار دست‌چندم پیش از قرن هفتم دیده نمی‌شود. در تحلیل این عدم یادکرد دو فرضیه به نظر می‌رسد:

ص: 424

الف) اشعار از ابتدا بوده و نیامدن آن به دلایل سیاسی و کم رنگ جلوه دادن شخصیت بانوست که می تواند از میزان تعظیم و تحسین پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به او در اذهان مردم بکاهد و موجب بزرگداشت دیگر همسران آن حضرت باشد.

ب) این اشعار از قرن هفتم به بعد منسوب به بانو شده و در واقع از فضیلت تراشی های قرون بعدی است پیراستن تاریخ زندگانی بانو از این پیرایه ها و افزونه ها خدمت بزرگی به تاریخ اسلام خواهد بود.

تحلیل و بررسی سندی و محتوایی اشعار و زمینه های تاریخی سرایش آن ها می تواند ما را به حقیقت نزدیک گرداند تاکنون اثر مستقل پژوهشی در مورد دیرینه شناسی و تاریخچه نقل اشعار آن با نو نگاشته نشده و در برخی مقالات مربوط به زیست نامه آن حضرت نیز تنها به وجود این اشعار به نقل از بحار الانوار علامه مجلسی و یا ترجمه آن از جنه العاصمه میر جهانی اشاره شده است. بنابراین پژوهش حاضر بدون پیشینه بوده به طور طبیعی ردپای این اشعار را باید در گونه های منابع ذیل ردیابی نمود:

1. فصل النساء در صحابه نگاری ها مانند معرفه الصحابه ابونعیم اصفهانی، الاستیعاب ابن عبدالبر، اسد الغابه ابن اثیر و الاصابه ابن حجر، نیز در منابع معاصر مانند حياه الصحابیات نوشته خالد عبدالرحمان العک و موسوعه حياه الصحابیات نوشته محمد سعید میبض و صحابیات حول الرسول نگاشته عبدالصبور شاهین؛

2. کتب طبقات مانند طبقات الکبری ابن سعد و طبقات الشعرا و جمهره اشعار العرب؛

3. معاجم اختصاصی زنان شاعر (شاعرات) مانند بلاغات النساء ابن طیفور کتاب معجم النساء الشاعرات فی الجاهلیه و الاسلام، نگاشته عبدالامیر مهنا که به 504 زن شاعر پرداخته است. نیز اخبار النسافی کتاب الاغانی که آن را ابوالفرج اصفهانی گردآورده و عبدالامیر مهنا آن را شرح کرده است. هم چنین شاعرات العرب فی الجاهلیه و الإسلام نگاشته شبیریموت و شاعرات العرب نوشته صقر؛

4. کتب سیره نبوی مانند السیره النبویه ابن هشام، و البدایه و النهایه و السیره

النبويه ابن كثير (بحث ماجرای سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام و ازدواج با حضرت خدیجه علیها السلام و دلایل نگاری ها (به این جهت که در اشعار موجود، به ارهاصات (1) پیامبر صلی الله علیه و آله نیز تصریح شده است) مانند دلایل النبوه بیهقی، شواهد النبوه و اعلام النبوه که به زندگانی معجزات و دلایل پیامبر صلی الله علیه و آله و پرداخته و این اشعار نیز که بر دو یا سه ارهاص آن حضرت مشتمل است به طور طبیعی باید در ضمن آن مطرح می شد؛

5. کتبی با موضوع زن در جاهلیت و اسلام مانند المراه العربیه فی جاهلیتها و اسلامها نوشته عبدالله عفیفی و کتاب الاسلام و المراه نگاشته سعید افغانی و...

مفهوم شناسی

اشاره

مفاهیم سازنده بحث عبارتند از:

الف) کتاب الانوار البکری (قرن 7)

کتاب الانوار فی مولد النبی محمد صلی الله علیه و اله که در الذریعه با عنوان الانوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار صلی الله علیه و اله ذکر شده، نگاشته ابوالحسن البکری مصری از علمای قرن هفتم است. (2) این کتاب که زیست نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آید بیش تر با رویکرد معجزه نگاری و امور خوارق عادات به نگارش درآمده و از خلقت نوری پیامبر صلی الله علیه و آله آغاز شده و متمرکز بر ارهاصات و معجزات است. گرچه کتبی از این دست با عنوان دلایل النبوه و اعلام النبوه یا شواهد النبوه مشهور هستند کتاب حاضر با وجود یکسانی محتوا به نام الانوار است. کتاب

ص: 426

1- سید مرتضی م 436 نخستین بار به مفهوم اصطلاحی ارهاصات در ضمن تعریف معجزه اشاره کرده است. وی در تعریف معجزه می نویسد: «امرٌ خارقٌ للعاده مقرونٌ بالتحدی مع عدم المعارضة؛ معجزه، امر خارق العاده ای است که مقرون به تحدی بوده و از ناحیه مقابل معارضی نداشته باشد». سپس توضیح می دهد: «مقرون بالتحدی» گفتیم تا معجزه از ارهاص و کرامات باز شناخته شود و مع عدم المعارضة گفتیم تا از سحر و شعبده جدا شود. بنابراین یکی از تفاوت های معجزه و ارهاص، در «تحدی» است. (الشریف المرتضی، ج 2، ص 283)

2- طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج 2، ص 410

در هفت فصل تنظیم شده که بخش دوم از فصل هفتم آن به مسأله مقاله حاضر مربوط می شود. مجموع اسناد روایات مذکور در این کتاب حذف شده و به روش زیست نامه نویسی تنظیم گردیده از این، روی اعتبار آن به لحاظ سندی قابل اثبات نیست و باید به دلالت آن پرداخته شود نویسنده ریاض العلما گوید: «یک نسخه قدیمی از کتاب الانوار ابوالحسن بکری نزد من هست که تاریخ کتابت آن 696 هجری است». بنابراین او باید در اواخر قرن هفتم و یا در ابتدای قرن هشتم وفات کرده باشد.

علامه مجلسی به دلیل شباهت نام نویسنده کتاب با ابوالحسن علی بن محمد البکری (م 952)، وی را از اساتید شهید ثانی دانسته است. (1) نویسنده الذریعه، ابوالحسن بکری را نام دو نفر دانسته است: ابوالحسن احمد بن عبدالله بکری (متوفای قرن هفتم) و به قولی نگارنده کتاب یاد شده و ابوالحسن علی بن محمد بکری (م 952) محدث و متبحر در فقه و تفسیر که استاد شهید ثانی و شافعی بوده است. از آن جا که کتب مقتل امیرالمؤمنین علیه السلام و وفات فاطمه الزهراء علیها السلام نیز از آثار وی است او را دوست دار شیعیان دانسته اند اما گفته اند که او اشعری بوده است. (2) در اعیان الشیعه تنها به نام وی اشاره شده که احمد بن عبدالله البکری است و شرح حال او آورده نشده است. (3) پس دو ابوالحسن البکری وجود داشته: یکی نویسنده الأنوار و دومی مترجم شذرات الذهب با نام کامل علاء الدین ابی الحسن علی بن جلال الدین محمد البکری الصدیقی الشافعی محدث، استاد شهید ثانی که در سال 952 در قاهره از دنیا رفته است. به یقین فردی که ذهبی (م 749) و ابن حجر، او را با تعابیر «کذاب الدجال واضع القصص» و «ما روی حرفا من العلم بسند» مذمت می کنند. (4) همان نویسنده الانوار است نه استاد شهید ثانی؛ زیرا وی بیش از دو قرن پس از

ص: 427

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 22

2- طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج 2، ص 14

3- امین عاملی، اعیان الشیعه، ج 2، ص 423

4- ذهبی، لسان المیزان، ص 211؛ ابن حجر، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج 1، ص 202

ذهبی وفات یافته و ذهبی او را ندیده و آثارش را نخوانده است.

ب) حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام، دختر خویلد بن عبدالعزی بن قُصی بن کلاب بن مره بن کعب بن لوی بن غالب به فهر بن مالک بن نصر بن کنانه و مادرش فاطمه دختر زائده بن اَصَم بود. ایشان اولین و محبوب ترین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که آن حضرت در زمان حیات وی همسر دیگری انتخاب نکردند. بر اساس گزارش های مربوط به سن آن حضرت هنگام ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله، می توان سال تولد ایشان را 68 سال پیش از هجرت تخمین زد اما سال وفات آن بانو به طور قطع سال دهم بعثت (620 میلادی) بوده است. البدوی تولد ایشان را 557 میلادی و وفاتش را 620 ثبت کرده است. (ص 106) کنیه اش ام هند القاب او طاهره و سیده قریش یا امرأه القریش (بانوی قریش) بود. پیامبر صلی الله علیه و آله این بانو را برترین بانوان اهل بهشت و از جمله چهار زن بهشتی معرفی فرمودند. در مورد سن وی هنگام ازدواج و این که پیش از پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کرده یا نه، در بین تاریخ پژوهان، معاصر اختلاف اقوال است اهل سنت آن حضرت را اولین اسلام آورنده می دانند و به اعتقاد شیعه، بانو خدیجه علیها السلام قطعاً اولین زن مسلمان در جهان اسلام بوده اما اولین فرد مسلمان بی شک حضرت علی بوده اند. وی از پیامبر صلی الله علیه و آله دارای شش فرزند بود که حضرت فاطمه علیها السلام سرآمد آنان به شمار می آیند. (1)

مروری بر شعر زنان در عصر جاهلیت

مضامین اصلی در شعر عرب را تقاخر به قبیله و گذشتگان، تمسخر و هجو رقیب یادکرد از جنگ های قبیله ای و خاطرات برجای مانده از آن ها و

ص: 428

1- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 981؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 96؛ طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج 1، ص 472؛ ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفه الأصحاب، ج 4، ص 7181؛ ابن اثیر، أسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج 5، ص 714؛ ابن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج 8، ص 1...1

عاشقانه‌ها تشکیل می‌داد البته زنان جاهلی بیش‌تر در مورد پدر، برادر و شوهر یا دیگر بزرگان قبیله شعر می‌سرودند. به نظر می‌رسد از آن‌جا که بازار عکاظ مکان مناسبی برای عرضه این اثر هنری بود انگیزه مادی و معنوی برای سرایش شعر در زنان و مردان عرب جاهلی وجود داشت؛ زنانی چون خنساء و امجدب که همسر شاعر معروف امرؤالقیس بود. وجود آثار مستقل با موضوع شعر زنان و زنان، شاعر، نشان‌دهنده ورود جدی زنان عصر جاهلی و حتی پس از آن در عصر اسلام به عرصه شعر است: آثاری مانند معجم النساء الشعرات فی الجاهلیه و الاسلام نگاشته عبدالامیر مهنا که نام 504 زن شاعر در آن درج گردیده و اخبار النساء فی کتاب الاغانی که در آن نام 180 زن شاعر آورده شده و اخبار النساء فی عقد الفرید با نام 250 زن شاعر. (1) ابوالفضل احمد بن ابی طاهر خراسانی معروف به ابن طیفور (240 - 280 ق) یکی از ادبا و دانشمندان اهل سنت در زمینه ادبیات عرب تاریخ اسلام و تراجم (صحابه شناسی) نام زنان شاعر و بلیغ را گردآوری کرده است. کتاب بلاغات النساء در واقع جلد یازدهم از کتاب المنشور والمنظوم است که در چهارده مجلد تنظیم شده بود و اکنون مفقود شده و تنها جلد یازدهم و دوازدهم آن در دست است و جلد یازدهم آن با عنوان بلاغات النساء به چاپ رسیده است. کتاب وی با سخنان و اشعار عایشه و سپس حضرت فاطمه زهرا آغاز شده سپس به اشعار سکینه بنت الحسین و دیگر زنان شاعر عرب و شعرهای آنان پرداخته است. برخی از این زنان از سخنوران و شعرای دوران جاهلیت هستند. نکته قابل توجه این که با وجود جایگاه ویژه حضرت خدیجه علیها السلام نامی از وی و اشعارش در این اثر نیست. البدوی نیز که در کتاب موسوعه شهرات النساء اشعار خدیجه دختر مأمون و دیگران را یاد آور می‌شود ذیل عنوان خدیجه بنت خویلد (ص 160)، این اشعار را نمی‌آورد.

ص: 429

اشعار حضرت خدیجه علیها السلام نخستین بار در کتاب الانوار ابوالحسن البکری (متوفای قرن هفتم) گردآوری شده است (ص 247-259). مجلسی همین سروده ها را به نقل از الانوار در بحار الانوار می آورد (ج 16، ص 23-26). و میرجهانی، نویسنده کتاب جنبه العاصمه این اشعار را ترجمه می کند (ص 74) و مجموعه منابع پسین به این دو کتاب ارجاع داده اند. متن اشعار و زمینه های سرایش شعر بر اساس کتاب الانوار عبارت از این است که خدیجه علیها السلام پس از شنیدن راهنمایی های احبار و رهبان و کاهنان در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله قلبش روشن شد و گفت: «سعدت من تکون لمحمد قرینه فانه یزین صاحبه؛ سعادت یافتم به خاطر هم نشینی با محمد! به راستی که او همراه خود را زینت می بخشد». (این سخن منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام در هیچ منبع دیگری قبل از الانوار وجود ندارد) و همچنان شوق و وجد او فزونی می یافت تا این که نزد ورقه بن نوفل رفت ایشان پس از شنیدن سخنان ورقه و تعبیر رویای خود ابتدا به شعری از شاعری (1) دیگر استناد کرده سپس خود، چنین سرودند:

کم استر الوجد والاحجان تهتکه *** و اطلق الشوق والاعضاء تمسکه

جفانی القلب لَمَا ان تملکة *** غیری فوا اسفا لوکنت املکه

ما ضر من لم یدع منی سوی رمقی (2) *** لوکان یسمح بالباقی لیترکه

راوی (3) گوید:

عجب تر چیزی که در این امر عجیب، دیدم این بود که هنوز خدیجه علیها السلام از

ص: 430

1- ابن طیفور، بلاغات النساء، ص 5 و 42. اسیر الیکم قاصد الأزورکم *** و قد قصرت بی دون ذاک رواحلی احمّل برق الشوق شوقی

الیکم *** و اسال ریح الغرب رد رسائلی و تلك الأمانی خدعة غیر اننی *** اعلل وجد الحادثات بباطل

2- مصرع «ما ضر» در کشکول، بحرانی همراه با مصرع دیگری به نقل شیخ حسن پسر شهید ثانی در رثای صاحب معالم ذکر شده است:

«سل اللذی نام عن شوقی و عن ارقی / ما ضر یدع منی سوی رمق». (بحرانی، ج 1، ص 533)

3- نام و مشخصات راوی معلوم نیست؛ زیرا اسناد در کتاب ذکر نشده است.

انشا این اشعار فراغت نیافته بود که صدای کوبه در بلند شد و او به کنیز خود فرمان داد که فرود آمده ببیند. کیست. شاید خبری از دوستان برسد و در همان حال این اشعار را انشا کرد:

ایا ریح الجنوب لعل علم *** من الاحباب یطفئ بعض حری

ولم لا حملوك الی منهم *** سلاما اشتریه ولو بعمری

و حق و دادم انی کتوم *** و آئی لا ابوح لهم بسرّی

ارانا الله وصلهم قریبا *** و کم یسراتی من بعد عسر (1)

قیوم من فراقکم کشهر *** و شهر من وصالکم کدهر (2)

خدیجه علیها السلام با نهایت شوق برخاست و به کنیز گفت:

در را باز کن و به میسره خبرده فرش ها برای ایشان بگستراند و متکاها در پشت هر یک از ایشان بگذارد امیدوارم که حبیب من محمد را به همراه خود آورده باشند پس این اشعار را انشا کرد:

الذّ حیاتی وصلکم و لقاکم *** و لست الذّ العیش حتّی أراکم

و ما استخشیت عینی من الناس غیرکم *** و لا لذّ فی قلبی حبیب سواکم

ص: 431

1- اگر این بیت به آیه شریفه (إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا) اشاره داشته باشد از نظر زمانی این شعر قبل از بعثت و نزول قرآن سروده نشده مگر آن که در ادبیات شعری جاهلیت بوده باشد در کشکول بحرانی (ج 3، ص 73) این مصرع در بین اشعاری بدون ذکر نویسنده برای برآورده شدن حاجت آمده است. نراقی در خزائن (ص 003) نیز می نویسد: «و کم یسراتی من بعد عسر *** ففرج کرّبة القلب الشّجی»

2- ای باد جنوب! از دوستانم مرا، خبرده شاید از دانستن حالات ایشان بعضی از سوزش من فرو نشیند! چرا سلامی از خود به سوی من به واسطه تو نفرستادند تا من به جان خود آن را خریداری کنم؟ بحق دوستی ای که من به ایشان دارم من کتمان کننده ام آن دوستی را و سرّ خود را برای ایشان فاش نمی کنم خدا وصال مرا به ایشان نزدیک کند زیرا پس از هر دشواری آسانی است. یک روز جدایی از شما مانند ماهی است برای من و یک ماه از وصال شما مانند روزگاریست. تا چند وجد و شادی ای را که در دل دارم بپوشم و حال آن که پلک های چشم، آن را پاره می کند؟ و تا کی شوق وصال را رها کنم و حال آن که اعضای من آن را نگاه می دارد؟ دل من با من جفا کرد برای این که غیر من آن را مالک شده و جای تأسف است اگر من او را مالک شوم. ضرر نکرد کسی که جز رمق برای من باقی نگذارد اگر سهل می گرفت به باقیمانده، هر آینه آن را ترک می کرد

على الرأس والعينين جمله سعيكم *** و من ذا الذى في فعلكم قد عصاكم

و ها أنا محسوب عليكم بأجمعى *** و روحى و مالى يا حبيبى فداكم

و ما غيركم فى الحب يسكن مهجتي *** و إن شئت تفتيش قلبى فهاكم (1)

آن بانو پس از شنیدن سخن ابو طالب عليه السلام که فرمود: «آمدن ما برای امر پسر برادرم محمد است»، یقین کرد مقصود او حاصل می شود، پس این اشعار را انشا کرد:

بذکرکم یطفی الفؤاد من الوقود *** و رؤیتکم فیها شفا أعین الرمد

و من قال إنى أشکي من هواکم *** فقد کذبوا لو متّ فيه من الوجد

و مالى لا أملی سرورا بقربکم *** و قد کنت مشتاقا علیکم من البعد

تشابه سرّی فی هواکم و خاطري *** فأبد الذى أخفى وأخفى الذى ابدى (2)

نیز هنگامی که شتر سر به پای مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله گذارد و به کلام فصیح نطق کرد که: «کیست مثل من و حال آن که لمس کرد پشت مرا سید المرسلین» و زنانی که نزد خدیجه علیها السلام حاضر بودند گفتند: «این نیست مگر سحر بزرگی که از این یتیم ظاهر شده!» خدیجه علیها السلام فرمود: «این سحر نیست. خود این آیات و

ص: 432

1- لذت داد زندگی مرا وصل و ملاقات شما، و من نیستم کسی که لذت زندگانی را ببینم تا این که شما را ببینم و نترسید چشم من از مردمان غیر از شما و دل من ذلت نبرد از هیچ دوستی غیر از شما. بالای سر و چشم هایم می گذارم همه کوشش شما را و کیست کسی که در کار شما نافرمانی کند شما را؟ و آگاه باشید که من همه چیزهایم در حساب شما گذارده شده؛ همه چیز من و جان من و مال من ای دوست من فدای شما! و نیست غیر از شما دوستی که در دل من جای گیرد اگر بخواهید تفتیش کنید دل مرا! این دل من و این هم شما

2- با یاد کردن شما دل از سوزش خاموش می شود و در دیدن شماست شفای چشم درد. کی گفته است که من از خواهش شما شکایت دارم؟ هر کس بگوید دروغ گفته اگر در هوای شما بمیرم از وجد است. چرا من مملو از شادی و سرور نباشم به سبب نزدیک شدن به شما من از دور مشتاق بودم بر ملاقات و نزدیک شدن به شما. باطن من و آن چه در خاطر من است از محبت شما شبیه به یک دیگرند پس ظاهر می کنم آن چه را که پنهان داشته ام و مخفی می کنم آن چه را که ظاهر می کنم

کراماتی است که از این حضرت ظاهر شد». سپس این اشعار را سرود:

نطق البعير بفضل احمد مخبرا *** هذا الذي شرفت به أم القری

هذا محمد خير مبعوث أتى *** فهو الشفيح و خير من وطأ الثرى

يا حاسديه تمزقوا من غيظكم *** فهو الحبيب و لا سواه في الوری (1)

و از اشعار اوست هنگامی که لباس سفر برای پیامبر صلی الله علیه و آله مهیا کرد و آن حضرت در برابر روی او پوشید:

أوتيت من شرف الجمال فنونا *** و لقد فتنت بها القلوب فتونا

قد كوّنت للحسن فيك جواهر *** في ها دعيت الجواهر المكنونا

يا من أعار الطّبي في فلواته *** للحسن جیدا سامیا و جفونا

نظر إلى جسمی النحيل و كيف قد *** أجريت من دمع العيون عیونا

أسهرت عيني في هواك صباحه *** و ملأت قلبي لوعه و جنونا (2)

و هنگامی که حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و اله با او وداع فرمود و بر مرکب خود سوار شد و میسره و ناصح دو غلام خدیجه علیها السلام در مقابل روی آن حضرت می رفتند چنین سرود:

قلب المحبّ إلى الأحباب مجذوب *** و جسمه بيد الأسقام منهوب

و قائل كيف طعم الحبّ قلت له *** الحبّ عذب و لكن فيه تعذيب

أفدى الذین علی خدی لبعدهم *** دمی و دمی مسفوح و مسکوب

ص: 433

1- نطق کرد شتر و خبر داد به فضیلت، احمد این است آن کسی که ام القری (زمین مکه) به او شرافت یافت! این است محمد بهترین برانگیخته شده به رسالت که می آید زمان بعثت، او پس اوست شفاعت کننده و بهتر کسی که قدم بر زمین می گذارد! ای کسانی که بر او حسد می برید نابد شوید از جهت این خشمی که دارید؛ زیرا اوست محبوبی که غیر از او در میانه خلق حبیبی نیست.

2- از شرف جمال و زیبایی فنون شرافت را داده شده ای ای که دل ها را به آن فنون مفتون کرد. ای که گوهرهایی برای نیکویی حسن در تو هستی یافته که در آن گوهر مکنونی پنهان است! ای کسی که عاریه داده ای به آهوهای بیابان ها برای زیبایی گردن بلند و چشم های نیکویی! به جسم ضعیف لاغر من نگاه کن و ببین که چگونه از اشک چشمان خود چشمه هایی را جاری کرده ام! بیدار داشتم چشم خود را در هوای تو از جهت حرارت و گرمی عشقی که به تو دارم و پر کردم دل خود را از سوزش و دیوانه بودن در عشق تو

ما في الخيام وقد صارت ركابهم جمًا *** إلا محبّ له في القلب محبوب

كأنما يوسف في كلّ ناحيه *** و الحزن في كلّ بيت فيه يعقوب (1)

هنگام بازگشت آن حضرت از سفر شام چون بر خدیجه علیها السلام وارد شد، بانو این دو شعر را انشا کرد:

جاء الحبيب الذي أهواه من سفر *** و الشمس قد أثرت في وجهه أثرا

عجبت للشمس من تقبيل و جنته *** و الشمس لا ينبغي أن تدرك القمر (2)

پیامبر صلی الله علیه و آله به خواهش خدیجه علیها السلام به جانب کاروان برگشت هنگامی که آن حضرت از مکه بیرون رفت جبرئیل و فرشتگان اطراف آن جناب را گرفتند؛ خدیجه خوشحال شد و این اشعار را سرود:

نعم لی منکم ملزم ای ملزم *** و وصل مدی الأيام لا يتصرّم

و لو لم یکن قلب المتیم فیکم *** جریحا لما سالت دموعی بالدم

و لم یخل طرفی ساعه من خیالکم *** و من حبّکم قلبی و من ذکرکم فمی

و لو جبلا حملتموه بعاد کم *** لمال و ماذا حال جسمی و أعظمی

أشدّ علی کبدی یدی فیردّها *** بما فيه من وجد من الشوق مضم

طویت الهوی و الشوق ینشرطیه *** و کتمت أشجانی فلم تتکتّم

فیاربّ قد طالت بنا مدّه النوی *** و أنت قدیر تنظم الشمّل فانظم (3)

ص: 434

1- دل دوست دارنده به جانب دوستان جذب شده و جسم او به دست بیماری ها غارت شده. اگر گوینده بگوید که طعم محبت چگونه است؟ می گویم: محبت گواراست اما در آن عذاب و شکنجه است. جانم را فدای کسانی می کنم که از دوری ایشان خون من و اشک من ریخته شده. خیمه ها خالی شد و سواران همه رفتند، کسی نمانده مگر دوستی که محبوب او در دل او جا دارد که گویا یوسفی است در همه جایی و حزن در هر خانه ای است که یعقوب در آن است.

2- آمد از سفر محبوبی که هوای او را در دل، داشتیم در حالتی که آفتاب در روی او اثر گذاشته. تعجب دارم از آفتاب به جهت بوسیدن او روی محبوب مرا و حال آن که سزاوار نیست که آفتاب درک کند ماه را.

3- آری برای من از طرف شما الزام کننده ای هست؛ چه الزام کننده ای که رشته وصل روزهای دراز پاره شدنی نیست و بریده نشده! و اگر دلی که بنده و ذلیل شده در محبت شماست جریحه دار، نبود اشک های من با خون جاری نمی شد. و دل من ساعتی از خیال شما خالی نیست و چشم در محبت شما به خواب نمی رود، و دهان من از ذکر شما غافل نیست و اگر کوه را حمل کنید به عادت هایی که دارید از

جا کنده می شود پس چگونه خواهد بود حال جسم و استخوان های من دست خود را محکم بر روی جگر خود می گذارم که از جا کنده نشود اما وجدی که از شما در دل دارم دست مراد می کند و از شوق آتش می گیرد من در هوای محبت شما در دل به خود می پیچم که ظاهر نشود، شوق آن را باز می کند و هر چه ناله های شوق خود را کتمان می کنم فاش می شود. پس ای پروردگار من مدت جدایی و فراق ما دور شد و تو می توانی این تفرقه را به جمعیت مبدل کنی پس میان حبيب و محبوب جمع کن!

هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله گزارش سفر تجارت خود را برای خدیجه علیها السلام بیان می فرمود و او با شنیدن سخنان وی احساس شادی و خوش بختی می کرد این رباعی را با نهایت شوق و سرور انشا کرد:

فلو أنّي أمسيت في كلّ نعمه *** و دامت لي الدنيا و ملك الأكاسره

فما سوّيت عندي جناح بعوضه *** إذا لم يكن عيني لعينك ناظره (1)

و پس از این که آن حضرت خود را از گردو غبار سفر شست و شو دادند و گیسوان بلند خود را شانه زدند و از لباس سفر بیرون آمدند و لباس های فاخر در بر کردند و خود را معطر فرمودند و در کمال آراستگی و جمال و جلال به خانه خدیجه علیها السلام آمدند آن بانو چنین فرمود:

دنا فرمی من قوس حاجبه سهما *** فصادفني حتّى قتلت به ظلما

و أسفر عن وجهه و أسبل شعره *** فبات يباهي البدر في ليله ظلما

و لم أدر حتّى زار من غير موعد *** على رغم واش ما أحاط به علما

و علمني من طيب حسن حديثه *** منادمه يستنطق الصخره الصمّا (2)

ص: 435

1- اگر روز را شام کنم در میان همه نعمت ها و همیشه دنیا و مملکت پادشاهان برای من باشد. برابر بال پشه ای نیست در پیش من اگر چشم من به چشم تو نظر نداشته باشد.

2- نزدیک شد محمد و از کمان ابروی خود تیری رها کرد و آن تیر به من اصابت کرد تا این که از روی ظلم کشته شدم. و پرده از روی خود برداشت و موهای خود را افشاند و بیتوته کرد به نحوی که بر ماه شب چهارده در شب تاریک فخر و مباهات می نمود و من نمی دانستم تا این که مرا در وقتی که وعده نشده بود زیارت نمود به رغم سخن چینی که علم به فضایل و کمالات او نداشت. و مرا تعلیم داد از پاکیزگی و نیکی حدیث خود و ندیم یک دیگر بودیم به نحوی که به سخن می آورد سنگ سخت را.

نیز هنگامی که از حضرتش درخواست کرد که با او ازدواج کند، با نهایت اشتیاق عشق خود را به آن حضرت چنین اظهار نمود:

یا سعد إن جزت بوادی الأراك *** بلّغ قلبیا ضاع منی هناک

و استفت غزلان الفلا سائلا *** هل لأسیر الحب منهم فکاک

و إن تری رکبا بوادی الحما *** سائلهم عنی و من لی بذاک

نعم سروا و استصحبوا ناظری *** و الآن عینی تشتهي أن تراك

ما فی من عضو و لا مفصل *** إلا و قد ركب فيه هواک

عذبتنی بالهجر بعد الوفاء *** یا سیدی ماذا جزاء بذاک

فاحکم بما شئت و ما ترتضی *** فالقلب ما یرضیه إلا رضاک (1)

پس از آن که آن حضرت به سبب تهیدستی ازدواج با او را نپذیرفتند، در جواب گفت:

«کسی که از جان خود از شما مضایقه نکند از مال مضایقه نمی کند؛ تمام هستی و دارایی من از آن شماست. سوگند به کعبه و صفا که هرگز بیرون از خواسته و رضایت شما لب ننگشایم! گمان نمی کنم که این کنیزک را از خود دور و از فیض وصال محروم فرمایید.

خدیدجه علیها السلام این کلمات را با سوز دل گفت و قطرات اشک از دیده بر گونه اش جاری شد و با خاطر امیدوار به انشا این اشعار پرداخت:

ص: 436

1- ای سعد! اگر به وادی اراک گذشتی برسان به آن چاهی که در آن جا از من ضایع شده. و سؤال کن از آهوان آن بیابان: آیا کسی که اسیر محبت شد از آن ها رهایی دارد؟ و اگر دیدی سوارانی را در آن بیابان دوردست ممنوع الورود پیرس از ایشان که آیا از من کسی در آن جا هست. آری، شب را بروید تا این که صبح، کنید ای آن که به من می نگری چشم من آرزو و هوای دیدن تو را دارد. نیست هیچ عضوی و هیچ مفصلی از اعضا و مفاصل من الا این که در هوای تو ترکیب و با محبت تو آمیخته شده. بعد از این که من در محبت و علاقه به تو وفادارم مرا به دور شدن از خود عذاب و شکنجه می کنی پس حکم کن بر آن چه که می خواهی و آن چه را که می پسندی؛ زیرا که دل من چیزی را نمی پسندد مگر آن چه را که تو می پسندی

والله ما هب نسيم الشمال *** إلا تذكرت ليالي الوصال

ولا أضنا من نحوكم بارق *** إلا توهمت بطيف الخيال

أحبابنا ما خطرت فرقه *** منكم غداه الوصل مني ببال

جور الليالي خصني بالجفا *** منكم ومن يؤمن جور الليال

رقوا وجود وا وارحموا واعتقوا *** لا بد لي منكم على كل حال (1)

نقد اشعار و انطباق با گزارش های معتبر تاریخی

اشاره

پس از ردیابی نقل اشعار حضرت خدیجه علیها السلام در منابع متقدم، در می یابیم که کهن ترین منبع برای این، اشعار، کتاب الأنوار و مفتاح السرور و الأفكار فی مولد النبی المختار از ابوالحسن البکری است که علامه مجلسی (م 1111) از وی و منابع متأخر هم از بحارالانوار نقل کرده اند. این اشعار در کتاب الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء نگاشته انصاری، تنها به بحارالانوار و جنبه العاصمه میر جهانی و بخش هایی از آن نیز به الغدیر علامه امینی (ج 2، ص 17) ارجاع داده شده است. (2) در منابع پیش از الانوار اثری از این اشعار دیده نشد اما این نمی تواند دلیل بر رد آن ها باشد و به ارزیابی درونی و بیرونی نیاز دارد که در این بخش به آن پرداخته خواهد شد. مضامین اشعار یاد شده را در موارد ذیل می توان تنظیم کرد:

- عاشقانه ها یا سروده های حکایت گر از حس درونی یک دختر یا زن نسبت به جنس مخالف برای پیوند زناشویی انتخاب شده؛

- آرزو و فریاد حضرت خدیجه علیها السلام و تلاش برای به دست آوردن معشوق زمینی؛

ص: 437

1- به ذات خدا سوگند که نسیم شمالی نمی وزد مگر این که یاد می کنم شب های وصال را و برقی از طرف شما جستن نکرد مگر این که من آن را در خواب می دیدم. ای دوستان ما! جدایی از شما در فردای وصل در دل من خطور نمی کند. جور شب ها از جهت شما به جفا کردن مرا تخصیص داده و کیست که ایمن باشد از جور این شب ها. رقت و بخشش و رحم کنید و مرا آزاد سازید چاره ای نیست برای من از وصلت با شما در هر حالی.

2- انصاری، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء علیها السلام، ج 12، ص 824 - 134

- ارهاصات پیامبر صلی الله علیه و آله در برهه تاریخی مورد نظر؛

- دفع اتهام سحر به پیامبر صلی الله علیه و آله و پیش از اعلام نبوت توسط آن حضرت و دقیقاً زمانی که ایشان به محمد امین مشهور بودند و مخالفانی پیش روی نداشتند؛

- تحسین زیبایی ها و برازندگی های ظاهری و معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و بیان احساسات درونی به جنس مخالف و نامحرم به شکل بی پروا

الف) ارزیابی بیرونی

اشاره

گزارش حاوی اشعار بانو در ارزیابی برون متنی در سه محور سند (راویان) زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار و بررسی سابقه شعر سرایی بانو بر اساس گزارش های معتبر پژوهیده می شود

1. سند و اصالت اشعار

راوی این اشعار مشخص نیست زیرا ابوالحسن بکری در کتاب الانوار تمام اسناد روایات را حذف کرده و در کتاب خود شیوه زیست نامه نویسی پیش گرفته است. عبارت «قال البکری» و «قال أبو الحسن البکری حدثنا أشیاخنا و أسلافنا الرواه بهذا الحدیث» (ص 193). تنها سندی است که در کل کتاب دیده می شود! و بر این اساس سند و راوی مشخص و قابل ارزیابی برای آن وجود ندارد و اعتبار سنجی کل کتاب از نظر سند ممکن نیست و باید به دلالت و ارزیابی درونی متن پرداخت در کتاب فهرس التراث اشاره شده که نبود سند دلیلی بر اتهام کذب و نادرستی نیست، زیرا شاید مراد نگارنده از عدم نقل سند این باشد که سند روایات تنها برای علما به کار می آید نه عموم مخاطبان بنابراین برای اثبات صحت و یا کذب مطالب مورد نظر، باید دلایل محکم تری یافت و به بررسی دلالی پرداخت

ص: 438

2. زمان و زمینه تاریخی سرایش گزارش مشتمل بر اشعار

مجموعه اشعار نقل شده به اندکی قبل از سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام در کاروان تجارتی حضرت خدیجه علیها السلام تا اندکی پس از آن یعنی هنگامی مربوط می شود که آن حضرت به سبب فقر و فاقه، از ازدواج با او عذرخواهی فرمودند. در حقیقت وقایع موجود در گزارش در بردارنده این شعر پانزده سال قبل از بعثت اتفاق افتاده است. نکته قابل توجه ابهام و تردید و در مواردی انکار بسیاری از سیره نگاران و تاریخ پژوهان در جزئیات منقول از سفر مذکور است. دو سفر به شام در منابع برای پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله ذکر شده است سفر اول بنابر برخی نقل ها در هفت یا هشت سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و اسناد و مدارک آن ضعیف و محتوای گزارش ها بسیار مخدوش و مضطرب است؛ از این رو، اصل سفر رد شده است. (1) سفر دوم در 25 سالگی پیامبر صلی الله علیه و آله رخ می دهد (2) از نظر سندی ابن اسحاق شنیده های خود را بدون ذکر سند آورده و ابن سعد نیز از محاملی با واسطه عبدالله بن شیبب از نفیسه دختر منیه نقل کرده است. ذهبی پس از نقل راویان گوید:

روایت وی پذیرفتنی نیست و در حقیقت نفیسه شهرتی در نقل روایت ندارد و در طبقات همین یک روایت از او دیده می شود و در دیگر منابع مثل سیره ابن هشام و تاریخ طبری هم هیچ نقلی از او نیست (ج 1، ص 62).

این داستان در منابع بعدی از این دو منبع نقل شده اما افزوده ها، این ماجرا را به یک داستان ساختگی تبدیل کرده است. در مجموع با استفاده از منابع متعدد می توان گفت: عده ای اصل ماجرای سفر دوم پیامبر صلی الله علیه و آله به شام را تأیید کرده اما جزئیات آن را مخدوش و غیر قابل اتکا دانسته اند.

3. سابقه بانو خدیجه علیها السلام ای در سرودن شعر

در منابع متقدم و گزارش های تاریخی هیچ شعری پیش و پس از این

ص: 439

1- محمدی، ص 126-136.

2- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 781 981؛ ابن سعد، ج 1، ص 69؛ طبری، ج 2، ص 082، بیهقی، دلائل النبوه، ج 2، ص 66؛ شیخ صدوق، ج 1 / 481؛ اربلی، ج 2، ص 131

زمان از حضرت خدیجه علیها السلام نقل نشده و این طبیعی است؛ زیرا افزون بر عدم نقل در منابع مهم از نظر عقلی، بانویی با آن همه مشغله های اقتصادی و مدیریت کاروان های تجاری و کارگران و خادمان فراوان، بعید به نظر می رسد خلوتی و زمینه ای یابد و به وادی شعر و شاعری پای نهد به گفته نویسنده الانوار خدیجه علیها السلام ثروتمندترین مردم اهل مکه و مردم زمان خود بود و در تمام قبایل عرب اسب و گوسفند داشت؛ زیرا کنیزان خود را به ازدواج برده هایش درآورده، آن ها را در بین عرب می فرستاد و خانه های مویین به آنان می بخشید و صاحب فرزندان می شدند. او چهار هزار شتر برای سفرهای تجاری و ... داشت (ص 242)

نیز می نویسد:

و قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله با دو مرد به نام های ابو شهاب عمر الکندی و عتیق بن عدی ازدواج کرده بود که هر کدام از آنان چهار صد غلام و کنیز داشتند (ص 244).

صرف نظر از درست یا نادرست بودن این مصادیق در گزارش ها هیچ تردیدی در اصل ثروتمندی و خدم و حشم فراوان داشتن حضرت خدیجه علیها السلام نیست و نقل های متعدد و متواتر برای آن وجود دارد این سرمایه عظیم، به مدیریت سنگین نیاز دارد و حتی مشاوران و نمایندگان هم اگر باشد، ایجاد هماهنگی بین مدیران و رفع مشکلات خدمه و ...، مشغله ای بس سنگین است که فرصتی برای سرایش ترانه های عاشقانه نمی گذارد. شیخ آقا بزرگ طهرانی با استناد به سه بیت از اشعار مذکور در مورد ارهاص و گفت گوی شتر با پیامبر صلی الله علیه و آله، بانورا چنین می ستاید:

کانت رقیقه الشعر جدًّا، و من شعرها فی تمریغ البعیر وجهه علی قدمی النبی، و نطقه بفضله کرامه...؛

خدیجه علیها السلام طبع شعری لطیفی داشت و از جمله اشعار وی است هنگام زانو زدن شتر و روی نهادن او بر قدم های پیامبر صلی الله علیه و آله و سخن گفتنش به

ص: 440

به نظر می رسد اگر اشعاری از بانو وجود می داشت باید در منابع شعری و ادبی متقدم ذکر می شد.

ب) ارزیابی درونی

1. طرح و ساختار اشعار

این اشعار از نظر موسیقایی و اوزان و احساس و تخیل و دیگر عناصر لازم در ساختار یک شعر مورد پسند در جامعه هنری عصر جاهلیت قابل تأمل است در عصر جاهلیت که سرودن شعر برترین هنر به شمار آمده، به گونه ای که معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله آن دوران از همان سنخ است و تحدی در قرآن کریم، دلیلی بر اوج ذوق شعری در عصر جاهلی است، اشعار دارای سبک خاص بود اما این اشعار بیش تر به شعر عرب در سده های پس از آن شبیه است و برخی واژگان آن به پس از اسلام اختصاص دارد؛ واژه هایی مانند «من وراء الحجاب»، «سید المرسلین» و «معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله»

2. ناسازگاری مضامین اشعار با گزارش های معتبر تاریخی

- تعبیری در متن وجود دارد که به بعد از اسلام مربوط می شود و برای عصر جاهلی تعریف شده است مانند «فقال خدیجه من وراء الحجاب بصوت...» (ص 250) زیرا بحث حجاب اختصاصی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و پس از رحلت حضرت خدیجه علیها السلام مطرح شده و در منابع تفسیری آمده که پیش از آن حجاب زنان پیامبر صلی الله علیه و آله مانند دیگران، بوده افزون بر این که در زمان سرایش اشعار نه پیامبری آن حضرت مطرح بوده و نه هنوز بانو همسر وی به شمار می آمده است.

- وجود نام غلام دیگر حضرت خدیجه علیها السلام در کنار میسره به نام صالح آن جا که می نویسد: «و میسره و ناصح دو غلام خدیجه در مقابل روی آن حضرت

می رفتند» با منابع متقدم ناسازگار است. در سیره ابن هشام و طبقات ابن سعد که کهن ترین منبع برای این سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام به شمار می روند، نامی از صالح نیست. (1)

- در توضیح ابیات ارهاص مربوط به مار عظیم الجثه، مرقد حضرت ابراهیم علیه السلام در متن کتاب الانوار آمده است که: «فقال العباس أنا آتیکم به إن شاء الله فنهض و سار یطلبه فی الأبطح فلم یجدہ فالتفت یمینا و شمالا فقال له رجل مکی یا سیدی أراک تلتفت یمینا و شمالا لمن تطلب قال أرید ابن أخی محمدا قال کان هنا منذ ساعه و توجه یطلب جبل حراء فسار العباس إلى الجبل فی طلبه فوجدہ هناك نائما فی مرقد ابراهیم الخلیل ملتحفا ببردته و عند رأسه ثعبان مبین عظیم». (2) این مطالب با واقعیات تاریخی نمی خواند؛ زیرا مرقد ابراهیم علیه السلام را در مکه و در غار حرا ذکر کرده، در حالی که مرقد وی بنا به نقلی در نزدیکی بیت المقدس و بنا به نقلی دیگر در کنعان است. قزوینی مرقد وی را در شهر الخلیل در بیت المقدس می داند. (3) حضرت ابراهیم علیه السلام در جوانی در «آور» زندگی می کرد که یکی از مهم ترین شهرهای تمدن گلدانی بود. باستان شناسان بقایای این شهر کهن را در نزدیکی کوفه شناسایی و آواربرداری کرده اند. گفته شده حضرت ابراهیم علیه السلام ده سال در سرزمین کنعان زندگی کرد و به هدایت مردم آن دیار مشغول بود تا آن که در 175 سالگی (سفر تکوین، 25/7) درگذشت و پسرانش -اسماعیل و اسحاق او را در همان کشت زار دفن کردند. (4)

3. ارهاصات ساختگی در اشعار

اشاره

سه ارهاص در این اشعار مطرح شده که در کتب دلایل النبوه و کتاب های دیگر که با رویکرد معجزه نگاری نگاشته شده وجود ندارد. در طبقات الکبری (ج 1، ص

ص: 442

1- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 91؛ ابن سعد، طبقات، ج 1، ص 501

2- البکری، ص 251

3- قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص 187 188

4- همان، ص 10 و 25

105)، سیره ابن هشام و دیگر منابع تاریخی تنها ارهاصی که در ماجرای تاریخی سفر به شام نقل می شود سایه افکندن دو فرشته بر سر حضرت محمد صلی الله علیه و اله در بازگشت از سفر شام و هنگام حضور یافتن نزد خدیجه علیها السلام برای بیان گزارش سود و مسائل مربوط به سفر است. ارهاص های مذکور در کتاب الانوار عبارتند از:

1-3- سخن گفتن شتر

بنا به نقل البکری در الانوار، پس از مشخص شدن سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به شام برای تجارت در کاروان خدیجه علیها السلام آن بانو گفت: «ای سید من، آیا می توانی حمل بر شتر بندی؟» فرمود: «می توانم» بانو به میسره فرمود: «شتری حاضر کن تا امتحان کنم» میسره برفت و شتری درشت اندام را آورد که هیچ راعی توان نرم کردن آن را نداشت. عباس گفت: «ای میسره شتری از این نرم تر نیافتی که محمد را با آن امتحان کنی؟!» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای عمو او را بگذار! و چون شتر پیش شد زانوزد و روی خود را بر پای آن حضرت نهاد. وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله پشت او را نوازش داد، شتر به زبان فصیح گفت: «کیست مانند من که سید پیغمبران دست بر پشتش کشد؟!» پس از این اتفاق زنان که نزد خدیجه علیها السلام بودند، آن را سحر بزرگ دانستند که از محمد یتیم سرزده است و خدیجه پاسخ داد: به خدا سوگند این سحر نیست بلکه آیات روشن و کرامات ظاهره است! (ص 255).

2-3- احترام مار عظیم الجثه به پیامبر صلی الله علیه و آله

در کتاب الانوار این ارهاص با واژه الثعبان «العظیم» به کار رفته که صاحب بن عباد آن را به «الحیه الضخم الطویل؛ مار کلفت و بلند» معنا کرده (ج 2، ص 14) و قرشی آن را اژدها دانسته است (ج 1، ص 305). البکری ماجرای مار را چنین تعریف می کند که زمانی عباس عموی پیامبر صلی الله علیه و آله و همراه ایشان بود و مار بزرگی از لابه لای گل ها و سبزی ها سر بر آورد. عباس از آن ترسید و بر زمین

افتاد و شمشیر کشید. ناگهان پیامبر صلی الله علیه و آله چشم گشودند و مار رفت گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است (ص 251). اطاعت مار و یا احترام آن به پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان ارهاص در اینجا مطرح شده است و در منابع دیگر وجود ندارد.

3-3- به اندازه شدن لباس بزرگی که به امر خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورده بودند و جمله آن حضرت که: «هیچ جامه با اندام من ناراست نیاید؛ زیرا اگر بلند باشد چون پوشم کوتاه شود و اگر کوتاه باشد، بلند خواهد شد» و آن جامه ها را به تن کردند و اندازه بود و از میان جامه چون ماه تمام بودند.

4. نکات در خور توجه در محتوای متن

- حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و نسبت خویشاوندی داشت و بسیار بعید به نظر می رسد که قبل از سفر شام ایشان را ندیده و یا نشناخته باشد تا در جریان این سفر و یا پیشگویی های کاهنان و راهبان و سخنان ورقه این احساس عمیق درونی برایش ایجاد شود.

- ملاقات خدیجه علیها السلام با ورقه در منابع سیره مربوط به ماجرای مبعث و بازگشت از غار حراست نه پیش از سفر شام که بنا بر قول مشهور آن حضرت جوانی 25 ساله و بانو چهل ساله بودند.

- مضمون شعر در بیان نوع خداحافظی آن هم قبل ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام سفر به شام، نه با رفتارهای بانویی چهل ساله - بنا به نقل مشهور - و دنیا دیده که پیش از آن تجربه داشتن دو همسر را داشته، سازگار است و نه با رفتار حیا و ارانه دختر بکری بیست و پنج ساله - بنابه نظر مخالف مشهور - از خانواده اصیل هاشمی

- پوشیدن لباس ویژه تجارت قابل تأمل است. آیا مرسوم بوده که فردی مانند پیامبر صلی الله علیه و آله در اولین سفر تجاری لباس خاص داشته باشد؟! در الانوار آمده است:

«آن گاه خدیجه به سوی پیغمبر صلی الله علیه و سلم نگرست و گفت: "ای سید من این

جامه که در برداری در خور سفر نباشد. " آن حضرت فرمود که مرا جز این جامه نیست؛ خدیجه گریست و حکم داد تا دو جامه قباطی مصر و دو جبه عدنی و دو برد یمانی و یک عمامه عراقی و دو موزه از پوست و عصایی از خیزران حاضر کردند و گفت: " این جامه ها برای شما بزرگ است! مهلت ده تا کوتاه کنم " آن حضرت فرمود: "هیچ جامه با اندام من ناراست نیاید چه اگر بلند باشد، چون بپوشم کوتاه شود و اگر کوتاه باشد بلند خواهد شد" و آن جامه ها را به تن کردند و اندازه بود و از میان جامه چون بدر تمام بتافتند و چون خدیجه به ایشان نگریست چنین سرود....»

- استفاده از تعابیر سید المرسلین آیات بینات کرامات ظاهرات و معجزات و اوضحات از تعابیر مصطلح در عصر جاهلی نبوده و سال ها پس از ظهور اسلام وضع شد نیز اتهام سحر به پیامبر 15 سال قبل از بعثت، دور از واقعیات تاریخی است. البته در ارهاص و خوارق عادات قبل از نبوت، استبعادی وجود ندارد، اما این که در منابع پیشین در چنین ماجرابی بحث سحر مطرح شود و عامل سحر دانستن از سوی زنان چه بوده، محل تأمل است. این شگفت زدگی در منابع، پیشین به زمانی مربوط است که فرشته ای بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله سایه افکنده بود و در پاسخ تعجب هم چنین مطلبی از خدیجه علیها السلام نقل نشده است. نیز واژگان آیات و کرامات آن جا که می نویسد: خدیجه در پاسخ زنان و اتهام سحر به حضرت محمد صلی الله علیه و اله فرمود: «همانا این سحر نیست؛ خود این آیات و کراماتی است که از این حضرت ظاهر شد». استفاده از اسم احمد برای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز قابل تأمل است و باید دید آیا در زمان مذکور و عصر جاهلی برای آن حضرت به کار برده می شده یا اسم آسمانی اوست و بعد اسلام مطرح شده که در این صورت فرضیه سرایش شعر در بعد از اسلام یعنی قرن هفتم و زمان البکری و در نتیجه جعلی بودن آن بسیار قوت می گیرد.

- حضور پررنگ و برجسته عباس در متن و به ویژه در ارهاصات منقول قابل تأمل و بررسی است. در حالی که ابوطالب حامی اصلی پیامبر صلی الله علیه و آله پیش

و پس از اعلام نبوت بوده این برجسته سازی نقش عباس، احتمال ساختگی بودن مطلب را به انگیزه های سیاسی و تعظیم دستگاه حاکمه عباسی توسط یکی از نویسندگان اهل سنت قوت می بخشد.

در مجموع با توجه به اشکالات سندی و متنی یادشده و این که شعری با این سبک و مضامین در منابع معتبر و متقدم شیعه و اهل سنت پیش از آن، از بانو خدیجه علیها السلام ذکر نشده است، این مطالب مردود بوده و حذف آن ها در تدوین آثار مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام ضرورت دارد و با وجود ویژگی های حقیقی و ارزشمند بانو نیازی به ذکر و حفظ منقولات ساختگی و فضیلت تراشی بی اساس نیست

نتیجه

اشعار منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام، نخستین بار در کتاب الانوار ابوالحسن البکری (متوفای قرن هفتم) ذکر شده و زمینه تاریخی آن، سفر پیامبر صلی الله علیه و آله به قصد تجارت به شام بوده است. عدم ثبت اشعار در منابع مهم پیش از قرن هفتم بررسی سندی و دلالتی این اشعار و مطالب پیرامونی آن وجود اصطلاحات نو پدید عصر اسلامی در ابیات، نیز قصاص بودن ابوالحسن البکری و عدم استفاده نویسندگان و محققان برجسته از قرن هفتم به بعد از مطالب وی، نشان دهنده ساختگی بودن این اشعار و مطالب منسوب به حضرت خدیجه علیها السلام است. گرچه مرحوم مجلسی این مطالب را در بحار الانوار به طور کامل از البکری نقل کرده و نویسنده الذریعه با استناد به همین، اشعار بانو را «رفیقہ الشعر» وصف نموده، با توجه به اعتراف مجلسی در جمع آوری هر مطلب و عدم ارزیابی آن ها در بحار الانوار، به نظر می رسد دادن آگاهی لازم به جامعه علمی و پژوهشگران عرصه دین و تاریخ اسلام درباره ساختگی بودن مطالب و اشعار یاد شده، به مثابه خدمت علمی بزرگی برای تدوین تاریخ درست و معتبر از زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام خواهد بود.

1. ابن اثير، عزالدين أبو الحسن على بن محمد الجزري، أسد الغابه في معرفه الصحابه ، بيروت، دارالفكر، 1409 ق.
2. ابن بابويه، محمد بن على، كمال الدين و تمام النعمه، تصحيح على اكبر غفارى، تهران اسلاميه، 1395 ش.
3. ابن حجر عسقلانى، احمد بن على الإصابه في تمييز الصحابه ، تحقيق عادل احمد عبد الموجود و على محمد معوض، بيروت، دارالكتب العلميه، 1415 ق.
4. ابن حجر، لسان الميزان، بيروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، 1390 ش.
5. ابن سَلَام، جهمي، محمد ، طبقات الشعراء ، ليدن، مطبعه بريل، 1913 م.
6. ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد، الاستيعاب في معرفه الأصحاب، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت، دار الجيل، 1412 ق.
7. ابن هشام حميرى معافرى السيره النبويه، دارالمعرفه ، بيروت، بى تا.
8. اربلى، على بن عيسى، كشف الغمه في معرفه الأئمه ، قم ، رضی، 1421 ق.
9. اصفهانی، ابوالفرج، اخبار النساء في كتاب الأغاني، جمع و شرح عبدالأمير مهنا بيروت مؤسسة الكتب للثقافة ، 1988 م.
10. امينى، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنه والأدب، مركز الغدير للدراسات الاسلاميه، قم، 1416 ق.
11. انصارى زنجانى خوئينى، اسماعيل ، الموسوعه الكبرى عن فاطمه الزهرا عليها السلام قم دليل ما 1428 ق.
12. البدوى، خليل ، موسوعه شهيرات النساء، دار الاسامه للنشر، اردن، 1419 ق.
13. البكرى، احمد بن عبد الله الأنوار و مفتاح السرور والأفكار في مولد النبي المختار، قم، رضی، 1411 ق.
14. بيهقى، ابوبكر ، دلائل النبوه، دار الكتب العلميه ، بيروت، 1405 ق .

15. جوهرى بصرى، احمد بن عبد العزيز مقتضب الأثر في النصّ على الأئمة الإثني عشر بينا، بى جا، بى تا.
16. ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلا، بيروت، مؤسسه الرساله، 1410 ق
17. ذهبى، لسان الميزان، تحقيق على محمد الجاوى، بيروت، دارالمعرفه للطباعه و النشر، 1963 م
18. رامين نژاد، رامين مزار، پیامبر صلى الله عليه وآله مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی، 1387. ش
19. سيد مرتضى، رسائل الشریف المرتضى، قم، دارالقرآن الکریم، 1405 ق.
20. شيخ يوسف بحرانی كشكول، دار و مكتبه الهلال، بيروت، 1998 م.
21. شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، تهران، اسلاميه 1395 ش.
22. صاحب بن عباد اسماعيل، المحيط في اللغه، تصحيح آل ياسين، محمد حسن، بيروت عالم الكتب، 1414 ق.
23. صفري فروشانی، نعمت الله، آموزش زنان در صدر اسلام، پیام زن، شماره 125 و 126، 1381 ش.
24. صقر، عبدالبدیع، شاعرات العرب، قطر المكتب الإسلامی، 1967 م.
25. طبرسى، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، 1417 ق.
26. طهرانی، آقابرگ، الذریعه الى تصانيف الشيعه، قم، اسماعيلیان و کتابخانه اسلاميه تهران، 1408 ق.
27. عاملی، سيد محسن امين، اعيان الشيعه، بيروت، دارالتعارف، 1403 ق.
28. قرشى ابوزيد محمد بن أبى الخطاب، جمهره أشعار العرب، بيروت، دار الكتب العلميه، 1406 ق.
29. قرشى، على اكبر، قاموس قرآن، تهران، دار الكتب الاسلاميه، 1371 ش.
30. قزوینی، زکریا بن محمد آثار البلاد و اخبار العباد، چاپ اول، بيروت

31. قطب الدين راوندى، سعيد بن هبه الله ، الخرائج و الجرائح، تصحيح، مؤسسه الإمام المهدي عليه السلام، قم ، مؤسسه امام مهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف، 1409 ق.
32. قمى، على بن ابراهيم تفسير القمى، تحقيق موسوى جزايرى، قم، دارالكتاب، 1404 ق.
33. كحاله عمر رضا، اعلام النساء في عالم العرب و الإسلام، بيروت: مؤسسه الرساله ، 1982 م.
34. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربي، 1403 ق.
35. محمدى، رمضان نقد و بررسى گزارش هاى زندگانی پیش از بعثت پیامبر صلى الله عليه و آله ، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامى، 1387 ش.
36. مير جهانى طباطبايى، سيد حسن ، جنه العاصمه ، مشهد، بيت الزهراء، 1426 ق.
37. نراقى، ملأ احمد خزائن تصحيح حسن زاده آملی، تهران، مؤسسه انتشارات قيام 1380 ش.
38. يموت، شبير شاعرات العرب في الجاهليه و الإسلام، بيروت مكتبه الأهليه، 2006 م.

* حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین از منظر قرآن: محمد علی رضایی اصفهانی (1)

چکیده

حضرت خدیجه علیها السلام اولین همسر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، و مادر تنها فرزند باقی مانده ایشان حضرت فاطمه علیها السلام بودند که در قرآن کریم حدود بیست آیه مستقیم و غیر مستقیم به ایشان اشاره کرده و تفاسیر بدان ها پرداخته اند و در کتاب های مرتبط با حضرت خدیجه علیها السلام گاهی به برخی آیات اشاره شده است.

آیات مرتبط با حضرت خدیجه علیها السلام چند دسته اند: نخست آیاتی که ایشان مصداق آن هاست؛ مثل آیه 42 سوره آل عمران، آیه 100 سوره شعراء، آیات 33 و 34 سوره زمر و آیه ششم سوره احزاب.

دسته دوم آیاتی هستند که به صورت غیر مستقیم (از طریق شأن نزول و احادیث) به حضرت خدیجه علیها السلام مربوط است؛ مثل آیات سوره کوثر آیات آغازین سوره مدثر، آیه 3 سوره ضحی و آیات 4 و 37 سوره احزاب دسته سوم نیز آیاتی است که ذیل آن ها به جایگاه و فضایل حضرت خدیجه علیها السلام اشاره می کند

واژگان کلیدی

حضرت خدیجه علیها السلام ام المؤمنین حضرت فاطمه علیها السلام قرآن، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، فضایل.

ص: 450

حضرت خدیجه علیها السلام اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و مادر تنها دختر ایشان حضرت فاطمه علیها السلام بودند که فضایل و کمالات متعددی در آیات و احادیث و تاریخ برای ایشان ذکر شده است. این نوشتار به این پرسش اساسی می پردازد که جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن کجاست و کدام آیات به وجود ایشان اشاره کرده و دلالت تفسیر آن آیات چگونه است؟

پیشینه

منابع ذیل به جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن اشاره کرده اند:

1. مفسران قرآن از جمله تفسیر مقاتل بن سلیمان، تفسیر ابو حمزه ثمالی، تفسیر جامع البیان طبری، تفسیر قمی، تفسیر الحبری، تفسیر عبدالرزاق و تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام. این تفاسیر، ذیل آیات متعدد از جمله ذیل آیات 286 بقره، 42 آل عمران، 78 حج، 6 و 37 احزاب 33 و 34 زمر و 8 ضحی و نیز ذیل آیات آغازین سوره های تحریم و مدثر به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده اند؛ یعنی گاهی تفسیر آیه و گاهی شأن نزول برخی آیات را مرتبط با ایشان دانسته یا احادیثی در مورد جایگاه حضرت خدیجه علیها السلام ذیل آیات آورده اند.

2. کتاب نساء اهل بیت فی ضوء القرآن والحديث، نوشته احمد خلیل جمعه چاپ دوم، دمشق و بیروت الیمامه للطباعه و النشر و التوزیع، 1417 ق. این کتاب 704 صفحه و در مورد زنان و دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و از جمله حضرت خدیجه علیها السلام است.

3. نساء خالدهات فی القرآن الکریم، از احمد جمال (جمع و تبویب و تعلیق احمد جمال عبدالعال)، قاهره: مکتبه الکلیات الازهریه، 1407 ق. این کتاب 159 صفحه و در مورد زنان جاویدان از جمله حضرت خدیجه علیها السلام نگاشته شده است.

4. النساء فی القرآن الکریم، نوشته عبدالمنعم، هاشمی، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر

للتباعة و النشر و التوزيع، 1408 ق. این کتاب 280 صفحه است که به حضرت خدیجه علیها السلام نیز اشاره دارد.

5. کتاب ام المؤمنین خدیجه بنت خویلد بانویسی در قلب، مصطفی از دکتر محمد عبده یمانی مترجم: محمد ابراهیمی، ایران انتشارات ایلاف، 1389 ش.

6. ام المؤمنین خدیجة الطاهرة، نوشته حسین شاکری، قم: المؤسسة الاسلامية للتبلیغ و الارشاد، 1422 ق.

7. کتاب خصائص ام المؤمنین خدیجه کبری علیها السلام، از حسین تهرانی انتشارات طوبی در 684 صفحه شامل 160 ویژگی حضرت خدیجه علیها السلام است که یک پیش گفتار و 160 فصل دارد نویسنده در فصل های این کتاب می کوشد بر آیات قرآن و روایات معتبر تکیه کند. وی با بهره گیری از آیات و روایات معتبر در منابع شیعه و سنی، به ویژگی هایی از خدیجه کبری علیها السلام اشاره نموده و در حد توان فضایل آن حضرت را بازگو نموده است.

8. کتاب خدیجه علیها السلام در قرآن نوشته جمعی از نویسندگان. (1) گفتنی است که در منابع اینترنتی از کتاب فوق به عنوان مقاله نیز یاد شده و ظاهراً مقالات جمعی از نویسندگان است که به صورت مجازی منتشر شده و در این نوشتار به برخی آیات و روایات مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است.

9. مقالات مربوط به شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن در محیط اینترنت با تکرار مطالب مکرر یافت می شود که به دو مورد اشاره می گردد:

یک: مقاله آیات مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام، نویسنده نامعلوم که در پایگاه اطلاع رسانی حوزه منتشر شده و آیات سوره های طه / 132، شعراء / 214، فرقان / 74 و ضحی / 8 را در مورد آن حضرت دانسته اند. (2)

دو: مقاله سیمای خدیجه علیها السلام در قرآن نوشته آقای شکوری در پایگاه تبیان، گروه

ص: 452

1- پایگاه شهید آوینی www.aviny.com.

2- پایگاه اطلاع رسانی: حوزه www.hawzah.net در تاریخ 14، آیه 12، آیه 1391.

دین و اندیشه تهیه کرده و به آیات آل عمران / 42 و ضحی / 8 و روایات مربوطه اشاره کرده است. (1)

بسامد آیات

اشاره

آیات مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن کریم حدود 20 مورد است که تفاسیر بدانها پرداخته اند اما ارتباط آیات با حضرت خدیجه علیها السلام به چند صورت است

دسته اول: آیاتی که حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آن هاست

اشاره

مفسران ذیل برخی آیات به حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان مصداق آیه اشاره کرده اند از جمله ذیل آیه 28 سوره مطفقین، (عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ) در مورد مصادیق «مقربون» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم نقل شده که فرمودند: «مقربون: رسول الله و علی بن ابی طالب و الائمه و فاطمه و خدیجه». (2)

و نیز ذیل آیه (وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا) (3) نقل شده که حضرت خدیجه مصداق ازواج است. (4)

و نیز ذیل آیه (وَ الَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ * لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ) (5) که مفسران به ایمان خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان اولین زن مسلمان و نماز حضرت خدیجه اشاره کرده اند؛ (6) یعنی حضرت خدیجه علیها السلام مصداق آیه فوق در تصدیق پیامبر صلی الله علیه و آله و مصداق «متقون» و «محسنین» معرفی می شود

ص: 453

1- سایت تبیان www.tebyan.net.

2- ابو حمزه ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص 357، تفسیر قمی، ج 2، ص 412.

3- سوره فرقان آیه 74

4- تفسیر قمی، ج 2، ص 117

5- سوره زمر آیه 33 و 34.

6- «ان علی اول من اسلم بعد خدیجه. خدیجه اول من صدق». (حسین بن حکم تفسیر الحبری، ص 394، 396، 405 و 563).

و نیز برخی مفسران، ذیل آیه (وَ أَمْرٌ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ اضْطِرَّ عَلَيْهَا) (1) اشاره کرده اند با توجه به این که سوره طه از سوره های نازل شده در اوایل بعثت است و نظر به این که اهل و اعضای خانواده رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن تاریخ خدیجه کبری علیها السلام، بود و علی بن ابی طالب نیز از نظر این که تحت سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی می نمودند؛ مشمول عنوان «اهل» است. بر این اساس آیه به رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب نموده که به اهل و اعضای خانواده خود درباره به پا داشتن فریضه نماز سفارش اکید بنما و بر آن پیوسته استوار باش! (2) بنابراین می توان گفت حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مصادیق آیه فوق است.

هم چنین ذیل آیه (وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) (3) اشاره کرده اند، با توجه به این که اولین دعوت رسمی پیامبر صلی الله علیه و آله به توحید از طریق خویشان بوده و نزدیک ترین اقوام به رسول گرامی صلی الله علیه و آله بر حسب نسب، علی بن ابی طالب علیه السلام و بر حسب رابطه سببی خدیجه کبری علیها السلام بودند و این دستور دعوت، در درجه اول درباره این دو بزرگوار شاهد فضیلتی برای آن هاست هم چنان که در مرتبه دیگر برای طبقات خویشان شاهد فضیلت است (4) بنابراین حضرت خدیجه علیها السلام یکی از مصادیق آیه فوق است.

هم چنین آیات مربوط به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از موارد مهم مصداق بودن حضرت خدیجه علیها السلام در قرآن است از جمله:

1. آیه ام المؤمنین

(النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ۖ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) (5)

ص: 454

1- سوره طه، آیه 132.

2- انوار درخشان، ج 10، ص 533.

3- سوره شعراء، آیه 214.

4- انوار درخشان، ج 12، ص 92 (با ویرایش عبارت).

5- سوره احزاب، آیه 6.

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان در کتاب خدا برخی از آنان نسبت به برخی از مؤمنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوارترند مگر آن که (بخواهید) نسبت به دوستان تان [کار] پسندیده ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است».

در مورد این آیه در ادامه مقاله مطالب مفصلی خواهد آمد.

2. آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً 28 * وَإِن كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً * وَمَن يَفْعَلْ مِثْقَالَ بُرَّةٍ لَّهُ وَرَسُولِهِ وَتَعَمَلْ صَالِحاً نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقاً كَرِيماً * يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلاً مَّعْرُوفاً * وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً * وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفاً خَبِيراً) (1)

در تفاسیر قرآن ذیل این آیات به تعداد زنان پیامبر اشاره شده و این که حضرت خدیجه علیها السلام اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که از او چند پسر و چند دختر داشت و این که تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده، بود ایشان همسر دیگری نگرفتند. (2) البته برخی مطالب آیه همچون اجر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ... شامل خدیجه هم می شود چون قضایای حقیقی است.

3. آیات ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ

ص: 455

1- سوره احزاب، آیه 3428

2- ترجمه تفسیر طبری، ج 7، ص 1898

اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتٍ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتٍ خَالَكَ وَبَنَاتٍ خَالَاتِكَ اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِن وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلَّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا * لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حَسَنُ نَهْنٍ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرِ نَاطِرِينَ إِنَّهُ وَلِكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا (1)

این آیه نیز قضیه حقیقه است و صدر آیه 50 و 53 شامل حضرت خدیجه علیها السلام می شود.

4. آیه حجاب

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)؛ (2)

ای پیامبر! صلی الله علیه و آله به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو: «از پوشش های بلند (چادر مانند) شان به خودشان نزدیک کنند این [کار] برای این که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است؛ و خدا بسیار آمرزنده مهرورز است».

آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و ازدواج های آن حضرت و آیه حجاب در مورد است عموم همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که حضرت خدیجه علیها السلام نیز یکی از مصادیق آن هاست. البته این آیات در سوره مدنی احزاب است و حضرت خدیجه علیها السلام

ص: 456

1- سوره احزاب، آیه 50-53.

2- سوره احزاب، آیه 59.

در مکه زندگی کرد و وفات یافت. اما این مطلب، مانع عمومیت یا اطلاق آیات فوق و شمول آن‌ها درباره حضرت خدیجه علیها السلام نمی‌شود. چون آیات به صورت قضایای حقیقیه (نه شخصیّه) درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شده و حضرت خدیجه علیها السلام نیز یکی از مصادیق همسران ایشان است.

دسته دوم: آیاتی که در شأن نزول آن‌ها به حضرت خدیجه علیها السلام اشاره شده است

مفسران در مورد برخی از آیات قرآن به شأن نزول آیات و نقش حضرت خدیجه علیها السلام در این مورد اشاره کرده‌اند. مانند آیات آغازین سوره مدثر که به جامه آوردن حضرت خدیجه علیها السلام برای پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می‌کند. (1)

و نیز درباره شأن نزول آیه (مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى) (2) به حضرت خدیجه اشاره شده است. (3) هم چنین در مورد (مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ۗ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي تُظَاهَرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ ۗ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ)، (4) گفته شده که سبب نزول آیه ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با خدیجه و داستان پسر خوانده ایشان یعنی زید بود. (5)

هم چنین در شأن نزول سوره کوثر حکایت کرده‌اند:

شخصی به نام «عاص بن وائل» که از سران مشرکان مکه بود، هنگام خارج شدن پیامبر صلی الله علیه و آله و از مسجد الحرام با ایشان ملاقات و صحبت کرد. سپس وارد مسجد الحرام شد مشرکان از او پرسیدند: «با چه کسی صحبت می‌کردی؟» گفت: «با این مرد ابتر!» (یعنی کسی که پسر ندارد و نسل او منقطع است). سوره کوثر بدین مناسبت فرود آمد و به پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت کوثر داد و دشمنان او را منقطع خواند. (6)

ص: 457

- 1- همان؛ تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 4، ص 489 و 490؛ تفسیر عبدالرزاق، ج 2، ص 262.
- 2- سوره ضحی، آیه 3.
- 3- تفسیر قمی، ج 2، ص 428
- 4- سوره احزاب، آیه 4
- 5- تفسیر قمی، ج 2، ص 172.
- 6- تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 836؛ نمونه بینات، ص 886؛ شان نزول آیات، ص 585.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دو پسر به نام های قاسم و طاهر (عبدالله) از خدیجه داشتند که هر دو در مکه از دنیا رفتند و ایشان بدون پسر باقی ماندند (1) این موضوع باعث شد تا دشمنان زبان بگشایند و آن حضرت را «ابتر» بخوانند؛ زیرا می پنداشتند پسر اهمیت زیادی دارد و تداوم بخش برنامه پدر است؛ از این رو تصور می کردند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که پسر ندارد، برنامه هایش تعطیل خواهد شد.

سوره کوثر چند خبر اساسی را اعلام کرده است که برخی آن ها را پیشگویی های اعجاز آمیز قرآن دانسته اند: (2)

خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله خیر فراوانی همچون پیروزی اسلام بر کفر (3) و موهبتی همچون حضرت فاطمه علیها السلام می دهد که برنامه ها و نسل حضرت را تداوم می بخشد.

2. دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله بریده نسل خواهند شد و برنامه ها و عظمت دودمان آن ها باقی نخواهند ماند؛ همان طور که مشرکان مکه و عاص بن وائل و مانند او منقرض شدند و هیچ نامی از آنان و دودمان شان باقی نیست.

«کوثر»، از ریشه «کثرت» به معنای خیر و برکت فراوان است و به افراد سخاوتمند نیز کوثر گفته می شود. مفسران در مورد معنای کوثر چند احتمال داده اند؛ از جمله: کثرت فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام، نهری در بهشت (4)، حوض کوثر (5) (که مؤمنان هنگام ورود به بهشت از آن سیراب می شوند، قرآن، نبوت،

ص: 458

1- البته پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه نیز با «ماریه قبطیه» ازدواج کردند و از او پسری به نام ابراهیم داشتند که در کودکی وفات کرد (بحار الانوار، ج 21، ص 183).

2- تفسیر نمونه، ج 27، ص 376

3- جمله «اعطیناک» ماضی است، اما شاید به معنای مضارع متحقق الوقوع باشد که به شکل ماضی بیان شده است.

4- در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام به این موارد اشاره شده است. (جعفریات، ص 251؛ شواهد التنزیل، ج 2، ص 487؛ بحار الانوار، ج 8، ص 16 و 24؛ تفسیر صافی، ج 5، ص 382)

5- بحار الانوار، ج 8، ص 17؛ تفسیر صافی، همان.

کثرت اصحاب و یاران، شفاعت، (1) پیروزی های پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ ها و نیز علمای امت او (2) که فرزندان معنوی پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت فاطمه علیها السلام هستند. البته معنای کوثر وسیع است و مانعی ندارد که شامل همه این مصادیق و موارد بشود؛ هر چند با توجه به قرینه سوره (بریده نسل خواندن دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله) و شأن نزول آن احتمال اول مناسب تر است.

آری حضرت فاطمه علیها السلام خود شفاعت کننده امت است و فرزندانش همچون نهری بهشتی در بین بشریت جاری شده همگان را از حوض کوثر علوم آل محمد صلی الله علیه و آله سیراب می کنند و تداوم بخش نبوت و پاسداران قرآنند و با رهبری شان پیروزی های بزرگ علمی و معنوی برای مسلمانان به وجود آورده اند.

در این سوره بیان شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به شکرانه نعمت کوثر باید نماز بگزارد و قربانی کند البته برخی مفسران معتقدند که نماز و قربانی روز عید قربان مقصود است ولی معنای آیه گسترده است و هر گونه نماز و قربانی شامل را می شود

این سوره در حقیقت آموزشی است برای همه رهبران الهی و مسلمانان تا برای ادای شکر نعمت های بزرگ الهی به نماز و قربانی رو آورند و پیوند خود را با خدا و خلق محکم تر و نیاز معنوی خویش و نیاز مادی بینوایان را برطرف سازند.

این مطلب روشن است که کوثر عطا شده به پیامبر صلی الله علیه و آله و از طریق خدیجه علیها السلام بوده، همان طور که «ابتر» اشاره به فوت فرزندان پسر خدیجه علیها السلام دارد. همین مطلب عظمت حضرت خدیجه علیها السلام را می رساند که مادر کوثر قرآن است و نسل پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق ایشان تداوم یافت که تاکنون از نسل ایشان ده ها میلیون سادات در سراسر جهان پراکنده هستند.

ص: 459

1- تفسیر صافی همان

2- تفسیر نمونه و تفسیر کبیر فخر رازی، ذیل سوره

دسته سوم: آیاتی که به جایگاه و مقام حضرت خدیجه علیها السلام مرتبط است

مفسران ذیل برخی آیات با نقل احادیث به فضایل و مقامات حضرت خدیجه علیها السلام اشاره کرده اند. از جمله مفسران اهل سنت، ذیل آیه (وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ)، (1) حضرت خدیجه علیها السلام را در کنار حضرت مریم علیها السلام، بهترین زن بهشتیان معرفی کرده اند و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که: «خیر نساءها مریم بنت عمران و خیر نساءها خدیجه بنت خویلد یعنی بقوله خیر نساءها خیر نساء اهل الجنة». (2)

هم چنین حضرت خدیجه علیها السلام را بهترین زن امت اسلام معرفی کرده و از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل نموده اند که: (فُضِّلَتْ خَدِيجَةُ عَلَىٰ نِسَاءِ أُمَّتِي كَمَا فَضِّلَتْ مَرْيَمُ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ). (3)

و نیز ذیل آیه (فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ)، (4) از امام باقر علیه السلام نقل شده که: «منابری از نور برپا می شوند و مقامات برخی بانوان روشن می گردد؛ (ثم ینادی المنادی و هو جبرئیل این فاطمه بنت محمد این خدیجه بنت خویلد، این مریم، بنت عمران). (5)

هم چنین ذیل آیات سوره ضحی به نماز حضرت خدیجه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره شده (6) که عبادت گری آن حضرت را می رساند.

و نیز آیه (لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ) (7) که مفسران ذیل آن به داستان معراج پیامبر صلی الله علیه و آله

ص: 460

1- سوره آل عمران، آیه 42

2- طبری، جامع البیان، ج 3، ص 180

3- همان، ص 186.

4- سوره شعراء، آیه 100

5- تفسیر امام حسن عسکری، ص 227

6- تفسیر مقاتل ابن سلیمان، ج 4، ص 733؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 378.

7- سوره بقره، آیه 286

و خوردن سیب بهشتی سپس هم بستری با حضرت خدیجه علیها السلام و بسته شدن نطفه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرده اند و این که پیامبر اسلام حضرت زهرا را می بوسیدند و می فرمودند بوی بهشت می دهد. (1)

هم چنین ذیل آیه (وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ) (2) به داستان ابری اشاره می کند که حضرت خدیجه علیها السلام بر سر پیامبر صلی الله علیه و اله دید و به حقانیت ایشان پی برد. (3)

هم چنین برخی مفسران ذیل آیات آغازین سوره مزمل به داستان حضرت خدیجه علیها السلام و ورقه بن نوفل اشاره کرده اند که ورقه بشارت داد بت های مکه به دست این شخص هلاک می شوند (4)

برخی مفسران ذیل آیات سوره مدثر به ایمان آوردن حضرت خدیجه علیها السلام به عنوان اولین زن و ایمان آوردن امام علی علیه السلام به عنوان اولین مرد اشاره کرده اند. (5)

دسته چهارم: آیات همسران پیامبر صلی الله علیه و آله که به صورت قضایای شخصی است

اشاره

آیاتی نیز در مورد همسران پیامبر صلی الله علیه و آله وجود دارد که قضایای شخصی است و شامل خدیجه علیها السلام نمی شود؛ ولی برخی مفسران به مناسبت ذکر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آن ها را به حضرت خدیجه علیها السلام نیز مرتبط دانسته اند؛ از جمله:

ص: 461

1- تفسیر طبری، ترجمه، ج 1، ص 188 و ج 4، ص 917؛ تفسیر قمی، ج 1، ص 22

2- سوره حج آیه 78.

3- تفسیر طبری، ترجمه ج 4، ص 1096

4- تفسیر طبری، ج 7، ص 1956

5- همان، ج 7، ص 1957 تفسیر ابو حمزه ثمالی، ص 223.

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ * قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * وَإِذْ أَسْرَ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَأَتْ بِهِ وَأُظْهِرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَأَنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ * إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ * عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يَبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسَدِّمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارًا) (1)

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده (بر خود) ممنوع می کنی، در حالی که خشنودی همسرانت را می طلبی؟! و خدا بسیار آمرزنده [و] مهر ورز است. * به یقین خدا گشودن سوگندهای تان را برای شما معین ساخته؛ و خدا سرپرست شماست و او دانا [و] فرزانه است * و (یاد کن) هنگامی را که پیامبر با برخی از همسرانش سخنی پنهانی گفت و [لی] وقتی (همسرش) آن را خبر [چینی] کرد و خدا آن را بر او (پیامبر) آشکار ساخت (پیامبر) برخی از آن را (به همسرش) شناساند و از برخی [دیگر] روی گرداند؛ و وقتی او (همسرش) را بدان خبر داد (همسرش) گفت: «چه کسی این را به تو خبر داد؟!» (پیامبر) گفت: «(خدای دانا [و] آگاه به من خبر داد)». * اگر شما دو (همسر پیامبر) به سوی خدا بازگردید، پس (به سود شماست؛ زیرا) به یقین دل های شما (به کژی) گراییده است؛ و اگر بر ضد او یک دیگر را کمک کنید پس (زیانی به او نمی رسانید؛ چرا) که خدا فقط یاور اوست؛ و بعد از آن جبرئیل و شایسته مؤمنان و فرشتگان پشتیبان (او) هستند. * امید است که اگر شما را طلاق دهد پروردگارش همسرانی بهتر از شما برای او جایگزین کند، (زنانی) مسلمان، مؤمن، فرمان بردار [فروتن] توبه کار پرستش گر روزه دار بیوه و دوشیزه.

مفسران معمولاً ذیل این آیات به مناسبت مطالب مربوط به همسران

ص: 462

2. آیات ازدواج زینب و زید

(وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَصَصْتَهُ يُزِيدُ مِنْهَا وَطَرَأَ زَوْجَانَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرَأَ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا)؛ (2)

و (یاد کن) هنگامی را که به آن کس که خدا به او نعمت داده بود و (تو نیز) به او نعمت داده بودی (= زید) می گفتم: «همسرت را برای خود نگاه دار و خود را از (عذاب) خدا حفظ کن!» و چیزی را در دلت پنهان می داشتی که خدا آشکارکننده آن است؛ و از مردم می هراسیدی در حالی که خدا سزاوارتر است که از او بهر کسی و هنگامی که زید نیاز (خویش) را از آن (زن) به پایان برد (و او را طلاق داد)، او را به ازدواج تو در آوریم تا هیچ تنگی (و محدودیتی) برای مؤمنان (در ازدواج) با همسران پسرخوانده های شان نباشد هنگامی که نیاز (خود) را از آنان به پایان بردند (و آن ها را طلاق دادند) و فرمان خدا تحقق یافته است.

مفسران ذیل این آیه اشاره کرده اند که زید غلام حضرت خدیجه علیها السلام بود که او را به پیامبر صلی الله علیه و آله هدیه کرد. (3)

آیات دسته اول به صورت قضایای حقیقیه در قرآن آمده که همه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می شود یعنی احکام آیات دسته اول (ازواجه امهاتهم) همه زنان زنده و مرده پیامبر صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه را شامل می شود و مقید به زمان و مکان خاص نیست؛ پس می توان گفت که حکم مادر بودن و حجاب و ... که در مورد زنان پیامبر صلی الله علیه و آله آمده، شامل حضرت خدیجه علیها السلام نیز می شود. اما

ص: 463

1- تفسیر القرآن العظیم، ج 8، ص 188 و ص 194؛ تفسیر مبهمات القرآن، ج 2، ص 630؛ السراج المنیر، ج 4، ص 359.

2- سوره احزاب، آیه 37

3- تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج 3، ص 491؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج 4، ص 368؛ تفسیر قمی، ج 2، ص 172.

آیات دسته چهارم مثل سوره تحریم به صورت قضیه شخصی (إِذَا أَسَرَ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا) آمده که در احادیث و روایات تاریخی بر حفصه و عایشه تطبیق داده شده است. (1) بنابراین شامل بقیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله حضرت خدیجه علیها السلام نمی شود؛ به ویژه آن که آیات سوره تحریم در مورد حادثه واقع شده در مدینه است و حضرت خدیجه علیها السلام در مدینه زنده نبودند تا درگیر آن حادثه شوند. هر چند برخی مفسران به مناسبت ذکر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نامی از حضرت خدیجه علیها السلام نیز برده اند. (2)

هم چنین آیه 37 سوره احزاب که در مورد ازدواج زینب با زید سپس طلاق ایشان و ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب، است، قضیه ای شخصی است که به حضرت خدیجه علیها السلام ربطی ندارد؛ هر چند برخی مفسران به سبب آن که زید غلام حضرت خدیجه علیها السلام بود از این بانو نام برده اند.

تفسیر مهمترین آیه مربوط به حضرت خدیجه علیها السلام (ام المؤمنین)

قرآن کریم در آیه ششم سوره احزاب همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را مادر مؤمنان

ص: 464

1- حکایت کرده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله گاهی نزد یکی از همسرانش به نام زینب می رفتند و از غسلی که تهیه کرده بود می خوردند. این خبر به گوش عایشه رسید. او با یکی دیگر از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام حفصه قرار گذاشتند که به پیامبر صلی الله علیه و آله بگویند تو مغفیر (شیره گیاه بدبو) خوردهای حضرت از این سخن ناراحت شدند چون اصرار داشتند که بوی بدی از بدن و لباس و دهان ایشان شنیده نشود؛ از این رو سوگند یاد کردند که دیگر از غسل ننوشند (زیرا ممکن بود زنبور آن غسل بر گیاه بد بویی نشسته باشد)، اما پیامبر صلی الله علیه و آله به حفصه سفارش فرمودند که این مطلب را به کسی نگوید اما حفصه آن سر را افشا کرد و معلوم شد اصل قضیه توطئه بوده است؛ از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله سخت ناراحت شدند (اسباب النزول واحدی، ص 460؛ شأن نزول آیات، ص 552 تفسیر مجمع البیان، ج 10، ص 472؛ تفسیر بخاری، ج 6، ص 167-168 و ج 7، ص 232؛ صحیح مسلم، ج 4، ص 184؛ سنن ابی داوود، ج 2، ص 191؛ سنن نسائی، ج 6، ص 151؛ سنن کبری بیهقی، ج 7، ص 353). طبق برخی روایات تا یک ماه از همسران خود کناره گیری کردند. (تفسیر قرطبی، ج 18، ص 178-179). حتی شایعه طلاق آنان منتشر شد. (تفسیر فی ظلال القرآن، ج 8، ص 163). آیات فوق بدین مناسبت فرود آمد و روابط داخلی خانه رهبر اسلام را تنظیم کرد، تا دیگر این کارها درون خانه پیامبر صلی الله علیه و آله اتفاق نیفتد.

2- تفسیر القرآن العظیم، ج 8، ص 188 و 194؛ السراج المنیر، ج 4، ص 359.

(النَّبِيِّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا) (1)

پیامبر نسبت به مؤمنان از خودشان سزاوارتر است؛ و همسرانش مادران ایشان هستند؛ و خویشاوندان در کتاب خدا برخی از آنان نسبت به برخی از مؤمنان و مهاجران (در مورد ارث) سزاوار ترند، مگر آن که (بخواهید) نسبت به دوستان تان [کار] پسندیده ای انجام دهید؛ این (حکم) در کتاب (خدا) نوشته شده است.

نکات آیه

1. این آیه همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از جمله حضرت خدیجه علیها السلام را مادران مؤمنان می خواند که جایگاه بلند حضرت خدیجه علیها السلام را نشان می دهد، به ویژه که ایشان اولین همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و در دوران سخت مکه تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود؛ یعنی در سخت ترین اوضاع در کنار رسول الله صلی الله علیه و آله ایستادگی کرد و اموال خویش را در راه اسلام صرف نمود.

حضرت خدیجه علیها السلام تنها همسر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که فرزندان متعدد برای ایشان آورد که بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نیز نسل حضرت از طریق حضرت فاطمه علیها السلام ادامه یافت.

2. مادر بودن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله می تواند به چند معنا باشد:

الف) مادر حقیقی که هر انسان از او متولد می شود. بدیهی است که این معنای مادر در این مورد صادق نیست چون مؤمنان صدر اسلام و نسلهای بعدی از ایشان متولد نشده اند.

ب) مادر معنوی، یعنی همان طور که بر اساس احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و امام

ص: 465

علی علیه السلام پدران امت شمرده شده اند (1) حضرت خدیجه علیها السلام نیز مادر معنوی امت است

آری حضرت خدیجه علیها السلام مادر معنوی امت هستند؛ زیرا با استقامت کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و فداکاری، مالی در رشد اسلام و هدایت مردم مؤثر بودند و تا قیامت حق بزرگی بر گردن مسلمانان دارند.

ج) احترام مادری یعنی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر احترام نازل منزله مادران واقعی هستند و این مطلب به خاطر احترام پیامبر صلی الله علیه و آله و پاسداشت زحمات ایشان است؛ یعنی بر اساس آیات قرآن احترام مادر هر انسانی بر او لازم است و کوچک ترین بی احترامی به او جایز نیست.

(و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ)؛ (2)

و به پدر و مادر نیکی کنید؛ اگر یکی از آن دو یا هر دو نزد تو به [سنّ] پیری برسند، پس به آن دو «أف» (کوچک ترین سخن اهانت آمیز) نگو.

البته اطاعت پدر و مادر تا جایی است که آن ها تلاش نکنند انسان را منحرف سازند و گرنه اطاعت ایشان لازم نیست و فقط باید آنان را احترام کرد:

(وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)؛ (3)

و اگر آن دو تلاش کنند برای این که تو چیزی را که بدان هیچ دانشی نداری همتای من قرار دهی، پس از آن دو اطاعت نکن؛ و [لی] در دنیا با آن دو به طور پسندیده هم نشینی کن؛ و از راه کسی که به سوی من بازگشته، پیروی کن؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی من است و شما را به آن چه انجام می دادید خبر می دهم.

لذا در جریان جنگ جمل با این که عایشه در برابر امام خویش ایستاد و در صحنه جنگ حاضر شد، بعد از پایان جنگ امام علی علیه السلام دستور دادند تا

ص: 466

1- عن رسول الله صلى الله عليه و اله (أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ) (بحار الانوار، ج 16، ص 95).

2- سوره اسراء، آیه 23.

3- سوره لقمان، آیه 15

عایشه را با احترام از بصره به مدینه بازگردانند (1).

د) مادر حکمی، یعنی مادر بودن همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر برخی احکام فقهی، در حکم مادر است؛ یعنی همسران پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر حکم ازدواج نازل منزله مادران حقیقی هستند؛ بنابراین کسی حق ازدواج با ایشان را ندارد. آیه (وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أُزْوَاجَهُمْ مِنْ بَعْدِهِ) (2) به این مطلب تصریح کرده است؛ البته از آیات دیگر قرآن، به دست می آید که احکام دیگر مادری مثل محرمیت با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مسلمانان جاری نمی شده از این رو در ادامه سوره احزاب، دستور داد که همسران پیامبر صلی الله علیه و آله در معاشرت با دیگران حریم نگه دارند (همچون حریم مرد و زن نامحرم).

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا)؛ (3) ای زنان پیامبر! (شما) همچون یکی از زنان (معمولی) نیستید؛ اگر خود نگه داری می کنید پس به نرمی (و ناز) سخن گویند، تا کسی که در دلش (نوعی) بیماری است طمع ورزد؛ و سخن پسندیده بگویند.

(وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ)؛ (4) «و هنگامی که وسیله ای از آنان (همسران پیامبر) خواستید از پشتِ مانعی بخواهید؛ این (کار) برای دل های شما و دل های آنان پاک تر است».

جالب این است که چند نفر از مسلمانان از جمله امام علی علیه السلام با دختران پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج کردند، در حالی که اگر همه احکام مادر بودن از این آیه جاری می شد امکان ازدواج با خواهر خویش وجود نداشت. بنابراین این آیه همه احکام نسبی و سببی مادر بودن را شامل نمی گردد و فقط حرمت ازدواج با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می شود که در حقیقت نوعی حفظ احترام پیامبر صلی الله علیه و آله است.

ص: 467

1- تاریخ طبری، ج 4، ص 538 - 543؛ ابوالقاسم پاینده، ترجمه تاریخ طبری، ج 6، ص 306-313.

2- سوره احزاب، آیه 53.

3- سوره احزاب، آیه 32

4- سوره احزاب، آیه 53.

3. همسران پیامبر صلی الله علیه و آله مادر مؤمنان شمرده شدند نه مادر مسلمانان؛ شاید این مطلب اشاره به آن باشد که مؤمنان به مقتضای ایمان خود رابطه مادری با همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و برقرار می کنند و با احترام به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله، حریم و حرمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله او را نگاه می دارند بنابراین کسانی که مسلمان شده اند ولی هنوز ایمان قلبی پیدا نکرده اند مشمول این آیه نمی شوند.

(قَالَتِ الْأَعْرَابُ أَمَّا قُلٌّ لِمَ تُوْمِنُوا وَ لَكِن قُولُوا أَسَلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ إِن تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُوْلَهُ لَا يَلْنِكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئاً
إِنَّ اللَّهَ غَفُوْرٌ رَحِيْمٌ) (1)

عرب های صحرا نشین گفتند: «ایمان آوردیم». (ای پیامبر!) بگو: «ایمان نیاورده اید، و لیکن بگویید اسلام آوردیم؛ و حال آن که هنوز ایمان وارد دل های تان نشده است؛ و اگر از خدا و فرستاده اش اطاعت کنید، هیچ چیزی از (پاداش) کارهای تان را از شما کم نمی کند؛ [چرا] که خدا بسیار آمرزنده [و] مهرورز است».

مگر آن که گفته شود مقصود از «مؤمنین» در آیه ششم احزاب، همه مسلمانان هستند که با توجه به مدنی بودن سوره احزاب و جدا شدن صفوف کفار، مؤمنان و مسلمانان عادی و منافقان از همدیگر این برداشت بعید است.

4. در این آیه به مقام پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می فرماید:

(الَّتِي أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ)؛ (2) یعنی از شخص حضرت محمد صلی الله علیه و آله یاد نکرد، بلکه از مقام نبوت ایشان یاد کرد که اشعار به آن دارد که این احکام مطرح شده در آیه برخاسته از مقام نبوت ایشان است؛ یعنی از آن جا که حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر است، پس حریم ایشان باید حفظ شود و همسران ایشان در حکم مادران شما قرار گیرند و مورد احترام باشند. پس هر کس به مقام نبوت نزدیک تر بود مثل حضرت خدیجه علیها السلام احترام بیشتری دارد و اگر کسی از این مقام فاصله گرفت، درجه او پایین می آید.

آیات بعدی سوره احزاب نیز به این مطلب اشاره کرده اند:

ص: 468

1- سوره حجرات، آیه 14.

2- سوره احزاب، آیه 6.

(يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِن كُنْتُمْ تُرَدُّنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأَسَرِّحْكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً* وَإِن كُنْتُمْ تُرَدُّنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ الدَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً) (1)

ای پیامبر! به همسرانت بگو: «اگر زندگی دنیا و زیور آن را می خواهید پس بیایید تا شما را بهره مند سازم و شما را با آزادی نیکویی رها نمایم؛* و اگر خدا و فرستاده اش و سرای آخرت را می خواهید خدا برای نیکوکاران از شما پاداش بزرگی آماده ساخته است

نتیجه

در قرآن کریم حدود 20 آیه مستقیم و غیر مستقیم در مورد حضرت خدیجه علیها السلام یافت می شود که مهم ترین آن ها آیه ششم سوره احزاب است. بر اساس این آیه، حضرت خدیجه علیها السلام مصداق کامل و بارز مادر معنوی و حکمی مؤمنان هستند که حفظ احترام ایشان ضروری است

ص: 469

1. ابن عطية عبدالحق بن غالب، المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز، بيروت دارالكتب العلمية، 1422 ق.
2. ابن كثير اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالكتب العلمية، 1419 ق.
3. ابو عبد الله الكوفي الحسين بن الحكم بن مسلم الحبري، تفسير الحبري، بيروت، مؤسسة آل البيت لآحياء التراث، 1408 ق.
4. ابو حمزه ثمالی ثابت بن دينار تفسير القرآن الكريم (ثمالي)، تحقيق عبد الرزاق محمد حسين حرزالدين و محمد هادي، معرفت بيروت، دارالمفيد چاپ اول، 1420 ق.
5. ابى داوود، سليمان بن اشعث، سنن ابى داوود، دار الإحياء السنة النبوية بيروت، بى تا.
6. امام عسكري عيه السلام، تفسير المنسوب الى الامام الحسن بن على العسكري، چاپ اول، قم، انتشارات مدرسه امام مهدي عجل الله تعالى فجه الشريف، 1409 ق.
7. البخارى، ابو عبد الله محمد بن اسماعيل صحيح بخارى، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1400 ق.
8. بلنسى، محمد بن على، تفسير مبهمات القرآن، بيروت، دار الغرب الاسلامى 1411 ق.
9. بيهقى، ابوبكر احمد بن الحسين بن على بن موسى، سنن الكبرى، بيروت، دار الفكر، 1418 ق.
10. حاكم حسانى، ابوالقاسم عبيد الله، شواهد التنزيل، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد اسلامى، 1411 ق.
11. حسيني، سيد محمد حسين، انوار درخشان، تهران، لطفى، 1404 ق.
12. خطيب، شربيني، محمد بن احمد السراج المنير، بيروت، دار الكتب

13. سيد قطب، تفسير في ظلال القرآن، الطبعة الخامسة، بيروت داراحياء التراث العربي، 1386 ق.
14. سيوطي، جلال الدين الفضل عبدالرحمان ابن بكر بن محمد، سنن النسائي، چاپ اول، بيروت، دارالفكر، 1930 م.
15. صنعاني عبدالرزاق ابى بكر بن همام بن نافع، المصنف، تحقيق نصر الدين الازهرى، الطبعة الاولى، بيروت دارالكتب العلميه، 1421 ق.
16. طبرسى، فضل بن حسن، امين الاسلام، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار إحياء التراث العربي، 1379 ق.
17. طبرى، ابوجعفر محمد بن جرير، تفسير جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دار المعرفة، 1406 ق.
18. طبرى، محمد بن جرير، ترجمه تاريخ طبرى، مترجم: ابوالقاسم پاينده، تهران، اساطير 1362 ش.
19. فخرالدين رازى ابو عبد الله محمد بن عمر، مفاتيح الغيب (تفسير كبير)، چاپ سوم، بيروت، داراحياء التراث العربي، 1420 ق.
20. فيض كاشانى، ملامحسن، تفسير صافي، الطبعة الثانية، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، 1402 ق.
21. قمى، على بن ابراهيم، تفسير القمى، الطبعة الاولى، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، 1420 ق.
22. مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، الطبعة الرابعه، بيروت، انتشارات مؤسسة الوفاء، 1404 ق.
23. محمد بن احمد قرطبي، تفسير قرطبي (الجامع لاحكام القرآن)، چاپ اول، تهران انتشارات ناصر خسرو، 1364 ش.
24. محمد بن اشعث، الجعفریات (الاشعثيات)، تهران، مكتبة النينوى الحديثة، تهران بى نا بى تا

25. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین عامه و خاصه، تهران، اسلامی، 1359 ش.
26. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، مقاتل، چاپ اول، بیروت، دار الکتب العلمیه 2003 م.
27. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1364 ش.
28. نیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، بی تا.
29. واحدی نیشابوری، ابوالحسن علی بن احمد، أسباب نزول القرآن، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1411 ق.
30. نرم افزار «ام المؤمنین»، مرکز یارانه ای حوزه علمیه اصفهان
31. پایگاه اطلاع رسانی حوزه: www.hawzah.net.
32. سایت تبیان: www.tebyan.net.
33. سایت شهید آوینی: www.aviny.com.

*خدیجه و بدء الوحی: صفورا سالاریه (1)

چکیده

یکی از مباحث مهم در زندگانی حضرت خدیجه علیها السلام، نقش ایشان در مورد جریان «بدء الوحی» است. اگر چه منابع فریقین گواه بر نقش محوری، ایشان در کمک به پیامبر صلی الله علیه و آله و تثبیت امر نبوت بر آن حضرت، هستند با حاشیه سازی هایی که در نقل آغاز بعثت کرده و به حضرت خدیجه علیها السلام نقش یک، منجی در جهت آرامش بخشی و تأیید نبوت داده اند هم شخصیت حضرت خدیجه علیها السلام را مخدوش کردند هم سعی در تثبیت ضعف بینش و آگاهی در رسول خدا صلی الله علیه و آله نمودند هنگامی که منابع قرون اولیه اسلام را در کنار هم قرار می دهیم شاهد تعارضاتی می شویم که اصل این ماجرا را زیر سؤال می برد.

برای روشن شدن این مسأله و دلیل نقش اول دادن به حضرت خدیجه علیها السلام در این ماجرا لازم است روایات به صورت دقیق و فنی از نظر سند و محتوایی نقد و بررسی شود و روشن گردد که این روایات با، مبانی آیات و روایات معارض است. همچنین تحلیل کوتاهی نیز درباره چرایی انتساب این دسته از روایات به حضرت خدیجه علیها السلام بیان شده البته متعرض فرد یا افراد جاعل نشده ایم.

مقدمه

جریان «بدء الوحی» یکی از مسائلی است که در باب تاریخ اسلام همواره

ص: 473

توجه پژوهشگران اعم از تاریخ نویسان، محدثان و سیره نویسان را به خود جلب کرده است.

دو دسته روایات در نقل این ماجرا وجود دارد.

1. روایاتی که سلسله سندش به جابر بن عبدالله انصاری می رسد که هیچ سخنی در چگونگی نزول وحی نیست و تنها به اولین سوره ای می پردازد که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

2. روایاتی که با اسناد، متعدد به شرح چگونگی اولین نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله می پردازند

در بخشی از محتوای کلی روایات دسته دوم وحدت پیام وجود دارد، اما علاوه بر ضعف سندی تناقضاتی در آن مشاهده می شود که اصل روایت را مخدوش می سازد.

پیام مشترک روایات عبارتند از:

1. غیر منتظره بودن نزول وحی برای پیامبر صلی الله علیه و آله (عدم انتظار پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به رسالت و دریافت وحی)؛

2. تردید و وحشت پیامبر صلی الله علیه و آله از ملاقات با جبرئیل و سخن گفتن با او؛

3. تحت فشار قرار گرفتن پیامبر صلی الله علیه و آله توسط جبرئیل مبنی بر خواندن آیاتی از قرآن؛

4. تقاضای کمک پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه؛

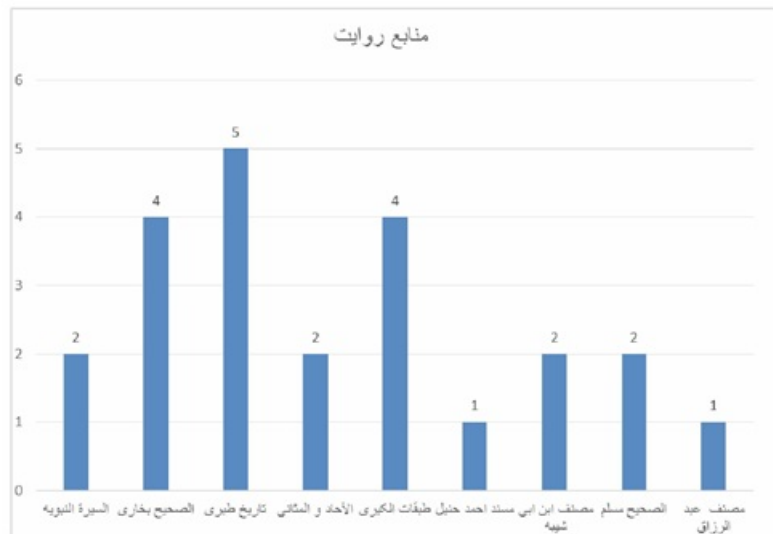
5. آرامشی که حضرت خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله می دهد. (آن تشویش خاطری که برای پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن جبرئیل به وجود آمد برای خدیجه علیها السلام یک امر عادی و غیر مضطرب بود)؛

6. تأیید ورقه بن نوفل نسبت به دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل و نوید پیامبری.

این مقاله تنها منابع دست اول، سیره روایی و تاریخی عامه تا اوایل قرن چهارم تا پایان دوران طبری (310 م) را نقد و بررسی کرده است.

ابتدا به شکل نموداری، منابع و تعداد روایاتی که در آن ها ماجرای «بدء الوحی»

آمده، به ترتیب زمان ترسیم می‌گردد.



برای رسیدن به واقعیت، روایات از نظر سندی و محتوایی نقد و بررسی می‌شود. در بررسی سندی، دنبال درک دو حقیقت هستیم:

۱. آیا راویان دارای وثاقت و صداقت لازم در نقل روایات از نظر رجالی هستند؟
۲. آیا بین روات از ابتدا تا انتها و تا مبدأ تولید خبر، سقط سندی دارند یا متصل هستند. گفتنی است برای رسیدن به هر دو بخش، هریک از راویان را بررسی می‌کنیم.

در بررسی محتوایی، برای روشن شدن تعارضات درونی یا تطابق‌های درونی، نقل‌ها متفاوت است. سپس از جهت تعارض یا تطابق با وحی مُنزل قطعی‌السند و آیات قطعی‌الدلالة، راستی‌آزمایی صورت می‌گیرد و آن‌چه با کتاب خدا سازگاری دارد، مقبول و گرنه مطرود خواهد بود.

برای رسیدن به واقعیت روایات از نظر سندی و محتوایی نقد و بررسی می‌شود. در بررسی سندی دنبال درک دو حقیقت هستیم:

1. آیا راویان دارای وثاقت و صداقت لازم در نقل روایات از نظر رجالی هستند؟

2. آیا بین روات از ابتدا تا انتها و تا مبدأ تولید، خبر سقط سندی دارند یا متصل هستند. گفتنی است برای رسیدن به هر دو بخش هر یک از راویان را بررسی می کنیم.

در بررسی محتوایی برای روشن شدن تعارضات درونی یا تطابق های درونی نقل ها متفاوت است. سپس از جهت تعارض یا تطابق با وحی منزل قطعی السند و آیات قطعی الدلاله راستی آزمایی صورت می گیرد و آن چه با کتاب خدا سازگاری دارد مقبول و گرنه مطرود خواهد بود.

ص: 475

1. عایشه

عایشه هشت سال قبل از هجرت یعنی چهار سال بعد از بعثت در مکه به دنیا آمد. (1) بنابراین او زمان نزول وحی نبوده و آن زمان را درک نکرده است و از طرفی آن چه درباره این موضوع نقل می‌کند به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت نمی‌دهد؛ بنابراین معلوم نیست از چه کسی شنیده پس مرسل بودن این روایت قطعی است. (2)

2. عبدالله بن زبیر

عبدالله در سال اول یا دوم هجری متولد شد. (3) فارغ از ثقه بودن یا نبودن وی و عدواتی که با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله دارد قطعاً در ابتدای عصر بعثت نبوده است. هم چنین نقل خود از اولین نزول وحی را به یک فرد ثقه و یا فردی از حاضران آن دوران مستند نمی‌کند بنابراین روایت عبدالله بن زبیر هم مرسله است

3. عروه بن زبیر

عروه از طبقه دوم تابعان (4) در سال 23 قمری به دنیا آمده. (5) او اکثر روایات را از عایشه که نسبت سببی با وی دارد کسب و نقل می‌کند. او از محضر خاله اش چنان کسب فیض نموده که گوید: «اگر عایشه از دنیا برود، نگران نخواهم بود که مبادا حدیثی در نزدش بوده و من آن را نشنیده باشم». (6) عروه از برجسته ترین

ص: 476

1- ابن اثیر، اسد الغابه، ج 6، ص 189.

2- محمد ناصرالدین الألبانی، دفاع عن الحدیث النبوی و السیره، ص 42.41.

3- محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم والملوک، ج 2، ص 7؛ ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 5، ص 187

4- طبقات الکبری، ج 5، ص 396

5- ابن خیاط، تاریخ خلیفه، ص 89

6- ابن منظور، مختصر تاریخ دمشق، ج 5، ص 274

شخصیت های علمی در آل زبیر بود از این شخصیت علمی انتظار می رفت که طریق امانت را رعایت کند و از کسانی که خبر را شنیده با یک یا دو واسطه جریان نزول وحی را نقل نماید، اما متأسفانه چنین نکرد و طریق نقل او در مورد روایت «بدء الوحی» مجهول است

4. اسماعیل بن ابی الحکیم

از تابعان طبقه چهارم و متوفای 130 قمری است. (1) اگر چه ابن سعد او را وابسته به آل زبیر نمی داند (2) بخاری وی را از موالی آل زبیر می شمارد. (3) ائمه حدیث او را از اصحاب نمی دانند (4) تنها سه روایت از اسماعیل نقل شده که یکی از آن ها درباره جریان نزول وحی است مبنی بر امتحان حضرت خدیجه علیها السلام از جبرئیل که آیا فرشته است یا شیطان (5) وی این روایت را بدون سند نقل می کند بنابراین نقل اسماعیل در این قضیه مرسله و از اعتبار ساقط است؛ زیرا نه خود در هنگام واقعه بوده و نه خبر خود را مستند نقل می کند

5. وهب بن کيسان

دارای کنیه ابونعیم موالی عبد الله بن زبیر بن عوام، متوفای 127 قمری است (6) وی اگر چه از نظر ابن سعد محدث مورد اعتماد بود روایت مربوط به بعثت را از عبید بن عمیر نقل می کند (7) که او خود نیز روایتش مرسل است؛ اگر نگوییم تحت تأثیر زبیریان بوده است.

ص: 477

- 1- ابن حجر عسقلانی، تهذیب التهذیب، ج 1، ص 253
- 2- محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج 5، ص 412
- 3- بخاری، التاریخ الکبیر، ج 1، ص 350
- 4- اسد الغابه، ج 1، ص 49
- 5- ابن هشام، السیره النبویه، ج 1، ص 238
- 6- طبقات الکبری، ج 5، ص 411
- 7- ابن هشام، سیره، ج 1، ص 235

6. عبید بن عمیر

جزء متولدان بعد از بعثت و از تابعین است بنا بر اعتراف بخاری هیچ نقلی از پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. (1) وی در نقل جریان نزول وحی مطالب خود را مستند به پیامبر صلی الله علیه و آله یا صحابی نمی کند بنابراین روایت عبید هم در موضوع «بدء الوحی» جزء مرسل هاست.

7. ابن عباس

سه سال پیش از هجرت در شعب ابی طالب در مکه متولد شد؛ (2) هفت سال بعد از اولین نزول وحی. او در موضوع مورد بحث نقلی، با واسطه از نسل اول ندارد بنابراین روایت ابن عباس درباره چگونگی جریان نزول وحی نیز مرسل است.

8. عبدالله بن شداد الهادی

در عهد رسول خدا (به دنیا آمد (3) و در سال 81-82 قمری از دنیا رفت. (4) عبدالله فردی محدث و مورد اعتماد شناخته شده است (5) اما در اول بعثت در قید حیات نبوده و روایت خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا صحابی که در آن زمان بوده اند نسبت نمی دهد لذا نقل وی درباره جریان نزول وحی مرسله است.

9. ابو میسره

ابو میسره همدانی، وادعی همان عمرو بن شرحبیل است که در دوران حکومت عبیدالله بن زیاد درگذشت. ابن سعد گوید: «رویی عن عمر و علی و ابن

ص: 478

1- اسد الغابه، ج 1، ص 735.

2- ابن عبدالبر، الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، ج 1، ص 281.

3- اسد الغابه، ج 3، ص 186

4- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 222

5- محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج 5، ص 45.

مسعود و حذيفة و سلمان و قيس بن سعد بن عبادة و معقل ابن مقرن المزني و عائشه و النعمان بن بشير و آخرين»؛ (1) اما نگفته که نقلی از رسول خدا صلی الله علیه و آله داشته است بنابراین نقل ابو میسره از این ماجرا نیز مرسله به شمار می آید.

10. عبدالله بن الحسن

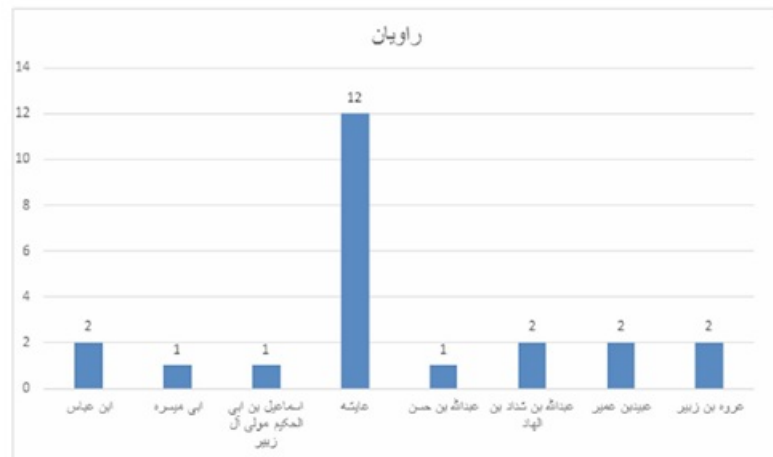
طبری یک نقل خود را به عبدالله بن حسن مستند می کند که او از مادرش فاطمه بنت الحسین شنیده است. (2) این روایت هم قطعاً مرسله است؛ زیرا فاطمه اصلاً در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله متولد نشده و روایتش هم مستند نیست. در یک نمودار کلی منابعی که از قرن اول تا زمان طبری از روایانی که درباره بدء الوحی روایت کرده اند با تعداد نقل روایت به نمایش گذاشته می شود.

عکس

مسعود و حذیفه و سلمان و قیس بن سعد بن عباده و معقل ابن مقرن المزنی و عائشه و النعمان بن بشیر و آخرین^۱؛ اما نگفته که نقلی از رسول خدا ﷺ داشته است. بنابراین نقل ابومیسره از این ماجرا نیز مرسله به شمار می‌آید.

۱۰. عبدالله بن الحسن

طبری یک نقل خود را به عبدالله بن حسن مستند می‌کند که او از مادرش فاطمه بنت‌الحسین شنیده است.^۲ این روایت هم قطعاً مرسله است؛ زیرا فاطمه اصلاً در عهد رسول‌الله ﷺ متولد نشده و روایتش هم مستند نیست. در یک نمودار کلی، منابعی که از قرن اول تا زمان طبری از روایانی که درباره بدء الوحی روایت کرده‌اند، با تعداد نقل روایت به نمایش گذاشته می‌شود.



ب) از حیث اعتبارسنجی راوی

بی‌شک در نقل هر واقعه تاریخی، همه سلسله راویان به خصوص ناقل

۱. طبقات الکبری، ج ۶، ص ۱۶۵.

۲. تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۳۴.

ب) از حیث اعتبارسنجی راوی

اشاره

بی‌شک در نقل هر واقعه تاریخی، همه سلسله راویان به خصوص ناقل

1- طبقات الكبری ج 6، ص 165

2- تاریخ طبری ج 1، ص 534

اصلی باید مورد اعتماد باشند و در راست گویی و دقت آن ها در نقل حدیث تردید نباشد؛ یعنی یا خود باید شاهد آن جریان باشند یا آن واقعه را از فرد ثقة و مورد اعتماد نقل کنند.

1. عایشه

کایتانی روایات تاریخی منقول از عایشه را در اکثر موارد غیر واقعی می داند او معتقد است که نقل سلسله سند سال ها بعد مرسوم شد، لذا سلسله سند را به اصحاب نسبت می دادند تا بر اعتبار احادیث مجهول بیفزایند و علت انتخاب عایشه بر این مبنا بود که وی اطلاعات دستِ اولی از وقایع داشت.

از نظر، کایتانی تردید زیادی در اعتبار احادیث عایشه وجود دارد؛ زیرا او آمادگی داستان سازی برای تأیید ادعاهای خود و رد گفتار رقبایش را داشت. او به عنوان همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله از اعتبار زیادی بهره مند بود. لذا می توانست چیزی بگوید که دیگران نمی توانستند. بگویند تحریفات جهت گیرانه او بیان کننده دل بستگی هایی بود که سبب گسیختگی امت اسلامی می شد، مخصوصاً در مورد وقایعی که خود، شاهد آن نبوده است.

از دیدگاه وی برخی از روایات عایشه به وضوح، ناظر به خنثی کردن داستان ها و یا واقعیات تاریخی است. (1)

عایشه در پاسخ شخصی که پرسیده بود «تزمیل (رو انداز) رسول خدا صلی الله علیه و آله چه بود؟» گفت: «رو اندازی بود به طول چهارده ذراع که من در زیر نیمی از آن می خوابیدم و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر روی نیم دیگرش نماز می خواند.» پرسیدند: «از چه جنسی بود؟» گفت: «به خدا سوگند نه خز بود و نه قز (ابریشم غیر مرغوب) و نه پوست مرعز و نه، ابریشم و نه پشم؛ رویه آن از مو و آسترش از کرک بود». علامه طباطبایی می فرماید: جعلی بودن این روایت کاملاً روشن است؛ زیرا آن زمانی که این سوره که ابتدایی ترین سوره های قرآن است در مکه نازل می شد

ص: 480

عایشه همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نشده بود. ازدواج آن جناب با وی بعد از هجرت در مدینه واقع شد. (1)

2. عروه بن زبیر

برادر عبد الله بن زبیر و خواهرزاده عایشه بود او برای تثبیت حکومت برادرش در مکه و مدینه از انتساب هر دروغ و تهمت نسبت به بنی هاشم کوتاهی نکرد (2) تا آن جا که از معاویه پول می گرفت و در مذمت امام علی علیه السلام حدیث جعل می کرد (3) در واقع او در کارگاه حدیث سازی برای مصلحت و منفعت حاکمان وقت سخت مشغول کار بود و در این راه گاهی هم احادیث ساخته شده خود را به خاله اش عایشه نسبت می داد (4)

3. زهری

اشاره

عموماً زهری در سلسله سند روایات، عایشه قرار دارد. او از عمال مروانیان بود و برای خوش خدمتی به نفع بنی امیه احادیثی را جعل می کرد بنابراین وی جزء جاعلان و نامعتبر است. (5)

عده ای می گویند: مُرسَل بودن حدیث به این دلیل است که سماع او از عروه ثابت نشده است. لذا سند حدیث به شاهد اول در سلسله ناقلاں نمی رسد. پس روایت مُرسَل است. (6)

ص: 481

1- علامه امینی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 20، ص 70

2- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 182.

3- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 63 در دشمنی با علی علیه السلام در حدی بود که هر گاه نام آن حضرت نزد او برده می شد آن بزرگوار را دشنام داده و دست های خود را به عنوان اظهار تأسف بهم می زد و می گفت علی پاسخ آن همه خون مسلمانان را که ریخت چگونه می دهد؟ (شرح نهج البلاغه، ج 4، ص 64)

4- هاشم معروف، الحسنی، جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، ص 552

5- ابن کثیر، البدایة و النهایة، بیروت: دار المعارف، ج 9، ص 341

6- تهذیب التهذیب، ج 9، ص 450

اگر چه از کبار تابعین محسوب می شد (1) جزو قصه گویان و افسانه سرایان بود؛ لذا نمی توان وی را از محدثان شمرد. (2)

5. اسماعیل بن ابی الحکیم

مولای آل زبیر و از عاملان عمر بن عبد العزیز بود. وی فردی کم حدیث بوده است. (3)

جمع بندی نقد سندی

- از مجموعه مباحثی که در نقد سلسله سند گذشت، روشن می گردد که غیر از روایت جابر هیچ روایتی مستند به مخاطب وحی (پیامبر صلی الله علیه و آله) نیست و اگر چه روایت جابر مستند مخاطب وحی است، هیچ اشاره ای به حالات جبرئیل و پیامبر صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام در این بحث ندارد.

- نقش زبیریان در سیر سلسله سند حدیث «بدء الوحی»، بسیار پر رنگ است. افرادی چون: عایشه خاله عبد الله بن زبیر عبد الله بن زبیر، (4) عروة بن زبیر، اسماعیل بن ابی الحکیم، وهب بن کیسان مولای آل زبیر و زهری شاگرد عروة بن زبیر قرار دارند که فاقد وثاقت هستند و با بنی هاشم میانه خوبی نداشتند. (5) تا بدانجا که عبدالله بن زبیر به ابن عباس می گوید: «چهل سال بغض شما را در سینه ام» پنهان داشته ام. (6) همین جمله بر کینه و دشمنی دلالت می کند؛ کینه ای که می تواند دلیل بر تحریف جریانات تاریخی منتسب به اهل بیت توسط زبیریان باشد. از جمله این تحریفات شخصیت سازی به نفع آل زبیر است.

ص: 482

1- اسد الغابه، ج 1، ص 735

2- تهذیب التهذیب، ج 7، ص 71

3- طبقات الکبری، ج 5، ص 412

4- تاریخ طبری، ج 1، ص 532.

5- ابن اعثم کوفی، الفتوح، ص 324

6- مسعودی، مروج الذهب، ج 2، ص 80

از این رو برخی بر این عقیده اند که برجسته ترین شخصیت در خاندان، زبیر ورقه بن نوفل است لذا برای آن که سهمی را در صدر اسلام برای بنی اسد قائل شوند، برای تقابل با بنی هاشم به خصوص خاندان علوی نقش تأییدکننده و برجسته به ورقه می دهند؛ (1) البته علامه جعفر مرتضی عاملی معتقد است آل زبیر به جهت مقابله با حضرت ابوطالب، ورقه را عَلم کرده اند. (2)

برخی دیگر هم معتقدند: زبیر بن عوام برادرزاده حضرت خدیجه علیها السلام است و نسب شان به بنی اسد بن عبدالعزی م ی رسد. عوام پدر او برادر خدیجه علیها السلام بوده و ورقه هم پسر عموی آن بانو که همگی از همان تیره بنی اسد بن عبدالعزی هستند. این خبرسازان حرفه ای برای این که فضیلتی برای حضرت خدیجه علیها السلام و ورقه بتراشند، این سخنان را به ایشان نسبت داده اند تا آن ها را در تحکیم اساس اسلام سهیم، سازند، اگر چه در این میان مقام والای رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز مخدوش گردد. شاید ندانسته و بی توجه به این طرف قضیه یعنی خدشه دار شدن مقام رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز این کار را کرده اند و تعمدی در این کار نداشته اند. (3)

در مورد این نظریه باید گفت: با توجه به حساسیت عایشه به حضرت خدیجه علیها السلام و علاقه آل زبیر به خاله خود بعید به نظر می رسد که آل زبیر برای فضیلت تراشی برای حضرت خدیجه علیها السلام این روایت را ساخته باشند.

بر فرض مرسله نبودن روایات و ثقه بودن، روات باز از ضعف خبر واحد بودن رهایی نمی یابند؛ زیرا موضوع بحث از مباحث عقیدتی و جزء اصول دین محسوب می شود و در موضوعات اصول دین یا باید برهان داشت یا قرآن یا روایت متواتر و یا دست کم مستفیض در حالی که روایات مورد نظر خبر واحد هستند؛ زیرا اگر چه از نظر طولی منابع و روات، متعددند، از نظر عرضی، مهم ترین بخش روایت مربوط به «بدء الوحی» به یک نفر ختم می شود و آن عایشه است؛ زیرا هیچ یک از روات غیر از عایشه نزدیک ترین فرد به پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر زمانی

ص: 483

1- محمد رضا هدایت پناه، زبیریان و تدوین سیره نبوی، ص 166.

2- جعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج 2، ص 314

3- رسولی محلاتی، سیدهاشم، درس هایی از تاریخ تحلیلی، اسلام، ج 2، ص 228

نیست و حال آن که خود عایشه به اعتراف اهل سنت چند سال بعد از بعثت به دنیا آمده است و بقیه روایت نیز از حاضران در زمان بدء الوحی نبودند. اگر واسطه روایت آن ها هم عایشه باشد، سلسله سند به یک نفر بر می گردد؛ چون غیر از عایشه از این نسل این حادثه را به آن گونه که نقل شد نیاورده اند.

تعارض محتوا

نقد درونی

اشاره

در این جا سعی شده تعارضاتی نقد و بررسی شود که بین محتوای روایات نقل شده در باب «بدء الوحی» وجود دارد:

1. مکان دیدار با جبرئیل

در خصوص چگونگی و مکان دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با جناب جبرئیل، نقل های متضادی وجود دارد که ذیلاً بدان اشاره می شود:

طبری (م 310) از طریق متفاوت جریان نزول وحی را نقل می کند که برخی از آن ها تشویش محتوایی دارد. به طور مثال در یک نقل می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از دیدن رؤیای صادقه به تحنث (گوشه نشینی و تنهایی) روی آوردند و گاهی برای دیدن خویشان و گرفتن آذوقه نزد کسان خود می آمدند و مجدداً به حرا بر می گشتند. پس در این زمان، ناگاه پیک حق برایشان نازل شد و عرض کرد «یا محمد انت رسول الله» پیامبر صلی الله علیه و آله با شنیدن این ندا ترسیدند. او به نقل از رسول خدا و می گوید: «من در حالی که ایستاده بودم، به ناگاه به زانو افتادم و ترس تمام وجودم را گرفته بود» سپس نزد خدیجه علیها السلام رفتند و گفتند: «مرا بیوشان! مرا بیوشان!» تا آن که حالت وحشت از ایشان رفت. (1)

باید توجه شود که ظاهراً همه این اتفاقات قبل از نزول جبرئیل برای القای آیاتی از قرآن است؛ یعنی در ایام تحنث، زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای دیدن

ص: 484

خویشان رفته بودند جبرئیل برایشان نازل گشت؛ زیرا اشاره ای به جدا شدن پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام ندارد و مکان نزول وحی را مشخص نمی کند. آیا این ندای جبرئیل در منزل خدیجه اتفاق افتاد یا در مسیر حرا یا در غار حرا؟

این نقل مشوش اولاً با دیگر نقل های خود طبری (م 310) معارض است. (1) ثانیاً با منابع مقدم بر طبری نیز تعارض دارد؛ زیرا هیچ نقلی نداریم مبنی بر این که بین رؤیت اولیه حضرت جبرئیل توسط پیامبر صلی الله علیه و آله مقدمه نزول وحی و فشارسه مرحله ای فاصله شده باشد. بخاری که مهم ترین منبع روایی عامه و نزدیک ترین نقل به طبری است، پناه بردن پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه علیها السلام را بعد از نزول وحی و القاء آیات قرآن می داند نه قبل از آن لذا گوید: «تا وقتی که حق نزد او آمد، آن حضرت در غار حرا بود پس فرشته نزد آن حضرت، آمده، گفت: بخوان، فرمود: خواندن نمی دانم! گوید: پس آن فرشته مرا گرفت و به سختی فشارم داد....» (2)

ظاهراً بخاری (م 256) مطلب خود را از عبدالرزاق (م 211) گرفته و عبدالرزاق این رفت و برگشتی را که طبری در مورد دیدار جبرئیل با پیامبر صلی الله علیه و آله دارد، نقل نمی کند (3)

هم چنین ابن هشام (م 218) که این حادثه را از ابن اسحاق (م 151) روایت می کند نیز بین رؤیت اولیه و القاء آیه «اقرأ» فاصله ای را ذکر نمی کند. (4) مبنی بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا جبرئیل را ببیند و از وحشت به خدیجه علیها السلام پناه ببرد و بعد مجدداً جبرئیل نازل شود و وحی را بر پیامبر صلی الله علیه و آله القا نماید.

البته ابن سعد (م 230) معتقد است: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای تحنث در حرا، بودند فرشته ای را در افق دیدند که فریاد می کشید: «ای محمد من جبرئیلم!»

ص: 485

1- تاریخ طبری، ج 1، ص 532، طبری، جامع البیان فی تأویل القرآن، ج 24، ص 520. آن چه مهم است اعتراف طبری بر وجود نقل های متعارض است و قصد نسبت تناقض گویی به طبری را نداریم.

2- بخاری، الصحيح، ج 1، ص 5.

3- أبوبکر عبد الرزاق المصنف، ج 5، ص 321.

4- ابن هشام، سیره، ج 1، ص 236 - 237.

ای محمد من جبرئیل! و پیامبر صلی الله علیه و آله ترسیده، به خدیجه علیها السلام پناه بردند. (1) او به همین اندازه بسنده می کند. شاید طبری این نقل را از ابن سعد گرفته باشد.

2. در بیان حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در ملاقات با جبرئیل در ابتدای وحی

اکثر منابع غیر ابن هشام، تعبیر «خَشِيتُ عَلِيَّ نَفْسِي» (2) را دارند. اما طبری مضاف بر این تعبیر «أطرح نفسي من حالقٍ من جبل» (3) را هم دارد. دو نقد بر این نقل طبری وارد است:

الف) تحریف به اضافه دارد؛ این عبارت؛ «قال: فلقد هممت أن أطرح نفسي من حالقٍ من جبل» در هیچ نقل معتبر مستندی نیامده است.

ب) با عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و منافات دارد پیامبر صلی الله علیه و آله معصومی که خودکشی را امر حرام می داند چگونه قصد ارتکاب آن را دارد؟؟ (4)

3. انتساب توهم پیامبر صلی الله علیه و آله به کاهنیت

ابن سعد می گوید: «پیامبر صلی الله علیه و آله شتابان نزد خدیجه رفتند و فرمودند: ای خدیجه... می ترسم کاهن شده باشم» (5)

در حالی که در سیره ابن هشام (م 218) آن اضطراب و وحشت و این که پیامبر صلی الله علیه و آله بفرمایند: «من به حالت شاعری یا جنون افتاده ام»، مشاهده نمی شود؛ زیرا از مدت ها قبل به واسطه رؤیاهایی که دیده بودند و سلام هایی که موجودات طبیعی برایشان می کردند و خطاب رسول الله (به ایشان داشتند رسول خدا صلی الله علیه و آله کاملاً منتظر پدیده وحی بودند. (6)

ص: 486

-
- 1- طبقات الکبری، ج 1، ص 153
 - 2- أحمد بن محمد بن حنبل، مسند، ج 52، ص 425؛ مسلم بن حجاج (م 261 هـ)، الصحيح، ج 1، ص 139؛ احمد بن عمرو بن ابوبکر الشیبان الآحاد والمثانی، ج 5، ص 179.
 - 3- تاریخ طبری، ج 1، ص 531.
 - 4- محمد الناصر البانی، دفاع عن الحدیث النبویہ والسیره، ص 42.
 - 5- طبقات الکبری، ج 1، ص 153.
 - 6- سیره ابن هشام، ج 1، ص 235 و 237.

به اقرار اکثر منابع علت روی آوری پیامبر صلی الله علیه و آله به تحنث، همان رؤیاهای صادقه بود. علاوه بر این امیرالمؤمنین می فرماید: از همان لحظه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله را از شیر گرفتند، خداوند بزرگ ترین فرشته (جبرئیل) خود را مأمور تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله کرد. (1)

امام باقر علیه السلام نیز به سخن گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل در خواب به حالت رؤیای صادقه پیش از بعثت تصریح می فرماید. (2) بنابراین جایی برای ترس وجود ندارد. علاوه بر آن که نقل ابن هشام مقدم بر نقل ابن سعد است.

4. حالت جبرئیل در هنگام نزول وحی

در این جا تعارضاتی در نحوه ظهور و تجلی حضرت جبرئیل وجود دارد ابن سعد گوید: «جبرئیل پا روی پا نهاده فریاد می کشید: "یا محمد انا جبرئیل یا محمد انا جبرئیل"» (3) ابن هشام گوید: «جبرئیل هر دو پای خود را جفت کرده و به طرف افق ایستاده بود». (4) طبری تصریح دارد بر این که پیامبر صلی الله علیه و آله جبرئیل را به صورت مردی دیدند که پاهایش در افق آسمان بود (5) که مضاف بر درگیری روایات، باهم با ظاهر قرآن هم معارض است آن جا که می فرماید: (ذُومِرَّةَ فَاسْتَوَى)؛ (6) «دارای توانایی که راست ایستاده است».

5. فشار جبرئیل

آن چه در این نقل ها توجه را به خود جلب می کند، موضوع فشار جبرئیل بر

ص: 487

1- نهج البلاغه، خطبه قاصعه، ص 399

2- کلینی، اصول کافی، ج 1، ص 430

3- طبقات الکبری، ج 1، ص 153

4- سیره ابن هشام، ج 1، ص 236

5- تاریخ طبری، ج 1، ص 533

6- سوره نجم آیه 6

پیامبر صلی الله علیه و آله است که معارض با گزارش ابن سعد، (1) جابر بن عبدالله انصاری (2) و عبدالله بن عباس (3) است.

طبری به نقل از عایشه گوید: اگر چه سه بار فشار آورده، هیچ سخنی از حال شدن پیامبر صلی الله علیه و آله ندارد. (4)

6. واکنش حضرت خدیجه علیها السلام در مواجهه با پیامبر صلی الله علیه و آله

اکثر تاریخ نویسان و سیره نویسان گویند:

حضرت خدیجه علیها السلام بعد از شنیدن ماجرا گفت: «هرگز! به خدا سوگند که خداوند تو را خوار نخواهد کرد زیرا تو صله رحم می کنی، مهمان نوازی می نمایی سختی ها را تحمل می کنی ناداران را دارا می نمایی و بر پیش آمده ای حق کمک می کنی!» (5)

اما ابن هشام به تنهایی نوشته که خدیجه علیها السلام گفت:

ای عموزاده مژده گیر و ثابت قدم باش! سوگند بدان خدایی که جان خدیجه علیها السلام در دست اوست امید آن دارم که تو پیغمبر شده باشی (6)

البته این سخنان را حضرت خدیجه علیها السلام زمانی می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله با خوش حالی نزد خدیجه رفته اطمینان دادند به آن چه در خواب می دیده که به حقیقت پیوست و جبرئیل را از نزدیک و در بیداری ملاقات کردند. (7)

7. امتحان حضرت جبرئیل توسط حضرت خدیجه علیها السلام

با آن که ابن هشام درست ترین نقل را از ماجرای بعثت دارد، در نهایت سخنی

ص: 488

-
- 1- طبقات الکبری، ج 1، ص 154
 - 2- صحیح بخاری، ج 15، ص 232؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 144؛ مسند احمد، ج 28، ص 318.
 - 3- ابن سیدالناس، عیون الاثر، ج 1، ص 83.
 - 4- تفسیر طبری، ج 30، ص 161.
 - 5- طبقات الکبری، ج 1، ص 153؛ طبری، ج 2، ص 298؛ صحیح بخاری، ج 1، ص 5؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 139
 - 6- سیره ابن هشام، ج 1، ص 236.
 - 7- البدایة والنهایة، ج 3، ص 13.

می گوید که هر خواننده ای را دچار تردید و تعجب می نماید و آن امتحان جبرئیل توسط حضرت خدیجه است: خدیجه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: «ای پسر عمو می توانی هر گاه جبرئیل آمد به من بگویی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» چون جبرئیل آمد پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه خبر داد خدیجه علیها السلام گفت: «برخیز بران چپ من بنشین!» پیامبر صلی الله علیه و آله بران خدیجه نشست. خدیجه علیها السلام گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» خدیجه گفت: «بران راست من بنشین» و پیامبر صلی الله علیه و آله نشست. خدیجه علیها السلام گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» خدیجه گفت: «بر دامانم بنشین!» پیامبر صلی الله علیه و آله چنان کرد. خدیجه علیها السلام گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «آری» آن گاه خدیجه روسری از سر برداشت و پیامبر صلی الله علیه و آله در دامان او نشسته بود و گفت: «او را می بینی؟» پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «نه.» خدیجه علیها السلام گفت: «ای پسر عمو، پایمردی کن و خوش دل باش! به خدا قسم این فرشته است، شیطان نیست.» (1)

- ابن هشام این مطلب را از اسماعیل بن ابی حکیم مولای آل زبیر نقل می کند همان طور که در نقد سندی بیان شد روایت اسماعیل مرسل است؛ زیرا نه خود در آن زمان حضور داشته و در قید حیات بوده و نه به نقل از حضرت خدیجه علیها السلام مستند می کند.

حجاب با جزئیاتش پس از نزول آیات سوره نور (2) (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (3) در مدینه بر مسلمانان واجب شد با توجه به وجوب حجاب در مدینه چگونه حضرت خدیجه علیها السلام در همان اول بعثت جبرئیل را با حجاب خود امتحان می کند؟

ص: 489

1- سیره ابن هشام، ج 1، ص 191.

2- تفسیر طبری، ج 9، ص 306

3- سوره نور، آیه 30؛ سیوطی (911-849 ق) به سند خود از ام سلمه نقل می کند: بعد از نزول آیه (يُدْنِينَ عَلَيْهِنَ مِنْ جَلَابِيهِنَّ) زنان انصار از منازل شان با پوشش های مشکی خارج می شدند به گونه ای که به نظر می رسید بر سر ایشان کلاغی نشسته است لما نزلت هذه الآية «يدنين عليهن من جلابيهن» خرج نساء الأنصار كان على رؤسهن الغربان من أكسية سود يلبسناها» (سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، ج 5، ص 221)

علاوه بر این مقوله تکالیف به موجودات مختار مربوط است در حالی که فرشته اگر چه دارای اراده است موجود مختاری نیست که حق انتخاب فعل و یا ترک داشته باشد بلکه دارای وجودی ثابت است و قابل سقوط و صعود نیست و به نص، قرآن وجود و مقام ثابت دارد؛ (1) در نتیجه هیچ گاه مورد خطاب آیات تکلیفی نیستند.

- مهم ترین ضعف این نقل نسبت دادن جهل به پیامبر صلی الله علیه و آله است.

8. تثبیت نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله توسط حضرت خدیجه علیها السلام

یعنی حضرت خدیجه علیها السلام برای رفع تحیر پیامبر صلی الله علیه و آله، ایشان را به سوی ورقه بن نوفل دعوت می کند تا با نقل شرح ماجرا، نسبت به واقعه نزول وحی کسب تکلیف نماید. البته در این جا چند نقل وجود دارد:

1-8- حضرت خدیجه علیها السلام خودش نزد ورقه رفته و شرح ما وقع کردند؛ (2)

2-8- حضرت خدیجه علیها السلام، پیامبر صلی الله علیه و آله را نزد ورقه بردند که البته با دو عبارت: «فَأَنْطَلَقْتُ بِي» (3) «فَأَنْطَلَقْتُ بِهِ» (4) آمده است؛

3-8- حضرت خدیجه علیها السلام بدون پیامبر صلی الله علیه و آله و با ابوبکر نزد ورقه رفتند؛ (5)

4-8- حضرت قبل از این که نزد ورقه برود پیش عداس رفته درباره با دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل سؤال کرد و عداس اطمینان داد که او ناموس است (6)

تشتت در نقل ها خود گویای جعلی بودن آن است؛ زیرا:

- رجوع حضرت خدیجه علیها السلام به عداس (7) در هیچ کدام از منابع مورد نظر نیامده

ص: 490

1- (وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ) (سوره صافات، آیه 164).

2- سیره ابن هشام، ج 1، ص 238؛ طبقات الکبری، ج 1، ص 153؛ مصنف عبدالرزاق، ج 5، ص 321؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 139

3- مسند احمد، ج 52، ص 338؛ تاریخ طبری، ج 2، ص 290

4- صحیح بخاری، ج 1، ص 5؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 139؛ الآحاد و المثانی، ج 5، ص 179.

5- ابن ابی شیبة العسبی الکوفی (159 - 235 هـ-)، مصنف، ج 7، ص 329

6- حلبی (م 1044) علی بن برهان الدین السیره الحلیبیة فی سیره الأئمة المأمون، ج 1، ص 393.

7- ابن کثیر، السیره النبویه، ج 1، ص 406

و ظاهراً بعدها ساخته شده است. (1) علاوه بر آن که عداس در هنگام بعثت در طائف بوده (2) و اصلاً در مکه نبوده تا حضرت خدیجه علیها السلام برای رفع تحیر پیامبر صلی الله علیه و آله نزد او برود.

ورقه مسیحی (3) برای رفع تحیر پیامبر صلی الله علیه و آله به کلام حضرت موسی استناد می نماید و می گوید: «این همان فرشته ای (ناموسی) است که بر موسی بن عمران نازل شده است»؛ (4) در حالی که اگر او واقعاً مسیحی بود، می بایست می گفت: ناموسی است که بر عیسی نازل شده زیرا به ادعای ناقلان این قول ایشان کاتب عربی انجیل بود پس می بایست از قول حضرت عیسی بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را وعده می داد؛ چنان که قرآن مجید در سوره صف می فرماید: (إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ... وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ). (5)

این خود تعارضی دیگر و گواه بر اسرائیلی بودن داستان است که با غفلت از مذهب قهرمان داستان، ورقه به جعل آن پرداخته اند. (6)

به علاوه، بیشک ورقه به پیامبر صلی الله علیه و آله ایمان نیاورده و مسیحی از دنیا رفته است بنابراین یا باید بپذیریم که وی قبل از بعثت از دنیا رفته چنان که برخی مرگ او را قبل از بعثت نقل کرده اند (7) و هیچ صحابه نگاری او را در شمار صحابه قرار نداده و یا اطلاع او از پیامبر صلی الله علیه و آله آخرالزمان و تأیید پیامبر صلی الله علیه و آله بر رسالتش توسط وی را جعلی بدانیم؛ زیرا چگونه ممکن است کسی با قاطعیت خبراز

ص: 491

-
- 1- البداية والنهاية، ج 3، ص 20
 - 2- ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج 2، ص 36.
 - 3- سیره ابن هشام، ج 1، ص 191.
 - 4- تاریخ طبری، ج 1، ص 533
 - 5- سوره صف آیه 6
 - 6- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، ص 189.
 - 7- ابن حیون، شرح الاخبار في فضائل الائمة اطهار عليهم السلام، ج 1، ص 186 اگر چه در زمان مرگ وی اختلاف نظر زیادی وجود دارد.

نبوت دهد، اما خودش به آن نبی ایمان نیاورد و بر نصرانیت خود باقی بماند؟ (1)

از طرفی حضرت خدیجه علیها السلام که حدود بیست سال با پیامبر صلی الله علیه و آله زندگی کرده و ایشان را به خاطر فضایل اخلاقی به همسری پذیرفته و می داند همه او را به محمد امین می شناسند آیا به درستی ادعای نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله اعتقاد نداشته و برای تأیید گفته هایش دست به دامن ورقه می شود؟

نقد بیرونی (تعارض روایات با قرآن)

آن چه از مجموع نقل ها گذشت، روشن شد که مشترک ترین پیام روایات «بدء الوحی»،عارض شدن تردید و تحیر در اولین نزول وحی بر پیامبر صلی الله علیه و آله بود، در حالی که این پیام با نص صریح قرآن درباره ماهیت وحی در تعارض است؛ زیرا ماهیت و حقیقت وحی یک چیز بیش تر نیست. وقتی قرآن در مقام بیان "حقیقتِ وحی واسطه وحی و مخاطب وحی" مطلبی می فرماید ناظر به اولین و آخرین است؛ لذا در آن جا که قرآن خود تصریح می کند وحی یک امر ثقیل (إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا) (2) است این حالت در اولین وحی و آخرین وحی وجود دارد و سنگینی حالت پیامبر صلی الله علیه و آله در هنگام تحمل وحی در کل دوره 23 سال وجود داشت با وجود این در بسیاری از آیات به ویژه سوره های نجم و تکویر تمام مدعیات سیره نویسان و تاریخ نویسان درباره حالات پیامبر صلی الله علیه و آله در بدء الوحی را نقض می کند هویت، وحی وصف پیامبر صلی الله علیه و آله و وصف جبرئیل در این دو سوره چنین دسته بندی می شود:

1. هر گونه واسطه گری شیطان و یا حلول شیطان در پیامبر صلی الله علیه و آله نفی شده؛ (3)

2. پیامبر صلی الله علیه و آله مجنون نیست؛ (4)

ص: 492

1- السيرة الحلبیه ، ج 1، ص 250

2- سوره مزمل، آیه 5.

3- سوره تکویر، آیه 25.

4- سوره تکویر، آیه 22 .

3. او هرگز دروغ نمی گوید؛ (1)

4. پیامبر صلی الله علیه و آله و هیچ چیزی را خودسرانه و از سوی خویش به عنوان وحی به مردم ابلاغ نمی کند؛ (2)

5. ایشان هر آن چه را شنیده بدون هیچ کمی و کاستی برای مردم نقل می کند؛ (3)

6. پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ گاه در حالت گمراهی و انحراف قرار نمی گیرد؛ (4)

7. آن چه پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید تنها سخن خدا و از سوی خداست؛ (5)

8. واسطه وحی هم موجودی محترم، کریم، امین قوی، صاحب خرد مستقر و آسیب ناپذیر است. (6)

با توجه به مقدمه در باب حقیقت وحی و این آیات کریمه، به دست می آید که وحی یک حقیقت و وجود متعالی و از سوی مبدأ هستی است که هیچ تناسبی با حالت جنون سرگردانی شاعریت توهم و مش شیطان ندارد که دانی ترین مرتبه وجودی، باشد بنابراین معنا ندارد پیامبری که خود مخاطب وحی و جبرئیل امین بود در سرگردانی باشد و منتظر تأیید مرد و زنی باشد که حتی برای یک بار و در حد یک آیه کوتاه هم مخاطب وحی و جبرئیل امین نبودند؛ و گرنه لازم می آید که قبول کنیم مخاطب اصلی وحی نسبت به حقیقت وحی تردید داشته است (7)

اگر کسی اشکال کند مبنی بر این که این مطالب برداشت اجتهادی شماست و مدلول نص و صراحت قرآنی نیست، در جواب می گوئیم:

اولاً بندهای هشت گانه، یاد شده بر گرفته از نصوص قرآنی بلکه برگردان و

ص: 493

1- سوره نجم، آیه 11.

2- سوره نجم، آیه 3

3- سوره تکویر آیه 24

4- سوره نجم، آیه 2.

5- سوره نجم آیه 4 و 10

6- سوره تکویر، آیه 19-21؛ سوره نجم، آیه 5-7.

7- عبدالملک جوینی، الارشاد الی قواطع الادله فی اول الاعتقادات، ص 143.

ثانیاً در کلام اهل بیت علیهم السلام، مطالبی درباره چگونگی ارتباط جبرئیل امین با پیامبر صلی الله علیه و آله آمده که این گفته ها را با صراحت تأیید می کند. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام که شاهد لحظه «بدء الوحی» بودند هیچ یک از داستان سرایی هایی را که درباره این جریان وارد شده ذکر نمی کنند و ناسازگار با آن هاست (1)

امام عسکری علیه السلام از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «چون چهل سالش کامل شد و خدای سبحان به دل او نگرست و آن را بهترین و عالی ترین و مطیع ترین و خاشع و خاضع ترین دل ها یافت به درهای آسمان [ملکوت و غیب خود] اذن داد تا باز شوند و محمد صلی الله علیه و آله ببیند و به فرشتگان اذن داد تا فرود آیند، و محمد بنگرد، و رحمت [ویژه خود] را فرمان داد که از ساق عرش تا [فرق] سرش فرود آید و محمد صلی الله علیه و اله را فراگیرد و محمد صلی الله علیه و اله، جبرئیل روح الامین - که طوقی از نور دارد و طاووس فرشتگان است - را دید که بر او فرود آمد و بازویش را گرفت و تکان داد و گفت: ای محمد! بخوان» گفت: «چه بخوانم؟!؟!» گفت: «ای محمد! بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید بخوان و پروردگار تو کریم ترین [کریمان] است همان کس که به وسیله قلم آموخت به انسان آن چه را که نمی دانست آموخت». آری وحی پروردگارش را آورد و به آسمان بالا رفت.

محمد صلی الله علیه و آله از کوه پایین آمد در حالی که آن چنان عظمت و کبریایی خداوند او را فراگرفته بود که دچار تب و لرز شد.

بر پیامبر صلی الله علیه و آله که عاقل ترین و گرامی ترین مخلوق خداست و شیطان و کردار و گفتار دیوانگان از هر چیز منفورترش بود بسیار سخت می نمود که قریش تکذیبش کنند و به جنون و شیطان زدگی نسبتش دهند. خدای سبحان خواست تا شرح صدرش دهد و شجاعت و دل گرمی اش، بخشد، از این رو کوه ها و صخره ها و کلوخ ها را به سخن آورد و چون به هر یک از آن ها می گذشت، ندا

می کردند: «سلام بر تو ای محمد! سلام بر تو ای ولی خدا! سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای حبیب خدا مژده بادت که خدای سبحان، تو را بر همه مخلوقات از پیشینیان و پسینیان برتری و زیبایی و آراستگی داده و کرامت بخشیده است. تو از گفتار قریش که بگویند تو دیوانه و از دین برگشته ای، غمین مباش، زیرا خوب و بزرگواری کسی است که پروردگار عالم، خوب و بزرگواری کرده باشد، از تکذیب قریش و سرکشان، عرب، دل تنگ مشو! پروردگارت به زودی تو را در اوج قله کرامت و بالاترین درجات کمال قرار خواهد داد». (1)

ثالثاً از نظر متکلمان انتساب ادعای تأیید حضرت خدیجه علیها السلام نسبت به مقام نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله، موجب تنزل مقام پیامبر صلی الله علیه و آله می شود؛ پیامبری که مخاطب حقیقی وحی است؛ در حالی که هیچ گزارشی مبنی بر مخاطب قرار گرفتن وحی حضرت خدیجه علیها السلام نقل نشده است. در این صورت، آیا می توان پذیرفت که چنین شخصی در مقام ابتلا جبرئیل یا تأیید رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله برآید؟ علاوه بر این لازمه این نظریه پذیرش جهل پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حقیقت وحی و ماهیت جبرئیل است و حتی شاید به نوعی نسبت دادن جهل یا ظلم به خدا باشد ظلم به این که انسان برتر را نبی قرار نداده و جهل به این که خدا نمی دانسته پیامبر صلی الله علیه و آله آگاهی کافی به حقیقت وحی نداشته در حالی که حضرت خدیجه علیها السلام و عمویش به حقیقت وحی و ماهیت جبرئیل آگاهی داشته اند.

به همین دلیل هر گونه نسبت، وحشت، تحیر و یا احساس جن زدگی و کفایت به پیامبر صلی الله علیه و آله خلاف واقع است؛ زیرا طبق روایات، جبرئیل امین بدون اذن بر رسول خدا وارد نمی شد (2) و جلوس او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله هم چون جلوس یک بنده در محضر مولا بود. (3) همان گونه که مشاهده می شود روایات اشعار به آشنایی کامل پیامبر صلی الله علیه و آله با امین وحی و عادی بودن دیدار با ایشان دارد پس

ص: 495

1- امام حسن عسکری؛ التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، ص 156

2- شیخ صدوق، الاعتقادات الإمامیه، ص 81.

3- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج 1، ص 7.

چگونه می توان باور کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله با دیدن جبرئیل چنان وحشت نمایند که به تعبیر طبری، قصد خودکشی کنند و یا گمان کهانت و یا دیوانگی بر خود نمایند؟

قاضی عیاض، از علمای عامه در بیان این نکته که ماهیت امر وحی بر شخص پیامبر صلی الله علیه و آله فاقد هر گونه ابهام و شک بود می گوید: «هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله شک نمی کردند و تردید به خود راه نمی دادند، پیامبر صلی الله علیه و آله یقین داشتند، آن کسی که بر ایشان نزول یافته فرشته است و از جانب حق پیام آورده است به طور قطع امر بر آن حضرت آشکار است؛ زیرا حکمت الهی اقتضا می کند که امر برایشان کاملاً روشن باشد تا آشکارا آن چه می بینند، لمس کنند یا دلایل کافی در اختیار ایشان قرار دهد تا کلمات الله ثابت و استوار جلوه کند یعنی (و تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ) (1)

رابعاً مفسران معتقدند: جبرئیل امین معمولاً به شکل صورت بشری به محضر رسول خدا صلی الله علیه و سلم می رسید؛ (2) بنابراین ترس و وحشت معنا ندارد. تنها در دو جا بود که با صورت اصلی خود و آن هم به خواهش خود پیامبر صلی الله علیه و آله به محضر ایشان شرفیاب شد یک بار در زمین و یک بار در آسمان (3) ظاهراً اولین بار در حرا هنگام نزول اولین آیات قرآن آن هم با تقاضای شخص پیامبر صلی الله علیه و آله، جبرئیل امین را به صورت اصلی خود دیدند که افق را تا مغرب فراگرفته بود. پس حضرت بیهوش شدند. (4) این مطلب گویای ثقیل بودن (قولاً ثقیلاً) است اما گویای جهل و وحشت نیست.

اگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سابقه آشنایی نداشته و یا در گذشته جبرئیل را ملاقات نکرده، بودند قطعاً نمی توانستند برای اولین بار خواهان دیدار چهره واقعی او باشند. همچنین این مطلب گویای نزدیکی و دوستی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و امین

ص: 496

1- قاضی عیاض، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، ج 2، ص 120

2- ابن حجر عسقلانی، الاصابه في تمييز الصحابه، ج 1، ص 385

3- طبرسی، مجمع البيان في تفسير القرآن، ج 5، ص 174.

4- طبرسی، مجمع البيان، ج 5، ص 174.

وحی است که رسول خاتم از او می خواهند با چهره اصلی خود در نزد حضرت حاضر شود.

خامساً بنا بر اعتراف تاریخ نویسان جبرئیل امین در یک چهره بسیار زیبا بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل می شد. (1) پس ترسیدن قصد خودکشی کردن پناه بردن به همسر و آرامش یافتن با تأییدات همسر و پسر عموی وی معنایی ندارد.

زمخشری در تفسیر این آیه می نویسد: (لَمْ يَشْكُ فِي أَنْ مَا رَأَهُ حَقًّا)؛ (2) «پیامبر صلی الله علیه و آله شک نکرد که آن چه را دیده راست است».

نیز ابو جعفر طبری از خود عایشه گزارشی درباره بعثت آورده که به کلی با دیگر روایت منقول درباره موضوع مورد بحث تفاوت اساسی دارد. عایشه در پایان سخنش تصریح نموده که آیات نخستین سوره نجم درباره طلوع وحی آمده است. این خود اعترافی ضمنی بر نادرست بودن گزارشی است که می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در سر آغاز، وحی دچار تردید شد با این همه، چگونه می توان گزارش پیشین عایشه را معتبر شمرد؟ (3)

امین الاسلام طبرسی نیز می فرماید: برای آن که پیامبر صلی الله علیه و آله بتواند دیگران را با وحی هدایت نماید خود باید از هرگونه خطا و اشتباه در دریافت وحی مصون باشد به همین دلیل در تفسیر سوره مدثر می گوید: (ان الله لا یوحی الی رسوله الا بالبراهین النیره والایات البینه الدالة علیان ما یوحی الیه انما هو من الله تعالی فلا یحتاج الی شیء سواها لا یفزع و لا یفزع و لا یفرق). (4)

به درستی که خداوند وحی نمی کند به، رسولی، مگر با دلایل روشن و نشانه های آشکار که خود بر این دلالت دارد که آن چه بر او وحی می شود، از جانب حق تعالی است و به چیز دیگری نیاز ندارد. هرگز ترسانده نمی شود و نمی هراسد و به خود نمی لرزد

ص: 497

1- الاصابه، ج 1، ص 385

2- زمخشری، الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، ج 6، ص 438

3- تفسیر طبری، ج 27، ص 46

4- مجمع البیان، ج 5، ص 384.

علامه طباطبایی می گوید: این که نسبت اضطراب به حضرت داده شده و گفته اند که این اضطراب درونی او زایل نشده تا وقتی که ورقه بن نوفل نصرانی به نبوتش شهادت داده است منافات با کلام وحی دارد، آن جا که خداوند درباره آن حضرت فرمود: (قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي)، چگونه ممکن است که چنین شخصیتی برای آرامش خاطر، محتاج مراجعه به فردی نصرانی باشد؟ مگر خدا در حق آن حضرت فرمود: (قُلْ هُدَاهُ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؟) آیا اعتماد به قول ورقه، بصیرت است و بصیرت پیر وانش هم همین است که ایمان بیاورند به گفتار کسی که بیدلیل ایمان آورده؟ آیا وضع سایر انبیا هم به همین منوال بود، آن جا که خدا می فرماید: (إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَ... التَّيِّبِينَ مِّن بَعْدِهِ؟) آیا امت این انبیا هم به خاطر این که پیر مردی همانند ورقه گفته است که نوح پیغمبر است، به او ایمان آورده اند؟ قطعاً پایه تشخیص یک پیامبر صلی الله علیه و آله، این قدر سست نیست حق این است که نبوت ملازم با یقین پیامبر صلی الله علیه و آله و رسول است. او قبل از هر کس دیگری به نبوت خود از جانب خدای متعال یقین دارد (1)

به علاوه وحی به معنای سخن گفتن خدا با بنده خود، فی نفسه، موجب علم یقینی بنده می شود و نیازی به حجت ندارد. (2)

تعارض با شخصیت خدیجه علیها السلام

خدیجه علیها السلام، زنی نمونه در تمام مراحل زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، به ویژه در مراحل دعوت آن حضرت بود. او همسری، همراه مهربان و دل سوز (3) برای آن حضرت به شمار میرفت سال ها پیش از بعثت هنگامی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله طبق عادت هر ساله برای مدتی برای عبادت به غار حرا می رفتند

ص: 498

1- المیزان، ج 20، ص 329

2- همان، ج 3، ص 220

3- سیره ابن هشام، ج 1، ص 154.

تا خود را آماده دریافت وحی، نمایند آن بانو ضمن همدلی با ایشان پیوسته از آن حضرت پشتیبانی می. کرد گاه با بردن غذا برای آن حضرت در پایین کوه نور ایشان را ملاقات می کرد (1) همچنین هنگامی که آن حضرت در غار حرا به نبوت برگزیده شدند وی اولین زنی بود که آن حضرت را تصدیق کرد (2) و همه دارایی خویش را در راه دعوت رسول خدا ایثار نمود. (3)

ایشان از چنان منزلت و اعتمادی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله، برخوردار بود که حتی بعد از مرگش موجب رشک و حسادت برخی از همسران بود. (4) همه این ها دست به دست هم می دهد تا جاعلان هر چه را که بخواهند به او نسبت دهند، اگر چه مخالف صریح قرآن باشد؛ زیرا با توجه به شخصیت ویژه و اسطوره ای حضرت خدیجه علیها السلام در هر شنونده و خواننده ای که مخاطب مطالب منتسب به ایشان (چه گفتاری و چه رفتاری) قرار می گیرد، کم تر در خدشه وارد کردن به این مطالب بر می آید در نتیجه، فرصت اندیشیدن را از مخاطبان عامیانه خود می گیرد و در یک فرایند تاریخی آن را به عنوان یک اصل مسلم در زبان ها و افکار عمومی ماندگار می سازد. جاعلان از این محبوبیت نهایت سوء استفاده را نموده اند در این موضوع هیچ کدام از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانستند زمینه انتساب این چنین محتوای جعلی را داشته باشند زیرا آنان از چنین سابقه ای در زندگی مشترک با پیامبر صلی الله علیه و آله صلی الله علیه در حین نزول وحی و از صبغه دین داری و استواری در آن به اندازه آن بانو برخوردار نبودند.

گفتنی است تحلیل ما درباره علت جعل محتوا نیست که خود داستان مفصلی دارد بلکه درباره علت انتساب این مطالب به حضرت خدیجه علیها السلام است. این که چرا به ابوطالب یا علی بن ابی طالب نسبت نداده اند

ص: 499

1- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج 1، ص 44.

2- بلاذری، جمل من أنساب الأشراف، ج 1، ص 112

3- طبقات الكبرى، ج 1، ص 121.

4- صحیح بخاری، ج 12، ص 185.

در حالی که از مسلمات فریقین است که تا سال سوم بعثت، جز این سه نفر (خدیده ابوطالب و علی) از همراهان پیامبر صلی الله علیه و آله نبودند.

جواب آن واضح است. وقتی به متون تاریخی که این جعلیات در آن ها آمده رجوع می کنیم جمع کثیری تلاش دارند تا مهم ترین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی ابوطالب را کافر معرفی کنند؛ (1) با وجود این چگونه می توانند بر خلاف عهد خود در نفی ایمان از ابوطالب دوباره در یک نقل، دیگر ایشان را مؤمن و همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و معرفی نمایند. حال چرا این مطالب را به امام علی علیه السلام نسبت نداده اند؛ زیرا آنان اصرار دارند ایشان را در هنگام نزول وحی، کودک معرفی کنند به گونه ای که ایشان اولین مرد مسلمان نبوده است، حال چگونه می توانند پدیده عظیم وحی را از زبان چنان کودکی نقل کنند در نتیجه، تنها گزینه ای که می توانند به نام او جعل کنند حضرت خدیجه علیها السلام است؛ زیرا آن بانو از شاهدان قطعی بوده و مانند امام علی علیه السلام متهم به کودک بودن و ابوطالب متهم به کافر بودن در نگاه آنان نیست.

نتیجه

با توجه به اهمیت اصل، رسالت به طور طبیعی هر حادثه ای که مرتبط با آغاز رسالت باشد چه به عنوان مقدمه و چه اصل حادثه نزول و چه پیامد آن توجه تاریخ نگاران، محدثان مفسران و کلامی ها را به خود جلب کرده و ده ها مطلب و موضوع از آن استخراج کرده و محور گفتگو قرار داده اند. کیفیت مواجهه پیامبر صلی الله علیه و آله با جبرئیل یکی از این موضوعات است. حضرت خدیجه علیها السلام از جمله اشخاصی به شمار می آید که شاهد پیامد این مواجهه و از کیفیت آن با خبر بوده است. اما درباره درستی آن چه به نام او در تاریخ ثبت کرده اند، جای بحث و گفتگو دارد. بعد از مطالعه و پژوهش، ناسازگاری این منقولات با مبانی عقلی و محتوای معتبر نقلی روشن گردید. به علاوه، مشخص

ص: 500

شد که این مطلب، فاقد انسجام و هماهنگی محتوایی درونی هستند، بلکه برخی از این منقولات یک دیگر را نقض می کنند علاوه بر این روشن شد که از نظر سندی نیز مغشوش هستند در پایان وجه انتساب این مطالب نامعتبر به حضرت خدیجه علیها السلام هم روشن گردید.

ص: 501

قرآن.

نهج البلاغه.

1. ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه ، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم ، قاهره: دار إحياء الكتب العربية، 1378 ق.
2. ابن أبي شيبة العبسي الكوفي (159 - 235 هـ)، مُصنّف، تحقيق: كمال يوسف الحوت، رياض: مكتبة الرشد، 1409 ق.
3. ابن اثير، عزالدين، اسد الغابه، بيروت: دار الفكر، 1409 ق ، 1989 م
4. ابن اعثم كوفي ، الفتوح، تحقيق على ،شيري، بيروت: دارالاضواء، 1411 ق.
5. ابن حجر عسقلاني، احمد بن على الاصابه في تمييز الصحابه، تحقيق: على محمد البجاويج، بيروت: دارالجيل، 1412 ق.
6. ابن حجر عسقلاني، تهذيب التهذيب هند دائرة المعارف النظاميه 1326ق.
7. ابن حيون (م 363) نعمان بن محمد شرح الاخبار في فضائل الائمة أطهار عليهم السلام تحقيق: حسيني جلالى و محمد حسيني، قم: جامعه مدرسين، 1409ق.
8. ابن خياط، تاريخ خليفه ، تحقيق ،فواز بيروت: دارالكتب العلميه ، 1387ق
9. ابن سيد الناس ، عيون الاثر، چاپ بيروت، بى تا.
10. ابن شهر آشوب، محمد ابن على، مناقب آل ابى طالب، قم: المطبعة العلميه بى تا
11. ابن عبدالبر، الاستيعاب في معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت: دارالجيل، 1412 ق - 1992 م .
12. ابن كثير، البدايه و النهايه ، بيروت: دارالمعارف، 1977 م
13. ابن كثير (م 701) اسماعيل بن عمر السيره النبويه ، تحقيق: مصطفى عبدالواحد بيروت: دارالمعرفه، 1403 ق.

ص: 502

14. ابن منظور، مختصر تاريخ دمشق، بيروت: دارالفكر، 1998 م
15. ابن واضح احمد بن ابى يعقوب (م 292، ق)، تاريخ يعقوبى، بيروت: دار الصادر بى تا
16. ابوبكر عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبيب الرحمن الأعظمي، ناشر: بيروت: المكتب الإسلامى، 1403 ق.
17. احمد بن محمد بن حنبل، مسند، تحقيق شعيب الأرنؤوط و ديكران، ناشر: مؤسسة الرسالة، 1420 هـ، 1999 م.
18. احمد بن عمرو بن أبوبكر الشيبان الآحاد والمثاني، تحقيق: د. باسم فيصل أحمد الجوابرة رياض دار الراية، 1411 ق - 1991 م.
19. امام حسن عسكرى؛ التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكرى عليه السلام محقق / مصحح: مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم: مدرسة الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف 1409 ق.
20. بخارى، محمد بن إسماعيل (م 256 هـ)، الصحيح، بى نا، بى تا.
21. بلاذرى، احمد بن يحيى (م 279 هـ)، جمل من أنساب الأشراف، تحقيق: سهيل زكار و رياض الزركلى، بيروت: دارالفكر، 1417 هـ - 1996 م.
22. حلبى (م 1044)، على بن برهان الدين السيرة الحلبية في سيرة الأمين المأمون بيروت: دار المعرفة، 1400 ق.
23. رسولى محلاتى، سيدهاشم، درس هاى از تاريخ تحليلى اسلام تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1371 ش.
24. زمخشرى، الكشاف عن حقائق التنزيل و عيون الأقاويل في وجه التأويل تحقيق: عبدالرزاق المهدي بيروت: دار إحياء التراث العربى بى تا.
25. سبحانى، جعفر، فروغ ابدیت، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت عليهم السلام
26. سيوطى، جلال الدين، الدر المشور، بيروت، دارالفكر، 1403 ق.
27. شيخ صدوق (م 381 ق)، الاعتمادات الإماميه، قم: كنگره شيخ مفيد،

28. شيخ صدوق، علل الشرايع، قم: كتابفروشى داورى، 1966 م - 1385 ش.
29. طباطبايى، محمد حسين، تفسير الميزان، ناشر قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بي تا.
30. طبرسى، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، 1403 ق.
31. طبرسى، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البيان، قم: مكتبة آية الله العظمى المرعشى النجفى، 1356 ق.
32. طبرى، جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: أحمد محمد شاكر، ناشر: مؤسسه الرسالة، 1420 ق - 2000 م.
33. طبرى، محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم بيروت: دارالتراث، 1387 ق - 1967 م.
34. عاملى، جعفر مرتضى، الصحيح من سيرة النبي الاعظم، بيروت: دار السيرة، 1400 ق .
35. عبدالملك بن هشام، السيرة النبويه، تحقيق: مصطفى السقا و ديكران، بيروت: دارالمعرفة، بي تا.
36. قاضى عياض (م 544)، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، حاشيه: أحمد بن محمد بن محمد الشمنى بي تا
37. كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافي، قم: دارالحديث، 1429 ق.
38. محمد بن سعد، طبقات الكبرى تحقيق: محمد عبدالقادر عطاء، بيروت: دارالكتب، 1410 ق-1990 م.
39. محمد ناصرالدين الألباني، دفاع عن الحديث النبوى والسيرة، دمشق: منشورات مؤسسه و مكتبة الخافقين بي تا
40. مسعودى، مروج الذهب، تحقيق: اسعد داغر، قم: دارالهجره، 1409 ق.
41. مسلم بن حجاج (م 261 هـ-)، الصحيح، تحقيق: محمد فؤاد عبدالباقي،

بیروت: دار احیاء، بی تا.

42. ویلفرد مادلونگ، جانشینی حضرت محمد صلی الله علیه و آله، ترجمه: جواد قاسمی و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، 1385 ش.

43. هاشم معروف الحسنی، جنبش های شیعی در تاریخ اسلام، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، 1379 ش.

44. هدایت پناه، محمدرضا، زیریان و تدوین سیره نبوی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1391 ش.

ص: 505

خدیدجه کبری علیها السلام مایه آرامش و پشتوانه رسول الله صلی الله علیه و آله: سید محمد نجفی یزدی

حضرت خدیجه کبری علیه السلام همسر فداکار پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله حقی عظیم بر عالم اسلام و بلکه بشریت دارد به گونه ای که کم تر کسی را می توان با ایشان در این امتیاز برابر دانست. اقدامات بنیادین و تحولات عمیق در میان یک جامعه به ویژه اگر جنبه فرهنگی و سیاسی داشته باشد، علاوه برداشتن رهبری آگاه و زیرک و مقاوم، نیاز به یاران و طرف دارانی فهمیده و مقاوم و امکاناتی ویژه دارد تا بتواند بر مشکلات فائق آید.

این مشکلات و موانع وقتی عظیم و سنگین می شود که از طرفی رهبری انقلاب با نفرت اندک بخواهد نه تنها با فرمانروایان فاسد و حکام ظالم درگیر، شود بلکه عقاید و سنن مردم را نیز به چالش بکشد و آن ها را به شدت تخطئه کند

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در محیطی مبعوث شدند که به جاهلیت معروف است و سراسر آن از نادانی و شرک و ستم و ظلمت پر بود؛ افرادی بی فرهنگ و خشن و لجوج و ستمکار بودند با آداب و رسومی سخت و گاهی وحشیانه در این محیط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها با حاکمان وقت، بلکه با پایه های عقیدتی جامعه به ستیز پرداختند؛ مسأله ای که سبب شد مردم و حاکمان، همگی به مقابله با ایشان برخیزند. از طرفی چون آغاز شروع انقلاب اسلامی بود، اسلام قدرتی نداشت تا بتواند با این همه مخالفان سرسخت، مقابله کند.

وقتی آغاز انقلاب اسلامی ایران را با انقلاب اسلامی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در صدر اسلام مقایسه می کنیم به حساسیت فوق العاده آن دوران پی می بریم

انقلاب اسلامی ایران در مقابل رژیم سفاک تا بن دندان مسلح ایستاد و امتیاز ویژه آن حمایت گسترده مردم از آن بود که بر همه توطئه های شیطانی پیروز گردید. ولی پیامبر صلی الله علیه و آله زمانی که اسلام را اظهار کردند، نه تنها حاکمان ستمگر علیه ایشان بودند بلکه برخی افراد جامعه نیز به مخالفت پرداختند و آن حضرت می بایست بر همه این مشکلات غلبه می کردند. در این وضعیت حساس و فوق العاده اگر حمایت های ویژه در کار نباشد چه بسا دشمنان در همان روزهای اولیه حضرتش را نابود می کردند به این جهت است که خداوند حکیم حمایت های ویژه ای را از حضرتش انجام داد تا فرصت رشد اسلام پیدا شود و نهال اسلام پا بگیرد و بتواند روی پای خویش بایستد.

امدادهای الهی بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو گونه انجام می شد:

گاهی به صورت امداد غیبی بود مثل تأیید با روح القدس و آرام کردن قلب پیامبر صلی الله علیه و آله با فرستادن آرامش و نیروهای غیبی (فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا)؛ (1) «خداوند آرامش را بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرستاد و او را با لشکریانی که ندیدید، یاری داد». (إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَيَّبُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ ...) (2) و گاهی مستقیم فرشته ها را به کمک مسلمانان می فرستاد: (إِذْ نَسَّ مَغِيثُونَ رَبَّهُمْ فَاسَتْ تَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى وَ لِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَ مَا التَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) (3)

چه بسیار نقشه های شومی که دشمنان علیه شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کشیدند و خداوند توسط جبرئیل یا مستقیم حضرتش را آگاه و توطئه آن ها را دفع کرد.

نوع دوم امدادهای علنی الهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال های سخت و غربت اسلام بود. این کمک ها در مکه عمدتاً توسط چند شخصیت بزرگ و

ص: 507

1- سوره توبه، آیه 40

2- سوره انفال آیه 12

3- سوره انفال، آیه 9-10.

فداکار رخ داد حضرت ابوطالب و همسر بزرگوارش فاطمه بنت اسد و فرزندش علی بن ابی طالب و نیز حضرت خدیجه علیها السلام.

در تاریخ آمده است: مدتی جناب ابوطالب، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را ندید؛ اطراف مکه را تفحص کرد ولی حضرت را نیافت؛ سخت نگران شد و پنداشت که قریش حضرت را کشته یا گرفتار کرده اند. دستور داد تا بیست نفر خنجر بردارند و هر یک نزد یکی از بزرگان قریش که در آن وقت نزد کعبه جلسه داشتند بروند و به آن ها گفت من همه جا را گشته ام فقط یک طرف مانده است می روم چون بازگشتم اگر محمد صلی الله علیه و آله با من بود که هیچ و گرنه هر کدام از شما باید آن بزرگی را که کنارش نشسته بکشد!» مأموران خنجرها را تیز کردند و هر یک کنار بزرگی از قریش نشستند. جناب ابوطالب به دنبال حضرت رسول صل الله علیه و آله روان شد تا آن که حضرتش را در پایین مکه یافت که مشغول نماز بود. خود را بر او انداخت و او را بوسید، دستش را گرفت و گفت: ای برادرزاده نزدیک بود قوم خود را نابود کنی! برخیز با من بیا!»

وقتی جناب ابوطالب با پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و در مقابل قریش و مأموران خود قرار گرفت؛ در حالی که خشم از چهره او هویدا بود به مأموران گفت: «سلاح خود را نشان بدهید!» وقتی نشان دادند مشرکان پرسیدند: «این خنجرها برای چیست؟» فرمود: «دو روز پیامبر صلی الله علیه و آله را ندیده بودم ترسیدم شما حيله کرده باشید. دستور دادم این افراد، کنار شما باشند و اگر من تنها برگشتم، هر کدام یکی از شما را بکشد. - و لا یستأذنی و لو کان هاشمیاً- از من اجازه نگیرد هر چند هاشمی باشد». آن ها با تعجب گفتند: «به راستی تو این کار را می کردی؟» گفت: «به خدای این کعبه که انجام می دادم!» (1)

در نمونه ای دیگر آمده است:

قریش شتری را کشته و بر سنگ مخصوص بتی قرار داده بودند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کنار آن ها گذشتند و به آن ها سلام نکردند، آن ها این عمل را توهین

ص: 508

به خود تلقی کردند و پیشنهاد دادند تا یک نفر برود و نماز حضرت را به هم بزند! عبدالله بن زبیری داوطلب شد و کثافات و خون حیوانی را برداشت و در حالی که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در سجده، بودند آن را بر حضرت ریخت!

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله بعد از نماز نزد عموی گرامی خود ابوطالب آمدند و فرمودند: «ای عمو! من کیستم؟» عرض کرد: «چه شده برادرزاده؟» حضرت ماجرا را گفتند ابوطالب عرض کرد «کجا بودند؟» فرمود: «در ابطح».

جناب ابوطالب در میان قوم خود ندا داد: «ای آل عبدالمطلب، ای آل هاشم ای آل عبد مناف!» خاندان مذکور از هر طرف آمدند فرمود: «چند نفرید؟» گفتند: «چهل نفر» فرمود: «سلاح های خود را بردارید!» سپس نزد قریش آمد. قریش با دیدن ابوطالب خواستند متفرق شوند فرمود: «سوگند به پروردگار این خانه، هر کس برخیزد، با شمشیر با او برخورد می کنم!» آن گاه روی سنگی سخت رفت و با سه ضربت آن را خرد کرد. سپس گفت: «ای محمد صلی الله علیه و آله پرسیدی: کیستی؟» سپس در حالی که به حضرت اشاره می کرد اشعاری فصیح در مدح حضرت سرود:

انت النبی محمد قرّم اغرّ مسوّد...

گفت: «چه کسی آن کار را با تو کرد؟» پیامبر صلی الله علیه و آله عبدالله بن زبیری را نشان دادند.

جناب ابوطالب او را آورد و چنان بر بینی او کوفت که خونین شد. سپس دستور داد تا کثافات و خون را بر سر تمام آن جمعیت ریختند! آن گاه فرمود: «ای برادرزاده آیا راضی شدی؟!» تو پرسیدی که کیستی؟ تو محمد بن عبدالله بن...» و نسب حضرت را تا حضرت آدم علیه السلام برشمرد. آن گاه گفت: «به خدا سوگند که تو بر همه آن ها (پدران خود) از نظر حسب و نسب برتری». سپس به قریش فرمود: «هر کس می خواهد حرکت کند من آن هستم که می شناسید». (1)

در روایت آمده که ابوطالب چنان در شعب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراقبت

ص: 509

می کرد که شب ها هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به بستر می رفتند، جناب ابوطالب می آمد و ایشان را بلند می کرد و حضرت علی علیه السلام را جای او می خواباند و فرزندان خود و برادر را بر حضرت می گمارد. (1)

آری جناب ابوطالب، حامی بزرگ اسلام و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در آن روزهای سخت و غربت اسلام بود که وجود او از امدادهای بزرگ الهی محسوب می شد؛ البته نقش ممتاز همسر والا مقام وی حضرت فاطمه بنت اسد و عشق و فداکاری او در نگه داری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را در کودکی تا بزرگسالی نباید فراموش نمود، به گونه ای که وقتی حضرت امیر علیه السلام خبر رحلت وی را به پیامبر صلی الله علیه و آله داد حضرت فرمودند: «به خدا سوگند مادر من نیز بود که از دنیا رفت» و فرمود: «او بچه های خود را گرسنه می گذارد و مراسم می کرد؛ مرا می پوشاند و معطر می کرد و با فرزندان خود نمی کرد» (2)

این زن و شوهر، بزرگوار از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله تا پنجاه سالگی، همه جانبه حمایت کردند و عالم اسلام را تا ابد مدیون خویش نمودند، هر چند عده ای به جهت سیاسی در حق اینان جفا کرده اند.

یاور بزرگ و فداکار دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که نقشی بی بدیل در حمایت حضرت و ترویج اسلام داشت و از امدادهای ویژه الهی برای حفظ و پیشبرد اسلام به شمار می آمد، جناب خدیجه کبری علیها السلام بود. وی حدود 24 سال در سخت ترین اوضاع در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و پشتوانه آن حضرت بود: چهارده سال قبل و ده سال بعد از بعثت. هیچ یک از دیگر همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، توفیق همراهی با حضرت را در این مدت طولانی نداشته است؛ زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا حضرت خدیجه علیها السلام زنده، بود همسری دیگر انتخاب نکردند و همه همسران حضرت بعد از رحلت جناب خدیجه علیها السلام با حضرت بودند که زمان آن به چهارده سال هم نمی رسد. آن هم در زمان پیشرفت اسلام و آغاز شکوفایی آن

ص: 510

1- همان، ص 93

2- همان، ص 71.

و هرگز مانند جناب خدیجه علیها السلام فداکاری نکردند؛ بلکه برخی از آن‌ها در آیات قرآن به جهت برخی مطالب نکوهش شده اند قرآن مجید به صراحت به برتری امثال خدیجه کبری علیها السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید:

(لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا...) (1)

یکسان نیست کسی از شما که قبل از پیروزی در راه خدا انفاق کرد و جهاد نمود؛ اینان نزد خداوند برترند از کسانی که بعداً انفاق کردند و جهاد نمودند.

خدیجه کبری علیها السلام از جهات مختلف به جهاد در راه خدا و حمایت از اسلام در آن روزگار سخت پرداخت خداوند آن بانورا در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داد تا مصداق سکینه و آرامش الهی باشد که خدا بر حضرتش نازل می‌نمود

خداوند متعال همسران را به عنوان آرامش برای شوهران معرفی می‌فرماید:

(وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً ..) (2)

از نشانه‌های خداوند این است که برای شما از خودتان همسرانی آفرید تا نزد آن‌ها آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی قرار داد.

و خدیجه کبری علیها السلام این وظیفه سنگین را به خوبی انجام می‌داد.

می‌دانیم پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دریایی است با عظمت که در اثر بادهای ساده متلاطم نمی‌شود ولی طوفان‌های سهمگین که در سال‌های سخت آغازین نبوت ایجاد می‌شد، نیاز به آرامش بخشی داشت و خداوند این وظیفه مهم را به خدیجه کبری علیها السلام محول نمود و او در مقابل طوفان‌های سهمگین، چنان به زیبایی رفتار کرد که آرامش بخش شخصیتی چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گشت. آری او رکن و پشتوانه برترین و صبورترین شخصیت عالم امکان بود.

در تاریخ آمده است:

ص: 511

1- سوره حدید، آیه 10.

2- سوره روم، آیه 21

كان رسول صلى الله عليه و اله لا يسمع شيئاً يكرهه من ردّ عليه و تكذيب له فيحزنه الا فرج الله عنه بخديجة اذا رجع اليها تثبته و تخفف عنه و تصدّقه و تمون عليه امر الناس حتى ماتت. (1)

حضرت خديجه عليها السلام اولين كسى بود كه به خدا و رسول او ايمان آورد و پيامبر صلى الله عليه و آله را در آن چه از جانب خداوند آورد تصديق نمود و او را در برنامه اش يارى داد. خداوند به اين وسيله مشكلات را بر حضرت سبک نمود پيامبر گرامى صلى الله عليه و آله هر چه پر خاش و تكذيب مى شنيد خداوند به وسيله خديجه عليها السلام غم ها را از او مى زدود او به حضرت قوت دل مى داد و مشكلات را برابر حضرت سبک مى نمود. اين كار ادامه داشت تا آن بانوى بزرگ از دنيا رحلت نمود (2) در عظمت و فداكارى آن بانو همين بس كه در مورد او گفته شده است:

(كَانَتْ خَدِيجَةُ وَزِيرَةَ صِدْقٍ عَلَى الْإِسْلَامِ وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْكُنُ إِلَيْهَا)؛ (3)

جناب خديجه عليها السلام وزير و كمك كار راستينى بر اسلام بود و پيامبر اكرم صلى الله عليه و آله نزد او آرامش مى يافت.

او اين كار را عاشقانه و صميمانه انجام مى داد و به شدت مراقب حضرت بود. در تاريخ آمده است:

روزي چهره پيامبر صلى الله عليه و آله را سخت غمگين يافت؛ عرض كرد: «در چهره شما نشانه هاى اندوهى مى بينم كه از آغاز ازدواج تاكنون شما را اين گونه ندیده ام جريان چيست؟»

حضرت فرمود: «از على بى خبرم مى ترسم نادانان به او آسيب برسانند!»

حضرت خديجه عليها السلام عرض كرد: «بر شتر سوار مى شوم و آن قدر جست جو مى كنم تا او را پيدا كنم يا مرگ مى انديزم و او جدابى اندازد!» سپس در تاريخى شب دلاورانه بر شتر سوار شد و کنار كوه هاى مكه به جست جوى حضرت على پرداخت تا آن كه در تاريخى قيافه شخصى راديد براى آن كه مطمئن

ص: 512

1- سيره ابن هشام، ج 1، ص 224؛ الاستيعاب، ج 4، ص 1820؛ الاصابه، ج 4، ص 281.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 10.

3- همان ص 11.

شود بر او سلام کرد از صدای جواب سلام معلوم شد او حضرت علی علیه السلام است شتر را خواباند و به ایشان گفت: «پدر و مادرم فدایت! بر شتر سوار شو!» امام علی علیه السلام فرمود: «تواز من سزاوارتری، سوار شو و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برو تا من بیایم!» وقتی حضرت خدیجه علیها السلام به خانه آمد دید پیامبر صلی الله علیه و آله کنار درب در حالی که دست بر سینه می کشید می گفت: «خدایا اندوهم را برطرف نما و جگرم را با دیدن حبیب من خنک نما!» و سه بار این دعا را تکرار کرد.

جناب خدیجه علیها السلام عرض کرد: «خداوند دعایت را مستجاب نمود و اینک بر تو مژده باد!» و آمدن حضرت علی علیه السلام را بشارت داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم که از شنیدن این مژده خوشحال شد برخاست و در حالی که دست ها را به سوی آسمان بلند نموده بود، یازده مرتبه گفت: «شکراً للمجیب»؛ «از خداوندی که اجابت کننده است سپاس گزارم!». (1)

فداکاری فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام

حضرت خدیجه علیها السلام نه تنها در میان خانه به تسکین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می پرداخت بلکه در بیرون خانه نیز به صورت جدی از حضرت مراقبت می کرد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت به مدت چند سال، به جهت اوضاع سخت و محیط نامناسب، مکه از دعوت علنی مردم خودداری نمودند و تنها امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام به حضرت اقتدا کرده با او بودند (2) تا آن که آیه 94 و 95 سوره مبارکه حجر (فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ)؛ «آن چه را مأمور شده ای اظهار کن و به کارشکنی مشرکان اعتنا نکن!» نازل شد.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در موسم حج در موسم حج که اوج حضور مردم مکه و اطراف آن بود، بالای کوه صفا آمدند و با صدای بلند سه بار فرمودند: «ای مردم من فرستاده پروردگار جهانیان هستم». و مردم با شگفتی به حضرت خیره شدند. سپس

ص: 513

1- همان، ج 40، ص 65 با تلخیص

2- شیخ صدوق، کمال الدین، ص 197.

بالای کوه مروه آمدند و در حالی که دست‌ها را بر گوش نهاده بودند، سه مرتبه با صدای بلند فرمودند: «ای مردم من فرستاده خداوند هستم».

مشرکان با چهره خشم آلود به حضرت می‌نگریستند. در این هنگام ابوجهل سنگی به سوی حضرت پرتاب کرد که میان دو چشم حضرت شکافته شد و به دنبال، او مشرکان حضرت را سنگ باران کردند پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای محافظت خود به سرعت به طرف قله کوه شتافتند و مشرکان حضرت را تعقیب کردند. در این هنگام مردی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: «محمد صلی الله علیه و آله کشته شد!» حضرت علی علیه السلام سراسیمه به سوی خانه خدیجه علیها السلام آمد. پرسید: «محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟» حضرت فرمود: «نمی‌دانم؛ خیر دادند که مشرکان او را سنگ باران کرده اند. نمی‌دانم آیا او زنده است یا کشته سپس همراه خدیجه علیها السلام با مقداری آب و غذا در جستجوی حضرت به طرف کوه رفتند. حضرت علی علیه السلام به خدیجه علیها السلام فرمود: «شما به طرف دره برو و من بالای کوه می‌روم». حضرت علی علیه السلام فریاد می‌زد: «یا رسول الله جانم به فدایت کجایی؟» و حضرت خدیجه علیها السلام می‌گفت: «چه کسی از پیامبر صلی الله علیه و آله برگزیده برایم خبر می‌آورد؟ کیست که از آن یار پسندیده مرا با خبر کند؟ کیست که از آن رانده شده در راه خدا خبر آورد؟ چه کسی از ابوالقاسم به من خبر می‌دهد؟»

در این هنگام جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد؛ با دیدن او، اشک از چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله سرازیر شد و فرمود: «آیا می‌بینی که قوم من با من چه کردند؟ مرا تکذیب نمودند و از میان خود راندند و به من حمله ور شدند.»

جبرئیل عرض کرد «ای محمد دستت را به من بده!» آن‌گاه دست حضرت را گرفت و بالای کوه، برد فرشی بهشتی آورد و حضرت را روی آن نشانند و سپس فرشتگان مقرب الهی هر یک به ترتیب به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و از حضرت اجازه خواستند تا مشرکان را نابود نمایند. حضرت فرمود: «من برای عذاب مبعوث نشده‌ام بلکه برای رحمت بر جهانیان برانگیخته شدم. مرا با قوم من به

خود وا گذارید! آن ها ناآگاهند».

در این هنگام جبرئیل به حضرت خدیجه علیها السلام که در دامنه کوه در جستجوی پیامبر صلی الله علیه و آله بود نگاه کرد و به حضرت عرض کرد: «آیا خدیجه علیها السلام را نمی بینی که از گریه او فرشتگان آسمان گریستند؟ او را به سوی خود بخوان و سلام مرا به او برسان و به او بگو: خداوند به تو سلام می رساند و به او مژده خانه ای در بهشت بده که از قطعه ای بلوری ساخته شده و با طلا زینت گردیده است. خانه ای که در آن هیچ رنج و نگرانی نیست».

پیامبر صلی الله علیه و آله خدیجه علیها السلام را دیدند و او را صدا زدند در حالی که خون از صورت حضرت سرازیر بود و حضرت آن خون ها را پاک می کردند، خدیجه علیها السلام با دیدن چهره خونین پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: پدر و مادرم به فدایت! بگذار قطرات خون چهره ات بر زمین بریزد و این مردم دچار عذاب شوند». حضرت فرمود: «می ترسم زمین بر اهل خود غضب کند» سپس چون هوا تاریک شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام و خدیجه علیها السلام به خانه بازگشتند خدیجه علیها السلام که بر حضرت احساس خطر کرده بود ایشان را در اتافی جای داد که دیوارها و سقف آن از سنگ بود و خود مقابل حضرت ایستاد و حضرت را مخفی می داشت. مشرکان چون خبردار شدند، آمدند و خانه حضرت را سنگ باران کردند دیوارها و سقف سنگی مانع نفوذ سنگ ها می شد ولی از رویه روی حضرت، سنگ هایی به طرف ایشان می آمد که حضرت خدیجه علیها السلام با فداکاری خود را در مقابل آن سنگ ها قرار داد تا به بدن پیامبر صلی الله علیه و آله اصابت نکند و فریاد برآورد: «ای گروه قریش! آیا زن آزاد را در خانه خود سنگ باران می کنید؟» مشرکان با شنیدن این ندا ادامه نداند و بازگشتند... (1)

بعد دوم فداکاری خدیجه کبری علیها السلام برای اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فدا کردن شخصیت اجتماعی خویش بود که در اصرار وی بر ازدواج با آن حضرت صورت گرفت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آن زمان از حیثیت اجتماعی برخوردار نبود و او

ص: 515

را به عنوان یتیم ابوطالب می شناختند ولی جناب خدیجه علیها السلام دارای موقعیت اجتماعی عظیمی بود. وی فرزند خویلد بن اسد بن عبدالعزیٰ ابن قصی بن کلاب بود و قصی جد چهارم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می آمد. پدر ایشان جناب خویلد، به جهت مقاومت در مقابل تُبع، فرمان روای یمن که شهر مکه را تسخیر کرد و می خواست حجر الاسود را با خود به یمن برد مشهور گشت؛ زیرا وی با این فرمان مخالفت کرد و مردم نیز به دنبال وی مقاومت کردند به گونه ای که تُبع از تصمیم خود منصرف شد و این فداکاری خویلد و شجاعت وی زبانزد مردم گشت (1) از طرف دیگر به جهت زیبایی، تجمل و درایت فراوان و نیز عفاف و طهارت روحی در جاهلیت به «طاهره» مشهور بود (2) و در تاریخ از او به عنوان بانویی دور اندیش با فکر و شریف نام برده شده است. (3) از همه مهم تر ثروت انبوه او بود که با آن به تجارت می پرداخت و نزد مردم مکه بسیار معروف بود، به گونه ای که بزرگانی از وی خواستگاری کردند ولی او نپذیرفت تا آن که خود پیشنهاد ازدواج با پیامبر صلی الله علیه و آله را مطرح کرد. آری جهاد مهم حضرت خدیجه علیها السلام در نادیده گرفتن موقعیت اجتماعی خویش و انتظارات اقوام و وابستگان خود و فدا کردن همه این ها در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود به گونه ای که مردم از وی بریدند و گفتند: «خدیجه علیها السلام با آن همه حشمت و شوکت با یتیم ابوطالب که تهی دست است ازدواج کرده آیا این عار و ننگ نیست؟» (4)

آن ها به گونه ای از خدیجه علیها السلام اعراض کردند که حتی حاضر نشدند به استمداد او هنگام زایمان پاسخ دهند و با کمال گستاخی گفتند: «تو با ما مخالفت کردی و به سخن ما اعتنا نکردی و با یتیم ابوطالب که شخص فقیر بود ازدواج کردی. ما هرگز نزد تو نمی آییم و تو را در هیچ کاری یاری نمی کنیم». (5)

ص: 516

1- الروضه الانف، ج 2، ص 213

2- اسد الغابه، ج 6، ص 86

3- همان ص 83؛ الطبقات الکبری، ج 1، ص 131.

4- بحار الانوار، ج 16، ص 81.

5- همان، ص 80

حضرت خدیجه علیها السلام چنان حیثیت خود را فدای اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمود که با آن همه موقعیت و شرافت و امکانات مادی، حاضر شد در شعب ابی طالب و محاصره بی رحمانه قریش سه یا چهار سال سخت ترین وضعیت روحی و جسمی و امنیتی را تحمل کند و سرانجام اندکی پس از خروج از شعب، جان به جان آفرین تسلیم نمود.

جهت سوم فداکاری فوق العاده حضرت خدیجه علیها السلام بخشش دارایی انبوه خویش برای اسلام و در اختیار گذاردن آن نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. ثروتی بس انبوه که بسیاری از مردم مکه با آن به تجارت می پرداختند. برخی نوشته اند: هشتاد هزار شتر اموال تجارته او را به اطراف جزیره العرب و خارج از آن به مصر و حبشه و روم و شام و... حمل می کردند و چهار صد غلام و کنیز زیر نظر او به امور وی می رسیدند (1).

پر واضح است که هر انقلابی به ویژه در اوایل ظهورش به امکانات فراوانی برای پیشبرد اهداف خود نیاز دارد که جزء با تأمین مسائل مادی محقق نمی گردد. انقلاب اسلامی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در آن دوران بسیار سخت، از اموال جناب خدیجه علیها السلام بسیار بهره برد و بالاترین تأثیر را در حفظ و تبلیغ اسلام و مسلمانان بر جای نهاد در آن وضعیت تنها ثروت بابرکت جناب خدیجه علیها السلام به کمک مسلمانان بینوا و آزاد کردن برده ها و خدمت به مسلمانانی آمد که اموال آن ها مصادره شده و در سخت ترین فشار قرار داشتند (2) به همین جهت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

هیچ مالی هرگز به من سود نبخشید آن گونه که ثروت خدیجه به من سود بخشید. (3)

طبق روایات، آیه کریمه (وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى)؛ «خداوند تو را فقیر یافت و بی نیاز ساخت» به ثروت حضرت خدیجه علیها السلام اشاره دارد که خداوند،

ص: 517

1- همان، ص 22

2- همان، ج 19، ص 62

3- همان، ص 63

پیامبر صلی الله علیه و آله را به وسیله آن بی نیاز نمود. (1) به ویژه در وضعیت سخت شعب ابی طالب که مسلمانان از جهت اقتصادی به شدت در محاصره بودند و حتی صدای ناله اطفال گرسنه آنان به گوش می رسید و جز در وقت حج قدرت بیرون آمدن نداشتند. (2)

علامه مامقانی می گوید:

این افتخار و شرافت که بالاترین افتخارهاست برای حضرت خدیجه علیها السلام بس که اسلام جز با مال او و شمشیر علی بن ابی طالب پا نگرفت و این مطلب در روایات متواتر آمده است. (3)

این گونه بانوی بزرگ، اسلام از ابعاد مختلف به حمایت از اسلام و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پرداخت و با اخلاق و درایت باعث آرامش پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه بود و با تلاش خستگی ناپذیر در دفاع از حضرت همه دارایی خویش را در راه اسلام تقدیم کرد لذا حقی عظیم بر مسلمانان پیدا کرد. او همه این فداکاری های عظیم را از صمیم قلب و خالصانه و با کمال عشق و صفا به پیامبر صلی الله علیه و آله و اسلام عرضه داشت و به درستی مصداق بزرگ آیه (لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتِلٌ...) بود. (4)

به راستی حضرت خدیجه علیها السلام، از بزرگ ترین پشتوانه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اسلام بود که وجود او را باید امداد بزرگ الهی همتای نزول ملائکه در جنگ بدر و تأیید روح القدس و نزول آرامش بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانست که در دوران بسیار حساس و سرنوشت ساز خداوند او را به کمک پیامبرش فرستاد و این گونه بود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگز او و فداکاری هایش را فراموش نکرد. در روایت است:

(كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا ذَكَرَ خَدِيجَةَ لَمْ يَسْأَمْ مِنْ ثَنَاءٍ عَلَيْهَا وَاسْتِغْفَارٍ لَهَا)؛ (5)

ص: 518

1- همان، ج 35، ص 425

2- بحار الانوار، ج 19، ص 16؛ اعلام الوری، ج 1، ص 125.

3- تنقیح المقال، فصل النساء، ج 3، ص 77

4- سوره حدید آیه 10

5- بحار الانوار، ج 16، ص 12.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وقتی یاد خدیجه علیها السلام می کردند، از تمجید و تعریف و استغفار برای او خسته نمی شدند.

حضرتش بسیار از خدیجه علیها السلام یاد می نمودند و حتی نزد بانوان دیگر خود از او تجلیل می کردند به گونه ای که عایشه به شدت از این روش پیامبر صلی الله علیه و آله خشمگین می شد و می گفت:

من آن گونه که بر خدیجه علیها السلام رشک می بردم بر هیچ یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله رشک نبردم با آن که هرگز خدیجه علیها السلام را ندیدم؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله از خدیجه علیها السلام بسیار یاد می کرد؛ چون گوسفندی قربانی می نمود و آن را قسمت کرده نزد بانوانی که از دوستان خدیجه علیها السلام بودند می فرستاد و من می گفتم: گویا در عالم جز خدیجه علیها السلام، بانویی نیست... (1)

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میان همسران خود بودند که سخن از حضرت خدیجه علیها السلام شد. حضرتش چنان متغیر شدند که قطره های اشک از چشم های مبارکش سرازیر شد. عایشه به حضرت گفت: «چرا گریه می کنی؟ آیا برای پیرزن گندمگونی از خاندان اسد باید گریست؟» حضرت فرمود:

او مرا تصدیق کرد وقتی شما تکذیب کردید و به من ایمان آورد وقتی شما به من کفر ورزیدید و برای من فرزند آورد، وقتی شما عقیم بودید. (2)

روزی دیگر وقتی هاله خواهر خدیجه علیها السلام به مدینه برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاد عزیز از دست رفته اش افتاد و بر خود لرزید عایشه گفت: «چقدر از پیرزن قریش که سالخوردگی صورتش را چروک کرده بود یاد می کنی با آن که روزگار او را نابود کرده و خداوند، همسری بهتر از او به شما داده است».

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با شنیدن این سخن چنان خشمگین شدند که موی جلوسر حضرت لرزید و فرمود:

لا والله ما أبدلني خيرا منها، نه به خدا سوگند، خداوند هیچ گاه بهتر از

ص: 519

1- اسد الغابه، ج 6، ص 87؛ سید محمد علی صالح قزتی، السیده خدیجه، ص 115.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 8؛ کشف الغمه، ج 2، ص 72

خدیجه علیها السلام به من نداده است! او به من ایمان آورد وقتی مردم به من کفر ورزیدند و مرا تصدیق کرد وقتی مردم مرا تکذیب کردند و هنگامی با ثروت خویش به یاری من شتافت که دیگران مرا محروم ساختند و خداوند از او به من فرزندان داد که از دیگر زنان داد... (1)

خداوند نیز از این بانوی عظیم الشان قدردانی نمود و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به حضرت خدیجه علیها السلام فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ لَيُبَاهِي بِكَ كِرَامَ مَلَائِكَتِهِ كُلِّ يَوْمٍ مَرَارًا)؛ (2)

خداوند به تو هر روز چند بار بر ملائکه بزرگوار خود مباحثات می کند

امام باقر علیه السلام از قول پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

شب معراج وقتی برگشتم به جبرئیل گفتم: «آیا خواسته ای داری؟» او گفت: «خواسته من آن است که از جانب خداوند و از جانب من بر خدیجه علیها السلام سلام برسانی!» و چون حضرت سلام را ابلاغ نمود، حضرت خدیجه علیها السلام گفت: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّلَامُ، وَمِنْهُ السَّلَامُ، وَإِلَيْهِ السَّلَامُ، وَعَلَى جِبْرِئِيلَ السَّلَامُ». (3)

سلام و صلوات خداوند بر آن روح قدسی و مطهر بانوی فداکار اسلام و سکینه الهی و امداد بزرگ خداوند در نصرت اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بر شوهر و دختر فرزانه و ائمه طاهرین از نسل پاک او باد که افتخار بانوان جهان و همه مسلمانان به ویژه آل محمد صلی الله علیه و آله است.

ص: 520

1- اسد الغابه، ج 6، ص 87.

2- بحار الانوار، ج 16، ص 78

3- همان، ص 7؛ الاستیعاب ج 4، ص 1821

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

